جمعی از نویسندگان

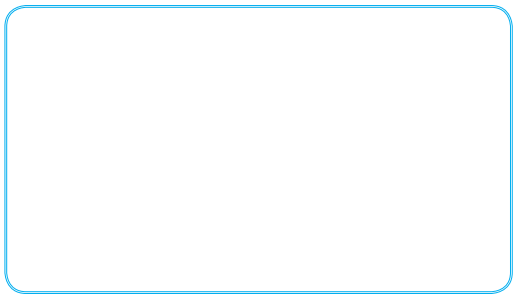

شماره

گلستان‌حدیث

تألیف: ..... جمعی از نویسندگان

ناشر: ..... انتشارات زائر

چاپخانه: ..... زائر

صفحه‌آرایی: ..... محسن زند

نوبت چاپ: ..... اول / تابستان ۱۳۹۶

شمارگان: .....

قیمت: .....

شابک: .....

تلفن:۳۵۸۰۴۹۲۳ ص.پ: ۳۵۹۷ ۳۷۱۸۵

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

مقـدمه ۷
چهل حدیث آراستگی ۱۱
چهل حدیث اتحاد اسلامی ۲۲
چهل حدیث امامت ۳۴
چهل حدیث ایثار ۴۷
چهل حدیث برزخ ۶۰
چهل حدیث بهشت و جهنم ۷۴
چهل حدیث پدر ۸۷
چهل حدیث پیوند خویشاوندی ۱۰۰
چهل حدیث توبه ۱۱۵
چهل حدیث جوان ۱۲۷
چهل حدیث حضرت مهدی عجل اللّه تعالی ۱۴۰
چهل حدیث حقوق بشر ۱۵۲
چهل حدیث حکومت اسلامی ۱۶۶
چهل حدیث حلال و حرام ۱۸۱
چهل حدیث خانواده ۱۹۳
چهل حدیث خوش‌بختی ۲۰۷
چهل حدیث داوری ۲۲۰
چهل حدیث در منزلت عالمان ربانی ۲۳۲
چهل حدیث منزلت قلب ۲۴۶
چهل حدیث دین‌شناسی ۲۵۷

چهل حدیث ذِکر ۲۶۹
چهل حدیث روزه و رمضان ۲۸۰
چهل حدیث رؤیا ۲۹۴
چهل حدیث زبان (سخن) ۸۰۳
چهل حدیث سخن و سیره پیامبران ۳۱۹
چهل حدیث شب قدر ۳۳۲
چهل حدیث امام حسین علیه السلام و عاشورا ۳۴۳
چهل حدیث عدالت ۳۵۹
چهل حدیث عقل ۳۷۱
چهل حدیث عمل ۳۸۲
چهل حدیث کرامت انسان ۳۹۵
چهل حدیث کودک ۴۰۷
چهل حدیث گل‌های آفرینش ۴۱۹
چهل حدیث گناه ۴۳۴
چهل حدیث مادر ۴۴۶
چهل حدیث محبّت ۴۶۳
چهل حدیث موفقیت ۴۷۵
چهل حدیث نظم و دین داری ۴۸۶
چهل حدیث وظائف مسلمانی ۴۹۹
چهل حدیث ولایت ۵۱۵
فهرست منابع ۵۳۱

مقدمه

قرآن کریم مهم‌ترین منبع معارف اسلامی و برنامه حیات‌بخش از طرف خداوند متعال است و ارمغان خاتم‌الانبیاء ﷺ برای بشریت است که در بردارنده خطوط کلی و اصلی زندگی همراه با سعادت در دنیا و آخرت می‌باشد.

طبق بیان قرآن کریم، پیامبر ﷺ و جانشینان معصوم آن حضرت، مفسران و تبیین‌کنندگان پیام جاودانه قرآن هستند و خداوند بزرگ، ما را در عمل به سیره و سخن پیامبر ﷺ توصیه کرده است:

﴿وَمَآ ءَاتَىٰكُمُ ٱلرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَىٰكُمْ عَنْهُ فَٱنتَهُوا۟﴾؛[1]

﴿لَّقَدْ كَانَ لَكُمْ فِى رَسُولِ ٱللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾؛[2]

﴿وَمَا يَنطِقُ عَنِ ٱلْهَوَىٰٓ ۝ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْىٌ يُوحَىٰ﴾؛[3]

﴿بِٱلْبَيِّنَٰتِ وَٱلزُّبُرِ ۗ وَأَنزَلْنَآ إِلَيْكَ ٱلذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾؛[4]

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَطِيعُوا۟ ٱللَّهَ وَأَطِيعُوا۟ ٱلرَّسُولَ وَأُو۟لِى ٱلْأَمْرِ مِنكُمْ﴾.[5]

---

۱. حشر/۷.
۲. احزاب/۲۱.
۳. نجم/۴-۳.
۴. نحل/۴۴.
۵. نساء/۵۹.

سخنان رسول خدا ﷺ و جانشینان معصوم آن بزرگوار به خاطر اتصال به منبع عظیم وحی و گنجینه معارف اسلامی در بردارنده معارف، اصول، حکمت، اخلاق و... می‌باشد.

عقل بشر در برابر احادیث نورانی اهل‌بیت ﷺ، خضوع می‌کند و قلب خشوع می‌یابد و روح تشنه آدمی سیراب می‌شـــود. این احادیث نورانی منشوری است که حکمت از قدس و معارف ناب را بر دل‌ها و عقل‌ها می‌تاباند. این کلمات گلشن روح‌پرور گنجینه‌ای گران‌بها و سرمایه‌ای پایان‌ناپذیر است.

امام باقر ﷺ به دو نفر از اصحاب خود فرمود:

«شَرِّقَا أَوْ غَرِّبَا، فَلَا تَجِدانِ عِلماً صَحِيحاً اِلّا شَـــيئاً خَرَجَ مِنْ عِندِنا أهلِ البَيتِ؛[1]

اگرچه به شـــرق و غـــرب جهان بروید، هیچ دانش صحیحی نخواهید یافـــت، مگر آن که از ما خاندان پیامبر صادر شود».

امام صادق ﷺ فرمود:

«اِعرِفُوا مَنَازِلَ النَّاسِ مِنّا عَلَى قَدرِ رِوايَاتِهِم عَنَّا؛[2] مقام و منزلت مردم را نزد ما به میزان نقل احادیث و روایات از ما بشناسید».

معاویة بن عمار می‌گوید به امام صادق ﷺ عرض کردم: شخصی است که بسیار از شما حدیث نقل می‌کند و آن‌ها را در بین مردم منتشر کرده، قلب‌های شیعیان شما را بدین وسیله محکم می‌کند. از ســـوی دیگر چه بسا شخص عابدی از شیعیان شـــما این میزان حدیث نقل نمی‌کند؛ کدام‌یک افضل هستند؟ امام فرمود: «رَاوِيَةٌ لِحَدِيثِنَا يَبُثُّ فِي النَّاسِ وَ يُشَدِّدُ فِي قُلُوبِ شِيعَتِنَا أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ؛[3] روایت کننده حدیث ما که آن را میان مردم منتشر می‌کند و به وسیله آن دل‌های شیعیان ما را محکم و استوار می‌سازد، از هزار عابد بهتر است».

---

۱. **الکافی**، ج۱، ص۳۹۹.
۲. **بحارالأنوار**، ج۲، ص۱۴۵.
۳. همان.

همواره مدیون راویان، محدّثان و عالمان گذشته شیعه‌ایم که با دقّت و درایت و مسئولیت‌شناسی، سخنان نورانی پیشوایان معصوم را ثبت و ضبط کرده و به عنوان «میراث اهل‌بیت» به نسل‌های بعدی سپرده‌اند.

احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام آن‌گونه که خودشان فرموده‌اند، «نور» است.

مجموعه‌های حدیثی، دانشکده‌های صامت امّا جاویدان امامان شیعه است که بشریّت را آموزش غیرحضوری می‌دهد و خرسندیم که ما میراث‌دار این علوم و معارفیم. برای پیمودن راه صحیح زندگی و رهایی از حیرت‌ها و ضلالت‌ها و کج راهه‌ها، نیازمند این احادیثیم که «چراغ راه» و هدایت‌گر اندیشه‌ها و صفابخش دل‌ها و جان‌هاست.

روایات پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیت او علیهم‌السلام، هم در عرصه مباحث اعتقادی برای ما «حجّت»، هم در قلمرو فقه و تبیین احکام شرع و حلال و حرام الهی سند و پشتوانه، و هم در موضوعات اخلاقی، تربیتی، تهذیب نفس، و پند و موعظه، سرشار از حکمت و بینش و هدایت است و اگر مردم با احادیث نورانی خاندان عصمت و طهارت آشنا شوند، دل در گرو محبت و اطاعت آنان می‌نهند، همان‌گونه که حضرت رضا علیه‌السلام فرمود:

«اِنَّ النّاسَ لو عَلِموا مَحاسِنَ کلامِنا لاَتّبعُونا؛[1] اگر مردم خوبی‌ها و زیبایی‌های سخن ما را بدانند، از ما پیروی می‌کنند».

بر این اساس، آموختن، نوشتن، بیان، نشر، شرح و تبیین، حفظ و تعلّم احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام کاری است ارزشمند و در راستای حفظ و گسترش فرهنگ اهل‌بیت علیهم‌السلام.

کتب حدیثی شیعه، هم‌چون دریایی عمیق و موّاج پر از گهرهای نفیس است. برای بهره‌گیری از ذخایر این اقیانوس ژرف و پرگهر، باید به غوّاصی در دل آن پرداخت و لؤلؤ و مرجان‌هایی به دست آورد و به نسل امروز و مشتاقان عرضه کرد.

سیره و روش اصحاب، تابعین و شاگردان معصومین علیهم‌السلام به‌خوبی نشان می‌دهد که آنان، گاه

---

۱. همان، ص ۳۰.

برای شنیدن یک حدیث، رنج سفری طولانی را بر خود هموار می‌کردند و با سالکان از شهری به شهر دیگر مسافرت می‌نمودند.

«چهل حدیث نویسی»، یکی از گام‌های ارزشمند در نشر و تشریح احادیث عترت پاک نبوی است که عالمان از دیرباز به آن مبادرت می‌ورزیدند و جامعه را از معنویّت آثار اهل‌بیت علیهم‌السلام بهره‌مند می‌ساختند. این‌که امامان فرموده‌اند: «هرکس چهل حدیث از احادیث ما را حفظ کند، در روز قیامت فقیه و دین‌شناس برانگیخته می‌شود»، هم پشتوانه چنین حرکت علمی و فرهنگی است و هم ما را به ضرورت حفظ احادیث آنان آگاه می‌کند؛ چه حفظ به معنای به حافظه سپردن باشد، چه ثبت و ضبط و جلوگیری از فراموش شدن و از بین رفتن و چه به معنای حفظ در عمل. به هر حال، تشویقی است برای رویکرد به معارف اهل بیت علیهم‌السلام که در کلمات نورانی آنان نهفته است.

امروز، نیاز جامعه به آشنایی با فرهنگ ناب اهل‌بیت علیهم‌السلام، بیش از هر زمان احساس می‌شود. عطش و استقبالی هم که مردم از خود نشان می‌دهند، ضرورت ارائه و عرضه کلمات خاندان عصمت را در قالبی روان، سهل الوصول و متناسب با اقشار مختلف علاقه‌مند، روشن‌تر نشان می‌دهد و به همین دلیل، مراکز و مؤسّسات و اشخاصی به نشر «چهل حدیث» می‌پردازند.

آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام نیز به عنوان یک حرکت فرهنگی در راه نشر احادیث پیشوایان دین و ترویج معارف عترت، اقدام به چاپ این سلسله از چهل حدیث‌های موضوعی کرده است. موضوعات، ابتدا در کمیته‌ای تعیین، سپس به محققان و مؤلفان سفارش داده شده تا به گردآوری و تدوین چهل حدیث پیرامون موضوعات برگزیده بپردازند. سعی شده است اغلب موضوعات، اخلاقی، تربیتی، کاربردی و معارفی باشد؛ تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

مرحله اول این حرکت فرهنگی با تصویب چهل موضوع کاربردی و واگذاری آن به مؤلفان سال ۱۳۸۷ آغاز و بحمدالله تا سال ۱۳۸۹ نه‌تنها این چهل موضوع تهیه و چاپ شد، بلکه بسیاری از عناوین به چاپ دوّم، سوم و چهارم نیز رسید. با نظر به استقبال خوانندگان گرامی و جهت سهولت در بهره‌برداری از این مجموعه گران‌بها، همه این ۱۶۰۰ حدیث در یک مجلد تقدیم گردیده است.

چهل حدیث آراستگی

ناصر بهرامی

از آن‌جا که آیین اســـلام به زیبایی و آراستگی به عنوان یک ارزش می‌نگرد و پیروان خود را به آراسته بودن و پرهیز از آلودگی و بی‌نظمی و ژولیدگی توصیه می‌کند، آشنایی با احادیث این موضوع می‌تواند برای همگان جالب و سودمند باشد.

آراستگی، هم در بُعد روحی، معنوی و اخلاقی مورد توجّه است، هم در مورد بدن، چهره، لباس و زندگی.

امید است که آشنایی با رهنمودهای اولیای دین، ما را بیشتر آگاه سازد و با رعایت این نکات، بتوانیم در فکر و عمل و سلوک فردی و اجتماعی، الگوی دیگران باشیم.

آراستگی روحی (آراستگی اندیشه)

۱-۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلْعِلْمُ زَیْنُ الْأَغْنِیَاءِ وَ غِنَی الْفُقَرَاءِ؛[۱] دانش زینت دهنده ثروتمندان و بی‌نیاز کننده فقراست.

حکمت

۲-۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

عَلَیْكَ بِالْحِکْمَةِ فَاِنَّها الْحِلْیَةُ الْفاخِرَةُ؛[۲] حکمت زیوری است گران بها؛ و بر تو لازم است آن را به دست آوری.

ادب

۳-۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

حُسْنُ الْأَدَبِ زِینَةُ الْعَقْلِ؛[۳] تربیت نیکو، زینت خرد و عقل است.

زینت سخن

۴-۴ امام کاظم علیه‌السلام به عموزاده‌اش فرمود:

اُوصِیكَ وَ نَفْسِی بِتَقْوَی اللهِ فَاِنَّها زَیْنُ الْکَلامِ؛[۴] تو و خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم، زیرا توصیه به تقوا، زینت‌بخش کلام است.

---

۱. **غرر الحکم**، ص۴۲.
۲. همان، ص۵۸.
۳. **بحارالأنوار**، ج۷۵، ص۹۱.
۴. **الکافی**، ج۱، ص۳۶۷.

فصاحت

۵-۵ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اَلْفَصاحَةُ زِينَةُ الْكَلامِ؛[۱] فصاحت، زیبایی کلام و گفتار است.

عمل

۶-۶ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

اِنَّ فَضْلَ الْفِعْلِ عَلَى الْقَوْلِ لَجَمالٌ وَ زِينَةٌ؛[۲] بیشتر عمل کردن و کم‌تر گفتن، جمال زیبایی است.

سکوت

۷-۷ امام صادق علیه السلام:

اَلصَّمْتُ كَنْزٌ وافِرٌ وَ زَيْنُ الْحَلِيمِ؛[۳] سکوت گنجی سرشار و زیور شخص بردبار است.

زیبایی و آراستگی رفتار

۸-۸ امام صادق علیه السلام:

عَلَيْكَ بِالسَّخاءِ وحُسْنِ الْخُلُقِ فَاِنَّهُما يُزَيِّنانِ الرَّجُلَ؛[۴] بر تو باد به سخاوت و اخلاق نیک؛ به درستی که این دو انسان را زینت می‌دهند.

پارسایی

۹-۹ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

جَمالُ الْمُؤْمِنِ وَرَعُهُ؛[۵] زیبایی انسان مؤمن، در ورع و دوری از گناه است.

---

۱. **جامع الأخبار**، ص۱۲۲.
۲. **غررالحکم**، ص۲۱۰.
۳. **من لایحضره الفقیه**، ج۴، ص۳۹۶.
۴. **وسائل الشیعة**، ج۱۱، ص۴۳۴.
۵. **غرر الحکم**، ص۲۶۹.

زیبایی سیاست

۱۰-۱۰ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

جَمالُ السِّیاسَةِ اَلْعَدْلُ فِی الإِمْرَةِ وَالْعَفْوُ مَعَ الْقُدْرَةِ؛[۱] زیبایی سیاست‌مداری، عدالت در حکم‌رانی و بخشش در عین قدرت است.

زیبایی زندگی

۱۱-۱۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

جَمالُ الْعَیْشِ اَلْقَناعَةُ؛[۲] زیبایی زندگی در قناعت است.

زیبایی نماز

۱۲-۱۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلْخُشُوعُ زِینَةُ الصَّلاةِ؛[۳] خشوع زینت نماز است.

آراستگی قبل از دیدار

۱۳-۱۳ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اِنَّ اللهَ تعالی یُحِبُّ مِنْ عَبْدِهِ اِذا خَرَجَ إِلَی اِخْوانِهِ أَنْ یَتَهَیَّأَ لَهُمْ وَ یَتَجَمَّلَ؛[۴] خداوند متعال دوست دارد وقتی بنده‌اش نزد برادران خود می‌رود، خود را مرتب کند و بیاراید.

---

۱. همان، ص۳۳۹.
۲. همان، ص۳۹۱.
۳. **بحارالأنوار**، ج۷۵، ص۸۰.
۴. **مکارم‌الاخلاق**، ص۹۶.

آلودگی و نفرت

۱۴-۱۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اِنَّ اللّٰهَ تعالی یُبْغِضُ الْوَسِخَ وَالشَّعَثَ؛[۱] خداوند متعال شخص آلوده و ژولیده را دشمن می‌دارد.

آراستگی موی سر

۱۵-۱۵ امام صادق علیه السلام:

اَلشَّعْرُ الْحَسَنُ مِنْ کِسْوَةِ اللّٰهِ؛ فَأَکْرِمُوهُ؛[۲] موی زیبا از پوشش‌های خداست؛ پس آن را گرامی بدارید.

موی سر

۱۶-۱۶ امام صادق علیه السلام:

اِسْتَأْصِلْ شَعْرَکَ یَقِلُّ دَرَنُهُ وَ دَوابُّهُ وَ وَسَخُهُ وَ تَغْلُظُ رَقَبَتُکَ و یَجْلُو بَصَرُکَ؛[۳] موی سرت را کوتاه کن؛ چراکه (با کوتاه کردن) آلودگی‌ها و انگل‌های آن را کم کرده، و گردنت ستبر و نور دیده‌ات افزون می‌شود.

شانه زدن

۱۷-۱۷ امام صادق علیه السلام:

اِنَّ الْمَشْطَ یَجْلِبُ الرِّزْقَ و یُحَسِّنُ الشَّعْرَ و یُنْجِزُ الْحاجَةَ وَ یَزِیدُ فِي مَاءِ الصُّلْبِ و یَقْطَعُ الْبَلْغَمَ؛[۴] به درستی که شانه زدن روزی می‌آورد و مو را زیبا می‌کند و حاجت را برآورده می‌سازد و آب پشت را می‌افزاید و بلغم (خلط سینه) را از بین می‌برد.

---

۱. **کنزالعمال**، ج۶، ص۶۴۱.
۲. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۱، ص۱۲۹.
۳. **الکافی**، ج۶، ص۴۸۴.
۴. **وسائل‌الشیعة**، ج۲، ص۱۲۱.

روغن زدن

۱۸-۱۸ امام صادق علیه‌السلام:

اَلدُّهْنُ یَذْهَبُ بِالْبُؤْسِ؛[۱] روغن زدن و مرتب کردن موی سر، ژولیدگی را از انسان دور می‌کند.

رنگ کردن مو

۱۹-۱۹ امام صادق علیه‌السلام:

خَضَابُ الرَّأسِ و اللِّحْیَةِ مِنَ السُّنَّةِ؛[۲] رنگ کردن سر و ریش از سنت به حساب می‌آید.

آراستگی موی صورت

۲۰-۲۰ امام صادق علیه‌السلام:

مَشْطُ اللِّحْیَةِ یَشُدُّ الاَضْراسَ؛[۳] شانه زدن ریش، دندان‌ها را محکم می‌کند.

شارب

۲۱-۲۱ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

لا یُطَوِّلَنَّ اَحَدُکُمْ شارِبَهُ، فَاِنَّ الشَّیْطانَ یَتَّخِذُهُ مَخْبَأً یَسْتَتِرُبِهِ؛[۴] هیچ‌کس موی سبیل خود را بلند نگذارد؛ چون شیطان آن را پناهگاه خود قرار می‌دهد.

---

۱. **الکافی**، ج۶، ص۴۸۸.
۲. **مکارم‌الأخلاق**، ص۸۱.
۳. **وسائل‌الشیعة**، ج۲، ص۱۲۴.
۴. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۱، ص۱۲۷.

روغن زدن شبانه

۲۲-۲۲ امام باقر علیه‌السلام:

دُهْنُ اللَّيْلِ يَجْرِي فِي الْعُرُوقِ وَ يُرَوِّي الْبَشَرَةَ وَ يُبَيِّضُ الْوَجْهَ؛[۱] روغن زدن هنگام شب، باعث رسیدن آن به رگ‌ها شده، پوست را سیراب و شاداب، و صورت را سفید می‌کند.

سرمه کشیدن

۲۳-۲۳ امام صادق علیه‌السلام:

الْكُحْلُ يُنْبِتُ الشَّعْرَ وَ يُجَفِّفُ الدَّمْعَةَ وَ وَ يُعْذِبُ الرِّيقَ وَ يَجْلُو الْبَصَرَ؛[۲] سرمه کشیدن مو را می‌رویاند و آب مروارید را خشک می‌کند و آب دهان را گوارا می‌گرداند و چشم را روشن می‌کند.

آراستگی بینی

۲۴-۲۴ امام صادق علیه‌السلام:

اَخْذُ الشَّعْرِ مِنَ الاَنْفِ يُحَسِّنُ الْوَجْهَ؛[۳] کوتاه کردن موی بینی، صورت را نیکو و زیبا می‌کند.

مسواک زدن

۲۵-۲۵ امام صادق علیه‌السلام:

لِكُلِّ شَيءٍ طَهُورٌ و طَهُورُ الْفَمِ السِّواكُ؛[۴] هر چیزی پاک‌کننده‌ای دارد و مسواک پاک‌کنندهٔ دهان است.

---

۱. **طب‌الأئمة**، ص۹۳.
۲. **ثواب‌الأعمال**، ص۲۲؛ **الکافی**، ج۶، ص۴۹۴.
۳. **عوالی‌اللئالی**، ج۴، ص۱۴.
۴. **مکارم‌الأخلاق**، ص۴۹.

کوتاه کردن ناخن

۲۶-۲۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

تَقْلِیمُ الاَظْفارِ یَمْنَعُ الدّاءَ الاَعْظَمَ وَ یَجْلِبُ الرِّزْقَ؛[۱] کوتاه نمودن ناخن‌ها، از بیماری‌های مهم و (لاعلاج) جلوگیری می‌کند و باعث جلب روزی می‌شود.

آراستگی لباس

۲۷-۲۷ امام صادق علیه‌السلام

اِلْبَسْ وَ تَجَمَّلْ فَاِنَّ اللهَ جَمیلٌ یُحِبُّ الْجَمالَ؛[۲] لباس زیبا بپوش؛ زیرا خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد.

لباس پاکیزگی

۲۸-۲۸ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مَنِ اتَّخَذَ ثَوْباً فَلْیُنَظِّفْهُ؛[۳] هرکس لباسی می‌پوشد، باید آن را پاکیزه نگه دارد.

شستن لباس

۲۹-۲۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

غَسْلُ الثِّیابِ یُذْهِبُ الهَمَّ و الْحُزْنَ و هُوَ طَهُورٌ لِلصَّلاةِ؛[۴] شستن لباس‌ها غم و اندوه را دور می‌سازد و پاکیزگی برای نماز شمرده می‌شود.

---

۱. **تحف‌العقول**، ص ۱۰۰.
۲. **وسائل‌الشیعة**، ج۵، ص۶.
۳. **الکافی**، ج۶، ص۴۴۱.
۴. **وسائل‌الشیعة**، ج۵، ص۱۴.

تنظیم لباس

۳۰-۳۰ امام صادق علیه‌السلام:

كانَ أَميرُالْمُؤْمِنينَ علیه‌السلام اِذا لَبِسَ الْقَميصَ مَدَّ يَدَهُ فَاِذا طَلَعَ على اَطْرافِ الْأَصابِعِ قَطَعَهُ؛[1] هنگامی که امیرمؤمنان علیه‌السلام پیراهن می‌پوشید، دست خویش را راست می‌کشید و آن‌چه از سرانگشتان فزونی می‌یافت، می‌برید.

لباس شهرت

۳۱-۳۱ امام صادق علیه‌السلام:

اِنَّ اللهَ تَبارَكَ وَ تعالى يُبْغِضُ شُهْرَةَ اللِّباسِ؛[2] خداوند متعال لباس شهرت را (که باعث انگشت‌نما شدن است) دوست ندارد.

انگشتر عقیق

۳۲-۳۲ امام رضا علیه‌السلام:

اَلْعَقيقُ يَنْفِي الْفَقْرَ وَ لُبْسُ الْعَقيقِ يَنْفِي النِّفاقَ؛[3] عقیق فقر را برطرف می‌کند و پوشیدن عقیق (به‌عنوان انگشتر یا چیزهای دیگر) نفاق را از بین می‌برد.

پوشیدن انگشتر

۳۳-۳۳ امام صادق علیه‌السلام:

مِنَ السُّنَّةِ لُبْسُ الْخاتَمِ؛[4] از سنت‌ها[ی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله] پوشیدن انگشتر است.

---

۱. **الکافی**، ج۶، ص۴۵۷.
۲. همان، ص۴۴۴.
۳. همان، ص۴۷۰.
۴. همان، ص۴۶۸.

عطر زدن

۳۴-۳۴ امام رضا علیه‌السلام:

اَلطِّيبُ مِنْ اَخْلاقِ الْأَنْبِيَاءِ؛[۱] عطر زدن از اخلاق پیامبران است.

تصاویر در خانه

۳۵-۳۵ امام صادق علیه‌السلام از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل میکند که فرمود:

اَتانِي جَبْرَئِيلُ وَ قَالَ: «يا مُحَمَّدُ! اِنَّ رَبَّكَ يُقْرِئُكَ السَّلاَمَ و يَنْهَى عن تَزْوِيقِ الْبُيُوتِ». قَالَ أَبُوبَصِيرٍ: فَقُلْتُ: «ما تَزْوِيقُ الْبُيُوتِ؟» فَقالَ: «تَصَاوِيرُ التَّماثِيلِ»؛[۲] جبرئیل سوی من آمد و گفت: «ای محمّد! به درستی که پروردگارت به تو سلام کرده و از زینت دادن خانه‌ها نهی می‌کند». ابوبصیر گوید از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم: «زینت دادن خانه‌ها چیست؟» فرمود: «عکس موجودات دارای روح».

گچ‌کاری خانه

۳۶-۳۶ امام صادق علیه‌السلام:

اِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ، اِذا اَنْعَمَ على عَبْدٍ نِعْمَةً اَحَبَّ اَنْ يَرى عَلَيْهِ أَثَرَهَا، قِيلَ: «وَ كَيْفَ ذَلِكَ؟» قَالَ: «يُنَظِّفُ ثَوْبَهُ، و يُطَيِّبُ رِيحَهُ، وَ يُجَصِّصُ دارَهُ»؛[۳] هرگاه خداوند به بنده‌ای نعمتی دهد، دوست دارد اثر آن را در او ببیند. عرض شد: «چگونه؟» فرمود: «لباس تمیز بپوشد، از بوی خوش استفاده کند، خانه‌اش را گچ‌کاری کند».

---

۱. **الحدائق‌الناضرة**، ج۵، ص۵۷۶.
۲. **الکافی**، ج۶، ص۵۲۶.
۳. **مکارم‌الأخلاق**، ص۴۱.

نظافت خانه

۳۷-۳۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

نَظِّفُوا بُيُوْتَكُمْ مِنْ حَوْكِ الْعَنْكَبُوتِ فَاِنَّ تَرْكَهُ فِى الْبَيْتِ يُورِثُ الْفَقْرَ؛[1] منازلتان را از تار عنکبوت پاک کنید، چراکه ترک این عمل فقر را به ارث می‌آورد.

آراستگی زنان (آویختن گردن‌بند)

۳۸-۳۸ امام صادق علیه‌السلام:

لا يَنْبَغِى لِلْمَرْأَةِ اَنْ تُعَطِّلَ نَفْسَها وَلَوْ اَنْ تُعَلِّقَ فِى عُنُقِهَا قِلادَةً؛[2] سزاوار نیست که زنان خود را از زینت‌آلات محروم سازند، گرچه با آویختن گردن‌بندی به گردنشان باشد.

ناخن گذاشتن زنان

۳۹-۳۹ امام صادق علیه‌السلام:

قَالَ لِلرِّجَالِ: «قُصُّوا اَظافِيرَكُمْ»، و لِلنِّساءِ: «اُتْرُكْنَ فَاِنَّهُ اَزْيَنُ لَكُنَّ»؛[3] به مردان فرمود: «ناخن‌های خود را کوتاه کنید» و به زنان فرمود: «ناخن‌های خود را (مقداری) بلند نگه دارید که برای شما زیباتر است».

جمال زن

۴۰-۴۰ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

عُقُولُ النِّساءِ فِى جَمالِهِنَّ؛[4] عقل و خردمندی زن‌ها، در گرو حفظ زیبایی و جمالشان است.

---

۱. **وسائل‌الشیعة**، ج۵، ص۳۲۲.
۲. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۱، ص۱۲۳.
۳. **بحارالأنوار**، ج۷۳، ص۱۲۳.
۴. **امالی**، شیخ صدوق، ص۲۲۸.

چهل حدیث اتحاد اسلامی

الیاس محمدبیگی (صادقی)

داستان وحدت و تفرقه، داستانی قدیمی است.

وحدت، عامل نیرومندی ملت و دوام نعمت و دولت اســت و تفرقه سبب شکست و ضعف، و زبونی و استیلای دشمن. این حقیقت را، هم آیات هشداردهنده قرآن کریم بیان می‌کند، هم در روایات معصومین علیهم‌السلام بیان شــده، و هم در سرگذشت اقوام و ملل، نمونه‌ها و شواهد فراوان دارد.

برخــی امور، وحدت مــردم را برهم می‌زند و آنــان را رو در روی هم قرار می‌دهد، بعضی عوامل هم مایه همبستگی و اتحاد و انسجام مردم است.

باید محور وحدت را حفظ، و از علل و اسباب تفرقه و گسست پرهیز کرد.

خداوند متعال در قرآن کریم همگان را با هم برادر دانســته و به صلح و دوستی امر می‌کند:

﴿إِنَّمَا ٱلْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا۟ بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ ۚ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾؛[1] «مؤمنــان برادر یکدیگرند؛ پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید؛ باشد که مشمول رحمت او شوید».

---

۱. حجرات/۱۰.

عنایت الهی و اتحاد ملی

۴۱-۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اِلْزَمُوا السَّوادَ الاَعظَمَ فَاِنَّ یَدَ اللهِ مَعَ الجَماعَةِ؛[1] با تودهٔ عظیم مردمی همراهی کنید، که قدرت و مدد الهی متوجه جامعهٔ متحد و همراه است.

مسلمانان و برابری

۴۲-۲ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اَلمُسلِمُونَ اِخوَةٌ لا فَضلَ لِاَحَدٍ اِلّا بِالتَّقوی؛[2] مسلمانان برادر (و برابرند) و برتری بین آنان جز به تقوا نمی‌باشد.

اسلام و کلمه توحید

۴۳-۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

وَلتَجْتَمِع کَلِمَتُکُمْ وَ الزَمُوا دینَ اللهِ الَّذِی لا یُقبَلُ مِن اَحَدٍ غَیرُهُ وَ کَلِمَةَ الاِخلاصِ الَّتی هِیَ قِوامُ الدِّینِ؛[3] وحدت کلمه داشته باشید و بر محور دین (اسلامی) -که جز آن از کسی پذیرفته نشود- و کلمهٔ توحید -که استواری دین جز به آن حاصل نمی‌شود- گرد هم آیید.

ره آوردهای اسلام

۴۴-۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اذْکُرُوا إِذْ کُنْتُمْ قَلِیلًا مُشْرِکِینَ مُتَبَاغِضِینَ مُتَفَرِّقِینَ فَأَلَّفَ بَینَکُم بِالاِسْلامِ

---

۱. **نهج‌البلاغة**، خطبه ۱۲۷.
۲. **کنزالعمال**، ج۱، ص۱۴۹.
۳. **شرح نهج‌البلاغة**، ابن ابی‌الحدید، ج۴، ص۴۵.

فَكَثُرْتُمْ وَاجْتَمَعْتُمْ و تَحابَبتُمْ؛[1] به یاد آورید زمانی که اندک بودید و در حالت شرک و دشمنی و تفرقه قرار داشتید، اما خداوند بین شما به برکت اسلام، ایجاد انس و الفتی کرد که رهاورد آن، فراوانی جمعیت و وحدت جمعی و مهرورزی با یکدیگر بود.

رسالت محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله

۴۵-۵ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام در مورد بعثت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

دَفَنَ اللّهُ بِهِ الضَّغائِنَ وَ اَطفَأَ بِهِ النَّوائِرَ، اَلَّفَ بِهِ اِخواناً وَ فَرَّقَ بِهِ اَقراناً اَعَزَّ بِهِ الذِّلَّةَ وَ اَذَلَّ بِـهِ العِزَّةَ؛[2] خداوند با بعثت محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله کینه‌ها[ی جاهلی] را مدفون، و آتش‌های فتنه را خاموش، و بین مردم الفتی برادرانه برقرار کرد و بیگانگان متحد را از هم متفرق نمود و ذلّت و خواری (تحمیلی بر بندگان خدا) را به عزت و سربلندی مبدل ساخت و عزیزان بی‌جهت را خوار و ذلیل نمود.

قرآن

۴۶-۶ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اِنَّ هذَا القُرآنَ حَبلُ اللّهِ وَ هُوَ النُّورُ المُبینُ؛[3] به راستی این قرآن [همان] ریسمان (و دستگیره) الهی (جهت وحدت مسلمانان) است و قرآن همان نور روشنایی‌بخش و هدایت‌گر امت اسلامی است.

ره آورد محوریت قرآن

۴۷-۷ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام در مورد قرآن فرمود:

اِحیاءُهُ الاِجتماعُ عَلَیهِ وَ اِماتَتُهُ الاِفتراقُ عَنهُ؛[4] زنده نگهداشتن (و عملیاتی نمودن)

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۳۴، ص۳۶.
۲. **شرح نهج‌البلاغة**، ابن ابی‌الحدید، ج۷، ص۶۸.
۳. **وسائل‌الشیعة**، ج۶، ص۱۹۱.
۴. **نهج‌البلاغة**، خطبه ۱۲۷.

قرآن در اجتماع امت اســلامی، بر عمل کردن به آن و نابودی قرآن در فاصله گرفتن عملی از آن است.

امامت اهل بیت علیهم‌السلام

۴۸-۸ حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام:

جَعَلَ اللهُ... اِمامَتَنا اَماناً لِلفُرقَةِ؛[۱] خداوند امامت ما (اهل‌بیت علیهم‌السلام) را ایمنی‌بخش امت اسلامی از تفرقه قرار داد.

پیروی از اهل‌بیت علیهم‌السلام

۴۹-۹ حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام:

جَعَلَ اللهُ... طاعَتَنا نِظاماً لِلْمِلَّةِ؛[۲] خداوند پیروی از ما اهل‌بیت را محور نظاممندی دین (و دین‌داری مسلمانان) قرار داد.

اتحاد و یک‌دلی برنامه امامان

۵۰-۱۰ امام صادق علیه‌السلام به عمار بن ابی‌الأحوص فرمود:

اَما عَلِمتَ اَنَّ اِمارَةَ بَنی اُمَیَّةَ کانَت بِالسَّیفِ وَ العَسْفِ والجَورِ و اَنَّ اِمامَتَنا بِالرِّفقِ والتَّأَلُّفِ والوَقارِ وَالتقِیَّةِ وَ حُسنِ الخُلطَةِ و الوَرَعِ والإجتِهادِ فَرَغِّبوا النّاسَ فِي دینِکُم و فیما اَنتُم عَلَیْهِ؛[۳] آیا نمی‌دانی که فرمان‌روایی بنی‌امیه بر شمشــیر (و کشتن) و سخت‌گیری و ســتم بر مردم بنا شده است، و امامت و پیشوایی ما (اهل‌بیت علیهم‌السلام) بر مدارا و انس با همگان و اطمینان به نفس و تقیه (و حرمت نهادن بر مقدسات دینی دیگر مذاهب) و حسن معاشرت با آنان و دوری از گناه و کوشش در راه طاعت الهی بنیان نهاده شده است؛ پس (با عمل به این مرام‌نامهٔ بنیادین) گرایش دیگران را به دین و راه و رسم خود جلب نمایید.

---

۱. **احتجاج**، طبرسی، ج۱، ص۹۷.
۲. همان.
۳. **بحارالأنوار**، ج۶۶، ص۱۷۰.

علی علیه‌السلام منادی وحدت

۵۱-۱۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

لَیسَ رَجُلٌ... اَحرَصَ عَلی جَماعَةِ اُمَّةِ مُحَمَّدٍ وَ اُلفَتِها مِنّی؛[۱] کسی حریص‌تر از من بر اجتماع و انس و الفت امت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله نیست.

توده عظیم مردم

۵۲-۱۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اِنَّما عِمادُ الدّینِ وَ جِماعُ المُسلِمینَ وَ العُدَّةُ لِلاَعداءِ العامَّةُ مِنَ الاُمَّةِ؛[۲] استواری دین و تکیه‌گاه آن و وحدت جمعی مسلمانان و قدرت‌نمایی و توانمندی آنان در برابر دشمنان، در گرو حضور گسترده عموم امت اسلامی (در تمام عرصه‌ها) است.

راه و رسم وحدت آفرین نخبگان

۵۳-۱۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام به مالک اشتر فرمود:

لا تَنقُضْ سُنَّةً صالِحَةً عَمِلَ بِها صُدُورُ هذِهِ الاُمَّةِ وَاجتَمَعَتْ بِها الاُلفَةُ و صَلَحَت عَلَیهَا الرَّعِیَّةُ؛[۳] راه و رسم شایسته‌ای را که سران این امّت به کار برده‌اند و باعث انس و الفت و همبستگی بوده و صلاح و سعادت مردم را به همراه داشته است، نادیده مگیر.

نماز جماعت

۵۴-۱۴ جبرئیل علیه‌السلام به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله عرض کرد:

یا اَحمَدُ! اَلاِسلامُ عَشرَةُ اَسهُمٍ... اَلتّاسِعَةُ اَلجَماعَةُ وَ هِیَ الاُلفَةُ و العاشِرَةُ الطّاعَةُ وَ

---

۱. **نهج‌البلاغة**، نامه ۷۸.
۲. همان، نامه ۵۳.
۳. همان.

هِیَ العِصمَةُ؛[1] ای احمد! دین اسلام ده سهم (جزء) است... نهمین از آن‌ها [نماز] جماعت است که همان عامل اتحاد و یک‌دلی مسلمانان می‌شود، و دهمین آن‌ها اطاعت الهی است که باعث مصونیت می‌شود.

نماز جماعت برادران دینی

۱۵-۵۵ امام صادق علیه‌السلام:

مَن صَلّی مَعَهُم فِی الصَّفِّ الاَوَّلِ کانَ کَمَن صَلّی خَلْفَ رَسُولِ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله فِی الصَّفِّ الاَوَّلِ؛[2] کسی که با آن‌ها (اهل سنّت) در صف اول نماز جماعت نماز گزارد، مانند کسی است که به امامت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در صف اول، نماز جماعت خوانده باشد.

همیاری و همدلی

۱۶-۵۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

عِبادَ اللهِ! تَعاوَنُوا عَلَی البِرِّ وَالتَّقوی وَ تَراحَموا و تَعاطَفُوا؛[3] بندگان خدا! بر انجام اعمال خیر و پرهیزکاری یکدیگر را یاری نمایید و با هم مهربان و پیوند عاطفی داشته باشید.

کوشش جمعی در ادای حق

۱۷-۵۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

تَعاطُوا الْحَقَّ بَینَکُم وَ تَعاوَنُوا عَلَیْهِ؛[4] در ادای حق یکدیگر بکوشید و در این جهت همدیگر را یاری کنید.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۷۹، ص۲۱۲.
۲. **الکافی**، ج۳، ص۳۸۰.
۳. **مستدرک‌الوسائل**، ج۶، ص۱۵۷.
۴. **التوحید**، شیخ صدوق، ص۳۱، باب ۲.

حسن معاشرت

۵۸-۱۸ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

بِحُسنِ العِشرَةِ تَأنِسُ الرِّفاقُ؛[۱] با حسن معاشرت، رفاقت و دوستی به انس و الفت گراید.

خوش اخلاقی

۵۹-۱۹ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

حُسنُ الاَخلاقِ یُدِرُّ الاَرزاقَ و یُونِسُ الرِّفاقَ؛[۲] خوش‌اخلاقی، روزی افراد را فراوان و رفاقت و دوستی را به انس و الفت رساند.

خوش رویی

۶۰-۲۰ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلبَشاشَةُ حِبالَةُ المَوَدَّةِ؛[۳] خوش‌رویی عامل دوستی و مهرورزی (برادران دینی) است.

دوستی و مهرورزی

۶۱-۲۱ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

اِذا نَبَتَ الوُدُّ وَجَبَ التَّرافُدُ وَ التَّعاضُدُ؛[۴] آن‌گاه که دوستی بین مؤمنان رشد کند، دوستی و همیاری بینشان حاکم خواهد شد.

---

۱. **غرر الحکم**، ص۴۳۵.
۲. همان، ص۲۵۵.
۳. **بحارالأنوار**، ج۶۹، ص۴۰۹.
۴. **غرر الحکم**، ص۴۱۴.

صله رحم

۶۲-۲۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

صِلَةُ الرَّحِمِ تُوجِبُ المَحَبَّةَ وَ تَكبِتُ العَدُوَّ؛[۱] صله رحم باعث دوستی و محبّت (امت اسلامی با یکدیگر) و موجب ذلت و خواری دشمنان (ایشان) می‌گردد.

انصاف در داوری

۶۳-۲۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلإِنصافُ يَرفَعُ الخِلافَ وَ يُوجِبُ الإِئتِلافَ؛[۲] انصاف (در مقام داوری) از بین برنده اختلاف و موجب اتحاد و همدلی است.

اصلاح بین مردم

۶۴-۲۴ امام صادق علیه‌السلام:

صَدَقَةٌ يُحِبُّهَا اللهُ اِصلاحٌ بَينَ النّاسِ اِذا تَفاسَدوا و تَقريبٌ بَينَهُم اِذا تَباعَدُوا؛[۳] صدقه‌ای که خدا آن را دوست دارد، آشتی دادن بین مردم است، آن‌گاه که (در اثر اختلاف) به فساد و تباهی روی آورند و هم‌چنین نزدیک ساختن آن‌ها به یکدیگر است، آن زمان که به جدایی و تفرقه گرایند.

پیوستگی و بخشش جمعی

۶۵-۲۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

عَلَيكُم بِالتَّواصُلِ وَ التَّباذُلِ؛[۴] بر شما باد به پیوستگی با یک‌دیگر و بذل و بخشش به هم‌دیگر.

---

۱. همان، ص۴۰۶.
۲. همان، ص۳۹۴.
۳. **امالی**، شیخ مفید، ص۱۲.
۴. **نهج‌البلاغة**، نامه ۴۷.

سلامی رسا و آشکار

۶۶-۲۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اَوَ لا اَدُلُّکُم عَلی شَیءٍ إن فَعَلتُمُوهُ تَحابَبتُم؟ اَفشُوا السَّلامَ بَینَکُم؛[۱] آیا راهنمایی نکنم شما را بر کاری که انجام دادن آن ایجاد محبّت و همدلی بین شما نماید؟

به یک‌دیگر آشکار و رسا سلام کنید [تا دوستی و مهرورزی بینتان حاکم باشد.]

هدیه دادن

۶۷-۲۷ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اَلهَدِیَّةُ تُورِثُ المَوَدَّةَ و تُجَدِّدُ الأُخُوَّةَ، وَ تُذهِبُ الضَّغِینَةَ؛[۲] هدیه دادن (به برادران دینی) محبت و دوستی به جای گذارد و اخوت و برادری را پایدار سازد و کینه‌توزی را براندازد.

دادرسی دادخواهان

۶۸-۲۸ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَن سَمِعَ رَجُلاً یُنادِی: «یا لَلْمُسلِمینَ!» فَلَم یُجِبْهُ فَلَیسَ بِمُسلِمٍ؛[۳] کسی که دادخواهی مسلمانی را بشنود و به فریادش نرسد، مسلمان نیست.

حسن معاشرت حتی با اقلیت‌ها

۶۹-۲۹ امام صادق علیه السلام:

صانِعِ المُنافِقَ بِلِسانِكَ وَ أَخلِص وُدَّكَ لِلْمُؤمِنِ و اِن جالَسَكَ یَهودِیٌّ فَأَحسِن مُجالَسَتَهُ؛[۴] با منافق با زبان (و گفتار خوش) سازگاری کن و مؤمن را خالصانه دوست بدار و اگر یهودی (هم) با تو هم‌نشین شد، بری او هم‌نشینی نیکو باش.

---

۱. **مستدرک‌الوسائل**، ج۸، ص۳۶۲.
۲. **عوالی‌اللئالی**، ج۱، ص۲۹۴.
۳. **الکافی**، ج۲، ص۱۶۴.
۴. **اختصاص**، شیخ مفید، ص۲۳۰.

بیزاری از وحدت شکنان

۷۰-۳۰ امام صادق علیه‌السلام:

وَاللّهِ! لا یَفتَرِقُ رَجُلانِ مِن شِیعَتِنا عَلَی الهِجرانِ اِلّا بَرِئْتُ مِن اَحَدِهِما وَ لَعَنْتُهُ؛[1] به خدا سوگند! دو نفر از شیعیان ما به عنوان قهر و کینه‌توزی از هم جدا نشوند، جز این‌که از یکی از آن دو (که باعث جدایی شده است) بیزاری جویم و او را لعنت نمایم.

اتحاد آری، تفرقه هرگز

۷۱-۳۱ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

عَلَیکُم بِالجَماعَةِ وَ اِیّاکُم وَ الفُرقَةَ؛[2] به جماعت و یک‌پارچگی روی آورید و از تفرقه و پراکندگی بپرهیزید.

تفرقه از شیطان است

۷۲-۳۲ امام باقر علیه‌السلام:

اِعْلَمْ اَنَّ الاِلْفَ مِنَ اللّهِ و الفِرکَ مِنَ الشَّیطانِ؛[3] بدان که همدلی و الفت با مردم، عنایتی الهی، و جدایی و عداوت با آنان، از وسوسه شیطانی است.

اتحاد و اختلاف غم‌انگیز

۷۳-۳۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

فَیـا عَجَباً عَجَباً وَ اللّهِ! یُمیتُ القَلبَ و یَجلِبُ الهَـمَّ مِن اِجتماعِ هؤُلاءِ القَومِ عَلی باطِلِهِم وَ تَفَرُّقُکُم عَن حَقِّکُم؛[4] شگفتا! شـگفتا! به خدا سوگند! این واقعیّت قلب

---

۱. **وسائل‌الشیعة**، ج۱۷، ص۴۵۹.
۲. **کنزالعمال**، ج۱، ص۲۰۶.
۳. **الکافی**، ج۳، ص۴۸۱.
۴. **نهج‌البلاغة**، خطبه ۲۷.

انســان را می‌میراند و دچار غم و اندوه می‌کند که شامیان در باطل خود وحدت دارند، و شما در حق خود متفرّقید.

مفاسد و رذایل اخلاقی

۷۴-۳۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

واللهِ! لا یَفرُقُ بَینَ اَهواءِکُم إلّا خُبثُ سَرائِرِکُمْ؛[۱] به خدا سوگند! بین خواسته‌های شما جدایی نیفکنده جز خباثت و آلودگی درونی شما.

کینه ورزی

۷۵-۳۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلبِغضَةُ تُوجِبُ الاِختِلافَ؛[۲] کینه‌ورزی، عامل تفرقه و اختلاف (بین برادران دینی) است.

نافرمانی رعیت و ستم فرمانروایان

۷۶-۳۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اِذا غَلَبَتِ الرَّعِیَّةُ وَالِیهَا اَو أجحَفَ الوالِی بِرَعیَّتِهِ اِختَلَفَتْ هُنالِكَ الکَلِمَةُ؛[۳] آن‌گاه که مردم بر حاکم خود چیره شــوند، یا حاکم در حق امت اجحاف و ستم نماید، بین آن‌ها اختلاف کلمه پدیدار شود.

رنج و عذاب

۷۷-۳۷ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اِنَّ الاِجتِماعَ رَحمَةٌ و الفُرقَةَ عَذابٌ؛[۴] اتحاد و اجتماع، رحمت است و اختلاف و تفرقه، عذاب.

---

۱. **مجموعة ورام**، ج ۲، ص ۲۴۸.
۲. **شرح نهج‌البلاغة**، ابن ابی‌الحدید، ج ۲۰، ص ۳۴۵.
۳. همان، ج ۱۱، ص ۹۱.
۴. **إرشاد القلوب**، ج ۲، ص ۳۳۴.

جدایی تفرقه و خیر و نیکی

۷۸-۳۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اِنَّ اللهَ لَـم یُعطِ اَحَداً بِفُرقَةٍ خَـیراً؛[۱] خداوند تاکنون ملتی را به‌خاطر تفرقه، خیری عطا نکرده است.

هلاکت و نابودی

۷۹-۳۹ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

لا تَختَلِفوا فَاِنَّ مَن کانَ قَبلَکُم اِختَلَفوا فَهَلَکُوا؛[۲] اختلاف نکنید، چراکه اقوام پیش از شما اختلاف کردند، پس هلاک شدند.

نفی برکات الهی

۸۰-۴۰ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

لا یَـزالُ النّاسُ بِخَیرٍ [ما] تَعاوَنُوا عَلَی البِرّ فَاِذا لَم یَفعَلوا ذلِکَ نُزِعَتْ مِنهُمُ البَرَکاتُ؛[۳] همواره مردم بر خیر و نیکی‌اند، اگر در انجام کار نیک یکدیگر را یاری نمایند و اگر چنین نباشند، برکات الهی از آن‌ها گرفته خواهد شد.

---

۱. **أعلام‌الدین**، ص۱۰۷.
۲. **کنزالعمال**، ج۱، ص۱۷۷.
۳. **تهذیب‌الأحکام**، ج۶، ص۱۸۱.

چهل حدیث امامت

محمدباقر بابانیا

انسان در مسیر هدایت و کمال، نیازمند «الگو» و «حجت» است. خداوند در طول تاریخ، چهره‌های پاک و متعالی را به عنوان امام و پیشوای مردم قرار داده است تا با اقتدا به آنان، راه صحیح بندگی و دین‌داری پیموده شود.

در اسلام، «امامت» و رهبری معصوم، راهی برای تداوم خط رسالت است و آن‌چه به‌عنوان «رسالت» در روایات آمده، تأکیدی بر همین حقیقت است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در طول بعثت و تا واپسین لحظات عمر شریف خود، بر این اصل مهم اعتقادی و سیاسی پافشاری کرد و جانشین خود و رهبران آسمانی و موضوع امامت را برای امّت، تعیین و تبیین فرمود، که حادثه غدیر خم و نصب امیرمؤمنان علیه السلام به امامت و ولایت، بارزترین نمونه آن است که در منابع فراوان نقل شده است. در آیهٔ تبلیغ، مسئله از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلرَّسُولُ بَلِّغۡ مَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَ﴾[1]؛ «اگر این پیام را از سوی خدا به مردم نرساند، رسالت خدا را ادا نکرده است».

---

۱. مائده/۶۷.

دژ مستحکم

۸۱-۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

يَقُــولُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ: «وَلاَيَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِــبٍ عليه السلام حِصْني فَمَنْ دَخَلَ حِصْني أَمِنَ مِنْ عَذابي»؛[1] خدای عزّوجلّ فرمود: «ولایت و امامت علی بن أبی طالب علیه السلام دژ مستحکم من است؛ کسی که داخل دژ من شود، از عذاب من در امان است».

دو گوهر گران‌بها

۸۲-۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

إِنّي تــارِكٌ فِيكُمُ الثَّقَلَيْنِ كِتابَ اللهِ وَ عِتْرَتي أَهْلَ بَيْتي فَإِنَّهُما لَنْ يَفْتَرِقا حَتّى يَرِدا عَلَيَّ الْحَوْضَ؛[2] من در میان شما دو گوهر گران‌بها بر جای می‌گذارم: کتاب خدا و عترتم؛ اهل‌بیت من. این دو هرگز از یک‌دیگر جدا نمی‌شوند، تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

کشتی نجات

۸۳-۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَثَلُ أَهْلِ بَيْتي كَمَثَلِ سَــفينَةِ نُوحٍ، مَنْ رَكِبَها (رَكِبَ فيها) نَجا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْها غَرِقَ؛[3] مَثَل اهل‌بیت من مَثَل کشــتی نوح است، هرکس سوار بر آن شود، نجات پیدا می‌کند، و هرکس تخلف کند، هلاک می‌گردد.

---

۱. **امالی**، شیخ صدوق، ص۳۰۶؛ **مناقب آل أبی‌طالب** علیهم السلام، ج۲، ص۲۹۶.
۲. **کمال‌الدین**، ج۱، ص۲۴۰.
۳. **الطرائف**، ص۱۳۲؛ **امالی**، شیخ طوسی، ص۶۰؛ **الغدیر**، ج۱۰، ص۲۸۰.

ستارگان هدایت

۸۴-۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

إنَّما مَثَلُ أهْلِ بَيْتي في هذِهِ الْأُمَّةِ كَمَثَلِ نُجُومِ السَّماءِ كُلَّما غابَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ؛[1] مَثَل اهل‌بیت من در میان این امت، مَثَل ستارگان آسمان است که هرگاه ستاره‌ای غروب کند، ستاره دیگری طلوع می‌کند.

امان از آتش

۸۵-۵ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

وَلايَتي وَ وَلايَةُ أهْلِ بَيْتي أمانٌ مِنَ النّارِ؛[2] دوستی و ولایت من و دوستی اهل‌بیت من، باعث در امان ماندن از آتش است.

مقام امامت

۸۶-۶ امام رضا علیه السلام:

إنَّ الإمامَةَ مَنْزِلَةُ الْأنْبياءِ وَ إرْثُ الأوْصياءِ، إنَّ الإمامَةَ خِلافَةُ اللهِ وَ خِلافَةُ رَسُولِهِ؛[3] به درستی که امامت مقام انبیا و میراث اوصیاست؛ همانا امامت، جانشینی خدا و پیامبر خداست.

نور امامت

۸۷-۷ امام کاظم علیه السلام:

الإمامَةُ هِيَ النُّورُ، وَ ذلِكَ قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ: ﴿فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنزَلْنَا﴾؛[4] امامت نور است و این همان قول خداوند عزّوجلّ است که فرمود: «ایمان بیاورید به خدا و رسولش و نوری که نازل کردیم».

---

۱. **الغیبة**، نعمانی، ص۱۵۵؛ **بحارالأنوار**، ج۲۳، ص۴۴.
۲. **امالی**، شیخ صدوق، ص ۵۶۰.
۳. **تحف‌العقول**، ص۴۳۸.
۴. **الکافی**، ج۱، ص۱۹۶.

پایداری زمین

۸۸-۸ امام صادق علیه‌السلام:

لَوْ بَقِيَتِ الأَرْضُ بِغَيْرِ إمامٍ لَساخَتْ؛[۱] اگر لحظه‌ای زمین بدون امام باقی بماند، (مردم را به کام خود) فرو می‌برد.

شناخت امام

۸۹-۹ امام باقر علیه‌السلام:

مَنْ ماتَ وَ لَيْسَ لَهُ إمامٌ ماتَ ميتَةً جاهِلِيَّةً وَ لايُعْذَرُ النّاسُ حَتّى يَعْرِفُوا إمامَهُمْ؛[۲] هرکس بمیرد و امامی نداشته باشد به مرگ جاهلیت (گمراه) مرده است و مردم عذری ندارند تا امامشان را بشناسند.

جامعه اسلامی

۹۰-۱۰ امام رضا علیه‌السلام:

إنَّ الإمامَةَ زَمامُ الدِّينِ وَ نِظامُ الْمُسْلِمينَ وَ صَلاحُ الدُّنْيا وَ عِزُّ الْمُؤْمِنينَ؛[۳] به درستی که امامت سررشتهٔ دین و سامان‌بخش مسلمانان و مایهٔ اصلاح دنیا و عزّت مؤمنان است.

شناخت امام، شرط ورود به بهشت

۹۱-۱۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

إنَّمَا الْأَئِمَّةُ قُوّامُ اللهِ عَلى خَلْقِهِ وَ عُرَفاءُهُ عَلى عِبادِهِ وَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إلّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَ عَرَفُوهُ وَ لَا يَدْخُلُ النّارَ إلّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَ أَنْكَرُوه؛[۴] همانا امامان علیهم‌السلام از طرف خدا

---

۱. **علل الشرایع**، ج۱، ص۱۹۶.
۲. **کمال‌الدین**، ج۲، ص۴۱۲.
۳. **الکافی**، ج۱، ص۲۰۰.
۴. **شرح نهج البلاغة**، ابن أبی‌الحدید، ج۹، ص۱۵۲.

سرپرست مردم و آگاهان بر امور بندگان خدا هستند، و به بهشت وارد نمی‌شود، مگر کسی که آنان را بشناسد و آنان هم او را بشناسند، و به جهنّم وارد نمی‌گردد، مگر کسی که آنان را انکار نماید و آنان هم او را از خود ندانند.

سفارش امامت

۹۲-۱۲ امام صادق علیه‌السلام:

إنَّ الإمـامَ يَعْرِفُ الإمامَ الَّذي مِنْ بَعْدِهِ فَيُوصي إلَيْـهِ؛[1] هر امامی، امام بعد از خود را می‌شناسد و (امامت را) به او می‌سپارد.

قرآن و امام

۹۳-۱۳ امام سجاد علیه‌السلام:

اَلإمـامُ يَهْدي إلَى الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ يَهْدي إلى الإمامِ؛[2] امام (مردم را) به قرآن راهنمایی می‌کند و قرآن به امام هدایت می‌کند.

ویژگی‌های امام

۹۴-۱۴ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

يَحْتاجُ الإمامُ إلى قَلْبٍ عَقُولٍ وَ لِسانٍ قَئُولٍ وجَنانٍ عَلى إقامَةِ الْحَقِّ صَئُولٍ؛[3] امام باید قلبی خردمند و زبانی گویا و دلی استوار و شجاع، برای برپایی حق و عدالت داشته باشد.

امام کیست؟

۹۵-۱۵ امام حسین علیه‌السلام:

فَلَعَمْري! مَا الإمامُ إلّا الْحاكِمُ بِالْكِتابِ، الْقائِمُ بِالْقِسْطِ، الدّائِنُ بِدينِ الْحَقِّ، الْحابِسُ

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۲۳، ص۷۳.
۲. **معانی‌الأخبار**، ص۱۳۲.
۳. **غرر الحکم**، ص۸۰۹.

نَفْسَهُ عَلی ذاتِ اللّهِ؛[1] به جان خودم سوگند! کسی امام نیست مگر این‌که براساس کتاب خدا (قرآن) حکومت کند و عدالت را بر پا دارد و به دین حق پای بند باشد و خودش را در راه خدا مقید کند.

عبادت بدون امامت

۹۶-۱۶ امام باقر علیه‌السلام:

كُلُّ مَنْ دانَ اللّهَ عَزَّوَجَلَّ بِعِبادةٍ يُجْهِدُ فيها نَفْسَهُ وَلا إمامَ لَهُ مِن اللّهِ فَسَعْيُهُ غَيرُ مَقْبُولٍ و هُوَ ضالٌّ مُتَحَيِّرٌ؛[2] هرکس بدون داشتن امامی از طرف خدا، از راه عبادت، نفس خویش را به تلاش و زحمت اندازد و دین‌داری کند، هیچ تلاشی از او در درگاه خداوند قبول نمی‌شود و او گمراه و سرگردان است.

هم‌نشینی با تهیدستان

۹۷-۱۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

إنَّ اللّهَ تَعالی فَرَضَ عَلی أَئِمَّةِ الْحَقِّ أنْ يُقَدِّرُوا أنْفُسَهُمْ بِضَعَفَةِ النّاسِ كَيْلاَ يَتَبَيَّغَ بِالْفَقيرِ فَقْرُهُ؛[3] خدای تعالی بر پیشوایان راستین واجب گردانیده که خود را با ضعفای جامعه یکسان نمایند تا تنگدستی فقیر، او را در رنج و اندوه نیفکند.

پاکی و دوری از آلودگی

۹۸-۱۸ امام رضا علیه‌السلام:

اَلإِمامُ، الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَ الْمُبَرَّأُ عَنِ الْعُيُوبِ؛[4] امام از هرگونه گناهی پاک و از هرگونه عیبی دور است.

---

۱. **الإرشاد**، شیخ مفید، ج۲، ص۳۹.
۲. **الکافی**، ج۱، ص۱۸۳.
۳. **شرح نهج البلاغة**، ابن أبی‌الحدید، ج۱۱، ص۳۲.
۴. **الکافی**، ج۱، ص۲۰۰.

روز فراخوانی

۹۹-۱۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

يُدْعَى كُلُّ قَوْمٍ بِإِمامِ زَمانِهِمْ، وَ كِتابِ اللهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِمْ؛[۱] (در قیامت) هر قومی به امام زمان خود و کتاب خدا و سنت پیامبرشان، فراخوانده می‌شوند.

پاکی امام

۱۰۰-۲۰ امام سجاد علیه السلام:

اَلإِمامُ مِنّا لايَكُونُ إلّا مَعْصُومَاً، وَ لَيْسَتِ الْعِصْمَةُ في ظاهِرِ الْخِلْقَةِ فَيُعْرَفَ بِها وَ لِذلِكَ لايَكُونُ إلّا مَنْصُوصاً؛[۲] امامی از ما (اهل‌بیت علیهم السلام) نیست مگر این‌که معصوم باشد و عصمت در خلقت ظاهری نیست تا با آن شناخته شود و به این خاطر کسی امام نیست مگر به نص و تصریح (پیشوایان قبلی).

علم امام

۱۰۱-۲۱ امام کاظم علیه السلام:

إنَّ الإمامَ لايَخْفى عَلَيْهِ كَلامُ أحَدٍ مِنَ النّاسِ وَ لاطَيْرٍ وَ لابَهيمَةٍ وَ لاشَيْءٍ فيهِ الرُّوحُ، فَمَنْ لَمْ يَكُنْ هذِهِ الْخِصالُ فيهِ فَلَيْسَ هُوَ بِإمامٍ؛[۳] سخن هیچ شخصی و هیچ پرنده و حیوان چهارپایی و هیچ جانداری بر امام پنهان نیست، اگر کسی چنین نباشد، امام نیست.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۸، ص۱۰.
۲. **معانی‌الأخبار**، ص۱۳۲.
۳. **الکافی**، ج۱، ص۲۸۵؛ **دلائل‌الإمامة**، ص۳۳۷.

رفع بلا

۱۰۲-۲۲ امام باقر علیه‌السلام:

إنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ يَرْفَعُ الْعَذابَ عَنْ أهْلِ الْأَرْضِ إذا كانَ فيها نَبِيٌّ أوْ إمامٌ؛[1] خداوند عزّوجلّ با وجود پیامبر یا امامی در میان مردم، عذاب را از اهل زمین بر می‌دارد.

حجت خدا

۱۰۳-۲۳ امام صادق علیه‌السلام:

إنَّ الْحُجَّةَ لاتَقُومُ للهِ عَزَّوَجَلَّ عَلى خَلْقِهِ إلّا بِإمامٍ حَتّى يُعْرَفَ؛[2] حجت خدا بر خلق ثابت نمی‌شود، مگر با وجود امامی که شناخته شود.

حجت آشکار و پنهان خدا

۱۰۴-۲۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

لاتَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قائِمٍ بِحُجَّةٍ إمّا ظاهِرٍ مَشْهُورٍ أَوْ خافٍ مَغْمُورٍ لِئَلّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللهِ وَ بَيِّنَاتُهُ؛[3] هیچ‌گاه زمین از امامی که حجت خدا باشد، خالی نیست؛ چه ظاهر و مشهور باشد و چه مخفی و پنهان باشد، تا حجت‌ها و بیّنات خدا باطل و تباه نگردد.

همراه با حجت خدا

۱۰۵-۲۵ امام صادق علیه‌السلام:

ما زالَتِ الأَرْضُ إلّا وَ للهِ فيهَا الْحُجَّةُ يُعَرِّفُ الْحَلالَ وَ الْحَرامَ وَ يَدْعُوا النّاسَ إلى سَبيلِ اللهِ؛[4] پیوسته در روی زمین حجتی برای خداست که حلال و حرام را معرفی و مردم را به راه خدا دعوت می‌کند.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۲۳، ص۱۹.
۲. **الکافی**، ج۱، ص۱۷۷.
۳. **کمال‌الدین**، ج۱، ص۱۳۹.
۴. **الکافی**، ج۱، ص۱۷۸.

روشنایی قلوب مؤمنان

۱۰۶-۲۶ امام باقر(ع):

يا اَباخالِدٍ! لَنُورُ الإمامِ في قُلُوبِ الْمُؤْمِنينَ أَنْوَرُ مِنَ الشَّمْسِ الْمُضيئَةِ بِالنَّهارِ؛[1] ای ابوخالد! نور امام در دل‌های مؤمنان روشن‌تر از نور خورشید تابان در روز است.

راه هدایت

۱۰۷-۲۷ امام صادق(ع):

مَنْ لَمْ يَعْرِفْنا وَ لَمْ يُنْكِرْنا كانَ ضالًّا حَتّى يَرْجِعَ إِلَى الْهُدَى الَّذي افْتَرَضَ اللهُ عَلَيْهِ مِنْ طاعَتِنَا الْواجِبَةِ؛[2] کسی که ما را نشناسد و منکر ما هم نباشد، گمراه است تا آن‌که به سوی هدایتی برگردد که خدا بر او واجب نمود که همانا اطاعت ما (اهل بیت(ع)) است.

اهل بیت و خداپرستی

۱۰۸-۲۸ امام باقر(ع):

إِنَّما يَعْرِفُ اللهَ عَزَّوَجَلَّ وَ يَعْبُدُهُ مَنْ عَرَفَ اللهَ وَ عَرَفَ إِمامَهُ مِنّا أَهْلِ الْبَيْتِ؛[3] کسی خدا را می‌شناسد و پرستش می‌کند که خدا و امام خود از ما اهل‌بیت را بشناسد.

اوّل و آخر دین

۱۰۹-۲۹ رسول خدا(ص):

يا عَلِيُّ! إِنَّ بِنا خَتَمَ اللهُ الدِّينَ كَما بِنا فَتَحَهُ؛[4] ای علی! خدا دین را به واسطه ما ختم کرد، همچنان که به واسطه ما آغاز نمود.

---

۱. همان، ص۱۹۴.
۲. همان، ص۱۸۷.
۳. همان، ص۱۸۱.
۴. **امالی**، شیخ مفید، ص۲۵۱.

مدعیان دروغین امامت

۱۱۰-۳۰ امام صادق علیه‌السلام:

ثَلاثَةٌ لايُكَلِّمُهُمُ اللهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ وَ لايُزَكّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذابٌ أليمٌ: مَنِ ادَّعى إمامَةً مِنَ اللهِ لَيْسَتْ لَهُ وَ مَنْ جَحَدَ إماماً مِنَ اللهِ وَ مَنْ زَعَمَ أنَّ لَهُما فِي الإسْلامِ نَصيباً؛[1] خداوند در روز قیامت با سه کس سخن نگوید و پاکشان نکند و برای آنان عذاب دردناکی است:

۱. کسی که به دروغ ادعای امامت از طرف خدا کند؛

۲. کسی که امامِ از طرف خدا را انکار کند؛

۳. کسی که گمان کند آن دو (مدعی امامت و منکر امامت) از اسلام و مسلمانی بهره‌ای دارند.

پیشوای ستمگر

۱۱۱-۳۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

إنَّ شَرَّ النّاسِ عِنْدَ اللهِ إمامٌ جائِرٌ ضَلَّ وَ ضُلَّ بِهِ؛[2] بدترین مردم در نزد خدا پیشوای ستمگری است که خود گمراه باشد و مردم هم به واسطه او گمراه شوند.

امام حق و باطل

۱۱۲-۳۲ امام صادق علیه‌السلام:

لادينَ لِمَنْ دَانَ اللهَ بِوَلايَةِ إمامٍ جائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللهِ وَ لاعَتْبَ عَلى مَنْ دانَ بِوَلايَةِ إمامٍ عادِلٍ مِنَ اللهِ؛[3] کسی که به پیشوایی پیشوای ستمگر که از جانب خدا نیست، گردن نهد و اطاعت کند، دین ندارد و کسی که ولایت امام عادل از طرف خدا را گردن نهد و بپذیرد، هیچ ملامت و سرزنشی بر او نیست.

---

۱. **الکافی**، ج۱، ص۳۷۳.
۲. **شرح نهج‌البلاغة**، ابن أبی‌الحدید، ج۹، ص۲۶۱.
۳. **الکافی**، ج۱، ص۳۷۵.

تولّی و تبرّی

۱۱۳-۳۳ امام رضا علیه‌السلام:

كَمـــالُ الدِّينِ وَلايَتُنَا وَ الْبَرَاءَةُ مِنْ عَدُوِّنا؛[۱] کمال دین، دوســتی و ولایت ما اهل‌بیت و دوری از دشمنان ماست.

گوش به فرمان امام

۱۱۴-۳۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

أُنْظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَالْزَمُوا سَمْتَهُمْ وَ اتَّبِعُوا أَثَرَهُمْ فَلَنْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ هُدًى وَ لَنْ يُعِيدُوكُمْ فِي رَدًى، فَإِنْ لَبَدُوا فَالْبُدُوا وَ إِنْ نَهَضُوا فَانْهَضُوا؛[۲] به اهل بیت پیامبرتان توجّه کنید و با روش آنان همراه و همسو باشید و راهشان را پیروی کنید؛ پس هرگز شما را از راه هدایت خارج نمی‌کنند و به هلاکت نمی‌رسانند؛ پس هر گاه ساکت بودند، شما هم ساکت باشید و هر گاه قیام نمودند، شما هم قیام کنید.

حقوق متقابل امام و امّت

۱۱۵-۳۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

فَقَدْ جَعَلَ اللهُ سُــبْحانَهُ لي عَلَيْكُمْ حَقّاً بِوِلايَةِ أَمْرِكُمْ وَ لَكُمْ عَلَيَّ مِنَ الْحَقِّ مِثْلُ الَّذي لي عَلَيْكُمْ؛[۳] خداوند سبحان برای من بر شما حقّی قرار داده که آن ولایت بر شماست و نیز برای شما بر من حقّی است مثل آن‌چه برای من بر شماست.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۲۷، ص۵۸.
۲. **شرح نهج‌البلاغة**، ابن أبی‌الحدید، ج۷، ص۷۶.
۳. همان، ج۱۱، ص۸۸.

ضرورت امام

۱۱۶-۳۶ امام صادق علیه‌السلام:

لَوْ كانَ النّاسُ رَجُلَيْنِ لَكانَ أَحَدُهُما الإِمامُ؛[۱] اگر در دنیا دو نفر باشند، یکی از آن دو امام است.

اطاعت از امام

۱۱۷-۳۷ امام صادق علیه‌السلام:

نَحْنُ قَوْمٌ فَرَضَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ طاعَتَنا؛[۲] ما (اهل‌بیت) گروهی هستیم که خداند عزّوجلّ اطاعت و پیروی از ما را واجب نموده است.

گواه خدا بر خلق

۱۱۸-۳۸ امام صادق علیه‌السلام:

نَحْنُ الْأُمَّةُ الْوُسْطى وَ نَحْنُ شُهَداءُ اللهِ عَلى خَلْقِهِ وَ حُجَجُهُ فِي أَرْضِهِ؛[۳] ما (اهل‌بیت)، امّت میانه و گواهان خدا بر خلق و حجّت‌های خدا در زمین هستیم.

امام و معرفت خدا

۱۱۹-۳۹ امام صادق علیه‌السلام:

الْأَوْصِياءُ هُمْ أَبْوابُ اللهِ عَزَّوَجَلَّ الَّتي يُؤْتى مِنْها وَ لَوْلاهُمْ ما عُرِفَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ؛[۴] امامان درهای (رحمت) خداوند هستند که به آن فراخوانده می‌شوند، و اگر آنان نبودند، خدای عزّوجلّ شناخته نمی‌شد.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۲۳، ص۲۱.
۲. **الکافی**، ج۱، ص۱۸۶؛ **تهذیب الأحکام**، ج۴، ص۱۳۲.
۳. **الکافی**، ج۱، ص۱۹۰.
۴. همان، ص۱۹۳.

وظیفه و تکلیف همگانی

۱۲۰-۴۰ امام صادق علیه‌السلام:

أُمِرَ النّاسُ بِمَعْرِفَتِنا وَ الرَّدِّ إلَيْنا وَ التَّسْليمِ لَنا؛[۱] مردم مأمور و مکلف شدند به شناخت ما اهل‌بیت و رجوع به ما و تسلیم و اطاعت از (فرامین) ما.

۱. **الکافی**، ج۲، ص۳۹۸؛ **وسائل‌الشیعة**، ج۱۸، ص۴۶.

چهل حدیث ایثار

سید غلام‌حسین صادقی بلخابی

از برجسته‌ترین صفات و اخلاق انسانی که نشانه وارستگی از تعلّقات نفسانی و خودخواهی است، «ایثار» است. ایثارگران به دلیل نوع‌دوستی و کمال نفسانی و به سبب تربیت دینی و الهی، دیگران را بر خود مقدّم می‌دارند و در حالی که به چیزی نیاز دارند، آن را، به دیگران می‌بخشند. بالاترین ایثار، ایثار جان در راه محبوب است و این‌جاست که خداوند می‌فرماید: ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشْرِى نَفْسَهُ ٱبْتِغَآءَ مَرْضَاتِ ٱللَّهِ ۗ وَٱللَّهُ رَءُوفٌۢ بِٱلْعِبَادِ﴾[1]؛ «بعضی از مردمِ باایمان و فداکار (هم‌چون علی علیه‌السلام در «لیلة‌المبیت» به هنگام خفتن در جایگاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله) جان خود را به خاطر خشنودی خدا می‌فروشند، و خداوند نسبت به بندگان مهربان است».

در قرآن کریم، این صفت ویژه مؤمنان وارسته معرفی شده و نمونه‌هایی از ایثارهای عالی بیان شده است. بخشیدن افطار و طعام به مسکین و یتیم و اسیر که از سوی امام علی و حضرت فاطمه علیهاالسلام انجام گرفت و در شأن آن خاندان سوره «انسان» نازل شد، یکی از بهترین نمونه‌های قرآنی ایثار است.

در روایات و آموزه‌های دینی، به این عمل نیک و خصلت پسندیده بسیار توصیه شده و پاداش‌های عظیم برای آن نقل شده است.

---

۱. بقره/۲۰۷.

بالاترین درجه از خود گذشتگی

۱۲۱-۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

إِعْلَمْ أَنَّ السَّخَاءَ وَ الْبُخْلَ كُلُّ وَاحِدٍ يَنْقَسِمُ إِلى دَرَجاتٍ فَأَرْفَعُ دَرَجاتِ السَّخاءِ، الإِيْثارُ؛[1] بخشندگی و بخل، هر کدام درجاتی دارند و بالاترین میزان سخاوت و بخشندگی، ایثار است.

نشانه پرهیزکاری

۱۲۲-۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

ثَلاثٌ مِنْ حَقائِقِ الإِيْمانِ، الاِنْفاقُ مِنَ الاِقْتارِ وَ إِنْصافُكَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ وَ بَذْلُ الْعِلْمِ لِلْمُتَعَلِّمِ؛[2] سه چیز از حقایق ایمان است: بخشش با تنگدستی، رعایت انصاف درباره مردم بر ضرر خویش و بذل علم برای دانش‌آموز.

برترین صدقه

۱۲۳-۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله (در جواب سؤال از افضل صدقات):

جُهْدٌ مِنْ مُقِلٍّ إِلى فَقِيرٍ فِي سِرٍّ؛[3] ایثار و از خود گذشتگی شخصی تنگدست به یک فقیر در نهان (بافضیلت‌ترین صدقه است).

---

۱. **مجموعة ورام**، ج۱، ص۱۷۲.
۲. **نهج‌الفصاحة**، ص۴۱۸.
۳. **مستدرک‌الوسائل**، ج۷، ص۲۱۴.

تحت عنایت پروردگار

۱۲۴-۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنْ آثَرَ مَحَبَّةَ اللهِ عَلى مَحَبَّةِ نَفْسِهِ كَفاهُ اللهُ مَؤُنَةَ النّاسِ؛[۱] هرکس خدا دوستی را بر خود دوستی مقدم بدارد، در برابر سختی و دشواری مردم، خدا او را بسنده باشد.

از صفات خیرخواهی

۱۲۵-۵ امام کاظم علیه السلام:

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ لَمْ يَنْصَحْ أَخاهُ، مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ اسْتَأْثَرَ عَلى أَخِيهِ؛[۲] ملعون است، ملعون است کسی که خیرخواه برادرش نباشد. ملعون است، ملعون است کسی که خود را بر برادرش مقدم بدارد و او را محروم کند.

از مصادیق ایثار

۱۲۶-۶ امام سجاد علیه السلام:

اَوَّلُ مَنْ شَرى نَفْسَهُ للهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طالِبٍ علیه السلام؛[۳] نخستین کسی که جان خود را در راه خدا فدا کرد، علی بن ابی طالب علیهما السلام بود.

حقیقت ایمان

۱۲۷-۷ امام صادق علیه السلام:

اِنَّ مِنْ حَقِيقَةِ الإِيْمانِ أَنْ تُؤْثِرَ الْحَقَّ وَ إِنْ ضَرَّكَ عَلَى الْباطِلِ وَ إِنْ نَفَعَكَ وَ أَنْ لَايَجُوزَ مَنْطِقُكَ عِلْمَكَ؛[۴] از حقیقت ایمان آن است که حق را -گرچه به

---

۱. **کنزالعمال**، ج۱۵، ص۷۹۰.
۲. **عدةالداعی**، ص۱۷۴.
۳. **بحارالأنوار**، ج۳۶، ص۴۲.
۴. همان، ج۷۰، ص۱۰۶.

زیان توست- بر باطل -گرچه به سود توست- ترجیح دهی و گفتارت بر عملت پیشی نگیرد.

بالاتر از بخشش

۱۲۸-۸ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلاِیْثارُ أَعْلَی دَرَجاتِ السَّخاءِ؛[۱] از خود گذشتگی بالاترین میزان بخشش است.

درجات فداکاری

۱۲۹-۹ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلاِیْثارُ أَعْلی مَراتِبِ الْکَرَمِ وَ أَفْضَلُ الشِّیَمِ؛[۲] مقدم داشتن دیگران بر خود، بالاترین ـ درجات بزرگواری ـ و برترین روش‌هاست.

پایبند دوستی

۱۳۰-۱۰ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام در وصیت نامه خود به محمّد بن حنفیه نوشت:

أَلْزِمْ نَفْسَکَ التَّوَدُّدَ وَ صَبِّرْ عَلَی مَؤُوناتِ النّاسِ نَفْسَکَ وَ ابْذِلْ لِصَدِیْقِکَ نَفْسَکَ وَ مالَکَ؛[۳] خود را پایبند دوستی با مردم کن، جان خود را بر دشواری‌های مردم به صبوری ده، و جان و مالت را برای دوستت عطا کن.

تشویق به ایثار

۱۳۱-۱۱ امام علی علیه‌السلام:

کُن عَفُوّاً فِي قُدرَتِكَ، جَواداً فِي عُسرَتِكَ، مُؤثِراً مَعَ فاقَتِكَ؛ یَکمُلُ لَکَ الفَضلُ؛[۴]

---

۱. **مجموعة ورام**، ج۱، ص۱۷۳.
۲. **غرر الحکم**، ص۷۶
۳. **تحف‌العقول**، ص۳۶۴.
۴. **غرر الحکم**، ص۵۳۱، **عیون الحکم و المواعظ**، ص۳۹۳.

در هنگامی که قدرت داری، با گذشت باش، و در زمان تنگ‌دستی‌ات بخشنده، و در وقت نیازمندی‌ات ایثارگر باش، تا فضل تو کامل گردد.

پرهیزکاران ایثارگرند

۱۲-۱۳۲ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

إِنّي أُوصِيكَ بِتَقْوَى اللهِ وَ إِيْثَارِ طاعَتِهِ وَ الإِعْتِصامِ بِحَبْلِهِ؛[۱] من تو را به تقوای خدایی و مقدم داشتن طاعت او بر هر چیز و پناهنده شدن به ریسمان پروردگار سفارش می‌کنم.

برترین عمل

۱۳-۱۳۳ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

إِنَّ أَفْضَلَ الْفِعالِ صِيانَةُ الْعِرْضِ بِالْمالِ؛[۲] برترین عمل، حفظ آبرو[ی فردی نیازمند] به وسیله مال است.

بهترین عبادت

۱۴-۱۳۴ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلإِيْثارُ أَفْضَلُ عِبادَةٍ وَ أَجَلُّ سِيادَةٍ؛[۳] برگزیدن (و تقدیم) دیگران بر خود، بالاترین عبادت و بزرگ‌ترین سروری و آقایی است.

کمال شایستگی

۱۵-۱۳۵ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلإِيْثارُ فَضِيلَةٌ وَالإِحْتِكارُ رَذِيلَةٌ؛[۴] از خودگذشتگی، شایستگی است و احتکارپستی است.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج ۷۲، ص ۳۶۵.
۲. **وسائل الشیعة**، ج ۱۶، ص ۱۹۲.
۳. **غرر الحکم**، ص ۳۹۵.
۴. همان.

صفت برتر

۱۳۶-۱۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلإِیْثارُ أَعْلَی الْمَکارِمِ؛[1] برترین صفت انسانی، از خود گذشتگی برای دیگران می‌باشد.

مقدم داشتن خدا بر غیر خدا

۱۳۷-۱۷ امام صادق علیه‌السلام:

نَجْوَی الْعَارِفِینَ تَدُورُ عَلَی ثَلاثَةِ أُصُولٍ: اَلْخَوفُ وَ الرَّجاءُ وَ الْحُبُّ. فَالْخَوْفُ فَرْعُ الْعِلْمِ وَ الرَّجاءُ فَرعُ الْیَقِینِ وَ الحُبُّ فَرْعُ المَعْرِفَةِ. فَدَلِیلُ الْخَوفِ أَلْهَرَبُ؛ وَ دَلِیلُ الرَّجاءِ الطَّلَبُ وَ دَلِیلُ الْحُبِّ اِیْثارُ الْمَحْبُوبِ عَلَی ما سِوَاهُ؛[2] نجوای عارفان بر سه اصل استوار است: ترس، امیدواری و دوستی؛ اما ترس، فرعِ آگاهی است، امیدواری شاخه یقین، و دوستی مولود آشنایی و معرفت است. و امّا نشانه ترس، فرار، و نشانه امیدواری، طلب نیاز، و نشانه دوستی خدا، مقدم داشتن خدا بر غیر اوست.

ریشه فداکاری

۱۳۸-۱۸ امام صادق علیه‌السلام:

جَعَلَ اللهُ التَّوَکُّلَ مِفْتاحَ الإِیْمانِ وَ الإِیْمانَ قُفْلَ التَّوَکُّلِ وَ حَقِیقَةُ التَّوَکُّلِ الإِیْثارُ وَ أَصْلُ الإِیْثارِ تَقْدِیْمُ الشَّیءِ بِحَقِّهِ؛[3] خداوند توکل را کلید ایمان و ایمان را نگهدارنده توکل قرار داد، و حقیقت توکّل هم از خودگذشتگی و اساس از خود گذشتگی، مقدّم داشتن (دیگران) به چیزی است که حق او باشد.

---

۱. همان.
۲. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۲، ص۱۶۹.
۳. همان، ج۱، ص۲۱۹.

عنایت پروردگار

۱۳۹-۱۹ امام صادق علیه‌السلام:

اِنَّ مِمَّا خَصَّ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الْمُؤمِنَ، أَنْ يُعَرِّفَهُ بِرَّ اِخْوانِهِ وَاِنْ قَلَّ وَ لَيْسَ الْبِرُّ بِالكَثْرَةِ وَ ذلِكَ أَنَّ اللّٰهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتابِهِ: ﴿وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾؛[1]

از جمله ویژگی‌هایی که خداوند به مؤمن بخشیده، آن است که نیکی کردن به برادرش را ـ هر چند کم باشد ـ به او آموخته است. نیکی کردن به زیاد بودن آن نیست؛ زیرا خداوند در کتابش می‌فرماید: «دیگران را بر خویش مقدّم می‌دارند، هر چند خودشان نیازمند باشند».

زیور پرهیزکاران

۱۴۰-۲۰ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

حُسْنُ الأَدَبِ زِينَةُ الْعَقْلِ وَ بَسْطُ الْوَجْهِ زِينَةُ الْعِلْمِ وَالإِيْثارُ زِيْنَةُ الزُّهْدِ؛[2] ادب شایسته و نیکو، زینت خرد است و گشاده‌رویی، زیبایی دانش است، و برگزیدن دیگری بر خود، زینت پرهیزگاری است.

ایثار، شرط کمال

۱۴۱-۲۱ امام علی علیه‌السلام:

لا تَكمُلُ المَكارِمُ إلّا بِالعَفافِ وَ الإِيثارِ؛[3] خصلت‌های والای انسانی، جز با عفّت و ایثار، کامل نمی‌گردد.

---

۱. **الکافی**، ج۲، ص۲۰۷.
۲. **بحارالأنوار**، ج۷۴، ص۱۳۴.
۳. **غرر الحکم**، ص۳۹، **عیون الحکم و المواعظ**، ص۵۴۰.

شیوه نیکان

۱۴۲-۲۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلإِیثارُ شِیمَةُ الأَبْرارِ؛[۱] از خود گذشتگی خصلت نیکوکاران و ابرار است.

بالاترین میزان برادری

۱۴۳-۲۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ، وَ لاشَیءَ آثَرَ عِنْدَ کُلِّ أَخٍ مِنْ أَخِیهِ؛[۲] مؤمنان برادرند و هیچ چیز، مقدم‌تر از برادر نزد برادر نیست.

انتظار ایثار

۱۴۴-۲۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنْ لَمْ یَرضَ مِنْ صَدیقِهِ إِلّا بِإِیثارِهِ عَلَی نَفْسِهِ دَامَ سَخَطُهُ؛[۳] کسی که از دوستش جز با از خودگذشتگی او راضی نشود، همواره خشمگین است.

نشانه محبّت

۱۴۵-۲۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنْ آثَرَکَ عَلَی مَالِهِ، فَقَدْ إِخْتارَکَ عَلَی نَفْسِهِ؛[۴] کسی که تو را بر مال خود مقدم دارد، در حقیقت تو را بر نفس خود برگزیده است.

---

۱. همان، ص۴۲۵.
۲. **بشارة المصطفی لشیعة المرتضی**، ص۱۸۷.
۳. **أعلام‌الدین**، ص۳۰۵.
۴. **غرر الحکم**، ص۳۹۶.

جوانمردی در پرتو ایثار

۱۴۶-۲۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَــنْ آثَرَ عَلَى نَفْسِــهِ بالَغَ فِي الْمُــرُوَّةِ؛[۱] هرکس دیگران را بر نفس خــود مقدم بدارد، در جوان‌مردی به کمال رسیده است.

ارزش ایثار

۱۴۷-۲۷ امام امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

عِندَ الإيثارِ عَلَى النَّفسِ تَتَبَيَّنُ جَواهِرُ الكُرَماءِ؛[۲] در هنگام ایثار است که گوهر کریمان، نمایان می‌شود.

فداکاری برای پرهیزکاران

۱۴۸-۲۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

عامِلْ ســائِرَ النّاسِ بِالإِنْصافِ وَ عامِلِ الْمُؤْمِنِينَ بِالإِيثارِ؛[۳] با سایر مردم با انصاف و برابری رفتار کن، لکن با مؤمنان با از خود گذشتگی و ایثار.

نشانه جوانمردی

۱۴۹-۲۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلْكَرَمُ إِيْثَارُ الْعِرْضِ عَلَى الْمَالِ[۴] اللُّــؤمُ إِيْثَارُ الْمَالِ عَلَى الرِّجَالِ؛[۵] کرم برگزیدن آبرو بر ثروت است؛ و لئامت عبارت است از برگزیدن ثروت بر مردم.

---

۱. **الکافی**، ج۳، ص۵۰۱.
۲. **غرر الحکم**، ص۴۵۶، **عیون الحکم و المواعظ**، ص۳۳۸.
۳. **غرر الحکم**، ص۴۶۷
۴. همان، ص۳۷۸.
۵. همان، ص۲۶۰.

دیگری برتربینی

۱۵۰-۳۰ امام صادق علیه‌السلام (در جواب سؤال شخصی از میزان زکات، که گفت: منظورم هم زکات ظاهری است و هم زکات باطنی):

أَمّا الظّاهِرَةُ فَفِي كُلِّ أَلْفٍ، خَمْسَةٌ وَ عِشْرُونَ دِرهَماً وَ أَمَّا الْباطِنَةُ فَلا تَسْتَأثِرْ عَلَى أَخِيكَ بِما هُوَ أَحوَجُ إِلَيْهِ مِنْكَ؛[1] نصاب زکات ظاهری در هر هزار درهم، بیست و پنج درهم است، و اما زکات باطنی آن است که آن‌چه را برادرت بدان نیازمندتر است، ویژه خود نکنی.

بهشت در پرتوی ایثار

۱۵۱-۳۱ امام علی علیه‌السلام از قول رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

مَنْ آثَرَ عَلَى نَفْسِهِ آثَرَهُ اللهُ يَوْمَ القِيامَةِ بِالْجَنَّةِ؛[2] هر کس دیگری را بر خود مقدم دارد (چیزی که دارد ایثار نماید)، خداوند هم روز قیامت بهشت را به او ایثار می‌نماید.

ارزش ایثار

۱۵۲-۳۲ امام رضا علیه‌السلام:

إِنَّ اللهَ مَدَحَ إِيْثارَ الفَقِيرِ مَعَ أَنَّهُ لا يَقْدِرُ عَلَى الْكَثِيرِ؛[3] خداوند از خود گذشتگی نیازمند را ستایش فرموده است، با وجود آن‌که توانایی بیش از آن را ندارد.

پاداش رفتار

۱۵۳-۳۳ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به اباذر فرمود:

يـا أَباذَرٍ! يَقُولُ اللهُ عَزَّوجلّ ثَناؤُهُ: وَ عِزَّتِي وَ جَلالِي! لا يُؤْثِرُ عَبْدِيْ هَوايَ عَلَى هَوَاهُ

---

۱. **معانی الأخبار**، ص۱۵۳.
۲. **مستدرک الوسائل**، ج۷، ص۲۵۰؛ **تفسیر نور الثقلین**، ج۵، ص۲۸۵.
۳. **بحارالأنوار**، ح۷۱، ص۳۰۰.

اِلّا جَعَلْتُ غِناهُ فِی نَفْسِهِ وَ هُمُومَهُ فِی آخِرَتِهِ وَ ضَمِنَتِ السَّماواتُ و الاَرْضُ رِزْقَهُ؛[1] ای اباذر! خداوندی که حمد و ثنای او بزرگ است، فرمود: به عزّت و جلالم سوگند! که هیچ بنده‌ای خواســت و خشنودی مرا بر خواسته خودش مقدم نمی‌دارد، مگر آن‌که درباره او این چند کار را انجام خواهم داد:

۱. بی‌نیازش کنم در نفسش؛

۲. توجه او را به آخرت معطوف دارم؛

۳. آسمان و زمین روزی او را ضمانت نمایند.

نتیجه فداکاری

۱۵۴-۳۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

تَحَبَّبْ إِلی خَلِیلِكَ، یُحِبُّكَ وَ أَكْرِمْهُ یُكْرِمْكَ وَ آثِرْهُ عَلَی نَفْسِكَ یُؤْثِرُكَ عَلَی نَفْسِهِ وَ أَهْلِهِ؛[2] به دوســتت ابراز دوستی کن تا دوستت بدارد، و او را گرامی بدار، تا گرامی‌ات بدارد، و او را بر خود مقدم بدار، تا تو را بر خود و خانواده‌اش مقدم بدارد.

پیامد فداکاری

۱۵۵-۳۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

بِالإِیْثارِ عَلَی نَفْسِــكَ تَمْلِكُ الرِّقابَ؛[3] با مقدم داشــتن دیگران بر خود، مالک گردن‌ها می‌شوی (مردم مطیع و فرمان‌بردار تو می‌شوند).

---

۱. همان، ج ۷۴، ص۸۸، باب ۴.
۲. **مکارم‌الأخلاق**، ص۱۵.
۳. **غرر الحکم**، ص ۲۶۰.

زمینه ستایش

۱۵۶-۳۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

ذَلِّلُوا أَخْلاقَكُمْ بِالْمَحاسِنِ وَ قُودُوهَا إِلَى الْمَكارِمِ وَعَوِّدُوهَا الْحِلْمَ وَ اصْبِرُوا عَلَى الإِيْثارِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ فِيمَا تَحْمِدُونَ عَنْهُ؛[1] اخلاق خود را با انجام دادن نیکی‌ها رام کنید و به انجام خوبی‌ها وادار سازید و به بردباری عادت دهید، و بر مقدّم داشتن ایثاری که نفستان شما را از آن باز می‌دارد، شکیبایی نمایید.

معصومان علیهم‌السلام، الگوی ایثارگران

۱۵۷-۳۷ امام صادق علیه‌السلام:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَينِ علیه‌السلام إِذَا كَانَ الْيَوْمُ الَّذِي يَصُومُ فِيهِ أَمَرَ بَشاةٍ فَتُذْبَحُ وَ تُقْطَعُ أَعْضاؤُها وَ تُطْبَخُ فَإِذَا كَانَ عِنْدَ الْمَساءِ أَكَبَّ عَلَى الْقُدُورِ حَتّى يَجِدَ رِيْحَ الْمِرَقِ وَ هُوَ صائِمٌ ثُمَّ يَقُولُ: «هاتُوا الْقِطاعَ أَغْرِفُوا لِآلِ فُلانٍ وَ أَغْرِفُوا لِآلِ فُلانٍ» يَأْتِي عَلَى آخِرِ الْقُدُورِ ثُمَّ يُؤْتِي بِخُبْزٍ وَ تَمْرٍ فَيَكُونُ ذلِكَ عَشاءَهُ؛[2] امام سجاد علیه‌السلام در روزی که روزه می‌گرفت، امر می‌کرد گوسفندی قربانی کنند. سپس دستور می‌داد تا گوشت آن را تکه‌تکه کنند و بپزند. هنگامی که شب فرا می‌رسید، پیش از آن‌که افطار کند، خود را در معرض دیگ قرار میداد تا بوی آب‌گوشت را استشمام کند؛ سپس می‌فرمود: «ظروفی بیاورید و برای فلان طایفه و فلان طایفه غذا ببرید» تا این‌که غذا تمام می‌شد؛ سپس برایش مقداری نان و خُرما می‌آوردند و ایشان با همان افطار می‌کرد.

---

۱. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۱، ص۱۸۹

۲. **المحاسن**، ج۲، ص۳۹۶.

الگوی فداکاری

۱۵۸-۳۸ عایشه می‌گوید:

ما شَبِعَ رَسُولُ اللهِ ﷺ ثَلاثَةَ أَيّامٍ مُتَوالِيَةٍ حَتّى فارَقَ الدُّنْيا وَ لَوْ شاءَ لَشَبِعَ وَ لكِنَّهُ كانَ يُؤْثِرُ عَلَى نَفْسِهِ؛[1] رسول خدا ﷺ (تا زمان رحلت) هرگز سه روز پیاپی سیر غذا نخورد، و اگر می‌خواست می‌توانست سیر بخورد؛ (روش آن حضرت این بود که) دیگران را بر خود مقدم می‌داشت.

ایثار، در حال احتیاج

۱۵۹-۳۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

أَعْظَمُ الْجُودِ الإِيْثارُ مَعَ الضَّرُورَةِ كَما آثَرَ آلُ مُحَمَّدٍ عليهم‌السلام بِالْقُرصِ؛[2] بخشیدن در حال نیاز و احتیاج، بزرگ‌ترین ازخودگذشتگی است، همان طور که آل محمد علیهم‌السلام قرص نان و غذای خویش را ایثار کردند.

معرفی ایثارگران به فرزند

۱۶۰-۴۰ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام به فرزندش امام حسین علیه‌السلام فرمود:

يا بُنَيَّ! إِذا نَزَلَ بِكَ كَلَبُ الزَّمانِ وَ قَحطُ الدَّهرِ، فَعَلَيْكَ بِذَوِي الأُصُولِ الثابِتَةِ وَ الْفُرُوعِ النّابِتَةِ مِنْ أَهْلِ الرَّحْمَةِ وَ الإِيْثارِ وَ الشَّفَقَةِ؛[3] فرزندم! هرگاه سختی زمانه و قحطی روزگار به تو روی آورد، به خاندان‌های ریشه‌دار و پر شاخه که اهل مهربانی و ایثارگری و دلسوزی هستند سرکشی کن [و آن‌ها را فراموش نکن].

---

۱. **مجموعة ورام**، ج۱، ص۱۷۲.
۲. **إرشاد القلوب**، ج۱، ص۱۷۲.
۳. **أعلام‌الدین**، ص۳۲۶؛ **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۱، ص۱۸۹.

چهل حدیث برزخ

سید حسن نقیبی

عالم پس از مرگ، از اسـرار خلقت است و در عین حال، همه دوست دارند بدانند پس از مردن چه بر سر انسان می‌آید؟ فاصله میان مرگ تا برپایی قیامت را «عالم برزخ» گویند. در همین مرحله هم که مقدّمه ورود به جهان آخرت اسـت، روح انسان‌ها یا در عذاب است، یا در سایه رحمت الهی برخوردار از نعمت‌های خداست.

موضوعاتـی هم‌چون جان دادن، شـب اوّل قبر، سـؤال قبر، فشـار قبر، برهوت و وادی‌السلام و جایگاه ارواح مؤمنان و فاسـقان، تأثیر عمل نیک بازماندگان بر اموات، محدوده آزادی ارواح، ارتباط مردگان با دنیا و بازماندگان و... همه مربوط به عالم برزخ است و ما چون دسترسی به آن عالم اسرارآمیز و پنهان نداریم، ناچار باید از قرآن کریم، روایات اسلامی و از زبان معصومین علیهم‌السلام فرا بگیریم، چون خداوند، دریچه‌هایی از علم خویش را به روی آنان گشوده است.

آشـنایی با عالم برزخ و احادیث مربوط به آن، سبب می‌شود که ما با آمادگی بهتری وارد آن جهان شـویم و با شـناختی که از تأثیر اعمال این دنیا در وضعیّت ما در برزخ و آخـرت دارد، بتوانیـم با ره‌توشـه‌ای از عمل‌های نیک و تقوا و تـرک گناه، به محضر پروردگارمان برویم.

برزخ همان قبر است

۱۶۱-۱ امام صادق علیه‌السلام:

البَرزَخُ أَلقَبرُ و هُوَ الثَّوَابُ و العِقابُ بَینَ الدُّنیا و الآخِرَةِ؛[۱] برزخ همان قبر است، و آن ثواب و عذاب بین دنیا و آخرت است.

نگرانی از برزخ

۱۶۲-۲ امام صادق علیه‌السلام:

أَمَّا فِي الْقِيَامَةِ فَكُلُّكُمْ فِي الْجَنَّةِ بِشَفَاعَةِ النَّبِيِّ الْمُطَاعِ أَوْ وَصِيِّ النَّبِيِّ و لكِنّي وَاللهِ أَتَخَوَّفُ عَلَيكُمْ فِي الْبَرزَخِ، قُلتُ: «وَ مَا البَرزَخُ؟» قالَ علیه‌السلام: «القَبرُ مُنذُ حينَ مَوتِهِ إلى يَومِ القِيامَةِ»؛[۲] امّا در قیامت همه شما شیعیان، با شفاعت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله یا وصی پیامبر علیه‌السلام در بهشت هستي، د ولی ـ قسم به خدا! ـ بر شما در برزخ نگرانم. (راوی می‌گوید:) عرض کردم: «برزخ چیست؟» فرمود: «قبر است؛ از آغاز مرگ تا روز قیامت».

درخواست نجات از برزخ

۱۶۳-۳ امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف:

وَ تَوَلَّ أنتَ نَجاتی مِنْ مُساءَلَةِ البَرزَخِ، وَادْرَأْ عَنّی مُنكَراً و نَكيراً، و أَرِ عَيْنِي مُبَشِّراً و بَشِيراً؛[۳] (خدایا!) تو خود عهده‌دار نجات من از سؤال و جواب در عالم برزخ باش، و منکر و نکیر را از من دورکن، و فرشته بشارت را به چشمانم بنما.

---

۱. **تفسیر قمی**، ج۱، ص۱۹.
۲. **الکافی**، ج۳، ص۲۴۲.
۳. **اقبال‌الأعمال**، ص۱۴۴؛ **المصباح**، کفعمی، ص۷۰۰.

زمین و بدن برزخیان

۱۶۴-۴ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

سَلَكُوا فی بُطونِ البَرزَخِ سَبیلاً، سُلِّطَتِ الْأَرْضُ عَلَیهِم فیهِ، فَأَكَلتْ مِنْ لُحُومِهِمْ و شَرِبَتْ مِن دِمائِهِم؛[1] (این سلاطین و رعایا) در وادی برزخ به راه می‌افتند در حالی که زمین بر آنان سلطه پیدا کرده، گوشتشان را می‌خورد، و از خونشان می‌نوشد.

سخن روزانه قبر

۱۶۵-۵ امام صادق علیه‌السلام:

إِنَّ لِلقَبرِ كَلاماً فی كُلِّ یَومٍ، یَقُولُ: «أَنَا بَیتُ الغُربَةِ، أَنَا بَیتُ الوَحشَةِ، أَنَا بَیتُ الدُّودِ، أَنَا القَبرُ، أَنَا رَوضَةٌ مِن رِیاضِ الجَنَّةِ، أَو حُفرَةٌ مِن حُفَرِ النّارِ»؛[2] حقیقتاً قبر ـ هر روز ـ سخنی دارد؛ می‌گوید: «من خانه غربتم، من خانه وحشتم، من خانه کرم‌هایم (کرم به وجود آمده از بدن‌ها)، من باغی از باغ‌های بهشت؛ یا گودالی از گودال‌های آتشم».

روشنی بر برزخ

۱۶۶-۶ امام سجاد علیه‌السلام:

أَلحَمدُللهِ ... حَمداً یُضیءُ لَنا بِهِ ظُلُماتِ البَرزَخِ؛[3] خدا را سپاس ... سپاسی که به سبب آن برای ما تاریکی‌های برزخ را روشن کند.

معیشت برزخی

۱۶۷-۷ امام سجّاد علیه‌السلام:

إِنْ نَجَوْتَ حِینَ یَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعالَمِینَ فَأَنْتَ أَنْتَ وَ إِلَّا هَلَكْتَ ثُمَّ تَلا: ﴿وَمِن

---

۱. **نهج‌البلاغة**، خطبه ۲۲۱.
۲. **الکافی**، ج۳، ص۲۴۲.
۳. **الصحیفة السجادیة**، ص۳۰.

وَرَآئِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾؛[1] قالَ: «هُوَ القَبرُ، و إنَّ لَهُم فيهِ لَمَعيشَةً ضَنكاً»؛[2] اگر هنگامی که مردم در پیشگاه رب‌العالمین به‌پا خیزند، نجات یافتی، تو را مقامی است وگرنه نابودی؛ سپس این آیه را تلاوت فرمود: «و از فراروی‌شان عالم برزخ است تا روزی که برانگیخته شوند»؛ فرمود: «آن (برزخ) قبر است، و به راستی برایشان در آن قبر، زندگانی سختی است».

نگرانی برزخ

۱۶۸-۸ امام صادق علیه‌السلام:

واللهِ! مـا أَخافُ عَلَيكُم اِلّا البَرزَخَ، فَاَمّا إذا صارَ الاَمرُ إلَينا فَنَحنُ أَولى بِكُمْ؛[3] به خدا قسـم! برای شما نمی‌ترسـم جز از برزخ، اما آن‌گاه که کار به ما رسید؛ ما نسبت به شما سزاوارتریم (که شفاعت کنیم).

عذاب قبر از چیست؟

۱۶۹-۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

عَـذابُ القَبرِ يَكونُ مِنَ النَّميمَةِ و البَولِ و عَـزَبِ الرَّجُلِ عَن أَهلِهِ؛[4] عذاب قبر از سخن‌چینی و (بی‌اعتنایی به) بول و کناره‌گیری مرد از خانواده خود می‌باشد.

مؤمن و فشار قبر

۱۷۰-۱۰ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

ضَغطَةُ الْقَبْرِ لِلمُؤمِنِ كَفّارَةٌ لِما كانَ مِنهُ مِن تَضْييعِ النِّعَمِ؛[5] فشار قبر برای مؤمن، کفاره ضایع نمودن نعمت‌هاست.

---

۱. مؤمنون/۱۰۰.
۲. **بحارالأنوار**، ج۷۸، ص۱۴۸.
۳. **تفسیر قمی**، ج۲، ص۹۴.
۴. **علل الشرایع**، ج۱، ص۲۹۱.
۵. **امالی**، شیخ صدوق، ص۱۷۷.

منکر سؤال قبر

۱۷۱-۱۱ امام صادق علیه‌السلام:

مَن أَنكَرَ ثَلاثَةَ أشياءَ فَليسَ مِن شِيعَتِنا: أَلمِعراجَ و المُساءَلَةَ فِى القَبرِ و الشَّفاعَةَ؛[1]

هرکس سه چیز را منکر شود، از شیعیان ما نیست: معراج و سؤال و جواب قبر و شفاعت (اهل‌بیت علیهم‌السلام).

جمعه و عذاب قبر

۱۷۲-۱۲ امام باقر علیه‌السلام:

بَلَغَنى أَنَّ النَّبِىَّ صلی‌الله‌علیه‌وآله قالَ: «مَن ماتَ يَومَ الجُمُعَةِ أو لَيلَةَ الجُمُعَةِ رُفِعَ عَنهُ عَذابُ القَبرِ»؛[2] به من چنین رسیده که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «هرکس روز جمعه یا شب جمعه بمیرد، عذاب قبر از او برداشته می‌شود».

دیدار ارواح مؤمنان با یکدیگر

۱۷۳-۱۳ امام صادق علیه‌السلام ارواح مؤمنین را یاد کرد و فرمود:

«يَلتَقُونَ»، قُلتُ: «يَلتَقُونَ؟» قالَ علیه‌السلام: «نَعَم وَ يَتَساءَلُونَ، وَ يَتَعارَفونَ حتّى إذا رَأَيتَهُ قُلتَ: فُلانٌ»؛[3] «به دیداریکدیگر می‌روند»، (راوی می‌گوید) گفتم: «به دیدار یک‌دیگر می‌روند؟» فرمود: «آری، و از یک‌دیگر پرس‌وجو می‌کنند، و هم‌دیگر را شناسایی می‌کنند، تا آن‌جا که وقتی او را دیدی، می‌گویی: فلانی است».

اوّلین منزل آخرت

۱۷۴-۱۴ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

إِنَّ القَبرَ أَوَّلُ مَنازِلِ الآخِرَةِ، فَإِنْ نَجَا مِنْهُ فَمَا بَعدَهُ أيسَرُ مِنهُ، و إِن لَم يَنجُ مِنهُ فَما

---

۱. همان، ص۱۷۷.
۲. **المحاسن**، ج۱، ص۶۰.
۳. همان، ص۱۷۸.

بَعدَهُ لَیسَ أَقَلَّ مِنهُ؛[1] قبر اوّلین منزل آخرت اســت، اگر (انسان) از آن نجات یافت، پس از آن آسان‌تر است، و اگر از آن نجات پیدا نکرد، (منزل‌های) بعدی از آن کمتر نیست.

مرگ مؤمن و کافر

۱۷۵-۱۵ امام صادق علیه‌السلام:

إذا ماتَ المُؤمِنُ شَیَّعَهُ سَبعُونَ ألفَ مَلَكٍ إلی قَبرِهِ... إذا ماتَ الكافِرُ شَیَّعَهُ سَبعُون اَلــفَ مَلَكٍ مِنَ الزَّبانِیَةِ إلَی قَبرِهِ؛[2] مؤمن هرگاه بمیرد، ۷۰/۰۰۰ فرشــته او را تا قبرش بدرقه می‌کند؛ هر گاه کافر بمیرد، ۷۰/۰۰۰فرشته از نگهبانان جهنّم او را تا قبرش بدرقه می‌کنند.

حقّ النّاس در برزخ

۱۷۶-۱۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

صَلّی رَسُــولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله بِأَصحابِهِ ذاتَ یَومٍ فَقالَ صلی‌الله‌علیه‌وآله: «مــا هَاهُنا مِن بَنِی النَّجَّارِ أَحَدٌ؟ وَ صاحِبُهُمْ مُحتَبَسٌ عَلی بــابِ الجَنَّةِ بِثَلاثَةِ دَراهِمَ لِفُلانٍ الْیَهُودِیِّ، وَ كانَ شَــهیداً»؛[3] رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله روزی با یارانش نماز خواند، و فرمود: «از (طایفه) بنی‌نجار این‌جا کسی نیست؟ رفیقشــان به خاطر سه درهم بدهکاری، به فلان یهودی بر در بهشت زندانی است، درحالی که شهید شده است».

وادی السّلام و برهوت

۱۷۷-۱۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

یَابنَ نُبَاتَةَ! لَو كُشِــفَ لَكُم لَرَأَیتُم أَرواحَ المؤمِنینَ فی هَذا الظَّهرِ (النَّجَفَ) حَلَقا

---

۱. **جامع الأخبار**، ص۱۶۹.
۲. همان، ص۱۶۶.
۳. **بحارالأنوار**، ج۱۷، ص۲۹۵.

يَتَزَاوَرُونَ و يَتحدَّثُونَ، إِنَّ فی هَذا الظَّهرِ رُوحَ كلِّ مُؤمِنٍ، و بِوادی بَرَهُوتَ نَسَمَةَ كُلِّ كافِرٍ؛[1]

ای پسر نباته! اگر پرده برای شما کنار رود، خواهید دید که ارواح مؤمنان در این پشت (نجف)، گروه‌گروه به دیدار هم‌دیگر می‌روند و با هم صحبت می‌کنند؛ در این پشت (وادی‌السّلام) روح هر مؤمن است، و در وادی برهوت روح هر کافر.

بدن مثالی در برزخ

۱۷۸-۱۸ امام صادق علیه‌السلام:

فَإِذا قَبَضَهُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ صَيَّرَ تِلكَ الرُّوحَ فی قالِبٍ كَقالَبِهِ فی الدُّنيا، فَيأكُلُونَ و يَشرَبُونَ، فَإِذا قَدِمَ عَلَيهِمُ القادِمُ، عَرَفُوهُ بِتِلْكَ الصُّورَةِ الَّتی كانَت فی الدُّنيا؛[2] زمانی که خداوند عزّوجلّ مؤمن را قبض روح کند، این روح را در قالبی مانند قالب دنیایی خود قرار می‌دهد، در نتیجه می‌خورند و می‌آشامند؛ هرگاه کسی بر آنان وارد شد، او را بر همان شکل دنیایی که داشت می‌شناسند.

عذاب برزخ

۱۷۹-۱۹ امام رضا علیه‌السلام:

مَن اعتَقَدَ الحَقَّ، ثُمَّ أَذنَبَ وَ لَم يَتُبْ فی الدُّنيا عُذِّبَ عَلَيهِ فِی البَرزَخِ، فَيَخرُجُ يَومَ القِيامَةِ و لَيسَ لَهُ ذَنبٌ يُسئَلُ عَنهُ؛[3] کسی که به خداوند معتقد باشد، سپس گناه کند و در دنیا توبه ننماید، در برزخ به خاطر آن معصیت عذاب می‌شود؛ پس روز قیامت (از قبر) بیرون می‌آید در حالی که گناهی ندارد تا مورد سؤال و بازخواست واقع شود.

---

۱. همان، ج۶، ص۲۴۳.
۲. **الکافی**، ج۳، ص۲۴۵.
۳. **بحارالأنوار**، ج۷، ص۸۱.

پیش‌گیری از امتحان قبر

۱۸۰-۲۰ امام صادق علیه‌السلام به نقل از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

مَن قَـرَأَ «أَلهاكُمُ التَّكاثُرُ» عِندَ النَّومِ وُقِيَ فِتنَةَ الْقَبْرِ؛[1] هرکس سـوره «تکاثر» را وقت خواب بخواند، از فتنه و امتحان قبر در امان باشد.

جلوگیری از عذاب قبر

۱۸۱-۲۱ امام باقر علیه‌السلام:

سُـورَةُ المُلكِ هِيَ المانِعَةُ، تَمنَعُ مِن عَذابِ القَبرِ؛[2] سوره «مُلک» مانع است؛ از عذاب قبر پیشگیری می‌کند.

محبّت خاندان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله

۱۸۲-۲۲ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

حُبُّ أَهلِ بَيتي يَنفَعُ مَن أَحَبَّهُم فِي سَـبعَةِ مَواطِنَ مَهُولَةٍ: عِندَ المَوتِ و فِي القَبرِ، و عِندَ القِيامِ مِنَ الأَجداثِ، و عِندَ تَطايُرِ الكُتُبِ، و عِندَ الحِسابِ، و عِندَ الميزانِ، و عِندَ الصِّراطِ؛[3] محبّت خاندان من ـ برای کسی که آنان را دوست داشته باشد ـ در هفت جای ترسناک سودمند است: هنگام مرگ، و در قبر (و برزخ) و زمان برخاستن از گور، و وقت پخش نامه‌های اعمال، و زمان حساب، و نزد سنجش (اعمال) و در (عبور از) صراط.

هشدار قبر

۱۸۳-۲۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

وَاحذَرُوا القَبرَ، وَ ضَمَّتَهُ و ضِيقَهُ و ظُلْمَتَهُ، فَإِنَّهُ الَّذي يَتَكَلَّمُ كُلَّ يَومٍ يَقُولُ: «أَنَا بَيتُ

---

۱. **الکافی**، ج۲، ص۶۲۳.
۲. همان، ص۶۳۳.
۳. **مشارق أنوار اليقين**، ص۶۷.

الــتُّرابِ، و أَنَا بَيتُ الغُربَةِ، و أَنَا بَيتُ الدُّودِ»؛[1] از قبر و فشــار و تنگی و تاریکی قبر بر حذر باشید؛ زیرا که حقیقتاً قبر هر روز حرف می‌زند و می‌گوید: «منم خانه خاکی، منم خانه غریبی، منم خانهٔ کِرم».

اوّلین فرشته در برزخ

۱۸۴-۲۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

يَدخُــلُ عَلَى المَيِّتِ (فِي القَبرِ) مَلَكٌ قَبلَ أَن يَدخُلَ نَكــيرٌ و مُنكَرٌ يَتَلَألَؤُ وَجهُهُ كَالشَّمْسِ إِســمُهُ رَوْمَانُ؛[2] فرشته‌ای ـ پیش از آن‌که نکیر و منکر وارد شوند ـ بر مرده (در قبر) وارد می‌شود که صورتش چون خورشید می‌درخشد، و نامش «رومان» است.

ارواح مؤمنان شب‌های جمعه

۱۸۵-۲۵ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

إِنَّ أَرواحَ المُؤمِنينَ يأتُونَ فِي كُلِّ لَيلَةِ الجُمُعَةِ، فَيَقُومونَ بِفِناءِ بُيوتِهِم، ثُمَّ يُنادي كُلُّ واحِــدٍ مِنهُم ـ بِصَوتٍ حَزينٍ ـ: «يا أَهْلي و أَوْلادي! و يا أَقرَبائي! اِعْطِفوا عَلَينا بِصَدَقَةٍ، وَاذْكُرونا، وَ ارْحَمُوا عَلَينا فِي غُربَتِنا، و قِلَّةِ حيلَتِنا»؛[3] به راستی ارواح مؤمنان هر شب جمعه می‌آیند، و در آستانه خانه‌های خود می‌ایستند؛ سپس هر یک با صدایی ـ غمناک ـ فریاد می‌زند: «ای خانواده و فرزندان من! ای بســتگانم! با دادن صدقه‌ای به مــا محبّت کنید، و ما را یادآوری نمایید؛ در این غربت و بیچارگی به ما ترحم نمایید».

فریاد مرده، بالای جنازه

۱۸۶-۲۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

فَوَ الَّذي نَفسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ ـ لَو يَرَونَ مَكانَهُ؛ وَ يَســمَعُونَ كَلامَهُ؛ لَذَهَلُواعَن مَيِّتِهِم،

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۳۳، ص۵۴۵.
۲. همان، ج۵۶، ص۲۳۴.
۳. **مصابیح‌القلوب**، ص۴۱۳.

وَ لَبَكَوا عَلَى نُفُوسِهِم. حَتّى حُمِلَ المَيِّتُ عَلى نَعشِهِ، وَ تَرَفْرَفَ رُوحُهُ فَوقَ النَّعشِ، وَ هُوَ يُنادي: «يا أَهلي وَ يا وُلدي! لا تَلعَبَنَّ بِكُمُ الدُّنيا كَما لَعِبَتْ بِي، جَمَعتُ المالَ مِنْ حِلِّهِ وَ مِن غَيرِ حِلِّهِ، ثُمَّ خَلَّفتُهُ لِغَيري، فَالمَهَنأُ لَهُم، وَ التَّبِعَةُ عَلَيَّ! فَاحْذَرُوا مِثْلَ ما حَلَّ بي»؛[1]

سوگند به آن (خداوندی) که جان محمّد در دست قدرت او است! ـ اگر مردم جای (میّت را) ببینند و سخنش را بشنوند، مردهٔ خود را فراموش می‌نمایند، و برای خود گریه می‌کنند؛ زیرا وقتی میّت بر تابوت حمل شود، روح او بالای تابوت پر می‌زند و فریاد می‌کند: «ای خانواده من! و ای فرزندانم! دنیا شما را بازی ندهد، آن‌گونه که مرا بازی داد، که دارایی را از حلال و غیر حلال فراهم کردم، و پس از خود برای دیگران گذاشتم، گوارایی (و کیف و لذت) برای آن‌هاست، و وِزر وبالش برای من؛ پس از بلایی که بر سر من آمده بترسید».

یاد قبر و ترک گناه

۱۸۷-۲۷ خداوند تعالی (در مناجات حضرت موسی علیه‌السلام):

يا مُوسى! ضَعِ الكِبرَ، وَدَعِ الفَخرَ، وَاذكُرْ أَنَّكَ ساكِنُ القَبرِ، فَلْيَمنَعكَ ذلِكَ مِنَ الشَّهَواتِ؛[2] ای موسی! خود بزرگ‌بینی و تکبر را وابگذار، و فخر و به خود بالیدن را رها کن، و به یادآور که تو در قبر مسکن خواهی داشت؛ باید این یادآوری تو را از شهوت‌ها باز دارد.

قبر مؤمن و قبر کافر

۱۸۸-۲۸ امام کاظم علیه‌السلام:

الدُّنيَا سِجْنُ المُؤمِنِ، وَالقَبرُ حِصْنُهُ، وَ الْجَنَّةُ مَأواهُ، و الدُّنيا جَنَّةُ الكافِرِ، وَالقَبرُ سِجنُهُ، وَالنّارُ مَأواهُ؛[3] دنیا زندان مؤمن است، و قبر پناهگاه اوست، و بهشت اقامتگاه او، و دنیا بهشت کافر است، و قبر زندان او است، و دوزخ مسکن و مأوای او.

---

۱. **جامع‌الأخبار**، ص۱۷۰.
۲. **الکافی**، ج۸، ص۴۶.
۳. **خصال**، ج۱، ص۱۰۸.

شرابخواری و برزخ

۱۸۹-۲۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

وَ الَّذی بَعَثَنی بِالحَقِّ! إنَّ شارِبَ الْخَمْرِ یَمُوتُ عَطشانَ، و فِی القَبرِ عَطشانُ، و یُبعَثُ یَومَ القِیامَةِ وَ هُوَ عَطشانُ، وَ یُنادی: «وَاعَطَشاهْ» أَلفَ سَنَةٍ؛[1] سوگند به خدایی که مرا به حق فرستاد! حقیقتاً شراب‌خوار تشنه می‌میرد، و در قبر تشنه است، روز قیامت تشنه محشور می‌شود، و به مدت هزار سال فریاد می‌کند: «وای از تشنگی».

دیدار روح مؤمن و کافر از خانواده

۱۹۰-۳۰ امام صادق علیه السلام:

إنَّ الْمُومِنَ لَیَزُورُ أَهلَهُ، فَیَرَی ما یُحِبُّ، و یُسْتَرُ عَنهُ ما یَکرَهُ؛ و إنَّ الکافِرَ لَیَزُورُ أَهلَهُ، فَیَرَی ما یَکرَهُ، و یُستَرُ عَنهُ ما یُحِبُّ؛[2] به‌راستی مؤمن (در برزخ) خانواده خود را دیدار می‌کند؛ پس آن‌چه را که خوشایند اوست می‌بیند، و چیزی که خوشایند او نیست، از وی پنهان می‌ماند. و حقّاً کافر (در برزخ) خانواده‌اش را دیدار می‌کند؛ آن‌چه را خوشایند او نیست، می‌بیند، و آن‌چه خوشایند اوست، از وی پنهان می‌ماند.

فشار قبر

۱۹۱-۳۱ امام صادق علیه السلام:

نَعُوذُ بِاللهِ مِنها، ما أَقَلَّ مَن یُفْلِتُ مِن ضَغطَةِ القَبرِ!؛[3] از فشار قبر به خدا پناه می‌برم، کمتر کسی از فشار قبر رهایی می‌یابد!

---

۱. **جامع الأخبار**، ص۱۴۹.
۲. **الکافی**، ج۳، ص۲۳۰.
۳. همان، ص۲۳۶.

حال کافر در برزخ

۱۹۲-۳۲ امام صادق علیه‌السلام:

إِنَّ أَرواحَ الْكُفَّارِ فی نارِ جَهَنَّمَ، يُعرَضُونَ عَلَيها، يَقولونَ: «رَبَّنا! لا تُقِمْ لَنا السّاعَةَ، و لا تُنجِزْ لَنا ما وَعَدتَنا، و لا تُلحِقْ آخِرَنا بِأَوَّلِنا»؛[1] حقیقتاً ارواح کافران در آتش دوزخند؛ بر آتش عرضه می‌شوند، می‌گویند: «پروردگارا! قیامت ما را بر پا نکن، و آن‌چه به ما (از عذاب جهنّم) وعده فرموده‌ای، وفا مکن، و آخر ما را به اوّلمان ملحق مفرما».

حال مؤمن در برزخ

۱۹۳-۳۳ امام صادق علیه‌السلام:

أَرواحُ المؤمِنينَ فی حُجُراتٍ فی الجَنَّةِ، يَأكُلُونَ مِن طَعامِها، وَ يَشْرَبُونَ مِن شَرابِها، وَ يَتَزاوَرُونَ فيها، و يَقولونَ: «رَبَّنا! أَقِمِ لَنَا السَّاعَةَ لِتُنجِزَ لَنا ما وَعَدْتَنا»؛[2] ارواح مؤمنان در اتاق‌هایی در بهشتند، از خوراک‌های بهشتی می‌خورند، و از نوشیدنی‌های آن می‌نوشند، به دیدار یک‌دیگر می‌روند، و عرض می‌کنند: «پروردگارا! هم‌اکنون قیامت را بر پا کن تا آن‌چه وعدهٔمان داده‌ای، برای ما انجام دهی».

یاد برزخ

۱۹۴-۳۴ امام سجاد علیه‌السلام:

أَللهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، و بارِكْ لَنا فی حُلُولِ دارِ البِلى، و طُولِ المُقامَةِ بَينَ أطباقِ الثَّرى، وَاجْعَلِ القُبُورَ بَعدَ فَراقِ الدُّنيا خَيرَ مَنازِلِنا، وَافسَحْ لَنا بِرَحمَتِكَ فی ضيقِ مَلاحِدِنا؛[3] بارخدایا! درود فرست بر محمّد و خاندان او، و مبارک گردان برای ما فرود آمدن به

---

۱. **الکافی**، ج۳، ص۲۴۵.
۲. **میزان‌الحکمة**، ج۱، ص۲۵۳.
۳. **الصحیفةالسجادیة**، ص۱۸۰.

خانه کهنه (و به هم ریخته: قبر) را، و بسیار ماندن در میان طبقه‌های خاک را، و قبرها را پس از مفارقت و جدایی از دنیا برای ما بهترین منزل قرار ده، و تنگی لحدهامان را به وسیله رحمت و مهربانیّت گشاده گردان.

زیارت اهل قبور

۱۹۵-۳۵ امام صادق علیه‌السلام:

إِنَّهُم يَأنِسُونَ بِكُم، فَإِذا غِبتُم عَنْهُمُ إستَوحَشُوا؛[۱] مردگان به شما (زیارت‌کنندگان قبر) انس و الفت می‌گیرند؛ هرگاه از آنان پنهان شدید، احساس تنهایی میکنند.

خواندن سوره قدر بر قبر

۱۹۶-۳۶ امام رضا علیه‌السلام:

مَنْ أَتى قَبرَ أَخيهِ، ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى القَبرِ؛ وَ قَرَأَ «إِنّا أَنزَلناهُ فى لَيلَةِ القَدرِ» سَبعَ مرّاتٍ أَمِنَ يَومَ الفَزَعِ الأَكبَرِ أَو يَومَ الفَزَعِ؛[۲] هرکس بر سر قبر برادر (مؤمن) خود برود، و سپس دستش را بالای قبر گذاشته و سوره «قدر» را هفت مرتبه بخواند، روز وحشتناک (قیامت) در امن و امان باشد.

چاه برهوت

۱۹۷-۳۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

شَرُّ بِئرٍ فِى النّارِ بَرَهُوتُ الَّذى فِيهِ أَرواحُ الكُفّارِ؛[۳] بدترین چاه در آتش (دوزخ) برهوت است، که ارواح کافران در آن‌جاست.

---

۱. **الکافی**، ج۳، ص۲۲۸.
۲. همان، ص۲۲۹.
۳. همان، ص۲۴۶.

عمل نیکو برای میّت

۱۹۸-۳۸ امام صادق علیه‌السلام:

مَن عَمِلَ مِنَ المُسلِمینَ عَن مَیِّتٍ عَمَلاً صالِحاً؛ أُضعِفَ لَهُ أَجرُهُ، وَ نَفَعَ اللّهُ بِهِ المَیِّتَ؛[1] هرکس از مسلمانان به (نیابت) از میتی عملی نیکو به‌جا آورد؛ اجر و ثواب او دو برابر خواهد شد، و خداوند به آن عمل؛ میّت را بهره‌مند فرماید.

تاثیر نماز در برزخ

۱۹۹-۳۹ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مَن أَتَمَّ رُکوعَهُ لَم تَدخُلهُ وَحشَةٌ فِي القَبر؛[2] هر کس رکوعش را کامل بگزارد، گرفتار وحشت قبر نمی‌شود.

شادی میّت در برزخ

۲۰۰-۴۰ امام صادق علیه‌السلام:

إِنَّ المَیِّتَ لَیَفرَحُ بِالتَّرَحُّمِ عَلَیْهِ وَ الاِسْتِغْفارِ لَهُ، کَما یَفرَحُ الحَیُّ بِالهَدیَّةِ تُهدَی إِلَیهِ؛[3] به‌راستی مرده با رحمت فرستادن شاد می‌شود، همان‌گونه که زنده با هدیه دادن خوشحال می‌شود.

---

۱. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۱، ص۱۱۷.
۲. **الکافی**، ج۳، ص۳۲۱.
۳. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۱، ص۱۱۷.

چهل حدیث بهشت و جهنم

سید محمّدحسین حسینی ضیغمیان

در چشم‌انداز حیات ابدی هر مسلمان، «آخرت» قرار دارد.

آخرت، مرحله‌ای است که همه انسان‌ها نتیجه خوب و بد رفتار خویش را می‌بینند. خوبان و پاکان به «بهشت» می‌روند و بدان و گنهکاران در دوزخ عذاب می‌شوند.

عقیده به «معاد» و بهشت و جهنم، در بازداشتن افراد از گناه و فساد و سوق دادن به سوی کارهای شایسته و خداپسند نقش مهمّی دارد. در روایات اسلامی نیز، هم‌چون آیات نورانیِ قرآن کریم، مطالب فراوانی درباره بهشت و جهنم آمده است و آشنایی با معارف حدیثی در این مورد، بسیار کارگشاست.

مجموعه حاضر، گزیده‌ای از احادیث معصومین علیهم‌السلام درباره این دو موضوع مهم و صفات و ویژگی‌های دوزخ و بهشت و دوزخیان و بهشتیان و کارهایی است که بهشت و جهنم را برای انسان‌ها رقم می‌زند.

امید است مرور بر این روایات، شوق بهشت و ترس از دوزخ را در دل‌ها بیفزاید و انگیزه اعمال صالح و ترک گناه را تقویت نماید.

برتری بهشت بر دنیا

۲۰۱-۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

شِبْرٌ مِنَ الجَنَّةِ خَيرٌ مِنَ الدُّنْيا وَما فيها؛[۱] یک وجب از بهشت بهتر است از دنیا و آن‌چه در دنیا است.

بهای بهشت

۲۰۲-۲ امام صادق علیه السلام:

ثَمَنُ الْجَنَّةِ لا إِلهَ إِلّا اللهُ و اللهُ أكبَرُ؛[۲] بهای بهشت (گفتن و اعتقاد داشتن و عمل براساس) «لاإله إلّا الله» و «الله اکبر» است.

صدای زنگ درب بهشت

۲۰۳-۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اِنَّ حَلْقَةَ بابِ الْجَنَّةِ مِنْ ياقُوتَةٍ حَمْراءَ عَلى صَفائِحَ الذَّهَبِ فَإِذا دُقَّتِ الْحَلْقَةُ عَلَى الصَّفيحَةِ طَنَّتْ وَقالَتْ: «يا عَلِيُّ!»؛[۳] حلقه درب بهشت از یاقوت سرخ است که بر صفحه‌ای از طلا قراردارد؛ وقتی آن حلقه بر صفحه کوبیده می‌شود، صدای «یاعلی» طنین می‌افکند.

هفتاد و یک در بهشت

۲۰۴-۴ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

إِنَّ لِلْجَنَّةِ إِحْدى وَسَبْعينَ باباً يَدْخُلُ مِنْ سَبْعينَ مِنْها شيعَتي وأَهْلُ بَيْتي، وَمِنْ بابٍ

---

۱. **جامع‌الأخبار**، ص۱۷۴.
۲. **الکافی**، ج۲، ص۵۱۷.
۳. **علل‌الشرایع**، ج۱، ص۱۶۴.

واحِدٍ سائِرُ النّاسِ؛[1] بهشت هفتاد و یک در دارد که از هفتاد در آن شیعیان و اهل بیت من، و از یکی دیگر، سایر مردم وارد می‌شوند.

باب معروف (نیکوکاری)

۲۰۵-۵ امام صادق علیه‌السلام:

إِنَّ لِلْجَنَّةِ باباً يُقالُ لَهُ الْمَعْرُوفُ، لا يَدْخُلُهُ إِلّا أَهْلُ الْمَعْرُوفِ، وَأَهْلُ الْمَعْرُوفِ فِي الدُّنْيا هُمْ أَهْلُ الْمَعْرُوفِ فِي الآخِرَةِ؛[2] بهشت دری دارد که به آن «معروف» گفته می‌شود؛ از آن در وارد نمی‌شود مگر نیکوکاران و اهل معروف در دنیا؛ همان‌ها اهل معروف در آخرت هستند.

نوشته سر در بهشت

۲۰۶-۶ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

أُدْخِلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَيْتُ عَلى بابِها مَكْتُوباً بِالذَّهَبِ: «لا إِلهَ إِلّا اللّهُ، مُحَمَّدٌ حَبيبُ اللّهِ، عَلِيٌّ وَلِيُّ اللّهِ، فاطِمَةُ أَمَةُ اللّهِ، الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَفْوَةُ اللّهِ، عَلى مُبْغِضيهِمْ لَعْنَةُ اللّهِ»؛[3]

وارد بهشت شدم، دیدم[4] با طلا بر درش نوشته شده: جز خدای یگانه خدایی نیست، محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله محبوب خداست، علی علیه‌السلام ولیّ خداست، فاطمه علیهاالسلام کنیز خداست، حسن و حسین علیهماالسلام برگزیدگان خدا هستند، لعنت خدا بر دشمنانشان باد».

پیشاهنگ دوزخیان

۲۰۷-۷ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ النّارَ أَميرٌ مُتَسَلِّطٌ لَمْ يَعْدِلْ، وَ ذُو ثَرْوَةٍ مِنَ الْمالِ لَمْ يُعْطِ الْمالَ حَقَّهُ،

---

۱. **مناقب آل ابی‌طالب** علیهم‌السلام، ج ۲، ص ۱۵۵.
۲. **بحارالأنوار**، ج ۸، ص ۱۵۶.
۳. همان، ص ۱۹۱.
۴. منظور، دیدن در معراج است.

وَ فَقيرٌ فَخُورٌ؛[1] اوّلین کسی که به دوزخ می‌رود، فرمانروای قدرتمندی است که دادگری نکند و توانگری که حقوق مالی خود را نپردازد و تهیدست متکبّر است.

طالب بهشت و گریزان از دوزخ

۲۰۸-۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

أَلا وَإِنّي لَمْ أَرَ كَالْجَنَّةِ نامَ طالِبُها وَلا كَالنّارِ نامَ هارِبُها؛[2] آگاه باشید! من هرگز چیزی هم‌چون بهشت ندیده‌ام که جویای آن در خواب باشد و چیزی، هم‌چون آتش دوزخ ندیده‌ام که گریزانِ از آن، در خواب غفلت باشد.

حیا، ایمان، بهشت

۲۰۹-۹ امام صادق علیه‌السلام:

اَلْحَياءُ مِنَ الإِيمانِ وَ الإِيمانُ فِي الْجَنَّةِ؛[3] حیا، بخشی از ایمان است و شخص با ایمان در بهشت جای دارد.

دو عامل کلیدی

۲۱۰-۱۰ امام صادق علیه‌السلام به نقل از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

أَكْثَرُ ما تَلِجُ بِهِ أُمَّتي الْجَنَّةَ تَقْوَى اللهِ وَ حُسْنُ الْخُلْقِ؛[4] بیشترین چیزی که به وسیله آن امّت من وارد بهشت می‌شوند، تقوای الهی و خوش‌خُلقی است.

---

۱. **عیون أخبار الرضا** علیه‌السلام، ج۲، ص۲۸.
۲. **نهج‌البلاغة**، خطبه ۲۸.
۳. **الکافی**، ج۲، ص۱۰۶.
۴. همان، ص۱۰۰.

بهشت و دوستی مؤمن

۲۱۱-۱۱ امام باقر علیه‌السلام به نقل از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مَنْ زارَ أَخاهُ فِي بَيْتِهِ قالَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ: «أَنْتَ ضَيْفي وَزائِري عَلَيَّ قِراكَ وَقَدْ أَوْجَبْتُ لَكَ الْجَنَّةَ بِحُبِّكَ إِيّاهُ»؛[1]

هرکسی برادر دینی خویش را (به قصد قربت) در خانه‌اش دیدار کند، خدای عزّوجلّ به او می‌فرماید: «مهمان و زائر من هستی، پذیرایی از تو برعهده من است و برای تو بهشت را به دلیل دوستی او واجب کردم».

ویژگیِ خواستارانِ بهشت

۲۱۲-۱۲ امام سجاد علیه‌السلام:

مَنْ إِشْتاقَ إِلَى الْجَنَّةِ سارَعَ إِلَى الْحَسَناتِ وَ سَلا عَنِ الشَّهَواتِ؛[2] هرکس مشتاق بهشت باشد، در کارهای خیر پیشتاز باشد و از شهوات دوری کند.

سه عامل ورود به بهشت

۲۱۳-۱۳ امام صادق علیه‌السلام:

ثَلاثٌ مَنْ أَتَى اللهَ بِواحِدَةٍ مِنْهُنَّ أَوْجَبَ اللهُ لَهُ الْجَنَّةَ: الإِنْفاقُ مِنْ إِقْتارٍ وَالْبِشْرُ لِجَميعِ الْعالَمِ وَالإِنْصافُ مِنْ نَفْسِهِ؛[3] سه چیز است که هر کس یکی از آن‌ها را انجام دهد، خداوند به او شایستگی بهشت می‌دهد: ۱. انفاق در عین تهیدستی. ۲. خوش‌خویی نسبت به همه. ۳. انصاف داشتن.

---

۱. همان، ص۱۷۷.
۲. **تحف‌العقول**، ص۲۸۱.
۳. **الکافی**، ج۲، ص۱۰۳.

راه ورود به بهشت

۲۱۴-۱۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمود:

أَتُحِبُّ أَنْ تَدْخُلَ الْجَنَّةَ؟ قالَ: قُلْتُ: «نَعَمْ، فِداكَ أَبِي!» قالَ: «فَاقْصِرْ مِنَ الْأَمَلِ وَاجْعَلِ الْمَوْتَ نُصْبَ عَيْنَيْكَ وَاسْتَحِ مِنَ اللهِ حَقَّ الْحَياءِ»؛[1] آیا دوست داری وارد بهشت شوی؟ [ابوذر] گوید گفتم: «آری، پدرم به فدایت!» فرمود: «پس آرزو را کوتاه کن، مرگ را پیش چشمت قرار بده (و آن را فراموش مکن) و از خدا آن‌گونه که شایسته است حیا کن».

بهشت و رزمندگان

۲۱۵-۱۵ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

إِنَّ أَبْوابَ الْجَنَّةِ تَحْتَ ظِلالِ السُّيُوفِ؛[2] درهای بهشت، زیر سایه شمشیرها[ی رزمندگان] است.

اوصاف بهشت

۲۱۶-۱۶ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

جَنَّةٌ عَرْضُها كَعَرْضِ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ خَيْرٌ لَا يَكُونُ مَعَهَا شَرٌّ أَبَداً لَذّاتُها لا تُمِلُّ وَمُجْتَمِعُها لا يَتَفَرَّقُ، سُكّانُها قَدْ جاوَرُوا الرَّحْمانَ؛[3] بهشتی که پهنای آن چون پهنای آسمان و زمین است، برای متقین آماده شده، و خیری است که هیچ‌گاه شری با او همراه نیست و لذّت‌های آن، ملال‌آور نیست؛ تجمّع بهشتیان از هم پراکنده نمی‌شود و ساکنان بهشت، در جوار خداوند رحمان‌اند.

---

۱. **مکارم‌الأخلاق**، ص۴۶۵.
۲. **کشف‌الغمة**، ج۱، ص۲۵۹.
۳. **امالی**، شیخ مفید، ص۲۶۶.

قیمت انسان

۲۱۷-۱۷ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

أَلا حُرٌّ يَدَعُ هذِهِ اللُّماظَةَ لِأَهْلِها؟ إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلّا الْجَنَّةَ فَلا تَبيعُوها إِلّا بِها؛[1] آیا آزادمردی نیست که این نیم خورده (دنیا) را به اهل آن وانهد؟ بهای شما جز بهشت نیست، پس خود را جز به بهشت نفروشید.

پیشگامان بهشت

۲۱۸-۱۸ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

ثَلاثَةٌ أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ: الشَّهيدُ في سَبيلِ اللهِ، وَالْمَمْلُوكُ لَمْ يَشْغَلْهُ رِقُّهُ عَنْ طاعَةِ رَبِّهِ وَفَقيرٌ ذُو عِيالٍ مُتَعَفِّفٌ؛[2] سه نفر، اوّلین کسانی‌اند که وارد بهشت می‌شوند: شهید در راه خدا، برده‌ای که بردگیاش او را از طاعت خدا باز ندارد، و فقیر عیالمندی که عفاف ورزد و پاک بماند.

مقام تسلیم

۲۱۹-۱۹ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلّا نَفْسٌ مُسْلِمَةٌ؛[3] هرگز وارد بهشت نشود، مگر کسی که در برابر خدا تسلیم باشد.

بهشت و سختی‌ها

۲۲۰-۲۰ امام باقر علیه‌السلام:

الْجَنَّةُ مَحْفُوفَةٌ بِالْمَكارِهِ وَالصَّبْرِ، فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمَكارِهِ فِي الدُّنْيا دَخَلَ الْجَنَّةَ وَ جَهَنَّمُ

---

۱. **بحارالأنوار**، ج ۷۰، ص ۱۳۲.
۲. **میزان‌الحکمة**، ج ۲، ص ۲۹۶
۳. **کنز العمّال**، ج ۱، ص ۷۹.

مَحْفُوفَةٌ بِاللَّذّاتِ وَالشَّهَواتِ، فَمَنْ أَعْطى نَفْسَهُ لَذَّتَها وَ شَهْوَتَها دَخَلَ النّارَ؛[1] گرداگرد بهشت ناملایمات است و بردباری می‌طلبد؛ پس هر کس بر سختی‌ها صبر کند، به بهشت برود، و دوزخ در درون لذّت‌ها و خواهش‌های نفس قرار دارد؛ پس هرکس لذّت و خواهش نفس را برآورده کند، به دوزخ رود.

درِ ورودی روزه‌داران

۲۲۱-۲۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

إِنَّ لِلْجَنَّةِ باباً يُدْعى «الرَّيّانُ» لا يَدْخُلُ مِنْهُ إِلّا الصّائِمُونَ؛[2] بهشت را دروازه‌ای است به نام «ریّان» که جز روزه‌داران از آن در وارد نشوند.

حفظ زبان و عفت

۲۲۲-۲۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنْ ضَمِنَ لي مابَيْنَ لِحْيَيْهِ وَما بَيْنَ رِجْلَيْهِ ضَمِنْتُ لَهُ عَلَى اللهِ الْجَنَّةَ؛[3] هرکس به من تضمین دهد که زبان و شهوت خویش را کنترل کند، من بهشت را برای او ضمانت می‌کنم.

رفیع‌ترین جایگاه بهشت

۲۲۳-۲۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

إِنَّ فِي الْجَنَّةِ دَرَجَةً لا يَنالُها إِلّا إِمامٌ عادِلٌ، أَوْ ذُو رَحِمٍ وَصُولٍ، أَوْ ذُو عِيالٍ صَبُورٍ؛[4] در بهشت درجه و جایگاهی است که به آن دست نیابد، مگر پیشوای دادگر یا خویشاوندی که زیاد صله رحم به جا آورد یا عیال‌واری که در برابر مشکلات صبوری ورزد.

---

۱. **الکافی**، ج۲، ص۸۹.
۲. **معانی‌الأخبار**، ص۴۰۹.
۳. **وسائل‌الشیعة**، ج۱۵، ص۲۵۰.
۴. **الخصال**، ج۱، ص۹۳.

محرومیت از بهشت

۲۲۴-۲۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنِ اسْتَرْعَى رَعِيَّةً فَغَشَّها حَرَّمَ اللهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ؛[۱] هرکس سرپرستی ملّتی را برعهده بگیرد و به آن‌ها خیانت و دغل ورزد، خداوند بهشت را بر او حرام گرداند.

سه عامل محرومیت

۲۲۵-۲۵ امام کاظم علیه السلام:

حَرُمَتِ الْجَنَّةُ عَلى ثَلاثَةٍ: النَّمّامِ، وَ مُدْمِنِ الْخَمْرِ وَ الدَّيُّوثِ وَ هُوَ الْفاجِرُ؛[۲] بهشت بر سه کس حرام شده است: سخن‌چین، می‌گسار و مرد بی‌غیرت؛ یعنی فاسق.

بهشت، بهای جهاد نفس

۲۲۶-۲۶ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

لَنْ يَجُوزَ الْجَنَّةَ إِلّا مَنْ جاهَدَ نَفْسَهُ؛[۳] هرگز بهشت را به دست نمی‌آورد، مگر کسی که با نفس خود مبارزه کند.

بهای بهشت

۲۲۷-۲۷ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

ثَمَنُ الْجَنَّةِ الْعَمَلُ الصّالِحُ؛[۴] بهای بهشت، عمل صالح است.

---

۱. **مجموعة ورام**، ج ۲، ص ۲۲۷.
۲. **وسائل الشیعة**، ج ۱۲، ص ۳۰۸.
۳. **غرر الحکم**، ص ۲۴۳.
۴. همان، ص ۱۵۴.

شرط دست‌یابی به بهشت

۲۲۸-۲۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

لا يَفُوزُ بِالْجَنَّةِ إِلّا مَنْ حَسُنَتْ سَرِيرَتُهُ وَخَلُصَتْ نِيَّتُهُ؛[۱] به بهشت دست نیابد، مگر کسی که باطنش نیکو و نیّتش خالص باشد.

جاودانگی در بهشت و جهنّم

۲۲۹-۲۹ امام صادق علیه‌السلام:

إِنَّما خُلِّدَ أَهْلُ النّارِ فِي النّارِ لِأَنَّ نِيّاتِهِمْ كانَتْ فِي الدُّنْيا أَنْ لَوْ خُلِّدُوا فيها، أَنْ يَعْصُوا اللهَ أَبَداً، وَإِنَّما خُلِّدَ أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ لِأَنَّ نِيّاتِهِمْ كانَتْ فِي الدُّنْيا أَنْ لَوْ بَقُوا فيها أَنْ يُطيعُوا اللهَ أَبَداً، فَبِالنِّيّاتِ خُلِّدَ هؤُلاءِ وَهؤُلاءِ؛[۲] علّت این که اهل دوزخ همیشه در آتش خواهند بود، آن است که قصد و نیّت آن‌ها این بود که اگر همیشه در دنیا بودند، همواره خدا را معصیت کنند، و علت این که اهل بهشت، همیشه در بهشت خواهند بود، آن است که قصد آن‌ها این بود که اگر همیشه در دنیا باشند، همواره خدا را اطاعت کنند؛ پس نیّت‌هاست که موجب شده اهل بهشت در بهشت، و اهل آتش در آتش جاویدان باشند.

خانه آخرت

۲۳۰-۳۰ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

لَيْسَ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلّا وَلَهُ مَنْزِلانِ: أَحَدُهُما فِي الْجَنَّةِ وَالآخَرُ فِي النّارِ؛[۳] هیچ یک از شما نیست مگر آن که دو منزل دارد: یکی در بهشت و دیگری در دوزخ.[۴]

---

۱. همان، ص۱۶۸.

۲. **الکافی**، ج۲، ص۸۵.

۳. **کنز العمال**، ج۱۴، ص۴۹۶.

۴. اگر اعمال شایسته و عمل صالح انجام دادیم، به منزل بهشت برده خواهیم شد، و اگر خدای ناکرده اعمال ما ناشایست و عصیان الهی باشد، به منزل جهنّم.

درختان بهشتی

۲۳۱-۳۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

عَلی بابِ الْجَنَّةِ شَجَرَةٌ إِنَّ الْوَرَقَةَ مِنْها لَيَسْتَظِلُّ تَحْتَها أَلْفُ رَجُلٍ مِنَ النّاسِ؛[1] دم در بهشت درختی است که از سایه هر برگ آن هزار نفر از مردم می‌توانند استفاده کنند.

آهنگ بهشتی

۲۳۲-۳۲ امام صادق علیه السلام:

إِنَّ فِي الْجَنَّةِ شَجَراً يَأْمُرُ اللهُ رِياحَها فَتَهُبُّ فَتَضْرِبُ تِلْكَ الشَّجَرَةُ بِأَصْواتٍ لَمْ يَسْمَعِ الْخَلائِقُ بِمِثْلِها حُسْناً، ثُمَّ قالَ: «هذا عِوَضٌ لِمَنْ تَرَكَ السَّماعَ فِي الدُّنْيا مِنْ مَخافَةِ اللهِ»؛[2] در بهشت درختی است که خداوند به بادهای بهشت امر می‌کند به حرکت درآیند و آن درخت صداهای نیکو و زیبایی را ایجاد می‌کند که مردم در زیبایی، مانندش را نشنیده‌اند؛ سپس فرمود: «این پاداش کسانی است که در دنیا از ترس خدا، از آهنگ‌ها(ی مبتذل) دوری می‌کنند».

رهایی مؤمن از دوزخ

۲۳۳-۳۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

يَخْرُجُ مِنَ النّارِ مَنْ كانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقالُ ذَرَّةٍ مِنْ إِيْمانٍ؛[3] هرکس ذره‌ای ایمان در دلش باشد، از آتش بیرون آورده می‌شود.

نماز و نجات از جهنّم

۲۳۴-۳۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

لَنْ يَلِجَ النّارَ مَنْ ماتَ لا يُشْرِكُ بِاللهِ شَيْئاً وَ كانَ يُبادِرُ صَلاتَهُ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ

---

۱. **الکافی**، ج۸، ص۹۵.
۲. **بحارالأنوار**، ج۸، ص۱۲۶.
۳. **کنز العمال**، ج۱، ص۷۲.

وَقَبْلَ غُرُوبِها؛[1] هرگز به دوزخ نرود آن‌کس که تا زنده بوده چیزی را شریک خدا قرار نداده و پیش از طلوع آفتاب و قبل از غروب آن نمازش را خوانده باشد.

دوزخ، جای دشمنان علی علیه‌السلام

۲۳۵-۳۵ امام باقر علیه‌السلام:

إِنَّ أَعْداءَ عَلِيٍّ علیه‌السلام هُمُ الْخالِدُونَ فِي النّارِ لا تُدْرِكُهُمُ الشَّفاعَةُ؛[2] دشمنان علی علیه‌السلام همواره در آتش خواهند بود و مشمول شفاعت نمی‌شوند.

اخلاق دوزخی

۲۳۶-۳۶ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

ثَلاثَةٌ مِنْ خَلائِقِ أَهْلِ النّارِ: الْكِبْرُ وَالْعُجْبُ وَسُوءُ الْخُلْقِ؛[3] سه خصلت از اخلاق دوزخیان است: تکبّر، خودپسندی و بد اخلاقی.

آتش آخرت

۲۳۷-۳۷ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

نارُكُمْ هذِهِ جُزْءٌ مِنْ سَبْعينَ جُزْءاً مِنْ نارِ جَهَنَّمَ، لِكُلِّ جُزْءٍ مِنْها حَرُّها؛[4] آتش دنیا یکی از هفتاد جزء آتش دوزخ است که هر یک از آن اجزاء، گرمای خود را دارد.

سیمای جهنّم

۲۳۸-۳۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

إِحْذَرُوا ناراً قَعْرُها بَعيدٌ، وَ حَرُّها شَديدٌ وَ عَذابُها جَديدٌ، دارٌ لَيْسَ فيها رَحْمَةٌ، وَلا

---

۱. همان، ص۷۹.
۲. **الزهد**، ص۹۶.
۳. **مجموعة ورام**، ج۲، ص۱۲۱.
۴. **کنز العمال**، ج۱۴، ص۵۲۱.

تُسْمَعُ فيها دَعْوَةٌ، وَلا تُفَرَّجُ فيها كُرْبَةٌ؛[1] بترسید از آتشی که ژرفایش ناپیداست و گرمایش سخت و عذابش نو به نو؛ سرایی است که در آن رحمتی نباشد و فریاد کمک‌خواهی شنوده نشود و اندوهی زدوده نگردد.

بوی لباس جهنّمی

۲۳۹-۳۹ امام صادق علیه‌السلام فرمود: جبرئیل علیه‌السلام به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله عرض کرد:

لَوْ أَنَّ سِربالاً مِنْ سَرابيلِ أَهْلِ النّارِ عُلِّقَ بَيْنَ السَّماءِ وَالْأَرْضِ لَماتَ أَهْلُ الدُّنْيا مِنْ ريحِهِ؛[2] اگر یکی از جامه‌های دوزخیان میان آسمان و زمین آویخته شود، همه مردم دنیا از بوی آن بمیرند.

قطره‌ای از ضریع

۲۴۰-۴۰ امام صادق علیه‌السلام فرمود: جبرئیل علیه‌السلام به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله عرض کرد:

لَوْ أَنَّ قَطْرَةً مِنَ الضَّريعِ قَطَرَتْ فِي شَرابِ أَهْلِ الدُّنْيا لَماتَ أَهْلُها مِنْ نَتِنِها؛[3] اگر قطره‌ای از ضریع جهنّم[4] در آب آشامیدنی مردم دنیا بچکد، از بوی گندِ آن همگی بمیرند.

---

۱. **نهج‌البلاغة**، نامه ۲۷.
۲. **تفسیر قمی**، ج۲، ص۸۱.
۳. همان.
۴. «ضریع» نام نوعی از تیغ گیاه است که به آن «شبرق» هم می‌گویند، و اهل حجاز آن را وقتی خشک شد، «ضریع» می‌نامند. ناگوارترین و تهوع‌آورترین گیاه است که هیچ حیوانی آن را نمی‌خورد و شاید نامیدن آن‌چه در آتش است به نام «ضریع» صرفاً از نظر شباهت در شکل و خاصیت بوده باشد؛ **ترجمهٔ تفسیر المیزان**، ج۲۰، ص۴۵۷.

چهل حدیث پدر

اسماعیل محمدی کرمانشاهی

حق‌شناسی و نعمت‌شناسی، نشانه معرفت و خردمندی انسان است.

«پدر» حق بزرگی بر فرزند دارد. قرآن کریم توصیه می‌فرماید: «به پدر و مادر نیکی کنید و به شایستگی با آنان صحبت کنید و ارزش این نعمت را بدانید».

در متون دینی و توصیه‌های پیشوایان معصوم علیهم‌السلام، بر شناخت حق پدر و احترام و قدردانی نسبت به او توصیه شده است. روز میلاد حضرت علی علیه‌السلام در کشور ما به عنوان «روز پدر» نام‌گذاری شده، چرا که او یک پدر نمونه و سرمشق همه پدران است. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز فرموده است: «من و علی، پدران این امّت هستیم».

حقوق پدر بر فرزند

۱-۲۴۱ امام کاظم علیه‌السلام:

سَأَلَ رَجُلٌ رَسُولَ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله: «ما حَقُّ الوالِدِ عَلَى وَلَدِهِ؟» قالَ: «لايُسَمِّيهِ بِاسمِهِ وَلا يَمشِي بَينَ يَدَيهِ وَ لا يَجلِسُ قَبلَهُ وَلا يَستَسِبُّ لَهُ»؛[1] مردی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله پرسید: «حق پدر بر فرزندش چیست؟» فرمود: «او را به نام صدا نزند و جلوی او راه نرود و قبل از او ننشیند و کاری نکند که او را دشنام دهند».

نگاه پدر به فرزند

۲-۲۴۲ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

نَظَرُ الوالِدِ إلى وَلَدِهِ حُبّاً لَهُ عِبادَةٌ؛[2] نگاه کردن پدر به فرزندش از روی محبت عبادت است.

حقوق متقابل پدر و فرزند

۳-۲۴۳ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

حَقُّ الوَلَدِ عَلى والِدِهِ اَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وأَدَبَهُ ويَضَعَهُ مَوْضِعاً صالِحاً وَ حَقُّ الوالِدِ عَلى وَلَدِهِ اَنْ لايُسَمِّيَهُ بِأسْمِهِ وَلا يَمْشِيَ بَيْنَ يَدَيْهِ وَلا يَجْلِسَ أمَامَهُ وَلا يَدْخُلَ مَعَهُ الحَمَّامَ؛[3]

حق فرزند بر پدر آن است که برایش نام نیک برگزیند، او را به خوبی ادب کند و او را در موقعیت

---

۱. **الکافی**، ج۲، ص۱۵۸.
۲. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۵، ص۱۷۰.
۳. **بحارالأنوار**، ج۷۴، ص۶۰.

مناسبی قرار دهد، و حق پدر بر فرزند آن است که او را به نامش نخواند، پیش روی او راه نرود، جلوتر از او ننشیند و با او به حمام نرود.

سه حق فرزند بر پدر

۲۴۴-۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مِنْ حَقِّ الوَلَدِ عَلى والِدِه ثَلاثَةٌ يُحَسِّنُ اسمَهُ وَ يُعَلِّمُهُ الكِتابَةَ و يُزَوِّجُهُ إذا بَلَغَ؛[1] از حقوق فرزند بر پدرش سه چیز است: نام نیکو بر او نهد و به او نوشتن بیاموزد و هنگامی که به سن بلوغ رسید برای او همسر برگزیند.

حقوق فرزندان بر پدر

۲۴۵-۵ امام صادق علیه السلام:

حَقُّ الوَلَدِ عَلى والِدِه إذا كانَ ذَكَراً أَنْ يَستَفْرِهَ أُمَّهُ وَ يَستَحْسِنَ اسمَهُ وَ يُعَلِّمَهُ كِتابَ اللهِ و يُطَهِّرَهُ وَ يُعَلِّمَهُ السِّباحَةَ وَ إِذَا كَانَتْ أُنْثَى أَنْ يَسْتَفْرِهَ أُمَّهَا وَ يَسْتَحْسِنَ اسْمَهَا وَ يُعَلِّمَهَا سُورَةَ النُّورِ وَ لَا يُعَلِّمَهَا سُورَةَ يُوسُفَ وَ لَا يُنْزِلَهَا الْغُرَفَ وَ يُعَجِّلَ سَرَاحَهَا إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا؛[2] حق فرزند بر پدرش در صورتی که پسر باشد این است که مادرش را احترام کند و نام او را نیکو بگذارد و کتاب خدا را به او یاد دهد و او را به پاکی پرورش دهد و شنا به او بیاموزد، و اگر فرزندش دختر باشد، باید مادرش را احترام کند و نام او را نیکو بگذارد و سوره نور را به او یاد دهد و سوره «یوسف» را به او نیاموزد و او را بر بالای خانه، منزل ندهد و در همسر دادن او تعجیل کند.

---

۱. **وسائل الشیعة**، ج۲۱، ص۴۸۲؛ **مکارم الأخلاق**، ص۲۱۸.
۲. **الکافی**، ج۶، ص۴۹.

نگاه محبت‌آمیز به فرزند

۲۴۶-۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اِذا نَظَرَ الوالِدُ إلی وَلَدِهِ فَسَرَّهُ کانَ لِلْوالِدِ عِتْقُ نَسَمَةٍ؛[۱] هنگامی که پدری به فرزندش نظر کند و او را شادمان سازد، ثواب آزاد کردن یک بنده به پدر عطا شود.

شباهت به پدر

۲۴۷-۷ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مِنْ نِعْمَةِ اللهِ عَلَی الرَّجُلِ أن یُشْبِهَ والِدَهُ؛[۲] از نعمت‌های خداوند به مرد آن است که شبیه پدرش باشد.

دعاهایی که رد نمی‌شود

۲۴۸-۸ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

یا عَلِیُّ! اَرْبَعَـةٌ لا تُرَدُّ لَهُم دَعْوَةٌ: امامٌ عادِلٌ و والِدٌ لِوَلَدِهِ والرَّجُلُ یَدْعُوا لِأَخِیهِ بِظَهْرِ الغَیْبِ وَالمَظْلُومُ؛[۳] ای علی! چهار نفرند که هیچ دعایی از آنان ردّ نمی‌شود: پیشوای دادگر و پدر برای فرزند و شخصی که در غیاب برادر مسلمانش برای او دعا می‌کند و ستمدیده.

پدران امت اسلامی

۲۴۹-۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اَنَا وَ عَلِیٌّ أبَوا هِذِهِ الأُمَّةِ؛[۴] من و علی، پدران این امت هستیم.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۷۱، ص۸۰؛ **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۵، ص۱۶۹.
۲. همان، ص۸۴.
۳. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۴، ص۳۵۲.
۴. **البرهان فی تفسیر القرآن**، ج۲، ص۷۷.

اجابت دعای پدر

۲۵۰-۱۰ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اِیّاکُمْ وَ دَعوَةَ الوالِدِ فإنَّها تُرْفَعُ فَوقَ السَّحابِ حَتّی یَنظُرَ اللهُ تَعالی اِلیها، فَیَقُولُ اللهُ تَعالی: «اِرْفَعُوها إلَیَّ حَتّی أَستَجِیبَ لَهُ»؛[1] از دعا (و نفرین) پدر بر حذر باشید؛ زیرا که آن بالا می‌رود، بالاتر از ابرها تا آن‌جا که خداوند بدان نظر می‌کند؛ پس خداوند می‌فرماید: «آن را بالا آورید به سوی من، تا آن‌که آن را اجابت کنم».

نفرین پدر

۲۵۱-۱۱ امام صادق علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

اِیّاکُمْ وَ دَعْوَةَ الوالِدِ فَإنَّها أَحَدُّ مِنَ السَّیْفِ؛[2] بپرهیزید از نفرین پدر، زیرا که از شمشیر بُرّنده‌تر است.

دعاهای مستجاب

۲۵۲-۱۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

ثَلاثُ دَعَواتٍ مُستَجاباتٌ لا شَکَّ فیهِنَّ: دَعوَةُ المَظلُومِ وَ دَعوَةُ المُسافِرِ وَ دَعوَةُ الوالِدِ عَلی وَلَدِهِ؛[3] سه دعابدون شک مستجاب می‌شود: دعای مظلوم و دعای مسافر و دعای پدر برای فرزندش.

اثر نیکی به فرزند

۲۵۳-۱۳ امام صادق علیه السلام:

بِرُّ الرَّجُلِ بِوَلَدِهِ بِرُّهُ بِوالِدِه؛[4] نیکی کردن پدر به فرزندش، نیکی کردن در حق پدرش است.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۷۱، ص۸۳؛ **مستدرک‌الوسائل**، ج۵، ص۲۵۵.
۲. **الکافی**، ج۲، ص۵۰۹؛ **بحارالأنوار**، ج۷۱، ص۸۳.
۳. **بحارالأنوار**، ج۷۱، ص۸۴.
۴. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۳، ص۴۸۳.

یاری بر نیکوکاری

۲۵۴-۱۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

رَحِمَ اللهُ والِداً اَعانَ وَلَدَهُ عَلَى البِرِّ؛[۱] خدا رحمت کند پدری را که فرزندش را بر کارهای نیک یاری می‌کند.

نیکی به پدر پس از مادر

۲۵۵-۱۵ امام صادق علیه السلام:

جاءَ رَجُلٌ إلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فَقالَ: «يا رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله! مَنْ أَبَرُّ؟» قالَ صلی الله علیه و آله: «أُمَّكَ». قالَ: «ثُمَّ مَنْ؟» قالَ صلی الله علیه و آله: «أُمَّكَ». قالَ: «ثُمَّ مَنْ؟» قالَ صلی الله علیه و آله: «أَبَاكَ»؛[۲] مردی خدمت پیامبر رسید و گفت: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! به چه کسی نیکی کنم؟» فرمود: «مادرت». گفت: «بعد به چه کسی؟» فرمود: «مادرت». باز هم گفت: «بعد به چه کسی؟» فرمود: «مادرت». گفت: «دیگر چه کسی؟» فرمود: «پدرت».

تواضع در برابر پدر

۲۵۶-۱۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مِن حَقِّ الوالِدِ على وَلَدِهِ أن يَخشَعَ لَهُ عِندَ الغَضَبِ؛[۳] از جمله حقوق پدر بر فرزندش، این است که در هنگام خشمِ پدر، در برابرش خشوع کند.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۷۱، ص۷۷، **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۵، ص۱۶۸.
۲. **الکافی**، ج۳، ص۱۵۹. **بحارالأنوار**، ج۷۱، ص۴۹.
۳. **کنز العمال**، ح۴۵۵۱۲.

هشدار به پدران و فرزندان

۲۵۷-۱۷ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

أَلا لا يَجنِي جانٍ إلّا عَلى نَفسِهِ وَ لا يَجنِي والدٌ عَلى وَلَدِهِ وَ لا يَجنِي وَلَدٌ عَلى والِدِهِ؛[1] آگاه شوید! کسی مرتکب جنایتی نمی‌شود، مگر آن که به زیان خود اوست، و نباید هیچ پدری بر فرزندش و نه فرزندی بر پدرش جنایتی روا دارد.

آثار دوستی پدران

۲۵۸-۱۸ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

مَوَدَّةُ الآباءِ قَرابَةٌ بَينَ الأَبناءِ؛[2] دوستی پدران، خویشاوندی بین فرزندان به شمار می‌آید.

حق پدر بر فرزند

۲۵۹-۱۹ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

حَقُّ الوالِدِ عَلَى الـوَلَدِ اَنْ يُطِيعَهُ فى كُلِّ شىءٍ اِلّا فِى مَعصِيَةِ اللهِ؛[3] حق پدر بر فرزند آن است که فرمان او را در تمام امور ـ غیر از نافرمانی خداوند ـ اطاعت کند.

حق فرزند بر پدر

۲۶۰-۲۰ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

حَقُّ الوَلَدِ عَلَى الوالِدِ اَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ و يُحَسِّنَ أَدَبَهُ و يُعَلِّمَهُ القُرآنَ؛[4] حق فرزند بر پدر آن است که بر او نام نیکو نهد و او را خوب تربیت کند و به او قرآن بیاموزد.

---

۱. **پیام پیامبر**، ص۱۰۴.
۲. **نهج‌البلاغة**، حکمت ۳۰۸.
۳. همان، حکمت ۳۹۹.
۴. همان.

بهترین ارث پدران

۲۶۱-۲۱ امام صادق علیه‌السلام:

اِنَّ خَـيرَ ما وَرَّثَ الآباءُ لِأَبْنائِهِمُ الْأَدَبُ؛[۱] بهترین ارثی که پدران برای فرزندانشـان باقی می‌گذارند، ادب است.

نیکی نخست پدر

۲۶۲-۲۲ امام رضا علیه‌السلام:

اَوَّلُ ما يَبَرُّ الرَّجُلُ وَلَدَهُ اَنْ يُسَمِّيَهُ بِاسْمٍ حَسَنٍ فَلْيُحْسِنْ اَحَدُكُمُ اسْمَ وَلَدِهِ؛[۲] نیکی نخسـت پدر به فرزند خود این است که او را به نام خوبی نامگذاری کند؛ پس اسم خوبی روی فرزند خود بگذارید.

ایستادن به احترام پدر

۲۶۳-۲۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

ثَلاثٌ لا يُسْتَحْيى مِنْهُنَّ: خِدْمَةُ الرَّجُلِ ضَيْفَهُ وَ قِيامُهُ عَن مَجْلِسِهِ لِأَبِيهِ و مُعَلِّمِهِ و طَلَبُ الحَقِّ و اِنْ قَلَّ؛[۳] سه چیز است که نباید از آن شرم کرد: خدمت کردن مرد به مهمانش و برخاستن از جایش به احترام پدر و معلّمش و مطالبه حق، گرچه کم باشد.

بدرفتاری با پدر

۲۶۴-۲۴ امام حسن عسکری علیه‌السلام:

جُرأةُ الوَلَدِ على والِدِهِ في صِغَرِهِ تَدعو إلَى العُقوقِ في كِبَرِهِ؛[۴] گستاخی فرزند بر پدرش در خردسالی، به نافرمانی او در بزرگ‌سالی می‌انجامد.

---

۱. **الکافی**، ج۸، ص۱۵۰؛ **غرر الحکم**، ص۳۹۳.
۲. **الکافی**، ج ۶، ص۱۸.
۳. **برگزیده فارسی غرر الحکم**، ص۴۷؛ **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۶، ص۲۶۰.
۴. **تحف العقول**، ص۴۸۹.

احترام پدر در هر حال

۲۶۵-۲۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

أَكرِمْ ضَيْفَكَ و إِنْ كانَ حَقِيراً وَقُمْ عن مَجلِسِكَ لِأَبِيكَ و مُعَلِّمِكَ وَ إِنْ كُنْتَ أَميراً؛[1]

مهمانت را گرامی بدار، اگرچه بی‌نوا باشد و به احترام پدر و معلّمت از جایت برخیز، اگرچه فرمانروا باشی.

حق پدر بر فرزند

۲۶۶-۲۶ امام سجاد علیه‌السلام:

وَ أَمّا حَقُّ أَبِيكَ فَتَعْلَمَ أَنَّهُ اَصْلُكَ وَ أَنَّكَ فَرْعُهُ و أَنَّكَ لَوْلاهُ لَمْ تَكُنْ، فَمَهْما رَأَيْتَ فى نَفْسِكَ مِمَّا يُعْجِبُكَ، فَاعْلَمْ أَنَّ أَباكَ اَصْلُ النِّعْمَةِ عَلَيكَ فِيهِ وَ احْمَدِ اللّهَ وَ اشْكُرْهُ عَلى قَدْرِ ذلِكَ؛[2] و امّا حق پدرت آن است که بدانی او ریشه توست و تو شاخه او هستی، و بدانی که اگر او نبود، تو نبودی؛ پس هرگاه در وجود خود چیزی دیدی که دوست داشتی، بدان که از پدرت داری، و حمد خدای را به جا آور و او را به همان اندازه شکر کن.

حق فرزند بر پدر

۲۶۷-۲۷ امام سجاد علیه‌السلام:

وَ أَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَتَعْلَمَ اَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضافٌ اِلَيْكَ فى عاجِلِ الدُّنْيا بِخَيْرِهِ و شَرِّهِ وَ أَنَّكَ مَسْؤُولٌ عَمَّا وُلّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الاَدَبِ وَ الدَّلالَةِ عَلى رَبِّهِ وَالمَعُونَةِ لَهُ عَلى طاعَتِهِ فِيْكَ وَ فِى نَفْسِهِ فَمُثابٌ عَلى ذَلِكَ وَ مُعاقَبٌ، فَاعْمَلْ فِى اَمْرِهِ عَمَلَ المُتَزَيِّنِ بِحُسْنِ اَثَرِهِ عَلَيهِ فى عاجِلِ الدُّنْيا المُعَذِّرِ اِلى رَبِّهِ فيما بَيْنَكَ و بَيْنَهُ بِحُسْنِ القِيامِ عَلَيْهِ وَ الاَخْذِ لَهُ مِنْهُ؛[3] و اما

---

۱. **برگزیده فارسی غررالحکم**، ص۳۱.
۲. **تحف العقول**، ص۲۶۳.
۳. همان، ص۲۶۳.

حق فرزندت آن است که بدانی او از توست و در این دنیا به تو وابسته است، خوب باشد یا بد. و تو باید پاسخ‌گوی سرپرستی او -درباره تربیت و راهنمایی او به سوی پروردگارش، و یاری او به اطاعت وی درباره خودت و درباره خودش- باشی؛ پس بر این عمل ثواب می‌بری و در صورت کوتاهی کیفر خواهی دید؛ پس درباره او کاری کن که در دنیا اثر نیکو داشته باشد و خود را بدان بیارایی و در نزد پروردگارش -به سبب سرپرستی خوبی که از او کردی و نتیجه الهی که از او گرفتی- نسبت به او معذور باشی.

بی‌احترامی به پدر

۲۶۸-۲۸ امام باقر علیه‌السلام:

اِنَّ اَبِی نَظَرَ اِلی رَجُلٍ و مَعَهُ اِبْنُهُ یَمْشی وَ الإِبْنُ مُتَّکِئٌ عَلی ذِراعِ الأَبِ، قال: «فَما کَلَّمَهُ اَبِی مَقْتاً لَهُ حَتّی فارَقَ الدُّنْیا»[1]؛ پدرم مردی را دید که پسرش با او راه می‌رفت و فرزند بر شانه‌های پدرش [تکیه کرده بود] حضرت فرمود: «پدرم از روی ناخشنودی تا زنده بود، هیچ‌گاه با او سخن نگفت».

یاری شدن پدرِ دختر

۲۶۹-۲۹ امام باقر یا امام صادق علیهماالسلام:

إذا اصابَ الرَّجُلُ ابْنَةً، بَعَثَ اللهُ إلَیْها مَلَکاً فَأَمَرَّ جَناحَهُ عَلی رَأسِها وَ صَدْرِها و قالَ: «ضَعِیفَةٌ خُلِقَتْ مِنْ ضَعْفٍ الْمُنْفِقُ عَلَیْها مُعانٌ إلی یَوْمِ القِیامَةِ»[2]؛ هرگاه مردی دارای دختری شود، خداوند فرشته‌ای می‌فرستد و او بالش را بر سر و سینه آن دختر کشیده و می‌گوید: «ضعیفی است که از ضعف آفریده شده است، کسی که مخارج او را بپردازد تا روز قیامت یاری خواهد شد».

---

۱. **الکافی**، ج۲، ص۳۴۹. **بحارالأنوار**، ج۷۱، ص۶۴.
۲. **ثواب‌الأعمال**، ص۲۰۲.

تأثیر پدران صالح

۲۷۰-۳۰ امام باقر علیه‌السلام:

يُحْفَظُ الاَطْفالُ بِصَلاحِ آبائِهِم؛[۱] صلاحیت و شایستگی پدران موجب مصونیت و حفظ کودکان می‌گردد.

تفسیر احسان به والدین

۲۷۱-۳۱ امام صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه ﴿وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾[۲]:

الوالِدانُ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله و عَلِيٌّ علیه‌السلام؛[۳] پدران، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و علی علیه‌السلام می‌باشد.

عاقبت کشمکش با پدر

۲۷۲-۳۲ امام صادق علیه‌السلام:

ثَلاثَةٌ مَنْ عازَّهُمْ ذَلَّ؛ اَلْوالِدُ و السُّلْطانُ وَالغَريمُ؛[۴] سه نفرند که هرکس با آن‌ها کشمکش کند، خوار شود: پدر، سلطان و شخص بدهکار.

نیکی به پدران

۲۷۳-۳۳ امام صادق علیه‌السلام:

بَرُّوا آباءَكُمْ يَبَرُّكُمْ أَبْناؤُكُمْ؛[۵] به پدرانتان نیکی کنید تا فرزندانتان به شما نیکی کنند.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۶۸، ص۲۳۶.
۲. نساء/۳۶.
۳. **البرهان فی تفسیر القرآن**، ج۲، ص۷۷.
۴. **بحارالأنوار**، ج۷۱، ص۷۰.
۵. **تحف العقول**، ص۳۵۹؛ **برگزیده فارسی غررالحکم**، ص۴۴.

خدمت به پدر

۲۷۴-۳۴ امام صادق علیه‌السلام (خطاب به یکی از اصحاب که پدری پیر و ناتوان داشت):

اِنِ استَطَعْتَ اَنْ تَلِيَ ذَلِكَ مِنْهُ فَافْعَلْ ولَقِّمْهُ بِيَدِكَ فَإِنَّهُ جُنَّةٌ لَكَ غَدَاً؛[1] اگر می‌توانی که خود این کار را برای او انجام دهی، این کار را بکن و با دست خودت به او لقمه بده، که فردا از دوزخ سپرت باشد (یعنی او سپر تو از آتش است).

اثر زیاد دوست داشتن پدر

۲۷۵-۳۵ امام صادق علیه‌السلام:

اِنَّ اللهَ عزَّوجلَّ لَيَرْحَمُ الرَّجُلَ لِشِدَّةِ حُبِّهِ لِوَلَدِهِ؛[2] همانا پروردگار متعال پدر را به خاطر زیاد دوست داشتن فرزندش مورد رحمت قرار می‌دهد.

کراهت ورود پدر در قبر

۲۷۶-۳۶ امام صادق علیه‌السلام:

يُكْـرَهُ لِلرَّجُلِ أنْ يَنْزِلَ فِي قَبْرِ وَلَدِهِ؛[3] کراهـت دارد که پدر برای دفن فرزندش در قبر او وارد شود.

دعای پدر همانند دعای پیامبر

۲۷۷-۳۷ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

دُعَاءُ الوالِدِ لِوَلَدِهِ كَدُعَاءِ النَّبِيِّ لِاُمَّتِهِ؛[4] دعای پدر برای فرزندش همانند دعای پیامبر برای امّتش است.

---

۱. **الکافی**، ج۲، ص۱۶۲.
۲. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۳، ص۴۸۲.
۳. **الکافی**، ج۳، ص۱۹۳.
۴. **مشکاة‌الأنوار**، ص۱۶۲.

حق پدری علی علیه‌السلام

۲۷۸-۳۸ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

حَقُّ عَلِيٍّ عَلَى هذِهِ الأُمَّةِ كَحَقِّ الوالِدِ عَلَى الْوَلَدِ؛[۱] حق علی بر این امّت همانند حق پدر بر فرزندش است.

جانشین پدر

۲۷۹-۳۹ امام رضا علیه‌السلام:

اَلأَخُ الأَكْبَرُ بِمَنْزِلَةِ الأَبِ؛[۲] برادر بزرگ‌تر به منزله پدر است.

بزرگ‌ترین واجب

۲۸۰-۴۰ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

بِرُّ الوالِدَيْنِ أَكْبَرُ فَرِيضَةٍ؛[۳] نیکی به پدر و مادر، بزرگ‌ترین واجب است.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۳۶، ص۴.
۲. **التهذیب**، ج۷، ص۳۹۳؛ **الإستبصار**، ج۳، ص۲۴۰.
۳. **غررالحکم**، ص۳۱۲؛ **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۵، ص۱۷۸.

چهل حدیث پیوند خویشاوندی

ناصر باقری بیدهندی

آن‌چه پیوند مردم را مستحکم می‌سازد و الفت بخش آحاد جامعه است، مورد تأکید اسلام است؛ «صله رحم» نیز یکی از آن‌هاست.

علاوه بر این‌که رفت‌وآمدهای فامیلی و انس و الفت‌های خانوادگی رشته محبت میان بستگان را استوارتر می‌سازد، از عناصر مهم و اثرگذار «پیوند اجتماعی» نیز به شمار می‌رود.

صله رحم، تنها در محدوده سرکشی و رفت و آمد خلاصه نمی‌شود، بلکه از این رهگذر، خیررسانی به بستگان و آگاهی از نیازها و مشکلات آنان و اقدام برای رفع کمبودها و احسان و نیکی به آنان نیز جزء برنامه‌های صله رحم است. آثار و برکات دنیوی و اخروی این سنّت اسلامی هم بسیار می‌باشد. در احادیث این مجموعه با گوشه‌ای از روایات معصومین علیهم‌السلام در این موضوع آشنا می‌شوید.

نیاز به خویشاوندان

۲۸۱-۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

لایَسْتَغنِی الرَّجُلُ وَ اِن کانَ ذامالٍ وَ وَلَدٍ عَنْ عَشیرَتِهِ، وَعَنْ مُداراتِهِم وَ کَرامَتِهِم، وَ دِفاعِهِم عَنْهُ بِأیدیهِمْ وَ أَلسِنَتِهِم، هُمْ اَعْظَمُ النّاسِ حِیاطَةً لَهُ مِنْ وَرائِهِ وَاَلَمُّهُمْ لِشَعثِهِ، وَ اَعْظَمُهُم عَلَیه، حِنواً، اِن اَصابَتْهُ مُصیبةٌ أَو نَزَلَ بِه یَوما بَعْضُ مَکارِهِ الأمورِ، وَ مَن یَقْبِض یَدَهُ عَن عَشیرَتِهِ فَاِنَّما یَقبِضُ عَنهم یداً واحِدةً، وَ تَقبِضُ عَنه مِنْهُمْ اَیدیَ کَثیرةً وَ مَنْ مَحَضَ عَشیرَتَه صِدْقَ الْمَودَّةِ، وَ بَسَطَ عَلَیهِم یَدَهُ بِالمَعرُوفِ اِذا وَجَدَهُ ابْتِغاءَ وَجهِ اللّهِ، أخلَفَ اللّهُ لَهُ ما أَنفَقَ فی دُنیاهِ وَ ضاعَفَ لَهُ الْأَجْرَ فی آخِرَتِهِ؛[1] هیچ فردی حتی اگر صاحب مال و فرزند باشد، نمی‌تواند از طایفه و فامیلش بی‌نیاز باشد و با آن‌ها مدارا نکند و احترام نگذارد و با دست و زبان از حقوقشان پشتیبانی و دفاع ننماید؛ زیرا خویشاوندان هرکس بهترین مدافعان و بزرگ‌ترین پشتیبان او هستند؛ اگر روزی مصیبتی بر او برسد یا بعضی پیش‌آمدهای دشوار به او روی آورد، مهربان‌ترین و دل‌سوزترین‌اند.

هرکس از کمک و یاوری تبارش دریغ ورزد و از یاری آن‌ها دست نگاهدارد، فقط یک دست از ایشان بازداشته، لیکن در عوض، دست‌های بسیاری را از یاری خود بازداشته است؛ پس هرکس به تبار خود خالصانه و مخلصانه مودت ورزد و به خدمت آنان کمر همت ببندد و برای رضای خدا چنین کند، آن‌چه را که او از مال دنیا در این راه انفاق می‌کند، خداوند عوض آن در آخرت، پاداش او را مضاف می‌کند.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۷۴، ص۱۰۱؛ **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۵، ص۲۳۷؛ **الزهد**، کوفی اهوازی، ص۱۰۳.

خویشان خردمند

۲۸۲-۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَکْرِمْ ذَوی رَحِمِكَ، وَ وَقِّرْ حَلیمَهُمْ، وَاحْلُمْ عَنْ سَفیهِهِمْ، وَ تَیَسَّرْ لِمُعْسِرِهِمْ، فَإِنَّهُم لَكَ نِعْمَ الْعُدَّةُ فِی الشِّدَّةِ وَ الرَّخاءِ؛[1] خویشاوندانت را گرامی بدار، بردباران ایشان را تعظیم کن، در مقابل بی‌خردان آن‌ها بردبار باش، و نسبت به تنگدستان آسان گیر (یا بخشش کن)؛ زیرا ایشان بهترین حامیان تو به هنگام سختی‌ها و مشکلات، خوشی‌ها و آسودگی‌ها هستند.

سفارش به حاضر و غایب

۲۸۳-۳ امام باقر علیه‌السلام به نقل از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اُوصِی الشّاهِدَ عَنْ اُمَّتی وَ الغائِبَ مِنْهُمْ وَ مَن فِی اَصلابِ الرِّجالِ وَ اَرحامِ النِّساءِ اِلی یَوْمِ القِیامَةِ اَنْ یَصِلَ الرَّحِمَ وَ اِنْ کانَتْ مِنْهُ عَلی مَسیرَةِ سَنَةٍ، فَاِنَّ ذلِكَ مِن الدِّینِ؛[2] حاضر و غایب امتم و همه کسانی را که در نسل‌های بعدی تا روز قیامت از زنان و مردان به دنیا می‌آیند، به صله رحم سفارش می‌کنم؛ هرچند که بین آن‌ها به اندازه یک سال راه فاصله باشد، چرا که این (صله رحم) جزء دین است.

برترین مسلمانی و سه وظیفه بزرگ

۲۸۴-۴ امام صادق علیه‌السلام:

اِنّ رجلاً مِن خَثعَم جاءَ اِلی رَسُولِ اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله فَقالَ لَهُ: «أَخْبِرْنی ما أَفْضَلُ الإِسْلامِ؟»

فَقالَ: «اَلإیمانُ بِاللّهِ».

قالَ: «ثُمَّ ماذا؟»

قالَ: «صِلةُ الرَّحِمِ».

---

۱. **شرح غرر الحکم**، ج۲، ص۲۳۲.

۲. **الکافی**، ج۲، ص۱۵۱.

قالَ: «ثُمَّ ماذا؟»

فَقالَ: «الأمرُ بالمَعْروفِ و النَّهیُ عَنِ المُنْکَرِ»؛[1] روزی مردی از قبیله خثعم نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد و گفت: «بفرمایید برترین نوع مسلمانی کدام است؟»

آن حضرت فرمود: «ایمان به خداوند».

گفت: «سپس چه؟»

حضرت فرمود: «پیوند با خویشاوندان».

دیگر بار سؤال کرد.

حضرت فرمود: «امر به معروف و نهی از منکر».

نشانه تقوا

۲۸۵-۵ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اِتَّقُوا اللهَ وَ صِلُوا الْأَرحامَ؛[2] از خدا بترسید و به خویشان (با نیکی و حمایت) پیوند برقرار کنید.

بهترین خصلت

۲۸۶-۶ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

صِلَةُ الرَّحِمِ مِن اَحْسَنِ الشِّیَمِ؛[3] پیوستن با بستگان از نیکوترین خصلت‌هاست.

شکایت خویشان به آستان الهی

۲۸۷-۷ امام باقر علیه السلام:

اِنَّ الرَّحِمَ مُعَلَّقَةٌ یَوْمَ القیامَةِ بِالْعَرشِ تَقُولُ: «اَللهُمَّ صِلْ مَن وَصَلَنی وَ اقْطَعْ مَن

---

۱. **المحاسن**، ج۱، ص۴۵۴؛ **بحارالأنوار**، ج۷۴، ص۹۶؛ **مشکاة‌الأنوار**، ۱۰۱؛ **فقه الرضا** علیه السلام، ۳۷۶.
۲. **کنز العمال**، ج۳، ص۳۵۱.
۳. **شرح غرر الحکم**، ج۴، ص۲۰۶.

قَطَعَنی»؛[1] روز قیامت فامیل فرد در حالی که به عرش الهی بسته شده است، می‌گوید: «بارالها! هرکس با من پیوست، با او بپیوند (رحمت را شامل حالش بگردان) و هرکس از من برید از او ببر».

پیوند با خویشاوند نامهربان

۲۸۸-۸ امام صادق علیه‌السلام:

إِنَّ رَجُلاً اَتَی النَّبیَّ صلی‌الله‌علیه‌وآله، فَقالَ: «یا رَسُولَ اللهِ! اَهْلُ بَیْتی اَبَوا إلاّ تَوَثُّبا عَلَیَّ و قَطیعَةً لي وَ شَتیمَةً، فأَرفُضُهُمْ؟»

قال: «اِذاً یَرْفُضُکُمُ اللهُ جَمیعاً»؛

قال: «فَکَیْفَ اَصْنَعُ؟»

قال: «تَصِلُ مَن قَطَعَکَ، وتُعْطی مَن حَرَمَکَ، وَتَعفُو عَمَّنْ ظَلَمَکَ، فَاِنَّکَ اِذا فَعَلْتَ ذلِکَ کَانَ مِنَ اللهِ عَلَیْهِمْ ظَهیرٌ»؛[2] مردی نزد پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله آمد و عرض کرد: «ای رسول خدا! فامیل من تصمیم گرفته‌اند به من حمله کنند و با من قطع رابطه کنند و درشت‌گویی نمایند؛ آیا آن‌ها را ترک کنم؟»

حضرت فرمودند: «در این صورت خداوند همه شما را رها می‌کند».

عرض کرد: «پس چگونه عمل کنم؟»

فرمود: « با فامیلی که از تو ببرد، بپیوند، و به کسی که تو را محروم نموده، عطا کن، و از کسی که به تو ظلم کرده است، در گذر؛ وقتی چنین کنی، خداوند در برابر آنان پشتیبان تو خواهد بود.

پسندیده‌ترین گام‌ها

۲۸۹-۹ امام سجاد علیه‌السلام:

ما مِنْ خُطْوَةٍ اَحَبُّ اِلَی اللهِ عَزَّوَجَلَّ مِن خُطْوَتَیْنِ؛ خُطوةٌ یَسُدُّ بِهَا المؤمِنُ صَفّاً فی

---

۱. **الکافی**، ج۲، ص۱۵۱.

۲. همان، ص۱۰۵.

اللهِ، و خُطْوَةٌ اِلی ذِی رَحِمٍ قاطِعٍ؛[1] خداوند با عزّت و جلال گام برداشتن در دو کار را بیش از تمام قدم‌ها دوست می‌دارد:

۱. گامی که برای رضای الهی برای پیوستن به صفوف مجاهدان در راه خدا برداشته شود؛

۲. قدمی که برای پیوستن به خویشی که قطع رابطه کرده باشد، برداشته شود.

برترین فضیلت‌ها

۲۹۰-۱۰ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

اَفْضَلُ الْفَضائِلِ صِلَةُ الْهاجِرِ وَ إِیناسُ النّافِرِ، وَالأَخْذُ بِیَدِ العاثِرِ؛[2] برترین فضیلت‌ها پیوستن به خویشاوندی است که از تو بریده باشند و انس با آن که از تو رمیده باشد و دستگیری از کسی که در مهلکه افتاده باشد.

برترین اخلاق

۲۹۱-۱۱ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اَلا اَدُلُّکُمْ عَلی خَیرِ اَخلاقِ [اهل[3]] الدُّنیا و الآخِرَةِ؟؛

قالُوا: «بَلی یا رَسُولَ اللهِ!»

قـالَ: «مَن وَصَلَ مَن قَطَعَهُ، و أَعْطَی مَنْ حَرَمَهُ، وَ عَفا عَمَّنْ ظَلَمَهُ»؛[4] آیا به بهترین اخلاق دنیا و آخرت شما را راهنمایی نکنم؟

اصحاب گفتند: «بلی یا رسول الله».

فرمود: «بهترین خصلت، صله با کسی است که با انسان قطع رابطه کرده، و اعطا به کسی است که تو را محروم ساخته، و عفو از کسی است که به تو ظلم کرده‌است».

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۷۴، ص۸۹.

۲. **شرح غرر الحکم**، ج۲، ص۴۷۸.

۳. **جامع‌الأخبار**، ۲۸۷؛ **الترغیب و الترهیب**، ۳، ص۳۰۸.

۴. **الکافی**، ج۲، ص۱۰۷؛ **تحف‌العقول**، ص۴۵؛ **الزهد**، کوفی اهوازی، ص۱۰۵.

نقش خویشان درزندگی

۲۹۲-۱۲ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

أَکْرِمْ عَشـــیرَتَکَ، فَاِنَّهُمْ جَناحُکَ الَّذِی به تَطیرُ، وَ أَصلُکَ الّذی اِلَیهِ تَصیرُ، وَ یَدُکَ الّتی بِها تَصُولُ؛[1] طایفه و فامیلت را احترام کن؛ زیرا آنان به منزله پر و بال تو هستند که با آن پرواز می‌کنی، ریشه و اصل تو هستند که با آن‌ها به اصل و ریشه نسب خود می‌رسید و دستی هستند که به وسیله آن‌ها به هدف‌های خود نائل می‌شوی.

پاداش نیکی

۲۹۲-۱۳ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اَلصَّدَقَـــةُ بِعَشرَةٍ وَ الْقَرْضُ بِثَمَانِیَةَ عَشَر وَ صِلَةُ الاِخوانِ بِعِشرینَ وَ صِلَةُ الأرْحامِ بِاَرْبَعَةَ وَ عِشرینَ؛[2] پاداش صدقه و احســـان ۱۰ ثواب و پاداش قرض دادن ۱۸ برابر اســـت، و پاداش ارتباط نیک با برادران دینی ۲۰ برابر و پاداش صله رحم ۲۴ برابر است.

سلام به خویشان

۲۹۴-۱۴ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

صِلُوا اَرْحامَکُمْ وَ لَوْ بِالسَّلامِ؛[3] با خویشان خود صله کنید، و لو با سلام کردن باشد.

شیوه‌های صله رحم

۲۹۵-۱۵ امام رضا علیه‌السلام به نقل از امام صادق علیه‌السلام:

صِـــلْ رَحِمَکَ وَلَوْ بِشَربةٍ مِنْ ماءٍ وَ اَفْضَـــلُ ما یُوصَلُ بِهِ الرَّحِمُ کَفُّ الاَذیٰ عَنها؛[4] با

---

۱. **نهج‌البلاغة**، نامه ۳۱

۲. **بحارالأنوار**، ج۷۲، ص۳۱۱.

۳. همان، ج۷۴، ص۱۰۴؛ **تحف‌العقول**، ۵۷.

۴. همان، ج۷۸، ص۳۳۸؛ **وسائل‌الشیعة**، ۱۵، ص۲۴۷.

خویشـــان خود رابطه داشـــته باش، اگرچه با یک لیوان آب باشد! و بهترین صله رحم خودداری کردن از اذیت و آزار آنان است.

صله و احسان

۲۹۶-۱۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنْ آتاهُ اللهُ مَالاً فَلْيَصِلْ بِهِ الْقِرابَةَ وَلْيُحْسِـــنْ مِنْهُ الْضِّيافَةَ؛[1] کسی که خداوند به او ثروتی عطا فرموده، باید پیوند خویشاوندی را با آن ثروت برقرار سازد و از میهمانان به نحو شایسته پذیرایی کند.

صله ارحام و طول عمر

۲۹۷-۱۷ امام صادق علیه‌السلام:

ما نَعْلَمُ شيئاً يَزيدُ فِي الْعُمْرِ اِلّا صِلَةَ الرَّحِمِ، حَتّى اَنَّ الرَّجُلَ يَكُونُ اَجَلُهُ ثلاثَ سِنينَ فَيَكُونُ وَصولاً لِلرَّحِمِ فَيَزيدُ اللهُ فى عُمرِهِ ثلاثينَ سَـــنَةً فَيَجْعَلُها ثَلاثاً وَثَلاثينَ سَنَةً، وَ يَكونُ اَجَلُهُ ثَلاثاً وَ ثَلاثينَ سَنَةً، فَيَكونُ قاطِعاً لِلرَّحِمِ فَيَنقُصُهُ اللهُ ثَلاثينَ سَنَةً و يَجْعَلُ اَجَلَهُ اِلى ثَلاثَ سِنينَ؛[2] ما چیزی که عمر را زیاد کند، جز «صله رحم» نمی‌شناسیم؛ به طوری که فردی از عمرش ۳ سال بیشتر نمانده است و او صله رحم کننده است، خداوند (به جهت صله رحمش) ۳۰ سال به عمرش افزاید و آن سه سال را ۳۳ سال کند، و فردی که ۳۳ سال عمر دارد، اما اهل قطع رحم است، خداوند از عمرش ۳۰ سال می‌کاهد و عمرش را ۳ سال قرار می‌دهد.

چهار اثر نیکی به خویشان

۲۹۸-۱۸ امام باقر علیه‌السلام:

صِلَـــةُ الأَرْحامِ تُزَكّي الأَعْمالَ وَ تُنْمِي الأَمْوالَ و تَدفَعُ الْبَلْوى و تُيَسِّرُالْحِســـابَ و

۱. **بحارالأنوار**، ج۷۱، ص۸۸.
۲. **الکافی**، ج۲، ص۱۵۲.

تُنسِـــئُ فِی الأَجَلِ؛[1] رابطه داشتن با بستگان و خویشاوندان اعمال و کردارها را پاک می‌کند و اموال را فزونی بخشـــد و بلاها را دور گرداند و حساب را (در روز قیامت) آسان کند و اجل را به تأخیر اندازد.

نقش صله ارحام

۲۹۹-۱۹ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

صِلَةُ الرَّحِمِ تُوجِبُ المُحَبَّةَ وَ تَکبِتُ العَدُوَّ؛[2] پیوند با خویشـــان موجب مهر و محبت است و دشمن را خوار می‌گرداند.

صله ارحام و افزایش جمعیّت

۳۰۰-۲۰ حضرت فاطمه علیهاالسلام:

فَرَضَ اللهُ صِلَةَ الاَرْحامِ مَنماةً لِلْعَـــدَدِ؛[3] خداوند صله ارحام را به جهت فزونی نفرات مقرّر داشته است.

آبادانی سرزمین

۳۰۱-۲۱ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

صِلَـــةُ الرَّحِمِ تَعْمُرُ الدِّیارَ وَ تَزیدُ فی الأَعْمـــارِ و اِنْ کانَ اَهْلُها غَیْرَ اَخْیارٍ؛[4] حفظ پیوند با خویشـــاوندان، شـــهرها را آباد می‌کند و عمرها را می افزاید؛ اگرچه اهل آن شهرها از نیکوکاران نباشند.

---

۱. همان، ص۱۵۱.
۲. **شرح غرر الحکم**، ج۴، ص۲۰۹.
۳. **بحارالأنوار**، ج۷۴، ص۹۴.
۴. **امالی**، شیخ طوسی، ص۴۸۱.

اثر معاشرت با خویشان در قیامت

۳۰۲-۲۲ امام صادق علیه‌السلام:

اِنَّ صِلَةَ الرَّحِمِ تُهَوِّنُ الْحِسابَ يَومَ القِيامَةِ؛[۱] صله رحم، حساب روز قیامت را بر انسان آسان می‌کند.

پنج اثر نیکی به خویشان

۳۰۳-۲۳ امام صادق علیه‌السلام:

صِلَةُ الاَرْحامِ تُحَسِّنُ الخُلُقَ وَ تُسَمِّحُ الكَفَّ وَ تُطَيِّبُ النَّفْسَ، و تَزيْدُ فى الرِّزْقِ وَ تُنْسِئُ الاَجَلَ؛[۲] حفظ پیوند با خویشاوندان خلق و خوی را نیکو می‌گرداند و دست او را در بخشش باز می‌کند و مایه پاک‌دلی است و صفای روح می‌آورد، و روزی را فراوان می‌کند و اجل را به تأخیر می‌اندازد.

عالی‌ترین جایگاه در بهشت

۳۰۴-۲۴ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اِنَّ فِى الْجَنَّةِ دَرَجَةً لايَبْلُغُها اِلّا اِمامٌ عادِلٌ أَو ذُو رَحِمٍ وَصُولٍ أَو ذُو عِيالٍ صَبُورٍ؛[۳] به درستی که در بهشت درجه‌ای است که به آن نمی‌رسد، مگر پیشوای دادگر یا کسی که بسیار اهل صله رحم باشد، یا عیال‌مندی که بر مشکلات ناشی از آن شکیبا باشد.

تضمین علی علیه‌السلام

۳۰۵-۲۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنْ يَضْمِنُ لى خَصْلَةً واحِدَةً، أَضْمُنُ لَهُ اَرْبَعَةً: مَنْ يَضْمِنْ صِلَةَ الرَّحِمِ أَضْمُنُ لَهُ

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۷۴، ص۱۰۲.
۲. **میزان‌الحکمة**، ج۴، ص۸۴.
۳. **بحارالأنوار**، ج۷۴، ص۹۰.

بِحُبِّ أَهْلِهِ، وَبِكَثْرَةِ مالِهِ، وَبِطُولِ عُمْرِهِ، وَبِدُخُولِهِ جَنَّةَ رَبِّهِ؛[1] هرکس نزد من یک خصلت را ضمانت کند، من ضمانت چهار چیز را برایش برعهده می‌گیرم:

کسی که صله رحم را ضامن شود، برایش محبوبیت نزد خویشاوندان، و فزونی ثروت و طولانی شدن عمر و داخل شدن در بهشت عدن الهی، را ضامن می‌شوم.

تداوم نعمت‌ها

۳۰۶-۲۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

فی صِلَةِ الرَّحِمِ حِراسَةُ النِّعَمِ؛[2] نگاهداری نعمت‌ها در پیوستن با خویشاوندان است.

چهارراه به سوی بهشت

۳۰۷-۲۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَن رُزِقَ مِنْ اَرْبعِ خِصالٍ واحِداً دَخَلَ الجَنَّةَ: بِرُّ الْوالِدَینِ اَو صِلَةُ الرِّحِمِ اَو حُسْنُ الجَوارِ اَو حُسْنُ الْخُلْقِ؛[3] هرکس دارای یکی از چهار خصلت باشد، اهل بهشت می‌باشد: نیکی به پدر و مادر، صله رحم، نیکی با همسایه و اخلاق نیک.

ریشه‌کنی جدید

۳۰۸-۲۸ امام صادق علیه‌السلام فرمود:

اِتَّقُوا الحالِقَةَ فَاِنَّها تُمیتُ الرِّجالَ؛ قُلْتُ: «وَ مَا الحالِقَةُ؟» قالَ: «قَطِیعةُ الرَّحِمِ»؛[4] از «حالقة» بپرهیزید که مردان را می‌میراند. (راوی می‌گوید) پرسیدم: «حالقه چیست؟» امام علیه‌السلام پاسخ دادند: «بریدن از بستگان».

---

۱. **جامع‌الأخبار**، ۲۸۸؛ **روضة‌الواعظین**، ۲، ص۳۸۸ با اختلاف اندک.
۲. **شرح غرر الحکم**، ج۲، ص۵۱۳.
۳. **سفینة‌البحار**، ماده رحم.
۴. **الکافی**، ج۳، ص۳۶.

زشت‌ترین گناهان

۳۰۹-۲۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَقْبَحُ المَعاصِی قَطیعةُ الرَّحِمِ و العُقُوقِ؛[۱] زشت‌ترین گناهان بریدن پیوند خویشاوندی و نافرمانی از پدر و مادر است.

کیفر قطع رابطه خویشاوندی

۳۱۰-۳۰ امام سجاد علیه‌السلام:

اِیّاكَ وَ مُصاحَبَةَ القاطِعِ لِرَحِمِهِ فَاِنِّی وَجَدْتُهُ مَلعوناً فی کِتابِ اللهِ فی ثلاثِ مَواضِعَ؛[۲] بپرهیز از دوستی و هم‌نشینی با آدمی که با بستگان خود قطع رابطه کرده است؛ چون قاطع رحم را در قرآن در سه جا مورد لعن و نفرین یافته‌ام.[۳]

محرومیت از رحمت الهی

۳۱۱-۳۱ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

لایُجالِسُنا قاطِعُ رَحِمٍ فَإِنَّ الرَّحْمَةَ لاتَنْزِلُ عَلی قَومٍ فیهِمْ قاطِعُ رَحِمٍ؛[۴] کسی که با فامیل خود قطع رابطه کرده است، با ما مجالست و هم‌نشینی نمی‌کند؛ چون رحمت الهی بر مردی که در میان آن‌ها قاطع رحم باشد، نازل نمی‌شود.

مرگ زودرس

۳۱۲-۳۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام فرمود:

«أعُوذُ بِاللهِ مِنَ الذُّنُوبِ الّتی تُعَجِّلُ الْفَناءَ»، فَقامَ إلَیْهِ عَبْدُاللهِ بنُ الکَوّاءِ الیَشْکُری

---

۱. **شرح غرر الحکم**، ج۴، ح۳۲۵۱.
۲. **سفینةالبحار**، ج۱، ص۵۱۶؛ **نوادر**، راوندی، ج۱، ص۴۵؛ **میزان‌الحکمة**، ج۵، ص۳۰۵.
۳. سه مورد عبارتند از: محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله/۲۲؛ رعد/۲۵؛ بقره/۲۷.
۴. **مستدرک‌الوسائل**، ج۹، ص۱۰۶.

فَقــالَ: «یا اَمیرَالمُؤمِنینَ! أَوَ تَکُوْنُ ذُنُوبٌ تُعجِّــلُ الْفَناءَ؟» فَقالَ: «نَعَمْ وَیْلَكَ قَطیعَةُ الرَّحِمِ، اِنَّ اَهْلَ الْبَیْتِ لَیَجْتَمِعُون و یَتواسَــوْنَ وَ هُمْ فَجَرَةٌ فَیَرْزُقُهُمُ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ و اِنَّ اَهْــلَ البَیْتِ لَیَتَفَرَّقُون و یَقْطَعُ بعضُهُمْ بَعضا فَیَحْرِمُهُمُ اللّٰهُ وَ هُمْ اَتْقیاءُ»[1]؛ «پناه می‌برم به خداوند از نتیجه فوری و خانمان برانداز پاره‌ای از گناهان». در این هنگام عبدالله بن کوّاء به پا خاســت و گفت: «ای امیرمؤمنان! مگر گناهی با این ویژگی وجود دارد که در فنای آدمی شتاب کند؟» حضرت فرمود: «آری، وای بر تو! قطع ارتباط خویشاوندی یکی از آن گناهان است. همانا افراد خانواده‌ای ـ و لو بزهکار و فاجر و فاسق باشند ـ در صورتی که با یک‌دیگر رابطه خویشاوندی خوبی داشته باشند، خداوند عزّوجلّ آنان را رزق و روزی عطا می‌کند. چنان‌چه اگر اعضای یک فامیل پرواپیشه باشند، اما با یک‌دیگر پیوند فامیلی نداشته باشند، خداوند متعال آن‌ها را از رزق و روزی فراوان و طول عمر محروم خواهد فرمود».

نشانه ایمان

۳۱۳-۳۳ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

ما آمَنَ بِاللّٰهِ مَنْ قَطَعَ رَحِمَهُ؛[2] به خدا ایمان نیاورده کسی که از بستگانش جدا شود.

محرومیت از بوی بهشت

۳۱۴-۳۴ امام صادق علیه‌السلام:

لایَجِدُ ریحَ الجَنَّةِ عاقٌّ وَ لاقاطِعُ رَحِمٍ؛[3] کسی که عاق پدر و مادر است و قطع کننده رحم بوی بهشت را استشمام نمی‌کنند.

---

۱. **الکافی**، ج۲، ص۳۴۸.
۲. **شرح غرر الحکم**، ج۶، ص۷۴.
۳. **سفینةالبحار**، ج۱، ص۵۱۶.

قطع خویشی و مشکلات زندگی

۳۱۵-۳۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

قَطِيعَةُ الرَّحِمِ تَجْلِبُ كَثيراً مِن النِّقَمِ؛[۱] بریدن از خویشاوندان بسیاری از گرفتاری‌ها و نابسامانی‌ها را جلب می‌کند.

قطع رحم و ثروت اشرار

۳۱۶-۳۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اِذا قَطَّعُوا الأَرْحامَ جُعِلَتِ الاَمْوالُ فی أَيْدِی الْأَشْرارِ؛[۲] هنگامی که قطع رحم کنند، دارایی و ثروت انسان در اختیار بدان و بدکاران خواهد افتاد.

منع از نزول ملائکه رحمت

۳۱۷-۳۷ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اِنَّ المَلائِكَةَ لاتَنزِلُ عَلى قَومٍ فيهِمْ قاطِعُ رَحِمٍ؛[۳] فرشتگان بر گروهی که در جمعشان قطع کننده رحم باشد، فرود نمی‌آیند.

بدترین اعمال

۳۱۸-۳۸ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله (در جواب سؤال از مبغوض‌ترین اعمال نزد خداوند) فرمود:

«الشِّرْكُ بِاللّهِ».

قالَ: «ثُمَّ ماذا؟»

فقال صلی‌الله‌علیه‌وآله: «قَطيعَةُ الرَّحِمِ».

«شریک قرار دادن برای خدا».

---

۱. **شرح غرر الحکم**، ج۱، ص۵۳۷.

۲. **بحارالأنوار**، ج۷۴، ص۱۳۸؛ **وسائل الشیعة**، ج۱۲، ص۲۷۳

۳. **کنز العمال**، ج۳، ص۳۶۷.

شخص پرسید: «بعد از آن؟»

فرمود: «قطع رحم».

محرومان از رحمت الهی

۳۱۹-۳۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اِثنانِ لایَنْظُرُ اللّهُ اِلَیْهِمْ یَوْمَ القِیامَةِ قاطِعُ الرَّحِمِ وَ جارُ السُّوءِ؛[1] خدا روز قیامت به دو گروه نظر لطف ندارد: قاطع رحم و همسایه بد.

خویشاوندان نامسلمان

۳۲۰-۴۰ امام صادق علیه السلام (در جواب جهم بن حمید که سؤال کرد: فامیلی دارم که هم دین من نیست، آیا حقی بر من دارند؟) فرمود:

نَعَمْ، حقُّ الرَّحِمِ لایَقْطَعُه شَیءٌ وَ إذا کانُوا عَلی أمرِكَ کانَ لَهُمْ حقّانِ: حقُّ الرَّحِمِ وَحَقُّ الإسْلامِ؛[2] «آری، حق فامیلی دارد که هیچ چیزی مانع از آن حق نمی‌شود و اگر هم‌کیش تو بود، هر آینه مستحق دو حق می‌شد: یکی حق خویشاوندی و دیگری حق اسلام و مسلمانی».

---

۱. **الفردوس**، ج۱، ص۴۱۴.

۲. **الکافی**، ج۲، ص۱۵۷؛ **بحارالأنوار**، ج۷۴، ص۱۳۱.

چهل حدیث توبه

سید محمّدحسین حسینی ضیغمیان

گناه، نشـــانه سقوط اخلاقی انســـان و غفلت از پروردگار است و رهاورد آن دوزخ و عذاب الهی است. چنین نیست که هرکس به گناه آلوده شد، برای همیشه راه سعادت به رویش بسته باشد، بلکه دری به نام «توبه» به روی او باز است، تا دوباره به فطرت الهی و آغوش رحمت خدا بازگردد.

از مؤثرتریـــن راه‌ها برای نجـــات از عواقب گناه، ندامت از معصیـــت و ترک گناه و تصمیم جدی بر عدم تکرار آن است. این بیداری و تنبّه، از نشانه‌های عنایت خدا به بنده می‌باشد؛ خداوند هم توبه‌کاران را دوست می‌دارد.

در این اثـــر، از میان دریای موّاج و پرگوهر احادیـــث معصومین علیهم‌السلام که درباره توبه و استغفار نقل شده اســـت، چهل گوهر ارزنده انتخاب شده، تا چراغ راهمان در مسیر زندگی باشد.

امید اســـت این در نور و رحمت، به روی همه بندگانی که در دام گناه افتاده و در پی نجات و پاکی‌اند، همیشه گشوده باشد و توفیق توبه، شامل حالمان گردد.

فضیلت توبه

۳۲۱-۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

التّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لا ذَنْبَ لَهُ؛[۱] کسی که از گناه توبه کند، مانند کسی است که گناه نکرده است.

محبوب خدا

۳۲۲-۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَثَلُ الْمُؤْمِنِ عِنْدَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ كَمَثَلِ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ عِنْدَ اللهِ أَعْظَمُ مِنْ ذلِكَ، وَلَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللهِ مِنْ مُؤْمِنٍ تائِبٍ أَوْ مُؤْمِنَةٍ تائِبَةٍ؛[۲] مَثَل مؤمن نزد خداوند متعال، مَثَل فرشته مقرّب اســت و مؤمن نزد خدا بزرگ‌تر از آن فرشته بوده و چیزی نزد خداوند محبوب‌تر از مرد و زن مؤمن توبه‌کننده نیست.

هزار باب رحمت

۳۲۳-۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اَلْمُؤْمِــنُ إِذا تابَ وَ نَدِمَ فَتَحَ اللهُ عَلَيْهِ مِنَ الدُّنْيا وَالآخِــرَةِ أَلْفَ بابٍ مِنَ الرَّحْمَةِ؛[۳] هرگاه مؤمن از گناه پشیمان شود و توبه کند، خداوند هزار درِ رحمت از دنیا و آخرت به روی او می‌گشاید.

---

۱. **عیون اخبار الرضا** علیه السلام، ج ۲، ص ۷۴.
۲. همان، ص ۲۹.
۳. **مستدرک الوسائل**، ج ۱۲، ص ۱۲۷.

شادی خداوند

۳۲۴-۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اَللّٰهُ أَفْرَحُ بِتَوْبَةِ الْعَبْدِ مِنَ الظَّمْآنِ الْوارِدِ، وَالْمُضِلِّ الْواجِدِ، وَالْعَقيمِ الْوالِدِ؛[1] خداوند به سبب توبهٔ بنده شادمان‌تر از تشنه‌ای است که به آب برسد، و از کسی که گمشده‌اش را بیابد، و از عقیمی که دارای فرزند گردد.

راه نجات از آتش

۳۲۵-۵ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

إِنَّ الذُّنُوبَ لَتَشُوبُ أَهْلَها لِتُحْرِقَنَّهُمْ، لا يُطْفِئُها شَيْءٌ إِلَّا الإِسْتِغْفارُ؛[2] گناهان با اهل معاصی به هم آمیخته می‌شوند تا آن‌ها را بسوزانند و آن را چیزی جز استغفار خاموش نمی‌کند.

درد و درمان

۳۲۶-۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

لِكُلِّ داءٍ دَواءٌ وَ دَواءُ الذُّنُوبِ الإِسْتِغْفارُ فَإِنَّها المِمْحاةُ؛[3] برای هر دردی دوایی است و دوای گناهان استغفار است؛ چون استغفار پاک‌کننده گناهان است.

سبب نزول رحمت

۳۲۷-۷ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

اَلتَّوْبَةُ تَسْتَنْزِلُ الرَّحْمَةَ؛[4] توبه، موجب نزول رحمت (خدا) می‌شود.

---

۱. همان، ص۱۲۶.
۲. همان، ص۱۱۹.
۳. همان، ج۵، ص۳۱۶.
۴. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۲، ص۱۲۹.

اجر استغفار

۳۲۸-۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

الإِسْتِغْفارُ أَعْظَمُ جَزاءً وَ أَسْرَعُ مَثُوبَةً؛[۱] اجر استغفار بزرگ‌تر و پاداشش سریع‌تر است.

اسلحه گنه‌کار

۳۲۹-۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

سِلاحُ المُذْنِبِ الإِسْتِغْفارُ؛[۲] اسلحه گنهکار، طلب آمرزش است.

وسیله نجات‌بخش

۳۳۰-۱۰ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

لا شَفِيعَ أَنْجَحُ مِنَ التَّوْبَةِ؛[۳] شفیع و وسیله‌ای نجات‌بخش‌تر از توبه نیست.

رائحه استغفار

۳۳۱-۱۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

تَعَطَّرُوا بِالإِسْتِغْفارِ لا تَفْضَحْكُمْ رَوائِحُ الذُّنُوبِ؛[۴] با استغفار، خود را معطر سازید تا بوی بد گناهان، شما را رسوا نکند.

راه نجات از عذاب

۳۳۲-۱۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

لَوْ أَنَّ النّاسَ حينَ عَصَوْا تابُوا وَاسْتَغْفَرُوا لَمْ يُعَذَّبُوا وَلَمْ يُهْلَكُوا؛[۵] اگر مردم در پی گناه، توبه و استغفار می‌کردند، عذاب نمی‌شدند و هلاک نمی‌گشتند.

---

۱. **غرر الحکم**، ص۱۹۵.
۲. همان.
۳. **تحف‌العقول**، ص۹۳.
۴. **بحارالأنوار**، ج۶، ص۲۲.
۵. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۲، ص۱۲۳.

گناه نکردن بهتر از توبه

۱۳-۳۳۳ امام صادق علیه‌السلام:

إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الْعَبْدَ الْمُفَتَّنَ التَوّابَ، وَمَنْ لَمْ يَكُنْ ذلِكَ مِنْهُ كانَ أَفْضَلَ؛[۱] خداوند، بنده گرفتار شده گناه و بسیار توبه‌کننده را دوست می‌دارد و اگر گناه نکرده باشد، برتر و بالاتر است.

توبه در پس هر گناه

۱۴-۳۳۴ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

طُوبى لِمَنْ وُجِدَ في صَحيفَتِهِ تَحْتَ كُلِّ ذَنْبٍ: «أَسْتَغْفِرُ اللهَ»؛[۲] خوشا به حال آن که در نامه اعمالش در پی هر گناهی «استغفر الله» باشد.

آبی بر آتش گناه

۱۵-۳۳۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

طُوبى لِلْعَبْدِ يَسْتَغْفِرُ اللهَ مِنْ ذَنْبٍ لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ غَيْرُهُ، فَإِنَّما مَثَلُ الإِسْتِغْفارِ عَقيبَ الذَّنْبِ مَثَلُ الْماءِ يُصَبُّ عَلَى النّارِ فَيُطْفِئُها؛[۳] خوشا به حال آن بنده‌ای که از گناهی که غیر از خودش کسی بر آن اطلاع پیدا نکرده است، استغفار کند. مَثَل استغفار بعد از گناه، مانند آبی است که بر آتش ریخته شود و آن را خاموش کند.

توبه نصوح

۱۶-۳۳۶ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

التَّوبَةُ النَّصُوحُ أَنْ يَتُوبَ التّائِبُ ثُمَّ لا يَرْجِعَ في ذَنْبٍ كَما لا يَعُودُ اللَّبَنُ إِلَى الضَّرْعِ؛[۴]

---

۱. **الکافی**، ج۲، ص۴۳۵.
۲. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۲، ص۱۲۲.
۳. همان.
۴. **مجمع‌البیان**، ج۱۰، ص۶۲.

توبه نصوح (که در قرآن آمده) آن اســت که توبه‌کننده توبه کند و به سوی هیچ گناهی برنگردد؛ همان‌طوری که شیر به پستان برنمی‌گردد.

مراحل توبه حقیقی

۳۳۷-۱۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

التَّوْبَةُ نَدَمٌ بِالْقَلْبِ، وَ اسْتِغْفارٌ بِاللِّسانِ وَتَرْكٌ بِالْجَوارِحِ وَ إِضْمارُ أَنْ لا يَعُودَ؛[1] توبه (واقعی) عبارت است از: پشیمانی با قلب، استغفار با زبان، ترک گناه با اعضا و عزم بر بازنگشتن به آن.

توبه عالم و جاهل

۳۳۸-۱۸ امام باقر علیه‌السلام:

إِذا بَلَغَتِ النَّفْسُ هذِهِ ـ وَ أَهْوى بِيَدِهِ إِلى حَنْجَرَتِهِ ـ لَمْ يَكُنْ لِلْعالِمِ تَوْبَةٌ، وَ كانَتْ لِلْجاهِلِ تَوْبَةٌ؛[2] زمانی که روح به این‌جا برســد -اشاره به گلوی خود کرد- برای فرد عالم، توبه (پذیرفته) نیست و برای جاهل، جای توبه هست.

تعجیل در توبه

۳۳۹-۱۹ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

لا تُؤَخِّرِ التَّوْبَــةَ فَإِنَّ الْمَوْتَ يَأْتي بَغْتَةً؛[3] توبه را به تأخیــر مینداز؛ زیرا مرگ، ناگهان فرا می‌رسد (و فرصت توبه نمی‌ماند).

---

۱. **غرر الحکم**، ص۱۹۴.
۲. **تفسیر عیاشی**، ج۱، ص۲۲۸.
۳. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۲، ص۱۲۴.

توبه در جوانی

۳۴۰-۲۰ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مـا مِنْ شَيْءٍ أَحَبُّ إِلَى اللهِ مِنْ شـابٍّ تائِبٍ؛[۱] محبوب‌تر از هر چیز نزد خداوند جوانی است که از گناه توبه می‌کند (و از پیش‌گاه الهی طلب آمرزش می‌نماید).

استغفار زبانی

۳۴۱-۲۱ امام رضا علیه السلام:

مَنِ اسْتَغْفَرَ اللهَ بِلِسانِهِ وَ لَمْ يَنْدَمْ بِقَلْبِهِ فَقَدِ اسْتَهْزَءَ بِنَفْسِهِ؛[۲] کسی‌که با زبان خود طلب آمرزش کند و در دل از گناه خود پشیمان نباشد، خودش را مسخره کرده است.

توبه، پوششی بر گناه

۳۴۲-۲۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

التَّوْبَةُ تَجُبُّ ما قَبْلَها؛[۳] توبه، گذشته‌ها را می‌پوشاند.

توبه خالص

۳۴۳-۲۳ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

إِخْلاصُ التَّوْبَةِ تُسْقِطُ الحَوْبَةَ؛[۴] توبه راستین و خالصانه، گناهان را نابود می‌کند.

---

۱. **مشکاة‌الأنوار**، ص ۱۱۰.
۲. **مجموعة ورام**، ج ۲، ص ۱۱۰.
۳. **مستدرک‌الوسائل**، ج ۱۲، ص ۱۲۹.
۴. **غرر الحکم**، ص ۱۹۵.

خطاکاری آدمی

۳۴۴-۲۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

إِنَّ كُلَّ بني آدَمَ خَطّاءٌ وَ خَيرُ الخَطّائينَ التَّوّابُونَ؛[۱] به درستی که همه آدمیان خطاکارند و بهترین خطاکاران، توبه‌کنندگان هستند.

صد بار استغفار

۳۴۵-۲۵ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

تُوبُوا إِلَى اللهِ فإِنّي أَتُوبُ إِلَى اللهِ في كُلِّ يَومٍ مِأَةَ مَرَّةً؛[۲] به سوی خدا برگردید؛ به راستی من در هر روز ۱۰۰ بار طلب توبه به درگاه الهی می‌نمایم.

انواع توبه

۳۴۶-۲۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

أَحْدِثْ لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةً، السِّرَّ بالسِّرِّ وَ الْعَلانِيَةَ بِالعَلانِيَةِ؛[۳] برای هر گناهی توبه‌ای انجام بده؛ برای گناه پنهانی توبه پنهانی و برای گناه آشکار توبه آشکار.

آسان‌تر از توبه

۳۴۷-۲۷ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

تَرْكُ الذَّنْبِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ التَّوْبَةِ؛[۴] گناه نکردن، آسان‌تر از طلب توبه است.

---

۱. **میزان‌الحکمة**، ج۱، ص۵۴۱.
۲. **تفسیر مجمع‌البیان**، ج۷، ص۲۴۳.
۳. **بحارالأنوار**، ج۷۴، ص۱۲۸.
۴. همان، ج۱۴، ص۴۹۵.

توبه بدعت‌گذار پذیرفتنی نیست

۲۸-۳۴۸ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

«أَبَى اللهُ لِصاحِبِ الْبِدْعَةِ بِالتَّوْبَةِ». قيلَ: «يا رَسُولَ اللهِ! وَكَيْفَ ذاكَ؟» قالَ: «إِنَّهُ قَدْ أُشْرِبَ قَلْبُهُ حُبَّها»؛[1] خداوند توبه بدعت‌گذار را نمی‌پذیرد. کسی پرسید: «چگونه یا رسول الله!؟» حضرت فرمود: «زیرا قلب او از محبت بدعتش پر شده است».

پشیمانی، مرحله‌ای از توبه

۲۹-۳۴۹ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

مَنْ نَدِمَ فَقَدْ تابَ، مَنْ تابَ فَقَدْ أَنابَ؛[2] کسی که (از گناه) پشیمان می‌شود، پس توبه کرده است و کسی که توبه کند، به راستی بازگشته است.

نشانه‌های تائب

۳۰-۳۵۰ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

أَمّا عَلامَةُ التّائِبِ فَأَرْبَعَةٌ: التَّصيحَةُ للهِ فِي عَمَلِهِ، وَ تَرْكُ الْباطِلِ وَ لُزُومُ الْحَقِّ وَ الْحِرْصُ عَلَى الْخَيْرِ؛[3] نشانه توبه‌کننده چهار چیز است: در کار خود به خاطر خدا خیرخواهی می‌کند، باطل را ترک می‌نماید، پیوسته با حق است و بر انجام کار نیک، حریص و مشتاق است.

عبادت توّابین

۳۱-۳۵۱ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

التَّنَزُّهُ عَنِ الْمَعاصِي عِبادَةُ التَّوّابينَ؛[4] عبادت توبه‌کاران، پرهیز از معصیت‌های خداوند است.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج ۲، ص ۲۹۶.
۲. **مستدرک‌الوسائل**، ج ۱۲، ص ۱۱۸.
۳. همان، ص ۱۳۷.
۴. **غرر الحکم**، ص ۲۶۸.

ابزار پاکی

۳۲-۳۵۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

أَفْضَلُ التَّوسُّلِ الإستِغْفارُ؛[۱] برترین وسیله‌جویی (برای پاکی)، طلب آمرزش است.

اقرار به گناه

۳۳-۳۵۳ امام باقر علیه‌السلام:

وَاللهِ! ما يَنْجُو مِنَ الذَّنْبِ إلّا مَنْ أَقَرَّ بِهِ؛[۲] سوگند به خدا! از گناه رهایی نمی‌یابد، مگر کسی که به گناه خویش اقرار کند.

خطر تأخیر انداختن توبه

۳۴-۳۵۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مُسَوِّفُ نَفْسِهِ بالتَّوْبَةِ مِنْ هُجُومِ الأَجَلِ عَلَى أَعْظَمِ الْخَطَرِ؛[۳] کسی که توبه را به تأخیر می‌افکند، در بزرگ‌ترین خطر در برابر هجوم مرگ و فرا رسیدن اجل قرار دارد.

توبه و حفظ آبرو

۳۵-۳۵۵ امام صادق علیه‌السلام:

إذا تابَ العَبدُ الْمُؤمِنُ تَوْبَةً نَصُوحاً أَحَبَّهُ اللهُ، فَسَتَرَ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيا وَالآخِرَةِ؛[۴] هرگاه بنده مؤمن به راستی توبه کند، خداوند او را دوست می‌دارد؛ سپس لغزش او را در دنیا و آخرت می‌پوشاند.

---

۱. همان، ص۱۹۵.
۲. **بحارالأنوار**، ج۶، ص۳۴.
۳. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۲، ص۱۳۰.
۴. **بحارالأنوار**، ج۶، ص۲۸.

تندروی نفس

۳۵۶-۳۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

ثَمَرَةُ التَّوبَةِ إستِدْراكُ فَوارِطِ النَّفْسِ؛[۱] نتیجه توبه، جبرانِ تندروی‌ها و کوتاهی‌های نفس است.

بازگشت به گناه

۳۵۷-۳۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

النَّدَمُ عَلَى الذَّنْبِ يَمْنَعُ عَنْ مُعاوَدَتِهِ؛[۲] پشیمانی از گناه، مانع برگشت انسان به سوی گناه می‌شود.

بد اخلاقی

۳۵۸-۳۸ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در وصیت به علی علیه‌السلام:

يا عَلِيُّ! لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةٌ إلّا سُوءَ الْخُلْقِ فَإنَّ صاحِبَهُ كُلَّما خَرَجَ مِنْ ذَنْبٍ دَخَلَ في ذَنْبٍ؛[۳] یا علی! برای هر گناهی توبه‌ای می‌باشد، به جز بداخلاقی؛ چراکه انسان بداخلاق از هر گناهی که بیرون می‌آید، به گناه دیگری وارد می‌شود.

شستشوی گناه

۳۵۹-۳۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

التَّوْبَةُ تُطَهِّرُ القُلُوبَ وَتَغْسِلُ الذُّنُوبَ؛[۴] توبه، دل‌ها را پاکیزه می‌کند و گناهان را می‌شوید.

---

۱. **مستدرک‌الوسائل**، ج ۱۲، ص ۱۳۰.
۲. همان، ص ۱۱۸.
۳. **وسائل‌الشیعة**، ج ۱۶، ص ۲۸.
۴. **غرر الحکم**، ص ۷۳.

توبه و امیدواری

۳۶۰-۴۰ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنْ أُعْطِيَ التَّوْبَةَ لَمْ يُحْرَمِ الْقَبُولَ وَ مَنْ أُعْطِيَ الدُّعاءَ لَمْ يُحْرَمِ الإِجابَةَ؛[1] کسی را که (امکان) توبه دادند، از پذیرش آن بی‌نصیب و محروم نگذارند و کسی را که (قدرت) دعا بخشیدند، از اجابت آن وانگذارند.

۱. **تحف‌العقول**، ص۴۱.

چهل حدیث جوان

حبیب‌الله سلمانی آرانی

جامعه ما جامعه‌ای جوان است و وجود میلیون‌ها جوان که آینده‌سازان کشورمان‌اند، توجه جدی به این قشر سرنوشت‌ساز را می‌طلبد.

جوانان الگو می‌خواهند و اگر خودشـــان به کمالات اخلاقی آراسته باشند، الگوی رهپویان دیگری قرار می‌گیرند.

شناخت جوانان و روحیات و ویژگی‌ها و نیازهایشان و وظایفی که نسبت به آنان داریم و کمکی که در مدیریت جامعه می‌توانند داشـــته باشـــند، زمینه‌ای برای شکوفا ساختن استعدادهای فراوان آنان است.

نســـل جوان را باید باور کرد، راه نشـــان داد، الگو معرفی کرد و با تربیت شایســـته و نخبه‌پروری، به بالندگی آنان کمک کرد.

در تعالیم اســـلام و احادیث معصومین و ســـیرهٔ عملی پیامبـــر خدا ﷺ و اهل‌بیت عصمت و طهارت ﷺ، نمونه‌های ارزنده‌ای وجود دارد که برای امروز ما و همیشه تاریخ سودمند و کارگشاست.

بخشیدن جوان

۳۶۱-۱ امام صادق علیه‌السلام (خطاب به ابوبصیر):

«أما عَلِمْتَ اَنَّ اللّهَ تَعالی يُكْرِمُ الشَّبابَ مِنْكُمْ وَ يَسْتَحيي مِنَ الْكُهُولِ...». قُلْتُ: «جُعِلْتُ فِداكَ! وَ كَيْفَ يُكْرِمُ الشَّبابَ وَيَسْتَحيي مِنَ الْكُهُولِ؟» فقالَ: «يُكْرِمُ اللّهُ الشَّبابَ أنْ يُعَذِّبَهُمْ وَيَسْتَحْيي مِنَ الْكُهُول اَنْ يُحاسِبَهُمْ»؛[1] هیچ می‌دانی که خدای متعال جوانان شما (شیعیان) را گرامی داشته و از پیران شرم می‌کند. گفتم: «فدایت گردم چگونه؟» فرمود: «گرامی‌داشتن جوانان به این است که خداوند آنان را عذاب نمی‌کند و نیز شرم دارد از این‌که پیران را حسابرسی کند».

جوان و اطاعت خدا

۳۶۲-۲ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

إنَّ اللهَ يُحِبُّ الشابَّ الّذي يُفني شَبابَهُ في طاعَةِ اللهِ تعالى؛[2] خداوند جوانی را که جوانی‌خویش را در راه طاعت خداوند متعال بگذراند، دوست می‌دارد.

یار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله

۳۶۳-۳ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله لِمُصْعَبِ بْنِ عُمَيرٍ وَ كانَ فَتىً حَدَثاً... وَ اَمَرَهُ رَسُولُ اللهِ بِالْخُرُوجِ مَعَ الاَسْعَدِ وَكانَ تَعَلَّمَ مِنَ الْقُرآنِ كثيراً؛[3] رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به مصعب بن عمیر که جوان نورسی

---

۱. **الکافی**، ج۸، ص۳۴.
۲. **کنز العمال**، ج۱۵، ص۷۷۶
۳. **بحارالأنوار**، ج۶، ص۴۰۵.

بود امر فرمود که همراه اسعد (به نمایندگی آن حضرت) به سوی مدینه حرکت کند؛ چون او بیشتر قرآن را فرا گرفته بود.

جوانی و جوان‌مردی

۳۶۴-۴ امام باقر علیه‌السلام (خطاب به سلیمان بن جعفر) فرمود:

یا سُلَیمانُ! مَنِ الفَتی؟ قالَ: قُلْتُ: «جُعِلْتُ فداكَ! اَلْفَتی عِندَنا الشّابُّ». قال لی: «اَما عَلِمْتَ اَنَّ اَصْحابَ الْكَهْفِ كانُوا كُلُّهُم كُهُولاً فَسَمّاهُمَ اللهُ فِتْیَةً بِایمانِهِمْ! یا سُلیمان! مَنْ آمَنَ بِاللهِ وَاتَّقی فَهُوَ الْفَتی»؛[1] ای سلیمان می‌دانی جوان کیست؟ (سلیمان می‌گوید) گفتم: «فدایت گردم! فتی نزد ما، جوانان هستند». فرمود: «آیا می‌دانی که اصحاب کهف همه سالمند بودند و خداوند متعال آنان را به خاطر ایمانشان جوان نامید. ای سلیمان! هر کس به خدا ایمان آورد و پرهیزکار گردد، جوان است.

بحران جوانی

۳۶۵-۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

لایَزالُ الْعَقْلُ وَالْحُمْقُ یَتَغالِبانِ عَلَی الرَّجُلِ إلی ثَمانِیَ عَشَرَ سَنَةً فَإذا بَلَغَها غَلَبَ عَلَیْهِ أکْثَرُهُما فِیهِ؛[2] دانایی و نادانی در مرد (جوان) تا ۱۸ سالگی پیوسته در ستیزند؛ چون به این سن رسید، هر یکی از این دو که فزونی یافت، بر او غلبه می‌یابد.

فرماندار جوان

۳۶۶-۶ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

وَلّی رَسولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله عِتابَ بْنَ اُسَیْدٍ وَ عُمْرُهُ اِحْدی وَعِشرُونَ سَنَةً أمْرَ مَکَّةَ و اَمَرَهُ صلی‌الله‌علیه‌وآله

---

۱. همان، ج۱۴، ص۴۲۸.
۲. همان، ج۱، ص۳۳.

اَنْ یُصَلِّیَ بِالنّاسِ وَ هُوَ اَوَّلُ أَمیرٍ صَلّی بِمَکّةَ بَعْدَ الْفَتحِ جَماعَةً؛[1] رسول خدا ﷺ عِتاب ابن اُسید را به فرمانداری مکه نصب فرمود و حال آن‌که او ۲۱ سال داشت. پیامبر ﷺ به وی امر فرمود که با مردم نماز بگزارد. او نخستین امیری بود که پس از فتح مکه در آن‌جا نماز جماعت اقامه کرد.

هشدار به جوان

۳۶۷-۷ امام صادق علیه‌السلام در مورد آیه ﴿أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ﴾[2] فرمود:

تَوْبِیخٌ لِابْنِ ثَمانِیَ عَشَرَ سَنَةً؛[3] این آیه برای جوانانی که به ۱۸ سالگی رسیده‌اند، یک هشدار است.

پاداش نیکی جوان به پدر

۳۶۸-۸ رسول خدا ﷺ:

اِتَّقِ اللّهَ یا فَتی وَ اَحْسِنْ اِلی والِدِکَ المُحْسِنِ اِلَیْکَ یُحْسِنُ اللّهُ اِلَیْکَ؛[4] ای جوان! پرهیزکار باش و به پدرت که در حقّ تو نیکی کرده نیکی کن؛ خدا هم به تو پاداش نیک می‌دهد.

جوان و بهره‌گیری از فرصت

۳۶۹-۹ رسول خدا ﷺ:

فَلْیَأخُذِ الْعَبْدُ الْمُؤمِنُ مِنْ نَفْسِهِ لِنَفْسِهِ وَمِنْ دُنْیاهُ لِآخِرَتِهِ وَفِی الشَّبیبَةِ قَبْلَ الْکِبَرِ وَ فِی الْحَیوةِ قَبْلَ الْمَماتِ؛[5] بر مؤمن است که از نیروی خود به نفع خود و از دنیای خویش برای آخرتش و در جوانی قبل از پیری و در زندگی قبل از مرگ بهره گیرد.

---

۱. **سیره حلبی**، ج۳، ص۱۲۰.
۲. فاطر/۳۷؛ «آیا شما را آن‌قدر عمر ندادیم که هرکس پندپذیر بود، متذکر می‌شد؟»
۳. **وسائل‌الشیعة**، ج۱۶، ص۱۰۱.
۴. **بحارالأنوار**، ج۱۷، ص۲۷۱.
۵. **وسائل‌الشیعة**، ج۴، ص۳۰.

جوانی و جنون

۳۷۰-۱۰ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اَلشَّبابُ شُعْبَةٌ مِنَ الجُنُونِ؛[۱] فصل جوانی یک دوره جنون‌آمیزی است.

برخورد با جوانان دانش‌آموز

۳۷۱-۱۱ امام باقر علیه السلام:

كَانَ أَبِي زَينُ‌العابِدِينَ إذا نَظَرَ إلى الشَّبابِ الّذينَ يَطْلُبُونَ الْعِلْمَ اَدناهُم إلَيْهِ وَقالَ: «مَرْحَباً بِكُمْ أَنْتُمْ وَدائِعَ الْعِلْمِ وَ يُوشِكُ إذْ أَنْتُمْ صِغارُ قَوْمٍ اَنْ تَكُونُوا كِبارَ آخَرينَ»؛[۲]

هرگاه پدرم زین‌العابدین علیه السلام به جوانانی که مشغول تحصیل علم بودند، نگاه می‌کرد، آنان را نزد خود فرامی‌خواند و تشویق و تحسینشان می‌کرد؛ سپس به آن‌ها می‌فرمود: «شما امانت‌های علم و دانش هستید. امروز نوجوانان جامعه خود هستید، و در آینده از بزرگان جامعه دیگر خواهید بود».

جوان در خطر

۳۷۲-۱۲ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

فَهَلْ يَنْتَظِرُ أَهْلُ بَضاضَةِ الشَّبابِ إلّا حَوانِيَ الْهَرَمِ؛[۳] آیا جوانانی که در عنفوان جوانی هستند، سرنوشتی جز پیری و خمیدگی در انتظارشان است؟

احترام به جوان

۳۷۳-۱۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اُوصِيكُمْ بِالشُّبّانِ خَيْراً؛[۴] به شما توصیه می‌کنم که نسبت به جوانان با نیکی و خوبی رفتار کنید.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۱۷، ص۴۹.
۲. **حکمت‌نامه جوان**، ص۵۶.
۳. **نهج‌البلاغة**، خطبه ۸۳
۴. **حکم النبی الأعظم** صلی الله علیه و آله، ج۲، ص۳۴۱.

توبه در جوانی

۳۷۴-۱۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اَلتَّوْبَةُ حَسَنَةٌ لكِنَّهُ فِي الشَّبابِ اَحْسَنُ؛[۱] توبه، خوب و پسندیده است، ولی در جوانی پسندیده‌تر است.

رنگ جوانی

۳۷۵-۱۵ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اِخْتَضِبُوا بِالحَنّاء فَإنَّهُ يَزيدُ فى شَبابِكُمْ وَ جَمالِكُم وَ نكاحِكُمْ و حُسْنِ وُجُوهِكُمْ؛[۲] باحنا خضاب کنید (موهای خود را رنگ کنید) که این کار به زیبایی و جوانی شما می‌افزاید.

جوان و ازدواج

۳۷۶-۱۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

يا شابُّ! تَزَوَّجْ وَإيّاكَ وَالزِّنا فَإنَّهُ يَنْزِعُ الإيمانَ مِنْ قَلْبِكَ؛[۳] ای جوان! ازدواج کن و از عمل خلاف عفت و پاکی بپرهیز؛ زیرا ایمان را از قلب تو بیرون می‌کند.

ازدواج جوان و حفظ دین

۳۷۷-۱۷ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

ما مِنْ شابٍّ تَزَوَّجَ فِي حِداثَةِ سِنِّهِ إلّا عَجَّ شَيطانُهُ: «يا وَيْلَهُ! يا وَيْلَهُ! عَصَمَ مِنّي ثُلُثَيْ دِينِهِ»؛ فَلْيَتَّقِ اللهَ الْعَبْدُ فِي الثُّلُثِ الْبَاقِي؛[۴] جوانی که در اوایل جوانی خود ازدواج کند،

---

۱. **مجموعة ورام**، ج۲، ص۱۱۸.
۲. **مکارم‌الأخلاق**، ص۸۲؛ **مسند الإمام علی** علیه السلام، ج۵، ص۴۷۷.
۳. **مکارم‌الأخلاق**، ص۹۹.
۴. **بحارالأنوار**، ج۱۰۰، ص۲۲۱؛ **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۴، ص۱۴۹.

شیطانی که در صدد اغفال او بوده به ناله در می‌آید و فریاد می‌زند: «ای وای! ای وای! این جوان دو ثلث از دین خود را حفظ کرد»؛ پس برای حفظ یک ثلث دیگر باید به خدا پناه ببرد.

امیدواری جوان

۳۷۸-۱۸ رسول خدا صلی الله علیه و آله (بر جوانی که در حال مرگ بود) فرمود:

كَيْفَ تَجِدُكَ؟ قالَ: «اَرْجُو اللهَ وَأَخافُ ذُنُوبي».

فَقالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: «لايَجْتَمِعانِ فِي قَلْبِ عَبْدٍ مِثْلُ هذا الرَّجاءِ إلّا اَعْطاهُ اللهُ ما يَرْجُو و آمَنَهُ مِمّا يَخافُ»[1]؛ «خود را چگونه می‌یابی؟» جوان گفت: «به خدا امیدوارم و از گناهانم بیمناکم».

پس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «در قلب بنده‌ای این‌گونه امید و خوف جمع نمی‌شود، مگر آن‌که خدای متعال امید او را برآورده کرده و از آن‌چه می‌ترسد، ایمن نگاه می‌دارد».

عبادات جوانی

۳۷۹-۱۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اِنَّ المُسْلِمَ إذَا غَلَبَهُ ضَعْفُ الْكِبَرِ اَمَرَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ الْمَلَكَ اَنْ يَكْتُبَ لَهُ فِي حالِهِ تِلْكَ مِثْلَ ما كانَ يَعْمَلُ وَهُوَ شابٌّ نَشيطٌ صَحيحٌ؛[2] وقتی مسلمانی پیر شد و ضعف بر او غلبه کرد، خدای متعال به فرشته امر می‌کند تا برای او در این حال بنویسد، مثل آن‌چه که در جوانی با حال شادی و صحت انجام می‌داد.

جوان همچون فرشته

۳۸۰-۲۰ خداوند متعال می‌فرماید:

اَلشّابُّ المُؤمِنُ بِقَدَري، الرّاضي بِكِتابي، اَلقانِعُ بِرِزْقي، التّارِكُ لِشَهْوَتِهِ مِنْ اَجْلي هُوَ

۱. **ارشاد القلوب**، ج۱، ص۱۸۴؛ **مجموعة ورام**، ج۱، ص۴.
۲. **الکافی**، ج۳، ص۱۱۳.

عِنْدِی کَبَعْضِ مَلائِکَتِی؛[1] جوانی که به تقدیر من ایمان داشــته باشد، به کتاب من راضی، و به روزی من قانع باشد، و به خاطر من از تمایلات شهوانی خود بگذرد، نزد من هم‌چون برخی از فرشتگانم است.

جوان و ترک لذّات

۳۸۱-۲۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

ما مِنْ شابٍّ یَدَعُ لَذَّةَ الدُّنیا وَ لَهْوَها وَ یَسْتَقْبِلُ بِشَبابِهِ طاعَةَ اللهِ اِلّا أَعْطاهُ اللهُ أَجْرَ تِسْعَةٍ وَ تِسْعِینَ صِدّیقاً؛[2] از میان جوانان، جوانی که لذت‌ها و هواهای نفسانی دنیوی خود را ترک کند و در جوانی‌اش به طاعت و بندگی خدا روی آورد، خدای متعال به او پاداش ۹۹ صدّیق[3] عطا می‌کند.

جوان سخاوتمند

۳۸۲-۲۲ امام صادق علیه السلام:

شابٌّ سَخِیٌّ مُرَهَّقٌ فِی الذُّنُوبِ أَحَبُّ اِلَی اللهِ مِنْ شَیْخٍ عابِدٍ بَخِیلٍ؛[4] جوان سخاوتمندی که به گناه آلوده شده، نزد خداوند دوست‌داشتنی‌تر است از پیرمرد عبادت‌کننده‌ای که بخیل باشد.

جوان و دین‌شناسی

۳۸۳-۲۳ امام باقر علیه السلام:

لَوْ اُتِیتُ بِشابٍّ مِنْ شَــبابِ الشّیعةِ لا یَتَفَقَّهُ فِی الدّینِ لَأَدَّبْتُهُ؛[5] اگر جوانی از جوانان

---

۱. **کنز العمال**، ج۱۵، ص۷۸۶.
۲. همان، ص۷۸۵.
۳. صدّیق به مؤمنی گفته می‌شود که در قول و عمل یکسان‌باشد.
۴. **الکافی**، ج۴، ص۴۱.
۵. همان، ج۱، ص۷.

شیعه را بیابم که در دین تفقه نمی‌کند (درصدد شناختن آداب و دستورات دینی‌اش نیست) او را تأدیب می‌کنم.

میانه روی در عبادت

۳۸۴-۲۴ امام صادق علیه‌السلام:

اِجْتَهَدْتُ فِي الْعِبَادَةِ وَأَنَا شَـابٌّ، فَقَالَ لِي أَبِي: «يَا بُنَيَّ! دُونَ مَا أَرَاكَ تَصْنَعُ؛ فَإِنَّ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا أَحَبَّ عَبْداً رَضِيَ عَنْهُ بِالْيَسِيرِ»؛[1] من وقتی جوان بودم در انجام عبادت، بسیار میکوشیدم. پدرم فرمود: «کمتر از این مقدار عبادت که از تو می‌بینم به جای‌آور؛ چراکه وقتی خدا بنده‌ای را دوست دارد، عبادت کم هم از او راضی می‌شود».

جوان و نادانی‌ها

۳۸۵-۲۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

جَهْلُ الشَّـبابِ مَعْذُورٌ وَعِلْمُهُ مَحْقُورٌ؛[2] عذر نادانی جوان پذیرفته و دانش او کم‌شمرده می‌شود.

مهربانی جوان

۳۸۶-۲۶ امام صادق علیه‌السلام:

قَلْبَ الشّابِّ اَرَقُّ مِنْ قَلْبِ الشَّيخِ؛[3] قلب جوان از قلب پیر رقیق‌تر و نازک‌تر است.

توصیه به خواندن قرآن

۳۸۷-۲۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام (خطاب به جوانی که آواز حرام می‌خواند) فرمود:

يا شَـابُّ ! لَوْ قَرَأْتَ الْقُرآنَ لَكانَ خَيْراً لَكَ؛[4] ای جوان! اگر بـه جای آوازخواندن، قرآن بخوانی، برای تو بهتر است.

---

۱. **الکافی**، ج۲، ص۸۷.
۲. **غرر الحکم**، ص۳۳۹.
۳. **بحارالأنوار**، ج۱۲، ص۲۸۰.
۴. **الخرائج و الجرائح**، ج۱، ص۱۷۴.

مستی جوانی

۳۸۸-۲۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

يَنْبَغِي لِلعاقِلِ أَنْ يَحْتَرِسَ مِنْ سُكْرِ المالِ وَسُكْرِ القُدْرَةِ وَ سُكْرِ العِلْمِ وَسُكْرِ المَدْحِ وَسُكْرِ الشَّبابِ فَإِنَّ لِكُلِّ ذلِكَ رِياحاً خَبِيثَةً تَسْلُبُ العَقْلَ وَتَسْتَخِفُّ الوَقارَ؛[1] شایسته است که انسان عاقل خود را از مستی و باده ثروت، قدرت، دانش، تمجید، تملق و جوانی مصون نگاه دارد؛ چون برای هر یک از این مستی‌ها، بادهای مسمومی است که عقل را زائل و شخصیت را کوچک می‌کند.

موی سر جوان

۳۸۹-۲۹ امام صادق علیه‌السلام:

اِنَّ حَلْقَ الرَّأسِ مُثْلَةٌ بِالشَّبابِ وَ وِقارٌ بِالشَّيخِ؛[2] تراشیدن موی سر جوان، همانند قطعه‌قطعه کردن او، و برای پیران متانت و زینت است.

جوان عابد

۳۹۰-۳۰ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

سَبْعَةٌ يُظِلُّهُمُ اللهُ فی ظِلِّهِ يَوْمَ لا ظِلَّ إِلّا ظِلُّهُ: إِمامٌ عادِلٌ وَ شابٌّ نَشَأَ فی عِبادَةِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ و...؛[3] در آن روزی که سایه‌ای جز سایه خدا نیست، هفت دسته در سایه رحمت خدا هستند:

۱ - امام و پیشوای عادل؛ ۲ - جوانی که در عبادت خدا رشد و نمو یافته باشد و... .

---

۱. **غرر الحکم**، ص۸۶۲.
۲. **مستطرفات السّرائر**، ص۶۴۰.
۳. **وسائل الشیعة**، ج۵، ص۱۱۹.

نادیده گرفتن لغزش جوان

۳۹۱-۳۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

إذا عاتَبْتَ الْحَدَثَ فَاتْرُكْ لَهُ مَوْضِعاً مِنْ ذَنْبِهِ لِئَلّا يَحْمِلَهُ الإِخراجُ عَلَى المُكابَرَةِ؛[1] وقتی نوجوانی را به خاطر گناهش سرزنش می‌کنی، مراقب باش که بهانه‌ای برای او باقی گذاری؛ زیرا اگر به تمام جهات مورد اعتراضش قرار دهی، ممکن است از راه لجاجت عکس‌العمل نشان دهد.

نوجوانان و خودنمایی

۳۹۲-۳۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مُروُا الأَحْداثَ بِالمَراءِ والْجِدالِ وَالْكُهُولَ بِالْفِكْرِ والشُّيوخَ بِالصَّمتِ؛[2] نوجوانان را به بحث و جدل (در مسائل علمی)، و میان‌سالان را به اندیشه، و کهن‌سالان را به سکوت برانگیزید.

جوان ممتاز

۳۹۳-۳۳ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله (پس از گماشتن عتاب ابن اسید به فرمانداری مکه) فرمود:

لا يَحْتَجُّ مُحْتَجٌّ مِنْكُمْ فِي مُخالَفَتِهِ بِصِغَرِ سِنِّهِ فَلَيسَ الأَكْبَرُ هُوَ الْأَفْضَلَ بَلْ الأَفْضَلُ هُوَ الأَكبَرُ؛[3] هیچ‌یک از شما نباید جوانی و کم‌سنی او را بهانه مخالفت خود قرار دهد؛ زیرا کسی که بزرگ‌تر است، ممتازتر نیست؛ بلکه کسی که ممتازتر استلا بزرگ‌تر است.

نوجوان مستعد

۳۹۴-۳۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

إذا نَظَرْتَ إِلَى الغُلامِ فَرَأَيْتَهُ حُلْوَ الْعَيْنينِ، عَريضَ الْجَبْهَةِ، نامِي الْوَجْنَتَيْنِ، سَـلِيمَ

---

۱. **شرح نهج البلاغة ابن ابی‌الحدید**، ج۲۰، ص۳۳۳.
۲. همان، ص۲۸۵.
۳. **بحارالأنوار**، ج۲۱، ص۱۲۳؛ **ناسخ‌التواریخ**، حالات رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله، ص۳۸۷.

الهَيْئَةِ، مُسْتَرخِيَ الْعُزْلَةِ، فَارْجُهُ لِكُلِّ خَيْرٍ وَبَرَكَةٍ؛[1] هرگاه جوانی را مشاهده کردی و او را دارای چشمانی زیبا، پیشانی بلند، گونه‌هایی برجسته، قیافه‌ای متناسب یافتی در حالی که گوشه‌گیر است، به انجام هر نوع خیر و برکتی از او امیدوار باش.

برتری نظر بزرگسالان بر نوجوانان

۳۹۵-۳۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

رَأْيُ الشَّيْخِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ جَلَدِ الْغُلامِ؛[2] اندیشه پیر نزد من از نیرومندی و چالاکی نوجوان محبوب‌تر است.

نوجوان و بوسیدن

۳۹۶-۳۶ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

إذا بَلَغَتِ الجارِيَةُ سِتَّ سِنينَ فَلا يُقَبِّلُهَا الْغُلامُ وَالْغُلامُ لا تُقَبِّلُهُ اَلْمَرْأَةُ إذا جاوَزَ سَبْعَ سِنينَ؛[3] دختربچه شش ساله را پسر بچه نبوسد، و پسری را که هفت سال از او گذشته، زنان نبوسند.

رشد عقلی جوان

۳۹۷-۳۷ ابن سنان از امام صادق علیه‌السلام پرسید:

مَتى يُدْفَعُ إلَى الغُلامِ مالُهُ؟ قال: «إذا بَلَغَ وَ أُونِسَ مِنْهُ رُشْدٌ وَلَمْ يَكُنْ سَفِيهاً أَوْ ضَعِيفاً»؛[4] چه موقع اموال نوجوان در اختیارش گذشته می‌شود؟ حضرت فرمود: «وقتی بالغ شد و به رشد عقلی رسید و معلوم گردید که سفیه نبوده و عقلش ضعیف نیست».

---

۱. **مکارم‌الأخلاق**، ص۲۲۳؛ **بحارالأنوار**، ج۱۰۴، ص۹۶.
۲. **نهج البلاغة**، حکمت ۸۶.
۳. **مکارم‌الأخلاق**، ص۱۱۵.
۴. **مستدرک‌الوسائل**، ج۲، ص۴۹۶.

نوجوان و وصیّت

۳۹۸-۳۸ امام صادق علیه‌السلام:

إِذَا بَلَغَ الْغُلاَمُ عَشْرَ سِنِينَ، جَازَتْ وَصِيَّتُهُ؛[۱] وقتی نوجوان به ده سالگی رسید، وصیّت او نافذ است.

جوان و فراگیری

۳۹۹-۳۹ امام صادق علیه‌السلام:

اَلْغُلامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَيَتَعلَّمُ الكِتابَ سَبْعَ سِنِينَ وَيَتَعلمُ الْحَلالَ وَالْحَرامَ سَبْعَ سِنِينَ؛[۲] نوجوان هفت سال بازی می‌کند و هفت سال (قرآن) خواندن و نوشتن می‌آموزد و هفت سال بعد حلال و حرام دین را فرا می‌گیرد.

نوجوان و روزه

۴۰۰-۴۰ امام صادق علیه‌السلام:

اِذا أَطاقَ الْغُلامُ صِيامَ ثَلاثَةِ اَيّامٍ مُتَتابِعَةٍ فَقَدْ وَجَبَ عَلَيْهِ صِيامُ شَهرِ رَمضانَ؛[۳] وقتی نوجوان توان گرفتن سه روز روزه پی در پی را داشت، تمام روزه ماه مبارک رمضان بر او واجب است.

---

۱. **الکافی**، ج۷، ص۳۸۸.
۲. همان، ج۶، ص۴۷.
۳. همان، ج۴، ص۱۳۵.

چهل حدیث حضرت مهدی عجل الله تعالی

جواد محدثی

اعتقاد به «مهدی موعود» و امید به ظهور منجی و انتظار آمدن مردی از تبار رسول خدا صلی الله علیه و آله در آخرالزمان، از باورهای ماست.

مشخّصات آن نجات‌بخش، به طور روشن در روایات ما آمده است و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و امامان معصوم، نوید آمدنش را داده‌اند و «انتظار فرج» را از برترین عبادت‌ها شمرده‌اند.

امام دوازدهم شیعه، حضرت مهدی، حجة بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف همان پیشوایی است که بشارت آمدنش چه در ادیان گذشته، چه در متون اسلامی داده شده و روزی که به امر خداوند ظهور کند و دوران غیبت به سر آید، فصلی نورانی و روزی آفتابی برای بشریت است که تشنه عدالت‌اند و چشم انتظار پایان سلطه ستمگران بر جهان.

احادیث بسیاری درباره نسب آن امام غایب و مشخصّات مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و فضیلت انتظار و دعوت به زمینه‌سازی برای آمدنش و کسب شایستگی برای یاری او و مشارکت در حکومت عدل جهانی رسیده است و امیدواریم که با مشیّت الهی، زمینه‌های ظهور و حضورش فراهم آید و ما توفیق یاری او را داشته باشیم و از برکات وجودی‌اش بهره‌مند شویم.

به امید تعجیل در ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و پایان دوران غیبت و به ثمر نشستنِ نهالِ انتظار منتظران که چشم به راه صبح روشن دولت مهدوی‌اند.

وعده حتمی خداوند

۴۰۱-۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَعاشِرَ النّاسِ! أبْشِرُوا بِالْفَرَجِ، فإنَّ وَعْدَ اللهِ حَقٌّ لا يُخْلَفُ وَ قَضاؤهُ لا يُرَدُّ؛[1] ای مردم! مژده باد به فرج! همانا وعده الهی راست و تخلّف‌ناپذیر است و تقدیر الهی برنمی‌گردد.

فضیلت انتظار

۴۰۲-۲ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

اَلْمُنْتَظِرُ لِأَمْرِنا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فی سبيلِ اللهِ؛[2] آن‌که منتظر امر (فَرَج) ماست، مانند کسی است که در راه خدا در خونش تپیده باشد.

سیمای مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۴۰۳-۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اَلْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدی، وَجْهُهُ كَالْكَوْكَبِ الدُّرِّيّ؛[3] مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مردی از خاندان و فرزندان من است، چهره‌اش هم‌چون ستاره درخشان است.

همنام پیامبر صلی الله علیه و آله

۴۰۴-۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

لا تَقُومُ السّاعَةُ حتّى يَلِيَ رَجُلٌ مِنْ اَهْلِ بيتي يُواطِئُ إسْمُهُ اِسْمي؛[4] قیامت برپا نخواهد شد، تا آن‌که مردی از خاندان من به حکومت برسد که هم‌نام من است.

---

۱. **منتخب‌الأثر**، ص۱۵۵.
۲. **کمال‌الدین**، ج۲، ص۶۴۵.
۳. **کنز العمال**، ج۱۴، ص۲۶۴.
۴. همان، ص۲۷۱.

از نسل حسین علیه‌السلام

۴۰۵-۵ رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

لا تَذْهَبُ الدُّنْيــا حَتّى يَقُومَ بِأَمْرِ اُمّتي رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ الحُسَــيْنِ، يَمْلأُها عَدلاً كما مُلِئَتْ ظُلماً وَ جَوْراً؛[1] دنیا به آخر نمی‌رسد، تا آن‌که مردی از فرزندان حسین علیه‌السلام، امر امت را به دست می‌گیرد و جهان را پر از عدل و داد می‌کند، آن‌گونه که پر از جور و ستم شده باشد.

انتظار، برترین عمل

۴۰۶-۶ رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اَفْضَلُ أَعْمالِ اُمَّتي اِنْتِظارُ الْفَرَجِ مِنَ اللهِ عزّوجلّ؛[2] برترین اعمال امّت من، انتظار فرج و گشایش از سوی خدای متعال است.

چونان پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله

۴۰۷-۷ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

أَلقائِمُ مِنْ وُلدي، إِســمُهُ إِســمي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتي وَ شَمائِلُهُ شَمائِلي و سُنَّتُهُ سُنَّتي؛[3]

«قائم» از فرزندان من استِ نامش نام من، کنیه‌اش کنیه من، شمایل و سیمایش سیمای من و سنت و روش او سنّت من است.

منجی امّت

۴۰۸-۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

وَ بِمَهدِيّنــا تَنْقَطِعُ الْحُجَجُ، خاتِمَــةُ الأَئِمَّةِ وَ مُنْقِذُ الأُمَّةِ وَ غايَــةُ النُّورِ وَ مَصْدَرُ

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۵۱، ص۶۶.
۲. **کمال‌الدین**، ج۲، ص۶۴۴.
۳. **منتخب‌الأثر**، ص۱۸۳.

الأُمُورِ؛[1] با مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، حجت‌ها گسسته و تمام می‌شود. او پایان‌بخش امامان، و نجات‌بخش امّت، و نهایت نور و روشنی، و سررشتهٔ امور است.

آرزوی دیدار و یاری

۴۰۹-۹ امام باقر علیه السلام:

اَلْقائِلُ مِنْكُمْ: «اِنْ اَدْرَكْتُ القائِمَ مِنْ آلِ مُحَمّدٍ علیهم السلام نَصَرْتُهُ» كَالمُقارِعِ مَعَهُ بِسَيْفِهِ؛[2]

هرکس از شما بگوید: «اگر قائم آل محمد علیهم السلام را دریابم، یاری‌اش می‌کنم»، هم‌چون کسی است که با شمشیرش در رکاب او جهاد می‌کند.

از اصحاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۴۱۰-۱۰ امام صادق علیه السلام:

مَنْ سَرَّ اَنْ يَكُونَ مِنْ اَصحابِ القائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالوَرَعِ وَ مَحاسِنِ الأخلاقِ؛[3]

هرکس خوش دارد که از یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد، پس باید منتظر باشد و با پارسایی و اخلاق نیک عمل کند.

استقامت در راه ولایت

۴۱۱-۱۱ امام سجاد علیه السلام:

مَنْ ثَبَتَ عَلى وِلايَتِنا فى غَيْبَةِ قائِمِنا اَعْطاهُ اللّهُ اَجْرَ اَلْفِ شَهيدٍ مِثْلَ شُهَداءِ بَدْرٍ وَ اُحُدٍ؛[4] کسی که در دوران غیبت قائم ما، بر ولایت ما ثابت و استوار بماند، خداوند پاداش هزار شهید هم‌چون شهدای بدر و اُحُد به او عطا می‌کند.

---

۱. **مروج‌الذهب**، ج۱، ص۳۳.
۲. **المحاسن**، ج۱، ص۱۷۳.
۳. **بحارالأنوار**، ج۵۲، ص۱۴۰.
۴. همان، ص۱۵۲.

حضور امام در موسم حج

۴۱۲-۱۲ امام صادق علیه‌السلام:

يَفْقِدُ النّاسُ إمامَهُم، يَشْـهَدُ المَوْسِـمَ، يَراهُمْ وَلا يَرَونَهُ؛[۱] مردم امامشـان را از دست می‌دهند (و دچار غیبت او می‌شـوند)؛ او در موسم حج حضور می‌یابد، مردم را می‌بیند، ولی مردم او را نمی‌بینند.

تکلیف عصر غیبت

۴۱۳-۱۳ امام کاظم علیه‌السلام:

طُوبى لِشيعَتِنا، الْمُتَمَسِّكينَ بِحَبْلِنا فى غَيْبَةِ قائِمِنَا؛[۲] خوشا به حال آن شیعیان ما که در عصر غیبت قائم ما، به ریسمان ولایت ما چنگ بزنند.

منتظران صبور

۴۱۴-۱۴ امام صادق علیه‌السلام:

اِنَّ مَنْ إنْتَظَرَ اَمْرَنـا وَ صَبَرَ عَلى ما يَرى مِنَ الأذى وَ الخَوْفِ هُوَ غَداً فى زُمْرَتِنا؛[۳] کسـی که منتظر فرج ما باشد و بر آزار و ترسی که می‌بیند شکیبایی ورزد، فردا در گروه و زمره ما خواهد بود.

عدالت فراگیر

۴۱۵-۱۵ امام باقر علیه‌السلام:

إذا ظَهَرَ القائِمُ يُسَـوّى بَيْنَ النّاسِ حَتّى لا تَرى مُحتاجاً إلَى الزَّكاةِ؛[۴] آن‌گاه که حضرت

---

۱. **الغیبة**، نعمانی، ص۱۷۵.
۲. **کمال‌الدین**، ج۲، ص۳۶۱.
۳. **الکافی**، ج۸، ص۳۷.
۴. **بحارالأنوار**، ج۵۲، ص۳۹۰.

قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ظهور کند، بین مردم مساوات و عدالت برقرار می‌کند، آن‌گونه که هیچ محتاج به زکاتی را مشاهده نمی‌کنی.

حکومت مهدوی

۴۱۶-۱۶ رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

عَلامَةُ المَهدیِّ اَنْ یَکُونَ شَدیداً عَلَی العُمّالِ، جَواداً بِالمالِ، رحیماً بِالمَساکینِ؛[1]

نشانه مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف آن است که بر کارگزاران، سخت گیر، نسبت به مال، بخشنده، و نسبت به تهیدستان، مهربان است.

رازدار پروردگار

۴۱۷-۱۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

أَلا اِنَّهُ وَلِیُّ اللهِ فِی اَرْضِهِ وَ حُکْمُهُ فی خَلْقِهِ وَ اَمینُهُ فی سِرِّهِ وَ عَلانِیَّتِهِ؛[2] آگاه باشید که او (مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) جانشین و ولیّ خدا در زمین، و حکم خدا در میان مردم، و امین او در آشکار و نهان است.

امان زمینیان

۴۱۸-۱۸ امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف:

اِنّی لَأَمانٌ لِاَهْلِ الأرضِ کَما اَنَّ النُّجومَ اَمانٌ لِاَهْلِ السَّماءِ؛[3] به درستی که من امان برای اهل زمینم، آن‌گونه که ستارگان برای اهل آسمان امانند.

---

۱. **شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار** علیهم‌السلام، ج۳، ص۵۶۱.
۲. **نجم الثاقب**، ص۱۱۸.
۳. **کمال الدین**، ج۲، ص۴۸۵.

موعود تاریخ

۴۱۹-۱۹ رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إلّا يَومٌ لَبَعَثَ اللهُ رَجُلاً مِنْ اَهلِ بَيتِي يَملَأُها عَدْلاً كَمَا مُلِئَت جَوراً؛[1] حتی اگر جز یک روز از روزگار باقی نمانده باشد، خداوند مردی از خاندان من برخواهد انگیخت، تا زمین را پر از عدل و داد کند، همان‌گونه که از ظلم پر شده است.

دوران نعمت

۴۲۰-۲۰ رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

تَتَنَعَّمُ اُمّتي في زَمَنِ المَهدِيِّ نِعْمَةً لَمْ يُنْعَمُوا مِثْلَها قَطُّ؛[2] امّت من در زمان ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه به نعمت‌هایی دسترسی پیدا می‌کنند که در هیچ زمانی به آن نرسیده‌اند.

خوشا لحظه دیدار

۴۲۱-۲۱ رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

طُوبى لِمَنْ لَقِيَهُ، وَ طُوبى لِمَنْ اَحَبَّهُ وَ طُوبى لِمَنْ قالَ بِهِ؛[3] خوشا به حال کسی که مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه را ببیند، و خوشا به حال کسی که او را دوست بدارد و خوشا به حال کسی که به او اعتقاد داشته باشد.

برکت وجودی امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه

۴۲۲-۲۲ امام سجاد علیه‌السلام:

اِذا قامَ قائِمُنا اَذْهَبَ اللهُ عَنْ شيعَتِنا العاهَةَ؛[4] هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند، آفتِ (تفرقه) را از شیعیان ما می‌زداید.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۵۱، ص۱۰۲.
۲. **معجم‌الأوسط**، ج۵، ص۳۱۱.
۳. **بحارالأنوار**، ج۵۲، ص۳۰۹.
۴. **الخصال**، ج۲، ص۵۴۱.

عصر ظهور

۴۲۳-۲۳ امام صادق علیه‌السلام:

اِنَّ قائِمَنا إذا قامَ مَدَّ اللّهُ لِشـيعَتِنا فی اَسْماعِهِمْ وَ اَبْصارِهِمْ، حتّی لا یَکُونَ بَیْنَهُمْ وَ بَیْنَ القائِمِ بَریدٌ، یُکَلِّمُهُمْ فَیَسْـمَعُونَ وَ یَنْظُرونَ إلیهِ وَ هُوَ فی مَکانِهِ؛[1] قائم ما چون قیام کند، خداوند نیروی گوش و چشـم شیعیان ما را می‌افزاید، تا آن‌جا که میان آنان و حضرت قائم عجل اللّه تعالی فرجه الشریف، قاصدی نخواهد بود؛ او با آنان حرف می‌زند و سخن او را می‌شنوند و به او می‌نگرند، در حالی که حضرت در جای خویش است.

امام‌شناسی

۴۲۴-۲۴ امام صادق علیه‌السلام:

اِعْـرِفْ اِمامَکَ، فَاِنَّکَ اِذا عَرَفْتَهُ لَمْ یَضُرَّکَ تَقَدَّمَ هـذا الأمْرُ اَوْ تَأَخَّرَ؛[2] امام خودت را بشناس؛ هرگاه امام خویش را شناختی، چه ظهور زودتر اتفاق بیفتد یا دیرتر، به تو زیانی نمی‌رساند.

دعا برای فرج

۴۲۵-۲۵ امام مهدی عجل اللّه تعالی فرجه الشریف:

أَکْثِرُوا الدُّعاءَ بِتَعجیلِ الفَرَجِ، فَإنَّ ذلِکَ فَرَجُکُمْ؛[3] برای تعجیل فرج، بسیار دعا کنید، زیرا همین موجب فرج و گشایش شماست.

زمان ظهور

۴۲۶-۲۶ امام زمان عجل اللّه تعالی فرجه الشریف در یکی از توقیعات خود فرموده است:

وَ اَمّا ظُهُورُ الفَرَجِ فإنَّهُ اِلَی اللّهِ و کَذِبَ الوَقّاتُونَ؛[4] امّا ظهور فرج و گشایش، مربوط به خدا و اذن اوست و تعیین‌کنندگان وقت دروغ می‌گویند.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۲، ص۳۳۶.
۲. همان، ص۱۴۱.
۳. **کمال‌الدین**، ص۴۸۵.
۴. **بحارالأنوار**، ج۵۳، ص۱۸۱.

تصفیه همگانی

۴۲۷-۲۷ امام باقر علیه‌السلام:

هَیْهاتَ هَیْهاتَ! لا یَکُونُ فَرَجُنا حَتّی تُغَرْبَلُوا ثُمَّ تُغَرْبَلُوا؛[۱] هیهات، هیهات! فرج ما نخواهد رسید، تا آن‌که شما غربال و تصفیه شوید، باز هم تصفیه شوید.

دینداری در عصر غیبت

۴۲۸-۲۸ امام صادق علیه‌السلام:

اِنَّ لِصاحِبِ هذا الأمرِ غیبَةً، فَلْیَتَّقِ اللّهَ عَبْدٌ وَلْیَتَمَسَّكْ بِدینِهِ؛[۲] صاحب این امر (مصلح جهانی و قائم) غیبتی دارد؛ بنده باید از خدا پروا کند و (در عصر غیبت) دین خود را محکم نگه دارد.

حضرت بقیّة اللّه

۴۲۹-۲۹ امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف:

اَنا بَقِیَّةُ اللّهِ فِی اَرْضِهِ و خَلیفَتُهُ و حُجَّتُهُ عَلَیْكُمْ؛[۳] من باقی‌مانده و ذخیرهٔ خداوند، و جانشین او در زمین خدا، و حجّت او بر شمایم.

سایه لطف مهدوی

۴۳۰-۳۰ امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف:

اِنّا غَیْرُ مُهْمِلینَ لِمُراعاتِكُم وَ لا ناسینَ لِذِكْرِكُمْ؛[۴] ما از رسیدگی و مراقبت از شما غافل نیستیم و یاد شما را فراموش نمی‌کنیم.

---

۱. **منتخب‌الأثر**، ص۳۱۵.
۲. **بحارالأنوار**، ج۵۲، ص۱۱۱.
۳. **کمال‌الدین**، ص۳۳۱.
۴. **بحارالأنوار**، ج۵۳، ص۱۷۵.

میراث دار پیامبران

۴۳۱-۳۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مِنّا مَهدِیُّ هــذِهِ الاُمَّةِ، لَهُ هَیْبَةُ مُوسی علیه السلام وَ بَهاءُ عیــسی علیه السلام وَ حُکْمُ داوُدَ علیه السلام وَ صَبْرُ اَیُّوبَ علیه السلام؛[1] مهدی این امّت از ماســت، او هیبت و شکوه موسی علیه السلام، جلوه و درخشندگی عیسی علیه السلام، حکم داود علیه السلام و صبر ایّوب علیه السلام را داراست.

ثبات در عقیده

۴۳۲-۳۲ امام سجاد علیه السلام:

لا یَثْبُتُ عَلَیهِ اِلّا مَنْ قَوِیَ یَقینُهُ وَ صَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ؛[2] بر اعتقاد به امامت او (مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) ثابت و استوار نمی‌ماند، مگر آن‌که یقینش قوی و معرفتش درست باشد.

در سیمای جوانان

۴۳۳-۳۳ امام صادق علیه السلام:

اِنَّ مِنْ اَعْظَمِ البَلیَّةِ اَنْ یَخْرُجَ اِلَیْهِمْ صاحِبُهُمْ شــابّاً وَهُمْ یَحْسَبُونَهُ شَیْخاً کبیراً؛[3] از بزرگ‌ترین آزمون‌ها آن است که پیشوایشان به صورت جوانی خروج و ظهور می‌کند، در حالی که آنان می‌پندارند او پیر و سال‌خورده است.

حکومت دین در زمین

۴۳۴-۳۴ امام صادق علیه السلام:

إذا قامَ القائِمُ لایَبْقَی أرْضٌ اِلّا نُودِیَ فیها شَهادَةُ اَنْ لا إلٰهَ إلّا اللّٰهُ وَ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللّٰهِ؛[4] هرگاه قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، هیچ سرزمینی باقی نمی‌ماند، مگر آن‌که ندای توحید پروردگار و رسالتِ حضرت محمد صلی الله علیه و آله در آن طنین‌انداز می‌شود.

---

۱. همان، ج ۳۲، ص ۳۰۳.
۲. **کمال‌الدین**، ص ۳۲۴.
۳. **بحارالأنوار**، ج ۵۲، ص ۲۸۷.
۴. همان، ص ۳۴۰.

قم و یاوران قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

۴۳۵-۳۵ امام صادق علیه‌السلام:

اِنَّما سُمِّیَ قُم لِأنّ أهْلَهُ یَجْتَمِعُونَ مَعَ قائِمِ آلِ محمّدٍ علیهم‌السلام؛[۱] قم را از آن رو قم نامیده‌اند، که مردم آن بر گرد قائم آل محمد علیهم‌السلام تجمّع می‌کنند.

پاداش انتظار

۴۳۶-۳۶ امام باقر علیه‌السلام:

وَاعْلَمُوا اَنَّ المُنْتَظِرَ لِهذا الأمرِ لَهُ مِثْلُ اَجْرِ الصّائِمِ القائِمِ؛[۲] و بدانید انتظار کشنده این امر (فرج) پاداشی چون پاداش روزه‌دار و به نماز ایستاده دارد.

نسیم عدالت

۴۳۷-۳۷ امام صادق علیه‌السلام:

اَما وَاللهِ! لَیَدْخُلَنَّ عَلَیْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُیوتِهِم کَما یَدْخُلُ الحَرُّ وَ القَرُّ؛[۳] به خدا سوگند! عدالت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در درون خانه‌های مردم وارد می‌شود، همان‌گونه که گرما و سرما وارد می‌شود.

درخط امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

۴۳۸-۳۸ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

طُوبی لِمَنْ اَدْرَکَ قائِمَ اَهْلِ بَیْتی وَ هُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِیامِهِ؛[۴] خوشا به حال کسی که قائم اهل‌بیت مرا درک کند و پیش از قیام او، به او اقتدا نماید.

---

۱. همان ج ۶۰، ص۲۱۶.
۲. **الکافی**، ج۲، ص۲۲۲.
۳. **بحارالأنوار**، ج۵۲، ص۳۶۲.
۴. همان، ص۱۲۹.

علامت ظهور

۴۳۹-۳۹ امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف:

عَلامَةُ ظُهورِ أمري كَثْرَةُ الهَرْجِ وَ المَرْجِ وَالْفِتَنِ؛[1] نشانه ظهور امر من، بسیاریِ هرج و مرج و آشوب‌هاست.

مقتدای مسیح

۴۴۰-۴۰ امام صادق علیه‌السلام:

يَنْزِلُ رُوحُ اللهِ عيسى بـنُ مَريمَ علیه‌السلام فَيُصَلّي خَلْفَهُ وَ تَـشْرِقُ الأرضُ بِنُورِ رَبِّها؛[2]

حضرت عیسی علیه‌السلام از آسمان فرود می‌آید و پشت سر آن حضرت نماز می‌خواند و زمین با فروغ پروردگار روشن می‌گردد.

---

۱. همان، ج۵۱، ص۳۲۰.

۲. **کمال‌الدین**، ص۳۴۵.

چهل حدیث حقوق بشر

عبدالله مهدوی آرزگانی

بشـــر به عنوان مخلوق الهی، دارای حق و حقوقی است که در سایه آن‌ها می‌تواند با دیگران هم‌زیستی مسالمت‌آمیز داشته باشد.

شـــناخت این حقوق در رعایت متقابل آن از ســـوی مردم، جامعه را قابل زیست‌تر می‌سازد و افراد در مسیر «هدف خلقت» قرار می‌گیرند.

غربیان، با شعار و تبلیغات می‌خواهند وانمود کنند که حقوق بشر و کرامت او را بهتر می‌شناسند و همواره اعلامیه جهانی حقوق بشر را به رخ می‌کشند، در حالی که در قرآن و احادیث به طور کلی در ادیان آسمانی برای «انسان» حقوقی مقرر شده و رعایت آن‌ها موجب سلامت و سعادت جامعه به شمار آمده است و حق تقدم با انبیای الهی است.

آشـــنایی با حقوق بشـــر از نگاه مکتب، ما را با غنای اسلام و کرامت بخشی دین به انسان و جایگاه او آشناتر می‌سازد.

آن‌چه می‌خوانید، گوشه‌ای از رهنمودهای دین درباره این مسئله است. سیره عملی حضرت رسول ﷺ و روش حکومت حضرت علی علیه‌السلام بهترین نمونه شناخت این حقوق و احترام به انسان است.

حق آزادی

۴۴۱-۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

أَیُّها النّاسُ إِنَّ آدَمَ لَم یَلِدْ عَبداً ولا أَمَةً، و إِنَّ النّاسَ کُلُّهُم أَحْرارٌ؛[۱] ای مردم! آدم، برده و کنیز به دنیا نیاورده است، همانا همه مردم آزادند.

حق برابری

۴۴۲-۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلطَّرِیقُ مُشتَرَکٌ وَ النّاسُ فِی الحَقِّ سَواءٌ؛[۲] راه و مسیر مشترک است و مردم در حق با هم برابرند.

حق زندگی

۴۴۳-۳ امام صادق علیه‌السلام:

مَن قَتَلَ نَفْسَهُ مُتَعَمِّداً فَهُوَ فِي نارِ جَهَنَّمَ خالِداً فِیها؛[۳] هرکس خود را عمداً بکشد، جایگاه او همیشه در آتش جهنّم خواهد بود.

حق عدالت

۴۴۴-۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَن ظَلَمَ عِبادَ اللهِ کانَ اللهُ خَصْمَهُ دُونَ عِبادِهِ، و مَن خاصَمَهُ اللهُ أَدحَضَ حُجَّتَهُ،

---

۱. **الکافی**، ج۸، ص۶۹.
۲. **وقعة صفین**، ص۹۵.
۳. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۴، ص۹۵.

وَ كانَ اللّٰهُ حَربــا حَتّى يَنزِعَ وَ يَتُوبَ، وَ لَيسَ شَيءٌ أَدعَى إِلى تَغييرِ نِعْمَةِ اللّٰهِ وَ تَعجيلِ نِقْمَتِهِ مِن إِقامَةٍ عَلى ظُلمٍ فَإِنَّ اللّٰهَ سَمِيعٌ دَعْوَةَ المُضطَهَدِينَ وَ هُوَ لِلظّالِمِينَ بِالمِرصادِ؛[1]

هرکس به بندگان خدا ستم کند، خداوند پیش از بندگانش دشمن او خواهد بود، و کسی که خداوند دشمن او باشد، دلیلش را باطل می‌سازد و با او به جنگ می‌پردازد، تا دست از ظلم بردارد یا توبه کند، و هیچ چیزی در تغییر نعمت‌های خدا و تعجیل انتقام و کیفرش، از اصرار بر ستم، سریع‌تر و زودرس‌تر نیست؛ چراکه خداوند دعا و خواسته مظلومان را می‌شنود و در کمین ستمگران است.

حق امنیت جانی

۴۴۵-۵ امام صادق علیه‌السلام:

أَوْحَى اللّٰهُ تَعالى إِلى مُوسَى بْنِ عِمْرانَ علیه‌السلام أَنْ: «يا مُوسى! قُلْ لِلْمَلَاءِ مِنْ بَنى إِسْرائيلَ: إِيّاكُمْ وَ قَتْلَ النَّفْسِ الحَرامِ بِغَيْرِ حَقٍّ، فَإِنَّ مَنْ قَتَلَ مِنْكُم نَفساً فِي الدُّنيا قَتَلْتُهُ فِي النّارِ مِائَةَ أَلْفِ قَتْلَةٍ مِثْلَ قَتْلِ صاحِبِهِ»؛[2] خداوند به موسی بن عمران علیه‌السلام وحی فرمود: «ای موسی! به بنی‌اسرائیل بگو: از به ناحق کشتن انسان بی‌گناه بر حذر باشید؛ زیرا هر کدام از شما در دنیا کسی را بکشد، او را در جهنم، صد هزار مرتبه، همانند کشتن رفیقش خواهم کشت».

حق کرامت و احترام

۴۴۶-۶ حضرت لقمان علیه‌السلام:

يا بُنَيَّ لا تُحَقِّرَنَّ أَحَداً بِخُلقانِ ثِيابِهِ فَإِنَّ رَبَّكَ وَ رَبَّهُ واحِدٌ؛[3] فرزندم! هیچ کس را به سبب کهنه بودن جامه‌اش تحقیر مکن (و خوار مشمار)، زیرا پروردگار تو و او یکی است.

---

۱. **نهج‌البلاغة**، نامه ۵۳.
۲. **ثواب‌الأعمال**، ص۲۷۸.
۳. **مشکاة‌الأنوار**، ص۲۲۹.

حق آبرومندی

۴۴۷-۷ امام صادق علیه‌السلام:

كُلُّ بالِغٍ مِن ذَكَرٍ أَوْ أُنثى إفتَرى عَلى صَغِيرٍ أَو كَبِيرٍ أَو ذَكَرٍ أَو أُنثى أَو مُسلِمٍ أَوْ كافِرٍ أَو حُـرٍّ أَو مَملُوكٍ فَعَلَيهِ حَدُّ الفِريَةِ، و عَلى غَيرِ البالِغِ حَدُّ الأَدَبِ؛[1] بر هر مرد یا زن بالغی که بر کوچک یا بزرگ، مرد یا زن، مسلمان یا کافر، آزاد یا برده افترا ببندد، بر او حد دروغ و تهمت جاری می‌شود، و بر غیر بالغ حد تأدیب جاری می‌شود.

حق مالکیت

۴۴۸-۸ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اَلنّاسُ مُسَلَّطُونَ عَلى أَمْوالِهِمْ؛[2] مردم بر اموال خویش مسلّط‌اند.

حق امنیت مالی

۴۴۹-۹ امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف:

لايَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَتَصَرَّفَ في مالِ غَيرِهِ بِغَيرِ إِذْنِهِ؛[3] برای هیچ‌کس تصرف در مال دیگری جایز نیست، مگر با اجازه او.

مراعات حق همدیگر

۴۵۰-۱۰ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اعْرِفوا الحَقَّ لِمَنْ عَرَفَهُ لَكُم، صَغيراً كانَ أو كَبيراً، وَضِيعاً كانَ أو رَفِيعاً؛[4] کسی که برای تو حقّ قائل است، کوچک باشد یا بزرگ، وضیع باشد یا شریف، تو نیز برای او حقّ قائل شو.

---

۱. **تهذیب‌الأحکام**، ج ۱۰، ص ۸۹.
۲. **عوالی‌اللئالی**، ج ۱، ص ۴۵۷.
۳. **الإحتجاج**، طبرسی، ج ۲، ص ۲۹۹.
۴. **غرر الحکم**، ص ۱۵۷

حق امنیت اجتماعی

۴۵۱-۱۱ امام باقر علیه‌السلام:

مَن أَشارَ بِحَدِيدَةٍ فِي مِصْرٍ قُطِعَتْ يَدُهُ، و مَن ضَرَبَ فِيها قُتِلَ؛[1] هرکس (به منظور ایجاد رعب و وحشت) در شهر، با اسلحه به سوی مردم اشاره کند، دستش بریده می‌شود، و هرکس کسی را مورد ضرب قرار دهد، کشته می‌شود.

حق امنیت ناموس

۴۵۲-۱۲ امام صادق علیه‌السلام:

أَيُّما رَجُلٍ اطَّلَعَ عَلى قَومٍ في دارِهِم لِيَنْظُرَ إِلى عَوراتِهِم فَرَمَوْهُ، فَفَقَئُوا عَيْنَيْهِ أَو جَرَحُوهُ فَلادِيَةَ لَهُ؛[2] هر مردی که به منظور نگاه کردن به ناموس کسانی، به درون منزل آن‌ها سربکشد و آن‌ها با انداختن چیزی به سوی او، چشم او را کور کنند، و یا جراحتی بر او وارد آورند، دیه‌ای ندارد.

ممنوعیت تفتیش در زندگی خصوصی

۴۵۳-۱۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام خطاب به مالک اشتر:

وَلْيَكُنْ أَبْعَدَ رَعِيَّتِكَ مِنكَ وَ أَشْنَأَهُمْ عِنْدَكَ أَطْلَبُهُم لِمَعايِبِ النّاسِ، فَإِنَّ فِي النّاسِ عُيُوباً الْوالِي أَحَقُّ مَنْ سَتَرَها، فَلا تَكْشِفَنَّ عَمّا غابَ عَنكَ مِنها، فَإِنَّما عَلَيكَ تَطهيرُ ما ظَهَرَلَكَ وَ اللّهُ يَحْكُمُ عَلى ما غابَ عَنكَ، فَاْستُرِ العَوْرَةَ مَا استَطَعْتَ، يَسْتُرِ اللّهُ مِنكَ ما تُحِبُّ سَتْرَهُ مِن رَعِيَّتِكَ؛[3] باید از رعیت، کسی را بیش از همه دور و دشمن بداری که به عیب‌جویی از مردم و گفتن زشتی‌های آنان اصرار دارد، زیرا مردم عیوب وزشتی‌هایی دارند که

---

۱. **تهذیب‌الأحکام**، ج ۱۰، ص ۱۳۵.
۲. **الکافی**، ج ۷، ص ۲۹۱.
۳. **نهج‌البلاغة**، نامه ۵۳.

ســـزاوارترین کس برای پوشاندن آن‌ها حاکم است؛ پس زشتی‌های پوشیده مردم را آشکار مکن. بر توست پوشاندن آن‌چه بر تو آشکار شود، و خداوند بر آن‌چه از تو پنهان است، حکم می‌کند؛ پس تا می‌توانی زشـــتی را بپوشان، تا خدا هم زشتی تو را که دوست داری از رعیت پنهان بماند، پوشیده دارد.

حق برابری در برابر قانون

۴۵۴-۱۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

إِنَّما أَهلَكَ النّاسَ قَبلَكُم إِنَّهُم كانُوا إِذا سَرَقَ فِيهِمُ الشَّرِيفُ تَرَكُوهُ و إِذا سَرَقَ فِيهِمُ الضَّعِيفُ أَقامُوا عَلَيهِ الحَدَّ، و الَّذِي نَفـــسُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله بِيَدِهِ لَو أَنَّ فاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله سَرَقَتْ لَقَطَعْتُ يَدَها؛[1] مردمان پیش از شما را چیزی جز این روش به هلاکت نرساند که وقتی شریف و توانمندشان دست به دزدی می‌زد او را رها می‌کردند، و هنگامی که ضعیف و ناتوان‌شان دزدی می‌کرد، بر او حد جاری می‌کردند، ســـوگند به آن کســـی که جان محمّد صلی الله علیه و آله در دست او است، اگر فاطمه، دختر محمّد صلی الله علیه و آله دست به دزدی بزند، دست او را قطع خواهم کرد.

حق دادخواهی

۴۵۵-۱۵ امیر مؤمنان علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر:

إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ فِي غَيرِ مَوطِنٍ: «لَن تُقَدَّسَ أُمَّةٌ لا يُؤْخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيها حَقُّهُ مِنَ القَوِيِّ غَيْرَ مُتَتَعْتِعٍ»؛[2] از رســـول خدا صلی الله علیه و آله بارها شـــنیدم که می‌فرمود: «هرگز رستگار نخواهند شد مردمی که ضعیف و ناتوان آنان نتواند حق خود را از قوی بدون (لکنت زبان و) ترس بگیرد».

---

۱. **صحیح بخاری**، ج۵، ص۹۷.
۲. **نهج‌البلاغة**، نامه ۵۳.

حق شکایت

۴۵۶-۱۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام خطاب به مالک اشتر:

وَ تَفَقَّدْ أُمُورَ مَن لا يَصِلُ إلَيكَ مِنهُم مِمَّن تَقْتَحِمُهُ العُيُونُ، و تَحْقِرُهُ الرِّجالُ، فَفَرِّغْ لِأُولَئِكَ ثِقَتَكَ مِنْ أَهلِ الخَشْيَةِ و التَّواضُعِ، فَلْيَرفَعْ إلَيْكَ أُمُورَهُمْ؛[1] از آن‌هایی که مشکلات دارند و در نظر مردم تحقیر شده‌اند و نمی‌توانند شکایت خود را به تو برسانند، جست‌وجو به عمل آور و افراد مطمئن و خداترس و فروتن را برای آن‌ها بگمار تا درخواست‌های آنان را به تو گزارش نمایند.

حق قضاوت عادلانه

۴۵۷-۱۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

ثُمَّ واسِ بَينَ المُسلِمِينَ بِوَجْهِكَ و مَنطِقِكَ و مَجلِسِكَ حَتّى لا يَطمَعَ قَرِيبُكَ فِي حَيفِكَ ولا يَيأَسَ عَدُوُّكَ مِن عَدلِكَ؛[2] پس هنگام داوری در میان مسلمانان طوری قرار بگیر که نگاه و گفتار و نحوه نشستن تو نسبت به آن‌ها یکسان باشد، تا خویشان نزدیک تو طمع و چشم داشت ظلم و ستم نداشته باشند و دشمن تو نیز از عدل و انصافت مأیوس نگردد.

ممنوعیت شکنجه

۴۵۸-۱۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَن ضَرَبَ رَجُلاً سَوطاً ظُلماً ضَرَبَهُ اللهُ تَبارَكَ وَ تَعالى بِسَوطٍ مِنْ نارٍ؛[3] هرکس از روی ستم تازیانه به کسی بزند، خداوند متعال او را با تازیانه‌ای از آتش خواهد زد.

---

۱. همان.
۲. **الکافی**، ج۷، ص۴۱۳.
۳. **دعائم‌الإسلام**، ج۲، ص۵۴۱.

حق مصونیت متهم

۴۵۹-۱۹ امام صادق علیه‌السلام:

إِنَّ أَمِيرَالمؤمِنِينَ علیه‌السلام قالَ: «مَنْ أَقَرَّ عِندَ تَجرِيدٍ أَو حَبسٍ أَو تَخوِيفٍ، أَو تَهَدُّدٍ فَلا حَدَّ عَلَيهِ»؛[1] همانا امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: «کسی که با برهنه کردن (شکنجه) یا زندان یا ترساندن یا تهدید، اقرار کند، بر او حد جاری نمی‌شود (و چنین اعترافی اثر ندارد)».

حق تناسب جرم و جزا

۴۶۰-۲۰ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

إِنَّ اللهَ بَيَّنَ الْحُدُودَ و جَعَلَ عَلى كُلِّ مَن تَعَدَّى الحَدَّ حَدّاً؛[2] همانا خداوند حدود (مقدار مجازات) را تبیین و تعیین نموده، و برای هر کسی که از مرز (و حد تعیین‌شده) تجاوز نماید، مجازاتی قرار داده است.

حق انتخاب وطن

۴۶۱-۲۱ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اَلاَرْضُ أَرْضُ اللهِ وَالْعِبادُ عِبادُ اللهِ فَحَيْثُ وَجَدَ أَحَدُكُمْ خَيْراً فَلْيَتَّقِ اللهَ وَلْيُقِمْ؛[3] زمین، زمین خدا و بندگان، بندگان خدا هستند؛ پس هر یک از شما هرجا را نیکو یافت، تقوای الهی پیشه کند و اقامت گزیند.

---

۱. **قرب‌الإسناد**، ص۵۴.
۲. **دعائم‌الإسلام**، ج۲، ص۴۴۴.
۳. **کنز العمال**، ج۱۵، ص۴۰۸.

حق ازدواج

۴۶۲-۲۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

ما بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الإِسلامِ أَحَبُّ إِلَى اللهِ مِنَ التَّزْوِيجِ؛[1] هیچ بنایی در اسلام بنا نشده که نزد خداوند، محبوب‌تر از بنیان ازدواج باشد.

حق توالد و تناسل

۴۶۳-۲۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

تَناكَحُوا تَناسَلُوا، فَإِنِّي أُباهِي بِكُمُ الأُمَمَ يَومَ القِيامَةِ؛[2] ازدواج کنید تا صاحب نسل و فرزند شوید؛ زیرا من به سبب شما در روز قیامت بر سایر امت‌ها مباهات می‌کنم.

حق مسکن

۴۶۴-۲۴ امام صادق علیه السلام:

عَنْ زُرارَةَ قالَ: قُلتُ لِأَبي عَبدِ اللهِ علیه السلام: «إِنَّ لِي عَلى رَجُلٍ دَيْناً وَ قَد أَرادَ أَن يَبِيعَ دارَهُ فَيُعطِيَنِي». قالَ: فَقالَ أَبُو عَبدِ اللهِ علیه السلام: «أُعِيذُكَ بِاللهِ أَن تُخْرِجَهُ مِن ظِلِّ رَأْسِهِ»؛[3] زراره گفت به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «من از مردی طلب دارم، او می‌خواهد خانه‌اش را بفروشد و طلب مرا بدهد». امام صادق علیه السلام فرمود: «تو را به خدا پناه می‌دهم از این که او را از سرپناهش بیرون کنی».

حق امنیت منزل

۴۶۵-۲۵ امام رضا علیه السلام:

عَنِ الفَتحِ بنِ يَزِيدَ الجُرجَانِيِّ عَن أَبِي الحَسَنِ علیه السلام في رَجُلٍ دَخَلَ عَلى دارِ آخَرَ لِلتَّلَصُّصِ أَو لِلفُجُورِ فَقَتَلَهُ صاحِبُ الدّارِ، أَيُقْتَلُ بِهِ أَم لا؟ فَقالَ علیه السلام: «اِعْلَمْ أَنَّ مَن دَخَلَ دارَ غَيرِهِ

---

۱. **من لایحضره الفقیه**، ج۳، ص۳۸۳.
۲. **عوالی اللئالی**، ج۱، ص۱۵۹.
۳. **الإستبصار**، ج۳، ص۶.

فَقَـــد أُهْدِرَ دَمُهُ ولا يَجِبُ عَلَيهِ شَيءٌ»؛[1] فتح بن یزید جرجانی از امام رضا علیه‌السلام درباره مردی که برای دزدی یا بی‌عفتی کردن وارد منزل کسی شده و به دست صاحب خانه کشته شود، پرسید: «آیا قاتل به سبب قتل کشته می‌شود؟» حضرت فرمود: «بدان، هر کس وارد منزل دیگری گردد، خون او هدر است و هیچ‌گونه مجازاتی بر قاتل نیست».

حق دفاع شخصی

۴۶۶-۲۶ امام باقر علیه‌السلام:

إذا دَخَلَ عَلَيكَ رَجُلٌ يُرِيدُ أَهلَكَ و مالَكَ فَابْدُرْهُ بِالضَّرْبَةِ إِنِ استَطَعتَ، فَإِنَّ اللِّصَّ مُحارِبٌ للهِ و لِرَسُـــولِهِ فَاقتُلهُ، فَما تَبِعَكَ مِنهُ شَيءٌ فَهُوَ عَلَيَّ؛[2] هرگاه مردی به قصد خانواده و مالت بر تو وارد شود، اگر توانستی در ضربه زدن بر او پیشی بگیر (پیش‌دستی کن و به سرعت ضربتی بر او بزن)، زیرا دزد، با خدا و رســـول وی در جنگ اســـت؛ پس او را بکش و اگر کار تو پیامدی داشت، بر عهده من است.

حق آموزش

۴۶۷-۲۷ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

أَلْعِلْمُ لا يَحِلُّ مَنْعُهُ؛[3] جلوگیری از علم جایز نیست.

حق آزادی اشتغال

۴۶۸-۲۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

لَســـتُ أَرى أَن أُجْبِرَ أَحَداً عَلى عَمَلٍ يَكْرَهُهُ؛[4] من روا نمی‌دانم کسی را به انجام کاری مجبور کنم که آن را دوست ندارد.

---

۱. **الکافی**، ج۷، ص۱۹۴.
۲. **قرب‌الإسناد**، ص۷۴.
۳. **کنز العمال**، ج۱۰، ص۱۳۴.
۴. **أنساب‌الأشراف**، ص۱۶۲.

حق تأمین معاش آبرومندانه

۴۶۹-۲۹ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام خطاب به مالک اشتر:

اَللّهَ اللّهَ فِی الطَّبَقَةِ السُّفلی مِنَ الَّذِینَ لا حِیلَةَ لَهُم مِنَ المَساکِینَ و المُحتاجِینَ و أَهلِ الْبُؤْسَی و الزَّمْنَی، فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قانِعاً و مُعْتَرّاً وَ احْفَظْ للّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِیهِم، وَ اجعَلْ لَهُم قِسماً مِنْ بَیتِ مَالِكِ، و قِسماً مِن غَلّاتِ صَوافِي الإِسلامِ فِي كُلِّ بَلَدٍ؛[1] خدا را، خدا را! طبقه پایین و زیردستان جامعه را در نظر داشته باش؛ آن‌هایی که چاره ندارند، فقیر، محتاج، زمین‌گیر و گرفتارند، زیرا در این طبقه هم نیازمندی است که نیاز خود را اظهار می‌کند و هم نیازمندی است که نیاز خود را اظهار نمی‌کند. برای رضای خدا آن‌چه را که از حق خود درباره تو امر کرده است انجام ده؛ بخشی از بیت‌المال و بخشی از غلّات زمین‌های غنیمت اسلام را که در هر شهری به دست آمده، برای آنان مقرر دار.

حق محبّت و همزیستی

۴۷۰-۳۰ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

تَصافَحُوا و تَهادَوْا، فَإِنَّ المُصافَحَةَ تَزِیدُ فِی المَوَدَّةِ، وَ الْهَدِیَّةَ تَذْهَبُ الغِلَّ؛[2] با هم‌دیگر دست بدهید (مصافحه) و به هم‌دیگر هدیه دهید؛ زیرا دست دادن بر محبّت می‌افزاید و هدیه دادن کینه را می‌زداید.

حق مشاوره

۴۷۱-۳۱ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

و مَنِ استَبَدَّ بِرَأْیِهِ هَلَكَ، و مَن شاوَرَ الرِّجالَ شارَكَها فِي عُقُولِها؛[3] هرکس خودرأیی نماید تباه گردد، و هرکس با مردان مشورت نماید با خردهاشان شرکت می‌کند.

---

۱. **نهج‌البلاغة**، نامه ۵۳.
۲. **دعائم‌الإسلام**، ج۲، ص۳۲۶.
۳. **نهج‌البلاغة**، حکمت ۱۶۱.

حق صدق و امانت

۴۷۲-۳۲ امام سجاد علیه‌السلام:

عَلَيكُمْ بِأَداءِ الاَمانَةِ فَوَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّداً صلی‌الله‌علیه‌وآله بِالْحَقِّ نَبِيّاً لَو أَنَّ قاتِلَ أَبِي الحُسَينِ بنِ عَلِيٍّ علیه‌السلام إِئْتَمَنَنِي عَلَى السَّيْفِ الَّذِي قَتَلَهُ بِهِ لَأَدَّيْتُهُ إِلَيهِ؛[1] بر شما باد به ادای امانت، سوگند به آن کسی که محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله را به حق به نبوت فرستاده، اگر قاتل پدرم شمشیری که با آن پدرم را کشته بود به من امانت می‌سپرد، هر آینه آن را به او برمی‌گرداندم.

حق پای بندی به معاهدات

۴۷۳-۳۳ امام باقر علیه‌السلام:

ثَلاثٌ لَم يَجْعَلِ اللهُ عَزَّوَجَلَّ لِأَحَدٍ فِيهِنَّ رُخصَةً: أَداءُ الاَمانَةِ إِلَى البَرِّ وَ الفاجِرِ، و الوَفاءُ بِالعَهدِ لِلْبَرِّ و الفاجِرِ و بِرُّ الوالِدَينِ بَرَّينِ كانا أَو فاجِرَيْنِ؛[2] خداوند برای هیچ‌کس در سه چیز رخصت قرار نداده است: بازگرداندن امانت به نیکوکار و بدکار، وفا به پیمان با نیکوکار و بدکار، نیکی به پدر و مادر، نیکوکار باشند یا بدکار.

حق امهال وامدار

۴۷۴-۳۴ امام باقر علیه‌السلام:

مَنْ أَقْرَضَ رَجُلاً قَرْضاً إِلى مَيسَرَةٍ كانَ مالُهُ في زَكاةٍ و كانَ هُوَ في الصَّلاةِ مَعَ المَلائِكَةِ حَتّى يَقضِيَهُ؛[3] هرکس تا هنگام وسعت مالی مردی به او قرض بدهد، مالش در رشد و نموّ بوده و خودش با فرشتگان در (حال) نماز است، تا زمانی که آن مرد قرض را ادا نماید.

---

۱. **روضة‌الواعظین**، ص۳۷۳.
۲. **الکافی**، ج۲، ص۱۶۲.
۳. همان، ج۳، ص۵۵۸.

حق مصالحه

۴۷۵-۳۵ امام صادق علیه‌السلام:

صَدَقَةٌ يُحِبُّها اللهُ إِصْلاَحٌ بَيْنَ النّاسِ إِذا تَفاسَدُوا وَ تَقارُبٌ بَيْنَهُمْ إِذا تَباعَدُوا؛[1]

خیرخواهی میان مردمی که با هم اختلاف می‌کنند، و نزدیک نمودن آنان به هم‌دیگر هنگامی که از هم دوری می‌کنند، صدقه‌ای است که خدا آن را دوست دارد.

حق وکالت

۴۷۶-۳۶ امام صادق علیه‌السلام:

مَنْ وَكَّلَ رَجُلاً عَلى إِمضاءِ أَمرٍ مِنَ الأُمُورِ فَالْوَكالَةُ ثابِتَةٌ أَبَداً حَتّى يُعْلِمَهُ بِالخُرُوجِ مِنها كَما أَعْلَمَهُ بِالدُّخُولِ فِيها؛[2] هرکس مردی را برای انجام کاری وکیل نماید، وکالت او همواره ثابت است، تا این که عزل او را از وکالت به وی خبر دهد؛ هم‌چنان که نصب او را به وکالت به او اعلام کرده بود.

حق شراکت

۴۷۷-۳۷ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

يَدُ اللهِ عَلَى الشَّرِيكَينِ ما لَمْ يَتَخاوَنا؛[3] دست خدا بالای سر دو شریک است تا هنگامی که به هم‌دیگر خیانت نکنند.

---

۱. همان، ج۲، ص۲۰۹.
۲. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۳، ص۸۳.
۳. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۳، ص۴۵۱.

حق بهره‌برداری از منابع طبیعی

۴۷۸-۳۸ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

خَمسٌ لا يَحِلُّ مَنْعُهُنَّ: اَلْماءُ، وَ المِلحُ، وَ الكَلَأُ، وَ النّارُ، وَ العِلمُ؛[1] ممانعت و جلوگیری از پنج چیز جایز نیست: آب، نمک، گیاه، آتش و علم.

حق آزادی سفر

۴۷۹-۳۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

سَافِرُوا، فَإِنَّكُمْ إِنْ لَمْ تَغنَمُوا مَالاً، أَفَدْتُم عَقْلاً؛[2] مسافرت کنید؛ زیرا (در سفر) اگر سود مالی به دست نیاوردید، از نظر عقلی رشد می‌کنید.

حقوق متقابل دولت و ملت

۴۸۰-۴۰ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

أَيُّهَاالنّاسُ! إنَّ لی عَلَيكُمْ حَقّا وَلَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ، فَأَمّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالنَّصِيحَةُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرُفَيْئِكُمْ عَلَيْكُم وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلا تَجْهَلُوا وَ تَأْديبُكُمْ كَيْما تَعْلَمُوا، وَأَمّا حَقّی عَلَيْكُمْ فَالْوَفاءُ بِالْبَيْعةِ وَالنَّصِيحَةُ فِی الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ وَالإِجابَةُ حِينَ أَدْعُوكُم وَالطّاعَةُ حِينَ آمُرُكُم؛[3] ای مردم! مرا بر شما حقی و شما را بر من حقی است؛ امّا حقی که شما بر من دارید، خیرخواهی نسبت به شما و رساندن غنیمت و حقوق به طور مستوفا به شما، و یاد دادن به شماست تا نادان نمانید، و تربیت نمودن شماست تا بیاموزید؛ امّا حقی که من بر شما دارم، باقی بودن بر بیعت و اخلاص و خیرخواهی در پنهان و آشکار، و اجابت هنگامی که شما را بخوانم، و اطاعت و پیروی است، آن‌گاه که شما را امر می‌کنم.

---

۱. همان، ج ۱۲، ص ۴۳۵.
۲. **مکارم‌الأخلاق**، ص ۲۴۰.
۳. **نهج‌البلاغة**، خطبه ۳۴.

چهل حدیث حکومت اسلامی

محمد عابدی

اسلام، دینی اجتماعی است و احکام و قوانین و ابواب فقه، این حقیقت را روشن می‌کند. جامعه، بدون حکومت و قانون و مجریان سالم، دچار هرج و مرج می‌شود. امّا این‌که چه نوع حکومتی خوب است؟ چه‌کسی شایستگی حکومت بر مردم دارد؟ مبنای مشروعیّت حکومت‌ها چیست؟ اسلام برای نظم و نظام جامعه و مدیریّت کلان آن چه برنامه‌ای دارد و فلسفه سیاسی اسلام چیست؟ این‌ها از مباحث مهمّ در این قلمرو به شمار می‌رود. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله پس از هجرت به مدینه، در رأس حکومت اسلامی قرار داشت. برای تداوم خطّ رسالت نیز، «امامت و ولایت» پیش‌بینی شده بود. برای عصر غیبت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف هم نقش هدایت و ولایت امت اسلامی بر عهده فقهای جامع‌الشرائط نهاده شده که از آن به «ولایت فقیه» تعبیر می‌شود. باری، مسئله حکومت و وظایف حاکم اسلامی و حدود و وظایف رهبر و حقوق متقابل حاکم و مردم در یک نظام دینی و امثال این موضوعات، به طور گسترده و جدّی و دقیق در روایات اسلامی آمده است. آن‌چه می‌خوانید، چهل حدیث برگزیده از گنجینه‌های غنی روایات معصومین علیهم‌السلام درباره این موضوع مهم و سیاسی است، که نظر و نگاه مکتب را به مسئله حکومت و جامعه نشان می‌دهد.

ضرورت حکومت

۴۸۱-۱ امام رضا علیه‌السلام:

اِنَّا لاَ نَجِدُ فِرقَةً مِن الفِرَقِ و لاَ مِلَّةً مِن المِلَلِ بَقَوا وَ عَاشُوا اِلّا بِقَيِّمٍ و رَئيسٍ، لِما لاَبُدَّ لَهُمْ مِنهُ فی اَمرِالدّينِ و الدُّنيا؛[1] ما هیچ گروه از گروه‌ها و هیچ ملتی از ملت‌ها را نمی‌یابیم که بدون سرپرست و رئیسی زندگی کرده و باقی مانده باشند؛ برای این‌که چاره‌ای از آن در امر دین و دنیا نیست.

ضرورت قرآنی حکومت

۴۸۲-۲ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام بعد از ذکر آیاتی مثل: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱسۡتَجِيبُواْ لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمۡ لِمَا يُحۡيِيكُمۡ﴾[2] فرمود:

وَفی هذا أوضَحُ دَليلٍ عَلی أنَّهُ لا بُدَّ لِلأُمَّةِ مِن إمامٍ يَقُومُ بِأمرِهِم فَيَأمُرُهُم وَ يَنهاهُم وَ يُقيمُ فيهِمُ الحُدُودَ وَ... إذ كانَ الأمرُ وَ النَّهیُ أحَدُ أسبابِ بَقاءِ الخَلقِ وَ إلّا سَقَطتِ الرَّغْبَةُ وَ الرَّهْبَةُ وَ لَم يُرتَدَعْ وَلَفَسَدَ التَّدبيرُ وَ كانَ ذلِكَ سَبَباً لِهَلاكِ العِبادِ؛[3] در این آیات دلیل بسیار روشنی است بر این‌که امت باید امام و پیشوایی داشته باشد که قیام به کارهای آن‌ها کند، به آن‌ها امر و نهی نماید و حدود الهی را در میان آن‌ها برپا دارد و...؛ زیرا امر و نهی یکی از اسباب بقای خلق است، وگرنه تشویق و ترس از بین می‌رود و هیچ‌کس از گناه باز نمی‌ایستد، نظام جامعه فاسد می‌شود و این سبب هلاک بندگان خداست.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۶، ص۶۰ و ج ۲۳، ص۳۲.
۲. انفال/۲۴.
۳. **بحارالأنوار**، ج ۹۰، ص۴۱.

مشروعیت الهی؛ مقبولیت مردمی

۴۸۳-۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

یَــا ابنَ اَبی‌طالِبٍ! لَکَ وِلاءُ اُمَّتی. فَاِنْ وَلُّــوکَ فِی عَافِیَةٍ وَ رَجَعُوا عَلَیکَ بِالرِّضا فَقُمْ بِاَمرِهِمْ وَ اِنِ اختَلَفوا عَلَیکَ فَدَعْهُم وَ مَا هُم فِیهِ؛[1] ای پسر ابوطالب! ولایت امت من حق تو اســت. اگر به سلامتی (در آرامش) پذیرای تو شدند و با رضایت به تو رجوع کردند، امورشان را اداره کن؛ و اگر در مورد تو اختلاف کردند، آنان و آن‌چه در آن هستند (موضوع مورد اختلاف) را به خودشان واگذار.

تحقّق حکومت با پذیرش مردمی

۴۸۴-۴ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

اِنَّ هَــذا اَمرُکُم لَیْسَ لِاَحَدٍ فِیهِ حَقٌّ اِلّا مَن اُمِّرْتُمْ وَ قَدِافتَرَقْنا بِالأَمْسِ عَلَی أمرٍ و کُنتُ کَارِهاً لِاَمْرِکُم فَاَبَیْتُم اِلّا اَنْ اَکُونَ عَلَیکُم؛[2] این (حکومت) مربوط به شماست؛ جز شخصی که شما امیر گردانید، کسی در آن حقی ندارد. ما دیروز هنگامی از هم جدا شدیم که من حکومت بر شما را ناخوشایند داشتم، ولی شما جز به حکومت من تن ندادید.

وجوب پذیرش حکومت مشروع

۴۸۵-۵ امام صادق علیه السلام:

وَجهُ الحَلالِ مِن الوِلایَةِ وِلایَةُ الوَالی العادلِ؛ اَلَّذی اَمَرَ اللّهُ بِمعرِفَتِهِ و وِلایَتِهِ وَالعَمَلِ لَهُ فِی وِلایَتِهِ و وِلایَةِ وُلاتِهِ و وُلاَةِ وُلاَتِهِ؛[3] گونه حلال از ولایت، ولایت حاکم عادل است؛ کسی که خداوند به شناختن او و ولایتش (پذیرش حکومت او) و کار برای او در (امور مربوط به) ولایتش و حکومت والیانش و کارگزاران والیان او، دستور داده است.

---

۱. همان، ج ۳۰، ص۱۵؛ **أسد الغابة**، ج۴، ص۱۱۲.
۲. همان، ج۳۲، ص۸.
۳. **تحف‌العقول**، ص۳۳۲؛ **بحارالأنوار**، ج۷۲، ۳۴۷.

قانونگذاری

۴۸۶-۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

فَلَمّـا اَفْضَتْ إلَیَّ نَظَرتُ إلیٰ کِتابِ اللّهِ وَ ما وَضَعَ لَنا وَاَمَرَنا بِالحُکمِ بِهِ فَاتَّبَعْتُهُ وَ ما استَنَّ النَّبِیُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله فَاقْتَدَیتُهُ؛[1] وقتی (خلافت) به من رسید، به کتاب خدا نگاه کردم و به آن‌چه (فرمان) برای ما قرار داده بود و از هر حکمی که دستور داده بود، پیروی کردم؛ به آن‌چه (سنّت و روش) پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله پیموده بود، اقتدا کردم.

حق والی و رعیت در حکومت

۴۸۷-۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

و أعظَمُ ما افْتَرَضَ [اللّهُ] سـبحانَهُ مِن تلكَ الحُقوقِ: حقُّ الوالي علی الرَّعِیَّةِ، و حقُّ الرَّعِیَّةِ علی الوالي؛[2] از میان آن حقوق که خداوند سبحان واجب فرموده، مهم‌ترینش حقّ زمامدار بر ملّت است و حقّ ملّت بر زمامدار.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله حاکم اسلامی

۴۸۸-۸ امام صادق علیه‌السلام:

اِنَّ اللّهَ عزّوجـلّ اَدَّبَ نَبِیَّهُ... ثمّ فَوَّضَ إلَیْهِ أمرَ الدِّینِ والأُمَّةِ لِیَسـوسَ عِبَادَهُ فَقالَ عَزَّوَجَلَّ: ﴿وَمَآ ءَاتَىٰكُمُ ٱلرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَىٰكُمْ عَنْهُ فَٱنتَهُوا۟﴾؛[3] خدای عزّوجلّ به پیامبرش ادب آموخت ... سـپس امر دین و امت را بـه او واگذار کرد تا به بندگانش حکومت کند؛ آن‌گاه فرمود: «آن‌چه را رسول آورد، بپذیرید و از آن‌چه نهی کرد، باز ایستید».

---

۱. **نهج‌البلاغة**، خطبه ۱۹۶.
۲. همان، خطبه ۲۱۶.
۳. **الکافی**، ج۱، ص۲۶۶.

حاکمان اصلی

۴۸۹-۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

لا يُقاسُ بِآلِ محمدٍ صلی‌الله‌علیه‌وآله مِن هَذِهِ الأُمَّةِ اَحَدٌ وَ لا يُسَوّى بِهِم مَن جَرَتْ نِعمَتُهُم عَلَيه اَبَدَاً. هُم أساسُ الدِّينِ و عِمادُ اليَقينِ، إليهِم يَفِيءُ الغَالِي و بِهِم يَلحَقُ التّالِي و لَهُم خَصائِصُ حَقِّ الوِلايَةِ وَ فيهِمُ الوَصِيَّةُ و الوِراثَةُ؛[1] کسی از این امت با آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله مقایسه نمی‌شود؛ آنان که پروردهٔ نعمت (هدایت) اهل‌بیت پیامبرند، با ایشان برابری نمی‌کنند. آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله اساس دین و ستون‌های استوار یقین هستند. شتاب‌کننده باید به آنان بازگردد و عقب‌مانده باید به آنان بپیوندد؛ زیرا ویژگی‌های حق ولایت مخصوص آنان است و وصیت پیامبر (در مورد خلافت و حکومت) و میراث رسالت به آن‌ها تعلق دارد.

ولی فقیه، حاکم اسلامی

۴۹۰-۱۰ امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف:

وَأَمَّا الحَوادِثُ الوَاقِعَةُ فَارجِعُوا فيها إلى رُواةِ حَديثِنا؛ فَإِنَّهُم حُجَّتي عَلَيكُم وَ اَنَا حُجَّةُ اللهِ عَلَيهِمْ؛[2] در مورد حادثه‌های پدید آمده به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ چون آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آن‌ها می‌باشم.

رهبری و همبستگی جامعه

۴۹۱-۱۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَكانُ القَيِّمِ بِالأمرِ مَكانُ النِّظامِ مِن الخَرَزِ يَجمَعُهُ وَ يَضُمُّهُ؛ فَإِنْ إنْقَطَعَ النِّظامُ تَفَرَّقَ الخَرَزُ و ذَهَبَ، ثُمَّ لَم يَجتَمِعْ بِحَذافِيرِهِ اَبَدَاً؛[3] نقش رهبر (نسبت به مردم) مانند نخی است که مهره‌ها را گرد آورده و به یکدیگر پیوند داده است؛ اگر این رشته پاره شود، مهره‌ها از هم می‌پاشند و هرگز جمع‌آوری نخواهند شد.

---

۱. **نهج‌البلاغة**، خطبه ۲.
۲. **الغيبة**، شیخ طوسی، ص۲۹۱.
۳. **نهج‌البلاغة**، خطبه ۱۴۶.

تحقّق اسلام با حکومت

۴۹۲-۱۲ امام باقر علیه‌السلام:

بُنِيَ الإسلامُ عَلَى خَمْسةِ أشياءَ؛ عَلى الصَّلاةِ و الزَّكاةِ و الحَجِّ والصَّومِ والوِلايَةِ. قال زرارة: فَقُلْتُ: «وَاَيُّ شيءٍ مِنْ ذلِكَ أفْضَلُ؟» قال: «اَلْوِلايةُ اَفضَلُ؛ لِأنَّها مِفتاحُهُنَّ و الوَالِي هُوَ الدَّليلُ عَلَيْهِنَّ»؛[1] اسلام بر پنج چیز استوار شده است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت. زراره گوید: پرسیدم: کدام برتر است؟ فرمود: «ولایت برتر است، چون ولایت کلید آن‌ها و رهبر و راهنمای به آن‌هاست».

حکومت حاکم عادل

۴۹۳-۱۳ امام رضا علیه‌السلام:

اِنَّ الخَلْقَ لَمّا وَقَعُوا عَلى حَدٍّ مَحدودٍ وَ اُمِرُوا اَنْ لا يَتَعَدَّوا ذَلِكَ الْحَدَّ لِمَا فِيهِ مِن فَسادِهِمْ لَم يَكُنْ يَثْبُتُ ذَلكَ وَ لايَقُومُ اِلّا بِاَنْ يَجْعَلَ عَلَيْهِمْ فيهِ أميناً يَمنَعُهُم مِنَ التَّعَدّي و الدُّخولِ فِيما حُظِرَ عَلَيْهِمْ؛[2] وقتی مردم بر حدّی معیّن ایستادند و دستور داده شد از آن تجاوز نکنند؛ به خاطر این‌که تجاوز از آن موجب فسادشان می‌شود، این کار سامان نمی‌گیرد؛ مگر به وسیله حاکم درست‌کاری در رأس آن‌ها که آنان را از تجاوز و داخل شدن در اموری که از آن منع شده‌اند، باز دارد.

فلسفه حکومت

۴۹۴-۱۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَللّهُمَّ إنَّكَ تَعلَمُ أنَّهُ لَم يَكُن الَّذي كانَ مِنّا مُنافَسَةً فِي سُلطانٍ وَلا التِماسَ شَيءٍ مِن فُضُولِ الحُطامِ و لكِن لِنَرِدَ المَعالِمَ مِن دينِكَ وَنُظْهِرَ الْاِصلاحَ في بِلادِكَ؛ فَيَأمَنَ

---

۱. **الکافی**، ج۲، ص۱۸.
۲. **بحارالأنوار**، ج۶، ص۶۰.

المَظلُومُونَ مِن عِبادِكَ و تُقــامَ المُعطَّلَةُ مِن حُدودِكَ؛[1] بارالها! تو می‌دانی که هدف ما از قیام (حکومت) مســابقه در قدرت و دســت‌یابی به فزونی متاع دنیا نیست و تنها به این منظور است که نشانه‌های دین تو را به جایش برگردانیم و اصلاح را در شهرهایت ظاهر سازیم تا بندگان ستمدیده‌ات در امان باشند و حدود ضایع شده تو به پا داشته شوند.

احیای سنّت

۴۹۵-۱۵ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

رَحِمَ‌اللهُ خُلَفائی فَقیلَ: یا رَسُــولَ اللهِ! وَمَن خُلَفائُكَ؟ قالَ: الَّذینَ یُحیُونَ سُــنَّتی وَ یُعَلِّمُونَها عِبادَاللهِ؛[2] خدا جانشــینان مرا بیامرزد. سؤال شد: ای رسول خدا! جانشینان شما کیستند؟ فرمود: کسانی که روش مرا زنده می‌کنند و به بندگان خدا یاد می‌دهند.

تأمین بازنشسته‌ها

۴۹۶-۱۶ امیرمؤمنان علی علیه السلام پیرمرد نابینایی را دید که گدایی می‌کند، فرمود:

اِســتَعمَلتُمُوهُ حَتّی إذا کَبُرَ وَ عَجَزَ مَنَعتُمُوهُ؟ أنفِقُوا عَلَیهِ مِن بَیتِ المالِ؛[3] به کارش گرفتید و چون پیر و ناتوان شد، رهایش کردید؟ از بیت‌المال به او انفاق کنید (حقوق بدهید).

حراست از اموال عمومی

۴۹۷-۱۷ امیرمؤمنان علی علیه السلام:

اَدِقُّوا اَقلامَکُم وَ قارِبُوا بَینَ سُــطُورِکُم وَ اَحذِفُوا عَنّی فُضُولَکُم وَاقصِدُوا قَصدَ المَعانِی وَ اِیّاکُم وَالإکثارِ فَاِنَّ اَموالَ المُسلِمینَ لاتَحتَمِلُ الإضرارَ؛[4] نوک قلم‌هایتان را تیز

---

۱. **نهج‌البلاغة**، خطبه ۱۳۱.
۲. **بحارالأنوار**، ج۲، ص۲۵.
۳. **وسائل‌الشیعة**، ج۱۵، ص۶۶.
۴. **الخصال**، ج۱، ص۳۱۰.

کنید و فاصله سطرهایتان را کم کنید و مطالب اضافی را حذف کنید و میانه‌روی را در پیش گیرید. از زیاده‌روی و اسراف بپرهیزید؛ زیرا اموال مسلمانان تحمّل ضرر را ندارد.

عمران محوری

۴۹۸-۱۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَن طَلَبَ الخَراجَ بِغَيرِ عِمارَةٍ أَخْرَبَ البِلادَ وَ أَهلَكَ العِبادَ وَ لَم يَستَقِم أَمرُهُ إلّا قَليلاً؛[1] کسی که در پی گرفتن مالیات باشد، بدون این‌که فکر عمران و آبادی باشد، شهرها را ویران و مردم را نابود می‌کند و حکومتش جز اندک مدتی دوام نمی‌آورد.

ظلم ستیزی

۴۹۹-۱۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

وَاللهِ! لَو أُعْطيتُ الأقالِيمَ السَّبعَةَ بِما تَحتَ أفلاكِها عَلَى أنْ أعصِيَ اللهَ فِي نَملَةٍ أسْلُبُها جُلْبَ (خَلْمَةَ) شَعيرَةٍ ما فَعَلْتُ؛[2] به خدا سوگند! اگر هفت اقلیم را با آن‌چه در زیر آن‌هاست (کنایه از آن‌چه در دنیاست) به من بدهند تا خدا را نافرمانی کنم و پوست جوی را از مورچه‌ای به ناروا بگیرم، چنین نخواهم کرد.

رفاه گستری

۵۰۰-۲۰ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَا أصبَحَ بِالكُوفَةِ أحَدٌ إلّا نَاعِماً، إنَّ أدنَاهُم مَنزِلَةً لَيَأكُلُ البُرَّ وَ يَجلِسُ فِي الظِّلِّ وَ يَشرَبُ مِن ماءِ الفُراتِ؛[3] هیچ‌کسی در کوفه صبح نمی‌کند؛ مگر این‌که در نعمت (ورفاه) است. کم‌ترین آنان از نظر سطح زندگی نان گندم می‌خورد و در سایه می‌نشیند و از آب فرات (گوارا) می‌نوشد.

---

۱. **نهج‌البلاغة**، نامه ۵۳.
۲. همان، خطبه ۲۲۴.
۳. **بحارالأنوار**، ج ۴۰، ص ۳۲۷ به نقل از مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۹۹.

حقوق متقابل دولت و ملت

۵۰۱-۲۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

إذا اَدَّتِ الرَّعیَّـــةُ اِلَی الوَالی حَقَّهُ و اَدَّی الـــوَالِی اِلَیها حَقَّها، عَزَّ الحقُّ بَینَهُم و قَامَت مَناهِـــجُ الدّینِ واعتَدَلَتْ مَعالِمُ العَدلِ؛[1] وقتی مردم حق حاکم را به جای آورند و حاکم حق مردم را ادا کند، حق میان آن‌ها عزیز می‌شـــود و شیوه‌های دین‌داری پدیدار می‌گردد و نشانه‌های عدالت پابرجا می‌شود.

آسیب ترک حقوق متقابل

۵۰۲-۲۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اِذا غَلَبَـــتِ الرَّعیّةُ والِیَها أَواَجْحَفَ الوالِیُ بِرَعِیَّتِهِ اِختَلَفَتْ هُنالِكَ الكَلِمَةُ و ظَهَرَتْ مَعالِمُ الجَورِ و كَثُرَ الإدْغالُ فی الدّینِ؛[2] وقتی مردم بر حاکم چیره شوند و حاکم به مردم ظلم کند، نظام جامعه (وحدت کلمه) به هم می‌خورد و نشانه‌های ستم آشکار و نیرنگ بازی در دین فراوان می‌شود.

مساوات مردم و حاکمان

۵۰۳-۲۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام به طلحه و زبیر فرمود:

لاَ أَسْـــتَأثِرُ عَلَیكُما وَ لاَ عَلی عَبْدٍ حَبَشیٍّ مُجَدَّعٍ بِدِرهَمٍ فَما دُونَهُ لا اَنا وَلاَ وَلَدایَ هَذَانِ؛[3] نه خودم و نه فرزندانم حســـن و حسین را بر شما و بندهٔ حبشیِ بینی‌بریده، در مورد یک درهم یا کمتر، برتری نخواهم داد.

---

۱. **نهج‌البلاغة**، خطبه ۲۱۶.
۲. همان.
۳. **شرح نهج‌البلاغة**، ابن ابی‌الحدید، ج۷، ص۴۱-۴۲.

مساوات مردم در حقوق

۵۰۴-۲۴ امام صادق علیه‌السلام:

أهلُ الإسلامِ هُمْ اَبناءُ الإسلامِ اُسَوِّی بَینَهُم فِی العَطاءِ و فَضائِلُهُم بَینَهُمْ وَ بَینَ اللهِ؛[1]

اهل اسلام فرزندان اسلام هستند. من در دادن (بیت‌المال) بین آن‌ها تساوی را رعایت می‌کنم و فضائل آن‌ها مربوط به خودشان و خداست.

حفظ حریم خصوصی

۵۰۵-۲۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

فَاِنَّ فِی النَّاسِ عُیوباً الوَالِی اَحَقُّ مَن سَتَرها فَلاتَکشِفَنَّ عَمّا غَابَ عَنكَ مِنها فَاِنَّما علیكَ تَطْهیرُ ما ظَهَرَ لَكَ وَاللهُ یَحكُمُ عَلَی مَا غَابَ عَنْكَ؛[2] مردم عیوبی دارند که حاکم برای پوشاندن آن از همه سزاوارتر است. هرگز در پی کشف عیوبی که از تو پوشیده است، مباش. وظیفه تو تنها اصلاح اموری است که آشکار است و درباره آن‌چه بر تو مخفی است، خداوند حکم خواهد کرد.

حکومت و حوزه اقتصادی

۵۰۶-۲۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

(اِنَّ رَسُولَ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله) مَرَّ بِالمُحتَکِرِینَ فَأمَرَ بِحُکرَتِهِم أن تُخرَجَ إلی بُطُونِ الأسواقِ وَ حَیثُ تَنظُرُ الأبصارُ إلَیها؛[3] رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از کنار محتکران گذشت و دستور داد اموال احتکار شده را به صحن بازارها بیاورند، به گونه‌ای که در معرض دید باشد.

---

۱. **تهذیب‌الأحکام**، ج۶، ص۱۴۶؛ **وسائل‌الشیعة**، ج۱۱، ص۸۱.
۲. **نهج‌البلاغة**، نامه ۵۳.
۳. **تهذیب‌الأحکام**، ج۷، ص۱۹۱.

حکومت و حوزه قضایی

۵۰۷-۲۷ امام باقر علیه‌السلام:

قَضی أمیرُالمُؤمِنینَ علیه‌السلام اَنَّ ما أخطَأَتِ القُضاةُ فی دَمٍ اَو قَطْعٍ فَهُوَ عَلی بَیتِ مالِ المُسلِمینَ؛[1] امیر مؤمنان علیه‌السلام دستور داد که آن‌چه قضات در خون یا قطع عضو خطا می‌کنند، بر عهده بیت‌المال مسلمانان باشد.

سهل انگاری، آسیب حکومت داری

۵۰۸-۲۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

لا یُقیمُ اَمرُ اللهِ سُبحانَهُ إلّا مَنْ لایُصانِعُ وَلایُضارِعُ وَ لایَتَّبِعُ المَطامِعُ؛[2] فرمان خدا را تنها کسی می‌تواند برپا دارد که سازشکار نباشد (یا از کسی رشوه نگیرد) و به روش اهل باطل عمل نکند و در پی آزمندی‌ها نرود.

عوامل ناپایداری حکومت

۵۰۹-۲۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

یُستَدَلُّ عَلی إدبارِ الدُّوَلِ بِاَربَعٍ: تَضییعِ الأُصُوْلِ، والتَّمسُّكِ بِالفُروعِ، وتَقدیمِ الأراذِلِ و تَأخیرِ الأفاضِلِ؛[3] با چهار چیز به انحطاط دولت‌ها استدلال می‌شود؛ ضایع کردن اصول و مشغول بودن به فروع و مقدم کردن افراد فرومایه و کنار زدن اشخاص با فضیلت.

نگاه به قدرت

۵۱۰-۳۰ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام به اشعث بن قیس فرمود:

اِنَّ عَمَلَكَ لَیْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ و لَكِنَّهُ فِی عُنُقِكَ اَمانَةٌ وَاَنتَ مُسْتَرْعیً لِمَنْ فَوقَكَ؛[4]

---

۱. **وسائل الشیعة**، ج۲۷، ص۲۲۶.
۲. **نهج البلاغة**، حکمت ۱۲۰.
۳. **غرر الحکم**، ص۸۶۴.
۴. **نهج البلاغة**، نامه ۵

همانا پُست (فرمانداری) برای تو طعمه نیست؛ بلکه امانتی در گردنت است و تو باید از بالادست خویش اطاعت کنی.

رضایت عمومی

۵۱۱-۳۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

وَلْيَكُنْ اَحَبَّ الأُمُورِ اِلَيكَ أَوسَطُها فِي الحَقِّ وَ اَعَمُّها فِي العَدلِ وَاَجْمَعُها لِرِضَى الرَّعيّةِ؛[1] باید دوست‌داشتنی‌ترین کارها نزد تو موافق‌ترین آن‌ها با حق و فراگیرترین آن‌ها در عدالت و جامع‌ترین آن‌ها برای رضایت مردم باشد.

همدردی با مردم

۵۱۲-۳۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

أَ أَقنَعُ مِن نَفسي بِاَنْ يُقالَ هذا أميرُالمؤمنينَ وَلا اُشارِكَهُم فِي مَكارِهِ الدَّهرِ اَوْ اَكُونَ أسوةً لَهُم فِي جُشُوبَةِ العَيْشِ؛[2] آیا به همین رضایت دهم که به من امیرمومنان بگویند، ولی در تلخی‌های روزگار با مردم شریک نباشم و در سختی‌های زندگی الگوی آنان نباشم.

التزام حاکمان به قانون

۵۱۳-۳۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

أيُّهَا النّاسُ! اِنّي وَاللهِ! ما اَحُثُّكُمْ عَلى طَاعَةٍ إلّا وَاَسبِقُكُم اِلَيها وَ لا انَهاكُم عَن مَعصِيَةٍ اِلّا وَ اَتَناهَى قَبلَكُمْ عَنها؛[3] ای مردم سوگند به خدا! شما را بر هیچ اطاعتی فرا نمی‌خوانم، مگر این‌که خودم قبلاً آن را انجام می‌دهم، و از هیچ نافرمانی نهی نمی‌کنم، مگر آن‌که پیش از شما خودم آن را ترک می‌کنم.

---

۱. همان، نامه ۵۳.
۲. همان، نامه ۴۵.
۳. همان، خطبه ۱۷۵.

مهربانی و مردم‌داری

۵۱۴-۳۴ امام کاظم علیه‌السلام:

إنَّ السُّلطانَ العادِلَ بِمَنْزَلَةِ الوالِدِ الرَّحيمِ؛[۱] رهبر عادل همانند پدر مهربان است.

گزینش کارگزاران

۵۱۵-۳۵ یکی از یاران پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از او خواست که پستی به او واگذارد، فرمود:

اِنّكَ ضعيفٌ و اِنَّها اَمانَـةٌ و اِنَّها يَوْمَ القيامةِ خِزْيٌ وَنَدامةٌ اِلّا مَن اَخَذَها بِحَقِّها وَ اَدَّى الّذى عَلَيهِ فيها؛[۲] تو ضعیف هستی و این پست امانت است و روز قیامت سبب شرمندگی و پشیمانی می‌شود، مگر کسی که آن را به حق بگیرد و مسئولیّتش را به خوبی انجام دهد.

شایسته سالاری در مدیریتها

۵۱۶-۳۶ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مَـن اَمَّ قَوماً وَفيهِمْ مَنْ هُوَ اَعلَمُ مِنْهُ لَمْ يَزَلْ أَمْرُهُم اِلى السَّـفالِ إلى يَومِ القِيامَةِ؛[۳] هرکس پیش رو گروهی شود، با این‌که در میان آن‌ها داناتر از او هست، کار آن‌ها تا قیامت همواره رو به خرابی خواهد رفت.

گزینش در حوزه قضاوت

۵۱۷-۳۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام به مالک اشتر فرمود:

اِختَرْ لِلْحُكْمِ بَينَ النّاسِ اَفضَلَ رَعِيَّتِكَ فِى نَفسِكَ مِمَّن لاتَضيقُ بِهِ الأُمُورُ... مِمَّنْ لايَزدَهيهِ اِطْراءٌ ولايَستميلُهُ اِغرَاءٌ؛[۴] از میان مردم خود، برترین آن‌ها را برای قضاوت گزینش

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۷۲، ص۳۶۹.
۲. **صحیح مسلم**، ج۲، ص۶.
۳. **وسائل الشیعة**، ج۸، ص۳۴۶؛ **تهذیب الأحکام**، ج۳، ص۵۶.
۴. **نهج البلاغة**، نامه ۵۳.

کن. باید از کســانی باشند که مراجعات مردم آن‌ها، را در تنگنا قرار ندهد... از کسانی باشند که ستایش مداحان آنان را فریب ندهد و تمجید بسیار آن‌ها او را به سوی ستایشگر متمایل نسازد.

فسادزدایی با رفاه کارمندان

۵۱۸-۳۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَسْبِغْ عَلَيهِمُ الأرزاقَ فَاِنَّ ذلكَ قُوَّةٌ لَهُم عَلَى اِستِصلاحِ أنْفُسِهِم و غِنىً لَهُم عَن تَناوُلِ ما تَحتَ اَيديهِمْ وَحُجَّةٌ عَلَيْهِمْ اِنْ خَالَفُوا اَمْرَك اَو ثَلَمُوا اَمانَتَكَ؛[1] روزیِ کافی و وافی برای آنان (کارگزاران) ارزانی دار؛ چون با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشــتر می‌کوشــند و با بی‌نیازی دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند و اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند، اتمام حجّتی بر آنان است.

نظارت بر کارگزاران

۵۱۹-۳۹ امام رضا علیه‌السلام:

كانَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله اذا وَجَّهَ جَيشاً فَأَمَّهُم أميرٌ، بَعَثَ مَعَهُم مِن ثِقاتِهِ مَن يَتَجَسَّسُ لَهُ خَبَرَهُ؛[2] رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله هرگاه سپاهی را به جایی روانه میکرد، فردی از افراد مورد اطمینانش را برمی‌گزید تا خبرهای آن امیر را برایش بیاورد.

نظام پاسخگویی

۵۲۰-۴۰ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام به استاندارش در مکه فرمود:

وَلايَكُن لَكَ اِلى النّاسِ سَــفيرٌ إلّا لِســانَكَ وَ لاحاجِبٌ إلّا وَجهَكَ وَ لاتَحْجُبَنَّ ذا حَاجَةٍ عَنْ لِقائِكَ بِها فَاِنَّها اِن ذِيدَتْ عَنْ أبْوابِكَ فِي... أوَّلِ وِردِها لم تُحمَدْ فيما بَعدُ عَلى

---

۱. **نهج‌البلاغة**، نامه ۵۳.

۲. **بحارالأنوار**، ج۹۷، ص۶۱.

قَضائِها؛[1] از طرف تو برای مردم فرستاده‌ای جز زبانت نباشد و بین تو و مردم فاصله و پرده‌ای جز چهره‌ات قرار مده و هیچ نیازمندی را از دیدارت محروم نکن؛ زیرا اگر در آغاز از ورود بر تو منع شود، پس از آن که نیازش برآورده گردد، تو سزاوار سپاس‌گزاری نخواهی بود.

۱. **نهج‌البلاغة**، نامه ۶۷.

چهل حدیث حلال و حرام

سید اباصالح کشفی

از آن‌جا که خداوند، برای بندگان خود بهترین برنامه زندگی را به نام «دین» قرار داده و بایســـته‌ها و نبایسته‌ها را با عنوان «حلال» و «حرام» مشخص ساخته است، شناخت حلال‌ها و حرام‌های الهی ضروری است و مراعات آن‌ها، بنده را به خدا نزدیک‌تر می‌کند.

قلمرو حلال و حرام، همه زندگی ما انسان‌هاســـت و گفتار و کردار و اعمال فردی و اجتماعی و جنبه‌های مادی و اخلاقی و روابط و مســـائل اقتصادی و معیشتی را شامل می‌شـــود. هرچند بیشتر ذهن انسان سراغ رزق و درآمد و جنبه‌های اقتصادی و معیشتی می‌رود.

کسب و درآمد حلال، هرچند دشوار است، لیکن هم عبادت است، هم تضمین‌کننده سعادت اخروی و بهشت برین است. درآمدهای حرام، هرچند شخص را ثروتمند کند و او را به رفاه و لذّت برساند، ولی در آخرت، او را گرفتار عذاب الهی می‌سازد.

خوشـــا بنده‌ای که مرزهای حلال و حرام را بشناسد و زندگی را بر مدار رضای الهی قرار دهد.

دستاورد حلال

۵۲۱-۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

طَلَبُ الحَلالِ فَریضَةٌ عَلی کُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ؛[۱] به دست آوردن حلال بر هر زن و مرد مسلمان واجب است.

پاکیزه‌ترین کسب

۵۲۲-۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اَطْیَبُ الْکَسْبِ عَمَلُ الرَّجُلِ بِیَدِهِ وَ کُلُّ بَیْعٍ مَبْرُورٍ؛[۲] پاکیزه‌ترین کسب، کار مرد با دستان خودش و هر معامله پاکی است.

درآمد حلال

۵۲۳-۳ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

مِنْ تَوْفیقِ الحُرِّ اِکْتِسابُهُ المالَ مِنْ حِلِّهِ؛[۳] از توفیق مرد آزاده آن است که از راه حلال، مال را به دست آورد.

پاک‌ترین مال

۵۲۴-۴ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

اَزْکَی المالِ مَا اکْتُسِبَ مِنْ حِلِّهِ؛[۴] پاکیزه‌ترین مال آن است که از راه حلال به دست آید.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۱۰۳، ص۹.
۲. **کنز العمال**، ج۴، ص۴.
۳. **شرح غررالحکم**، ج۶، ص۳۶.
۴. همان، ج۲، ص۳۹۱.

در پی روزی حلال

۵-۵۲۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

عَلَیْكَ بِلُزُومِ الحَلالِ وَ حُسْنِ البِرِّ بِالْعِیالِ وَ ذِكْرِ اللهِ فی كُلِّ حالٍ؛[1] بر تو باد کسب حلال و نیک رفتاری با خانواده و یاد خدا در هر حال.

مال حلال پشتوانه زندگی

۶-۵۲۶ امام صادق علیه‌السلام:

لاخَیْرَ فیمَنْ لایُحِبُّ جَمعَ المالِ مِنْ حَلالٍ یَكُفُّ بِهِ وَجْهَهُ وَ یَقْضی بِهِ دَیْنَهُ وَ یَصِلُ بِهِ رَحِمَهُ؛[2] خیری نیست در کسی که فراهم آوردن مال را از راه حلال دوست ندارد، تا با آن آبروی خود را نگه دارد و بدهی خود را بپردازد و به خویشان خود رسیدگی کند.

دستاورد حلال

۷-۵۲۷ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مَنْ اَكَلَ مِنْ كَدِّ یَدِهِ حَلالاً فُتِحَ لَهُ اَبْوابُ الجَنَّةِ یَدْخُلُ مِنْ اَیِّها شاءَ؛[3] هرکس از دسترنج حلال خود بخورد (در روز قیامت) درهای بهشت برایش گشوده شود تا از هر دری خواست وارد شود.

رزق حلال

۸-۵۲۸ امام صادق علیه‌السلام:

اِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَ الخَلْقَ وَ خَلَقَ مَعَهُمْ اَرزاقَهُمْ حَلالاً فَمَنْ تَناوَلَ شَیْئاً مِنها

---

۱. همان، ج۴، ص۲۹۴.
۲. **وسائل الشیعة**، ج۱۲، ص۱۹.
۳. **بحارالأنوار**، ج۱۰۳، ص۱۰.

حَراماً قُصَّ بِهِ مِنْ ذلِكَ الحَلالِ؛[1] همانا خداوند عزّوجلّ آفریدگان را آفرید و روزی حلالشان را با آنان بیافرید؛ پس کسی که از حرام بهره گرفت، به همان مقدار از روزی حلال خود کاست.

پرهیز از حرام خوری

۵۲۹-۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنِ اقْتَصَرَ مِنَ الدُّنیا عَلی ما اَحَلَّ اللّهُ لَهُ سَلِمَ وَ مَنْ تَناوَلَها مِن غَیرِ حِلِّها هَلَكَ إلّا أَنْ یَتُوبَ وَ یُراجِعَ؛[2] کسی که از دنیا بر آن‌چه خداوند حلال کرده، بسنده کند، سالم می‌ماند (و نجات پیدا می‌کند) و آن‌که از راه غیر حلال دنیا اســتفاده کند، هلاک می‌گردد، مگر این‌که توبه کرده و برگردد.

روش اولیای الهی

۵۳۰-۱۰ امام رضا علیه السلام به علی بن ابی‌حمزه فرمود:

یا عَلِیُّ! قَدْ عَمِلَ بِالْیَدِ مَنْ هُوَ خیرٌ مِنّی وَ مِنْ اَبی فی اَرْضِهِ. فَقُلْتُ: «وَ مَنْ هُوَ؟» قالَ: «رَسُــولُ اللّهِ وَ اَمیرُالمُؤمِنینَ وَ آبائی علیهم السلام کُلُّهُم کانُوا قَــدْ عَمِلُوا بِاَیْدیهِمْ وَ هُو مِنْ عَمَلِ النَّبیّین و المُرسلینَ وَ الأوصیاءِ و الصَّالِحینَ»؛[3] «ای علی! کسی که از من و پدرم بهتر است، به دست خود کار می‌کرد». گفتم: «چه کسی از تو و پدرت بهتر است؟» فرمود: «پیامبر خدا و امیرمؤمنان و پدرانم علیهم السلام همگی از دستاورد خود زندگی می‌کردند و این روش همه انبیاء و رسولان و جانشینان آن‌ها و شایستگان بوده است».

---

۱. **وسائل‌الشیعة**، ج۱۲، ص۲۸.
۲. همان، ص۲۱.
۳. همان، ص۲۳.

بهترین غذا

۵۳۱-۱۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

ما اَکَلَ اَحَدٌ طَعاماً قَطُّ خَیْراً مِنْ اَنْ یَأکُلَ مِنْ عَمَلِ یَدِهِ؛[1] هیچ‌کس هرگز غذایی بهتر از آن که حاصل دستانش باشد، نخورده است.

آثار حلال خوری

۵۳۲-۱۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنْ اَکَلَ الحَلالَ اَرْبَعینَ یَوْماً نَوَّرَ اللهُ قَلْبَهُ؛[2] کسی که چهل روز غذای حلال بخورد، خداوند دلش را نورانی کند.

آزمایش مالی

۵۳۳-۱۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اِنَّ الْقَوْمَ سَیُفْتَنُونَ بِاَمْوالِهِمْ وَ یَمُنُّونَ بِدینِهِمْ عَلی رَبِّهِمْ وَ یَتَمَنَّونَ رَحْمَتَهُ، وَ یَأمَنُونَ سَطْوَتَهُ وَ یَسْتَحِلُّونَ حَرامَهُ بِالشُّبُهاتِ الکاذِبَةِ وَ الأهْواءِ السّاهِیَةِ فَیَسْتَحِلُّونَ الخَمْرَ بِالنَّبیذِ وَ السُّحْتَ بِالهَدِیَّةِ وَ الرِّبا بِالبَیْعِ؛[3] به زودی مردم با مال‌هایشان آزموده می‌شوند و به سبب آن‌که دین اسلام را پذیرفته‌اند، بر پروردگارشان منّت می‌نهند و در عین حال آرزومند رحمت اویند و از خشم او احساس ایمنی می‌کنند؛ حرام او را با شبهه‌های دروغین و خواسته‌های غفلت‌آور، و شراب را به نام «نبیذ»، و رشوه را به نام «هدیه»، و ربا را به نام «بیع» حلال می‌شمارند.

---

۱. **کنز العمال**، ج۴، ص۸.
۲. **بحارالأنوار**، ج۱۰۳، ص۱۶.
۳. همان، ج۳۲، ص۲۴۱.

دنیا پشتوانه دین

۵۳۴-۱۴ امام صادق علیه‌السلام:

لاتَــدَعْ طَلَبَ الرِّزْقِ مِنْ حِلِّهِ، فَإِنَّه عَوْنٌ لَــكَ عَلى دِينِكَ؛[۱] طلب روزی حلال را رها مکن؛ چرا که چنین درآمدی، کمک‌کار تو بر دین‌داری توست.

درحرام، شفا نیست

۵۳۵-۱۵ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اِنَّ اللهَ تَعالى لَمْ يَجْعَلْ شِفاءَكُمْ فيما حَرَّمَ عَلَيْكُمْ؛[۲] خداوند متعال شفای شما را در آن‌چه بر شما حرام کرده، ننهاده است.

لقمه حرام

۵۳۶-۱۶ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مَــنْ اَكَلَ لُقْمَةً مِنْ حَرامٍ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلاةٌ اَرْبَعينَ لَيْلَةً؛[۳] کســی که لقمه‌ای از حرام بخورد، چهل شبانه‌روز نمازش قبول نمی‌شود.

محرومیّت از بهشت

۵۳۷-۱۷ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ حَرَّمَ الجَنَّةَ جَسَداً غُذِّيَ بِحَرامٍ؛[۴] همانا خداوند عزّوجلّ بهشت را برای بدنی که با خوراک حرام رشد کرده باشد، حرام کرده است.

---

۱. **وسائل‌الشیعة**، ج۱۲، ص۲۰.
۲. **کنز العمال**، ج۱۰، ص۵۲.
۳. همان، ج۴، ص۱۵.
۴. همان، ص۱۴.

مهمان ناخوانده

۵۳۸-۱۸ امام صادق علیه‌السلام:

مَنْ اَکَلَ طَعاما لَمْ یُدْعَ اِلَیهِ فَاِنَّما اَکَلَ قِطْعَةً مِنَ النّارِ؛[۱] هرکس از غذایی بدون دعوت بخورد، همانا پاره‌ای از آتش خورده است.

غذای فاسقان

۵۳۹-۱۹ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

یا اَباذَرٍّ... لاتَأْکُلْ طَعامَ الفاسِقینَ؛[۲] ای ابوذر!... غذای فاسقان را نخور.

مال خمس نداده

۵۴۰-۲۰ امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف:

لایَحِلُّ لِاَحَدٍ اَنْ یَتَصَرَّفَ فی مالِ غَیْرِهِ بِغَیرِ اِذْنِهِ فَکَیْفَ یَحِلُّ ذلِكَ فی مالِنا؛[۳] برای هیچ‌کس تصرف در مال دیگری بدون اجازه او، حلال نیست؛ پس چگونه تصرف در مال ما (بدون رضایت ما) حلال است؟

حق اللّه

۵۴۱-۲۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

شَرُّ الاَمْوالِ مالَمْ یُخْرَجْ مِنْهُ حَقُّ اللهِ سُبْحانَهُ؛[۴] بدترین مال، مالیاست که حق خداوند سبحان از آن جدانشده باشد.

---

۱. **وسائل‌الشیعة**، ج۱۶، ص۴۰۲.
۲. همان، ص۴۲۶.
۳. همان، ص۴۰۲.
۴. **شرح غرر الحکم**، ج۴، ص۱۷۱.

حق الهی

۵۴۲-۲۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اِنَّ لِلّٰهِ فی کُلِّ نِعْمَةٍ حَقّاً فَمَنْ اَدّاهُ زادَهُ مِنها وَ مَنْ قَصَّرَ فِیهِ خاطَرَ بِزَوالِ نِعْمَتِهِ؛[1] خدا را در هر نعمتی حقی است؛ هرکس آن حق را ادا کند، خدا نعمت را بر او افزون کند و آن که در آن کوتاهی روا دارد، خود را در خطر از دست دادن نعمت قرار داده است.

آموختن حلال و حرام

۵۴۳-۲۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

لَیتَ السِّیاطَ عَلی رُؤوسِ أصحابي حَتّی یَتَفَقَّهوا فِي الحَلالِ و الحَرام؛[2] کاش بالای سر اصحابم تازیانه بود تا در احکام حلال و حرام دانا شوند.

احتکار

۵۴۴-۲۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلاِحْتِکارُ شیمَةُ الفُجّارِ؛[3] احتکار، خوی گناهکاران است.

ساخت و ساز حرام

۵۴۵-۲۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلْحَجَرُ الغَصْبیُ فی الدّارِ رَهْنٌ عَلی خَرابِها؛[4] سنگ غصبی در خانه، موجب خرابی و ویرانی آن خانه است.

---

۱. **نهج‌البلاغة**، حکمت ۲۴۴.
۲. **المحاسن**، ج۱، ص۳۵۸.
۳. همان، ص۱۶۰.
۴. **نهج‌البلاغة**، حکمت ۲۴۰.

خانه سازی از حرام

۵۴۶-۲۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اِتَّقُوا الْبُنْيانَ فِي الحَرامِ فَاِنَّهُ اَساسُ الْخَرابِ؛[۱] از ساختمان‌سازی بر پایه حرام بپرهیزید، چراکه حرام، اساس ویرانی است.

پول حلال در آخر الزمان

۵۴۷-۲۷ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اَقَلُّ ما يَكُونُ فی آخِرِ الزَّمانِ اَخٌ يُوثَقُ بِهِ اَوْ دِرْهَمٌ مِنْ حَلالٍ؛[۲] کمترین چیزی که در آخر الزّمان یافت می‌شود، دوستی مطمئن یا درهمی حلال است.

مال یتیم

۵۴۸-۲۸ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

شَرُّ الْمَآكِلِ اَكْلُ مالِ اليَتيمِ ظُلْما؛[۳] بدترین خوردني‌ها، خوردن مال یتیم از روی ستم است.

بهای چیزهای حرام

۵۴۹-۲۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اِذا حَرَّمَ اللّهُ شَيئا حَرَّمَ ثَمَنَهُ؛[۴] خداوند اگر چیزی را حرام کند، بهایش را نیز حرام گرداند.

---

۱. **مستدرک‌الوسائل**، ج۳، ص۴۷۳.
۲. **بحارالأنوار**، ج۷۴، ص۱۵۷.
۳. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۴، ص۳۷۷.
۴. **بحارالأنوار**، ج۱۰۰، ص۵۵.

حسرت حرام اندوزان

۵۵۰-۳۰ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اِنَّ اَعْظَمَ الْحَسَراتِ یَوْمَ القِیامَةِ حَسْرَةُ رَجُلٍ کَسَبَ مالاً فی غَیْرِ طاعَةِ اللهِ، فَوَرِثَهُ رَجُلٌ فَاَنْفَقَهُ فی طاعَةِ اللهِ سُبْحانَهُ فَدَخَلَ بِهِ الْجَنَّةَ وَ دَخَلَ الاَوَّلُ بِهِ النّارَ؛[1] بزرگ‌ترین دریغها در روز رستاخیز، دریغ مردی است که مالی را از راه غیر طاعت خدا به دست آورد، پس مردی آن را به ارث برد و در طاعت خدای سبحان انفاق کند. او بدان انفاق به بهشت می‌رود و شخص نخست به سبب آن به دوزخ می‌رود.

اموال نکوهیده

۵۵۱-۳۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

شَرُّ الاَمْوالِ ما اَکْسَبَ المَذامَّ؛[2] بدترین مال؛ مالی است که نکوهش‌ها را در پی داشته باشد.

حلال و حرام در دنیا

۵۵۲-۳۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

ما اَصِفُ مِن دارٍ اَوَّلُها عَناءٌ وَ آخِرُها فَناءٌ فی حَلالِها حِسابٌ وَ فی حَرامِها عِقابٌ. مَنْ اِسْتَغنی فیها فُتِنَ وَ مَنْ اِفْتَقَرَ فیها حَزِنَ؛[3] چه گویم از دنیایی که سر آغازش رنج است و سرانجامش فنا و نابودی، در حلالش حساب است و در حرامش عقاب، هرکس در آن بی‌نیاز شود گرفتار فتنه می‌شود و هرکس نیازمند شود، محزون می‌گردد.

---

۱. **نهج‌البلاغة**، حکمت ۴۲۹.
۲. **شرح غرر الحکم**، ج۴، ص۱۶۳.
۳. **نهج‌البلاغة**، خطبه ۸۲.

هدیه حرام

۵۵۳-۳۳ امام رضا علیه‌السلام در ذیل آیه ﴿أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ﴾[۱] نقل کرده‌اند که امام علی علیه‌السلام فرمود:

هُوَ الرَّجُلُ يَقْضِي لِأَخِيهِ حاجَتَهُ ثُمَّ يَقْبَلُ هَدِيَّتَهُ؛[۲] مقصود، شخصی است که حاجت برادر مسلمانش را برآورد، سپس (در مقابل این کار) هدیه او را می‌پذیرد.

رباخواری

۵۵۴-۳۴ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

آكِلُ الرِّبا وَ مُوكِلُهُ وَ كاتِبُهُ وَ شاهِداهُ فِي الْوِزْرِ سَواءٌ؛[۳] گناه رباخوار و ربادهنده و نویسندهٔ قرارداد آن و دو شاهدش برابر است.

ربا و زنا

۵۵۵-۳۵ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

إِذا ظَهَرَ الزِّنا وَ الرِّبا فِي قَرْيَةٍ فَقَدْ أَحَلُّوا بِأَنْفُسِهِمْ عَذابَ اللهِ؛[۴] چون زنا و ربا در یک آبادی آشکار و فراوان شود، خود را به عذاب الهی گرفتار کرده‌اند.

ربا، بدترین درآمد

۵۵۶-۳۶ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

شَرُّ المَكاسِبِ كَسْبُ الرِّبَا؛[۵] بدترین دستاوردها، کسب رباست.

---

۱. مائده/۴۲؛ «[آن‌ها] خورنده حرامند».
۲. **وسائل‌الشیعة**، ج۱۲، ص۶۴.
۳. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۳، ص۲۷۴.
۴. **کنز العمال**، ج۵، ص۳۱۴.
۵. **بحارالأنوار**، ج۱۰۰، ص۱۲۰.

ربا

۵۵۷-۳۷ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اَلرِّبـا وَ اِنْ کَثُرَ فَاِنَّ عاقِبَتَهُ تَصیرُ اِلی قُلٍّ؛[۱] درآمد ربا هرچند زیاد شود، سرانجام به کمبودی منجر می‌شود.

اجرت‌های حرام

۵۵۸-۳۸ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

یا عَلِیُّ! مِنَ السُّحْتِ: ثَمَنُ المَیتَةِ، وَ ثَمَنُ الکَلْبِ، وَ ثَمَنُ الخَمْرِ وَ مَهْرُ الزّانیةِ، وَ الرِّشْوَةُ فِی الحُکمِ وَ اَجْرُ الکاهِنِ؛[۲] ای علی! بهای مردار، سگ، شراب، مهریه زن زناکار، رشوه در قضاوت و مزد پیش‌گو و غیب‌گو حرام است.

رشوه

۵۵۹-۳۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

لَعْنَةُ اللهِ عَلَی الرّاشی وَ الْمُرتَشی؛[۳] لعنت خداوند بر رشوه‌گیرنده و رشوه‌دهنده.

ذخیره کردن مال حرام

۵۶۰-۴۰ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

مِنَ الشِّقاءِ اِحْتِقابُ الْحَرامِ؛[۴] جمع کردن (مال) حرام از بدبختی است.

---

۱. **کنز العمال**، ج۴، ص۱۰۵.
۲. **بحارالأنوار**، ج۷۷، ص۵۴.
۳. **کنز العمال**، ج۶، ص۱۱۳.
۴. **شرح غرر الحکم**، ج۶، ص۱۴.

چهل حدیث خانواده

جواد جلالی

نهاد خانواده، ارزشمندترین کانونی است که بر محور عاطفه و محبت و هم‌زیستی تشـکیل می‌شود. قوام آن با هم‌دلی و احترام به حقوق متقابل یک‌دیگر است و ثمره آن، تربیت نسلی با ایمان و شایسته.

اهتمام به امـوری که بنیان خانواده و روابط میان افراد خانه را مسـتحکم می‌کند و برنامه‌هایی که تربیت دینی و شایسـته فرزندان را در پی دارد، از تکالیف والدین است. نحوه برخورد مناسـب با فرزندان و تأمین نیازهای فکـری، عاطفی و تربیتی آنان نیز از وظایف دیگر است.

خوشـبختانه در متون حدیثی ما، رهنمودهای بسـیار ارزنده‌ای درباره امور خانه و خانواده و برخورد با همسـر و فرزندان وجود دارد که با کار بسـتن آن‌ها ضامن سعادت خانوادگی مسـلمان است و چه بهتر که مسلمان، به جای الگوگیری از شیوه‌های غربی در مسائل خانواده و تربیت، از الگوهای مکتبی و توصیه‌های امامان معصوم و اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام بهره بگیرد.

احترام به بزرگسالان

۵۶۱-۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

إذا أرادَ اللهُ بِأهلِ بَيتٍ خَيراً فَقَّهَهُمْ فِى الدِّينِ وَ وَقَّرَ صَغيرُهُم كبيرَهُم و رَزَقَهُمُ الرِّفقَ فِى مَعيشَتِهِمْ و القَصْدَ فِى نَفَقاتِهِم و بَصَّرَهُم عيوبَهُم فَيَتُوبُوا مِنها و إذا أَرادَ بِهِم غَيرَ ذلِكَ تَرَكَهُمْ هَملاً؛[1] اگر خداوند برای خانواده‌ای، خوبی بخواهد، آن‌ها را در کار دین دانا سازد و کوچک‌ترهایشان به بزرگ‌سالانشان احترام گزارند و میانه‌روی و اعتدال در معیشت و خرج را نصیب آن‌ها بکند و عیوبشان را به آن‌ها نشان دهد تا از آن‌ها برگردند و اگر غیر این را بخواهد آن‌ها را به حال خودشان واگذار کند.

مرد سعادتمند

۵۶۲-۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مِن سَعادَةِ المَرءِ المُسلِمِ؛ اَلزَّوجَةُ الصالحَةُ وَ المَسكَنُ الواسِعُ وَ المَركَبُ الهَنِيءُ و الوَلَدُ الصّالِحُ؛[2] از سعادت مرد مسلمان، داشتن این چند چیز است: همسر صالح و نیکوکار و خانه بزرگ و مرکب راهوار (وسیله نقلیه راحت) و فرزند صالح.

ادب و رفتار با خانواده

۵۶۳-۳ امام صادق علیه السلام:

اِنَّ المَرءَ يَحتاجُ فِى مَنزِلِهِ و عِيالِهِ إلى ثَلاثِ خِلالٍ يَتَكَلَّفُها وَ ان لَم يَكُن فِى طَبعِهِ

---

۱. **نهج‌الفصاحة**، ص۱۸۱.

۲. **مستدرک‌الوسائل**، ج۳، ص۴۵۱.

ذلكَ: مُعاشَرَةٌ جَميلَةٌ، وسَعَةٌ بِتَقديرٍ، و غَيرَةٌ بِتَحَصُّنٍ؛[1] مرد در خانه و خانواده به سه ویژگی نیاز دارد، که هر چند در او وجود نداشته باشد، باید بر خود تحمیل کند: ۱. معاشرت و برخورد زیبا ۲. گشاده‌دستی به اندازه ۳. غیرتی همراه با خویشتنداری.

برکت در خرج کردن

۵۶۴-۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

ما مِن عَبدٍ يَكسِبُ ثُمَّ يُنفِقُ عَلى عِيالِهِ إلّا اَعطاهُ اللهُ بِكُلِّ دِرهَمٍ يُنفِقُهُ عَلى عيالِهِ سَبعَمِائَةِ ضِعفٍ؛[2] هر بنده‌ای که از کسب حلال برای عیالش خرج کند، خداوند در مقابل هر درهمی، ۷۰۰ برابر به او خواهد بخشید.

آرزوی مرگ پدر

۵۶۵-۵ امام رضا علیه السلام:

يَنبَغي لِلرَّجُلِ اَنْ يُوَسِّعَ عَلى عِيالِهِ لِئَلّا يَتَمَنَّوا مَوتَهُ؛[3] خوب است که مرد بر زندگی خانوادهٔ خود توسعه دهد، تا آنان (به علت سخت‌گیری او و محرومیت خودشان) آرزوی مرگ او را ننمایند.

پاداش مرد صبور

۵۶۶-۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَن إحتَمَلَ مِن إمرأتِهِ وَ لَو كَلِمَةً واحِدَةً أعتَقَ اللهُ عَزَّوجَلَّ رَقَبَتَهُ مِن النّارِ و أَوجَبَ لَهُ الجَنَّةَ و كَتَبَ لَهُ مِأتَيْ أَلف حَسنَةً و مَحا عَنهُ مِاتَيْ أَلف سَيِئَةً و رَفَعَ لَهُ مِأتَيْ

---

۱. **تحف‌العقول**، ص۲۲۳.
۲. **مکارم‌الأخلاق**، ص۲۱۶.
۳. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۲، ص۶۸.

أَلف درجةً و كَتَبَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بِكُلِّ شَعرَةٍ عَلى بَدَنِهِ عِبادَةَ سَنَةٍ؛[1] هر کس بدی زنش را تحمل بکند، هرچند به اندازه یک کلمه (یک حرف بد)، خداوند عزّوجلّ او را از آتش جهنم خلاص می‌کند و بهشت را بر او واجب می‌کند و برایش ۲۰۰/۰۰۰ حسنه می‌نویسد و ۲۰۰/۰۰۰ گناه را پاک می‌کند و ۲۰۰/۰۰۰ درجه او را بالا می‌برد و برابر هر موی تنش، عبادت یک سال برایش بنویسد.

الگوی همسرداری

۵۶۷-۷ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

خَيرُكُم خَيرُكُم لِأَهلِهِ و أَنَا خَيرُكُم لِأَهْلي؛[2] بهترین شما، کسی است که با خانواده‌اش بهتر باشد و من با خانواده‌ام بهتر از شما هستم.

کتک ظالمانه

۵۶۸-۸ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَن ضَرَبَ إِمرَأَةً بِغَيرِ حَقٍّ فَأَنا خَصْمُهُ يَومَ القيامَةِ، لا تَضْرِبوا نِسائَكُم، فَمَن ضَرَبَها بِغَيرِ حَقٍّ فَقَد عَصَى اللهَ و رَسولَهُ؛[3] هر مردی که زن خود را به ناحق بزند، من در روز قیامت دشمن او هستم؛ زن‌هایتان را نزنید؛ هرکس بی‌تقصیر او را بزند، از خدا و رسولش سرپیچی کرده است.

پاداش بچه‌داری

۵۶۹-۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

إِذا حَمَلَتِ المَرأَةُ كانَت بِمَنزِلَةِ الصّائِمِ القائِمِ المُجاهِدِ بِنَفسِهِ و مالِهِ فِي سَبيلِ اللهِ فَإِذا وَضَعَتْ كانَ لَها مِنَ الأَجرِ ما لا تَدري ما هُوَ لِعِظَمِهِ فَإِذا أَرضَعَت كانَ لَها بِكُلِّ

---

۱. **مکارم‌الأخلاق**، ص۲۱۶.
۲. همان.
۳. **إرشاد القلوب**، ج۱، ص۱۷۵.

مِصَّةٍ كَعِدلِ عِتقِ مُحَرَّرٍ مِن وُلدِ إسماعيلَ فَإذا فَرَغَتْ مِن رِضاعِهِ ضَرَبَ مَلَكٌ عَلى جَنبِها إستَأنِفِي العَمَلَ فَقَد غُفِرَلَكِ؛[1] چون زنی آبستن شود، مقام روزه‌دار و شب‌زنده‌دار و مجاهد با جان و مالش در راه خدا دارد، و زمانی که می‌زاید، اجری دارد که کسی عظمت آن را نمی‌داند (به خاطر بزرگی اجرش) و چون طفل را شیر دهد به هر مکیدنی، ثواب آزاد کردن یک بنده از اولاد اسماعیل دارد، و وقتی که از شیردادن فارغ شد فرشته‌ای بر پهلویش می‌زند و می‌گوید کار خود را از سر بگیر که بخشیده شدی (یعنی مثل روز اول از گناهان پاک شدی).

مدت شیردهی

۵۷۰-۱۰ امام صادق علیه‌السلام:

اَلرِّضاعُ واحِدٌ و عِشرُونَ شَهْراً فَما نَقَصَ فَهُوَ جَورٌ عَلَى الصَّبِيِّ؛[2] مدت شیردادن ۲۱ ماه است پس هر چه کمتر باشد، ستم بر بچه است.

شوهرداری خوب

۵۷۱-۱۱ امام صادق علیه‌السلام:

جِهادُ المَرأَةِ حُسْنُ التَّبَعُّلِ؛[3] جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است.

صبوری، جهاد زن

۵۷۲-۱۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

جِهادُ المَرأَةِ اَن تَصبِرَ عَلَى ما تَرى مِن اَذَى زَوجِها وغَيرَتِهِ؛[4] جهاد کردن زن [در راه خدا] به این است که بر اذیت‌هایی که از شوهرش و غیرت او می‌بیند، صبر کند.

---

۱. **أمالی**، شیخ صدوق، ص۴۱۱.
۲. **الکافی**، ج۶، ص۴۰.
۳. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۳، ص۴۳۹.
۴. همان.

خشم شوهر

۵۷۳-۱۳ امام صادق علیه‌السلام:

اَیُّمـــا اِمْرَأَةٍ باتَتْ و زَوْجُها عَلَیها ســـاخِطٌ فی حَقٍّ، لَم تُقْبَلْ مِنها صَلاةٌ حَتّی یَرضَی عَنها؛[1] هر زنی که شـــب بخوابد، در حالی که شـــوهرش در مورد حقی که برگردن او دارد از او ناراضی باشد، هیچ نمازی از او پذیرفته نمی‌شود، مگر این که شوهرش از او راضی بشود.

عطرزدن برای نامحرم

۵۷۴-۱۴ امام صادق علیه‌السلام:

اَیُّما اِمرَأَةٍ تَطَیَّبَتْ لِغَیرِ زَوجِها لَم تُقبَلْ مِنها صَلاةٌ حَتّی تَغْتَسِلَ مِن طیبِها کَغُسْلِها مِن جِنابَتِها؛[2] هر زنی برای غیرشوهرش(نامحرمان) به خود عطر بزند، از او هیچ نمازی پذیرفته نمی‌شود، تا این‌که از آن عطر غسل (غسل توبه مستحبی) کند مانند غسل پس از جنابت.

بدزبانی با شوهر

۵۷۵-۱۵ امام صادق علیه‌السلام:

أَیُّما اِمرَأَةٍ قالَتْ لِزَوجِها: «ما رَأَیتُ قَطُّ مِن وَجهِكَ خَیراً» فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُها؛[3] هر زنی که به شوهرش بگوید: «هیچ خیری از تو ندیده‌ام»، نیکی‌های پروندهٔ اعمالش نابود می‌شود.

ثواب یک لیوان آب

۵۷۶-۱۶ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

ما مِن إمرأَةٍ تَســـقی زَوجَها شَربَةَ ماءٍ إلّا کانَ خیراً لَها مِن سَنَةٍ صیامٌ نَهارُها و قیامٌ لَیلُهـــا و بَنی اللهُ لَها بِکُلِّ شَربَةٍ تَســـقی زَوجَها مَدینةً فی الجَنَّةِ و غَفَرَتْ لَها سِـــتّینَ

---

۱. **الکافی**، ج۵، ص۵۰۷.
۲. همان.
۳. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۳، ص۴۴۰.

خَطيئَةً؛[1] هر زنی که همسرش را به جرعه آبی سیراب کند، بیشتر از ثواب عبادت یک سال نماز و روزه و شب‌زنده‌داری برایش باشد و برای هر شربت آبی که به شوهرش داده، خدا شهری در بهشت برای او بنا کند و شصت گناه او را بیامرزد.

حق پدر

۵۷۷-۱۷ امام کاظم علیه‌السلام:

سَئَلَ رَجُلٌ رَسولَ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله: «ما حَقُّ الوالِدِ عَلی وَلَدِهِ؟» قالَ: «لا يُسَمِّيهُ بِاسمِهِ، و لا يَمشي بَينَ يَدَيْهِ، و لا يَجلِسُ قَبلَهُ، و لا يَستَسِبَّ لَهُ»؛[2] فردی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله پرسید: «حق پدر بر فرزندش چیست؟» ایشان فرمودند: او را به نامش صدا نزد و جلوتر از او راه نرود و قبل از او ننشیند و باعث دشنام به او نشود (کاری نکند که مردم به پدرش دشنام دهند)».

اطاعت از پدر و مادر تا کجا؟

۵۷۸-۱۸ امام رضا علیه‌السلام:

بِرُّ الوالدَينِ واجِبٌ و إن كانا مُشرِكَينِ و لا طاعَةَ لَهُما فی مَعصِيَةِ الخالِقِ؛[3] نیکی به پدر و مادر واجب است هر چند آن دو، مشرک باشند؛ ولی در معصیت آفریدگار نباید از آن‌ها اطاعت شود.

پاداش گرفتن به این راحتی!

۵۷۹-۱۹ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

ما وَلَدٌ بارٌّ نَظَرَ إلی اَبَوَيْهِ بِرَحمَةٍ إلّا كانَ بِكُلِّ نَظْرَةٍ حِجَّةً مَبرُورةً. فقالوُا: «يا

---

۱. **إرشاد القلوب**، ج۱، ص۱۷۵.
۲. **الکافی**، ج۲، ص۱۵۹.
۳. **بحارالأنوار**، ج۷۱، ص۷۲.

رَسُولَ اللّٰهِ! وَ إِن نَظَرَ فی کُلِّ یَوْمٍ مِائَةَ نَظْرَةً ؟» قال: «نَعَمْ، اللّٰهُ اَکبَرُ و أَطیبُ»؛[1] هر فرزند نیکوکاری که به پدر و مادرش نگاه مهرآمیز بکند، به هر نگاهی پاداش حج مقبول برای اوست. عده‌ای گفتند: «ای رسول خدا! اگر در هر روز ۱۰۰ بار نگاه کند چه؟» ایشان فرمودند: «بله، خداوند بزرگ‌تر و پاک‌تر است».

نیکی به والدین پس از مرگشان

۵۸۰-۲۰ امام باقر علیه‌السلام:

اِنَّ العَبدَ لَیَکُونُ بارّاً بِوالِدَیْهِ فی حَیاتِهِما، ثُمَّ یَموتانِ فَلا یَقضِی عَنهُما دُیونَهُما و لا یَستَغفِرُ لَهُما فَیَکْتُبُهُ اللّٰهُ عاقّاً، و اِنَّهُ لَیَکُونُ عاقّاً لَهُما فی حَیاتِهِما غَیرَ بارٍّ بِهِما فَإِذا ماتا قَضی دَینَهُما وَ استَغفَرَ لَهُما فَیَکْتُبُهُ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ بارّاً؛[2] گاهی می‌شود که یک نفر در زمان حیات پدر و مادر به آن‌ها نیکی می‌کند، ولی پس از مرگشان بدهی آن‌ها را نمی‌پردازد و برایشان طلب بخشش نمی‌کند؛ پس خداوند او را عاق والدین به حساب می‌آورد، و گاهی یک نفر در زمان حیات آن دو، عاق والدین است و به آن‌ها نیکی نمی‌کند، ولی زمانی که مردند، بدهی آن‌ها را می‌پردازد و برایشان طلب بخشش می‌کند؛ پس خداوند او را نیکوکار به والدین به حساب می‌آورد.

چگونگی تربیت فرزند

۵۸۱-۲۱ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

أَدِّبُوا أَولادَکُم عَلی ثَلاثِ خِصالٍ: حُبِّ نَبِیِّکُم، وَ حُبِّ اَهْلِ بَیتِهِ، و قِراءَةِ القُرآنِ؛[3] فرزندانتان را بر سه ویژگی تربیت کنید: ۱. دوست داشتن پیامبرتان ۲. دوست داشتن اهل‌بیت پیامبرتان ۳. خواندن قرآن.

---

۱. همان، ج۱، ص۷۳.
۲. **الکافی**، ج۲، ص۱۶۳.
۳. **کنزل العمال**، ج۱۶، ص۴۵۶.

حق فرزند

۵۸۲-۲۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مِن حَقِّ الوَلَدِ عَلى والِدِهِ ثَلاثَةٌ: يُحَسِّنُ اِسْمَهُ، وَ يُعَلِّمُهُ الكِتابَةَ و يُزَوِّجُهُ إِذا بَلَغَ؛[1] از حقوق فرزند بر پدر این سه تاست: بر او نام نیک بگذارد و به او خواندن و نوشتن بیاموزد و زمانی که به سن بلوغ رسید، برایش همسر اختیار بکند.

به امر نماز

۵۸۳-۲۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مُروا صِبيانَكُم بِالصَّلاةِ إذا بَلَغُوا سَبْعاً وَ اضْرِبُوهُمْ عَلَيها إذا بَلَغُوا تِسعاً وَ فَرِّقُوا بَينَهُم فِي المَضاجِعِ إذا بَلَغُوا عَشْراً؛[2] زمانی که کودکانتان به ۷سالگی رسیدند، آن‌ها را به نماز خواندن امر کنید و آن‌گاه که به ۹سالگی رسیدند، نماز بر آن‌ها تثبیت کنید و در ۱۰سالگی محل خوابیدنشان را از یکدیگر جدا کنید.

مراحل تربیت فرزند

۵۸۴-۲۴ امام صادق علیه السلام:

اَلغُلامُ يَلعَبُ سَبعَ سِنينَ و يَتَعَلَّمُ الكِتابَ سَبعَ سنينَ و يَتَعَلَّمُ الحَلالَ و الحَرامَ سَبعَ سِنينَ؛[3] بچه، ۷ سال بازی می‌کند و ۷ سال خواندن‌ونوشتن یاد می‌گیرد و ۷ سال، حلال‌وحرام را می‌آموزد.

زمینه تربیت

۵۸۵-۲۵ امیر مؤمنان علی علیه السلام خطاب به امام حسن علیه السلام فرمود:

إِنَّما قَلبُ الحَدَثِ كَالأَرضِ الخالِيَةِ ما أُلقِيَ فيها مِنْ شَيءٍ قَبِلَتْهُ فَبادَرْتُكَ بِالأَدَبِ

---

۱. **مکارم‌الأخلاق**، ص۲۲۰.
۲. **مستدرک‌الوسائل**، ج۳، ص۱۹.
۳. **وسائل‌الشیعة**، ج۲۱، ص۴۷۴.

قَبْلَ أَنْ يَقْسُوَ قَلْبُكَ وَ يَشْتَغِلَ لُبُّكَ؛[1] قلب نوجوان مانند زمین خالی از بذر و گیاه است که هرچه در آن انداخته شود، می‌پذیرد (استعداد پذیرش را دارد)؛ پس من قبل از آن که قلبت سخت شود و ذهنت مشغول شود، اقدام به تربیت تو نمودم.

عدالت در رفتار

۵۸۶-۲۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اِعْدِلُوا بَينَ أَولادِكُم بِالنَّحلِ، كَما تُحِبُّونَ أَن يَعدِلُوا بَينَكُم فِى البِرِّ و اللُّطْفِ؛[2] در هدیه دادن به فرزندانتان عدالت را رعایت کنید؛ همان گونه که دوست دارید فرزندانتان در لطف و نیکی کردن به شما، بینتان به عدالت رفتار کنند.

دختر یا پسر؟

۵۸۷-۲۷ امام صادق علیه السلام:

اَلبَنُونَ نَعيمٌ و البَناتُ حَسَناتٌ و اللهُ يَسأَلُ عَنِ النَّعيمِ و يُثيبُ عَلَى الحَسَناتِ؛[3] پسران نعمت‌اند و دختران حسنه‌اند و خداوند در مورد نعمت‌ها از بندگانش سؤال می‌کند و در مقابل حسنات به ایشان پاداش می‌دهد.

رفتار کودکانه

۵۸۸-۲۸ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَن كانَ عِندَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصابَّ لَهُ؛[4] کسی که در نزدش کودکی هست، باید با او رفتار کودکانه در پیش بگیرد.

---

۱. **شرح نهج‌البلاغة**، ابن ابی‌الحدید، ج۱۶، ص۶۶.
۲. **نهج‌الفصاحة**، ص۲۲۰.
۳. **الکافی**، ج۶، ص۷.
۴. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۳، ص۴۸۳.

رابطهٔ خانوادگی

۵۸۹-۲۹ امام باقر علیه‌السلام:

صِلَةُ الاَرْحامِ تُزَكِّی الأَعمالَ و تَدفَعُ البَلوی و تُنْمِی الاَموالَ وَ تُنسِیءُ لَهُ فی عُمُرِهِ و تُوَسِّعُ فِی رِزقِهِ و تُحَبِّبُ فی اَهلِ بَیتِهِ فَلْیَتَّقِ اللهَ وَلْیَصِلْ رَحِمَهُ؛[1] صلهٔ رحم موجب پاکی اعمال و دفع بلاها و فراوانی اموال و زیادی عمر و وسعت رزق و محبوبیت در نزد خانواده می‌شود؛ پس باید از خدا ترسید و با خویشان ارتباط برقرار کرد.

علت قطع رحمت

۵۹۰-۳۰ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

لا یُجالِسُنا قاطِعُ رَحِمٍ فَإِنَّ الرَّحْمَةَ لا تَنْزِلُ عَلی قَومٍ فیهِمْ قاطِعُ رَحِمٍ؛[2] کسی که با خویشانش قطع ارتباط کرده است، با ما مجالست نکند؛ زیرا رحمت خداوند بر مردمی که چنین کسی در بینشان می‌باشد، نازل نمی‌شود.

تربیت شایسته

۵۹۱-۳۱ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اَکرِمُوا أَوْلادَکُم و أَحْسِنُوا آدابَهُم یُغفَرْ لَکُمْ؛[3] به فرزندان خود ارزش بنهید و نیکو تربیتشان بکنید، تا آمرزیده شوید.

آموزش عملی

۵۹۲-۳۲ امام صادق علیه‌السلام:

بَرُّوا آباءَکُم یَبَرُّکُمْ أَبناؤُکُمْ؛[4] به پدرانتان نیکی کنید، تا فرزندانتان هم به شما نیکی کنند.

---

۱. **الکافی**، ج۲، ص۱۵۲.
۲. **مستدرک‌الوسائل**، ج۹، ص۱۰۶.
۳. **مکارم‌الأخلاق**، ص۲۲۲.
۴. **بحارالأنوار**، ج۷۱، ص۶۶.

روش میزبانی

۵۹۳-۳۳ امام رضا علیه‌السلام:

دَعاهُ رَجُلٌ فَقالَ لَهُ عَلِيٌّ علیه‌السلام: «قَد اَجَبتُكَ عَلى أَنْ تَضْمِنَ لِي ثَلاثَ خِصالٍ». قالَ: «و ماهِيَ يا أَميرَالمؤمنينَ!؟» قالَ: «لا تُدخِلَ عَلَيَّ شَيئاً مِن خارِجٍ، و لا تَدَّخِرَ عَنّي شَيئاً فِي البَيتِ، وَ لا تَجُحِفَ بِالعيالِ»؛[1] فردی امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام را [به منزلش] دعوت کرد، ایشان فرمودند: «دعوتت را به سه شرط می‌پذیرم». آن مرد گفت: «آن شرط‌ها چیست ای امیر مؤمنان!؟» ایشان فرمودند: «۱. چیزی از خارج خانه تهیه نکنی ۲. چیزی از موجودی خانه‌ات از من پنهان نکنی ۳. به عیالت برای پذیرایی از من سخت نگیری».

گوش به فرمان صاحب‌خانه

۵۹۴-۳۴ امام باقر علیه‌السلام:

إذا دَخَلَ أَحَدُكُم عَلى أَخيهِ فِي رَحلِهِ فَلْيَقعُد حَيثُ يَأمُرُ صاحِبُ الرَّحلِ؛ فَإِنَّ صاحِبَ الرَّحلِ اَعْرَفُ بِعَورَةِ بَيتِهِ مِنَ الدّاخِلِ عَلَيهِ؛[2] زمانی که یکی از شما به منزل برادرش وارد می‌شود، باید در جایی که صاحب منزل امر می‌کند بنشیند؛ زیرا صاحب منزل بیش از دیگران به اسرار خانه‌اش آشناست.

طلاق، منفور خداوند

۵۹۵-۳۵ امام صادق علیه‌السلام:

اِنَّ اللهَ عزَّوَجَلَّ يُحِبُّ البَيتَ الذي فِيهِ العُرسُ، و يُبغِضُ البيتَ الّذي فيهِ الطَّلاقُ،

---

۱. **عيون أخبار الرضا** علیه‌السلام، ج ۲، ص ۴۲.
۲. **بحارالأنوار**، ج ۷۲، ص ۴۵۱.

وَمـا مِنْ شَیءٍ أَبغَضُ إلی اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِن الطَّلاقِ؛[1] خداوند عزّوجلّ خانه‌ای را که در آن عروسی است، دوست می‌دارد و خانه‌ای را که در آن طلاق رخ میدهد، دوست ندارد و چیزی به اندازه طلاق نزد خداوند منفور نمی‌باشد.

ارزش ازدواج

۵۹۶-۳۶ امام صادق علیه‌السلام:

اَلمُـتَزَوِّجُ النائِمُ أَفْضَلُ عِندَ اللهِ مِن الصّائِمِ القائِمِ العَزَبِ؛[2] انسـان خوابیدهٔ دارای همسـر در نزد خدا ارزشش بیشتر از کسی اسـت که در حال روزه به نماز ایستاده است، ولی ازدواج نکرده است.

نبوسیدن فرزندان

۵۹۷-۳۷ امام صادق علیه‌السلام:

جـاءَ رَجُلٌ اِلَی النَّبِیِّ صلی‌الله‌علیه‌وآله فَقالَ: «ما قَبَّلتُ صَبیّاً قَـطُّ». فَلَمّا وَلّی قالَ صلی‌الله‌علیه‌وآله: «هذا رَجُلٌ عِندی أَنَّهُ مِن اَهلِ النّارِ»؛[3] شخصی نزد پیامبر آمد و گفت: «من تاکنون بچه‌ای را نبوسیده‌ام». پس از رفتنش پیامبر فرمود: «آن مرد از نظر من از اهل آتش جهنم است».

خواستگار شراب‌خوار

۵۹۸-۳۸ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

شارِبُ الخَمْرِ لایُزَوَّجُ إذا خَطَبَ؛[4] اگر شراب‌خوار خواستگاری بکند، به او دختر ندهید.

---

۱. **الکافی**، ج۶، ص۵۴.
۲. **جامع‌الأخبار**، ص۱۰۱.
۳. **الکافی**، ج۶، ص۵۰.
۴. **عوالی‌اللئالی**، ج۳، ص۳۴۱.

نظافت منزل

۵۹۹-۳۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

لا تُبَيِّتوا القُمامَةَ فی بُيُوتِكُم و أَخرِجُوها نهاراً؛ فإنَّها مَقْعَدُ الشَّيطانِ؛[1] زباله و خاکروبه را شب در خانه‌هایتان نگه ندارید و در روز آن را بیرون بگذارید؛ زیرا زباله محل و جایگاه شیطان[2] است.

تربیت دینی

۶۰۰-۴۰ امام صادق علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

اِعمَلُوا الخَيرَ و ذَكِّرُوا بِهِ اَهليكُم وَ أَدِّبُوهُم عَلى طاعَةِ اللهِ؛[3] کارهای نیک انجام بدهید و خانوادهٔ خود را به انجام آن‌ها یادآوری کنید و ایشان را بر اطاعت از خداوند تربیت نمایید.

---

۱. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۴، ص۵.

۲. ممکن است منظور از شیطان در این‌جا میکروب باشد.

۳. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۲، ص۲۰۱.

چهل حدیث خوش‌بختی

محمد ابراهیم احمدی

گنجینه پربار احادیث معصومین علیهم‌السلام درباره «سعادت» انسان نیز هم‌چون موضوعات دیگر، غنیّ و راهگشاست.

خوش‌بختی از دیدگاه‌های مختلف، تفسیرها و برداشت‌های مختلفی دارد و هرکس سعادت را در چیزی می‌داند و برای انسان‌های خوش‌بخت، ویژگی‌های خاصّی قائل است.

امّا در باور ما، سعادت از نگاه پیشوایان معصوم که سرچشمه ناب‌ترین علوم و زلال‌ترین معارف‌اند، شنیدنی و خواندنی است.

آن‌چه پیش روی شماست، چهل روایت ناب و برگزیده درباره خوش‌بختی است و اوصاف سعادتمندان را ترسیم می‌کند.

مهریه سعادت

۶۰۱-۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

إِنَّ عُمرَكَ مَهْرُ سَــعادَتِكَ إِنْ أَنْفَدْتَهُ فی طاعَةِ رَبِّكَ؛[۱] همانا زندگی و عمر تو، «مهریّه خوش‌بختی» تو [در قیامت] است، اگر آن را در فرمان‌برداری پروردگارت سپری و صرف کنی.

شوق بندگی

۶۰۲-۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

إِنَّ أَسْعَدَ النّاسِ مَنْ كانَ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ بِطاعَةِ اللهِ مُتَقاضٍ؛[۲] همانا خوش‌بخت‌ترین مردم، کسی است که از درون خود برای عبادت و فرمان‌برداری خداوند، درخواست‌کننده‌ای داشته باشد.

خوش‌بختی کامل

۶۰۳-۳ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

إِنَّ السَّــعادَةَ كُلَّ السَّعادَةِ طُولُ الْعُمْرِ فی طاعَةِ اللهِ؛[۳] همانا خوش‌بختی، آن هم تمام و کمال خوش‌بختی، داشتن عمر طولانی در بندگی و اطاعت خداوند است.

بندگی، گواه نیک‌بختی

۶۰۴-۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

دَوامُ الْعِبادَةِ بُرْهانُ الظَّفَرِ بِالسَّــعادَةِ؛[۴] اســتمرار بندگی و پرســتش، گواه دست‌یابی به نیک‌بختی است.

---

۱. **غرر الحکم**، ص۲۲۲.
۲. **تصنیف غرر الحکم**، ص۱۸۳.
۳. **کنز العمال**، ج۱۵، ص۶۶۷.
۴. **میزان‌الحکمة**، ج۵، ص۳۰۳۰.

نیک‌بختی در سایه ولایت

۶۰۵-۵ امام صادق علیه‌السلام:

نَحْنُ صَفْوَةُ اللهِ عَلى خَلْقِهِ وَ خِيَرَتُهُ مِنْ عِبادِهِ خُلَفَاؤُهُ، فَالسَّعيدُ مَنِ اتَّبَعَنا، وَ الشَّقِيُّ مَنْ عادانا وَ خالَفَنا؛[1] ما، برگزیدگان خداوند بر آفریده‌هایش و نیز نیکوترین در میان بندگانش و نیز جانشینان او هستیم. از این رو «خوش‌بخت» کسی است که از ما پیروی کند، و «بدبخت» کسی است که با ما به دشمنی و مخالفت بپردازد.

ولایت، اکسیر سعادت

۶۰۶-۶ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

إِنَّ السَّعيدَ كُلَّ السَّعيدِ حَقَّ السَّعيدِ مَنْ أَطاعَكَ وَ تَوَلّاكَ مِنْ بَعْدي؛[2] همانا خوش‌بخت به معنای حقیقی و کامل آن، فردی است که بعد از من، از تو اطاعت کند و ولایت تو را داشته باشد.

برکات زیارت

۶۰۷-۷ امام صادق علیه‌السلام به یکی از اصحابش (عبدالملک خَثْعَمی) فرمود:

لاتَدَعْ زِيارَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه‌السلام، وَ مُرْ أَصْحابَكَ بِذلِكَ يَمُدُّ اللهُ فى عُمُرِكَ، وَ يَزيدُ اللهُ فى رِزْقِكَ، وَ يُحْيِيكَ اللهُ سَعيداً، وَ لا تَمُوتُ اِلّا سَعيداً، وَ يَكْتُبُكَ سَعيداً؛[3] زیارت امام حسین علیه‌السلام را ترک مکن و یاران خود را نیز به آن، تشویق و سفارش نما؛ چراکه خداوند به برکت «زیارت» عمرت را طولانی می‌کند، روزی‌ات را زیاد می‌گرداند، زندگی سعادت‌مندانه‌ای نصیبت می‌نماید، مرگی جز همراه خوش‌بختی نخواهی داشت و خداوند، [نام و سرانجام] تو را «نیک‌بخت» می‌نویسد.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۴۶، ص۳۰۶.
۲. **أمالی**، شیخ مفید، ص۱۰۳.
۳. **بحارالأنوار**، ج۹۸، ص۴۷؛ **کامل‌الزیارات**، ص۱۵۱.

مرگ سعادت‌مندانه

۶۰۸-۸ امام حسین علیه‌السلام:

إِنّی لا أَرَی الْمَوْتَ إِلّا سَعادَةً وَ لاَ الْحَیاةَ مَعَ الظّالِمِینَ إِلّا بَرَماً؛[۱] مرگ (جهاد و شهادت) را جز «خوش‌بختی»، و زندگی با ستمگران را جز «رنج و شکنجه» نمی‌دانم.

اسباب خوش‌بختی

۶۰۹-۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

ثَلاثٌ مَنْ حافَظَ عَلَیْها سَعِدَ: إِذا ظَهَرَتْ عَلَیْكَ نِعْمَةٌ فَاحْمَدِ اللهَ، وَ إِذا أَبْطَأَ عَنْكَ الرِّزْقُ فَاسْتَغْفِرِ اللهَ، وَ إِذا أَصابَتْكَ شِدَّةٌ فَأَكْثِرْ مِنْ قَوْلِ: «لاحَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلّا بِاللهِ»؛[۲]

سه مسئله را هرکس مواظبت کند، خوش‌بخت خواهد شد: ۱. هرگاه نعمتی برایت پدیدار شد، خدای را ستایش کن (الحمدلله)؛ ۲. هر وقت رزق و روزی‌ات دیر رسید، از خدا آمرزش بخواه (أستغفرالله)؛ ۳. هر زمان که مشکلی تو را فرا گرفت، بسیار بگو: «لاحول و لا قوّة إلا بالله».

پنج نشانه خوش‌بختی

۶۱۰-۱۰ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

عَلامَةُ السَّعادَةِ خَمْسَةُ أَشْیاءِ: لینُ الْقَلْبِ، كَثْرَةُ الْبُكاءِ وَالزُّهْدُ فِی الدُّنْیا وَقِصَرُ الْأَمَلِ وَكَثْرَةُ الْحَیاءِ؛[۳] نشانه خوشبختی، پنج چیز است:

۱. نرمی قلب و نازک دل بودن؛ ۲. گریستن زیاد [از ترس گناهان و عشق به خدا]؛ ۳. پارسایی و زهد در دنیا؛ ۴. کوتاهی آرزو؛ ۵. شرم و حیای زیاد داشتن.

---

۱. **تحف‌العقول**، ص۲۴۹.
۲. همان، ص۲۰۶.
۳. **تفسیر روح‌البیان**، ج۴، ص۱۸۷.

رابطه با خدا

۶۱۱-۱۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

أَیُّهَا النَّاسِ... أَصْلِحُوا الَّذی بَیْنَکُمْ وَ بَیْنَ رَبِّکُمْ تَسْعَدُوا؛[۱] ای مردم!... آن‌چه را که بین خود و پروردگارتان وجود دارد (گناهان)، اصلاح و برطرف کنید تا «خوش‌بخت» شوید.

خودسازی

۶۱۲-۱۲ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

مَنْ أَجْهَدَ نَفْسَهُ فی إِصْلاحِها سَعِدَ؛[۲] هرکس در پاکی و اصلاح [قلب و روح] خود تلاش بورزد، «نیک‌بخت» می‌شود.

به خود پرداختن

۶۱۳-۱۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

السَّعیدُ کُلُّ السَّعیدِ مَنْ کانَ لَهُ بِنَفْسِهِ شُغُلٌ شاغِلٌ عَنْ غَیْرِهِ؛[۳] نیک‌بخت به معنای کامل آن، کسی است که چنان به خودش بپردازد و مشغول باشد که او را از توجّه به [عیوب] دیگران باز دارد.

دل‌های بی‌کینه

۶۱۴-۱۴ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

خُلُوُّ الصَّدْرِ مِنَ الْغِلِّ وَ الْحَسَدِ مِنْ سَعادَةِ الْعَبْدِ؛[۴] خالی بودن دل از کینه و حسادت، جزء نیک‌بختی بنده است.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۷۴، ص۱۷۸.
۲. **تصنیف غرر الحکم**، ص۲۳۷.
۳. **مجموعة ورام**، ج۲، ص۱۱۹.
۴. **تصنیف غرر الحکم**، ص۳۰۰.

در مسیر «اصلاح»!

۶۱۵-۱۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مِنْ كَمالِ السَّعادَةِ السَّعْيُ فى صَلاحِ الْجُمْهُورِ؛[۱] کوشش در راه اصلاح توده مردم، از کمال نیک‌بختی است.

اخلاق نیک

۶۱۶-۱۶ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مِنْ سَعادَةِ الْمَرْءِ حُسْنُ الْخُلْقِ؛[۲] از خوش‌بختی آدمی، خوش‌اخلاقی است.

نام و آوازه نیکو

۶۱۷-۱۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

عُنْوانُ صَحيفَةِ السَّعيدِ حُسْنُ الثَّناءِ عَلَيْهِ؛[۳] سرآغاز دفتر [اعمال و زندگی] خوش‌بخت، خوش‌نامی و ستایش نیکو از اوست.

عامل محرومیّت از سعادت

۶۱۸-۱۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

هَيْهاتَ مِنْ نَيْلِ السَّعادَةِ السُّكُونُ إِلَى الْهُوَيْنَا وَ الْبَطالَةِ؛[۴] آرمیدن در آغوش تنبلی و بطالت، عامل دوری از دست‌یابی به سعادت است.

---

۱. همان، ص۴۸۲؛ **میزان‌الحکمة**، ج۵، ص۳۰۵.
۲. **مجموعة ورام**، ج۲، ص۲۵۰.
۳. **بحارالأنوار**، ج۷۵، ص۷۹.
۴. **میزان‌الحکمة**، ج۵، ص۲۹۸.

توفیق نیکوکاری

۶۱۹-۱۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مِنَ السَّعادَةِ التَّوْفيقُ لِصالِحِ الْأَعْمالِ؛[۱] از جمله نیک‌بختی، توفیق داشتن برای انجام کارهای خوب است.

نیک‌نامی دوسرا

۶۲۰-۲۰ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

الْجَوادُ فِي الدُّنْيا مَحْمُودٌ، وَ فِي الآخِرَةِ مَسْعُودٌ؛[۲] انسان سخاوتمند و بخشنده در دنیا، مورد ستایش و تمجید [مردم] است و در آخرت، خوش‌بخت [و دارای پاداش فراوان] است.

قدرشناسی

۶۲۱-۲۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مِنْ سَعادَةِ الْمَرْءِ أَنْ تَكُونَ صَنايِعُهُ عِنْدَ مَنْ يَشْكُرُهُ، وَ مَعْرُوفُهُ عِنْدَ مَنْ لا يَكْفُرُهُ؛[۳] از خوش‌بختی مرد، این است که کارهایش برای کسی باشد که از وی تشکّر و قدردانی نماید، و نیکی‌اش به کسی باشد که ناسپاسی او نکند.

شناخت «نیک‌بخت و بدبخت»

۶۲۲-۲۲ امام صادق علیه‌السلام:

إِذا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ أَشَقِيَّ الرَّجُلُ أَمْ سَعِيدٌ، فَانْظُرْ مَعْرُوفَهُ إِلى مَنْ يَصْنَعُهُ، فَإِنْ كانَ يَصْنَعُهُ إِلى مَنْ هُوَ أَهْلُهُ فَاعْلَمْ أَنَّهُ خَيِّرٌ، وَ إِنْ كانَ يَصْنَعُهُ إِلى غَيْرِ أَهْلِهِ فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَيْسَ لَهُ عِنْدَ اللهِ خَيْرٌ؛[۴] هرگاه خواستی بدانی که شخصی، «بدبخت» است یا «خوش‌بخت»، به

---

۱. همان، ص۲۴۷۶.
۲. **تصنیف غرر الحکم**، ص۳۸۰.
۳. **میزان‌الحکمة**، ج۵، ص۳۰۱.
۴. **بحارالأنوار**، ج۷۱، ص۴۱۴؛ **مکارم‌الأخلاق**، ص۱۵۶.

کار خوبش بنگر که آن را در حقّ چه کسی انجام می‌دهد؛ اگر عمل پسندیده‌ای را برای آدم لایق و صالحی به جا می‌آورد، بدان که او نیک‌بخت و خوب اســت، و اگر آن کار را در حقّ نااهل و ناشایسته انجام می‌دهد، پس بدان که برای وی نزد خداوند، نیکی و ثوابی نخواهد بود.

خردورزی یا هواپرستی

۶۲۳-۲۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

إِنَّ أَسْــعَدَ النّاسِ فِی الدُّنْیا مَنْ عَدَلَ عَمّا یَعْرِفُ ضَرَّهُ، وَ إِنَّ أَشْقاهُمْ مَنِ اتَّبَعَ هَواهُ؛[1]

خوش‌بخت‌ترین مردم در دنیا، کســی اســت که از آن‌چه می‌داند زیان‌آور است، دوری کند، و بدبخت‌ترین آن‌ها فردی است که از هوا و هوس خود پیروی نماید.

تابلوی سعادت

۶۲۴-۲۴ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

عَلامَةُ السَّعادَةِ أَرْبَعَةٌ: ذِکْرُ الذُّنُوبِ الْماضِیَةِ، وَ نِسْیانُ الْحَسَناتِ الْماضِیَةِ، وَ نَظْرَةٌ إِلی مَنْ هُوَ فَوْقَهُ فِی الدّینِ وَ إِلی مَنْ هُوَ دُونَهُ فِی الدُّنْیا؛[2] نشانه‌های نیک‌بختی، چهار چیز است: ۱. یادآوری گناهان گذشته؛ ۲. به فراموشی سپردن نیکی‌های گذشته؛ ۳. نگریستن آدمی به کسی که در «دیانت» برتر و بالاتر از او اســت؛ ۴. نگاه کردن به فــردی که در امور دنیوی و «ثروت» پایین‌تر از اوست.

هوشیاری و بردباری

۶۲۵-۲۵ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

السَّعِیدُ مَنْ جُنِّبَ الْفِتَنَ وَمَنِ ابْتُلِیَ بِشَیءٍ مِنْها فَصَبَرَ فَوَاهاً وَاهاً؛[3] همانا نیک‌بخت،

---

۱. **وقعة صفّین**، ص۱۰۸؛ **شرح نهج‌البلاغة**، ابن ابی‌الحدید، ج۴، ص۱۱۵.
۲. **المواعظ العددیة**، ص۲۰۹.
۳. **کنز العمال**، ج۱۱، ص۱۵۲.

کســی است که از «فتنه‌ها» دور داشته شــود و چون به مصیبتی دچار و آزموده شود، بردباری و شکیبایی کند؛ پس خوشا به حال او.

سعادت در سایه علم

۶۲۶-۲۶ امام صادق علیه‌السلام:

لایَنْبَغی لِمَنْ لَمْ یَکُنْ عالِماً أَنْ یُعَدَّ سَعیداً؛[۱] سزاوار نیست فردی را که اهل علم نیست، خوش‌بخت شمرد.

سیمای خوشبختان

۶۲۷-۲۷ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

لِلسَّعیدِ ثَلاثُ عَلاماتٍ: قُوتُ الْحَلالِ فی بَلَدِهِ، وَ مُجالَسَةُ الْعُلَماءِ، وَ الصَّلَواتُ الْخَمْسُ بِالإمامِ؛[۲] برای «آدم خوش‌بخت» سه «نشانه» وجود دارد:

۱. غذا و رزق حلال او در محلّ زندگی‌اش تأمین شود؛

۲. با دانشمندان [صالح]، هم‌نشینی داشته باشد؛

۳. نمازهای پنج‌گانه را با «جماعت» بخواند.

ازدواج، نیمی از خوش‌بختی

۶۲۸-۲۸ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أُعْطِیَ نِصْفَ السَّعادَةِ؛[۳] هرکس ازدواج کند، در واقع نیمی از «نیک‌بختی» نصیبش شده است.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۷۵، ص۲۴۶؛ **تحف‌العقول**، ص۳۸۲.

۲. **المواعظ العددیة**، ص۱۴۶.

۳. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۴، ص۱۵۴.

زن سعادت‌مند، زن شقاوت‌مند

۶۲۹-۲۹ امام صادق علیه‌السلام:

مَلْعُونَةٌ مَلْعُونَةٌ إِمْرَأَةٌ تُؤْذی زَوْجَها، وَ سَعیدَةٌ سَعیدَةٌ إِمْرَأَةٌ تُكْرِمُ زَوْجَها وَ لا تُؤْذیهِ وَ تُطیعُهُ فی جَمیعِ أَحْوالِهِ؛[1] ملعون است، ملعون است! زنی که شوهرش را بیازارد، و خوش‌بخت است، خوش‌بخت است! بانویی که همسر خود را گرامی بدارد، او را آزار نرساند و در همه حالاتش فرمانبردار و مطیع وی باشد.

مروارید‌های خوش‌بختی

۶۳۰-۳۰ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

خَمْسَةٌ مِنَ السَّعادَةِ: الزَّوْجَةُ الصّالِحَةُ، وَ الْبَنُونَ الْأَبْرارُ، وَ الْخُلَطاءُ الصّالِحُونَ، وَ رِزْقُ الْمَرْءِ فی بَلَدِهِ، وَ الْحُبُّ لِآلِ مُحَمَّدٍ صلی‌الله‌علیه‌وآله؛[2] پنج چیز از مصادیق خوشبختی است: ۱. داشتن همسری شایسته؛ ۲. وجود فرزندانی نیکوکار؛ ۳. بهره‌مندی از دوستان و معاشران صالح؛ ۴. بودن درآمد و روزی آدمی در محل زندگی‌اش؛ ۵. دوستی و مهرورزی با خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله.

میوه شیرین زندگی

۶۳۱-۳۱ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مِنْ سَعادَةِ الرَّجُلِ الْوَلَدُ الصّالِحُ؛[3] از نشانه‌های نیک‌بختی آدمی، [داشتن] فرزند خوب و درست‌کار است.

زندگی با سعادت

۶۳۲-۳۲ امام سجّاد علیه‌السلام:

مِنْ سَعادَةِ الْمَرْءِ أَنْ يَكُونَ مَتْجَرُهُ فی بِلادِهِ، وَ يَكُونَ خُلَطاؤُهُ صالِحينَ، وَ يَكُونَ

---

۱. همان، ص۲۴۷.
۲. همان، ص۱۶۹؛ **دعائم‌الإسلام**، ج۲، ص۱۹۳.
۳. **وسائل‌الشیعة**، ج۲۱، ص۳۵۹.

لَهُ أَوْلادٌ يَسْتَعينُ بِهِمْ؛[1] از نیک‌بختی مرد، این است که: ۱. شغل و تجارتش در محل زندگی‌اش باشد؛ ۲. هم‌نشینان و معاشرانش افراد شایسته‌ای باشند؛ ۳. دارای فرزندانی باشد که او را یاری کنند.

جلوه‌های خوش‌بختی

۶۳۳-۳۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

أَرْبَعٌ مِنَ السَّعادَةِ وَ أَرْبَعٌ مِنَ الشِّقاوَةِ، فَالْأَرْبَعُ الَّتي مِنَ السَّعادَةِ: الْمَرْأَةُ الصّالِحَةُ، وَ الْمَسْكَنُ الْواسِعُ، وَ الْجارُ الصّالِحُ، وَ الْمَرْكَبُ الْبَهِيُّ؛[2] چهار چیز از نشانه‌های خوش‌بختی، و چهار چیز هم از نشانه‌های بدبختی است؛ امّا چهار موردی که از خوش‌بختی می‌باشد، بدین‌گونه است: ۱. همسری شایسته؛ ۲. خانه‌ای بزرگ و گسترده؛ ۳. همسایه‌ای خوب و صالح؛ ۴. مرکبی راهوار.

شیرینی سعادت

۶۳۴-۳۴ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

لَنْ تُعْرَفَ حَلاوَةُ السَّعادَةِ حَتّى تُذاقَ مَرارَةُ التَّحْسِ؛[3] هرگز شیرینیِ «نیک‌بختی» شناخته نمی‌شود، تا آن‌که تلخیِ «شوربختی» چشیده گردد.

جابه‌جایی خوش‌بختی

۶۳۵-۳۵ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

السَّعيدُ قَدْ يَشْقى وَ الشَّقِيُّ قَد يَسْعَدُ؛[4] فرد نیک‌بخت، گاهی [بر اثر عوامل و نوع رفتارش] تیره‌بخت می‌گردد، و شخص نگون‌بخت نیز گاهی خوش‌بخت می‌شود؛ (پس نه غرور به خوش‌بختی درست است، نه یأس از سعادت).

---

۱. همان، ج۱۷، ص۴۶۷.
۲. **بحارالأنوار**، ج۷۳، ص۱۵۴؛ **مکارم‌الأخلاق**، ص۱۴۴.
۳. **تصنیف غرر الحکم**، ص۱۶۷.
۴. **تفسیر روح‌البیان**، ج۱، ص۱۵۳.

عاقبت به خیری

۶۳۶-۳۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

حَقیقَةُ السَّعادَةِ أَنْ یَخْتِمَ الرَّجُلُ عَمَلَهُ بِالسَّعادَةِ؛[۱] حقیقت نیک‌بختی، این است که سرانجام کردار انسان به خوش‌بختی پایان پذیرد.

سعادت اخروی

۶۳۷-۳۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

عِنْدَ الْعَرْضِ عَلَی اللهِ سُبْحانَهُ تَتَحَقَّقُ السَّعادَةُ مِنَ الشَّقاءِ؛[۲] در هنگام عرضه شدن [اعمال] به پیش‌گاه خدای سبحان است که «نیک‌بختی» از «بدبختی» آشکار و شناخته می‌گردد.

خوش‌بختیِ جاودانه

۶۳۸-۳۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

أَلَّذی یَسْتَحِقُّ اسْمَ السَّعادَةِ عَلَی الْحَقیقَةِ سَعادَةُ الآخِرَةِ، وَ هِیَ أَرْبَعَةُ أَنْواعٍ: بَقاءٌ بِلافَناءٍ، وَ عِلْمٌ بِلاجَهْلٍ، و قُدْرَةٌ بِلاعَجْزٍ، وَ غِنیً بِلافَقْرٍ؛[۳] آن چیزی که حقیقتاً شایسته نام خوش‌بختی می‌باشد، خوش‌بختی آخرت است و آن، چهار نوع است: پایداری بدون نابودی، دانش به دور از نادانی، نیرومندی بدون ناتوانی، ثروت به دور از تهی‌دستی.

مرکب سواری

۶۳۹-۳۹ امام صادق علیه‌السلام:

مِنْ سَعادَةِ الْمَرْءِ دابَّةٌ یَرْکَبُها فی حَوائِجِهِ وَ یَقْضی عَلَیْها حَوائِجَ إِخْوانِهِ؛[۴] از جمله

---

۱. **الخصال**، ج۱، ص۷.
۲. **تصنیف غررالحکم**، ص۱۶۷.
۳. **شرح نهج‌البلاغة**، ابن ابی‌الحدید ۲۰، ص۳۰۶.
۴. **مکارم‌الأخلاق**، ص۳۰۱.

خوش‌بختی مرد، این است که مرکب (وسیله نقلیه‌ای) داشته باشد تا هم برای نیازهای خود، سوار آن شود و هم نیازهای برادران دینی‌اش را با آن تأمین کند.

یادگار زندگی

۶۴۰-۴۰ امام کاظم علیه‌السلام:

سَعِدَ إمْرُؤٌ لَمْ يَمُتْ حَتّى يَرى خَلَفا مِنْ نَفْسِهِ؛[1] خوش‌بخت، مردی است که نمیرد، تا آن‌که بازمانده و جانشینی (فرزند) از خود را ببیند.

۱. **وسائل الشیعة**، ج۲۱، ص۳۵۷.

چهل حدیث داوری

محمدحسین بریموندی

از جلوه‌های مهم نظام اسلامی، اجرای عدالت در جامعه و رساندن حق به حق‌دار و جلوگیری از ظلم است و این مسؤولیت مهمّ، بر عهده قوّه قضائیه، قضات، دادگاه‌ها و همه اشخاص ومراکز مرتبط با قضاوت و دادرسی است.

داوری در نزاع‌ها و قضاوت در مخاصمات، کاری بس بزرگ و دشوار است که اگر بر پایه حق و عدل صورت گیرد، مایه آبروی یک حکومت و اعتماد مردم به مسئولان و دلگرمی در زندگی است و اگر خدای نکرده به رشوه و بی‌عدالتی آلوده شود، موجب خشم خدا و نارضایتی مردم می‌گردد.

در منابع دینی، درباره قضاوت و صفات قاضی و بایسته‌های داوری و برکات اجرای حدود الهی و پاداش قاضیان خداترس و عادل و باانصاف، رهنمودهای ارزنده‌ای وجود دارد و نکات مهمّی درباره این مسئله حیاتی و عواقب و آثار قضاوت به جور و قضاتِ وابسته به دنیا بیان شده است.

داوری الهی

۶۴۱-۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

وَ اللهُ يَحْكُمُ عَلَى ما غابَ عَنْكَ؛[۱] داوری در آن‌چه از تو پنهان است با خدای جهان می‌باشد.

قضاوت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در بین مردم

۶۴۲-۲ امام صادق علیه‌السلام:

اِنَّ رَسُولَ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله قَدْ قَضى بِشاهِدٍ وَ يَمِينٍ؛[۲] به درستی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله با شاهد و سوگند بین طرفین دعوا قضاوت می‌کردند.

ویژگی الهی قضاوت اهل بیت علیهم‌السلام

۶۴۳-۳ امام سجاد علیه‌السلام در جواب یکی از از اصحاب که پرسید: «از کجا حکم می‌کنید؟» فرمود:

حُكمِ آلِ داودَ علیه‌السلام فَإنْ اَعياناً شَيءٌ تَلقّانا بِهِ رُوحُ الْقُدُسِ؛[۳] به حکم و قضاوت خاندان داود علیه‌السلام؛ پس اگر در جایی درماندیم، روح‌القدس آن را به ما می‌رساند.

---

۱. **نهج‌البلاغة**، نامه ۵۳.
۲. **وسائل‌الشیعة**، ج۲۷، ص۲۶۷.
۳. **الکافی**، ج۱، ص۳۹۸.

قرآن و سنت برترین داور

۶۴۴-۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام درباره ارجاع اختلافات به خدا و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

فَرَدُّهُ إِلَى اللهِ اَنْ نَحْكُمَ بِكِتابِهِ وَرَدُّهُ إِلَى الرَّسُولِ أَنْ نَأْخُذَ بِسُنَّتِهِ؛[1] ارجاع به خدا این است که بنابر کتاب خدا حکم کنیم و ارجاع به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله هم عمل به سنت اوست.

جایگاه قضاوت در اسلام

۶۴۵-۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام خطاب به شریح:

قَدْ جَلَسْتَ مَجْلِساً لا يَجْلِسُهُ إِلّا نَبِيٌّ اَوْ وَصِيُّ نَبِيٍّ اَوْ شَقِيٌّ؛[2] در جایگاهی نشسته‌ای که فقط جای نبی و وصی یا انسان شقی و بدبخت است.

داوری طاغوت

۶۴۶-۶ امام صادق علیه‌السلام:

مَنْ تَحاكَمَ إِلى الطّاغُوتِ فَحَكَمَ لَهُ فَإِنَّما يَأْخُذُ سُحْتاً وَ إِنْ كانَ حَقُّهُ ثابِتاً؛[3] اگر کسی طاغوت را حاکم دعوا قرار دهد، حق تصرف در آن‌چه را گرفته ندارد و آن‌چه گرفته، سحت و حرام است، اگرچه حق مسلّم او باشد.

دانش قضات

۶۴۷-۷ امام صادق علیه‌السلام:

أُنْظُرُوا إِلى رَجُلٍ مِنْكُمْ يَعْلَمُ شَيئاً مِنْ قَضائِنا فَاجْعَلُوهُ بَيْنَكُم فَإِنّي قَدْ جَعَلْتُهُ قاضِياً فَتَحاكَمُوا إِلَيهِ؛[4] از جمع خود (شیعیان) به کسی مراجعه کنید که شیوه قضاوت ما را می‌داند، که من چنین کسی را در بین شما قاضی قرار دادم؛ پس داوری را پیش وی ببرید.

---

۱. **نهج‌البلاغة**، خطبه ۱۲۴.
۲. **الکافی**، ج۷، ص۴۰۶.
۳. همان، ص۴۱۲.
۴. همان.

قضاوت بر اساس گمان

۶۴۸-۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

لَيْسَ مِنَ الْعَدْلِ الْقَضاءُ عَلَى الثِّقَةِ بِالظَّنِّ؛[۱] از عدالت نیست که بر شخص مورد اعتماد براساس گمان داوری کنی.

جایگاه صلح در قضاوت

۶۴۹-۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام خطاب به شریح:

وَ اعْلَمْ أَنَّ الصُّلحَ جائِزٌ بَيْنَ المُسلِمينَ اِلاَّ صُلحاً حَرَّمَ حَلالاً أَو أَحَلَّ حَراماً؛[۲] بدان، صلح جایز است بین مسلمان‌ها تا جایی که حلال حرام نگردد یا چیز حرام حلال نشود.

عادل‌ترین مردم

۶۵۰-۱۰ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

أَعْدَلُ الْخَلْقِ أَقْضاهُم بِالحَقِّ؛[۳] عادل‌ترین مردم قضاوت‌کننده‌ترین آنان به حق هستند.

رسوایی در حکم جور

۶۵۱-۱۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

أَفْظَعُ شَيءٍ ظُلمُ الْقُضاةِ؛[۴] دردناک‌ترین چیز ستم کردن قاضیان است.

اهمیت قضاوت به حکم الهی

۶۵۲-۱۲ امام صادق علیه‌السلام:

مَنْ حَكَمَ فى دِرهَمَيْنِ بِغَيرِ ما أَنْزَلَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ فَهُوَ كافِرٌ بِاللهِ العَظيمِ؛[۵]

---

۱. **نهج‌البلاغة**، حکمت ۲۲۰.
۲. **الکافی**، ج۷، ص۴۱۲.
۳. **غرر الحکم**، ص۶۹.
۴. همان، ص۳۳۵.
۵. **الکافی**، ج۷، ص۴۰۸.

کســی که در دو درهم به غیر آن‌چه از طرف خدا نازل شــده حکــم کند، کافر به خداوند بزرگ است.

طلب قضاوت برای دنیا

۶۵۳-۱۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنِ ابْتَغَى القَضاءَ وَ سَأَلَ فِيهِ الشُّــفَعاءَ وُكِلَ إلى نَفْسِهِ وَ مَنْ أُكْرِهَ عَلَيهِ أَنْزَلَ اللهُ عَلَيهِ مَلَكاً يُسَــدِّدُهُ؛[1] هرکس جویای منصب قضاوت باشد و برای رسیدن به آن متوسل به این و آن شــود، خداوند او را به خودش واگذارد و هرکس مجبور به پذیرفتن قضاوت شود، خداوند فرشته‌ای بر او فرو فرستد که استوارش بدارد.

خصوصیات قاضی خوب

۶۵۴-۱۴ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

ثُمَّ اخْــتَرْ لِلْحُكمِ بَيْنَ النّاسِ أَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِــكَ مِمَّنْ لاتَضِيقُ بِهِ الأُمُورُ وَلاتُمْحِكُــهُ الْخُصُومُ...؛[2] پس از میان مردم، برتریــن فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن؛ کسانی که مراجعه فراوان آن‌ها را به ستوه نیاورد و برخورد مخالفان با یکدیگر او را خشمناک نسازد.

قضاوت ناحق

۶۵۵-۱۵ امام صادق علیه السلام:

رَجُلٌ قَضى بِجَــوْرٍ وَ هُوَ يَعْلَمُ فَهُوَ فِي النّارِ، وَ رَجُلٌ قَضى بِجَوْرٍ وَ هُوَ لايَعْلَمُ فَهُوَ فِي النّارِ؛[3] کسی که آگاهانه حکم به ستم کند، در آتش است، و کسی که جاهلانه حکم به ستم کند، جایگاهش آتش است.

---

۱. **کنز العمال**، ج۶، ص۹۴.
۲. **نهج‌البلاغة**، نامه ۵۳.
۳. **الکافی**، ج۷، ص۴۰۷.

عواقب حکم جور

۶۵۶-۱۶ امام صادق علیه‌السلام:

اَیُّ قاضٍ قَضی بَیْنَ اثْنَیْنِ فَأَخْطَأَ سَقَطَ أَبْعَدَ مِن السَّمَاءِ؛[۱] هر قاضی در قضاوت بین دو نفر خطا کند، سقوطش از سقوط از آسمان به زمین هم سخت‌تر است.

جایگاه بیّنه و یمین در قضاوت

۶۵۷-۱۷ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اَلبَیِّنَةُ عَلَی مَنِ ادَّعی وَ الیَمینُ عَلی مَنِ ادُّعِیَ عَلَیهِ؛[۲] شاهد آوردن برای کسی است که ادعایی دارد و قسم خوردن، برای کسی است که ادعا علیه اوست (انکار می‌کند).

پاداش زحمات قاضی

۶۵۸-۱۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

إیّاكَ وَالتَّضَجُّرَ وَ التَّأَذّیَ فی مَجْلِسِ القَضاءِ الَّذی أوجَبَ اللّهُ فیه الأجرَ، و یُحْسِنُ فیه الذُّخْرَ لِمَنْ قَضی بِالْحَقِّ؛[۳] مبادا در مجلس قضاوت اظهار خستگی و ناراحتی کنی؛ مجلسی که خداوند در آن پاداش قرار داده و برای هر کسی که به حق داوری کند، ذخیره خوبی در نظر گرفته است.

رعایت آداب قضاوت

۶۵۹-۱۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

یا شُرَیْحُ لاتُسارَّ أَحَداً فی مَجْلِسِكَ، وَ إذا غَضِبْتَ فَقُمْ، وَلاتَقْضِیَنَّ وَ أَنْتَ غَضْبانُ؛[۴]

---

۱. همان، ص۴۰۸.
۲. همان، ص۴۱۵.
۳. همان، ص۴۱۲.
۴. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۳، ص۱۴.

ای شـــریح! در مجلس قضاوت، با هیچ فردی در گوشـــی صحبت مکن؛ و اگر عصبانی شدی، برخیز و هرگز در حال خشم، داوری مکن.

رحمت الهی برسر قضات عادل

۶۶۰-۲۰ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

يَدُ اللهِ فَوْقَ رَأسِ الْحاكِمِ تُرَفْرِفُ بِالرَّحْمَةِ، فَإذا حافَ وَكَلَهُ اللهُ إلى نَفْسِـــهِ؛[1] دست رحمت خدا، بر فراز سر قاضی در حرکت است. پس هرگاه ستم و حق کشی کند، خداوند او را به خودش وا می‌گذارد.

همراهی ملائکه با قضات

۶۶۱-۲۱ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

إذا جَلَسَ القاضِي في مَجْلِسِـــهِ، هَبَطَ عَلَيْهِ مَلَكانِ يُسَدِّدانِهِ وَ يُرشِدانِهِ وَ يُوفِّقانِهِ، فَإذا جارَ يَخْرُجانِ وَ يَتْرُكانِهِ؛[2] زمانی که قاضی بر مسند قضاوت می‌نشیند، دو فرشته بر او فرود می‌آیند که او را یاری و ارشاد کنند و در موفقیت قاضی، یاریاش دهند و هنگامی که حکم ناحق بدهد، خارج می‌شوند و او را ترک می‌کنند.

قضات طاغوت

۶۶۲-۲۲ امام صادق علیه‌السلام:

كُلُّ حاكِمٍ يَحْكُمُ بِغَيْرِ قَوْلِنا أَهْلِ البيتِ فَهُوَ طاغُوتٌ؛[3] هر حاکمی که به غیر قول ما اهل‌بیت حکم کند، پس طاغوت است.

---

۱. **الکافی**، ج۷، ص۴۱۰.
۲. **عوالی‌اللئالی**، ج۲، ص۳۴۲.
۳. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۷، ص۲۴۴.

قضاوت در حالت غیرعادی

۶۶۳-۲۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

نَهی أَنْ یَقْضِیَ القاضِی وَ هُوَ غَضْبانُ أَوْ جائِعٌ أَوْ ناعِسٌ؛[۱] نهی فرمود از قضاوت قاضی در حالت خشم، گرسنگی و یا چرت زدن.

گوش دادن به کلام طرفین

۶۶۴-۲۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

إذا تَقاضَی إلَیْكَ رَجُلانِ فَلا تَقْضِ لِلأَوَّلِ حَتّی تَسْمَعَ مِنَ الآخَرِ فَإِنَّكَ إذا فَعَلْتَ ذلِكَ تَبَیَّنَ لَكَ الْقَضاءُ؛[۲] هرگاه در مسند قضاوت نشستی حکم مده؛ مگر آن‌که حرف‌های هر دو را شنیده باشی؛ در آن صورت است که داوری برای تو روشن خواهد شد.

عدالت در نگاه و اشاره

۶۶۵-۲۵ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنْ أُبْتُلِیَ بِالقَضاءِ بینَ الْمُسْلِمینَ فَلْیَعْدِلْ بَیْنَهُم فِی لَحْظِهِ وَ إِشارَتِهِ وَ مَقْعَدِهِ وَ مَجْلِسِهِ؛[۳] هرکس به داوری کردن میان مسلمانان مبتلا شود، باید در نگاه‌ها و اشاره کردن‌ها و جای نشستن و نحوه نشستن خود نسبت به آن‌ها یکسان رفتار کند.

اهمیت گفتار قاضی در قضاوت

۶۶۶-۲۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

لِسانُ القاضِی بَیْنَ جَمْرَتَیْنِ مِنْ نارٍ حَتّی یَقْضِیَ بَیْنَ النّاسِ فَإِمّا إِلَی الجَنَّةِ وَ إِمّا إِلَی

---

۱. همان، ص۳۴۹.
۲. **من لایحضره الفقیه**، ج۳، ص۱۳.
۳. **کنز العمال**، ج۶، ص۱۰۲.

النَّارِ؛[1] زبان قاضی [در هنگام قضاوت] میان دو پاره آتش است، تا آن‌که میان مردم قضاوت کند و سرانجام او را به سوی بهشت یا جهنّم می‌کشاند.

عامل عزل قاضی

۶۶۷-۲۷ امام علی علیه‌السلام به ابوالاسود دوئلی علت عزل او از قضاوت را چنین فرمود:

إِنّی رَأیتُ کَلامَکَ یَعْلُو عَلی کَلامِ الْخَصْمِ؛[2] دیدم که صدایت را از صدای خصم بالاتر برده‌ای.

جایگاه قاضی عادل در آخرت

۶۶۸-۲۸ امام باقر علیه‌السلام:

إِنَّ للهِ جَنَّةً لایَدْخُلُها إِلّا ثَلاثَةٌ: أَحَدُهُمْ مَنْ حَکَمَ فی نَفْسِهِ بِالحَقِّ؛[3] خداوند را در قیامت بهشتی است که احدی به آن راه ندارد، مگر سه گروه؛ یکی از آن‌ها، کسی است که درباره خودش به حق قضاوت کند.

قضات جور در جهنّم

۶۶۹-۲۹ امام صادق علیه‌السلام:

إِنَّ النَّواویسَ شَکَتْ إِلی اللهِ شِدَّةَ حَرِّها، فَقالَ لَها: «اُسْکُتی؛ فَإِنَّ مَواضِعَ القُضاةِ أَشَدُّ حَرّاً مِنكِ»؛[4] نواویس (جایگاهی در دوزخ) از گرمای سخت خود به درگاه خداوند شکایت کرد. خداوند خطاب به آن فرمود: «ساکت باش؛ همانا جایگاه قاضیان [ستمگر] از جای تو سوزان‌تر است».

---

۱. **تهذیب‌الأحکام**، ج۶، ص۲۹۲.
۲. **عوالی‌اللئالی**، ج۲، ص۳۴۳.
۳. **الکافی**، ج۲، ص۱۴۸.
۴. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۳، ص۶.

رجوع به قاضی ظالم

۶۷۰-۳۰ امام صادق علیه‌السلام:

أَیُّمـا مُومِنٍ قَدَّمَ مُؤمناً فی خُصُومَةٍ إلی قاضٍ أو سـلطانٍ جائِرٍ فَقَضَی عَلَیهِ بِغَیْرِ حُکْمِ اللهِ فَقَـدْ شَرِکَهُ فی الإثْمِ؛[1] هرگاه مؤمنی برادر مؤمن خودش را جهت رفع خصومت به سوی قاضی یا حاکم ظالمی ببرد و او برخلاف حکم الهی، حکم کند، شریک در گناه قاضی ظالم خواهد بود.

موانع قبولی شهادت در قضا

۶۷۱-۳۱ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

لَمْ تَجُزْ شَـهادَةُ الصَّبِیِّ وَ لاخَصْمٍ و لامُتَّهَمٍ ولاظَنِینٍ؛[2] گواهی کودک و دشمن و متهم و ظنین (مورد گمان بد) پذیرفته نمی‌شود.

رشوه در قضاوت

۶۷۲-۳۲ امام صادق علیه‌السلام:

اَلرِّشَـا فِی الْحُکْمِ هُوَ الْکُفْرُ بِاللهِ؛[3] پذیرش رشـوه در قضاوت، همانا کافر شـدن به خداست.

شفاعت در حد نیست

۶۷۳-۳۳ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به اسامه فرمود:

یا اُسامَةُ ! لاتَشْفَع فی حَدٍّ؛[4] ای اسامه! در حدود الهی شفاعت و واسطه‌گری مکن.

---

۱. **الکافی**، ج۷، ص۴۱۱.
۲. **النوادر**، اشعری، ص۱۶۰.
۳. **الکافی**، ج۷، ص۴۰۹.
۴. همان، ص۲۵۴.

خطا در قضاوت (غیر عمد)

۶۷۴-۳۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اِنَّ مـا أَخْطَأَتِ القُضاةُ في دَمٍ أَوْ قَطْعٍ فَهُوَ عَلى بَيتِ مالِ الْمُسْـلِمينَ؛[1] همانا خطای قاضی در حکم قصاص به قتل یا قطع عضو، بر عهده بیت‌المال مسلمین است.

بدترین قاضی

۶۷۵-۳۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

شَرُّ القُضاةِ مَنْ جارَتْ أَقْضِيَتُهُ؛[2] بدترین قاضی‌ها کسی است که ستمگرانه داوری کند.

آفت قضات

۶۷۶-۳۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

آفَةُ القُضاةِ الطَّمَعُ؛[3] آفت قاضیان طمع است.

زوال قدرت قاضی

۶۷۷-۳۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنْ جارَتْ أَقْضِيَتُهُ زالَتْ قُدرَتُهُ؛[4] هرکس در حکم‌هایش ستم نماید، قدرتش زائل گردد.

شهادت دروغ

۶۷۸-۳۸ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

يُبْعَثُ شَـاهِدُ الزُّورِ يَوْمَ القِيامَةِ يَدْلَعُ لِسـانَهُ في النّارِ كَما يَدْلَعُ الْكَلْبُ لِسانَهُ في

---

۱. **من لایحضره الفقیه**، ج۳، ص۷.
۲. **غرر الحکم**، ص۳۳۵.
۳. همان، ص۳۴۶.
۴. همان، ص۴۵۸.

الإناءِ؛[1] کسی که شهادت دروغ داده است، در روز قیامت زبان خود را در آتش جهنّم بیرون میآورد، همان‌طور که سگ، زبانش را در ظرف غذا بیرون می‌آورد.

تلقین نکردن به گواهان

۶۷۹-۳۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

نَهی أَن یُحابِیَ القاضی أَحَدَ الخَصْمَینِ بِکَثْرَةِ النَّظَرِ وَ حُضُورِ الذِّهنِ، وَ نهی عَن تَلقینِ الشُّهُودِ؛[2] نهی فرمود از این‌که قاضی فقط به یکی از طرفین مخاصمه نیک بنگرد و توجّه کند و از تلقین کردن به گواهان نیز نهی فرمود.

قاضی میزبان یکی از شاکیان نباشد

۶۸۰-۴۰ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

اِنَّ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله نَهی أَنْ یُضَافَ الْخَصْمُ إِلاَّ وَمَعَهُ خَصْمُهُ؛[3] رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی فرمود از این که شاکی بدون حضور طرف دعوایش میهمان (قاضی) باشد.

---

۱. **دعائم‌الإسلام**، ج۲، ص۵۰۷.
۲. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۷، ص۳۵۰.
۳. **الکافی**، ج۷، ص۴۱۳.

چهل حدیث در منزلت عالمان ربانی

عبدالرحیم اباذری

فرهنگ قرآنی ما، جایگاه والایی برای «علم» اختصاص داده و علم و دانش را یکی از معیارهای امتیاز و برتری افراد بر یکدیگر قرار داده است.

خدا نخستین معلّم انسان است و رسولان الهی همه برای تعلیم و تزکیه برانگیخته شده‌اند.

جایگاه «عالمان دین» به عنوان وارثان انبیاﷺ و هدایت‌گران اهل ایمان، بسی والاست و فقهای مکتب نیز نقشی عمده در مرزبانی از تعالیم اسلام و معارف وحی دارند.

تکریم عالمان، نشانه ارج نهادن به مقام دانش است و بهره‌گیری از علمای فرهیخته، وظیفه همگانی است.

آن‌چه در روایات معصومین درباره موقعیت ویژه علما و فقها آمده است، سندی افتخارآمیز به شمار می‌رود و پیشتازی تعالیم و رهنمودهای فرهنگ اهل‌بیت را در ستایش دانشمندان و ارج نهادن به علم و فضیلت می‌رساند.

باشد که امت اسلامی به توصیه امامان معصوم، هم به دانش و معرفت اهتمام ورزند، هم به مقام عالمان دین ارج نهند و از وجود آنان بیشترین بهره را ببرند.

جایگاه فقهی و راویان حدیث

۶۸۱-۱ امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف:

وَ اَمَّا الْحَوادِثُ الْواقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيها اِلى رُواةِ حَدِيثِنَا؛[1] در رخدادهای سیاسی و اجتماعی به راویان حدیث ما (که همان فقهای واجد شرایط هستند) مراجعه کنید.

جایگاه معنوی فقها

۶۸۲-۲ امام صادق علیه‌السلام:

إِعْرِفُوْا مَنازِلَ شِيْعَتِنا بِقَدَرِ ما يُحْسِنُونَ مِنْ رِواياتِهِمْ عَنّا فَاِنّا لانَعُدُّ الْفَقِيْهَ مِنْهُم فَقِيْهًا حَتّى يَكُونَ مُحَدَّثاً. فَقِيْلَ لَهُ: «اَوَ يَكُونُ المؤمنُ مُحَدَّثاً؟» قالَ: «يَكُونُ مُفهَماً والمُفْهَمُ المُحَدَّثُ»؛[2] مقام و منزلت فقهای شیعیان ما به قدر درک و فهم روایت‌هایی است که آنان از ما نقل می‌کنند؛ (ببینید چقدر کلمات ما را خوب و درست فهمیدند) چون ما هرکس را به فقاهت قبول نداریم، مگر این که در اثر تهذیب نفس به مقام معنوی خاصی ره یافته و مُحَدَّث شده باشد. به حضرت عرض شد: «آیا مؤمن هم مُحَدَّث می‌شود؟» حضرت فرمود: «تفهیم‌شده می‌شود؛ فقیه تفهیم‌شده، همان مُحَدَّث است».

پیروی ازکدام فقیه؟

۶۸۳-۳ امام حسن عسکری علیه‌السلام:

فَاَمّا مَنْ كانَ مِنَ الفُقَهاءِ صائِناً لِنَفْسِهِ، حافِظا لِدِينِهِ، مُخالِفا عَلَى هَوَاهُ، مُطِيْعا لأمرِ

---

۱. **الإحتجاج**، طبرسی، ج۲، ص۴۷۰.
۲. **وسائل الشیعة**، ج۲۷، ص۱۴۹.

مُوْلاَهُ فَلِلْعَوَامِّ اَنْ يُقَلِّدُوهُ؛[1] و اما فقها و عالمانی که بر نفس خویش تسلط دارند، از حریم دین پاسداری می‌کنند، پیرو خواسته‌های فردی خود نیستند و گوش به فرمان مولای خویشند؛ مردم وظیفه دارند از آنان پیروی کنند.

مرز بانان فرهنگی

۶۸۴-۴ امام صادق علیه‌السلام:

عُلَماءُ شِيعَتِنا مُرَابِطُونَ بِالثَّغْرِ الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عَفَارِيتَهُ يَمْنَعُونَهُمْ عَنِ الخُرُوجِ عَلَى ضُعَفاءِ شِيعَتِنا؛[2] عالمان شیعیان ما پاسداران و مرزبانانی هستند که ورودی‌های نفوذی شیطان و هم‌دستان او را مسدود کرده و مانع هجوم آنان بر شیعیان ضعیف ما می‌شوند.

رهبری بر دوش علما

۶۸۵-۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلْعُلَماءُ حُكّامٌ عَلَى النّاسِ؛[3] علمای (جامع‌الشرایط) رهبران واقعی بر مردم هستند.

فقیه کیست؟

۶۸۶-۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلْفَقِيهُ كُلُّ الفَقِيهِ مَنْ لَمْ يُقَنِّطِ النّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللهِ وَلَمْ يُؤْيِسْهُمْ مِنْ رَوْحِ اللهِ وَ لَمْ يُؤْمِنْهُمْ مِنْ مَكْرِ اللهِ؛[4] فقیه واقعی کسی است که مردم را از رحمت خداوند ناامید نکند و آن‌ها را از محبت خداوند مأیوس نگرداند و از مکر الهی ایمن نسازد.

---

۱. **الإحتجاج**، طبرسی، ج۲، ص۴۵۸.
۲. **بحارالأنوار**، ج۲، باب ۸.
۳. **غررالحکم**، ص۳۶.
۴. **بحارالأنوار**، ج۲، باب ۱۱.

گرامیداشت عالمان

۶۸۷-۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنْ وَقَّرَ عالِماً فَقَدْ وَقَّرَ رَبَّــهُ؛[۱] هرکس عالمی را گرامی بدارد، به تحقیق خداوند را گرامی می‌دارد.

تکریم فقها

۶۸۸-۸ امام صادق علیه‌السلام:

مَنْ اَکْرَمَ فَقِیْهاً مُسْلِماً لَقَی اللّٰهَ یَومَ القِیامَةِ وَ هُوَ عَنْهُ راضٍ؛[۲] هرکس فقیه مسلمانی را بزرگ شمارد، روز قیامت به لقای خدا می‌رسد، در حالی که خداوند سبحان از او راضی باشد.

شادی شیطان در مرگ فقیه

۶۸۹-۹ امام صادق علیه‌السلام:

ما مِنْ اَحَدٍ یَمُوتُ مِنَ الْمُؤْمِنــِینَ اَحَبَّ اِلی اِبْلِیسَ مِنْ مَوْتِ فَقِیْهٍ؛[۳] مردن هیچ‌کس برای شیطان محبوب‌تر و گواراتر از مرگ دانشمند فقیه نیست.

گفت‌وگو با عالم

۶۹۰-۱۰ امام کاظم علیه‌السلام:

مُحَادَثَةُ الْعالِمِ عَلَی المَزابِلِ خَیْرٌ مِنْ مُحادَثَةِ الْجاهِلِ عَلَی الزَّرَابِیِّ؛[۴] گفت‌وگوی با عالم در خاک‌روبه پرفایده‌تر از سخن گفتن با جاهل بر روی فرش‌های زربافت است.

---

۱. **غررالحکم**، ص۶۳۲.
۲. **عوالی‌اللئالی**، ج۴، ص۵۹.
۳. **الکافی**، ج۱، ص۳۸.
۴. همان، ص۳۹.

نشانه عالم

۶۹۱-۱۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اِنَّ لِلْعالِمِ ثَلاثَ عَلاماتٍ: اَلْعِلمَ وَ الْحِلْمَ وَ الصَّمْتَ؛[۱] برای دانشمند و فقیه سه نشان است: دانش، بردباری و سکوت.

وارث انبیا

۶۹۲-۱۲ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

وَ اِنَّ العُلَماءَ وَرَثَةُ الاَنْبِیاءِ، اِنَّ الْأَنْبِیاءَ لَمْ یُوَرِّثُوا دِینارَاً وَلا دِرْهَماً وَلکِنْ وَرَّثُوا العِلْمَ، فَمَنْ اَخَذَ مِنْهُ اَخَذَ بِحَظٍّ وافِرٍ؛[۲] همانا علمای جامع‌الشرایط، وارثان انبیا علیهم‌السلام هستند. پیامبران دینار و درهمی از خود به یادگار نمی‌گذارند، ولکن میراث آن‌ها علم و حکمت است؛ پس هر کس از آن علم و حکمت برگرفت، به خیر فراوان دست یافته است.

چراغ هدایت

۶۹۳-۱۳ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اِنَّ مَثَلَ الْعُلَماءِ فِی الْاَرضِ کَمَثَلِ النُّجُومِ فِی السَّماءِ یُهْتَدَی بِهَا فِی ظُلُماتِ البَرِّ وَ الْبَحرِ فَاِذا طُمِسَتْ أَوْشَکَ اَنْ تَضِلَّ الهُداةُ؛[۳] علمای جامع‌الشرایط در زمین به منزله ستارگان در آسمانند؛ همان‌طوری که مردم در شب‌های تاریک صحرا و دریا به کمک نور ستارگان راه را پیدا می‌کنند، در حوادث و رخدادهای اجتماعی نیز علما، چراغ راه هدایت مردم هستند؛ پس اگر غروب کنند، رهیافتگان دوباره گمراه می‌شوند.

---

۱. همان، ص۳۷.
۲. همان، ص۳۴.
۳. **بحارالأنوار**، ج۲، باب ۸.

مشعل‌های فروزان

۶۹۴-۱۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنْ كانَ مِنْ شِـيْعَتِنا عالِماً بِشَرِيْعَتِنا فَاَخْرَجَ ضُعَفاءَ شِيْعَتِنا مِنْ ظُلْمَةِ جَهْلِهِمْ اِلى نُورِ الْعِلْمِ الَّذى حَبَوْنَاهُ بِهِ، جاءَ يَوْمَ الْقِيامَةِ وعَلى رَأْسِهِ تاجٌ مِنْ نُورٍ يُضِيءُ لِاَهْلِ جَمِيْعِ الْعَرَصاتِ؛[1] هرکسی از شیعیان ما عالم به معارف اسلامی باشد و پیروان مستضعف ما را از گمراهی جهل به سوی روشنایی علم رهنمون سازد، روز قیامت در حالی محشور خواهد شد که تاجی از نور بر سر دارد و پرتو آن همه آفاق را روشن می‌کند.

وارثان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله

۶۹۵-۱۵ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

«رَحِمَ اللهُ خُلَفائى». فَقيلَ: «وَ مَنْ خُلَفاؤُكَ يا رَسـولَ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله؟» قالَ: «اَلَّذِيْنَ يُحْيُونَ سُنَّتى وَ يُعَلِّمُونَهَا عِبادَ اللهِ»؛[2] «خداوند جانشینان مرا رحمت کند». عرض شد: «ای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله! جانشینان شما کیانند؟» فرمود: «آن‌هایی که سیره و سنت مرا زنده کنند و آن را به بندگان خدا بیاموزند».

مقام علم و جهاد

۶۹۶-۱۶ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اَقْرَبُ النّاسِ مِنْ دَرَجَةِ النُّبُوَةِ اَهْلُ الْعَلْمِ وَ الْجِهادِ؛[3] نزدیک‌ترین مردم به مقام و منزلت نبوت، عالمان و جهادگرانند.

---

۱. **عوالی اللئالی**، ج۱، ص۱۷.
۲. **منیة المرید**، ص۱۰۱.
۳. **المحجة البیضاء**، ج۱، ص۱۴.

منزلت علما

۱۷-۶۹۷ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

عُلَماءُ اُمَّتِی کَاَنْبِیاءِ بَنِی اِسْرائِیلَ؛[۱] علمای امت من، مانند پیامبران بنی‌اسرائیل هستند.

زنده در میان مردگان

۱۸-۶۹۸ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اَلْعالِمُ بَیْنَ الْجُهّالِ کَالْحَیِّ بَیْنَ الْاَمْواتِ؛[۲] عالم (جامع‌الشرایط) در میان جاهلان به منزله زنده در بین مردگان است.

عالم و بدعت‌ستیزی

۱۹-۶۹۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

فَضْلُ العالِمِ عَلَی العابِدِ سَبْعُوْنَ دَرَجَةً... وَ ذٰلِكَ اَنَّ الشَّیْطانَ یَدَعُ البِدْعَةَ لِلنّاسِ فَیُبْصِرُها العالِمُ فَیَنْهی عَنْها وَ الْعابِدُ مُقْبِلٌ عَلی عِبادَتِهِ لَا یَتَوَجَّهُ لَها وَ لَا یَعْرِفُها؛[۳] عالم ۷۰ رتبه بر جاهل برتری و فضیلت دارد؛ زیرا وقتی شیطان بدعت می‌آورد، عالم، قیام کرده و روشن‌گری میکند و آن را از جامعه برطرف می‌کند ولی عابد، غافل از آن، فقط به عبادت خود مشغول می‌باشد و به آن توجه نمی‌کند و با آن آشنا نمی‌شود.

قیام در مقابل بدعت

۲۰-۷۰۰ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اِذا ظَهَرَتِ الْبِدْعَةُ فی اُمَّتی فَلْیُظْهِرِ الْعالِمُ عِلْمَهُ فَاِنْ لَمْ یَفْعَلْ فَعَلَیْهِ لَعْنَةُ اللّٰهِ؛[۴] زمانی

---

۱. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۷، ص۳۲۰.
۲. **إرشاد القلوب**، ج۱، ص۱۶۵.
۳. **بحارالأنوار**، ج۲، باب ۸.
۴. **المحاسن**، ج۱، باب ۱۷.

که در میان امت من بدعتی ظاهر شود، بر عالم و فقیه عصر لازم است علمش را آشکار کند و در مقابل آن قیام نماید؛ پس اگر چنین نکند، لعن خدا بر او باد.

آموزش علم به دیگران

۷۰۱-۲۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

شُـكْرُ الْعالِمِ عَلى عِلْمِهِ اَنْ يَبْذُلَهُ لِمَنْ يَسْتَحِقُّهُ؛[1] شکر عالم بر نعمت آگاهی‌اش این است که آن را به مستحقان آن بیاموزد و هدیه کند.

ماندگاری عالمان

۷۰۲-۲۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

يا كُمَيْلُ! هَلَكَ خُزّانُ الْاَمْوالِ وَهُمْ اَحْيـاءٌ، وَالْعُلَماءُ باقُونَ ما بَقِيَ الدَّهْرُ اَعيانُهُمْ مَفْقُودَةٌ وَ اَمْثالُهُمْ فِى الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ؛[2] ای کمیل! جمع‌کنندگان ثروت، زنده هلاک می‌شوند. علما پایدار می‌مانند، مادامی که دنیا برقرار است و اگر جسمشان از میان برود، سیرت و سیمایشان در دل مردم می‌ماند.

کتمان علم

۷۰۳-۲۳ امام صادق علیه‌السلام:

اِنَّ العالِـمَ الكاتِمَ عِلْمَهُ يُبْعَثُ أَنْتَنَ اَهْلِ القِيامَةِ رِيحًـا تَلْعَنُهُ كُلُّ دابَّةٍ حَتّى دَوابُّ الْاَرْضِ الصِّغـارُ؛[3] عالمی کـه علمش را کتمان کند، با گندیده‌ترین بو در محشـر برانگیخته می‌شود؛ به طوری که تمام جنبده‌های زمین حتی کوچک‌ترینش بر او لعن می‌فرستند.

---

۱. **أعلام‌الدین**، ص۸۲.
۲. **نهج‌البلاغة**، حکمت ۱۴۷.
۳. **المحاسن**، ج۱، باب ۱۷.

دوری از فقهای دنیوی

۲۴-۷۰۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

الفُقَهاءُ اُمَناءُ الرُّسُـلِ مالَمْ يَدْخُلُوا فِي الدُّنْيَا. قِيلَ: «يا رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله! وَما دُخُولُهُمْ فِي الدُّنْيا؟» قالَ صلی الله علیه و آله: «اِتِّباعُ السُّـلْطانِ فَاِذا فَعَلُوا ذَلِكَ فَاحْذَرُوهُمْ عَلى دِيْنِكُمْ»؛[1] فقهای اسلام، امینان پیامبرانند، مادامی که وارد دنیا نشوند. سؤال شد: «ای رسول خدا! دخول آنان به دنیا چگونه است؟» فرمود: «از پادشاهان جور پیروی کردن؛ پس هرگاه چنین کنند، به حمایت از دین خود از آنان دوری جویید».

آثار لغزش و انحراف عالم

۲۵-۷۰۵ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

زَلَّةُ العالِمِ كَانكِسـارِ السَّفِيْنَةِ تَغْرِقُ و تُغْرِقُ؛[2] لغزش و خطای عالم به منزله شکسته شدن کشتی است؛ خودش غرق می‌شود و دیگران را هم غرق می‌کند.

اهمیت علم و عمل

۲۶-۷۰۶ امام صادق علیه السلام:

اِنَّ العالِمَ اِذا لَـمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ القُلُـوبِ كَما يَزِلُّ المَطَرُ عَنِ الصَّفـا؛[3] هنگامی که عالم به علم خودش عمل نکـرد، نصیحت‌هایش در قلوب مردم جای نمی‌گیرد و به سرعت از آن عبور می‌کند؛ همان‌گونه که آب باران بر روی سنگ باقی نمی‌ماند و زائل می‌شود.

---

۱. **الکافی**، ج۱، ص۴۶.
۲. **بحارالأنوار**، ج۲، باب ۱۱.
۳. **الکافی**، ج۱، ص۴۴.

عالم بی‌عمل

۷۰۷-۲۷ امام صادق علیه‌السلام:

اَشَدُّ النّاسِ عَذاباً عالِمٌ لا یَنْتَفِعُ مِنْ عِلْمِهِ بِشَیْءٍ؛[1] شدیدترین عذابها برای عالمی است که به هیچ وجه از علمش بهره نبرد.

علم بی‌ثمر

۷۰۸-۲۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

رُبَّ عالِمٍ قَدْ قَتَلَهُ جَهْلُهُ وَ عِلْمُهُ مَعَهُ لاْ یَنْفَعُهُ؛[2] چه بسا عالمی که جهلش قاتل او باشد و علمی را هم که آموخته برایش چاره‌ساز و نافع نباشد.

شفاعت سه گروه

۷۰۹-۲۹ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

ثَلاثَةٌ یَشْفَعُونَ اِلَی اللهِ یَومَ القِیامَةِ فَیُشَفَّعُهُمْ: اَلاَنْبِیاءُ ثُمَّ اَلْعُلَمَاءُ، ثُمَّ الشُّهَدَاءُ؛[3] روز قیامت سه گروه از خدای متعال طلب شفاعت می‌کنند و خدای سبحان شفاعت آنان را می‌پذیرد: اینان اوّل انبیا، بعد علمای جامع‌الشرایط و سپس شهیدان در راه خدا هستند.

آداب معاشرت با عالم

۷۱۰-۳۰ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اِنَّ مِنْ حَقِّ الْعالِمِ اَنْ لا تُکْثِرَ عَلَیْهِ السُّؤالَ وَلا تَجُرَّ بِثَوْبِهِ و اِذا دَخَلْتَ عَلَیْهِ وَ عِنْدَهُ قَومٌ فَسَلِّمْ عَلَیْهِمْ جمیعا و خُصَّهُ بِالتَّحِیَّةِ دُونَهُمْ وَ اجْلِسْ بَیْنَ یَدَیْهِ وَلا تَجْلِسْ خَلْفَهُ ولا تَغْمِزْ بِعَیْنَیْكَ ولا تُشِرْ بِیَدِكَ ولا تُکْثِرْ مِنْ قَوْلِ قالَ فُلانٌ وقَالَ فُلانٌ خِلافاً

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۲، ص۳۷.
۲. **نهج‌البلاغة**، حکمت ۱۰۷.
۳. **قرب‌الإسناد**، ص۳۱.

لِقَولِهِ ولا تَضْجَرْ بِطُولِ صُحْبَتِهِ فَإنَّما مَثَلُ الْعالِمِ مَثَلُ النَّخْلَةِ يَنْتَظِرُ بِها مَتَى يَسْقُطُ عَلَيْكَ مِنْها شَيْءٌ؛[1] از حقوق عالم نسبت به توست که بیش از حد متعارف از وی سؤال نکنی و در سؤال کردن او را بستوه نیاوری؛ چون داخل جلسه عالم شوی و جمعی با او نشسته بودند، بر همه آن‌ها سلام کن و به خصوص با عالم احوال‌پرسی نما؛ در مقابل او بنشین، نه در پشت سرش، با اشاره چشم و حرکت دست با وی صحبت نکن؛ اقوال و نظریات دیگران را که مخالف نظر او است، خیلی برایش تکرار نکن؛ از طولانی شدن صحبت‌هایش خسته و آزرده مشو. به درستی که مَثَل عالم، مَثَل درخت خرما است؛ آن‌قدر باید در پایش منتظر بمانی تا خرمایی بیفتد.

محضر فقیه فرصت است

۷۱۱-۳۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اَلْاَنْبِياءُ قادَةٌ، اَلْفُقَهاءُ سادَةٌ وَ مُجالَسَتُهُمْ زِيادَةٌ وَ اَنْتُمْ فى مَمَرِّ اللَّيْلِ والنَّهارِ فى آجالٍ مَنْقُوصَةٍ و اَعْمالٍ مَحْفُوظَةٍ والمَوْتُ يَأتيكُمْ بَغْتَةً فَمَنْ يَزْرَعْ خَيْراً يَحْصُدْ غِبْطَةً و مَنْ يَزْرَعْ شَرّاً يَحْصُدْ نَدامَةً؛[2] انبیا رهبران و فقها بزرگان مردمند و هم‌نشینی با آنان خیر و برکت است و شما در مسیر شب و روز قرار گرفته و فرصت‌های اندک و فعالیت‌های محدود دارید، در حالی که مرگ هم ناگهان به سراغتان می‌آید؛ پس هرکس زراعت خیر کند، غبطه درو خواهد کرد و هرکس کار شری انجام دهد، پشیمان خواهد شد.

در محضر او گوش باش

۷۱۲-۳۲ امام باقر علیه السلام:

اِذا جَلَسْتَ اِلَى عالِمٍ فَكُنْ عَلَى اَنْ تَسْمَعَ اَحْرَصَ مِنكَ عَلَى اَنْ تَقُولَ؛[3] وقتی در محضر عالمی نشستی، سعی کن برای شنیدن بیشتر مشتاق باشی تا به سخن گفتن.

---

۱. **المحاسن**، ج۱، ح۱۸۵.
۲. **أمالی**، شیخ طوسی، ص۴۳۷.
۳. **الإختصاص**، ص۲۴۵.

نگاه به چهره عالم

۷۱۳-۳۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

وَالنَّظَـرُ اِلی العالِمِ اَحَبُّ الی اللهِ مِن اعْتِکافِ سَـنَةٍ فی الْبَیْتِ الحَرامِ؛[1] نگاه کردن به سیمای عالم، نزد خدای سبحان از یک سال اعتکاف در خانه خدا دوست‌داشتنی‌تر است.

زیارت علما یا طواف مستحبی

۷۱۴-۳۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

زِیارَةُ الْعُلَماءِ اَحَبُّ الی اللهِ تَعالی مِنْ سَبْعِیْنَ طَوافاً حَوْلَ الْبَیْتِ وَاَفْضَلُ مِنْ سَبْعِیْنَ حَجَّةً و عُمْرَةً مَبْرُورةً مَقْبُولَةً؛[2] زیارت علما، نزد خدای متعال از ۷۰ سـال طواف دور خانه خدا محبوب‌تر است و از ۷۰ حج و عمره قبول شده افضل است.

فضل عالم

۷۱۵-۳۵ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

یَا عَلِیُّ نَوْمُ الْعالِمِ اَفْضَلُ مِنْ عِبادَةِ العابِدِ. یا عَلِیُّ! رَکْعَتَیْنِ یُصَلِّیهما الْعالِمُ اَفْضَلُ مِنْ اَلْفِ رَکْعَةٍ یُصَلِّیها الْعابِدُ؛[3] ای علی! خواب عالم واجدالشـرایط برفضیلت از عبادت عابد است.

ای علی! دو رکعت نمازی که عالم اقامه می‌کند، بهتر از ۱۰۰۰ رکعت نماز عابد می‌باشد.

ارزش مداد علما

۷۱۶-۳۶ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اِذا کانَ یَـوْمُ القِیامَةِ وُزِنَ مِدادُ الْعُلَمَاءِ بِدِماءِ الشُّـهَدَاءِ فَیُرَجَّحُ مِدادُ الْعُلَمَاءِ عَلی

---

۱. **عدةالداعی**، ص۷۵.
۲. همان، ص۷۵.
۳. **عوالی‌اللئالی**، ج۴، ص۷۳.

دِماءِ الشُّهَداءِ؛[1] هنگامی که قیامت برپا شود، مداد علما با خون شهدا مقایسه می‌گردد؛ آن‌گاه مداد علما بر خون شهدا ترجیح داده می‌شود.

امانت‌دار خدا در زمین

۷۱۷-۳۷ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اَلْعالِمُ اَمِیْنُ اللهِ سُبْحانَهُ فِی الاَرْضِ؛[2] عالم (جامع الشرایط) امین خدای متعال در روی زمین است.

یک فقیه و هزار عابد

۷۱۸-۳۸ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

فَقِیْهٌ واحِدٌ اَشَدُّ عَلَی الشَّیْطَانِ مِنْ اَلْفِ عابِدٍ؛[3] قدرت یک فقیه در برابر شیطان، بیش از ۱۰۰۰ عابد است.

برتر از همه

۷۱۹-۳۹ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

اَلْعالِمُ اَفْضَلُ مِنَ الصَّائِمِ الْقائِمِ الْمُجاهِدِ؛[4] یک عالم بر کسی که روزها روزه می‌گیرد، شب‌ها را عبادت می‌کند و در راه خدا هم جهاد می‌کند، برتری دارد.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۲، ص۱۶.
۲. **المحجة‌البیضاء**، ج۱، ص۱۵.
۳. **عوالی‌اللئالی**، ج۱، ص۱۸۹.
۴. **منیة‌المرید**، ص۱۰۹.

دژهای اسلام

۷۲۰-۴۰ امام صادق علیه‌السلام:

اِذا ماتَ المُؤمِنُ... ثُلِمَ فِي الْاِسْلامِ ثُلْمَةٌ لا يَسُدُّها شَيْءٌ لِاَنَّ الْمُومِنينَ الْفُقَهاءَ، حُصُونُ الْاِسْلامِ كَحِصْنِ سُورِ الْمَدِيْنَةِ لَها[1]؛ وقتی فقیهی از دنیا می‌رود، خلأی در اسلام بروز می‌کند که هیچ چیز نمی‌تواند آن را جبران نماید؛ زیرا فقهای عظام دژ مستحکم اسلام هستند، همان‌طوری که دیوار شهر از شهر پاسداری می‌کند.

---

۱. **الکافی**، ج۱، ص۳۸.

چهل حدیث مترلت قلب

علی‌اشرف عبدی

«قلب»، مرکز ادراکات و احساسات و باورهای انسان است. کانونی است که اگر پاک و سالم باشد، عمل‌های خوب و خداپسند از انسان سر می‌زند واگر آلوده به وسوسه‌های شیطانی و هواهای نفسانی باشد، عامل سقوط اخلاقی انسان می‌شود.

در روایـــات، از قلب به عنوانِ «حرم خدا» و «امام بدن» و «چشـــمه حکمت» و... یاد شده و برای آن، صفاتی هم‌چون مرگ دل، حیات دل، تیرگی دل، روشنی دل، کوری دل، بینایی دل و... شمرده شده است. این‌ها همه گواه اهمیت نقش قلب در شخصیت و اعتقادات و اعمال انسان است.

پاک‌سازی دل، سبب می‌شود که به کعبه پاکی و ایمان تبدیل شود و غفلت از طهارت قلب، آن را پایگاه شیطان می‌ســـازد و «قلب سلیم» که می‌تواند عامل نجات انسان در دنیا و سعادت او در آخرت گردد، اگر به قلبی مرده، افسرده، تاریک و کور بدل شود، راه هدایت را به روی انسان می‌بندد و زندگی و آخرتش را تباه می‌سازد.

قلب حرم خداست

۷۲۱-۱ امام صادق علیه‌السلام:

اَلقَلبُ حَرَمُ اللهِ فَلاْ تُسكِنْ حَرَمَ اللهِ غَيرَ اللهِ؛[1] قلب حرم خداست؛ پس در حرم خدا جز خدا را جا نده.

رهایی از دنیا

۷۲۲-۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَخرِجُوا الدُّنيا مِنْ قُلُوبِكُمْ قَبْلَ اَنْ تَخْرُجَ مِنها اَجْسادُكُم فَفيها اخْتُبِرتُمْ وَلِغَيرِها خُلِقْتُـم؛[2] دنیا را از دل‌های خود، بیرون کنید، پیش از آن‌کـه بدن‌هایتان از دنیا بیرون رود. دنیا آزمایشگاهی است که در آن آزمایش شده‌اید، ولی برای غیر آن آفریده شده‌اید.

تزکیه و پاکی دل

۷۲۳-۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

ذَكِّ قَلبَكَ بِالاَدَبِ كَمـا تُذَكَى النَّارُ بِالحَطَب؛[3] قلبت را با ادب (تربیت صحیح) نورانی کن؛ آن‌گونه که آتش با هیزم، نورانی می‌شود.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۶۷، ص۲۵؛ **جامع‌الأخبار**، ص۱۸۵.
۲. **غررالحکم**، ص۱۴۰.
۳. **تحف‌العقول**، ص۷۹؛ **شرح نهج‌البلاغة**، ابن ابی‌الحدید، ج۲۰، ص۲۷۱.

قلب محزون محبوب خدا

۴-۷۲۴ امام سجاد علیه‌السلام:

اِنَّ اللهَ یُحِبُّ کُلَّ قَلبٍ حَزِینٍ؛[۱] همانا خداوند قلب اندوهگین (از گناهان و در عشق آخرت) را دوست دارد.

صلاح قلب

۵-۷۲۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَصْلُ صَلاحِ القَلْبِ اِشتِغالُهُ بِذِکرِ اللهِ؛[۲] پایه و ریشه صلاح قلب، مشغول بودن آن به ذکر و یاد خداست.

دل مؤمن و عنایت ویژه الهی

۶-۷۲۶ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

قَلبُ الْمُؤْمِنِ بَینَ اِصبَعَینِ مِن اَصَابِعِ الرَّحمانِ؛[۳] کنترل و مدیریت قلب مؤمن به دست خداوند رحمان است.

دل با صفا

۷-۷۲۷ امام صادق علیه‌السلام:

اِنَّ القَلبَ اِذا صَفا ضاقَت بِهِ الاَرضُ حَتّی یَسمُو؛[۴] آن‌گاه که قلب صیقل داده شود، زمین بر آن تنگ گردد تا رشد کند و بالا رود.

---

۱. **الکافی**، ج۲، ص۹۹.
۲. **غررالحکم**، ص۱۸۸.
۳. **بحارالأنوار**، ج۶۷، ص۳۹؛ **عوالی اللئالی**، ج۱، ص۴۸.
۴. **الکافی**، ج۲، ص۱۳۰.

قلب و زبان

۷۲۸-۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

لِسانُ العاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ وَ قَلبُ الاَحمَقِ وَ رَاءَ لِسانِهِ؛[۱] زبان (و گفتار) انسان خردمند در ورای [فرمان] دل و روح اوست و دل کم خرد پس از زبان او قرار دارد.

نتیجه قساوت قلب

۷۲۹-۹ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اِنَّ أَبْعَدَ النّاسِ مِنَ اللهِ الْقَلبُ القاسي؛[۲] همانا دورترین مردم از قرب الهی کسی است که سخت دل باشد.

عامل نیرومندی قلب

۷۳۰-۱۰ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَصْلُ قُوَّةِ القَلبِ التَّوَكُّلُ عَلَى اللهِ؛[۳] ریشه و سرچشمه نیرومندی (قوت) قلب، توکل (اعتماد) بر خداست.

خوراک قلب

۷۳۱-۱۱ امام صادق علیه‌السلام:

خَلَقَ اللهُ القَلبَ طَاهِراً صافِياً وَ جَعَلَ غِذاءَهُ الذِّكْرَ وَ الْفِكْرَ وَ الهَيْبَةَ وَ التَّعظيمَ؛[۴] خدا دل (ذات انسان) را پاک و صاف آفریده و غذای آن را ذکر و اندیشه و مهابت و تعظیم قرار داده است.

---

۱. **نهج‌البلاغة**، حکمت ۴۰.
۲. **أمالی**، شیخ طوسی، ص۳؛ **وسائل‌الشیعة**، ج۱۲، ص۱۹۴.
۳. **غررالحکم**، ص۱۹۷.
۴. **بحارالأنوار**، ج۷۳، ص۱۳۴؛ **مستدرک‌الوسائل**، ج۱، ص۳۷۱.

اخلاص لطافت بخش قلب

۷۳۲-۱۲ امام صادق علیه‌السلام:

اِنَّ القَلبَ لا یَرِقُّ حَتّیٰ یَخلُصَ؛[۱] همانا قلب رقت و صفا نیابد، جز آن گاه که از (ناخالصی‌ها) رهایی یابد.

قلب فهیم

۷۳۳-۱۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَفضَلُ القُلُوبِ قَلبٌ حُشِیَ بِالفَهْمِ؛[۲] برترین دل‌ها، دلی است که درون آن پر از آگاهی و اندیشه باشد.

دل و حسابرسی

۷۳۴-۱۴ امام صادق علیه‌السلام:

اِجْعَل قَلبَكَ قَریباً تُشارِكُهُ؛[۳] دل خویش را هم‌چون خویشاوندی قرارده که با او شریک شده باشی (سود و زیانش را مراقبت و از او سخت حساب‌رسی کنی).

دل، نگهبان زبان

۷۳۵-۱۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلقَلبُ خازِنُ اللِّسانِ؛[۴] قلب و دل انسان نگه دارنده (کنترل‌کننده) گفته‌های زبان است.

---

۱. **الکافی**، ج۲، ص۴۷۷.
۲. **غررالحکم**، ص۶۷.
۳. **بحارالأنوار**، ج۷۵، ص۲۸۳؛ **تحف‌العقول**، ص۳۰۳.
۴. **غررالحکم**، ص۶۶.

اثرپذیری قلب

۷۳۶-۱۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَثَلُ القَلبِ مَثَلُ رِيشَةٍ بِأَرضٍ تُقَلِّبُهَا الرِّياحُ؛[۱] مَثَل قلب مثل پری است که در بیابان افتاده و بادها آن را جابه‌جا می‌کند.[۲] دشواری دل کندن

۷۳۷-۱۷ امام صادق علیه السلام:

اِزالَــةُ الْجِبَالِ اَهوَنُ مِن اِزالَةِ قَلبٍ عَن مَوضِعِهِ؛[۳] کندن کوه‌ها آســان‌تر از کندن (و رها ساختن) قلب از جایگاه (و دلبستگی‌های) آن است.[۴]

دل کتاب فکر

۷۳۸-۱۸ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

اَلقَلبُ مُصحَفُ الفِكرِ؛[۵] قلب محل نگارش و ثبت و ضبط افکار انسان است.

حضور قلب

۷۳۹-۱۹ امام صادق علیه السلام:

اِذا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلبِكَ؛[۶] زمانی که دعا می‌کنی، با قلبت به سوی خدا توجّه و دعا کن.

آبادی قلب

۷۴۰-۲۰ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

لِقاءُ اَهلِ الخَيرِ عِمارَةُ القَلبِ؛[۷] دیدار با نیکوکاران سبب آبادی قلب است.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۵۸، ص۱۵۰؛ **جامع‌الأخبار**، ص۱۸۳.
۲. البته مادامی که قلب به چیزی از امور دنیا وابسته نشده باشد.
۳. **بحارالأنوار**، ج۷۵، ص۲۴۰؛ **تحف‌العقول**، ص۳۸۵.
۴. زمانی که قلب، به چیزی تعلق پیدا کرد، جدا کردن از آن سخت است.
۵. **غررالحکم**، ص۶۶.
۶. **الکافی**، ج۲، ص۴۷۳.
۷. **بحارالأنوار**، ج۷۴، ص۲۱۰؛ **تحف‌العقول**، ص۷۹.

صادرات دل پاک

۷۴۱-۲۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

لایَصدُرُ عَنِ القَلبِ السَّلیمِ اِلّا المَعنی المُستَقیمُ؛[۱] از دل سالم جز معنی و مقصود حق و استوار، تراوش نکند.

قلب موعظه‌گر

۷۴۲-۲۲ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مَن کانَ لَهُ مِن قَلبِهِ واعِظٌ کانَ عَلَیهِ مِنْ حافِظٍ؛[۲] دارنده قلب و روحی موعظه‌گر، نگهبانی الهی بر او گماشته شده است.

دل چشمه حکمت

۷۴۳-۲۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلقَلبُ یَنبُوعُ الحِکمَةِ؛[۳] دل سرچشمه حکمت است.

قلب جایگاه ایمان

۷۴۴-۲۴ امام صادق علیه‌السلام:

اَلإیمانُ فِی القَلبِ وَ الیَقینُ خَطَراتٌ؛[۴] ایمان در دل ثابت است و یقین خاطره‌ها و الهامات (الهی) قلب است (که بعضی مواقع برای برخی افراد حاصل می‌شود).

---

۱. **غررالحکم**، ص۶۷.
۲. **بحارالأنوار**، ج۷۰، ص۳۲۷.
۳. **غررالحکم**، ص۶۶.
۴. **المحاسن**، ج۱، ص۲۴۹؛ **تحف‌العقول**، ص۳۵۸.

تصمیم به خیانت

۷۴۵-۲۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

شَرُّ مـا اُلقِیَ فِي الْقُلُوبِ الْغُلُولُ؛[۱] بدترین چیزی کـه در دل‌ها جای می‌گیرد، تصمیم به خیانت است.

سالم‌ترین دل

۷۴۶-۲۶ امام مجتبی علیه‌السلام:

اَسـلَمُ الْقُلُوبِ ما طَهُرَ مِنَ الشُّبَهَاتِ؛[۲] سالم‌ترین دل‌ها آن است که از شبهات (مادی و معنوی) پاک باشد.

دل بی‌تقوا سرچشمه فتنه‌ها

۷۴۷-۲۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

خُلُوُّ القَلبِ مِنَ التَّقوی یَمْلَأُهُ مِن فِتَنِ الدُّنیا؛[۳] وقتی قلب از تقوا تهی باشد، از فتنه‌های دنیا پر می‌شود.

راه حیات قلب

۷۴۸-۲۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَحْیِ قَلبَكَ بِالمَوْعِظَةِ وَ اَمِتْهُ بِالزَّهادَةِ؛[۴] قلبت را با پند زنده نگهدار، و با زهد و بی‌اعتنایی به دلبستگی‌های مادی و غیر الهی او را بمیران (و از طغیان و عصیان بازدار).

---

۱. **غررالحکم**، ص ۴۶۰.
۲. **بحارالأنوار**، ج۷۵، ص۱۰۹.
۳. **غررالحکم**، ص۶۷.
۴. **مستدرک‌الوسائل**، ج۲، ص۱۰۲.

قلب سلیم هدیه خدا

۷۴۹-۲۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اِذا اَحَبَّ اللّهُ سُبحَانَهُ عَبْداً رَزَقَهُ قَلباً سَلیماً؛[۱] وقتی خداوند سبحان، بنده‌ای را دوست داشته باشد، دلی سالم (و پیراسته از رذائل اخلاقی) به او روزی می‌کند.

قلب وارونه

۷۵۰-۳۰ امام صادق علیه‌السلام:

اِذا لَـمْ یَغَرِ الرَّجُلُ فَهُوَ مَنکُوسُ القَلبِ؛[۲] وقتـی مرد در مواقع لازم غیرت نورزد، قلبش واژگون است.

خنده زیاد عامل دل مردگی

۷۵۱-۳۱ امام صادق علیه‌السلام:

کَثرَةُ الضِّحکِ تُمیتُ القَلبَ؛[۳] خنده زیاد (افراط در شـادمانی) دل را می‌میراند (و آن را از رسیدن به نورانیت و صفای معنوی باز می‌دارد).

مایه روشنایی دل

۷۵۲-۳۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اِنَّ اللّهَ سُـبحانَهُ جَعَلَ الذِّکْرَ جِلاءً لِلْقُلوبِ؛[۴] همانا خداوند سبحان، ذکر و یاد خود را باعث روشنایی و نورانیت دل‌ها قرار داده است.

---

۱. **غررالحکم**، ص۶۷.
۲. **الکافی**، ج۵، ص۵۳۶؛ **وسائل‌الشیعة**، ج۲۰، ص۱۵۳.
۳. **الکافی**، ج۲، ص۶۶۴؛ **إرشاد القلوب**، ج۱، ص۱۱۸.
۴. **نهج‌البلاغة**، خطبه ۲۲۲.

مرگ دل‌ها

۷۵۳-۳۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنْ قَلَّ وَرَعُهُ ماتَ قَلبُهُ وَ مَن ماتَ قَلبُهُ دَخَلَ النّارَ؛[۱] کسی که کمتر از گناهان خودداری کند، دلش می‌میرد (و از طی مراتب رشد و کمال روحانی باز می‌ماند) و آن‌که دلش مرده باشد، در آتش جهنم سقوط خواهد کرد.

کوردلی

۷۵۴-۳۴ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

شَرُّ الْعَمَی عَمَی القَلبِ؛[۲] بدترین نوع کوری، کوردلی (و از دست دادن بصیرت و دید باطنی) است.

قلب کافر

۷۵۵-۳۵ امام صادق علیه‌السلام:

قَلبُ الکافِرِ اَقسیَ مِنَ الحَجَرِ؛[۳] دل کافر (در عدم انعطاف و پذیرش حق) سخت‌تر از سنگ است.

منزلت قلب در بدن

۷۵۶-۳۶ امام صادق علیه‌السلام:

اِنَّ مَنزِلَةَ القَلبِ مِنَ الجَسَدِ بِمَنزِلَةِ الاِمامِ مِنَ النّاسِ؛[۴] همانا جایگاه فرماندهی قلب (و روح) نسبت به (اعضای) بدن، هم‌چون جایگاه امام نسبت به مردم است.

---

۱. همان، حکمت ۳۴۹.
۲. **أمالی**، شیخ صدوق، ص۴۸۷.
۳. **الخصال**، ج۲، ص۳۴۸.
۴. **علل‌الشرایع**، ج۱، ص۱۰۹؛ **بحارالأنوار**، ج۶۷، ص۵۲.

آبادی دل‌ها

۷۵۷-۳۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

عِمارَةُ القُلُوبِ فی مُعَاشَرَةِ ذَوِی العُقُولِ؛[۱] آبادی قلب‌ها در معاشـــرت با صاحبان عقل و خرد است.

رعایت حال دل

۷۵۸-۳۸ امام حسن عسکری علیه‌السلام:

اِذا نَشِـــطَتِ القُلُوبُ فَاَوْدِعُوها وَ اِذا نَفَرَتْ فَوَدِّعُوها؛[۲] هرگاه که دل‌ها با نشاط هستند، هرچه می‌خواهید از اعمال و اخلاق نیک به آن‌ها بســپارید و هنگامی که دچار حالت نفرت و بی‌رغبتی شدند، آن‌ها را به حال خود واگذارید.

بزرگترین درد

۷۵۹-۳۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

لا وَجَعَ اَوْجَعُ لِلْقُلُوبِ مِنَ الذُّنُوبِ؛[۳] برای قلب و دل انسان‌ها، دردی آزاردهنده‌تر از گناهان نیست.

نقش قلب در رفتار

۷۶۰-۴۰ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اِذا طـــابَ قَلبُ المَرءِ طابَ جَسَـــدُهُ؛[۴] هنگامی که قلب آدمـــی [از رذایل و ناپاکی‌های اخلاقی] پاک باشد، تمام اعضای جسمانی او هم [از گناهان و بدی‌ها] پاک خواهد شد.

---

۱. **غررالحکم**، ص۴۲۹.
۲. **بحارالأنوار**، ج۷۵، ص۳۷۹، **أعلام‌الدین**، ص۳۱۳.
۳. **الکافی**، ج۲، ص۲۷۵.
۴. **الخصال**، ج۱، ص۳۱.

چهل حدیث دین‌شناسی

علی حیدری

دین، برنامه الهی و آسمانی برای زندگی متعالی بشر است.

پیامبران الهی، شرایع الهی را به عنوان موهبتی الهی می‌آورند، تا بشر با آن‌ها آگاه شود و طبق آن‌ها عمل کند، تا به سعادت دو جهان و رضای پروردگار نائل گردد.

این‌که دین چیست و چه فوایدی دارد و از که باید آموخت و نقش دین در زندگی چیست و انسان دین‌دار کیست و چه عواملی انسان را از دایره دین خارج می‌سازد و... از مسائل مهم قلمرو «معرفت دینی» است.

انسان خدا باور و دین‌دار، باید بخشی از فرصت خویش را به فراگیری آموزه‌های دینی و احکام خدا و اعتقادات سالم قرار دهد و از لغزش‌گاه‌های فکری و قصورهای دینی بپرهیزد.

دین، حقیقتی آسمانی دارد، ولی گاهی تحریف‌ها و انحرافاتی هم از سوی جاهلان و مغرضان به آن راه می‌یابد. ضرورت دارد که سطح معرفت دینی مسلمانان بالا باشد، تا نه در دام بدعت‌ها و تحریف‌ها بیفتد، نه شبهه‌ها و وسوسه‌ها، آن‌ها را از حوزه دین خارج کند.

دین‌شناسی، هدیه الهی

۷۶۱-۱ امام صادق علیه‌السلام:

اِذا اَرادَ اللّٰهُ بِعَبْدٍ خَیراً فَقَّهَهُ فِی الدِّینِ و زَهَّدَهُ فِی الدُّنیا وَ بَصَّرَهُ عُیُوبَهُ؛[۱] وقتی خداوند برای بنده‌ای نیکی خواهد، وی را در کار دین دانا و به دنیا بی‌اعتنا میسازد و عیوب وی را به او می‌نماید.

دین آسان

۷۶۲-۲ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

یا اَیُّهَا النّاسُ! اِنَّ دِینَ اللّٰهِ یُسْرٌ؛[۲] ای مردم! همانا دین خدا آسان است.

قیاس در دین

۷۶۳-۳ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مَن قاسَ شَیْئاً مِنَ الدِّینِ بِرَأیِهِ قَرَنَهُ اللّٰهُ تَبارَكَ وَ تَعالی مَعَ اِبلیسَ؛[۳] هرکس امور دین را با رأی و نظر شخصی تفسیر کند، خداوند متعال او را با ابلیس هم‌نشین خواهد ساخت.

دین و خداشناسی

۷۶۴-۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَوّلُ الدِّینِ مَعْرِفَتُهُ وَ کَمالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصْدِیقُ بِهِ؛[۴] اوّل دین معرفت و شناخت پروردگار است و کمال معرفت و شناخت پروردگار ایمان و باور به او است.

---

۱. **میزان‌الحکمة**، ج۳، ص۵۴۹.
۲. همان، ج۴، ص۱۸۹.
۳. **الإحتجاج**، طبرسی، ج۲، ص۳۶۰.
۴. همان، ج۱، ص۱۹۹.

توحید، پایه دین

۷۶۵-۵ جبرئیل به رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

اِنَّ أَصْلَ الدِّینِ وَ دِعامَتَهُ قَولُ لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَ اِنَّ فَرْعَهُ وَ بُنْیانَهُ مَحَبَّتُکُمْ أَهْلَ الْبَیْتِ؛[1]

ریشه و پایه دین، پذیرش «لا إله إلا الله» و فرع و شاخه آن، محبت شما به اهل‌بیت است.

درخت دین

۷۶۶-۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

قالَ حَبیبی جَبْرَئیلُ: «اِنَّ مَثَلَ هَذا الدِّینِ کَمَثَلِ شَجَرَةٍ ثابتَةٍ، أَلْاِیمانُ أَصْلُها و الصَّلاةُ عُرُوقُها وَ الزَّکاةُ مَاؤُهَا والصَّوْمُ سَعَفُها و حُسْنُ الْخُلُقِ وَرَقُها، وَ الْکَفُّ عَنِ الْمَحارِمِ ثَمَرُها، فَلا تَکْمُلُ شَجَرَةٌ اِلاّ بِالثَّمَرِ کذلكَ الإیمانُ لایَکْمُلُ اِلّا بِالْکَفِّ عَنِ المَحَارِمِ»؛[2] دوستم جبرئیل گفت: «مَثَل دین مَثَل درخت استواری است که ریشه‌اش ایمان است و برگ‌هایش نماز و آبش زکات و شاخه‌هایش روزه و برگ‌هایش خوش‌خویی و میوه‌اش خویشتن‌داری از کارهای حرام است. کمال هر درختی به میوه آن است؛ ایمان نیز چنین است، جز با خویشتن‌داری از محرمات کامل نمی‌گردد».

دین‌شناسی

۷۶۷-۷ امام کاظم علیه السلام:

تَفَقَّهُوا فی دینِ اللهِ فَأِنَّ الفِقْهَ مِفْتاحُ البَصیرَةِ وَ تَمامُ العِبادَةِ وَ السَّبَبُ اِلی المَنازِلِ الرَّفِیعَةِ وَ الرُّتَبِ الجَلِیلَةِ فِی الدِّینِ و الدُّنیا؛[3] در دین خدا فهیم و ژرف نگر باشید؛ زیرا فهم دین، کلید بینش و تمام عبادت و موجب فرمان‌برداری و سبب رسیدن به جایگاه‌های والا و مراتب بزرگ منزلت در دین و دنیاست.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۲۳، ص۲۴۷.
۲. **علل الشرایع**، ج۱، ص۲۴۹.
۳. **بحارالأنوار**، ج۷۵، ص۳۲۱.

دین و فطرت

۷۶۸-۸ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اِنَّ هَذا الدِّینَ مَتینٌ فَأَوغِلُوا فیهِ بِرِفْــقٍ وَلا تُکْرِهُوا عِبَادَةَ اللهِ اِلی عِبَادِ اللهِ؛[1] این دین، دینی است استوار و حکیمانه؛ پس با مدارا مردم را وارد آن کنید و پرستش خدا را بر بندگان خدا اکراه و اجبار نکنید.

معرفت و حکمت

۷۶۹-۹ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

حِفْظُ الدِّینِ ثَمَرَةُ المَعْرِفَةِ و رأسُ الحِکْمَةِ؛[2] حفظ دین، ثمره شــناخت و سرچشــمه حکمت است.

کمال دین

۷۷۰-۱۰ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

اِعْلَمُوا أَنَّ کَمالَ الدِّینِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَ العَمَلُ بِهِ؛[3] آگاه باشید! به درستی که کمال دین در طلب دانش و عمل به آن است.

خلاصه دین الهی

۷۷۱-۱۱ امام صادق علیه السلام در مورد دینی که پذیرفتن آن واجب است و جز آن قبول نیست، فرمود:

«شَــهَادَةُ أَنْ لا الهَ اِلّا اللهُ و أَنَّ مُحَمَّداً رَسُــولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و إقامُ الصَّلاَةِ و ایتاءُ الزَّکَاةِ و حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ استطاعَ اِلیه ســبیلاً، و صَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ». ثُمَّ سَکَتَ قلیلاً ثُمَّ قال:

---

۱. **الکافی**، ج۲، ص۸۶.
۲. **میزان‌الحکمة**، ج۴، ص۲۰۲.
۳. **تحف‌العقول**، ص۱۴۱.

«و الْوَلاَيَةُ» مَرَّتَيْنِ؛[1] «گواهی دادن بـــه یگانگی خداوند و پیامبری محمدﷺ و نماز گزاردن و پرداخت زکات و حج خانه خدا برای افراد مســـتطیع و روزه ماه رمضان». در این‌جا امام اندکی سکوت کرد و سپس دومرتبه فرمود: «و ولایت».

جامعیت دین

۷۷۲-۱۲ امام باقر علیه‌السلام:

ما أبقَتِ الحنيفيّةُ شيئاً حَتَّى أَنَّ مِنها قَصَّ الشَّارِبِ وَ الأَظْفَارِ، وَ الأَخْذَ مِنَ الشَّارِبِ والْخِتَانَ؛[2] آیین حنیف چیزی را فرو نگذاشته است؛ حتی کوتاه کردن شارب و ناخن‌ها و گرفتن شارب و ختنه کردن از این آیین است.

سرانجام تحقیر دین

۷۷۳-۱۳ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنِ اتَّخَذَ دينَ اللهِ لَهواً و لَعِباً اَدْخَلَهُ اللهُ سبحانَهُ النّارَ مُخَلَّداً فيها؛[3] هرکس دین خدا را به لهو و بازی بگیرد، خدای سبحان او را در دوزخ جاویدان گرداند.

از جمله آفات دین

۷۷۴-۱۴ امام باقر و امام صادق علیهماالسلام:

لا دينَ لِمَنْ دَانَ اللهَ بِتَقْوِيَةِ باطِلٍ، وَ لادِينَ لِمَنْ دانَ اللهَ بِطاعَةِ الظّالِمِ؛[4] کســـی که تقویت باطل را دین خود داند، دین‌دار نیســـت و کسی که اطاعت از ستمگران را جزء دین خدا داند، دین ندارد.

---

۱. **الکافی**، ج۲، ص۲۲.
۲. **نور الثقلین**، ج۳، ص۹۴.
۳. **غرر الحکم**، ص۸۷.
۴. **أمالی**، شیخ مفید، ص۱۸۴.

شرط ثبات دین‌داری

۷۷۵-۱۵ امام صادق علیه‌السلام:

مَنْ عَرَفَ دینَهُ مِن کتابِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ زَالَتِ الْجِبالُ قَبْلَ أنْ یَزُولَ، وَ مَن دَخَلَ فی أمرٍ بِجَهلٍ خَرَجَ مِنْهُ بِجَهلٍ؛[1] کسی که دینش را از طریق کتاب خدای عزّوجلّ بشناسد، اگر کوه‌ها از جای خود بجنبد، او در دین خود متزلزل نشود و کسی که ندانسته عقیده‌ای را بپذیرد، ندانسته هم از آن خارج شود.

نشانه‌های دین‌داران

۷۷۶-۱۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اِنَّ لِأَهلِ الدِّینِ علاماتٍ یُعرَفُونَ بِها: صِدْقَ الْحَدیثِ، وَأَداءَ الْأَمَانَةِ و الْوَفَاءَ بالعَهْدِ وصِلَةَ الرَّحِمِ و رَحْمَةَ الضُّعَفاءِ و قِلَّةَ اَلْمُؤاتاةِ لِلنِّساءِ وَ بَذْلَ الْمَعْرُوفِ وَحُسنَ الخُلُقِ و سَعَةَ الخُلُقِ و اتِّبَاعَ العِلمِ، و ما یُقَرِّبُ الی اللهِ عَزَّوجَلَّ، طُوبی لَهُم و حُسنَ مَآبٍ؛[2] همانا دین‌داران را نشانه‌هایی است که با آن‌ها شناخته می‌شوند: راست‌گویی، امانت‌داری، پای‌بندی به عهد و پیمان، به جا آوردن صله رحم، ترحم بر ناتوانان، کم آمیختن با زنان، نیکی کردن، خوش‌خویی، صبر و حوصله، پیروی از دانش و آن‌چه به خدای عزّوجلّ نزدیک می‌کند. خوشا به حال اینان و فرجام نیکشان.

دعا برای استواری دین در دل

۷۷۷-۱۷ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

یا مُثَبِّتَ الْقُلُوبِ! ثَبِّتْ قُلُوبَنا عَلی دِینِكَ؛[3] ای استوار دارنده دل‌ها! دل‌های ما را بر دینت استوار بدار.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۲۳، ص۱۰۲.
۲. **أمالی**، شیخ صدوق، ص۲۲۱.
۳. **میزان‌الحکمة**، ج۴، ص۲۰۰.

دین‌فروشی و بدبختی

۷۷۸-۱۸ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

اَشْقَى النّاسِ مَنْ باعَ دينَهُ بِدُنْيَا غَيرِهِ؛[۱] بدبخت‌ترین مردم کسی است که دین خود را به دنیای دیگران بفروشد.

نشان دین‌داری

۷۷۹-۱۹ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

دَلِيلُ دينِ العَبدِ وَرَعُهُ؛[۲] دلیل دین‌داری بنده، پرهیزگاری او است.

دین و نجات

۷۸۰-۲۰ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

مَن لا دِينَ لَهُ لا نَجاةَ لَهُ؛[۳] هرکس را دین نباشد، نجات و رستگاری نخواهد بود.

دین و موضع‌گیری

۷۸۱-۲۱ امام صادق علیه‌السلام:

كُلُّ مَنْ لَمْ يُحِبَّ عَلَى الدِّينِ و لَمْ يُبغِضْ عَلَى الدِّينِ فَلا دِينَ لَهُ؛[۴] کسی که دوستی و دشمنی او بر پایه دین نباشد، دین او کامل نخواهد بود.

---

۱. **غرر الحکم**، ص۱۶۷.
۲. همان، ص۲۷۱.
۳. همان، ص۸۶.
۴. **الکافی**، ج۲، ص۱۲۷.

دین‌فروشی

۷۸۲-۲۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

عَامِلُ الدّينِ لِلدُّنْيَا جَزائُهُ عِنْدَ اللهِ النّارُ؛[۱] کسی که دین را برای رسیدن به دنیا به کار گیرد، پاداشش در پیش‌گاه پروردگار آتش دوزخ است.

رابطه دین و دنیا

۷۸۳-۲۳ امام صادق علیه‌السلام:

اِذا صَلَحَ اَمْرُ دُنياكَ فَاتَّهِم دِينَكَ؛[۲] اگر کار دنیایی تو خوب شد، نگران کار دینت باش.

هم‌نشینی با دین داران

۷۸۴-۲۴ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مُجالَسَةُ اَهلِ الدّينِ شَرَفُ الدُّنيا وَ الآخِرَةِ؛[۳] هم‌نشینی با اهل دین شرف دنیا و آخرت است.

حج و دوام دین‌داری

۷۸۵-۲۵ امام صادق علیه‌السلام:

لايَزالُ الدّينُ قائماً ما قامَتِ الْكَعبَةُ؛[۴] تا کعبه برقرار است، دین نیز برقرار است.

روش دین‌داری امامان

۷۸۶-۲۶ امام رضا علیه‌السلام در نامه‌ای به مأمون نوشت:

وَ مِنْ دِينِ الْأَئِمَّةِ اَلْوَرَعُ وَ العِفَّةُ وَ الصِّدْقُ و الصَّلاحُ و طُولُ السُّجُودِ؛[۵] پرهیزکاری

---

۱. **غرر الحکم**، ص ۱۳۰.
۲. **تحف‌العقول**، ص ۳۵۹.
۳. **الکافی**، ج ۱، ص ۳۹.
۴. **من لایحضره‌الفقیه**، ج ۲، ص ۲۴۳.
۵. **مستدرک‌الوسائل**، ج ۴، ص ۴۷۴.

و دوری از زشـــتی‌ها و صداقـــت و اصلاح جان و روان و ســـجده‌های طولانی جزئی از دین پیشوایان است.

دین اساس زندگی

۷۸۷-۲۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اِعْلَمُوا اَنَّ مِلاكَ أمرِكُمْ الدِّينُ و عِصْمَتُكُم التَّقْوى؛[۱] بدانید که پایه و اســـاس کار شما دین است و نگهبان شما از (گناهان) تقواست.

بخل و دین‌داری

۷۸۸-۲۸ امام صادق علیه‌السلام:

ما رَأيتُ شَـــيئاً هُوَ اَضَرُّ فی دينِ المُسْلِمِ مِنَ الشُّـــحِّ؛[۲] چیزی را مضرتر از بخل در دین مسلمان نیافتم.

آفت دین‌داری

۷۸۹-۲۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

فَسَادُ الدِّينِ الطَّمَعُ؛[۳] فساد دین‌داری طمع است.

دین‌شناسی و عبادت

۷۹۰-۳۰ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

ما عُبِدَ اللّهُ عَزَّوَجلَّ بِشَیءٍ اَفْضَلَ مِنْ فِقهٍ فی دينٍ؛[۴] خداوند متعال به چیزی بافضیلت‌تر از فهم در دین عبادت نشده است.

---

۱. **نهج‌السعادة**، ج۱، ص۶۴۴.
۲. **مستدرک‌الوسائل**، ج۷، ص۳۱.
۳. **غرر الحکم**، ص۲۹۹.
۴. **بحارالأنوار**، ج۱، ص۲۱۳.

حفظ کردن دین با دنیا

۷۹۱-۳۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

صُــنْ دِينَكَ بدُنياكَ تَربَحُهُما وَ لاتَصُنْ دُنيــاكَ بِدِينِكَ فَتَخْسَرُهُما؛[۱] دین خود را با دنیایت حفظ کن، تا از هر دو سـود ببری و دین را وسیله حفظ دنیای خود قرار مده که هر دو را می‌بازی.

دین‌داری و پیمان‌شکنی

۷۹۲-۳۲ امام صادق علیه‌السلام:

لادِينَ لِمَنْ لاعَهْدَ لَهُ؛[۲] هرکس به عهد و پیمان خود پایبند نباشد، دین ندارد.

دین و پارسایی

۷۹۳-۳۳ امام رضا علیه‌السلام:

لادِينَ لِمَنْ لاوَرَعَ لَهُ؛[۳] هرکس پرهیزکار نباشد، دین ندارد.

یاوران دین

۷۹۴-۳۴ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اِنَّ دِينَ اللهِ تعالى لَن يَنصُرَهُ اِلّا مَنْ حاطَهُ مِن جميعِ جوانِبِهِ؛[۴] دین خدای تعالی را هرگز یاری نرساند، مگر کسی که از همه سو به آن احاطه داشته باشد.

---

۱. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۲، ص۶.
۲. **بحارالأنوار**، ج۸۱، ص۲۵۲.
۳. همان، ج۷۲، ص۳۹۵.
۴. **میزان‌الحکمة**، ج۴، ص۲۰۱.

جدل و دین‌سوزی

۷۹۵-۳۵ امام باقر علیه‌السلام:

اَلْخُصُومَةُ تَمحَقُ الدِّينَ وَ تُحْبِطُ العَمَلَ و تُورِثُ الشَّكَّ؛[۱] خصومت و جدال در مسائل دینی دین را نابود می‌کند و عمل را فرو می‌ریزد و موجب شک می‌شود.

نماز، پایه دین

۷۹۶-۳۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اُوصِيكُم بِالصَّلاةِ الّتي هِيَ عَمُودُ الدِّينِ وَ قِوامُ الإِسْلامِ فَلا تَغْفُلُوا عَنها؛[۲] شما را وصیت می‌کنم به نماز که ستون دین و قوام و دوام و استمرار اسلام به آن است؛ پس از نماز غافل نباشید.

دین و خوش‌اخلاقی

۷۹۷-۳۷ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

حُسنُ الخُلْقِ نِصْفُ الدِّينِ؛[۳] خلق و خوی نیکو نصف دین است.

دین و عقل

۷۹۸-۳۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلدِّينُ و الأَدَبُ نتيجَةُ العَقلِ؛[۴] دین و ادب نتیجه خرد است.

---

۱. **وسائل‌الشیعة**، ج۱۶، ص۲۰۰.
۲. **مستدرک‌الوسائل**، ج۳، ص۲۹.
۳. **وسائل‌الشیعة**، ج۱۲، ص۱۵۴.
۴. **میزان‌الحکمة**، ج۱، ص۱۰۵.

آسیب دین‌داری

۷۹۹-۳۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

غَلَبَةُ الهَوی تُفسِدُ الدِّینَ وَالْعَقْلَ؛[۱] غالب شدن و چیره گشتن هواهای نفسانی و امیال شهوانی، دین و عقل را فاسد می‌کند.

ملاک دین‌داری

۸۰۰-۴۰ امام سجاد علیه‌السلام:

اِنَّ اَلْمَعْرِفَةَ بِكَمالِ دینِ اَلْمُسْلِمِ تَرْكُهُ اَلْكَلامَ فِیما لایَعنِیهِ وَ قِلَّةُ الْمِراءِ وَ حِلْمُهُ وَ صَبْرُهُ و حُسْنُ خُلْقِهِ؛[۲] به راستی شناخت و کمال دین‌داری مسلمان، سخن نگفتن پیرامون چیزی است که به او ربطی ندارد، و کم جدال کردن و بردباری و شکیبایی و خوش‌خویی اوست.

---

۱. **غرر الحکم**، ص۶۴.

۲. **بحارالأنوار**، ج۲، ص۱۲۹.

چهل حدیث ذِکر

ناصر بهرامی

«ذکر» و یاد خدا، مهم‌ترین عاملی اســت که انسان را از گناه و خلاف باز می‌دارد و به قرب الهی می‌رساند.

همه پیامبران برای یادآوری میثاق فطرت آمده‌اند و رسولان الهی همه مذکّرِ و یادآوران پیام خدا و پیمان اویند. قرآن هم «ذِکر» است و نماز را هم «ذِکر خدا» معرفی می‌کند.

یاد نعمت‌ها انسان را به شکر می‌رساند و یاد قبر و قیامت، او را به عبادت و ترک گناه وا می‌دارد و یاد خدا آرامش روح و جان و انیس دل‌های بی‌قرار است. اولیا و بزرگان سیر و سلوک هم به «یاد خدا» به عنوان مهم‌ترین عامل خودسازی و تربیت و تهذیب روح و روان اشاره می‌کنند.

در اثر حاضر، از میان انبوه روایات گهربار معصومین علیهم‌السلام درباره یاد خدا به گزینش و ارائه چهل حدیث پرداخته شده که دل را صفا و نورانیت می‌بخشد.

اهمیت ذکر

۸۰۱-۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اَکْثِرُوا ذِکْرَ اللهِ حَتّی یَقُولُوا مَجْنُونٌ؛[۱] بسیار ذکر خدا بگویید تا مردم به شما بگویند دیوانه است.

برابری ذکر با جهاد

۸۰۲-۲ امام صادق علیه السلام:

اَلذّاکِرُ للهِ عَزَّوَجَلَّ فی الْغافِلینَ کالْمُقاتِلِ فِی الفَارِّینَ؛[۲] ذکر گوینده در میان غافلین، همانند مبارزی در میان فرار کنندگان است.

ذکر غیر خدا

۸۰۳-۳ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

کُلُّ قَوْلٍ لَیْسَ فِیهِ ذِکْرٌ فَهُوَ لَغْوٌ؛[۳] هر گفتاری که ذکر خدا در آن نباشد، لغو و باطل است.

کلید آسمان‌ها

۸۰۴-۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

لِکُلِّ شَیْءٍ مِفْتاحٌ وَ مِفْتاحُ السَّمواتِ قولُ لا اِلهَ اِلّا اللهُ؛[۴] هر چیزی کلیدی دارد و کلید آسمان‌ها گفتن «لا إله إلّا الله» است.

---

۱. **مکارم‌الأخلاق**، ص۳۱۱.
۲. **الکافی**، ج۲، ص۵۰۲.
۳. **بحارالأنوار**، ج۶۶، ص۴۵.
۴. **کنز العمال**، ج۱، ص۴۲۱.

ذکر و صدقه

۸۰۵-۵ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اَلذِّکْرُ خیرٌ مِنَ الصَّدَقَةِ؛[۱] ذکر خدا از صدقه دادن بهتر است.

عطای خوبی‌ها

۸۰۶-۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنْ اُعْطِیَ لِساناً ذاکِراً فَقَدْ اُعْطِیَ خَیْرُ الدُّنیا وَ الآخِرَةِ؛[۲] به هر کس که زبان ذاکر بخشیده شده، تمامی خوبی‌های دنیا و آخرت به او ارزانی شده است.

ذکر صیقل دل‌ها

۸۰۷-۷ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

اِنَّ اللهَ سُبْحانَهُ وَ تَعالی جَعَلَ الذِّکرَ جِلاءً لِلْقُلُوبِ؛[۳] به راستی خدای سبحان، ذکر و یاد خود را صیقل و روشنایی دل‌ها قرار داده است.

هم‌دمی ذکر با عقل

۸۰۸-۸ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

اَلذِّکْرُ یُونِسُ اللبِّ؛[۴] ذکر خدا با عقل همدمی می‌کند.

---

۱. همان.
۲. **الکافی**، ج۲، ص۴۹۸.
۳. **نهج‌البلاغة**، خطبه ۲۲۲.
۴. **غرر الحکم**، ص۱۸۹.

یاد خدا نور دل‌ها

۸۰۹-۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللهِ فَإِنَّهُ نُورُ الْقَلبِ؛[۱] بر تو باد به ذکر خدا، زیرا ذکر او روشنایی قلب است.

ذکر روشنایی عقل

۸۱۰-۱۰ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلذِّكْرُ نُورُ الْعَقْلِ؛[۲] یاد خدا، روشنایی عقل است.

مجازات ترک ذکر

۸۱۱-۱۱ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

تَرْكُ الذِّكْرِ يُمِيتُ النَّفْسَ؛[۳] ترک ذکر، مرگ و هلاکت جان است.

قوت جان‌ها

۸۱۲-۱۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

ذِكْرُ اللهِ قُوتُ النُّفُوسِ؛[۴] یاد خدا، غذای روح‌هاست.

داروی روان

۸۱۳-۱۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

ذِكْرُ اللهِ دَواءُ اَعْلالِ النُّفُوسِ؛[۵] یاد خدا، داروی دردهای روانی است.

---

۱. **تصنیف غرر الحکم**، ص۱۸۹.
۲. همان.
۳. **مجموعة ورام**، ج۲، ص۱۱۹.
۴. **غرر الحکم**، ص۱۸۹.
۵. همان، ص۱۸۸.

شرح صدر

۸۱۴-۱۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلذِّکْرُ یَشْرَحُ الصَّدْرَ؛[۱] ذکر گفتن، سینه را فراخ می‌کند (تحمل انسان را زیاد می‌کند).

یاد خدا و قساوت قلب

۸۱۵-۱۵ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

فَاِنَّ کَثْرَةَ الْکَلامِ بِغَیْرِ ذِکْرِ اللهِ تُقْسِی الْقُلُوبَ؛[۲] به راستی زیاد حرف زدن غیر از یاد خدا، قساوت قلب می‌آورد.

دوری از نفاق

۸۱۶-۱۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنْ اَکْثَرَ ذِکْرَ اللهِ فَقَدْ بَرِئَ مِنَ النِّفاقِ؛[۳] کسی که زیاد یاد خدا نماید، از نفاق دور می‌شود.

برطرف‌کنندهٔ اندوه‌ها

۸۱۷-۱۷ امام صادق علیه‌السلام:

اِذا تَوَالَتْ عَلَیْکَ الْهُمُومُ فَقُلْ: «لاحَوْلَ وَ لاقُوَّةَ اِلّا بِاللهِ»؛[۴] اگر اندوه و نگرانی‌ها تو را احاطه کرد، بگو: «لاحول و لاقوة إلا بالله».

---

۱. **عیون‌الحکم و المواعظ**، لیثی، ص۳۲؛ **غرر الحکم**، ص۱۸۹.
۲. **مستدرک‌الوسائل**، ج۵، ص۲۸۷.
۳. **میزان‌الحکمة**، ج۳، ص۴۲۱.
۴. **بحارالأنوار**، ج۹۰، ص۲۷۴؛ **الدعوات**، ص۸۳.

آثار اخروی

۸۱۸-۱۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلتَّسْبِيحُ نِصْفُ الْمِيزانِ، وَ الْحَمْدُللهِ يَمْلَأُ الْمِيزانَ، وَ اللهُ أَكْبَرُ يَمْلَأُ مابَيْنَ السَّماءِ وَ الأَرْضِ؛[1] سبحان الله گفتن نیمی از میزان را پر می‌کند، و الحمدلله گفتن تمام میزان اعمال را سرشار می‌سازد، و الله اکبر گفتن فاصله میان آسمان و زمین را از ثواب، لبریز و پر می‌سازد.

گنج بهشت

۸۱۹-۱۹ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اَكْثِرُوا مِنْ قَولِ: «لاحَوْلَ وَ لاقُوَّةَ اِلّا بِاللهِ» فَاِنَّها مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ؛[2] بسیار «لاحول و لاقوة إلّا بالله» بگویید که آن از گنج‌های بهشت است.

جواز ورود بهشت

۸۲۰-۲۰ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مَنْ قالَ: «لا اِلهَ إلاّ اللهُ» مُخْلِصاً، دَخَلَ الْجَنَّةَ وَ إِخْلاصُهُ بِهَا أَنْ يَحْجُزَهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ عَمَّا حَرَّمَ اللهُ؛[3] هرکس «لا إله إلا الله» را از روی اخلاص بگوید، داخل بهشت می‌گردد و اخلاصش به این است که گفتن «لا إله إلا الله» او را از آن‌چه خدا حرام کرده، بازدارد.

حسرت در قیامت

۸۲۱-۲۱ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

ما مِنْ ساعَةٍ تَمُرُّ بِابْنِ آدَمَ لَمْ يَذْكُرِ اللهَ فيها إلّا حَسَرَ عَلَيْها يَوْمَ الْقِيامَةِ؛[4] هر ساعتی

---

۱. **الکافی**، ج۲، ص۵۰۶.
۲. **کنز العمال**، ج۱، ص۴۵۴.
۳. **ثواب‌الأعمال**، ص۵.
۴. **کنز العمال**، ج۱، ص۴۲۴.

که بر آدمی‌زاد بگذرد و در آن ساعت به یاد خدا نباشد، در روز قیامت حسرت آن را خواهد خورد.

ایمن از عذاب

۸۲۲-۲۲ امام رضا علیه‌السلام به نقل از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

يَقُولُ اللهُ جَلَّ جَلالُهُ: «لا اِله إلّا اللهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَهُ اَمِنَ مِنْ عَذَابِي»؛[1] خدای تعالی فرموده است: «لا إله إلا الله» قلعه محکم من است و کسی که وارد آن شود، از عذاب من در امان است.

یاد خدا در شهر مکه

۸۲۳-۲۳ امام رضا علیه‌السلام:

اُذكُرِ اللهَ كَثِيراً فِي طَرِيقِكَ؛[2] در هنگام راه رفتن [در مکه] بسیار ذکر خدا کن.

یاد خدا هنگام غذا خوردن

۸۲۴-۲۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَكْثِرُوا ذِكْرَ اللهِ عَلَى الطَّعامِ؛[3] هنگام غذا خوردن، بسیار یاد خدا کنید.

یاد خدا در هر حال

۸۲۵-۲۵ امام صادق علیه‌السلام:

سَيِّدُ الاَعْمالِ... ذِكْرُ اللهِ عَزَّوَجَلَّ عَلى كُلِّ حالٍ؛[4] برترین اعمال... یاد کردن خدای عزّوجلّ در هر حال است.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۳، ص۵.
۲. **مستدرک‌الوسائل**، ج۹، ص۱۸۸.
۳. **بحارالأنوار**، ج۶۳، ص۳۷۴.
۴. **الکافی**، ج۲، ص۱۴۴.

یاد خدا در بازار

۸۲۶-۲۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَکْثِرُوا ذِکْرَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ اِذا دَخَلْتُمُ الاَسْواقَ وَ عِنْدَ اشْتِغالِ النّاسِ بِالتِّجارَاتِ فَإِنَّهُ کَفّارَةٌ لِلذُّنُوبِ وَ زِیادَةٌ فِی الْحَسَنَاتِ؛[1] هنگامی که داخل بازار می‌شوید و مردم به تجارت مشغول‌اند، ذکر خدا را زیاد بگویید؛ زیرا کفاره گناهان و موجب زیادی حسنات است.

ذکر خدا در خلوت

۸۲۷-۲۷ امام صادق علیه‌السلام:

شِیعَتُنا الّذِینَ اذا خَلَوْا ذَکَرُوا اللهَ کَثِیراً؛[2] شیعیان ما کسانی هستند که در خلوت، فراوان یاد خدا کنند.

ذکر خدا در هر مکان

۸۲۸-۲۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اُذکُروا اللهَ فِی کُلِّ مَکانٍ فَإِنَّهُ مَعَکُمْ؛[3] خدا را در هرجا یاد کنید که او در همه جا و همه حال با شما می‌باشد.

ذکر برتر (ذکر لا إله إلا اللّه)

۸۲۹-۲۹ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اَفْضَلُ الذِّکْرِ لا إِلهَ إِلاَّ اللهُ؛[4] برترین ذکر لا إله إلا الله است.

---

۱. **مستدرک الوسائل**، ج۵، ص۳۰۱.
۲. **وسائل الشیعة**، ج۷، ص۱۵۸.
۳. **بحارالأنوار**، ج۱۰، ص۹۲.
۴. **کنز العمال**، ج۱، ص۴۱۴.

پاداش ذکر پنهانی

۸۳۰-۳۰ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

يَفْضُلُ الذِّكْرُ الْخَفِيُّ الَّذِي لاتَسْمَعُهُ الْحَفَظَةُ عَلَى الَّذِي تَسْمَعُهُ سَبْعِينَ ضِعْفاً؛[1] ذکر پنهانی را که فرشتگان محافظ نشنوند، ۷۰ برابر برتر از ذکری است که آنان می‌شنوند.

بهترین بندگان

۸۳۱-۳۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اَفْضَلُ الْعِبادِ دَرَجَةً يَوْمَ الْقِيامَةِ الذّاكِرُونَ اللهَ كَثِيراً؛[2] برترین بندگان در روز قیامت کسانی هستند که بسیار ذکر خدا گویند.

برگزیدگان

۸۳۲-۳۲ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

اَهْلُ الذِّكْرِ اَهْلُ اللهِ وَ خاصَّتُهُ؛[3] اهل ذکر، مردان خدا و برگزیدگان و ویژگان اویند.

تشنگی در حال مرگ

۸۳۳-۳۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

كُلُّ اَحَدٍ يَمُوتُ عَطْشَانَ اِلّا ذاكِرَ اللهِ؛[4] همه کس تشنه می‌میرد، به جز کسی که ذکر خدا می‌گوید.

---

۱. همان، ص۴۴۷.
۲. همان، ص۴۱۵.
۳. **غرر الحکم**، ص۱۸۸.
۴. **بحارالأنوار**، ج۷۸، ص۲۴۰.

آسیب نرسیدن به ذاکر خدا

۸۳۴-۳۴ امام صادق علیه‌السلام:

اِنَّ الصَّواعِقَ لاتُصِیبُ ذاکراً؛[۱] صاعقه آسمانی به کسی که ذاکر خداست، آسیبی نمی‌رساند.

گرامی‌ترین آفریده خدا

۸۳۵-۳۵ امام صادق علیه‌السلام در مورد گرامی‌ترین مخلوق در نزد خدا فرمود:

اَکْثَرُهُمْ ذِکْراً لِلّهِ وَ أَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِهِ؛[۲] کسانی هستند که بیشتر به یاد خدا بوده و به راه‌های اطاعت او داناترند.

علامت دوستدار خدا

۸۳۶-۳۶ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

عَلامَةُ حُبِّ اللهِ حُبُّ ذِکْرِ اللهِ؛[۳] علامت و نشانه دوست‌دار خدا، دوست داشتن ذکر و یاد خداست.

انواع ذکر (ذکر زبانی و قلبی)

۸۳۷-۳۷ امام صادق علیه‌السلام:

اُذْکُرِ اللهَ بِقَلْبِكَ وَ لِسانِكَ؛[۴] با قلب و زبان خود به یاد خدا باش.

---

۱. **الکافی**، ج۲، ص۵۰۰.
۲. **وسائل الشیعة**، ج۷، ص۱۵۶.
۳. **مستدرک الوسائل**، ج۱۲، ص۲۲۵.
۴. همان، ج۵، ص۱۲۳.

اطاعت خدا

۸۳۸-۳۸ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنْ اَطاعَ اللّٰهَ فَقَدْ ذَکَرَ اللّٰهَ؛[1] مطیع خدا، ذاکر خداست.

یاد پیامبر صلی الله علیه و آله یاد خدا

۸۳۹-۳۹ امام صادق علیه السلام:

مَنْ ذَکَرَ اللّٰهَ کُتِبَتْ لَهُ عَشْرُ حَسَناتٍ وَ مَنْ ذَکَرَ رَسُولَ اللّٰهِ صلی الله علیه و آله کُتِبَتْ لَهُ عَشْرُ حَسَناتٍ لِاَنَّ اللّٰهَ قَرَنَ رَسُولَهُ بِنَفْسِهِ؛[2] کسی که خدا را یاد کند، برای او ۱۰ حسنه است و کسی که رسول خدا صلی الله علیه و آله را یاد کند، نیز برای او ۱۰ حسنه است، به جهت این‌که خداوند رسولش را به خودش نزدیک کرده.

یاد پیامبر صلی الله علیه و آله

۸۴۰-۴۰ امام صادق علیه السلام:

مَنْ دَعا وَ لم یَذْکُرِ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله رَفْرَفَ الدُّعاءُ عَلَی رَأْسِهِ؛ فَاِذا ذَکَرَ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله رُفِعَ الدُّعاءُ؛[3] کسی که دعا کند و بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات نفرستد، دعا از روی سرش تجاوز نمی‌کند؛ ولی هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله را یاد کند، دعایش بالا می‌رود.

---

۱. همان، ص۴۰۳.
۲. **وسائل الشیعة**، ج۷، ص۱۹۸.
۳. **الکافی**، ج۲، ص۴۹۱.

چهل حدیث روزه و رمضان

محمدتقی ادهم‌نژاد

روزه، یکی از واجبات دینی و برنامه‌های سودمند برای صحّت جسم و تعادل روح و رشد معنویّت در انسان و تقویت اراده او در مهار خواسته‌های نفسانی است.

ماه مبارک رمضان، از بهترین فرصت‌هایی است که می‌توان با برنامه روزه، به تقوا و تهذیب نفس و رحمت و مغفرت الهی رسید و با محرومان جامعه هم‌دردی کرد و تمرینی است برای مهار تمایلات نفسانی و خودسازی معنوی.

از این ماه شریف، با عنوان «شهر الله» یاد شده است و خداوند، پاداش ویژه روزه‌داران را بر عهده دارد. در آیات فراوان قرآن، نماز و روزه در کنار هم آمده است و این به بُعد عبادیِ این امساک روزانه اشاره می‌کند.

در منابع دینی، سخنان بسیار سودمندی درباره روزه، ماه رمضان، ادب روزه‌داری، آثار و نتایج صیام و توصیه به عبادت و تلاوت و احسان در این ماه شده است.

آن‌چه پیش روی شما است، برگزیده چهل حدیث از میان انبوه روایات در این موضوع است که از زبان پیشوایان دین نقل شده است.

روزه از پایه‌های اسلام

۸۴۱-۱ امام باقر علیه‌السلام:

بُنِیَ الإسلامُ عَلَی خَمْسٍ: اَلْوَلایَةِ وَ الصَّلاةِ وَ الزَّکاةِ وَ صَومِ شَهْرِ رَمَضانَ وَ الحَجِّ؛[1]

اسلام بر پنج پایه بنا شده است: ولایت، نماز، زکات، روزه ماه رمضان و حج.

رمضان یعنی نابودی گناهان

۸۴۲-۲ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اِنَّما سُمِّیَ الرَّمَضانُ لاَنَّهُ یَرْمَضُ الذُّنُوبَ؛[2] همانا رمضان، رمضان نامیده شده، چون گناهان را ذوب و نابود می‌سازد.

فرازی از خطبه شعبانیه

۸۴۳-۳ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

أَیُّها النّاسُ! إنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إلَیْکُم شَهْرُ اللهِ بِالبَرَکَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ شَهْرٌ هُوَ عِنْدَ اللهِ اَفْضَلُ الشُّهُورِ وَ أَیّامُهُ أَفْضَلُ الاَیّامِ وَ لَیالیهِ أَفْضَلُ اللیَالِی وَ ساعاتُهُ أَفْضَلُ السّاعاتِ وَ هُوَ شَهْرٌ دُعیتُم فِیهِ إلی ضِیافَةِ اللهِ وَ جُعِلْتُم فِیهِ مِنْ أَهْلِ کَرامَةِ اللهِ أَنْفاسُکُمْ فِیهِ تَسْبیحٌ وَ نَومُکُم فِیهِ عِبادَةٌ وَ عَمَلُکُمْ فِیهِ مَقْبُولٌ وَ دُعاؤُکُمْ فِیهِ مُسْتَجابٌ... وَ اذْکُرُوا بِجُوعِکُمْ وَ عَطَشِکُمْ فِیهِ جُوعَ یَوْمِ القیامَةِ وَ عَطَشَهُ وَ تَصَدَّقُوا عَلی فُقَرائِکُم وَ مَساکِینِکُم وَ وَقِّرُوا کِبارَکُمْ وَ ارحَمُوا صِغارَکُمْ وَ صِلُوا

---

۱. **وسائل الشیعة**، ج۱، ص۶۸.

۲. **میزان الحکمة**، ج۴، ص۱۷۶.

أَرْحَامَكُم وَ احْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَ غُضُّوا عَمّا لا يَحِلُّ النَّظَرُ إِلَيهِ أَبصَارُكُم؛[1] هان ای مردم! ماه خدا با برکت، رحمت و مغفرت به سوی شما رو آورده است؛ ماهی که نزد خدا بهترین ماه‌ها، و روزهایش بهترین روزها، و شب‌هایش بهترین شب‌ها و ساعات آن بهترین ساعات است و آن ماهی است که در آن به میهمانی خدا خوانده شده‌اید و از گرامیان خدا قرار داده شده‌اید. نفس‌هایتان در آن تسبیح و خواب‌تان عبادت و عملتان مقبول و دعایتان مستجاب است... با گرسنگی و تشنگی خود در آن، گرسنگی و تشنگی روز قیامت را یاد آورید و بر فقیران و مسکینان خود صدقه دهید و بزرگان خود را احترام کنید و به کوچک‌ترهایتان مهر بورزید و صله ارحام کنید و زبان‌های خود را نگه دارید و چشم‌هایتان را از چیزهایی که نگاه به آن روا نیست، بپوشانید.

عنایت الهی به امّت پیامبر

۸۴۴-۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

«أُعْطِيَتْ أُمَّتي فِي شَهْرِ رَمَضَانَ خَمْسا لَم يُعْطِهِنَّ أُمَّةُ نَبِيٍّ قَبْلي أَمَّا وَاحِدَةٌ فَإِذا كَانَ أَوَّلُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ نَظَرَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِمْ وَ مَنْ نَظَرَ اللهُ إِلَيْهِ لَمْ يُعَذِّبْهُ أَبَدا وَ أَمَّا الثّانِيَةُ: فَإِنَّ خُلُوفَ أَفْواهِمِ حِينَ يُمْسُونَ عِنْدَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ أَطيَبُ مِنْ رِيحِ المِسْكِ وَ أَمَّا الثّالِثَةُ: فَإِنَّ الْمَلائِكَةَ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُم فِي لَيْلِهِمْ وَ نَهارِهِمْ وَ أَمَّا الرّابِعَةُ: فَإِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ يَأْمُرُ جَنَّتَهُ أَنِ استَغْفِرِي وَ تَزَيَّنِي لِعِبادِي فَيُوشِكُ أَنْ يَذْهَبَ عَنْهُمْ نَصَبُ الدُّنيا وَ أَذاها وَيَصيرُوا إِلى جَنَّتي وَ كَرامَتي وَ أَمَّا الْخامِسَةُ: فَإِذا كَانَ آخِرُ لَيْلَةٍ غَفَرَلَهُم جَميعاً». فَقالَ رَجُلٌ: «فِي لَيلَةِ القَدْرِ يا رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله؟» فَقالَ صلی الله علیه و آله: «أَلَم تَرَ إِلَى العُمّالِ إِذا فَرَغُوا مِنْ أَعْمالِهِم وُفُّوا»؛[2] به امّت من در ماه رمضان پنج چیز داده شده که به امّت هیچ پیغمبری پیش از من داده نشده است:

اوّل: هرگاه شب اوّل ماه رمضان فرارسد، خداوند به سوی آنان نظر می‌کند و کسی که خدا به او نظر کرده، هرگز او را عذاب نمی‌کند؛

---

۱. **وسائل الشیعة**، ج ۱۰، ص ۳۱۳.
۲. **الخصال**، ج ۱، ص ۳۱۷.

دوم: بوی بد دهان آنان به هنگام غروب، نزد خدا خوش‌بوتر از بوی مشک است؛

سوم: ملائکه برای ایشان در شب و روز استغفار می‌کنند؛

چهارم: خداوند بلندمرتبه به بهشتِ خویش امر می‌کند که برای بندگان من استغفار نموده و خود را برای آنان تزئین کن؛ پس چه نزدیک است که سختی‌ها و اذیت‌های دنیا، آن‌ها را در خود فرو ببرد و به سوی بهشت من و کرامت من بروند؛

پنجم: هرگاه شب آخر فرارسد، خداوند همه آنان را می‌آمرزد.

[آن‌گاه] مردی گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! آیا در شب قدر این‌گونه می‌شود؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خیر، مگر ندیده‌ای که کارگران هرگاه کارشان تمام شود، مزد به آن‌ها می‌دهند؟»

روزه، سپر آتش جهنم

۸۴۵-۵ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اَلصَّومُ جُنَّةٌ مِنَ النّارِ؛[1] روزه، سپری در برابر آتش است.

گشوده شدن درهای آسمان

۸۴۶-۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اِنَّ اَبوابَ السَّماءِ تُفَتَّحُ فِی اَوَّلِ لَیْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضانَ وَ لاتُغْلَقُ إلَی آخِرِ لَیْلَةٍ مِنْهُ؛[2] همانا درهای آسمان در شب اوّل رمضان، گشوده می‌شود و تا شب آخر آن بسته نگردد.

زکات بدن

۸۴۷-۷ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

لِکُلِّ شَیءٍ زَکاةٌ وَ زَکاةُ البَدَنِ الصِّیامُ؛[3] برای هر چیزی، زکاتی است و زکات بدن روزه است.

---

۱. **الکافی**، ج۲، ص۱۸؛ **وسائل الشیعة**، ج۱۰، ص۳۹۵.
۲. **بحارالأنوار**، ج۹۶، ص۳۴۶.
۳. **تحف العقول**، ص۲۲۱.

آثار روزه‌خواری

۸۴۸-۸ امام صادق علیه‌السلام:

مَن اَفطَرَ یَوماً مِن شَهْرِ رَمَضانَ خَرَجَ مِنهُ رُوحُ الإیمانِ؛[۱] کسی که (عمداً) یک روز از روزه ماه رمضان را بخورد، روح ایمان از او خارج می‌شود.

روزه، باب عبادت

۸۴۹-۹ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

لِکُلِّ شَیْءٍ بابٌ و بابُ العَبادَةِ الصَّومُ؛[۲] برای هر چیزی دری است و دَرِ عبادت، روزه است.

رمضان بهار قرآن

۸۵۰-۱۰ امام باقر علیه‌السلام:

لِکُلِّ شَیءٍ رَبیعٌ وَ رَبیعُ القُرآنِ شَهْرُ رَمَضانَ؛[۳] برای هر چیزی بهاری است و بهار قرآن، ماه رمضان است.

ریزش رحمت الهی در رمضان

۸۵۱-۱۱ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اِنَّ للّهِ تَبارَکَ وَ تَعالی عِنْدَ فِطْرِ کُلِّ لَیْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضانَ عُتَقاءَ مِنَ النّارِ لایَعْلَمُ عَدَدَهُمْ إلّا اللّهُ، هُوَ فی عِلْمِ الْغَیْبِ عِنْدَهُ فَإذا کانَ آخِرُ لَیْلَةٍ مِنْهُ أَعْتَقَ فیها مِثْلَ ما أَعْتَقَ فی جَمیعِهِ؛[۴] هنگام افطار هر شب رمضان، برای خدای تبارک و تعالی آزاد شده‌هایی از آتش است که شمار آنان را جز خدا نداند که آن در علم غیب اوست، و چون آخرین شب ماه رمضان فرارسد، خدا در آن شب به شمارِ آن چه در همه ماه آزاد شده، آزاد کند.

---

۱. **مستدرک‌الوسائل**، ج۷، ص۴۰۳.
۲. **المحجة‌البیضاء**، ج۲، ص۱۲۲.
۳. **الکافی**، ج۲، ص۶۳۰.
۴. **فضائل الأشهر الثلاثة**، ص۱۰۷.

فواید روزه

۸۵۲-۱۲ امام صادق علیه‌السلام:

إِنَّما فَرَضَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ الصِّيامَ لِيَسْتَوِيَ بِهِ الغَنِيُّ وَ الْفَقيرُ وَ ذلِكَ أَنَّ الغَنِيَّ لَمْ يَكُنْ لِيَجِدَ مَسَّ الجُوعِ فَيَرْحَمَ الفَقيرَ لِأَنَّ الغَنِيَّ كُلَّما أَرادَ شَيئاً قَدَرَ عَلَيهِ، فَأَرادَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يُسَوِّيَ بَيْنَ خَلْقِهِ، وَ أَنْ يُذيقَ الغَنِيُّ مَسَّ الْجُوْعِ وَالْأَلَمِ لِيَرِقَّ عَلَى الضَّعيفِ وَ يَرْحَمَ الجائِعَ؛[1] خداوند روزه را واجب کرد تا با آن، ثروتمند و فقیر مساوی شوند و این برای آن است که ثروتمند رنج گرسنگی را احساس نمی‌کند تا به مستمند رحم کند؛ چون دارا و ثروتمند هر وقت چیزی را بخواهد آن را به دست می‌آورد؛ از این‌رو خداوند اراده فرمود که بین خلق خود تساوی برقرار کند و این‌که ثروتمند، [رنج] گرسنگی و درد را بچشد، تا بر ضعیف رقّت آورد و بر گرسنه رحم کند.

پاداش افطاری دادن

۸۵۳-۱۳ امام صادق علیه‌السلام به سدیر فرمود:

يا سُدَيْرُ! إِفْطارُكَ أَخاكَ الْمُسْلِمَ يَعْدِلُ رَقَبَةً مِنْ وُلْدِ إسماعِيلَ علیه‌السلام؛[2] ای سدیر! همانا ثواب افطاری دادن به برادر مسلمانت، برابر است با آزاد کردن بنده‌ای از اولاد اسماعیل علیه‌السلام.

تزیین بهشت

۸۵۴-۱۴ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اِنَّ الْجَنَّةَ لَتَنَجَّدُ وَ تُزَيَّنُ مِنَ الْحَوْلِ اِلَى الْحَوْلِ لِدُخُولِ شَهْرِ رَمَضانَ؛[3] همانا بهشت به خاطر دخول ماه رمضان، از این سال تا سال دیگر، تزئین، آراسته و نیکو می‌گردد.

---

۱. **وسائل‌الشیعة**، ج۷، ص۳.
۲. **تهذیب‌الأحکام**، ج۴، ص۲۰۱.
۳. **مستدرک‌الوسائل**، ج۷، ص۴۲۹؛ **سفینة‌البحار**، ج۲، ص۶۷.

ثواب تلاوت آیات الهی

۸۵۵-۱۵ امام رضا علیه‌السلام:

مَنْ قَرَأَ فِی شَهْرِ رَمَضَانَ آیةً مِن کِتَابِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ کانَ کَمَنْ خَتَمَ القُرآنَ فِی غَیْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ؛[1] هرکس در ماه رمضان آیه‌ای از کتاب خدا (قرآن) بخواند، مانند کسی است که قرآن را در دیگر ماه‌ها ختم کرده باشد.

بهشت مخصوص روزه‌داران

۸۵۶-۱۶ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اِنَّ فِی الجَنَّةِ بَاباً یُقالُ لَهُ: الرَّیَّانُ لایَدْخُلُ مِنْهُ إلّا الصَّائِمُونَ؛[2] همانا در بهشت دری است به نام «ریّان» که فقط روزه‌داران از آن دَر وارد می‌شوند.

مراقبت‌های اخلاقی

۸۵۷-۱۷ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مَنْ صامَ شَهْرَ رَمْضانَ فَاجْتَنَبَ فِیهِ الْحَرامَ وَالْبُهتانَ رَضِیَ اللهُ عَنْهُ وَأَوْجَبَ لَهُ الْجِنَانَ؛[3] هر کس ماه رمضان را روزه بگیرد و در آن از حرام و بهتان بپرهیزد، خداوند از او خشنود می‌شود و بهشت را برایش واجب می‌گرداند.

اخلاق روزه‌دار

۸۵۸-۱۸ امام صادق علیه‌السلام:

«إذا صُمْتَ فَلْیَصُمْ سَمْعُكَ وَ بَصَرُكَ وَ شَعْرُكَ وَ جِلْدُكَ»؛ وَ عَدَّدَ أَشْیاءَ غَیْرِ هَذَا

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۹۶، ص۳۴۱.
۲. **مستدرک‌الوسائل**، ج۷، ص۵۰۲.
۳. **بحارالأنوار**، ج۹۳، ص۳۴۶؛ **مستدرک‌الوسائل**، ج۷، ص۴۲۳.

وَقالَ: «وَ لا یَکُونُ یَومُ صَومِكَ کَیَوْمِ فِطْرِكَ»[1]؛ «وقتی روزه گرفتی، باید همه اعضای تو روزه باشند؛ گوش تو، چشم تو، موی تو و پوست تو»؛ و حضرت اعضای دیگری را نیز برشمرد و فرمود: «روزِ روزه‌داری‌ات همانند روزِ افطارت نباشد».

روزه داری در گرما

۸۵۹-۱۹ امام صادق علیه‌السلام:

اَفْضَلُ الْجِهَادِ الصَّومُ فِی الحَرِّ؛[2] برترین جهاد، روزه گرفتن در گرماست.

ترک گناه در رمضان

۸۶۰-۲۰ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مَنْ صامَ شَهْرَ رَمَضانَ فَحَفِظَ فیهِ نَفْسَهُ مِنَ الْمَحارِمِ دَخَلَ الجَنَّةَ؛[3] هرکس ماه رمضان را روزه بگیرد و خود را در آن ماه از حرام‌ها باز دارد، به بهشت درآید.

پاداش افطاری

۸۶۱-۲۱ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مَنْ فَطَّرَ مِنْکُم صائِماً مُؤمِناً فی هذا الشَّهرِ کانَ لَهُ بِذلِكَ عِندَاللهِ عِتقُ رَقَبَةٍ وَ مَغْفِرَةٌ لِما مَضَی مِن ذُنُوبِهِ؛[4] کسی که روزه‌دار مؤمنی را در ماه رمضان افطاری دهد، نزد خداوند اجر آزاد کردن بنده‌ای دارد و موجب آمرزش همه گناهان گذشته او می‌شود.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۹۶، ص۳۷۶؛ **تهذیب‌الأحکام**، ج۴، ص۱۹۴.
۲. **مستدرک‌الوسائل**، ج۷، ص۵۰۴.
۳. **فضائل الأشهر الثلاثة**، ص۱۰۷.
۴. **بحارالأنوار**، ج۹۳، ص۳۵۶.

افطار با شیر

۸۶۲-۲۲ امام صادق علیه‌السلام:

اِنَّ عَلِیّاً علیه‌السلام کانَ یَسْتَحِبُّ أَنْ یُفْطِرَ عَلَی اللَّبَنِ؛[۱] حضرت علی علیه‌السلام دوست می‌داشت با شیر افطار کند.

صدقه وقت افطار

۸۶۳-۲۳ امام رضا علیه‌السلام:

مَن تَصَدَّقَ وَقتَ إفطارِهِ عَلَی مِسْکِینٍ بِرَغِیفٍ غَفَرَ اللّهُ لَهُ ذَنبَهُ؛[۲] کسی که هنگام افطار، گرده‌نانی به مسکینی صدقه بدهد، خداوند گناه او را می‌آمرزد.

اجابت دعای روزه‌دار

۸۶۴-۲۴ امام کاظم علیه‌السلام:

دَعوَةُ الصّائِمِ یُستَجابُ عِندَ إفطارِهِ؛[۳] دعای انسان روزه‌دار در هنگام افطار پذیرفته است.

پاداش افطاری‌دهنده

۸۶۵-۲۵ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مَن فَطَّرَ صائِماً کانَ لَهُ مِثلُ أَجرِهِ؛[۴] هرکس روزه‌داری را افطار دهد، نظیر پاداش وی را دارد.

---

۱. **تهذیب‌الأحکام**، ج۴، ص۱۹۹.
۲. **وسائل‌الشیعة**، ج۱۰، ص۳۱۶.
۳. **سفینة‌البحار**، ج۲، ص۶۴.
۴. **تهذیب‌الأحکام**، ج۴، ص۲۰۱.

عطر روزه‌دار

۸۶۶-۲۶ امام صادق علیه‌السلام:

اَلطِّیبُ تُحْفَةُ الصَّائِمِ؛[۱] عطر، ارمغان روزه‌دار است.

غیبت ممنوع

۸۶۷-۲۷ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اَلصَّائِمُ فِی عِبادَةٍ وَ اِنْ کانَ نائِماً عَلَی فِراشِهِ ما لَمْ یَغْتَبْ مُسْلِماً؛[۲] روزه‌دار همواره در عبادت است، هرچند در بسترش خوابیده باشد، مادامی که غیبت مسلمانی را نکند.

حرمت ماه رمضان

۸۶۸-۲۸ امام صادق علیه‌السلام:

اِنَّ عَلِیّاً علیه‌السلام أُوتِیَ بِرَجُلٍ مُفطِرٍ فِی شَهْرِ رَمَضانَ نَهاراً مِن غَیرِ عِلَّةٍ فَضَرَبَهُ تِسعَةً وَ ثَلاثِینَ سَوطاً حَقَّ شَهرِ رَمَضانَ حَیثُ أَفطَرَ فِیهِ؛[۳] مردی را که در روز ماه رمضان بدون عذر (شرعی) اقدام به روزه‌خواری کرده بود، نزد حضرت علی علیه‌السلام آوردند. آن حضرت جهت ادای حق ماه رمضان ۳۹ تازیانه بر وی نواخت.

فضیلت قرائت سوره قدر

۸۶۹-۲۹ امام صادق علیه‌السلام:

مَن قَرَأَ القَدْرَ عِندَ سُحُورِهِ وَ عِندَ إفطارِهِ إلّا کانَ بَینَهُما کَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِی سَبیلِ اللهِ؛[۴] ثواب کسی که سوره قدر را در سحرها و هنگام افطار تلاوت کند در فاصله سحر و افطار همانند کسی است که در راه خدا در خون خود غلتیده باشد.

---

۱. همان، ص۲۶۵.
۲. **بحارالأنوار**، ج۷۴، ص۱۵۲.
۳. **وسائل الشیعة**، ج۱۰، ص۴۶۸.
۴. **بلد الأمین**، ص۲۳۲.

آرامش مومن

۸۷۰-۳۰ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

ثَلاثُ رَاحَاتٍ لِلمُؤمِنِ لِقاءُ الإِخوانِ وَ إِفطارُ الصَّائِمِ وَ التَّهَجُّدُ مِنْ آخِرِ اللَّيلِ؛[1] سه چیز (در دنیا) برای مؤمن آرامش دارد:

۱. ملاقات با برادران دینی؛

۲. باز کردن روزه (افطار کردن روزه‌دار)؛

۳. شب‌زنده‌داری در آخر شب.

دعای وقت افطار

۸۷۱-۳۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام در هنگام افطار، این‌گونه دعا می‌فرمود:

بِسْمِ اللهِ؛ اَللهُمَّ لَكَ صُمْنا وَ عَلى رِزْقِكَ اَفطَرنا فَتَقَبَّلْ مِنّا اِنَّكَ اَنْتَ السَّميعُ العَليمُ؛[2] به‌نام خدا؛ خدایا! برای تو روزه گرفتیم و به روزی‌ات افطار کردیم؛ پس بپذیر از ما، زیرا تو شنوا و دانایی.

زمستان بهار روزه‌دار

۸۷۲-۳۲ امام صادق علیه‌السلام:

الصَّومُ فِي الشِّتَاءِ هُوَ الْغَنِيمَةُ البارِدَةُ؛[3] روزه در زمستان، غنیمت و بهره خنک بودن است.

---

۱. **مستدرک‌الوسائل**، ج۷، ص۳۵۵.
۲. **الکافی**، ج۴، ص۹۵.
۳. **وسائل‌الشیعة**، ج۱۰، ص۴۱۴.

خودسازی، معنویت و رمضان (روزه قلب)

۸۷۳-۳۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

صَومُ القَلْبِ خَيرٌ مِنْ صِيامِ اللِّسانِ وَ صِيامُ اللِّسانِ خَيْرٌ مِنْ صِيامِ الْبَطْنِ؛[1] روزه دل بهتر از روزه زبان است، و روزه زبان از روزه شکم برتر است.

ملاقات روزه‌دار با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله

۸۷۴-۳۴ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

الصَّائِمُ يَفرَحُ بِفَرحَتَينِ حِينَ يُفطِرُ فَيَطْعَمُ وَ يَشرَبُ وَ حِينَ يَلقانِي فَأُدْخِلُهُ الجَنَّةَ؛[2]

روزه‌دار به دو خوشحالی مسرور می‌شود: ۱. وقت افطار، هنگامی که می‌خورد و می‌آشامد. ۲. وقتی که مرا دیدار می‌کند و او را وارد بهشت می‌کنم.

استحباب نماز قبل از افطار

۸۷۵-۳۵ امام صادق علیه‌السلام:

يُستَحَبُّ لِلصَّائِمِ إِن قَوِيَ عَلى ذلِكَ أَن يُصَلِّيَ قَبلَ أَن يُفطِرَ؛[3] خوب و پسندیده است که اگر روزه‌دار توانایی دارد، نمازش را قبل از افطار بخواند.

روزه و ایمان

۸۷۶-۳۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إيماناً وَ احْتِساباً، دَخَلَ الجَنَّةَ؛[4] هرکس ماه رمضان را با ایمان و برای رضای خدا روزه بدارد، به بهشت درآید.

---

۱. **غرر الحکم**، ص۴۲۳.
۲. **بحارالأنوار**، ج۹۳، ص۲۴۹.
۳. **تهذیب‌الأحکام**، ج۴، ص۱۹۹.
۴. **فضائل الاشهر الثلاثة**، ص۱۰۷.

شروع افطاری با رطب و خرما

۸۷۷-۳۷ امام صادق علیه‌السلام:

كانَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله يُفطِرُ عَلَى التَّمرِ فى زَمَنِ التَّمرِ وَ عَلَى الرُّطَبِ فى زَمَنِ الرُّطَبِ؛[1]

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله افطار خود را با تمر (خرمای کاملاً رسیده و خشک شده) در زمان تمر و در فصل رطب با رطب (خرمای رسیده قبل از خرما شدن) باز می‌کرد.

بازکردن روزه با حلوا

۸۷۸-۳۸ امام صادق علیه‌السلام:

كانَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله إذا اَفطَرَ بَدَأَ بِحَلَواءَ يُفطِرُ عَلَيها فَإنْ لَم يَجِدْ فَسُكَّرَةٍ اَو تَمَرَاتٍ؛[2]

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله هنگام افطار ابتدا با حلوا (نوعی شیرینی) روزه خود را باز می‌کرد و در صورت نبودن آن، با هر نوع شیرینی یا چند دانه خرما افطار می‌کرد.

دعای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به روزه داران

۸۷۹-۳۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

كانَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله إذا اَفْطَرَ عِندَ قَومٍ قالَ: «أَفطَرَ عِندَكُمُ الصَّائِمُونَ وَ أَكَلَ طَعامَكُمُ الأَبرارُ وَ صَلَّتْ عَلَيْكُمُ الأَخيارُ»؛[3] رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله زمانی که نزد گروهی یا خانواده‌ای افطار می‌فرمودند، این چنین دعا می‌فرمودند: «روزه‌داران بر سفره‌تان بنشینند و نیکان از طعام‌تان بخورند و برگزیدگان بر شما درود بفرستند».

---

۱. **الکافی**، ج۴، ص۱۵۳.
۲. همان.
۳. **وسائل الشیعة**، ج۱۰، ص۲۱۷.

دعاهای مستجاب

۸۸۰-۴۰ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

ثَلاثٌ حَقٌّ على اللهِ أنْ لايَرُدَّ لَهُمْ دَعْوَةً: الصَّائِمُ حَتّى يُفْطِرَ، وَالْمَظْلُومُ حَتّى يَنْتَصِرَ وَالمُسافِرُ حَتّى يَرْجِعَ؛[1] بر خدا لازم است که دعای سه کس را رد نکند: روزه‌دار، تا افطار کند، و ستمدیده تا ظلم از او دفع شود، و مسافر [در صورتی که سفرش عبادی باشد] تا به وطن خود بازگردد.

۱. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۲، ص۱۳۴.

چهل حدیث رؤیا

عبدالرحیم سیفی‌نژاد

یکی از شـــگفتی‌ها و مظهر قدرت‌نمایی پروردگار، خواب و رؤیای انســـان است. خواب، وسیله‌ای برای استراحت جسم و تجدید قواست و خواب دیدن، سیری روحانی در عوالم ناشناخته است و از برهان‌های محکم تجرّد نفس و بُعد غیر مادّی وجود انسان.

خواب‌ها، گاهی بازتاب افکار و حالات و اعمال روزانه انسان است، گاهی هم خبر از وقایعی می‌دهد که اتّفاق خواهد افتاد.

در تعابیـــر دینی هم «اضغاث احلام» اســـت، که به معنای خواب‌های آشـــفته و بی‌تعبیر است، هم «رؤیای صادقه» به کار رفته که بازتاب حقایقی از عالم مجرّدات و معنویات بر روح انسان است؛ نمونه آن، خواب حضرت یوسف علیه‌السلام و رؤیای حضرت ابراهیم علیه‌السلام است.

در روایات اســـلامی، نکات سودمندی درباره خواب دیدن مطرح شده است. تعبیر خواب هم فنّی اســـت که خدای متعال به بعضی از بندگانـــش عطا می‌کند تا رؤیاها را تفسیر و معنی کنند.

آن‌چه پیش روی شماســـت، برگزیده چهل حدیث از گنجینه روایات معصومین علیهم‌السلام درباره خوابیدن، خواب دیدن و انواع رؤیاها و آداب دینی درباره خوابیدن است.

سرچشمه رؤیا

۸۸۱-۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

الرُّؤيَا الصَّالِحَةُ مِنَ اللهِ وَالرُّؤيَا السُّوءُ مِنَ الشَّيطانِ؛[۱] خوابِ خوب دیدن از الطاف خداوند و رؤیای بد از سوی شیطان است.

اقسام رؤیا

۸۸۲-۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

الرُّؤيا ثَلاثَةٌ: بُشْرى مِنَ اللهِ وَتَحْزينٌ مِنَ الشَّيطانِ وَالَّذى يُحَدِّثُ بِهِ الاِنسانُ نَفْسَهُ، فَيَراهُ فى مَنامِهِ؛[۲] خواب دیدن بر سه گونه است:

ـ خوابی که بشارت است از سوی خدا؛

ـ خواب‌های آشفته و ناراحت کننده شیطانی؛

ـ چیزی که انسان در فکر آن می‌باشد و در خواب می‌بیند.

رؤیای صادق

۸۸۳-۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنْ لَمْ يُؤمِنْ بِالرُّؤْيَا الصَّادِقَةِ فَاِنَّهُ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللهِ وَ رَسُولِهِ؛[۳] کسی که به خواب راست اعتقاد ندارد، به خدا و رسول او ایمان ندارد.

---

۱. **کنز العمال**، ج۱۵، ص۳۶۴.
۲. **بحارالأنوار**، ج۶۱، ص۱۹۱.
۳. **کنز العمال**، ج۱۵، ص۳۷۱.

ستاره پیامبر

۸۸۴-۴ شخصی از اهل خراسان به امام رضا علیه‌السلام گفت: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را در خواب دیدم، مثل این‌که به من می‌گوید: زمانی که پاره تن و ستاره‌ام در خاک شما مدفون و پنهان شود، چگونه خواهید بود؟ امام رضا علیه‌السلام فرمود:

أَنَا الْمَدْفُونُ فِي أَرْضِكُم وَ أَنَا بَضْعَةٌ مِنْ نَبِيِّكُمْ وَأَنَا الْوَدِيعَةُ وَالنَّجْمُ؛[1] من در خاک شما مدفون می‌شوم، من پاره تن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امانت و ستاره او هستم.

بشارت مؤمن

۸۸۵-۵ شخصی در مورد آیه ۶۴ سوره یونس که اولیای خدا را بشارت دنیوی می‌دهد، از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله پرسید، ایشان فرمود:

هِيَ الرُّؤْيَا الْحَسَنَةُ، يَرَى الْمُؤْمِنُ فَيُبَشَّرُ بِها فِي دُنْيَاهُ؛[2] این بشارت همان خواب دیدنِ نیک مؤمن است که با آن در دنیا بشارت داده می‌شود.

مژده سحر

۸۸۶-۶ امام رضا علیه‌السلام:

إِنَّ رَسُولَ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله كانَ إِذا أَصْبَحَ قالَ لِأَصْحَابِهِ: «هَلْ مِنْ مُبَشِّراتٍ؟»؛ يَعْنِي بِهِ الرُّؤْيا؛[3] رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله هر روز صبح به اصحاب خود می‌فرمود: «آیا از بشارت‌دهنده‌ها چیزی دارید؟» منظور آن حضرت از بشارت‌دهنده‌ها رؤیا بود.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۴۹، ص۲۸۳.
۲. **الکافی**، ج۸، ص۹۰.
۳. همان.

اصحاب خرد

۸۸۷-۷ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اُولُوا النُّهی اُولُوا الاَحْلامِ الصّادِقَةِ؛[۱] صاحبان خرد کسانی هستند که خواب‌های راست می‌بینند.

مقام نبوت

۸۸۸-۸ امام صادق علیه السلام:

رَأیُ الْمُؤْمِنِ وَ رُؤیاهُ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِینَ جُزْءاً مِنَ النُّبُوَّةِ وَ مِنْهُم مَنْ یُعْطَی عَلَی الثُّلْثِ؛[۲] اعتقاد و خواب مؤمن، قسمتی از ۷۰ قسم نبوّت است و به بعضی از مؤمنان یک سوم مقام نبوت داده می‌شود.

میراث پیامبران

۸۸۹-۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اَلا! اِنَّهُ لَمْ یَبْقَ مِنْ مُبَشِّراتِ النُّبُوَّةِ إلاّ اَلرُّؤْیَا الصّالِحَةُ یَراها الْمُسلِمُ أو تُری لَهُ؛[۳] آگاه باشید! همانا از بشارت‌های پیامبری، جز خواب دیدنِ شایسته باقی نمانده، که آن را مسلمان در خواب می‌بیند، یا برای او در خواب دیده می‌شود.

رؤیای راستین

۸۹۰-۱۰ رسول خدا صلی الله علیه و آله را نگران دیدند، وقتی علت را جویا شدند، فرمود:

وَکَیْفَ لا أکُونُ کَذلِكَ وَقَدْ رَأَیْتُ فِی لَیْلَتی هذِهِ أَنَّ بَنِی تَیمٍ و بَنی عَدِیٍّ وَبَنی اُمَیَّةَ یَصْعَدُونَ مِنْبَری هذا یَرُدُّونَ النّاسَ عَنِ الاِسْلامِ القَهْقَری؟ فَقُلْتُ: «یا ربِّ! فی حَیاتی

---

۱. **مستدرک‌الوسائل**، ج۶، ص۳۳۴.
۲. **بحارالأنوار**، ج۵۸، ص۱۹۱.
۳. همان، ص۱۹۲.

أَوْ بَعْدَ مَوتی؟» فَقالَ: «بَعدَ مَوْتِكَ»؛[1] چگونه ناراحت نباشم در حالی که دیشب در خواب دیدم بنی‌تیم، بنی‌عدی و بنی‌امیه بر منبر من نشسته‌اند و مردم را از اسلام بر می‌گردانند؟ گفتم: «خدایا! این کار در زمان حیاتم صورت می‌گیرد یا بعد از موتم؟» خدا فرمود: «بعد از موت».

رؤیای مؤمن

۸۹۱-۱۱ رسول خدا ﷺ:

رُؤْيَا الْمُؤْمِنِ تَجْرِی مَجْرَی كَلامٍ تَكَلَّمَ بِهِ الرَّبُّ عِنْدَهُ؛[2] خواب دیدن مؤمن مانند کلامی است که خداوند نزد او گفته است.

بشارت‌ها

۸۹۲-۱۲ رسول خدا ﷺ فرمود:

لا نُبُوَّةَ بَعْدی اِلّا الْمُبَشِّراتُ، قیلَ: «یا رَسُولَ اللهِ! وَما الْمُبَشِّراتُ؟» قالَ ﷺ: «الرُّؤْیا الصّالِحَةُ»؛[3] بعد از من، إخباری نیست جز بشارت‌ها. گفته شد: «ای رسول خدا! آن بشارت‌ها چیست؟» حضرت فرمود: «خواب‌های نیکو».

خواب بی‌اساس

۸۹۳-۱۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلْمُسْتَثْقِلُ النّائِمُ تُكَذِّبُهُ اَحْلامُهُ؛[4] کسی که با شکم سنگین بخوابد، خواب بی‌اساس می‌بیند.

---

۱. همان، ص۱۶۸.
۲. همان، ص۲۱۰.
۳. همان، ص۱۹۲.
۴. **غررالحکم**، ص۳۶۰.

خواب پریشان

۸۹۴-۱۴ امام حسن عسکری علیه‌السلام:

مَنْ اَکْثَرَ الْمَنامَ رَأَی الْأَحْلامَ؛[۱] کسی که زیاد بخوابد، خواب‌های آشفته می‌بیند.

زکات و خواب

۸۹۵-۱۵ شخصی خواب آشفته‌ای دید و تعبیر آن را از امام صادق علیه‌السلام سؤال کرد. حضرت فرمود: «گویا زکات مالت را پرداخت نکردی». عرض کرد: «پرداخت کردم»، پس حضرت فرمود:

اِنْ کُنْتَ تُؤَدّیها لا تُؤَدّیها اِلی اَهْلِها؛[۲] اگر زکات مالت را پرداخت کرده‌ای، پس به صاحبانش نداده‌ای.

پرنده آسمانی

۸۹۶-۱۶ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

الرُّؤْیا عَلی رِجْلِ طائِرٍ ما لَمْ تُعَبَّرْ فَاِذا عُبِّرَتْ وَقَعَتْ وَلا تَقُصَّهَا اِلّا عَلَی وادٍّ وَ ذی رَأْیٍ؛[۳] خواب تا زمانی که تعبیر نشده [گویا] برپای پرنده‌ای بسته است، آن‌گاه که تعبیر شد واقع میشود؛ پس خواب خود را جز برای دوست صمیمی و آگاه به تعبیر خواب نقل نکن.

خواب قیلوله

۸۹۷-۱۷ امام صادق علیه‌السلام:

أَسْرَعُها تَأْویلاً رُؤْیَا الْقَیْلُولَةِ؛[۴] تعبیر خواب قیلوله از همه خواب‌ها سریع‌تر انجام می‌گیرد.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۵۸، ص۱۹۰.
۲. **المحاسن**، ج۱، ص۸۷.
۳. **میزان‌الحکمة**، ج۴، ص۱۸.
۴. **بحارالأنوار**، ج۵۸، ص۱۹۴.

بهترین رؤیا

۸۹۸-۱۸ از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که خواب دیدن در اوّل شب را خواب دروغین خواند و سپس فرمود:

وَ اَمَّـا الصّادِقَةُ اِذا رَآها بَعْدَ الثُّلُثَيْنِ مِنَ اللَّيْـلِ مَعَ حُلُولِ المَلائِكَةِ وَ ذلِكَ قَبْلَ السَّـحَرِ فَهِيَ صادِقَةٌ لا تَخْلِفُ إنْ شاءَ اللهُ اِلّا اَنْ يَكُونَ جُنُباً اَوْ يَكُونَ عَلى غَيرِ طُهْرٍ اَوْ لَمْ يَذْكُرِ اللهَ عَزَّوَجَلَّ حَقيقَةَ ذِكْرِهِ؛[1] زمان خواب راست موقعی است که دو سوم از شب بگذرد که هنگام ورود فرشتگان است و این وقت قبل از سحر است؛ چنین خوابی راست است، مگر این که بی‌وضو یا جنب باشد و یا این‌که به‌طور شایسته به یاد خدا نباشد.

از خواب تا تعبیر

۸۹۹-۱۹ شـخصی از امام صادق علیه‌السلام پرسید: «چه‌قدر ممکن است بین رؤیا و وقوع آن فاصله بیفتد؟» حضرت فرمود:

خَمْسـينَ سَـنَةً؛ لِأَنَّ النَّبِيَّ صلی‌الله‌علیه‌وآله رَأى كَأَنَّ كَلْباً كانَ أَبْقَعَ وَلَغَ فى دَمِهِ فَأَوَّلَهُ بِأَنَّ رَجُلاً يَقْتُلُ الْحُسَينَ اِبْنَ بِنْتِهِ علیهما‌السلام فَكانَ الشِّمْرَبنَ ذِى الْجَوْشَنِ قاتِلَ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام وَ كان اَبْرَصَ، فَتَأَخَّرَتِ الرُّؤْيا بَعْدَ خَمْسينَ سَنَةً؛[2] ۵۰ سال؛ زیرا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در خواب دید سگی که پیس بود، پوزه‌اش را به خون حضرتش آغشت؛ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله این‌گونه تعبیر کرد که: «مردی فرزندم حسین علیه‌السلام را می‌کشـد...». وقوع این تعبیر ۵۰ سال به طول انجامید و همان‌طوری که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دیده بود، شمربن ذی الجوشن قاتل امام حسین علیه‌السلام دچار بیماری برص (پیسی) بود.

---

۱. همان، ص۱۹۳.

۲. **بحارالأنوار**، ج۶۲، ص۶۰.

رؤیای رسول

۹۰۰-۲۰ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنْ رَآنی فی مَنامِهِ فَقَدْ رَآنی لاَنَّ الشَّـیْطانَ لا یَتَمَثَّلُ فی صُورَتی وَلا فی صُورَةِ اَحَدٍ مِنْ اَوْصیائی؛[1] هرکس مرا در خواب ببیند، در حقیقت مرا دیده است؛ زیرا شیطان به شکل من و به صورت هیچ‌یک از اوصیای من ظاهر نمی‌شود.

نقل رؤیا

۹۰۱-۲۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

لا تَقُصَّ الرُّؤْیا إلّا عَلی عالِمٍ اَوْ ناصِحٍ؛[2] خواب خود را جز برای عالم یا خیرخواه نقل نکن.

شرایط خواب‌گزار

۹۰۲-۲۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

الرُّؤْیـا لا تُقَصُّ اِلّا عَلی مُؤْمِنٍ خَلا مِنَ الْحَسَـدِ وَ البَغیِ؛[3] خواب جز برای مؤمنی که حسود و ستم‌گر نباشد، نباید نقل شود.

دیدار حق

۹۰۳-۲۳ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:

مَنْ رَآنی فِي الْمَنامِ فَقَدْ رَأَی الْحَقَّ؛[4] کسی که مرا در خواب ببیند، حقیقتاً مرا دیده است.

---

۱. همان، ج۵۸، ص۲۳۴.
۲. **میزان‌الحکمة**، ج۴، ص۱۸.
۳. **بحارالأنوار**، ج۶۱، ص۱۷۴.
۴. همان، ج۵۸، ص۲۳۴.

رؤیا در آخرالزمان

۹۰۴-۲۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اِذا اقْتَرَبَ الزَّمانُ لَمْ تَكَدْ رُؤْيا الْمُؤْمِنِ تَكْذِبُ وَ أَصْدَقُهُمْ رُؤْيًا اَصْدَقَهُمْ حَدِيثاً؛[1]

وقتی آخرالزمان فرامی‌رسد، هیچ‌گاه خواب‌های مؤمن دروغ نیست؛ راست‌ترین رؤیا از آنِ راست‌گوترین آن‌هاست.

مدعیان دروغین

۹۰۵-۲۵ ابراهیم کرخی از امام صادق علیه السلام پرسید: مردی در خواب خدای عزّوجلّ را دیده است؛ تعبیرش چگونه است؟ حضرت پاسخ داد:

ذلِكَ رَجُلٌ لا دينَ لَهُ، اِنَّ اللّهَ تَبارَكَ وَ تَعالى لا يُرَى فِى اليَقْظَةِ وَلا فِى الْمَنامِ وَلا فِى الدُّنيا وَلا فِى الْأخِرَةِ؛[2] او مردی بی‌دین است؛ زیرا ذات پاک خدا، نه در خواب دیده می‌شود، نه در بیداری، نه در دنیا و نه در آخرت.

خوشحالی دنیا

۹۰۶-۲۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

بُشْرَى الدُّنْيا الرُّؤْيَا الصّالِحَةُ؛[3] بشارت دنیا، خواب نیکوست.

آن‌چه نزد خداست

۹۰۷-۲۷ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

سَأَلْتُ رَسولَ اللهِ صلی الله علیه و آله عَنِ الرَّجُلِ يَنامُ فَيَرَى الرُّؤْيا فَرُبَّما كانَتْ حَقّاً وَ رُبَّما كانَتْ باطِلاً، فَقالَ رَسولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: «يا عَلِيُّ! ما مِنْ عَبْدٍ يَنامُ اِلاّ عُرِجَ بِرُوحِهِ اِلى رَبِّ الْعالَمينَ،

---

۱. همان، ص۱۹۲.
۲. همان، ص۱۶۷.
۳. **کنز العمال**، ج۱۵، ص۳۶۸.

فَما رَأی عِنْدَ رَبِّ الْعالَمِینَ فَهُوَ حَقٌّ، ثُمَّ اِذا اَمَرَ اللهُ الْعَزیزُ الْجَبّارُ بِرَدِّ رُوحِهِ اِلی جَسَدِهِ، فَصارَتِ الرُّوحُ بَیْنَ السَّماءِ وَ الاَرْضِ، فَما رَأَتْهُ فَهُوَ اَضْغاثُ اَحْلامٍ»؛[1] از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره کسی که خواب می‌بیند و گاهی حق است و گاهی باطل، سؤال کردم؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای علی! روحِ همه بندگان هنگام خواب به سوی خدا پرواز می‌کند؛ پس آن‌چه در خواب نزد خدا می‌بیند، حق است و هنگامی که خدا به روح انسان امر می‌کند، به طرف بدن برگردد، روح بین آسمان و زمین قرار می‌گیرد، آن‌چه در این هنگام می‌بیند، خواب‌های بی‌اساس و آشفته است».

عامل رؤیای آشفته

۹۰۸-۲۸ امام صادق علیه السلام:

اِنَّ لاِبْلیسَ شَیْطاناً یُقالُ لَهُ: «هُزَعُ» یَمْلاَءُ ما بَیْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ فی کُلِّ لَیْلَةٍ یَأْتِی النّاسَ فِی الْمَنامِ وَ لِهذا یَرَی الْاَضْغاثُ؛[2] به درستی که ابلیس عاملی دارد که به آن «هُزَع» گفته می‌شود؛ هر شب بین شرق و غرب عالم هنگام خواب سراغ مردم می‌رود، به‌خاطر همین آن‌ها خواب‌های آشفته این می‌بینند.

تعبیر خواب

۹۰۹-۲۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اِذا رَآی اَحَدُکُم الرُّؤیَا الْحَسَنَةَ فَلْیُفَسِّرْها وَ لْیُخْبِرْ بِها وَ اِذا رَآی الرُّؤْیَا الْقَبیحَةَ فَلا یُفَسِّرْها وَلا یُخْبِرْبِها؛[3] هرگاه خواب خوبی دیدید، آن را تفسیر کنید و به دیگران هم بگویید، اما اگر خواب بدی دیدید، تفسیر نکنید و به دیگران هم نگویید.

---

۱. **أمالی**، شیخ صدوق، ص۱۴۶.
۲. همان.
۳. **کنز العمال**، ج۱۵، ص۳۶۴.

رؤیای صحیح

۹۱۰-۳۰ ائمه معصومین علیهم‌السلام:

اَنَّ رُؤْيَا الْمُؤْمِنِ صَحيحَةٌ، لِاَنَّ نَفْسَهُ طَيِّبَةٌ و يَقينَهُ صَحيحٌ و تَخْرُجُ فَتَتَلَقَّى مِنَ الْمَلائِكَةِ فَهِيَ وَحْيٌ مِنَ اللهِ العَزيزِ الجَبّارِ؛[1] خواب دیدن مؤمن راست است؛ زیرا مؤمن وجودی پاک و اعتقادی صحیح دارد. [هنگام خواب] روحش خارج شده با ملائکه دیدار می‌کند؛ پس خواب دیدن او وحی است از طرف خداوند عزیز جبار.

رؤیای دروغ‌گو

۹۱۱-۳۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

لا يَكادُ يَصِحُّ رُؤْيَا الْكَذّابِ، لِاَنَّهُ يُخْبِرُ فِي الْيَقْظَةِ بِما لَمْ يَكُنْ فَأَحْرِبِهِ اَنْ يَرى فِي المَنامِ ما لايَكُونُ؛[2] هیچ‌گاه رؤیای دروغ‌گو صحیح نیست؛ زیرا او در بیداری خلاف واقع می‌گوید؛ پس سزاوار است آن‌چه در خواب می‌بیند، صحیح نباشد.

رؤیای شایسته

۹۱۲-۳۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلرُّؤْيَا الصّالِحَةُ اِحْدَى الْبِشارَتَيْنِ؛[3] رؤیای خوب یکی از بشارت‌های خداست.

هشدار در رؤیا

۹۱۳-۳۳ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اَلرُّؤْيَا الْمَكْرُوهَةُ زاجَرَكَ اللهُ تَعالى بِهَا؛[4] خواب ناپسند مانعی است که خداوند با آن تو را از بدی‌ها باز می‌دارد.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۵۸، ص۱۷۶؛ **جامع‌الأخبار**، ص۱۷۲.
۲. **شرح نهج البلاغة**، ابن ابی‌الحدید، ج۲۰، ص۳۴۵.
۳. **دارالسلام**، ج۱، ص۱۷.
۴. همان.

به هر خوابی اعتماد نکن

۹۱۴-۳۴ امام صادق علیه‌السلام:

لَوْ كانَتْ كُلُّها تَصْدُقُ لَكانَ النّاسُ كُلُّهُمْ اَنْبِياءَ وَ لَوْ كانَتْ كُلُّها تَكْذِبُ لَمْ يَكُنْ فيها مَنْفَعَةٌ بَلْ كانَتْ فَضْلاً لا مَعْنى لَهُ فَصارَتْ تَصْدُقُ اَحْياناً فَيَنْتَفِعُ بِهَا النّاسُ فى مَصْلَحَةٍ يَهْتَدى لَها اَوْ مَضَرَةٍ يَتَحَذَّرُ مِنْها وَ تَكْذِبُ كَثيراً لِئَلاّ يَعْتَمِدَ عَلَيْها كُلَّ الاِعْتِمادِ؛[1]

اگر همه خواب‌دیدن‌ها راست باشد، همه انسان‌ها که خواب می‌بینند، پیامبر خواهند شد و اگر همه دروغ باشد، بیهوده و بی‌فایده است؛ بنابراین گاهی راست و گاهی بی‌اساس هستند، در نتیجه مردم از خواب‌هایی که می‌بینند، در مصالح خود به وسیله آن‌ها هدایت شده و یا به زیان موضوعی پی‌برده و از آن دوری می‌کنند. بسیاری از خواب دیدن‌ها دروغ است تا مردم اعتماد کامل ننمایند.

اندیشه رؤیا

۹۱۵-۳۵ امام صادق علیه‌السلام به شاگردش مفضّل فرمود:

فَكِّرْ يامُفَضَّلُ! فِي الْأَحْلامِ كَيْفَ دَبَّرَ الاَمْرَ فيها فَمَزَّجَ صادِقَهَا بِكاذِبِها؛[2] ای مفضّل! درباره خواب دیدن‌ها بیندیش که چگونه امر در آن‌ها تدبیر نموده و خداوند راست و دروغ آن‌ها را با هم درآمیخته.

خواب پسندیده

۹۱۶-۳۶ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مَنْ رَأى فى مَنامِهِ خَيْراً فَلْيَحْمَدِ اللهَ وَلْيَشْكُرْهُ وَ مَنْ رَأى غَيْرَ ذلِكَ فَلْيَسْتَعِذْ بِاللهِ فَلا يَذْكُرْها فَاِنَّها لا تَضُرُّهُ؛[3] هرکس در خواب خود خیری بیند، باید خدا را حمد

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۵۸، ص۱۸۳.
۲. همان، ص۱۸۳.
۳. **کنز العمال**، ج۱۵، ص۳۷۳.

بگوید و شـــکر او نماید و هرکس غیر آن را ببیند، به خدا پناه ببرد و آن را نقل نکند که در این صورت به او ضرری نمی‌رساند.

اراده خدا

۹۱۷-۳۷ امام صادق علیه‌السلام:

اِذا كانَ الْعَبْدُ عَلى مَعْصِيَةِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ وَاَرادَ اللهُ بِهِ خَيْراً اَراهُ فى مَنامِهِ رُؤْياً تُرَوِّعُهُ فَيَنْزَجِرُ بِها عَنْ تِلْكَ الْمَعصِيَةِ، وَ اِنَّ الرُّؤْيَا الصّادِقَةَ جُزْءاً مِنْ سَبْعينَ جُزْءٍ مِنَ النُّبُوَّةِ؛[1]

هرگاه بنده‌ای گرفتار گناه شـــود و خدا نســـبت به او اراده خیر کند، در خوابش رؤیایی به او نشان می‌دهد که او را بترساند و به این وسیله از آن معصیت باز داشته شود، و همانا خواب راست جزئی از ۷۰ جزء نبوت است.

رؤیای پیامبران

۹۱۸-۳۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

رُؤْيَا الاَنْبِياءِ وَحْيٌ؛[2] خواب دیدن پیامبران وحی است.

رؤیای شیطانی

۹۱۹-۳۹ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اِذا حَلُمَ اَحَدُكُمْ فَلا يُحَدِّثِ النّاسَ بِتَلَعُّبِ الشَّيْطانِ فِي الْمَنامِ؛[3] زمانی که یکی از شما در خواب محتلم گردید، بازی خود با شیطان را برای مردم نقل نکند.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۵۸، ص۱۶۷.
۲. همان، ص۱۸۱.
۳. **کنز العمال**، ج۱۵، ص۳۴۶.

علت خواب‌ها

۹۲۰-۴۰ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

إنّ اللّهَ تعالى خَلَقَ الرُّوحَ و جَعَلَ لها سُلطانا فَسُلطانُها النَّفسُ، فإذا نامَ العَبدُ خَرَجَ الرُّوحُ و بَقِيَ سُلطانُهُ، فَيَمُرُّ بِهِ جِيلٌ مِن المَلائكةِ و جِيلٌ مِن الجِنِّ فمَهمَا كانَ مِن الرُّؤيَا الصَّادِقَةِ فمِنَ الملائكةِ و مَهمَا كانَ مِنَ الرُّؤيَا الكاذِبَةِ فَمِنَ الجِنِّ؛[1] خداوند متعال روح را بیافرید و برای آن فرمانروایی قرار داد، که همانا نفس است؛ پس هرگاه بنده بخوابد، روح از بدنش خارج شود و فرمانروای آن بماند، در این هنگام فوجی از فرشتگان و فوجی از جنّیان بر او می‌گذرند؛ پس اگر از رؤیاهای صادق باشد از فرشتگان مایه می‌گیرد، و اگر از خواب‌های دروغین باشد، از جنّیان سرچشمه می‌گیرد.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج ۴۰، ص ۲۲۲.

چهل حدیث زبان (سخن)

سید محمّدحسین حسینی ضیغمیان

یکی از شگفت‌ترین اجزای بدن و مهم‌ترین اعضا، «زبان» است که ما را به گفتار و بیان آن‌چه در درون داریم، قادر می‌سازد.

دستاورد زبان «سخن» است. سخن نیک یا بد؛ زشت یا زیبا، راست یا دروغ، در سعادت انسان تأثیر دارد و میزان عقل و فهم هرکس را از زبان و گفتارش می‌توان شناخت.

خداوند در قرآن کریم به نعمت «بیان» اشاره می‌کند[1] و انسان را مسئول گفته‌هایش می‌شناسد.

در احادیث ما، رهنمودهای فراوانی درباره کنترل زبان، پرهیز از دروغ و بهتان و غیبت، گفتار نرم و شایسته، زشتی بد زبانی و سخن چینی، و به کار گرفتن زبان در راه نیک و خداپسندانه وجود دارد که توجّه به آن رهنمودها مایه سعادت انسان در زندگی فردی و اجتماعی است.

---

۱. الرحمن/ ۴.

کلید خیر و شر

۹۲۱-۱ امام باقر علیه‌السلام:

اِنَّ هذا اللِّسانَ مِفتاحُ کُلِّ خَیْرٍ وَ شَرٍّ، فَیَنْبَغِی لِلْمُؤمِنِ اَنْ یَخْتِمَ عَلی لِسانِهِ کَما یَخْتِمُ عَلی ذَهَبِهِ وَ فِضَّتِهِ؛[1] به راستی این زبان کلید هر خیر و شری است؛ پس سزاوار است برای مؤمن که بر زبان خود قفل بزند، همان‌گونه که بر (گنجینه‌های) طلا و نقره خود مهر می‌زند.

سخن نیک یا سکوت

۹۲۲-۲ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مَنْ کانَ یُؤْمِنُ بِاللهِ وَ الْیَوْمِ الآخِرِ فَلْیَقُلْ خَیْراً اَوْ لِیَسْکُتْ؛[2] کسی که به خداوند و روز باز پسین ایمان دارد، یا باید سخن نیک گوید، یا سکوت کند.

روش نیکان

۹۲۳-۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

سُنَّةُ الاَخْیارِ لِینُ الْکَلامِ وَ اِفْشاءُ السَّلامِ؛[3] نرمی در گفتار و آشکارا سلام دادن، سنت و روش نیکان است.

---

۱. **تحف‌العقول**، ص۲۹۸.
۲. **وسائل‌الشیعة**، جلد ۱۲، ص۱۲۶.
۳. **غرر الحکم**، ص۴۳۵.

سخن نیک و آمرزش الهی

۹۲۴-۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اِنَّ مِنْ مُوجِباتِ الْمَغْفِرَةِ بَذلَ الطَّعامِ وَ إِفْشـاءَ السَّلامِ وَحُسْنَ الْكَلامِ؛[۱] غذا دادن به مؤمنان و آشکارا سلام کردن و به نیکی سخن گفتن، از عوامل آمرزش الهی است.

سخن نیکو، پاسخ خوش

۹۲۵-۵ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

اَجْمِلُوا فِی الْخِطابِ تَسْـمَعُوا جَمیلَ الْجَوابِ؛[۲] زیبا و آراسته سخن گویید تا جوابی زیبا و آراسته شنوید.

کم گویی پوشش گناهان

۹۲۶-۶ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

قِلَّةُ الْكَلامِ يَسْتُرُ الْعُيُوبَ، وَ يُقَلِّلُ الذُّنُوبَ؛[۳] کم‌گویی عیوب را می‌پوشاند، و گناهان را کم می‌کند.

چگونه با مردم سخن بگوییم؟

۹۲۷-۷ امام باقر علیه السلام:

قُولُوا لِلنّاسِ أَحْسَنَ ما تُحِبُّونَ اَنْ يُقالَ لَكُمْ؛[۴] با مردم سخن بگویید، به بهترین روشی که دوست دارید با شما سخن گفته شود.

---

۱. **مجموعة ورام**، ج۱، ص۱۷۰.
۲. **غرر الحکم**، ص۴۳۶.
۳. همان، ص۲۱۱.
۴. **بحارالأنوار**، ج۷۱، ص۱۶۱.

تأثیر سخن

۹۲۸-۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

رُبَّ كَلِمَةٍ سَلَبَتْ نِعْمَةً؛[۱] چه بسا کلامی که نعمتی را از انسان بگیرد.

بلاهای زبانی

۹۲۹-۹ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

بَلاءُ الإِنْسانِ مِنَ اللِّسانِ؛[۲] گرفتاری آدمی از زبان است.

حفظ زبان

۹۳۰-۱۰ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

نَجاةُ الْمُؤْمِنِ حِفْظُ لِسانِهِ؛[۳] نجات مؤمن در نگهداری زبان خویش است.

کم‌گویی نشانه عقل

۹۳۱-۱۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

إِذا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلامُ؛[۴] چون عقل کامل گردد، سخن اندک شود.

سخن افراد پست

۹۳۲-۱۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

سُنَّةُ اللِّئامِ قُبْحُ الْكَلامِ؛[۵] شیوه افراد پست، سخن زشت است.

---

۱. **غررالحکم**، ص۳۷۹
۲. همان، ج۶۸، ص۲۸۶.
۳. **وسائل‌الشیعة**، ج۱۲، ص۱۹۰.
۴. **نهج‌البلاغة**، حکمت ۷۱.
۵. **غرر الحکم**، ص۲۲۳.

خوش‌زبانی و دوستی

۹۳۳-۱۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَن لانَت کَلِمَتُهُ وَجَبَت مَحَبَّتُهُ؛[۱] هر کس گفتارش نرم باشد، دوستی‌اش لازم می‌گردد.

سخن و نیرومندی قلب

۹۳۴-۱۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

بَیانُ الرَّجُلِ یُنْبِیءُ عَنْ قُوَّةِ جَنانِهِ؛[۲] بیان و سخن استوار انسان، گویای قوت قلب و دلیری اوست.

دوری از ملامت، ثمره کلام نیک

۹۳۵-۱۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

عَوِّدْ لِسانَكَ حُسْنَ الْکَلامِ تَأْمَنُ الْمَلامَ؛[۳] زبانت را به کلام نیکو عادت بده تا از سرزنش در امان باشی.

ثمره خوش‌زبانی

۹۳۶-۱۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنْ عَذُبَ لِسانُهُ کَثُرَ اِخْوانُهُ؛[۴] کسی که خوش‌سخن و شیرین‌زبان باشد، برادران (دوستان) او بسیار شوند.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۷۱، ص۳۹۶.
۲. **غرر الحکم**، ص۶۷.
۳. همان، ص۲۱۰.
۴. همان، ص۴۳۶.

راه نیکوکاری

۹۳۷-۱۷ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مِن اَبْوابِ الْبِرِّ، طیبُ الْکَلامِ؛[۱] از راه‌کارهای نیکی، پاکیزگی و نیکویی کلام است.

عبادت و نرمی کلام

۹۳۸-۱۸ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

اِنَّ مِنَ الْعِبادَةِ لِینَ الْکَلامِ وَ اِفْشاءَ السَّلامِ؛[۲] نرم‌گفتاری و آشکارا سلام کردن، نوعی عبادت است.

پرهیز از بیهوده‌گویی

۹۳۹-۱۹ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

لاتُجْرِ لِسانَکَ اِلّا بِما یُکْتَبُ لَکَ اَجْرُهُ وَ یُجْمِلُ عَنْکَ نَشْرُهُ؛[۳] جز به سخنی که برای تو پاداش آورد و نشر آن از تو زیبا و پسندیده نماید، زبان نگشا.

انواع سخن

۹۴۰-۲۰ امام صادق علیه السلام:

اَلْکَلامُ ثَلاثَةٌ: صِدْقٌ، وَ کَذِبٌ وَ اِصْلاحٌ بَیْنَ النّاسِ؛[۴] کلام و سخن سه گونه است: راست‌گویی و دروغ‌گویی و کلامی که سبب اصلاح بین مردم شود.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۷۴، ص۶۳.
۲. **غرر الحکم**، ص۲۱۵.
۳. همان، ص۲۱۳.
۴. **وسائل الشیعة**، ج۱۲، ص۲۵۴.

خوش‌رویی و شیرین‌زبانی

۹۴۱-۲۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

وَ ابْـذُل لَهُمْ ما بَذَلُوا لَكَ مِنْ طَلاقَةِ الْوَجْهِ وَ حَلاوَةِ اللسَـانِ؛[۱] در برابر خوش‌رویی و شیرین‌زبانی [برادرانت] خوش‌رو و شیرین‌زبان باش.

پاکی کلام، راه بهشت

۹۴۲-۲۲ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

يُمَكِّنُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ طيبُ الْكَلامِ؛[۲] پاکی کلام، بهشت را برایتان فراهم می‌سازد.

اسباب نیکی

۹۴۳-۲۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

ثَلاثٌ مِنْ أَبْوابِ الْبِرِّ، سَـخاءُ النَّفْسِ وَ طِيبُ الْكَلامِ وَالصَّبرُ عَلَى الأَذَى؛[۳] سخاوت نفس و پاکی کلام و بردباری در برابر آزار دیگران، از سرچشمه‌های نیکی است.

معیار مسلمانی

۹۴۴-۲۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مِلاكُ الإسْلامِ صِدْقُ اللِّسانِ؛[۴] راستی در گفتار، معیار و ملاک مسلمان بودن است.

---

۱. **الکافی**، ج۲، ص۲۴۸.
۲. **مجموعة ورام**، ج۱، ص۱۱۰.
۳. **وسائل الشیعة**، ج۱۲، ص۱۲۵.
۴. **غرر الحکم**، ص۲۱۸.

رابطه آسایش با خوش‌گفتاری

۹۴۵-۲۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنْ حَسُنَ كَلامُهُ كانَ النُّجْحُ أَمامَهُ؛[۱] کسی که سخنش نیک و پسندیده باشد، راحتی و موفقیّت زندگی پیش رویش خواهد بود.

سخن نیک و حفظ زبان

۹۴۶-۲۶ امام صادق علیه‌السلام:

قُولُوا لِلنّاسِ حُسْناً، وَ أحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ؛[۲] با مردم سخن نیکو بگویید و زبانتان را (از گفتار ناشایست) حفظ کنید.

برکات خوش‌گفتاری

۹۴۷-۲۷ امام سجاد علیه‌السلام:

اَلْقَوْلُ الْحَسَنُ يُثْرِى الْمالَ، وَ يُنْمِى الرِّزْقَ وَ يُنْسِى فِى الأَجَلِ وَ يُحَبِّبُ إِلَى الْأَهْلِ وَ يُدْخِلُ الْجَنَّةَ؛[۳] سخن نیکو ثروت را زیاد می‌کند و روزی را با برکت و افزون می‌سازد و اجل را به تأخیر می‌اندازد و انسان را میان خانواده دوست‌داشتنی و او را شایسته بهشت قرار می‌دهد.

لطافت در کلام و محبوبیت

۹۴۸-۲۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

عَوِّدْ لِسانَكَ لينَ الْكَلامِ وَ بَذْلَ السَّلامِ، يَكْثُرْ مُحِبُّوكَ وَ يَقِلَّ مُبْغِضُوكَ؛[۴] زبانت را به لطافت و نرمی در کلام و سلام دادن به دیگران عادت ده، تا دوستانت بسیار و دشمنانت اندک شوند.

---

۱. همان، ص ۲۱۰.
۲. **بحارالأنوار**، ج ۶۸، ص ۳۱۰.
۳. همان، ص ۳۱۰.
۴. **میزان‌الحکمة**، ج ۱، ص ۴۵۱.

گفتار و رفتار نیکو

۹۴۹-۲۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

صَلاحُ الاِنْسانِ فِی حُسْنِ اللسانِ وَ بَذْلِ الْأِحْسانِ؛[۱] صلاح انسان در گرو نیک‌گفتاری و خوش‌رفتاری با دیگران است.

صدقه گفتاری

۹۵۰-۳۰ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

الْکَلِمَةُ الطَّیِّبَةُ صَدَقَةٌ؛[۲] سخن پاک، نوعی صدقه است.

فایده سخن و سکوت

۹۵۱-۳۱ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

قُولُوا خَیْرا تَغْنَمُوا وَاسْکُتُوا عَنْ شَرٍّ تَسْلَمُوا؛[۳] سخن نیک بگویید، تا بهره‌مند گردید و از گفتار بد سکوت کنید، تا سالم بمانید.

گزافه گویی

۹۵۲-۳۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

أَدْوَأُ الدّاءِ الصَّلَفُ؛[۴] بدترین دردها لاف زدن و گزافه‌گویی است.

---

۱. **غرر الحکم**، ص۴۱۷.
۲. **مکارم‌الأخلاق**، ص۴۶۷.
۳. **نهج‌الفصاحة**، ص۶۰۱.
۴. **غرر الحکم**، ص۲۱۵.

محبوب‌ترین انفاق

۹۵۳-۳۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

وَ الَّذی نَفْسِی بِیَدِهِ! ما أَنْفَقَ النّاسُ مِنْ نَفَقَةٍ أَحَبَّ مِن قَولِ الْخَیرِ؛[۱] قسم به خدایی که جانم در دست او است! هیچ بخششی دوست‌داشتنی‌تر از سخن نیک نیست.

راست‌گویی و استواری قلب

۹۵۴-۳۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

لایَسْتَقیمُ اِیمانُ عَبْدٍ حَتّی یَسْتَقیمَ قَلْبُهُ وَ لایَسْتَقیمُ قَلْبُهُ حَتّی یَسْتَقیمَ لِسانُهُ؛[۲]

ایمان انسان استوار نگردد، تا قلب و جانش از ثبات و قوام برخوردار شود، و استواری قلب و جان هم در گرو استواری زبان (بر گفتار حق و نیک) است.

گفتار به میزان عمل

۹۵۵-۳۵ امام صادق علیه السلام:

اِنَّ مِنْ حَقیقَةِ الإیمانِ اَنْ لایَجُوزَ مَنْطِقُكَ عِلْمَكَ؛[۳] نشان حقیقت ایمان، آن است که گفتارت از علمت بیشتر و فزون‌تر نباشد.

نیش زبان

۹۵۶-۳۶ امام صادق علیه السلام:

مَنْ خافَ النّاسُ لِسَانَهُ فَهُوَ فی النّارِ؛[۴] هرکس مردم از بد زبانی او بیم داشته باشند، اهل جهنّم است.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۶۸، ص۳۱۱.
۲. **مستدرک‌الوسائل**، ج۹، ص۳۱.
۳. **وسائل‌الشیعة**، ج۲۷، ص۲۹.
۴. **الکافی**، ج۲، ص۳۲۷.

شخصیت‌سازی گفتار نیک

۹۵۷-۳۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

قُولُوا الْخَيرَ تُعْرَفُوا بِهِ وَاعْمَلُوا بِهِ تَكُونُوا مِنْ أَهْلِهِ؛[۱] سخن خوش و نیکو بگویید تا به نیکی شناخته (و یاد) شوید و به نیکی عمل کنید تا شایسته آن باشید.

سکوت و سلامت

۹۵۸-۳۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اِنْ كانَ فِي الْكَلامِ الْبَلاغَةُ، فَفِي الصَّمتِ السَّلامَةُ مِنَ العِثارِ؛[۲] اگر در سخن گفتن، رساندن مطلب به شنونده است، ولی در سکوت، سالم ماندن از لغزش‌هاست.

جایگاه سخن

۹۵۹-۳۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

لاتَتَكَلَّمَنَّ اِذا لَمْ تَجِدْ لِلْكَلامِ مَوْقِعاً؛[۳] هرگاه موقعیت را برای سخن گفتن مناسب ندیدی، سخن مگو.

سخن حکیم

۹۶۰-۴۰ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

إِنَّ كَلامَ الْحَكيمِ إِذا كانَ صَواباً كانَ دَواءً وَ إِذا كانَ خَطَأً كانَ داءً؛[۴] همانا سخن دانشمند اگر درست باشد، داروست، و اگر اشتباه باشد، مایه درد و رنج است.

---

۱. **وسائل‌الشیعة**، ج۱۶، ص۱۲۳.
۲. **غرر الحکم**، ص۲۱۶.
۳. **میزان‌الحکمة**، ج۳، ص۳۵۸.
۴. همان، ج۸، ص۴۴۴.

چهل حدیث سخن و سیره پیامبران

محمداسحاق حبیبی

خداونـد پیامبران را از سـوی خود به عنوان الگو و حجّت فرسـتاد، تا مردم در پی اطاعت از آنان راه سعادت را بپویند.

هم سـیره و اخلاق پیامبران الهی برای بشر سرمشق است، هم گفتار و مواعظ آنان. از این رو آشـنایی با کلمات نورانی آن سفیران آسمانی که سرشار از حکمت و پندهای آموزنده است، و به کار بستن آن مواعظ بلیغ و دلنشین، مایه رستگاری و هدایت است.

خرسندیم که در گنجینه‌های حدیثی ما از این‌گونه احادیث، که گویای عمق مکتب انبیا و غنای معارف آسـمانی است، فراوان یافت می‌شود. باشد که توفیق بهره‌وری آن‌ها را داشته باشیم.

کمال دین

۹۶۱-۱ حضرت عیسی علیه‌السلام:

اِنَّ الشَّجَرَةَ لاتَكْمُلُ اِلّا بِثَمَرَةٍ طَيِّبَةٍ، كَذلِكَ لايَكْمُلُ الدِّيْنُ اِلّا بِالتَّحَرُّجِ عَنِ الْمَحارِمِ؛[1] درخت کامل نمی‌شود مگر با میوه خوب؛ هم‌چنین است دین که کامل نمی‌شود مگر با اجتناب از گناهان.

آب حلم بر آتش خشم

۹۶۲-۲ حضرت عیسی علیه‌السلام:

اِنَّ الْماءَ يُطْفِئُ النّارَ، كَذلِكَ الْحِلْمُ يُطْفِئُ الْغَضَبَ؛[2] آب، آتش را خاموش می‌کند؛ بردباری هم آتش غضب را فرو می‌نشاند.

یتیم و ضعیف‌نوازی

۹۶۳-۳ حضرت ایوب علیه‌السلام:

وَ عِزَّةِ رَبّي! اِنَّهُ لَيَعْلَمُ اَنّي ما اَكَلتُ طَعاما قَطُّ اِلّا وَ مَعِيَ يَتيمٌ اَوْ ضَعِيفٌ يَأْكُلُ مَعِي؛[3] قسم به عزّت پروردگارم! که او می‌داند من اصلاً غذا نخورده‌ام، مگر این‌که با من یتیم یا ضعیفی غذا خورده است.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۱۴، ص۳۱۵.
۲. همان، ص۳۱۶.
۳. همان، ج۱۲، ص۳۵۱.

دنیازدگی و آخرت‌گرایی

۹۶۴-۴ حضرت عیسی علیه‌السلام:

يا عَبِيدَ الدُّنْيا! كَيْفَ يُدْرِكُ الآخِرَةَ مَنْ لاتَنْقُصُ شَهْوَتُهُ مِنَ الدُّنْيا وَ لاتَنْقَطِعُ مِنْها رَغْبَتُـهُ؛[1] ای بندگان دنیا! چگونه آخرت را درک می‌کند، کسی که شهوت خود را از دنیا کم نمی‌کند و میل او از آن قطع نمی‌شود!

آثار خنده زیاد

۹۶۵-۵ حضرت داود علیه‌السلام به فرزندش حضرت سلیمان علیه‌السلام فرمود:

يـا بُنَيَّ! اِيّاكَ وَ كَـثْرَةَ الضَّحِكِ، فَاِنَّ كَثْرَةَ الضَّحِكِ تَتْرُكُ الْعَبْـدَ حَقيراً (فَقِيراً) يَوْمَ الْقِيامَةِ؛[2] فرزندم! از خنده زیاد بپرهیز؛ زیرا زیاد خندیدن سبب حقارت (و فقر) در قیامت می‌شود.

راز محبوبیت ابراهیم علیه‌السلام

۹۶۶-۶ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مَا اتَّخَذَ اللهُ اِبْراهِيمَ علیه‌السلام خَليلاً اِلّا لِاِطْعامِهِ الطَّعامَ، وَ صَلاتِهِ بِاللَّيْلِ وَ النّاسُ نِيامٌ؛[3] خداوند بزرگ حضرت ابراهیم علیه‌السلام را به عنوان دوست خود اختیار نکرد، مگر به‌خاطر این‌که حضرت ابراهیم علیه‌السلام به فقرا اطعام می‌کرد و نماز شب می‌خواند، در حالی که دیگران خوابیده بودند.

توسل به اهل‌بیت علیهم‌السلام

۹۶۷-۷ امام رضا علیه‌السلام:

لَمّا رُمِيَ اِبْراهِيمُ علیه‌السلام فِي النّارِ دَعَا اللهَ بِحَقِّنا، فَجَعَلَ اللهُ النّارَ عَلَيْهِ بَرْداً وَ سَـلاماً؛[4]

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۱۴، ص۳۱۵.
۲. **قرب‌الإسناد**، ص۶۹.
۳. **بحارالأنوار**، ج۱۲، ص۴.
۴. همان، ص۴۰.

هنگامی که حضرت ابراهیم علیه‌السلام را در آتش افکندند، خداوند را به حق ما قسم داد (و به ما متوسّل شد)؛ پس خداوند آتش را بر او سرد و ایمن ساخت.

دنیا و اثرش

۹۶۸-۸ امام صادق علیه‌السلام:

آخِرُ نَبِيٍّ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ سُلَيمَانُ بنُ دَاوُدَ علیه‌السلام و ذَلِكَ لِما أُعْطِيَ فِي الدُّنْيا؛[1] آخرین پیغمبری که داخل بهشت می‌شود، سلیمان بن داود علیهما‌السلام است، به‌خاطر آن‌چه که از دنیا (ملک و سلطنت) به او داده شده بود.

ویژگی‌های عاقل

۹۶۹-۹ امام صادق علیه‌السلام:

فِي حِكْمَةِ آلِ دَاوُدَ علیه‌السلام: عَلَى الْعاقِلِ أَنْ يَكُونَ عارِفاً بِزَمانِهِ، مُقْبِلاً عَلى شَأْنِهِ، حافِظاً لِلِسانِهِ؛[2] در حکمت آل داود علیهم‌السلام چنین آمده است: عاقل باید با زمان خود آشنا باشد، به کار و شأن خود روی بیاورد و زبان خود را نگه دارد.

شکم و شهوت

۹۷۰-۱۰ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

أَكْثَرُ ما تَلِجُ بِهِ أُمَّتِي النّارَ الْأَجْوَفانِ: الْبَطْنُ وَ الْفَرْجُ؛[3] بیش‌ترین چیزی که امّتم را به دوزخ می‌اندازد، دو چیز است: شکم و شهوت جنسی.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۱۴، ص۷۴.
۲. همان، ص۳۹.
۳. **الکافی**، ج۳، ص۱۲۶.

فروتنی منشأ حکمت

۹۷۱-۱۱ حضرت عیسی علیه‌السلام:

بِالتَّوَاضُعِ تُعْمَرُ الْحِكْمَةُ لا بِالتَّكَبُّرِ وَ كذلِكَ فِي السَّهْلِ يَنْبُتُ الزَّرْعُ لا فِي الْجَبَلِ؛[1]

بنای حکمت به وسیله تواضع آباد می‌شود نه تکبّر؛ چنان که زراعت، در زمین نرم می‌روید نه در کوه.

خدمت به مردم

۹۷۲-۱۲ از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در مورد محبوب‌ترین مردم نزد خداوند سؤال شد، فرمود:

اَنْفَعُ النّاسِ لِلنّاسِ؛[2] کسی که برای مردم سودمندتر باشد.

خوبی در مقابل بدی

۹۷۳-۱۳ حضرت لقمان علیه‌السلام:

يا بُنَيَّ! كَذَبَ مَنْ قالَ: «اِنَّ الشَّرَّ يُطْفَأُ بِالشَّرِّ»، وَ اِنَّما يُطْفِئُ الْخَيْرُ الشَّرَّ كَما يُطْفِئُ الماءُ النّارَ؛[3] پسرم! دروغ گفته است کسی که می‌گوید: «شر با شر خاموش می‌شود»؛ بلکه فقط عمل خیر، شر را خاموش می‌کند؛ هم‌چنان که آب، آتش را خاموش می‌کند».

میثاق با خدا

۹۷۴-۱۴ حضرت یحیی علیه‌السلام:

اِنِّي أُعْطِي اللهَ عَهْداً اَنِّي لا اَشْبَعُ مِنَ الطَّعامِ حَتّى اَلقاهُ؛[4] من با خداوند عهد بستم که از طعام سیر نشوم تا این‌که او را ملاقات کنم.

---

۱. **الکافی**، ج۱، ص۴۵.
۲. همان، ج۳، ص۲۳۹.
۳. **تنبیه‌الخواطر**، ج۱، ص۴۶.
۴. **أمالی**، شیخ طوسی، ص۳۴۰.

سود دنیا و آخرت

۹۷۵-۱۵ حضرت لقمان علیه‌السلام:

یا بُنَیَّ! بِعْ دُنْیاكَ بِآخِرَتِكَ تَرْبَحْهُما جَمِیعاً، وَ لاتَبِعْ آخِرَتَكَ بِدُنْیاكَ تَخْسَرْهُما جَمِیعاً؛[1]

پسرم! دنیا را به آخرت بفروش تا سود دنیا و آخرت را ببری و آخرت خود را به دنیا مفروش؛ زیرا در هر دو زیان می‌کنی.

علم بدون هدایت، گمراهی

۹۷۶-۱۶ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مَنِ ازْدادَ عِلْماً وَ لَمْ یَزْدَدْ هُدًی لَمْ یَزْدَدْ مِنَ اللهِ اِلاَّ بُعْداً؛[2] کسی که علم و دانش او افزوده شود، ولی بر هدایتش نیفزاید، او را از خدا دورتر می‌کند.

مجادله و دشمن‌تراشی

۹۷۷-۱۷ حضرت سلیمان علیه‌السلام:

یا بُنَیَّ! اِیّاكَ وَ الْمِراءَ فَاِنَّهُ لَیْسَتْ فِیهِ مَنْفَعَةٌ، وَ هُوَ یُهَیِّجُ بَیْنَ الإِخوانِ اَلْعَداوَةَ؛[3] ای فرزندم! از جدل و نزاع اجتناب کن؛ زیرا در آن سودی نیست و چه بسا بین برادران دشمنی می‌اندازد.

بردگی دنیا

۹۷۸-۱۸ حضرت عیسی علیه‌السلام:

لاتَتَّخِذُوا الدُّنیا رَبّاً فَتَتَّخِذَكُم عَبیداً، اَكْنِزُوا كَنْزَكُمْ عِنْدَ مَنْ لایُضِیِّعُهُ فَاِنَّ صاحِبَ كَنْزِ الدُّنْیا یُخافُ عَلَیْهِ الآفَةُ وَ صاحِبُ كَنْزِ اللهِ لایُخافُ عَلَیْهِ الآفَةُ؛[4] دنیا را

---

۱. **تنبیه‌الخواطر**، ج۱، ص۱۴۵.
۲. همان، ص۱۳۷.
۳. همان، ج۲، ص۳۳۱.
۴. همان، ج۱، ص۱۳۷.

مالک خود ندانید؛ زیرا شما را بنده خویش می‌سازد، گنج‌های خود را نزد کسی پس‌انداز کنید که آن را ضایع نمی‌سازد؛ چراکه بیم آن می‌رود که آفتی بر صاحب گنج دنیا وارد شود، لیکن صاحب گنج خدایی را از وارد شدن آفت بر آن هراسی نیست.

عبور از پُل دنیا

۹۷۹-۱۹ حضرت عیسی علیه‌السلام:

اِنَّمَا الدُّنْيَا قَنْطَرَةٌ فَاعْبُرُوها وَ لاتَعْمُرُوهَا؛[۱] دنیا پلی است؛ پس از آن عبور کنید و بگذرید نه این‌که شیفته آن گردید و آبادش کنید.

خواب پیامبران

۹۸۰-۲۰ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

رُؤْيَا الْأَنْبِيَاءِ وَحْيٌ؛[۲] خواب و رؤیای پیغمبران وحی می‌باشد.

راه نجات از غضب خداوند

۹۸۱-۲۱ حضرت عیسی علیه‌السلام:

«اَشَدُّ الْأَشْياءِ غَضَبُ اللهِ عَزَّوَجَلَّ»، قالَ الحَوَارِيُّونَ: «فَبِمَ يُتَّقى غَضَبُ اللهِ؟» قالَ: «بِاَنْ لاتَغْضَبُوا»، قالُوا: «وَ ما بَدْءُ الْغَضَبِ؟» قـالَ: «اَلْكِبْرُ وَ التَّجَبُّرُ وَ مَحْقَرَةُ النّاسِ»؛[۳] «خشم خداوند سخت‌ترین چیزهاست». حواریّون سؤال کردند: «با چه چیز از خشم خداوند در امان می‌مانیم؟» فرمود: «غضب نکنید». سؤال کردند: «منشأ غضب چیست؟» فرمود: «کبر، غرور و تحقیر مردم».

---

۱. **الخصال**، ج۱، ص۶۵.
۲. **أمالی**، شیخ طوسی، ص۳۳۸.
۳. **الخصال**، ج۱، ص۶.

صبر، شکر و حسد

۹۸۲-۲۲ امام سجاد علیه‌السلام:

اَخَذَ النّاسُ ثَلاثَةً مِنْ ثَلاثَةٍ: اَخَذُوا الصَّبْرَ عَنْ اَیُّوبَ، وَ الشُّکْرَ عَنْ نُوحٍ، وَ الْحَسَدَ عَنْ بَنِي یَعْقُوبَ؛[1] مردم سه چیز را از سه نفر فراگرفته‌اند:

۱. صبر را از حضرت ایوب علیه‌السلام؛

۲. شکر را از حضرت نوح علیه‌السلام؛

۳. حسد را از فرزندان حضرت یعقوب علیه‌السلام.

سخاوت ویژگی انبیاء

۹۸۳-۲۳ امام کاظم علیه‌السلام:

مـا بَعَثَ اللهُ نَبِیّاً وَلا وَصِیّاً إلّا سَـخِیّاً؛[2] خداوند متعال هیچ پیامبر و وصی پیامبری را مبعوث نکرد، مگر این که سخاوت‌مند بود.

همنشین بد

۹۸۴-۲۴ حضرت عیسی علیه‌السلام:

اِنَّ صاحِبَ الشَّرِّ یُعْدی وَ قَرینَ السَّـوْءِ یُردی، فَانْظُرْ مَنْ تُقارِنُ؛[3] همنشـین بد، اثر می‌گذارد و همنشین بد هلاک می‌سازد؛ پس ببین با چه کسی همنشینی.

راه‌های ایمان کامل

۹۸۵-۲۵ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

ثَلاثُ خِصالٍ مَنْ کُنَّ فِیهِ اِسْـتَکْمَلَ خِصالَ الْاِیمـانِ: اَلّذی اِذا رَضِیَ لَمْ یُدْخِلْهُ

---

۱. **عیون أخبار الرضا** علیه‌السلام، ج۲، ص۴۵.
۲. **الکافی**، ج۴، ص۳۹.
۳. همان، ج۱، ص۴۵۴.

رِضــاهُ فی باطِلٍ، وَ إذا غَضِبَ لَمْ یُخْرِجْهُ الْغَضَبُ مِنَ الْحَقِّ وَ إذا قَدَرَ لَمْ یَتَعاطَ ما لَیْسَ لَهُ؛[1] هرکس دارای سه خصلت باشد، اخلاقش کامل است:

۱. هرگاه راضی و خوشحال بود، رضایتش، او را به باطل نکشاند؛

۲. هرگاه غضبناک شد، غضب، او را از مدار حق خارج نسازد؛

۳. هرگاه قدرت یافت، او را به تجاوز نکشاند.

عطر و پیامبران

۹۸۶-۲۶ امام صادق علیه‌السلام:

اَلْعِطْرُ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِینَ؛[2] عطر زدن از روش پیامبران است.

سکوت و سخن

۹۸۷-۲۷ حضرت داود علیه‌السلام به فرزندش حضرت سلیمان علیه‌السلام فرمود:

یا بُنَیَّ، عَلَیْكَ بِطُولِ الصَّمْتِ اِلّا مِنْ خَیْرٍ، فَاِنَّ النَّدامَةَ عَلی طُولِ الصَّمْتِ مَرَّةً واحِدَةً خَیْرٌ مِنَ النَّدامَةِ عَلی كَثْرَةِ الْكَلامِ مَرّاتٍ؛[3] ای فرزندم! سکوت را همیشه پیشه خود ساز، مگر این‌که سخن نیک بگویی، زیرا یک بار پشیمانی بر سکوت طولانی، بهتر است از بارها پشیمانی به خاطر پُرحرفی.

کلام خوش

۹۸۸-۲۸ حضرت عیسی علیه‌السلام:

فَلا تَنْطِقُوا اِلّا بِخَیْرٍ؛[4] جز به خیر و نیکی زبان نگشایید.

---

۱. **أمالی**، شیخ طوسی، ص۶۰۳.
۲. **الکافی**، ج۲، ص۴۹۵.
۳. **قرب‌الإسناد**، ص۶۹.
۴. **جامع‌السعادات**، ج۲، ص۳۴۵.

مسواک زدن

۹۸۹-۲۹ امام صادق علیه‌السلام:

اَلسِّواكُ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ؛[۱] مسواک زدن از روش‌های پیامبران است.

خودپسندی و حماقت

۹۹۰-۳۰ حضرت عیسی علیه‌السلام:

[اَلْاَحْمَقُ] اَلْمُعْجِبُ بِرَأْيِهِ وَ نَفْسِهِ، اَلَّذِي يَرَى الْفَضْلَ كُلَّهُ لَهُ لا عَلَيْهِ، وَ يُوجِبُ الْحَقَّ كُلَّهُ لِنَفْسِهِ وَلا يُوجِبُ عَلَيْها حَقّاً، فَذلِكَ الْاَحْمَقُ الَّذِي لا حِيلَةَ فِي مُدَاوَاتِهِ؛[۲] احمق کسی است که به خود و نظرش غرور می‌ورزد، به نحوی که همه خوبی را برای خود می‌بیند و همیشه خود را بر حق می‌داند، این شخص چاره و دوا ندارد.

امید مردم به خدا

۹۹۱-۳۱ حضرت داود علیه‌السلام:

يَا رَبِّ! حَقٌّ لِمَنْ عَرَفَكَ اَنْ لا يَقْطَعَ رَجاءَهُ مِنْكَ؛[۳] خدایا! کسی که تو را شناخت حق دارد که امیدش به تو قطع نشود.

صفات پسندیده

۹۹۲-۳۲ حضرت خضر علیه‌السلام:

وَ اِنَّ اَحَبَّ الْاُمورِ اِلَى اللهِ عَزَّوَجَلَّ ثَلاثَةٌ: اَلْقَصْدُ فِي الجِدَةِ، وَ الْعَفْوُ فِي الْمَقْدِرَةِ وَ الرِّفْقُ بِعِبادِ اللهِ؛[۴] محبوب‌ترین چیزها نزد خداوند سه چیز است:

---

۱. **الکافی**، ج۴، ص۴۹۵.
۲. **بحارالأنوار**، ج۱۴، ص۳۲۴.
۳. **قرب‌الإسناد**، ص۱۱۹.
۴. **الخصال**، ج۱، ص۱۱۱.

۱. میانه روی در دوران توانگری؛

۲. عفو و گذشت در حال قدرت؛

۳. مهربانی با بندگان خداوند.

طلب حاجت فقط از خداوند

۹۹۳-۳۳ امام صادق علیه‌السلام:

لَمّا اُلْقِیَ اِبْراهیمُ علیه‌السلام فی النّارِ تَلَقّاهُ جِبْرَئیلُ فی الْهَواءِ وَ هُوَ یَهْوی، فقالَ: «یا اِبْراهِیمُ! اَلَکَ حاجَةٌ؟» قالَ: «اَمّا اِلَیْکَ فَلَا»؛[1] زمانی که حضرت ابراهیم خلیل علیه‌السلام را در آتش افکندند، جبرئیل در فضا با او ملاقات نمود و در حالی که ابراهیم علیه‌السلام پایین سقوط می‌کرد، او گفت: «آیا حاجتی داری؟» حضرت علیه‌السلام فرمود: «حاجت دارم، امّا نه به تو».

عمر گذرا

۹۹۴-۳۴ حضرت جبرئیل علیه‌السلام به حضرت نوح علیه‌السلام فرمود: «ای پیامبری که عمرت بیشتر از همه انبیاست! دنیا را چگونه دیدی؟» در پاسخ گفت:

کَدارٍ لَهَا بَابَانِ دَخَلْتُ مِنْ اَحَدِهِما وَ خَرَجْتُ مِنَ الْآخَرِ؛[2] مانند خانه‌ای دیدم که دو در دارد، از یک در وارد شدم و از در دیگر خارج گشتم.

برتری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه علیهم‌السلام

۹۹۵-۳۵ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اِنَّ اللهَ فَضَّلَ اَنْبیاءَهُ الْمُرْسَلینَ عَلی مَلائِکَتِهِ الْمُقَرَّبینَ، وَ فَضَّلَنی عَلی جَمیعِ النَّبِیّینَ وَ الْمُرسَلینَ وَ الْفَضْلُ بَعْدی لَکَ یا عَلِیُّ! وَ لِلْاَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِکَ؛[3] خداوند انبیا را بر ملائکه،

---

۱. **علل الشرائع**، ج۱، ص۳۶

۲. **تنبیه الخواطر**، ج۱، ص۱۳۹.

۳. **عیون أخبار الرضا** علیه‌السلام، ج۱، ص۲۶۲.

برتری بخشـــید و برتری بخشید من را بر تمام انبیا و رســـولان و برتری پس از من از آن تو (امام علی علیه‌السلام) و امامان پس از توست.

هنر زندگی بدون گناه

۹۹۶-۳۶ امام باقر علیه‌السلام:

اَصْبَحَ اِبْراهِيْمُ علیه‌السلام فَرَأى فى لِحْيَتِهِ شَيْباً شَعْرَةً بَيْضاءَ، فَقالَ: «اَلْحَمْدُ للّهِ رَبِّ الْعالَمِيْنَ اَلَّذىْ بَلَّغَـــنِى هذا الْمَبْلَغَ وَلَمْ اَعْصِ اللّهَ طَرْفَةَ عَيْنٍ»؛[1] حضرت ابراهیم علیه‌السلام صبح کرد و دید یک تار از موهای ریشش سفید گشته است، پس گفت: «شکر می‌کنم خداوند عالم را که مرا به این سن رسانده است، در حالی‌که به اندازه یک چشم بر هم زدن گناه نکرده‌ام».

آثار اخلاق ناپسند

۹۹۷-۳۷ حضرت عیسی علیه‌السلام:

مَنْ كَثُرَ هَمُّهُ سَـــقِمَ بَدَنُهُ، وَ مَنْ ساءَ خُلْقُهُ عَذَّبَ نَفْسَـــهُ، وَ مَنْ كَثُرَ كَلامُهُ كَثُرَ سَقَطُهُ، وَ مَن كَثُرَ كَذِبُهُ ذَهَبَ بَهاؤُهُ، وَ مَنْ لاحَى الرِّجالَ ذَهَبَتْ مُرُوءَتُهُ؛[2] کسی که غمش زیاد شود، بدنش مریض می‌شود؛ کسی که اخلاق بد دارد، خودش را عذاب می‌کند؛ کسی که پُر حرف است، لغزش‌هایش زیاد می‌شود؛ کسی که زیاد دروغ‌گوست، ارزشش کم می‌شود، و کسی که با مردم جدل کند، مُرُوّتش از بین می‌رود.

پرهیز از لغو و عیب‌جویی

۹۹۸-۳۸ حضرت خضر علیه‌السلام:

اِيّاكَ وَ اللَّجاجَةَ، اَوْ اَنْ تَمْشِيَ فى غَيْرِ حاجَةٍ، اَوْ اَنْ تَضْحَكَ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ، وَاذْكُرْ

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۱۲، ص۸.
۲. همان، ج۱۴، ص۳۱۸.

خَطِيْئَتَكَ، وَ اِيّاكَ وَ خَطايَا النّاسِ؛[1] از لجاجت بپرهیز و از راه رفتن بدون حاجت و خندیدن بدون تعجب و شگفتی بپرهیز؛ خطای خودت را یاد کن و به خطاهای مردم نپرداز.

هم‌نشینان شایسته

۹۹۹-۳۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

قالَتِ الْحَوارِيُّونَ لِعِيْسى عليه السلام: «يا رُوْحَ اللهِ مَنْ نُجالِسُ؟» قالَ: «مَنْ يُذَكِّرُكُمُ اللهَ رُؤْيَتُهُ، وَ يَزيْدُ في عِلْمِكُمْ مَنْطِقُهُ، وَ يُرَغِّبُكُمْ فِى الْآخِرَةِ عَمَلُهُ»؛[2] حواریّون به عیسی علیه السلام گفتند: «یا روح الله! با چه کسی بنشینیم؟» فرمود: «با کسی که دیدارش شما را به یاد خدا اندازد و سخنش بر دانش شما بیفزاید و کردارش شما را به آخرت تشویق کند».

گناه بزرگ و کوچک

۱۰۰۰-۴۰ حضرت عیسی علیه السلام:

اِنَّ صِغارَ الْخَطايا وَ مُحَقَّراتِها لَمِنْ مَكايِدِ اِبْلِيْسَ يُحَقِّرُهَا لَكُمْ وَ يُصَغِّرُها فِى اَعْيُنِكُم، وَتَجْتَمِعُ فَتَكْثُرُ وَ تُحِيْطُ بِكُمْ؛[3] کوچک شمردن خطاها و گناهان از مکرهای شیطان است؛ زیرا شیطان گناهان را به نظر کوچک جلوه می‌دهد؛ پس گناهان زیاد می‌شوند و شما را احاطه می‌کنند.

---

۱. همان، ج۱۳، ص۲۹۴.
۲. **الکافی**، ج۱، ص۴۹.
۳. **بحارالأنوار**، ج۱۴، ص۳۱۱.

چهل حدیث شب قدر

حسن شاکر آرانی

فرصت‌های نـــاب و بی‌نظیر در طول زمان پیش می‌آید کـــه اغتنام آن‌ها برای کمال جویان، عامل رشد و موفقیّت است.

«شـــب قدر»، یکی از این فرصت‌هاست. شبی با ارزش که برتر از هزار شب است و قرآن در آن شـــب نازل شده و احیا و شب‌زنده‌داری در آن مورد سفارش فراوان است و مقدّرات جهان و انسان‌ها در آن شب عزیز و سرنوشت‌ساز رقم می‌خورد.

در روایـــات معصومین علیهم‌السلام در فضیلت شـــب قـــدر و اعمال و عبـــادات و نمازها و برنامه‌های خاصّ آن، رهنمودهای ارزنده‌ای آمده است، تا ما را به اهمیّت آن واقف کند.

شب‌ها اگر همه، شـــب قدر بودی، شب قدر بی‌قدر بودی! از این رو اهتمام به آن و پرداختن به محاســـبه اعمال خویش و توبه از گناهان و درخواست سرنوشت و مقدراتی خوب از درگاه خداوند، ضروری است.

احیای شب قدر

۱۰۰۱-۱ امام باقر علیه‌السلام:

مَنْ أَحْيَى لَيْلَةَ القَدرِ غُفِرَتْ لَهُ ذُنُوبُهُ؛[۱] هرکس شب قدر را احیا بدارد گناهانش بخشیده می‌شود.

شب قدر و درخواست حج

۱۰۰۲-۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

سَلُوا اللهَ الحَجَّ فِي لَيلَةِ سَبعَ عَشَرَةَ مِن شَهرِ رَمَضَانَ وَ فِي تِسْعَ عَشْرَةَ وَ فِي إِحدى وَعِشْرِينَ وَفِي ثَلاَثٍ وَعِشْرِينَ مِن شَهْرِ رَمَضانَ؛[۲] در شب‌های هفدهم و نوزدهم و بیست‌ویکم و بیست‌وسوم ماه رمضان، حج [خانه خدا] را از خدا بخواهید.

غسل شب قدر

۱۰۰۳-۳ امام کاظم علیه‌السلام:

مَنِ اِغْتَسَلَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ اَحياها اِلَى طُلُوعِ الفَجْرِ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ؛[۳] هرکس شب قدر غسل کند و تا اذان صبح احیا بدارد، از گناهانش خارج می‌شود.

---

۱. **وسائل الشیعة**، ج۴، ص۳۶۴.
۲. **مستدرک الوسائل**، ج۷، ص۴۶۸.
۳. **وسائل الشیعة**، ج۴، ص۲۶۴.

انتخاب شب قدر

۱۰۰۴-۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

إِنَّ اللهَ اِخْتَارَ... مِنَ اللَّيَالي لَيلَةَ القَدْرِ؛[۱] همانا خداوند از شب‌ها، شب قدر را انتخاب کرد.

اهمیت شب قدر

۱۰۰۵-۵ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنْ أحْيَى لَيْلَةَ الْقَدْرِ حُوِّلَ عَنْهُ العَذابُ اِلَى السَّنَةِ القابِلَةِ؛[۲] هرکس شب قدر را احیا داشته باشد، خدا عذاب یک سال را از او دور می‌کند.

امتیاز شب قدر

۱۰۰۶-۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

يُفَتَّحُ اَبوابُ السَّماوَاتِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ؛[۳] در شب قدر درهای آسمان گشوده می‌شود.

ارزش شب قدر

۱۰۰۷-۷ امام صادق علیه السلام:

لَيْلَةُ الْقَدْرِ هِيَ اَوَّلُ السَّنَةِ وَهِيَ آخِرُها؛[۴] شب قدر آغاز سال و پایان آن است.

۱۰۰۸-۸ امام صادق علیه السلام:

رَأسُ السَّنَةِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ؛[۵] شب قدر اوّل سال (برنامه‌ریزی الهی) است.

---

۱. **مستدرک‌الوسائل**، ج۷، ص۴۶۱.
۲. همان، ص۴۵۶.
۳. همان، ص۴۵۶.
۴. **وسائل‌الشیعة**، ج۷، ص۲۵۷.
۵. **وسائل‌الشیعة**، ج۷، ص۴۵۶.

قلب ماه رمضان

۱۰۰۹-۹ امام صادق علیه‌السلام:

قَلبُ شَهْرِ رَمَضانَ لَیْلَةُ الْقَدْرِ؛[۱] شب قدر، قلب ماه رمضان است.

شب قدر و سرنوشت

۱۰۱۰-۱۰ امام صادق علیه‌السلام:

التَّقْدِیرُ فِی لَیْلَةِ تِسْعَةَ عَشَرَ وَ الإبْرامُ فِی لَیْلَةِ اِحْدی وَعِشْرینَ وَ الإمْضاءُ فِی لَیْلَةِ ثَلاَثٍ وَ عِشْرِینَ؛[۲] شب نوزدهم سرنوشت رقم می‌خورد و شب بیست‌ویکم استحکام پیدا می‌کند و شب بیست‌وسوم کارها امضا می‌شود.

شب قدر و حج

۱۰۱۱-۱۱ امام صادق علیه‌السلام:

وَفْدُ الحاجِّ یُکتَبُ فی لَیْلَةِ القَدْرِ وَالمَنایا وَالبَلایا؛[۳] در شب قدر، اسم حاجی‌ها و مرگ‌ومیرها نوشته می‌شود.

اهمیت شب قدر

۱۰۱۲-۱۲ امام صادق علیه‌السلام:

لَو رُفِعَتْ لَیْلَةُ الْقَدْرِ لَرُفِعَ القُرْآنُ؛[۴] اگر شب قدر برداشته شود، قرآن نیز برداشته می‌شود.

---

۱. **أمالی**، شیخ صدوق، ص۶۲.
۲. همان، ج۴، ص۲۵۹.
۳. همان.
۴. **تفسیر البرهان**، ج۵، ص۷۱۱.

شب قدر و زیارت امام حسین علیه‌السلام

۱۰۱۳-۱۳ امام صادق علیه‌السلام:

إذا كانَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ غُفِرَ لِمَنْ اَتى قَبْرَ الحُسَـينِ علیه‌السلام؛[۱] در شب قدر کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه‌السلام برود، گناهانش بخشیده می‌شود.

۱۰۱۴-۴ امام باقر علیه‌السلام:

لا تَخْفى عَلَيْنا لَيْلَةُ الْقَدْرِ اِنَّ المَلائِكَةَ يَطُوفُونَ بِنا فيهَا؛[۲] شب قدر بر ما پنهان نیست؛ زیرا فرشتگان در آن شب به گرد ما پرواز می‌کنند.

شب قدر و بخشیده شدن گناهان

۱۰۱۵-۱۵ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مَنْ قامَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إيماناً وَ احْتِساباً غُفِرَ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ؛[۳] هرکس شب قدر را از روی ایمان و برای خداوند احیا دارد، گناهان گذشته‌اش بخشیده می‌شود.

ارزش شب قدر

۱۰۱۶-۱۶ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اِنَّ اللهَ وَهَبَ لِاُمَّتي لَيْلَةَ الْقَدْرِ لَمْ يُعْطِها مَنْ كانَ قَبْلَهُمْ؛[۴] همانا خداوند شب قدر را به امت من عطا کرد، که به هیچ‌یک از امت‌های گذشته نداده است.

شب قدر و بخشیده شدن گناهان

۱۰۱۷-۱۷ امام باقر علیه‌السلام:

مَنْ أَحْيَى لَيْلَةَ الْقَدْرِ غُفِرَتْ لَهُ ذُنُوبُهُ وَلَوْ كانَتْ عَدَدَ نُجُومِ السَّماءِ وَمَثاقِيلَ الْجِبالِ؛[۵]

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۱۰۱، ص۱۳۲.
۲. **تفسیرالقمی**، ج۲، ص۲۹۰.
۳. **الدرّ المنثور**، ج۸، ص۵۱۲.
۴. همان، ص۵۷۰.
۵. **وسائل الشیعة**، ج۴، ص۲۷۳.

هرکس شب قدر را احیا دارد، گناهانش بخشیده می‌شود؛ هرچند که به تعداد ستارگان آسمان و سنگینی کوه‌ها باشد.

استمرار شب قدر

۱۰۱۸-۱۸ امام صادق علیه‌السلام:

لَیْلَةُ الْقَدْرِ فِی کُلِّ سَنَةٍ؛[۱] در هر سال شب قدر هست.

شب قدر و نزول قرآن

۱۰۱۹-۱۹ امام صادق علیه‌السلام:

نَزَلَ الْقُرْآنُ فِی لَیْلَةِ الْقَدْرِ؛[۲] قرآن در شب قدر نازل شد.

شب قدر و کار نیک

۱۰۲۰-۲۰ امام باقر علیه‌السلام:

اَلعَمَلُ الصّالِحُ فیها خَیرٌ مِنَ العَمَلِ فی اَلفِ شَهْرٍ؛[۳] عمل صالح در شب قدر از عمل ۱۰۰۰ ماه بهتر است.

احیای شب قدر

۱۰۲۱-۲۱ حضرت موسی بن عمران علیهماالسلام در مناجات خود با خداوند عرض کرد: «خدایا! تقرب به تو را می‌خواهم». خداوند فرمود:

قُرْبِی لِمَنِ اسْتَیْقَظَ لَیْلَةَ الْقَدْرِ؛[۴] نزدیک شدن به من برای کسی است که شب قدر را بیدار بماند.

---

۱. **الکافی**، ج۱، ص۲۴۷.
۲. **تفسیر البرهان**، ج۴، ص۱۲۵.
۳. همان، ص۱۲۶.
۴. **وسائل الشیعة**، ج۴، ص۱۷۳.

مهربانی در شب قدر

۱۰۲۲-۲۲ حضرت موسی بن عمران علیه‌السلام عرض کرد: «خدایا! رحمت تو را می‌خواهم». خداوند فرمود:

رَحْمَتی لِمَن رَحِمَ المَساکِینَ لَیْلَةَ الْقَدْرِ؛[1] رحمت و مهربانی من برای کسی است که در شب قدر به بینوایان مهربانی کند.

شب قدر و صدقه

۱۰۲۳-۲۳ حضرت موسی بن عمران علیه‌السلام عرض کرد: «خدایا! مجوّز عبور از پل صراط را خواهانم». خداوند فرمود:

ذلِكَ لِمَنِ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ لَیْلَةَ القَدْرِ؛[2] این برای کسی است که در شب قدر صدقه بدهد.

شب قدر و استغفار

۱۰۲۴-۲۴ حضرت موسی بن عمران علیه‌السلام عرض کرد: «خدایا! نجات از آتش را خواهانم». خداوند فرمود:

ذلِكَ لِمَنِ اسْتَغْفَرَ فی لَیْلَةِ الْقَدْرِ؛[3] کسی که در شب قدر استغفار کند، از آتش نجات پیدا می‌کند.

رضایت پروردگار و شب قدر

۱۰۲۵-۲۵ حضرت موسی بن عمران علیه‌السلام عرض کرد: « خدایا! رضایت تو را خواستارم». خداوند فرمود:

رِضایَ لِمَنْ صَلّی رَکْعَتَیْنِ فی لَیْلَةِ القَدْرِ؛[4] هرکس در شب قدر دو رکعت نماز بخواند، رضایت مرا کسب کرده است.

---

۱. همان، ج۳، ص۱۷۳.
۲. همان، ج۴، ص۱۷۳.
۳. همان.
۴. همان.

شب قدر و حضرت امیرمؤمنان علیه‌السلام

۱۰۲۶-۲۶ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

آمِنُوا بِلَيْلَةِ القَدْرِ إنَّها تَكُونُ لِعَلِيِّ بنِ أَبِي‌طَالِبٍ علیه‌السلام وَ وُلْدِهِ الْأَحَدَ عَشَرَ مِنْ بَعدي؛[1]

ایمان به شب قدر بیاورید؛ زیرا که آن شب به امیرالمؤمنین و یازده فرزندش علیهم‌السلام اختصاص دارد.

شیطان در شب قدر

۱۰۲۷-۲۷ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

إنَّ الشَّيطانَ لا يَخرُجُ في هذِهِ اللَّيلَةِ حَتّى يُضِيءُ فَجرُها وَلا يَستَطِيعُ فيها عَلى أحَدٍ بِخَبَلٍ أو داءٍ، أو ضَربٍ مِن ضُروبِ الفَسادِ، ولا يُنفَذُ فيهِ سِحرُ سَاحِرٍ؛[2] شیطان در این شب، بیرون نمی‌آید تا آن که سپیده‌اش تابان شود و در آن شب، او نمی‌تواند کسی را فلج یا دردمند سازد، یا فسادی بر کسی وارد آورد، و در آن، جادوی هیچ جادوگری کارگر نمی‌شود.

جاودانی شب قدر

۱۰۲۸-۲۸ امام صادق علیه‌السلام:

إنَّها لَيْلَةُ الْقَدْرِ باقيةٌ إلى يَومِ القِيامَةِ؛[3] شب قدر تا روز قیامت ادامه دارد.

شب قدر و سرنوشت

۱۰۲۹-۲۹ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

إنَّ لَيْلَةَ القَدْرِ في كُلِّ سَنَةٍ وَإنَّهُ يَنْزِلُ في تِلكَ اللَّيلَةِ اَمْرُ السَّنَةِ؛[4] همانا در هر سال شب قدر می‌باشد و در آن شب سرنوشت آن سال فرود می‌آید.

---

۱. **الخصال**، ج۲، ص۴۸۰.
۲. **مجمع‌البیان**، ج۱۰، ص۷۸۹؛ **تفسیر القرطبی**، ج۲۰، ص۱۳۷.
۳. **بحارالأنوار**، ج۲۵، ص۹۸.
۴. **تفسیر نورالثقلین**، ج۵، ص۶۷۹.

سابقه دیرینه شب قدر

۱۰۳۰-۳۰ امام باقر علیه‌السلام:

لَقَدْ خَلَقَ اللهُ جَلَّ ذِكْرُهُ لَيْلَةَ القَدْرِ اَوَّلَ ما خَلَقَ الدُّنيَا؛[۱] همانا خدای متعال از روز نخست خلقت دنیا، شب قدر را آفرید.

شب قدر حضرت فاطمه علیهاالسلام

۱۰۳۱-۳۱ امام صادق علیه‌السلام:

﴿إِنَّآ أَنزَلْنَٰهُ فِى لَيْلَةِ ٱلْقَدْرِ﴾؛ اللَّيْلَةُ فَاطِمَةُ وَالقَدْرُ اللهُ فَمَنْ عَرَفَ فاطِمَةَ حَقَّ مَعرِفَتِها فَقَدْ اَدْرَكَ لَيْلَةَ القَدْرِ؛[۲] همانا در شب قدر آن (قرآن) را فرو فرستادیم. شب قدر یعنی فاطمه و قدر خداست؛ پس هرکس به حقیقت فاطمه را شناخت، شب قدر را درک کرده است.

شب قدر و سرنوشت سال

۱۰۳۲-۳۲ امام رضا علیه‌السلام:

لَيْلَةُ القَدْرِ يُقَدِّرُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ فيها ما يَكُونُ مِنَ السَّنَةِ اِلَى السَّنَةِ؛[۳] خداوند در شب قدر آن‌چه را که در یک سال اتفاق می‌افتد، مقدر می‌فرماید.

علامت شب قدر

۱۰۳۳-۳۳ امام باقر علیه‌السلام:

عَلامَتُها اَنْ يَطيبَ ريحُها وَاِنْ كانَتْ فى بَرْدٍ دَفِئَتْ وَاِنْ كَانَتْ فى حَرٍّ بَرَدَتْ؛[۴] علامت شب قدر آن است که در آن شب نسیم خوش می‌وزد، و اگر در سرما واقع شود هوا ملایم، و اگر در گرما باشد هوا خنک می‌شود.

---

۱. **الکافی**، ج۱، ص۳۶۶.
۲. **بحارالأنوار**، ج۴، ص۷۰.
۳. همان، ص۹۶.
۴. **تفسیرالصافی**، ج۵، ص۳۵۲.

شب قدر و ولایت امام علی علیه‌السلام

۱۰۳۴-۳۴ امام صادق علیه‌السلام:

هِی لَیْلَةٌ قُدِّرَتْ فیها السَّمَاوَاتُ وَالاَرضُ وَقُدِّرَتْ وِلایَةُ أمیرِالمُؤمِنینَ علیه‌السلام فِیها؛[1] شب قدر شبی است که در آن مقدرات آسمان‌ها و زمین معین و ولایت امیر مؤمنان علی علیه‌السلام مقدر شده است.

شب قدر و امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

۱۰۳۵-۳۵ امام باقر علیه‌السلام:

اِذا اَتَتْ لَیْلَةُ القَدْرِ فَیَهبِطُ فیها مِنَ المَلائِکَةِ اِلی وَلِیِّ الاَمرِ؛[2] هنگامی که شب قدر فرامی‌رسد، فرشتگان بر امام (معصوم هر) زمان فرود می‌آیند.

ارزش شب قدر

۱۰۳۶-۳۶ امام صادق علیه‌السلام:

جَعَلَ اللهُ لَیْلَةَ الْقَدْرِ لِرَسُولِهِ خَیْراً مِنْ اَلفِ شَهْرٍ؛[3] خداوند شب قدر را برای پیامبرش بهتر از ۱۰۰۰ ماه قرار داد.

اهمیت شب قدر

۱۰۳۷-۳۷ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اِنَّ اَللهَ تَعالی قَدَّرَ فیها مَا هُوَ کائِنٌ اِلی یَومِ القیامَةِ فکانَ فیما قَدَّرَ وَلاَیَتُکَ وَ وَلاَیَةُ الأئِمَّةِ مِن وُلْدِکَ اِلی یَومِ الْقیامَةِ؛[4] همانا خدا در شب قدر، آن‌چه تا روز قیامت باید باشد و ولایت تو (علی) و فرزندانت را مقدر می‌فرماید.

---

۱. **نورالثقلین**، ج۵، ص۶۱۷.
۲. **الکافی**، ج۱، ص۳۷۱.
۳. همان، ج۸، ص۳۲۳.
۴. **تفسیرالصافی**، ج۵، ص۳۵۱.

شب قدر، مخصوص ائمه علیهم‌السلام

۱۰۳۸-۳۸ امام صادق علیه‌السلام:

اِنَّ مَنْ صَدَّقَ بِلَیْلَةِ القَدْرِ لَیَعلَمُ اَنَّها لَنا خاصَّةً؛[۱] همانا هرکس شب قدر را پذیرفته باشد، می‌داند که آن مخصوص ما [اهل‌بیت] است.

شب قدر و امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

۱۰۳۹-۳۹ امام باقر علیه‌السلام:

اِنَّهُ لَیَنْزِلُ فِی لَیْلَةِ القَدْرِ اِلی وَلِیِّ الاَمرِ تَفْسیرُ الاُمُورِ سَنَةً سَنَةً؛[۲] در شب قدر تفسیر کارها سال به سال برای امام [معصوم] زمان فرود می‌آید.

تعیین شب قدر

۱۰۴۰-۴۰ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اِلتَمِسُوا لَیْلَةَ القَدْرِ فی الْعَشْرِ الاَواخِرِ مِنْ شَهْرِ رمضانَ؛[۳] شب قدر را در دهه آخر ماه رمضان جست‌وجو کنید.

---

۱. **الکافی**، ج۴، ص۳۷۱.
۲. همان، ج۱، ص۳۶۰.
۳. **الدر المنثور**، ج۸، ص۵۷۱.

چهل حدیث امام حسین علیه السلام و عاشورا

اسماعیل محمدی کرمانشاهی

عاشورا، ماندگارترین روز در تاریخ شیعه است که خون‌های پاک، بقای اسلام را رقم زد. کربلا نیز، مقدس‌ترین قبله عشق و وفا و کانون شور و حماسه و عرفان و ایثار است که دل‌ها را هم‌چون مغناطیسی قرن‌هاست به‌سوی خود جذب کرده است.

امام حسین علیه‌السلام، سبط شـــهید پیامبر و حیات‌بخش مکتب محمدی، با نثار جان و خون خویش، کربلا را به همه جهان پیوند زد و عاشورا را ابدی ساخت. در فرهنگ دینی ما، بالاترین تشویق‌ها نسبت به زیارت کربلا و احیای یاد حسین بن علی علیهماالسلام و مظلومیّت اهل‌بیت علیهم‌السلام در آن واقعه سرخ به عمل آمده است و بر گردِ عاشورای حسینی، یک فرهنگ پدید آمده است، فرهنگ عاشورا.

مجموعه‌ای که پیش رو دارید، برگزیده‌ای از انبوه روایات معصومین علیهم‌السلام اســـت که درباره سالار شهیدان و حادثه عاشورا، سرزمین کربلا و زیارت آن تربت مقدّس و اعمال و سنن مرتبط با این روز و این زمین و این مزار، در منابع دینی آمده است.

امید اســـت آشنایی با مکتب عاشورا و مقام و فضیلت حضرت اباعبدالله علیه‌السلام، ما را در پیروی از تعالیم اسوه‌های جهاد و شهادت و در احیای نام و یاد فرهنگ عاشورا توفیق دهد.

عاشورا در حدیث قدسی

۱۰۴۱-۱ در مناجات موسی علیه‌السلام با خداوند آمده است که فرمود:

یارَبِّ! لِمَ فَضَّلْتَ أُمَّةَ مُحَمَّدٍ صلی‌الله‌علیه‌وآله علی سائِرِ الأُمَمِ؟ فَقالَ اللهُ تَعالی: «فَضَّلْتُهُمْ لِعَشْرِ خِصالٍ». قالَ مُوسی علیه‌السلام: «وَما تِلْكَ الخِصالُ الَّتي يَعْمَلُونَها حَتَّى آمُرَ بَني إِسْرائيلَ يَعْمَلُونَهَا؟» قالَ اللهُ تَعالی: «الصَّلاةُ والزَّكاةُ والصَّومُ والحَجُّ وَالجِهادُ والْجُمُعَةُ وَالْجَماعَةُ وَالْقُرْآنُ وَالْعِلْمُ وَعاشُورَاءُ»[1]؛ خدایا! چه چیز موجب شد تا اُمّت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را بر سایر امّت‌ها برتری دهی؟ خداوند بزرگ‌مرتبه فرمود: «آنان را به خاطر ۱۰ ویژگی برتری دادم». موسی علیه‌السلام پرسید: «آن خصلت‌ها چیست که انجام می‌دهند تا بنی‌اسرائیل را به انجام دادن آن‌ها دستور دهم؟» خداوند بزرگ‌مرتبه فرمود: «نماز و زکات و روزه و حج و جهاد و جمعه و جماعت و قرآن و علم و عاشورا».

حدیث قدسی و گریه در عاشورا

۱۰۴۲-۲ خداوند تبارک و تعالی فرمود:

وَعِزَّتي وَجَلالي! ما مِنْ رَجُلٍ أَوْ إِمْرَأَةٍ سالَ دَمْعُ عَيْنَيْهِ في يَوْمِ عاشُوراءَ وَغَيْرِهِ قَطْرَةً واحِدَةً إِلّا وكُتِبَ لَهُ أَجْرُ مِائَةِ شَهيدٍ[2]؛ سوگند به عزّت و جلالم! هیچ مرد یا زنی نیست که قطره اشکی از چشمانش در روز عاشورا و غیر آن [برای حسین علیه‌السلام] جاری شود، مگر آن که اجر ۱۰۰ شهید برایش نوشته می‌شود.

رهایی از گناهان

۱۰۴۳-۳ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله خطاب به امام حسین علیه‌السلام:

مَنْ زارَكَ حَيّاً وَ مَيِّتاً كانَ حَقيقا عَلَيَّ أَنْ أَزُورَهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ وَأُخَلِّصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ

---

۱. **مستدرک‌الوسائل**، ج ۱۰، ص ۳۱۸.

۲. همان.

وَأُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ؛[1] کسی که تو را در زندگی یا پس از مرگ زیارت نماید، سزاوار است بر مَنْ که در روز قیامت به دیدار او بروم و او را از گناهانش رها کنم و او را وارد بهشت گردانم.

نماز شب عاشورا

۱۰۴۴-۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنْ صَلَّى لَيْلَةَ عاشُوراءَ أَرْبَعَ رَكَعاتٍ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ، يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ بِفاتِحَةِ الْكِتابِ وَآيَةِ الْكُرْسِيِّ عَشْرَ مَرّاتٍ وَ «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ» عَشْرَ مَرّاتٍ وَالْمُعَوِّذَتَيْنِ عَشْراً عَشْراً، فَإِذا سَلَّمَ قَرَأَ «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ» مِائَةَ مَرَّةٍ، بَنَى اللهُ لَهُ فِي الْجَنَّةِ مِائَةَ أَلْفَ أَلْفَ قَصْرٍ مِنْ نُورٍ؛[2] هرکس در سحر شب عاشورا ۴ رکعت نماز بخواند و در هر رکعت، «فاتحةالکتاب» و ۱۰ بار «آیةالکرسی» و ۱۰ بار «قل هو الله أحد» و سوره‌های «فلق» و «ناس» را هر کدام ۱۰ بار بخواند و پس از آن که سلام بدهد، ۱۰۰ بار «قل هو الله أحد» را بخواند، خداوند ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ قصر از نور در بهشت برایش می‌سازد.

نماز چهار رکعتی

۱۰۴۵-۵ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

تُصَلِّي لَيْلَةَ عاشُوراءَ أَرْبَعَ رَكَعاتٍ، فِي كُلِّ رَكْعَةٍ «الْحَمْدَ» مَرَّةً وَ «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ» خَمْسِينَ مَرَّةً، فَإِذا سَلَّمْتَ مِنَ الرّابِعَةِ فَأَكْثِرْ ذِكْرَ اللهِ تَعالى وَالصَّلاةَ عَلى رَسُولِهِ وَاللَّعْنَ لِأَعْدائِهِمْ مَا اسْتَطَعْتَ؛[3] در شب عاشورا ۴ رکعت نماز بگذار، در هر رکعتی یک بار حمد و ۵۰ مرتبه «قل هو الله أحد» (بخوان)؛ هنگامی که از ۴ رکعت فارغ شدی، شروع کن به ذکر خدا و بسیار ذکر بگو و بر رسولش درود بفرست و هر قدر توانستی، دشمنانشان را لعنت نما.

---

۱. **ثواب‌الأعمال**، ص۸۲؛ **بحارالأنوار**، ج۹۷، ص۱۴۱.
۲. **وسائل‌الشیعة**، ج۸، ص۱۸۱.
۳. **وسائل‌الشیعة**، ج۸، ص۱۸۲.

نماز ۱۰۰ رکعتی

۱۰۴۶-۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنْ صَلَّى لَيْلَةَ عاشُوراءَ مِائَةَ رَكْعَةٍ، يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ بِالْحَمْدِ مَرَّةً وَ «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ» ثَلاثَ مَرّاتٍ وَيُسَلِّمُ بَيْنَ كُلِّ رَكْعَتَيْنِ، فَإِذا فَرَغَ مِنْ جَمِيعِ صَلاتِهِ قالَ: «سُبْحانَ اللهِ وَالْحَمْدُ للهِ وَلا إِلهَ إِلاّ اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلاّ بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»، سَبْعِينَ مَرَّةً. مَنْ صَلَّى هذِهِ الصَّلاةَ مِنَ الرِّجالِ أَوِ النِّساءِ مَلَأَ اللهُ قَبْرَهُ إِذا ماتَ مِسْكاً وَعَنْبَراً؛[1]

کسی که شب عاشورا ۱۰۰رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی یک بار سوره حمد و ۳مرتبه سوره «قل هو الله أحد» را بخواند و بعد از هر دو رکعت سلام دهد و هنگامی که از تمام نماز فارغ شد، ۷۰مرتبه بگوید: «سبحان‌الله و الحمد لله و لا إله الاّ الله و الله اکبر، و لاحول و لاقوّة إلّا بالله العلیّ العظیم»؛ هرکس از زنان و مردان این نماز را بخواند، وقتی که بمیرد، خداوند قبرش را از مشک و عنبر لبریز می‌کند.

نیایش در شب عاشورا

۱۰۴۷-۷ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

إِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُحافِظَ عَلَى لَيْلَةِ الْفِطْرِ وَلَيْلَةِ النَّحْرِ وَأَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنَ الْمُحَرَّمِ وَلَيْلَةِ عاشُوراءَ وَ أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْ رَجَبٍ وَلَيْلَةِ النِّصْفِ مِنْ شَعْبانَ فَافْعَلْ وَأَكْثِرْ فِيهِنَّ مِنَ الدُّعاءِ وَالصَّلاةِ وَتِلاوَةِ الْقُرْآنِ؛[2] اگر می‌توانی محافظت کنی (و بیدار بمانی) در شب عید فطر و شب عید قربان و شب اوّل از ماه محرم و شب عاشورا و شب اوّل از ماه رجب و شب نیمه شعبان این کار را انجام بده و در آن شب‌ها دعا، نماز و تلاوت قرآن را بیشتر کن.

---

۱. همان، ص۱۸۱؛ **بحارالأنوار**، ج۹۵، ص۳۳۶.

۲. **بحارالأنوار**، ج۸۸، ص۱۲۳؛ **وسائل الشیعة**، ج۸، ص۱۰۹؛ **مصباح المتهجد**، ص۸۵۲.

زیارت سیدالشهدا علیه‌السلام

۱۰۴۸-۸ امام حسین علیه‌السلام:

مَــنْ زارَني بَعْدَ مَوْتي زُرْتُهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ وَلَوْ لَمْ يَكُنْ إِلّا في النّارِ لَأَخْرَجْتُهُ؛[1] هرکس پس از شــهادتم مرا زیارت کند، روز قیامت ملاقاتش می‌کنم و اگر جای او جز در آتش نباشد، حتماً او را از آتش خارج می‌کنم.

شهید اشک

۱۰۴۹-۹ امام حسین علیه‌السلام:

أَنا قَتيلُ الْعَبْرَةِ لا يَذْكُرُني مُؤْمِنٌ إِلّا اسْتَعْبَرَ؛[2] من کشته اشک‌هایم، هیچ مؤمنی مرا یاد نمی‌کند، مگر آن که از سوز دل اشک می‌ریزد.

شهید شادی‌بخش

۱۰۵۰-۱۰ امام حسین علیه‌السلام:

أَنا قَتيلُ الْعَــبْرَةِ، قُتِلْتُ مَكْرُوباً وَحَقيقٌ عَلَى اللهِ أَنْ لا يَأْتِيَني مَكْرُوبٌ قَطُّ إِلاّ رَدَّهُ اللهُ وَأَقْلَبَهُ إِلى أَهْلِهِ مَسْرُوراً؛[3] من کشته اشک‌هایم، با سختی و اندوه کشته می‌شوم و بر خدا شایسته است که هیچ اندوهگینی نزد من نیاید، مگر آن که اندوهش را بزداید و او را خوشحال به خانواده‌اش برگرداند.

پاداش گریه بر امام

۱۰۵۱-۱۱ امام سجاد علیه‌السلام:

أَيُّما مُؤْمِنٍ دَمَعَتْ عَيْناهُ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام حَتّى تَسيلَ عَلى خَدِّهِ بَوَّأَهُ اللهُ تَعالى بِها في

---

۱. **فضل زیارة الحسین** علیه‌السلام، ص۴۰.
۲. **أمالی**، شیخ صدوق، ص۱۳۷.
۳. **کامل‌الزیارات**، ص۱۰۹.

الْجَنَّةِ غُرَفاً يَسْكُنُها أَحْقاباً؛[1] هر مؤمنی که چشمانش برای شهادت حسین علیه‌السلام گریان شود تا جایی که اشک بر گونه‌اش جاری شود، خدای تعالی او را در غرفه‌هایی جای می‌دهد تا سال‌های بسیاری در آن سکونت کند.

زیارت در عاشورا

۱۰۵۲-۱۲ امام باقر علیه‌السلام:

مَنْ زارَ الْحُسَيْنَ علیه‌السلام فِي يَوْمِ عاشُوراءَ مِنَ الْمُحَرَّمِ حَتّى يَظِلَّ عِنْدَهُ باكِياً لَقِيَ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ يَلْقاهُ بِثَوابِ أَلْفَيْ حِجَّةٍ وَأَلْفَيْ عُمْرَةٍ وَأَلْفَيْ غَزْوَةٍ وَثَوابِ كُلِّ حِجَّةٍ وَعُمْرَةٍ وَغَزْوَةٍ كَثَوابِ مَنْ حَجَّ وَ اعْتَمَرَ وَ غَزا مَعَ رَسُولِ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله؛[2] هرکس حسین علیه‌السلام را در روز عاشورای از محرم زیارت کند تا آن که نزد او گریان باشد، خداوند عزیز و جلیل را با ثواب ۲۰۰۰ حج و ۲۰۰۰ عمره و ۲۰۰۰ غزوه در روز قیامت ملاقات می‌کند و ثواب هر حج و عمره و غزوه‌ای همانند ثواب کسی است که حج و عمره و جهاد را با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و در رکاب او انجام داده است.

روزه در عاشورا

۱۰۵۳-۱۳ امام باقر یا امام صادق علیهماالسلام:

لا تَصُمْ فِي يَوْمِ عاشُوراءَ وَلا عَرَفَةَ بِمَكَّةَ وَلا فِي الْمَدينَةِ وَلا فِي وَطَنِكَ وَلا فِي مِصْرٍ مِنَ الأَمْصارِ؛[3] در روز عاشورا روزه نگیرید و نه در روز عرفه در مکّه و نه در مدینه و نه در وطنت و نه در هیچ شهری از شهرها.

---

۱. **ثواب‌الأعمال**، ص۸۳؛ **وسائل‌الشیعة**، ج۱۴، ص۵۰۱.
۲. **کامل‌الزیارات**، ص۱۷۴؛ **وسائل‌الشیعة**، ج۱۴، ص۴۷۷.
۳. **الکافی**، ج۴، ص۱۴۶؛ **وسائل‌الشیعة**، ج۱۰، ص۴۶۲.

ذخیره‌سازی در عاشورا

۱۰۵۴-۱۴ امام صادق علیه السلام:

مَنِ ادَّخَرَ إِلى مَنْزِلِهِ ذَخيرَةً أَعْقَبَهُ اللهُ تَعالى نِفاقاً في قَلْبِهِ إِلى يَوْمِ يَلْقاهُ وَانْتَزَعَ الْبَرَكَةَ عَنْهُ وَ عَنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ وُلْدِهِ وَ شارَكَهُ الشَّيْطانُ في جَميعِ ذلِكَ؛[1] کسی که در این روز [عاشورا] برای منزلش ذخیره‌ای گردآورد، خداوند او را به قراردادن نفاق در قلبش عقاب می‌کند، تا روزی که ملاقاتش کند و برکت را از او و خانواده‌اش و فرزندانش می‌کَنَد و شیطان را در تمام این کارها شریک او قرار می‌دهد.

روز اندوه آسمان و زمین

۱۰۵۵-۱۵ امام صادق علیه السلام:

وَأَمّا يَوْمُ عاشُوراءَ فَيَوْمٌ أُصيبَ فيهِ الْحُسَيْنُ علیه السلام صَريعاً بَيْنَ أَصْحابِهِ وَأَصْحابُهُ صَرْعَى حَوْلَهُ عُراةً، أَفَصَوْمٌ يَكُونُ في ذلِكَ الْيَوْمِ؟ كَلاّ وَرَبِّ الْبَيْتِ الْحَرامِ ما هُوَ يَوْمُ صَوْمٍ وَما هوَ إِلاّ يَوْمُ حُزْنٍ وَمُصيبَةٍ دَخَلَتْ عَلى أَهْلِ السَّماءِ وَأَهْلِ الْأَرْضِ وَجَميعِ الْمُؤْمِنينَ وَيَوْمُ فَرَحٍ وَسُرُورٍ لِابْنِ مَرْجانَةَ وَآلِ زِيادٍ وَأَهْلِ الشّامِ؛[2] و امّا روز عاشورا روزی است که در آن روز به حسین علیه السلام مصیبت رسید، در حالی پیکر او بین اصحابش افتاده بود و پیکر اصحاب او نیز در اطراف او افتاده بودند؛ پس آیا چنین روزی می‌توان روزه گرفت؟ هرگز! به خدای کعبه سوگند! عاشورا روزِ روزه نیست و روزی نیست مگر برای ناراحتی و عزایی که بر اهل آسمان و اهل زمین و تمام مؤمنان وارد شده است و روز شادی و خوشحالی برای ابن‌مرجانه و آل زیاد و اهل شام است.

---

۱. **الکافی**، ج۴، ص۱۴۷.
۲. همان.

کار در روز عاشورا

۱۰۵۶-۱۶ امام باقر علیه‌السلام:

وَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ لا تَنْشُرَ يَوْمَكَ [يَوْمُ عاشُوراء] فِي حاجَةٍ فَافْعَلْ، فَإِنَّهُ يَوْمُ نَحْسٍ لا تُقْضى فيهِ حاجَةُ مُؤْمِنٍ وَإِنْ قُضِيَتْ لَمْ يُبارَكْ لَهُ فيها وَ لا يَرى فيها رُشْداً؛[1] و اگر توانستی در آن روز [عاشورا] به دنبال حاجتی نروی آن کار را بکن؛ زیرا روز نحسی است که حاجت مؤمنی در آن روز برآورده نمی‌شود و اگر هم برآورده شود، برای او مبارک نخواهد بود و رشدی در آن نخواهد دید.

عاشورا و هزار سوره اخلاص

۱۰۵۷-۱۷ امام صادق علیه‌السلام:

مَنْ قَرَأَ يَوْمَ عاشُوراءَ أَلْفَ مَرَّةٍ سُورَةَ الإِخْلاصِ نَظَرَ الرَّحْمنُ إِلَيْهِ وَمَنْ نَظَرَ الرَّحْمنُ إِلَيْهِ لَمْ يُعَذِّبْهُ أَبَداً؛[2] هرکس روز عاشورا ۱۰۰۰ مرتبه سوره اخلاص را قرائت کند، خدای رحمان به او نظر می‌کند و کسی که خدای رحمان به او نظر کند، هرگز عذابش نخواهد کرد.

روز غم بزرگ

۱۰۵۸-۱۸ امام صادق علیه‌السلام:

إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام أَعْظَمُ مُصيبَةً مِنْ جَميعِ سائِرِ الأَيّامِ؛[3] همانا مصیبت روز حسین علیه‌السلام [عاشورا] از تمام روزهای دیگر بزرگ‌تر است.

زیارت در شب عاشورا

۱۰۵۹-۱۹ امام صادق علیه‌السلام:

مَنْ باتَ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام لَيْلَةَ عاشُوراءَ لَقِيَ اللهَ يَوْمَ الْقِيامَةِ مُلَطَّخا بِدَمِهِ

---

۱. **وسائل الشیعة**، ج۱۴، ص۵۰۹.
۲. **بحارالأنوار**، ج۹۵، ص۳۴۳.
۳. **وسائل الشیعة**، ج۱۴، ص۵۰۳.

كَأَنَّما قُتِلَ مَعَهُ فِي عَرْصَةِ كَرْبَلاءَ؛[1] هرکس شـــب عاشورا را نزد قبر امام حسین علیه السلام به صبح برســـاند، خداوند را روز قیامت ملاقات می‌کند در حالی که به خون خود آغشته است؛ گویا در سرزمین کربلا به همراه امام حسین علیه السلام کشته شده است.

پاداش زائران عاشورا

۱۰۶۰-۲۰ امام صادق علیه السلام:

مَنْ زارَهُ يَوْمَ عاشُـــوراءَ حَتّى يَظِلَّ عِنْدَهُ باكِياً حَزيناً كانَ كَمَنِ اسْتُشْهِدَ بَيْنَ يَدَيْهِ حَتّى يُشـــارِكَهُمْ فِي مَنازِلِهِمْ فِي الْجَنَّةِ؛[2] هرکس امام حســـین علیه السلام را روز عاشورا زیارت کند تا زمانی که نزد او گریان و غمگین باشـــد، همانند کسی اســـت که در رکاب او به شهادت رسیده است، تا آن‌جا که در بهشت هم‌منزل شهدای کربلا خواهد بود.

شاعران عاشورایی

۱۰۶۱-۲۱ امام صادق علیه السلام:

مَنْ أَنْشَـــدَ فِي الْحُسَيْنِ علیه السلام شِعْراً فَبَكى وَ أَبْكى عَشَرَةً كُتِبَتْ لَهُمُ الْجَنَّةُ، وَمَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُســـيْنِ علیه السلام شِعْراً فَبَكى وَأَبْكى خَمْسَةً كُتِبَتْ لَهُمُ الْجَنَّةُ وَمَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ علیه السلام شِـــعْراً فَبَكى وَأَبْكى واحِداً كُتِبَتْ لَهُما الْجَنَّةُ وَمَنْ ذُكِرَ الْحُسَيْنُ علیه السلام عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنَيْهِ مِقْدارَ جَناحِ ذُبابَةٍ كانَ ثَوابُهُ عَلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلَمْ يَرْضَ لَهُ بِدُونِ الْجَنَّةِ؛[3] کسی که درباره امام حسین علیه السلام شـــعری بسراید و گریه کند و ۱۰ نفر را بگریاند، برای همه آنان بهشت خواهد بود، و هرکس شـــعری درباره حسین علیه السلام بسراید و گریه کند و ۵ نفر را بگریاند، برای آنان بهشت نوشته می‌شود، و کسی که شعری درباره حسین علیه السلام بسراید و یک نفر را بگریاند، برای آن

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۹۵، ص۳۴۰.
۲. **عوالی اللئالی**، ج۴، ص۸۲.
۳. **ثواب الأعمال**، ص۸۴.

دو بهشـــت را می‌نویسند، و کسی که امام حســـین علیه‌السلام را نزد او یاد کنند و به اندازه بال مگسی از چشـــمان او اشک جاری شـــود، ثواب او بر عهده خدای عزیز و جلیل است و برای او به غیر از بهشت راضی نمی‌شود.

مرثیه‌سرایان عاشورایی

۱۰۶۲-۲۲ امام صادق علیه‌السلام:

مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ علیه‌السلام شِعْراً فَبَكى فَلَهُ الْجَنَّةُ وَمَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ علیه‌السلام شِعْراً فَتَباكى فَلَهُ الْجَنَّةُ؛[1] کسی که درباره امام حسین علیه‌السلام شعری بسراید، پس گریه کند، بهشت از آن او است، و هرکس درباره امام حسین علیه‌السلام شعری بخواند، پس خود را به گریه بزند، بهشت برای او است.

فرشتگان ژولیده

۱۰۶۳-۲۳ امام صادق علیه‌السلام:

وَالَّذي نَفْـــسي بِيَدِهِ! إِنَّ حَوْلَ قَبْرِهِ أَرْبَعَةُ آلافِ مَلَكٍ شُـــعْثٍ غُبْرٍ يَبْكُونَهُ إِلى يَوْمِ الْقِيامَةِ؛[2] سوگند به کسی که جانم در دســـت اوست! به درستی که اطراف قبر او ۴۰۰۰ فرشته ژولیده و غبارآلود هستند که تا روز قیامت بر او می‌گریند.

سرور شهیدان

۱۰۶۴-۲۴ امام صادق علیه‌السلام:

زُورُوهُ وَلا تَجْفُوهُ فَإِنَّهُ سَيِّدُ شَبابِ الشُّهَداءِ وَ سَيِّدُ شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ؛[3] او را [حسین علیه‌السلام] زیارت کنید به راستی که او سرور شهدا و سرور جوانان بهشتی است.

---

۱. **وسائل‌الشیعة**، ج۱۴، ص۵۹۵.
۲. **ثواب‌الأعمال**، ص۹۷.
۳. **بحارالأنوار**، ج۹۸، ص۳۵.

بزرگراه فرشتگان

۱۰۶۵-۲۵ امام صادق علیه السلام:

ما بَيْنَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام إِلَى السَّماءِ السّابِعَةِ مُخْتَلَفُ الْمَلائِكَةِ؛[1] بین قبر امام حسین علیه السلام تا آسمان هفتم محلّ رفت و آمد فرشتگان است.

گلشن بهشتی

۱۰۶۶-۲۶ امام صادق علیه السلام:

مَوضِعُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام تُرْعَةٌ مِنْ تُرَعِ الْجَنَّةِ؛[2] جایگاه قبر امام حسین علیه السلام گلشنی از گلستان‌های بهشت است.

چگونه زیارت کنیم؟

۱۰۶۷-۲۷ امام صادق علیه السلام:

إذا زُرْتَ أَباعَبْدِاللهِ علیه السلام فَزُرْهُ وَأَنْتَ حَزينٌ مَكْرُوبٌ شَعِثٌ مُغْبَرٌّ جائِعٌ عَطْشانُ فَإِنَّ الْحُسَيْنَ علیه السلام قُتِلَ حَزيناً مَكْرُوباً شَعِثاً مُغْبَرّاً جائِعاً عَطْشَاناً وَاسْأَلْهُ الْحَوائِجَ وَانْصَرِفْ عَنْهُ وَلا تَتَّخِذْهُ وَطَناً؛[3] هرگاه خواستی امام حسین علیه السلام را زیارت کنی، پس در حالتی که غمگین، اندوهگین، ژولیده‌موی غبارآلود، گرسنه و تشنه‌ای او را زیارت کن؛ زیرا همانا حسین علیه السلام غمگین، اندوهگین، ژولیده‌مو غبارآلود، گرسنه و تشنه به شهادت رسیده و درخواست‌های خود را بخواه و سپس بازگرد و آن‌جا را اقامتگاه خود قرار نده.

---

۱. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۲، ص۵۷۹.
۲. همان.
۳. **ثواب‌الأعمال**، ص۸۸؛ **بحارالأنوار**، ج۹۸، ص۱۴۰.

روزه شادی، هرگز

۱۰۶۸-۲۸ امام صادق علیه‌السلام درباره روزهٔ روز عاشورا فرمود:

ذاكَ يَوْمُ قَتْلِ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام فَإِنْ كُنْتَ شامِتاً فَصُمْ؛[1] آن روز قتل حسین علیه‌السلام است؛ پس اگر می‌خواهی در غم ما شادمان باشی، روزه بگیر.

زیارت خدا

۱۰۶۹-۲۹ امام صادق علیه‌السلام:

مَنْ زارَ قَبْرَ أَبي عَبْدِاللهِ علیه‌السلام يَوْمَ عاشُوراءَ عارِفا بِحَقِّهِ كانَ كَمَنْ زارَ اللهَ تَعالى في عَرْشِهِ؛[2] هرکس قبر امام حسین علیه‌السلام را روز عاشورا زیارت کند، در حالی که حق او را بشناسد، همانند کسی است که خدای بلندمرتبه را در عرشش زیارت کرده باشد.

زیارت و شهادت

۱۰۷۰-۳۰ امام صادق علیه‌السلام:

مَنْ زارَ الْحُسَيْنَ علیه‌السلام فِي يَوْمِ عاشُوراءَ وَ باتَ عِنْدَهُ كانَ كَمَنِ اسْتُشْهِدَ بَيْنَ يَدَيْهِ؛[3] هرکس امام حسین علیه‌السلام را روز عاشورا زیارت کند و آن روز را نزد او بماند، همانند کسی است که در رکاب او به شهادت رسیده باشد.

مقام زائر امام حسین علیه‌السلام

۱۰۷۱-۳۱ امام صادق علیه‌السلام:

مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام عارِفاً بِحَقِّهِ، كَتَبَهُ اللهُ تَعالى في أَعْلى عِلِّيِّينَ؛[4] آن که قبر امام

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۴۵، ص۹۵.
۲. **تهذیب‌الأحکام**، ج۶، ص۵۱.
۳. **وسائل‌الشیعة**، ج۱۴، ص۴۷۷.
۴. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۲، ص۵۸۱؛ **وسائل‌الشیعة**، ج۱۴، ص۴۱۸.

حسین علیه السلام را زیارت کند، در حالی که حق او را می‌شناسد، خداوند تعالی زیارت او را در اعلی علیین (بالاترین دفتر فرشتگان مقرّب) می‌نویسد.

زیارت و بهشت

۱۰۷۲-۳۲ امام صادق علیه السلام:

مَنْ زارَ الْحُسَيْنَ علیه السلام يَوْمَ عاشُوراءَ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ؛[۱] هرکس روز عاشورا امام حسین علیه السلام را زیارت کند، بهشت بر او واجب می‌شود.

محرم ماه حزن اهل بیت علیهم السلام

۱۰۷۳-۳۳ امام رضا علیه السلام:

كانَ أَبي إذا دَخَلَ شَهْرُ الْمُحَرَّمِ لا يُرى ضاحِكاً وَ كانَتِ الْكَآبَةُ تَغْلِبُ عَلَيْهِ حَتّى يَمْضِيَ مِنْهُ عَشَرَةُ أَيّامٍ فَإذا كانَ يَوْمُ العاشِرِ كانَ ذلِكَ الْيَوْمُ يَوْمَ مُصيبَتِهِ وَحُزْنِهِ وَبُكائِهِ وَيَقُولُ: «هُوَ الْيَوْمُ الَّذي قُتِلَ فيهِ الْحُسَيْنُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ»؛[۲] روش پدرم چنان بود که هرگاه وارد ماه محرّم می‌شدیم، خندان دیده نمی‌شد و غم بر او غلبه می‌یافت تا آن که ۱۰روز از محرم می‌گذشت؛ پس هنگامی که روز دهم می‌رسید، آن روز، روز مصیبت، غم و گریه پدرم بود و می‌فرمود: «این همان روزی است که حسین -که درود خداوند بر او باد- در آن روز کشته شد».

هم‌نشینی با یزید

۱۰۷۴-۳۴ امام رضا علیه السلام:

مَنْ سَمّى يَوْمَ عاشُوراءَ يَوْمَ بَرَكَةٍ وَادَّخَرَ فيهِ لِمَنْزِلِهِ شَيْئاً لَمْ يُبارَكْ لَهُ فيما ادَّخَرَ وَحُشِرَ يَوْمَ الْقِيامَةِ مَعَ يَزيدَ وَعُبَيْدِ اللهِ بْنِ زِيادٍ وَعُمَرَ بْنِ سَعْدٍ لَعَنَهُمُ اللهُ تَعالى إلى أَسْفَلِ دَرَكٍ

---

۱. **تهذیب الأحکام**، ج۶، ص۵۱؛ **وسائل الشیعة**، ج۱۴، ص۴۷۶.
۲. **وسائل الشیعة**، ج۱۴، ص۵۰۴؛ **بحارالأنوار**، ج۴۴، ص۲۸۳.

مِنَ النّارِ؛[1] هرکس روز عاشورا را روز برکت بنامد و چیزی را برای منزلش ذخیره نماید، آن‌چه را که ذخیره کرده برای او مبارک نخواهد بود و روز قیامت با یزید و عبیدالله بن زیاد و عمر بن سعد محشور می‌شود؛ خداوند تعالی همه آنان را لعنت کند و در پایین‌ترین درجه آتش قرار دهد.

زیارت امام و عمره مقبول

۱۰۷۵-۳۵ امام رضا علیه‌السلام:

زِيارَةُ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام تَعْدِلُ عُمْرَةً مَقْبُولَةً مَبْرُورَةً؛[2] زیارت قبر امام حسین علیه‌السلام برابر با یک عمره مقبول و پذیرفته‌شده است.

زیارت و مغفرت الهی

۱۰۷۶-۳۶ امام کاظم علیه‌السلام:

مَنْ زارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیهما‌السلام عارِفاً بِحَقِّهِ غَفَرَ اللهُ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَما تَأَخَّرَ؛[3] آن که قبر حسین بن علی علیهما‌السلام را زیارت کند، در حالی که حق او را بشناسد، خداوند گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد.

کار نکردن در عاشورا

۱۰۷۷-۳۷ امام رضا علیه‌السلام:

مَنْ تَرَكَ السَّعْيَ فِي حَوائِجِهِ يَوْمَ عاشُوراءَ قَضَى اللهُ لَهُ حَوائِجَ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ؛[4] هرکس در روز عاشورا کار و کوشش برای برآوردن حاجاتش را ترک کند، خداوند حوائج دنیا و آخرت او را برآورده می‌سازد.

---

۱. **عیون أخبار الرضا** علیه‌السلام، ج۱، ص۲۹۸.
۲. **وسائل الشیعة**، ج۱۴، ص۴۱۹.
۳. **ثواب الأعمال**، ص۸۵.
۴. **وسائل الشیعة**، ج۱۴، ص۵۰۴، ح۱۹۶۹۶.

ثواب عزاداری

۱۰۷۸-۳۸ امام رضا علیه السلام:

مَنْ كانَ يَومُ عاشُوراءَ يَوْمَ مُصيبَتِهِ وَحُزْنِهِ وَبُكائِهِ يَجْعَلُ اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيامَةِ يَوْمَ فَرَحِهِ وَسُرُورِهِ وَقَرَّتْ بِنا فِي الْجِنانِ عَيْنُهُ؛[1] هرکس روز عاشورا، روز ماتم، اندوه و گریه‌اش باشد، خداوند عزیز و جلیل روز قیامت را روز شادی و خوشحالی او قرار می‌دهد و چشم او در بهشت به دیدن ما روشن می‌گردد.

بر چه کسی گریه کنیم؟

۱۰۷۹-۳۹ امام رضا علیه السلام:

إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ علیه السلام أَقْرَحَ جُفُونَنا وَأَسْبَلَ دُمُوعَنا وَأَذَلَّ عَزيزَنا بِأَرْضِ كَرْبٍ وَبَلاءٍ أَوْرَثَتْنَا الْكَرْبَ وَالْبَلاءَ إِلى يَوْمِ الإِنْقِضاءِ فَعَلى مِثْلِ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَلْيَبْكِ الْباكُونَ فَإِنَّ الْبُكاءَ عَلَيْهِ يَحُطُّ الذُّنُوبَ الْعِظامَ؛[2] به درستی که روز حسین علیه السلام در سرزمین کربلا قلب‌های ما را زخمی کرد و خون‌های ما را جاری ساخت و عزیزان ما را خوار گرداند، و درد و رنج را میراث ما ساخت تا روزی که این غم برطرف شود، [روز قیام قائم و انتقام او از قاتلان]؛ پس گریه‌کنندگان باید بر مثل حسین علیه السلام گریه کنند، زیرا به درستی که گریه بر او گناهان بزرگ را از بین می‌برد.

روضه‌خوانی امام رضا علیه السلام

۱۰۸۰-۴۰ امام رضا علیه السلام:

إِنَّ الْمُحَرَّمَ شَهْرٌ كانَ أَهْلُ الْجاهِلِيَّةِ يُحَرِّمُونَ فيهِ الْقِتالَ فَاسْتُحِلَّتْ فيهِ دِماؤُنا وَ

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۴۴، ص۲۸۴؛ **وسائل الشیعة**، ج۱۴، ص۵۰۴.
۲. **أمالی**، شیخ صدوق، ص۱۲۸.

هُتِكَتْ فيهِ حُرْمَتُنا وَ سُبِيَ فيهِ ذَرارِيُّنا وَنِساؤُنا وَأُضْرِمَتِ النِّيْرانُ في مَضارِبِنا وَانْتُهِبَ ما فيها مِنْ ثِقْلِنا وَلَمْ تُرْعَ لِرَسُولِ اللهِ ﷺ حُرْمَةٌ في أَمْرِنا؛[1] به درستی که مردم عصر جاهلیّت جنگ در ماه محرم را حرام می‌دانستند؛ پس در آن ماه خون‌های ما را حلال کردند و حرمت ما را در آن ماه شکستند و فرزندان و همسران ما را اسیر کردند و در خیمه‌های ما آتش افروختند و هر آن‌چه از کالا بود، چپاول کردند و حرمت رسول خدا ﷺ را در مورد ما رعایت نکردند.

۱. **أمالی**، شیخ صدوق، ص۱۲۸.

چهل حدیث عدالت

صفر فلاحی

نفیس‌ترین گوهری که در طول تاریخ همه در پی آنند، «عدالت» است.

فریـــاد عدالت‌خواهی که از متن فطرت انســـان برمی‌خیزد، در طول تاریخ بشـــری طنین‌انداز بوده و جاذبه‌ای قوی داشته است.

خداوند، بنای آفرینش و سنّت پاداش را بر «عدالت» نهاده و از مهم‌ترین دعوت‌های انبیا دعوت به عدالت بوده است. فلسفه قیام جهانی حضرت مهدیﷺ نیز برپایی قسط و عدل در پهنه گیتی است.

این گوهر پربها، اگر در حاکمان باشـــد، به دوام حکومت و صلاح مردم می‌انجامد و اگر در قاضیان باشـــد، به استیفای حقوق مظلومان منتهی می‌شود، و اگر در همه افراد باشد، جهان بهشت برین می‌گردد.

قـــرآن کریم در آیاتی متعدد، به عدل و داد در گفتار و کردار و نوشـــتن عقود و روابط خانوادگی و اصلاح امور مردم فراخوانده اســـت.[1] رســـول اکرمﷺ و امیرمؤمنانؑ در دوران حکومتشان تلاش برای بسط عدالت و مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی داشتند و اساساً نظام جامعه و قوام دین و دنیای مردم بر عدالت استوار است و از این رو در رهنمودهای معصومینؑ، سخنان فراوانی در این موضوع نقل شده است.

---

۱. ر.ک: قرآن کریم سوره‌های بقره/۲۸۲، انعام/۱۵۲، نساء/۳، احزاب/۵، مائده/۸ و آیات دیگر.

عدالت چیست؟

۱۰۸۱-۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلعَدْلُ يَضَعُ الأُمُوْرَ مَواضِعَها وَالْجُوْدُ يُخْرِجُها مِنْ جِهَتِها وَالْعَدْلُ سائِسٌ عَامٌّ وَالْجُودُ عارِضٌ خَـاصٌّ فَالعَدْلُ أَشْرَفُهُمَا وَ أَفْضَلُهُمَا؛[1] عدالت هر چیزی را جای خود قرار می‌دهد، در حالی که بخشش آن را از جهت خود خارج می‌کند. عدالت تدبیر و مدیریت عمومی است؛ نفعش به همه می‌رسد، در حالی که بخشش گروه خاصی را شامل می‌شود؛ پس عدالت شریف‌تر و برتر از بخشش است.

نخستین مرحله عدالت

۱۰۸۲-۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

عِبَادَ اللهِ! إِنَ مِنْ أَحَبِ عِبَادِ اللهِ إِلَيْهِ عَبْداً أَعَانَهُ اللهُ عَلَى نَفْسِه... فَهُوَ مِن مَعَادِنِ دِينِـهِ وَ أَوْتَادِ أَرْضِهِ، قَدْ أَلْزَمَ نَفْسَـهُ الْعَدْلَ فَكَانَ أَوَّلُ عَدْلِهِ نَفْيَ الْهَوى عَنْ نَفْسِـهِ؛[2] بندگان خدا! همانا محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند، کسی است که او را بر تربیت نفسش یاری رسانده... و او از ارکان دین و بزرگان زمین است که خود را به عدالت ملزم کرده و نخستین گام و مرحله عادل بودن وی آن است که هوا و هوس را از خویشتن دور ساخته است.

---

۱. **نهج‌البلاغة**، حکمت ۴۳۷.

۲. همان، خطبه ۸۷.

عدالت و استمرار نعمت

۱۰۸۳-۳ امام رضا علیه‌السلام:

إِسْتِعْمالُ الْعَدْلِ وَ الإِحْسانِ مُؤْذِنٌ بِدَوامِ النِّعْمَةِ؛[۱] به کار گرفتن عدالت و دادگری و نیکی به دیگران، نشان‌دهنده استمرار نعمت است.

وسعت دامنه عدالت

۱۰۸۴-۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً وَ مَنْ ضاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ أَضْيَقُ؛[۲] در عدل وسعت و گستردگی است؛ هرکس از اجرای عدل احساس تنگی کند، پس جور و ستم بر او سخت‌تر خواهد بود.

عدل و اصلاح جامعه

۱۰۸۵-۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

الْعَدْلُ يُصْلِحُ الْبَرِيَّةَ؛[۳] (اجرای) عدالت موجب اصلاح مردمان است.

مایه قوام جامعه

۱۰۸۶-۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

الْعَدْلُ قِوامُ الرَّعِيَّةِ؛[۴] عدالت و دادگری، نگهدارنده ملت است.

---

۱. **عیون أخبار الرضا** علیه‌السلام، ج ۲، ص ۲۳.
۲. **نهج‌البلاغة**، خطبه ۱۵.
۳. **غررالحکم**، ص ۴۳.
۴. همان، ص ۵۲.

عادل‌ترین مردم

۱۰۸۷-۷ امام صادق علیه‌السلام:

أَعْدَلُ النَّاسِ مَنْ رَضِيَ لِلنَّاسِ ما يَرْضَى لِنَفْسِهِ؛[۱] عادل‌ترین مردم کسی است که برای دیگران همان چیزی را بخواهد که برای خویش می‌پسندد.

مخالفان عدالت و حسرت قیامت

۱۰۸۸-۸ امام صادق علیه‌السلام:

إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ النّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ القِيامَةِ مَنْ وَصَفَ عَدْلاً ثُمَّ خالَفَهُ إِلى غَيْرِهِ؛[۲] حسرت‌خورنده‌ترین مردم در روز قیامت کسی است که عدالت را توصیف و ستایش کند، ولی درباره دیگران برخلاف آن رفتار کند.

عدالت قاضی

۱۰۸۹-۹ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنِ ابْتُلِيَ بِالْقَضاءِ فَلْيُواسِ بَيْنَهُمْ فِي الإِشارَةِ وَ فِي النَّظَرِ وَ فِي المَجْلِسِ؛[۳] هرکس بر مسند قضاوت بنشیند، باید در اشاره، نگاه و نوع نشستن میان افراد متخاصم و مراجعه‌کننده، عدالت را رعایت کند.

عدل سرآغاز ایمان

۱۰۹۰-۱۰ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

الْعَدلُ رَأْسُ الإيمانِ وَ جِماعُ الإِحْسانِ؛[۴] عدالت سرمایه ایمان و دربردارنده نیکی است.

---

۱. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۴، ص۲۸۲.
۲. **الکافی**، ج۲، ص۳۰۰.
۳. همان، ج۷، ص۴۱۳.
۴. **غرر الحکم**، ص۱۰۳.

عیب مخالفت با عدالت

۱۰۹۱-۱۱ امام صادق علیه‌السلام:

إِتَّقُوا اللّٰهَ وَ اعْدِلُوا فَإِنَّكُمْ تَعِيبُونَ عَلَى قَوْمٍ لا يَعْدِلُونَ؛[۱] از خدا پروا کنید و عدالت را اجرا کنید؛ زیرا شما بر قومی که دادگری نکنند، عیب گرفته و خرده می‌گیرید.

مروت و عدالت

۱۰۹۲-۱۲ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

الْمُرُوءَةُ الْعَدْلُ فِي الأَمْرَةِ وَ الْعَفْوُ مَعَ الْقُدْرَةِ وَالْمُواسَاةُ مَعَ الْعُسْرَةِ؛[۲] جوان‌مردی و مروت، عدالت‌گری در حکومت، گذشت در حال توانایی و نیکوکاری در هنگام تنگدستی است.

برکات اجرای عدالت

۱۰۹۳-۱۳ امام صادق علیه‌السلام:

إِنَّ النَّاسَ يَسْتَغْنُونَ إِذا عُدِلَ بَيْنَهُمْ وَ تُنْزِلُ السَّماءُ رِزْقَها وَ تُخْرِجُ الأَرْضُ بَرَكَتَهَا بِإِذْنِ اللّٰهِ تعالى؛[۳] وقتی عدالت میان مردم اجرا گردد، به بی‌نیازی می‌رسند؛ (زیرا) آن زمان آسمان روزی خود را نازل می‌کند و زمین برکات خود را به اذن خداوند ارزانی می‌دارد.

صفات برترین حاکمان

۱۰۹۴-۱۴ امام صادق علیه‌السلام:

أَفْضَلُ الْمُلُوكِ مَنْ أُعْطِيَ ثَلاَثَ خِصالٍ: الرَّأْفَةَ وَ الْجُودَ وَ الْعَدْلَ؛[۴] برترین و با فضیلت‌ترین فرمانروایان آنانند که دارای سه خصلت باشند: مهربانی، بخشندگی و دادگری.

---

۱. **الکافی**، ج۲، ص۱۴۷.
۲. **غرر الحکم**، ص۱۳۷.
۳. **الکافی**، ج۳، ص۵۶۸.
۴. **تحف‌العقول**، ص۳۳۲.

برکات عدالت

۱۰۹۵-۱۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

بِالْعَدْلِ تَتَضاعَفُ الْبَرَكاتُ؛[۱] به سبب عدالت، برکات الهی افزایش می‌یابد.

عدالت برتر از شجاعت

۱۰۹۶-۱۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

الْعَدْلُ أَفْضَلُ مِنَ الشَّجاعَةِ لِأَنَّ النّاسَ لَوِاسْتَعْمَلُوا الْعَدْلَ عُمُوماً فی جَمیعِهِم لاَسْتَغْنَوا عَنِ الشَّجاعَةِ؛[۲] دادگری برتر از شجاعت است؛ زیرا مردم اگر عدل را درباره همگان اجرا نمایند، از شجاعت بی‌نیاز خواهند بود.

دادگری و دوام حکومت

۱۰۹۷-۱۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

ثَباتُ الدُّوَلِ بِإِقامَةِ سُنَنِ الْعَدْلِ؛[۳] پایداری و استمرار حکومت‌ها با عدالت و دادگستری است.

عدالت مهدوی و میزان نفوذ آن

۱۰۹۸-۱۸ امام صادق علیه‌السلام:

إِنَ قائِمَنا إِذَا قامَ، أَتَى النَّاسَ وَ كُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كِتابَ اللهِ يَحْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ. أَما وَاللهِ! لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدلُهُ جَوفَ بُيُوتِهِمْ، كَما يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقُرُّ؛[۴] زمانی که قائم ما قیام کند، در حالی به سوی مردم می‌آید که جملگی کتاب خدا را علیه او تأویل می‌کنند و بر او بدان احتجاج

---

۱. **غرر الحکم**، ص۳۴۴.
۲. **شرح نهج‌البلاغة**، ابن ابی‌الحدید، ج۲۰، ص۳۳۳.
۳. **غرر الحکم**، ص۳۸۱.
۴. **الغیبة**، نعمانی، ۲۹۷.

می‌نمایند. آگاه باشید! به خدا قسم! عدالت مهدوی در داخل خانه‌هایشان به آن‌ها می‌رسد، همان گونه که سرما و گرما به درون خانه‌ها نفوذ می‌کند.

پاداش عفو و عدالت

۱۰۹۹-۱۹ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

شَیْئانِ لا یُوزَنُ ثَوابُهُما: اَلْعَفْوُ وَ الْعَدْلُ؛[۱] دو چیز است که ثواب و پاداش آن‌ها را نتوان سنجید: گذشت و عدالت.

سه عامل نجات

۱۱۰۰-۲۰ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

ثَلاثٌ مُنْجِیاتٌ: فَخَوفُ اللهِ فِی السِّرِّ وَ الْعَلانِیَةِ وَ الْقَصْدُ فِی الغِنی وَالْفَقْرِ وَ کَلِمَةُ الْعَدْلِ فِی الرِّضا وَ السَّخَطِ؛[۲] سه چیز نجات‌بخش است: ترس از خدا در آشکار و نهان، میانه‌روی (عدم اسراف) در فقر و ثروتمندی، و سخن حقّ و عادلانه گفتن در حال رضایت و غضب.

عدالت در وصیت

۱۱۰۱-۲۱ امام صادق علیه‌السلام:

مَنْ عَدَلَ فِی وَصِیَّتِهِ کانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ تَصَدَّقَ بِها فِی حَیاتِهِ؛[۳] کسی که در وصیت عدالت را رعایت نماید، هم‌چون کسی است که در زمان حیاتش همه دارایی‌اش را در راه خدا صدقه داده باشد.

---

۱. **غررالحکم**، ص۴۶۷.
۲. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۴، ص۲۶۰.
۳. **الکافی**، ج۷، ص۵۸.

عدالت فراگیر

۱۱۰۲-۲۲ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

عَلَيْكَ بِالْعَدْلِ فِي الصَّدِيقِ وَالْعَدُوِّ وَالْقَصْدِ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنَى؛[۱] بر تو باد به اجرای عدالت درباره دوست و دشمن، و بر تو باد به میانه‌روی در حال فقر و بی‌نیازی.

پشتوانه اجرای عدل

۱۱۰۳-۲۳ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

إِسْتَعِنْ عَلَى الْعَدْلِ بِحُسْنِ النِّيَّةِ فِي الرَّعِيَّةِ وَ قِلَّةِ الطَّمَعِ وَ كَثْرَةِ الْوَرَعِ؛[۲] برای اجرای عدالت و دادگری، از نیت نیک درباره مردم و بی‌طمعی و بسیار پرهیزکار بودن یاری بجوی.

استقرار عدالت با پرهیز از بدی

۱۱۰۴-۲۴ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

لَنْ يَتَمَكَّنَ الْعَدْلُ حَتّى يَزِلَّ الْبَخْسُ[۳]؛[۴] عدل و عدالت استقرار نیابد، مگر این که ستم و بدی خار و زبون گردد.

شمشیر عدالت

۱۱۰۵-۲۵ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

إِجْعَلِ الْعَدْلَ سَيْفَكَ؛[۵] عدالت را شمشیر (محافظ) خود قرار بده.

---

۱. **غرر الحکم**، ص۵۰۳.
۲. همان، ص۱۶۳.
۳. بَخْس به معنای کم‌کردن، کاهش دادن و کم‌فروشی هم آمده است.
۴. همان، ص۶۶۱.
۵. همان، ص۶۷.

نیازهای عموم مردم

۱۱۰۶-۲۶ امام صادق علیه‌السلام:

ثَلاثَةُ أَشْيَاءَ يَحْتَاجُ النّاسُ طُرّاً إِلَيْها: الْأَمْنُ وَ الْعَدْلُ وَالخِصْبُ؛[۱] سه چیز است که همه مردم به آن نیاز دارند: امنیّت، عدالت و رفاه.

استقرار عالم بر پایه عدل

۱۱۰۷-۲۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلْعَدْلُ أَسـاسٌ بِهِ قِوامُ الْعالَمِ؛[۲] عدل پایه و اساس است؛ قوام و استقرار عالم به آن بستگی دارد.

عدالت موجب آبادانی

۱۱۰۸-۲۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

ما عُمِرَتِ الْبُلْدانُ بِمِثْلِ الْعَدْلِ؛[۳] چیزی همانند عدل و عدالت مملکت و شهرها را آباد نمی‌کند.

ارزش یک ساعت دادگری

۱۱۰۹-۲۹ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

عَدْلُ ساعَةٍ خَيرٌ مِنْ عِبادَةِ سِتّينَ سَنَةً قِيَامِ لَيْلِها وَصِيامِ نَهارِها؛[۴] یک ساعت دادگری از ۶۰ سال عبادت که روزها روزه گرفته شود و شب‌ها به عبادت بگذرد، بهتر است.

---

۱. **تحف‌العقول**، ص۳۳۴.
۲. **بحارالأنوار**، ج۷۸، ص۸۳؛ **میزان‌الحکمة**، ج۶، ص۷۸.
۳. **غرر الحکم**، ص۸۱۳.
۴. **جامع‌الأخبار**، ص۴۳۵.

عدالت، مایه ارزش

۱۱۱۰-۳۰ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنْ عَدَلَ عَظُمَ قَدْرُهُ؛[۱] هرکس به عدالت رفتار کند، ارزش و مقامش بالا رود.

عدالت بهترین سیاست

۱۱۱۱-۳۱ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

خَيْرُ السِّياساتِ الْعَدْلُ؛[۲] بهترین سیاست‌ها، عدالت‌محوری است.

قرآن بوستان عدالت

۱۱۱۲-۳۲ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

[الْقُرآنُ]... رِياضُ الْعَدلِ وَ غُدْرانُهُ؛[۳] [قرآن] بوستان عدالت و برکه‌های زلال دادگری است.

بر مرکب عدالت

۱۱۱۳-۳۳ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

لِيَكُنْ مَرْكَبُكَ الْعَدْلَ فَمَنْ رَكِبَهُ مَلَكَ؛[۴] مرکب خود را عدالت قرار بده؛ هرکس بر مرکب عدالت سوار شود، به سروری رسد.

گستره دامنه عدالت

۱۱۱۴-۳۴ امام باقر علیه‌السلام:

ما أَوْسَعَ الْعَدْلَ! إِنَّ النَّاسَ يَسْتَغْنُونَ إذا عُدِلَ عَلَيْهِمْ؛[۵] عدالت، چه‌قدر وسعت‌بخش است؛ اگر میان مردم عدالت اجرا گردد، همه بی‌نیاز می‌شوند.

---

۱. **غرر الحکم**، ص۶۹۵.
۲. همان، ص۴۰۳.
۳. **نهج‌البلاغة**، خطبه ۱۹۸.
۴. **غررالحکم**، ص۶۰۳.
۵. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۱، ص۱۲۳.

امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف مجری عدالت

۱۱۱۵-۳۵ امام باقر علیه‌السلام:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا فَإِنَّهُ يَقْسِمُ بِالسَّوِيَّةِ وَ يَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحمانِ الْبَرِّ مِنْهُم وَ الْفاجِرِ؛[1]

آن‌گاه که قائم ما قیام کند، اموال را برابر و مساوی تقسیم می‌کند و میان بندگان خدا به عدالت رفتار می‌نماید، چه نیکوکار باشند چه بدکار.

دولت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و عدالت

۱۱۱۶-۳۶ امام صادق علیه‌السلام:

إذا قامَ الْقائِمُ حَكَمَ بِالْعَدلِ وَ ارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَورُ وَ أَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ؛[2] زمانی که امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف قیام کند، به عدالت حکم (حکومت) کند و در عصر او جور و ظلم ریشه کن شود و راه‌ها امن گردد.

صفات عادل

۱۱۱۷-۳۷ امام صادق علیه‌السلام درباره صفت عادل فرمودند:

إذا غَضَّ طَرفَهُ عَنِ الْمَحارِمِ وَ لِسانَهُ عَنِ المَآثِمِ وَ كَفَّهُ عَنِ المَظالِمِ؛[3] وقتی چشمش را از حرام‌ها نگه دارد و زبانش را از گناه (غیبت، تهمت و...) باز دارد و دست به ستم نگشاید (عادل است).

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۵۱، ص۲۹.
۲. **الإرشاد**، شیخ مفید، ص۳۶۴.
۳. **تحف‌العقول**، ص۳۶۵.

آفت عدل

۱۱۱۸-۳۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

آفَةُ الْعَدْلِ الظَّالِمُ الْجائِرُ؛[۱] آفت عدل و دادگری، ستم‌گر بیدادگر است.

عدالت و فضیلت

۱۱۱۹-۳۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

الْعَدْلُ أَنَّكَ إذا ظُلِمْتَ أَنْصَفْتَ وَ الْفَضْلُ أَنَّكَ إذا قَدَرْتَ عَفَوْتَ؛[۲] عدالت آن است که هرگاه بدی و ظلمی کرده باشی، انصاف به خرج دهی و بپذیری، و فضیلت و بزرگواری آن است که اگر قدرت یافتی، گذشت نمایی.

شهد عدالت

۱۱۲۰-۴۰ امام صادق علیه‌السلام:

اَلْعَدْلُ أَحْلى مِنَ الشَّهْدِ وَ أَلْيَنُ مِنَ الزُّبْدِ وَ أَطْيَبُ ريحاً مِنَ المِسْكِ؛[۳] عدالت، شیرین‌تر از عسل و نرم‌تر از کره و خوش‌بوتر از مشک است.

---

۱. **غرر الحکم**، ص۳۲۲.
۲. همان، ص۱۳۹.
۳. **الکافی**، ج۲، ص۱۴۷.

چهل حدیث عقل

سید محمدحسین حسینی ضیغمیان

احادیث نورانی و هدایت‌گر پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمّه معصومین علیهم‌السلام، گنجینه‌ای گران‌بهاست که با تلاش راویان و اصحاب ائمّه و علمای دین، تدوین شده و به عنوان ذخیره‌ای بی‌پایان و میراثی بس ارزشمند در اختیار مسلمانان و همه شیفتگان معارف دینی قرار گرفته است. گرچه عالمان و محقّقان، با مراجعه مستمر به منابع حدیثی، همواره از این چشمه فیّاض بهره گرفته و می‌گیرند، امّا دریغ است که توده عظیم مردمی که امکان استفاده از متون و منابع عربی برایشان فراهم نیست، از این رهنمودها بی‌نصیب بمانند.

توصیه خود اهل‌بیت علیهم‌السلام نیز آن است که شیعیان، سخن و سیره و رهنمودهای آنان را بیاموزند و بنگارند و نشر دهند و به آن عمل کنند، تا در مسیر هدایت و صواب و حق قرار گیرند. از این‌رو، تدوین «چهل حدیث» درباره موضوعات مختلف، یکی از راه‌های نشر و گسترش این معارف ناب و آموزه‌های سازنده و هدایت‌گر است. آن‌چه پیش رو دارید (چهل حدیث عقل)، گزیده‌ای از انبوه احادیث فراوانی است که درباره «عقل» و جایگاه و ارزش و آثار و نشانه‌های آن روایت شده است و به ما می‌آموزد که چگونه این «چراغ باطنی» را روشن نگه داریم و از هدایت‌های این «حجّت درونی» و سرمایه ارزشمند بهره‌مند شویم و حیات عقلانی داشته باشیم. به امید آن‌که با نورانیّت احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام، دل و جانمان روشن شود و با فروغ این کلمات، در صراط مستقیم حق و رضای الهی گام برداریم.

انواع عقل

۱۱۲۱-۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

الْعَقْلُ عَقْلانِ: عَقْلُ الطَّبْعِ وَعَقْلُ التَّجْرِبَةِ وَ كِلاهُما يُؤَدِّي إِلَى الْمَنْفَعَةِ؛[۱] عقل، بر دو قسم است: یکی طبیعی و آن دیگری تجربی، و نتیجه هر دو به سود آدمیان است.

رابطه عقل و تجربه

۱۱۲۲-۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

الْعَقْلُ حِفْظُ التَّجارِبِ؛[۲] عقل، حفظ تجربه‌های زندگی است.

عامل زوال عقل

۱۱۲۳-۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

ذَهابُ الْعَقْلِ بَيْنَ الْهَوى وَالشَّهْوَةِ؛[۳] عقل آدمی در کشمکش میان هوای نفس و شهوات از بین می‌رود.

عامل تباهی عقل

۱۱۲۴-۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

الْغَضَبُ يُفْسِدُ الأَلْبابَ وَ يُبْعِدُ مِنَ الصَّوابِ؛[۴] خشم و غضب عقل‌ها را تباه می‌کند و آدمی را از صلاح و صواب دور می‌سازد.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۷۵، ص۶.
۲. **تحف‌العقول**، ص۷۹.
۳. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۱، ص۲۱۱.
۴. همان، ج۱۲، ص۱۱.

محرومیت از سرمایه

۱۱۲۵-۵ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

فَإِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ حُرِمَ نَفْعَ ما اُوتِيَ مِنَ الْعَقْلِ وَالتَّجْرِبَةِ؛[۱] بدبخت و زیان‌کار کسی است که از سرمایه‌های عقل و تجربه‌ای که به او داده شده است، سودی نبرد.

اول امتحان، سپس اعتماد

۱۱۲۶-۶ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

الطُّمَأْنِينَةُ إِلى كُلِّ اَحَدٍ قَبْلَ الإِخْتِبارِ مِنْ قُصُورِ الْعَقْلِ؛[۲] اطمینان به هرکس قبل از امتحان و آزمودن، از نارسایی عقل و کوتاهی خرد است.

تفاوت عقل و ادب

۱۱۲۷-۷ امام رضا علیه‌السلام:

الْعَقْلُ حِبـاءٌ مِنَ اللهِ والأَدَبُ كُلْفَةٌ، فَمَنْ تَكَلَّفَ الأَدَبَ قَدَرَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَكَلَّفَ الْعَقْلَ لم يَزْدَدْ بِذلِكَ إِلّا جَهْلاً؛[۳] عقل موهبت خداست و ادب با رنج و سختی به دست می‌آید؛ پس کسی که در کسب ادب زحمت بکشد، آن را به دست می‌آورد و کسی که در کسب عقل رنج ببرد، بر نادانی خویش می‌افزاید.

پیامد دنیادوستی

۱۱۲۸-۸ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

حُبُّ الدُّنْيا يُفْسِدُ الْعَقْلَ وَيُصِمُّ الْقَلْبَ عَنْ سَماعِ الْحِكْمَةِ؛[۴] دنیادوستی عقل را فاسد می‌کند و گوش دل را از شنیدن مطالب حکیمانه ناشنوا می‌سازد.

---

۱. **نهج‌البلاغة**، نامه ۷۸.
۲. **غرر الحکم**، ص۴۱۶.
۳. **الکافی**، ج۱، ص۲۴.
۴. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۲، ص۴۱.

رابطه دوستی و عقل

۱۱۲۹-۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

التَّوَدُّدُ إِلَى النّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ؛[۱] مهرورزی و دوست‌داری مردم، نیمی از خرد است.

عقل، شریعت درونی

۱۱۳۰-۱۰ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

اَلْعَقْلُ شَرْعٌ مِنْ داخِلٍ والشَّرعُ عَقْلٌ مِنْ خارِجٍ؛[۲] عقل برای بشر دین داخلی است، چنان‌که دین برای او عقل خارجی است.

کارکرد عقل و جهل

۱۱۳۱-۱۱ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

الْعَقْلُ يَهْدِي وَ يُنْجِي وَ الْجَهْلُ يُغْوِي وَ يُرْدِي؛[۳] عقل، هدایت می‌کند و نجات می‌دهد، و جهل گمراه و هلاک می‌سازد.

عقل، حجت خدا

۱۱۳۲-۱۲ امام صادق علیه السلام:

حُجَّةُ اللهِ عَلَى الْعِبَادِ النَّبِيُّ، وَالْحُجَّةُ فِيمَا بَيْنَ الْعِبَادِ وَبَيْنَ اللهِ الْعَقْلُ؛[۴] حجّت خدا بر بندگان پیغمبر است و حجّت میان بندگان و خدا عقل است.

---

۱. **الکافی**، ج۲، ص۶۴۳.
۲. **الحدیث**، روایات تربیتی، ج۲، ص۵۱.
۳. **غرر الحکم**، ص۵۱، ش۳۶۲.
۴. **الکافی**، ج۱، ص۲۵.

نتیجه بهره‌گیری از عقل

۱۱۳۳-۱۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اسْتَرْشِدُوا العَقْلَ تُرْشَدُوا وَلا تَعْصُوهُ فَتَنْدَمُوا؛[۱] از عقل راهنمایی بخواهید تا هدایت شوید و از دستور عقل سرپیچی نکنید که پشیمان می‌شوید.

عقل پربار

۱۱۳۴-۱۴ امام صادق علیه السلام:

لا غِنَى اَحْصَبُ مِنَ الْعَقْلِ وَلا فَقْرَ اَحَطُّ مِنَ الْحُمْقِ؛[۲] هیچ ثروتی به قدر عقل پربار نیست، و هیچ فقری پست‌تر و پایین‌تر از حماقت نیست.

عقل، مرکب انسان

۱۱۳۵-۱۵ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

لِكُلِّ شَيءٍ مَطِيَّةٌ وَ مَطِيَّةُ الْمَرءِ الْعَقلُ؛[۳] هر چیزی مَرکبی دارد و مرکب آدمی عقل است.

پرستش در سایه عقل

۱۱۳۶-۱۶ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

ما عُبِدَ اللهُ بِشَيءٍ أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ؛[۴] خداوند به چیزی پرستش نشده است که برتر از عقل باشد.

---

۱. **کنز الفوائد**، ج۲، ص۳۱.
۲. **الکافی**، ج۱، ص۲۹.
۳. **بحارالأنوار**، ج۱، ص۹۵.
۴. **الکافی**، ج۱، ص۱۸.

جمال ظاهری و باطنی

۱۷-۱۱۳۷ امام حسن عسکری علیه‌السلام:

حُسْنُ الصُّورَةِ جَمالٌ ظاهِرٌ وَحُسْنُ الْعَقْلِ جَمالٌ باطِنٌ؛[۱] زیبایی صورت، جمال ظاهری انسان است و زیبایی عقل و فکر، جمال باطنی اوست.

عقل، دشمن هوای نفس

۱۸-۱۱۳۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلْعَقْلُ حُسامٌ قاطِعٌ، قاتِلْ هَوَاكَ بِعَقْلِكَ؛[۲] عقل شمشیر بُرّانی است؛ به وسیله عقل و خرد خود با هوای نفس خویش بجنگ.

عقل و دین

۱۹-۱۱۳۹ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

قِوامُ الْمَرْءِ عَقْلُهُ، وَ لا دِينَ لِمَنْ لاَ عَقْلَ لَهُ؛[۳] نظام زندگی و تکیه‌گاه بشر عقل اوست و کسی که عقل ندارد، دین هم ندارد.

کارکرد عقل کامل

۲۰-۱۱۴۰ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلْعَقْلُ الْكامِلُ قاهِرُ الطَّبْعِ السُّوءِ؛[۴] عقلی که به مرتبه کمال رسیده است، بر طبیعت و غرائز بد غلبه می‌کند.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۱، ص۹۵.
۲. **مشکاة‌الأنوار**، ص۲۴۹.
۳. **کنز الفوائد**، ج۲، ص۳۱.
۴. **بحارالأنوار**، ج۷۵، ص۶.

عقل، نخستین مخلوق

۱۱۴۱-۲۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللهُ الْعَقْلُ؛[۱] عقل، نخستین آفریده خداوند است.

عقل، زینت مرد

۱۱۴۲-۲۲ امیرمؤمنان علی علیه السلام:

زِينَةُ الرَّجُلِ عَقْلُهُ؛[۲] زیور مرد، خرد اوست.

اصل و ریشه انسان

۱۱۴۳-۲۳ امام صادق علیه السلام:

كان أميرُالمؤمنين علیه السلام يقول: «أَصْلُ الإِنْسانِ لُبُّهُ، وَ عَقلُهُ وَ دينُهُ»؛[۳] امیرمؤمنان علیه السلام همواره می‌فرمود: «اصل انسان فهم و خرد و دین اوست»

فروغ عقل

۱۱۴۴-۲۴ امیرمؤمنان علی علیه السلام:

مَثَلُ الْعَقلِ فِي الْقَلْبِ كَمَثَلِ السِّراجِ فِي وَسَطِ الْبَيْتِ؛[۴] مَثَل عقل در قلب (آدمی) مانند چراغ روشنی در میان خانه است.

---

۱. همان، ج۱، ص۹۷.
۲. **کنز الفوائد**، ج۱، ص۱۹۹.
۳. **أمالی**، شیخ صدوق، ص۲۴۰.
۴. **علل الشرایع**، ج۱، ص۹۸.

راه غلبه بر مشکلات

۱۱۴۵-۲۵ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

لا يُسْتَعانُ عَلَى الدَّهْرِ إلّا بِالْعَقْلِ؛[۱] بر مشکلات روزگار، جز به یاری خرد نمی‌توان چیره گشت.

نقش رهبریِ عقل

۱۱۴۶-۲۶ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

الْعُقُولُ أئِمَّةُ الأَفكارِ، وَ الأَفْكارُ أَئِمَّةُ الْقُلُوبِ، وَالْقُلُوبُ أَئِمَّةُ الْحَواسِّ، وَالْحَواسُّ أَئِمَّةُ الأَعْضاءِ؛[۲] خردها راهبران اندیشه‌هایند، و اندیشه‌ها راهبران دل‌ها، و دل‌ها راهبران حواس، و حواس راهبران اندام‌هایند.

عقل، پشتوانه پرستش

۱۱۴۷-۲۷ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

لِكُلِّ شَيءٍ دِعامَةٌ، وَ دِعامَةُ الْمُؤْمِنِ عَقْلُهُ، فَبِقَدْرِ عَقْلِهِ تَكُونُ عِبادَتُهُ لِرَبِّهِ؛[۳] هر چیزی تکیه‌گاهی دارد و تکیه‌گاه مؤمن عقل اوست؛ پس خداپرستی او به قدر عقل او خواهد بود.

سرچشمه خیر

۱۱۴۸-۲۸ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

إنَّما يُدْرَكُ الْخَيْرُ كُلُّهُ بِالْعَقْلِ، وَلا دِينَ لِمَنْ لا عَقْلَ لَهُ؛[۴] همه خوبی‌ها را با عقل می‌توان دریافت و هرکس عقل ندارد دین ندارد.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۷۵، ص۷.
۲. **کنز الفوائد**، ج۱، ص۲۰۰.
۳. همان، ج۲، ص۳۱.
۴. **تحف‌العقول**، ص۵۴.

مصیبت بی‌عقلی

۱۱۴۹-۲۹ امام باقر علیه‌السلام:

لا مُصیبَةَ کَعَدَمِ الْعَقْلِ؛[۱] هیچ مصیبتی مانند بی‌عقلی نیست.

دستاورد عقل

۱۱۵۰-۳۰ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

الدِّینُ وَ الأَدَبُ نَتیجَةُ الْعَقْلِ؛[۲] دین‌داری و رعایت ادب نتیجه عقل است (هرکس عاقل باشد، هر دو را به دست می‌آورد).

سکوت عاقلانه

۱۱۵۱-۳۱ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

الْعَاقِلُ إذَا سَکَتَ فَکَّرَ، وَإذَا نَطَقَ ذَکَرَ وَ إذَا نَظَرَ اعْتَبَرَ؛[۳] عاقل هرگاه خاموش شود، فکر کند و هرگاه گویا شود، ذکر خدا کند و هرگاه نگاه کند، عبرت گیرد.

شناخت عاقل و جاهل

۱۱۵۲-۳۲ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

الْعَاقِلُ مَنْ وَضَعَ الأَشْیَاءَ مَوَاضِعَهَا، وَالْجَاهِلُ ضِدُّ ذلِكَ؛[۴] عاقل کسی است که هر چیز را در جایگاهش بگذارد و نادان بر خلاف این است. (مثلاً اگر احسان کند، به کسی کند که اهلیّت آن را داشته باشد و اگر منع کند، از کسی کند که مستحق منع باشد).

---

۱. همان، ص۲۸۶.
۲. **غرر الحکم**، ص۸۴.
۳. همان، ص۵۴.
۴. همان، ص۱۰۴.

عاقل کیست؟

۱۱۵۳-۳۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

الْعَاقِلُ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ وَلَمْ يَبِعْ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ؛[۱] عاقل کسی است که بر خواهش‌های نفسانی خود [غالب باشد] و آخرت خود را به دنیای خویش نفروشد.

وظایف عاقل

۱۱۵۴-۳۴ امام صادق علیه‌السلام:

عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ عَارِفاً بِزَمانِهِ، مُقْبِلاً عَلَى شَأْنِهِ، حافِظاً لِلِسانِهِ؛[۲] بر مرد عاقل است که دوره و زمانه خود را بشناسد، به کار خود بپردازد و زبان خود را نگه‌دارد.

عقل و تواضع

۱۱۵۵-۳۵ امام کاظم علیه‌السلام:

إِنَّ لُقْمانَ قَالَ لِإِبْنِهِ: «تَواضَعْ لِلْحَقِّ تَكُنْ أَعْقَلَ النَّاسِ»؛[۳] لقمان به فرزند خویش گفت: «ای فرزند! در برابر حق متواضع باش، تا داناترین مردم باشی».

کم عقل‌ترین مردم

۱۱۵۶-۳۶ امام صادق علیه‌السلام:

أَنْقَصُ النّاسِ عقلاً مَن ظَلَمَ دُونَهُ وَلَمْ يَصْفَحْ عَمَّنِ اعْتَذَرَ إِلَيْهِ؛[۴] کم‌عقل‌ترین مردم کسی است که به پایین‌تر از خود ظلم نماید و از کسی که از او معذرت می‌خواهد، گذشت نکند.

---

۱. همان، ص۵۴.
۲. **الکافی**، ج۲، ص۱۱۶.
۳. همان، ج۱، ص۱۶.
۴. **بحارالأنوار**، ج۷۸، ص۲۲۸.

نشانه‌های عقل

۱۱۵۷-۳۷ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

وإنَّ مِنْ عَلامـــاتِ الْعَقْلِ: التَّجافِيَ عَن دارِ الْغُرُورِ وَالإِنابَـــةَ إلى دارِ الْخُلُودِ، وَالتَّزوُّدَ لِسُـــكْنَى الْقُبُورِ وَالتَّأَهُّبَ لِيَومِ النُّشُورِ؛[1] از نشانه‌های عقل، دل‌نبستن به دنیای فریبنده است و برگشت به سوی سرای جاویدان، و ره‌توشه برداشتن برای خانه قبر، و آماده شدن برای روز قیامت است.

کارکرد عقل

۱۱۵۸-۳۸ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

ثَمَرَةُ الْعَقْلِ لُزُومُ الْحَقِّ؛[2] ثمره خرد، پیروی از حق است.

کمال عقل در چیست؟

۱۱۵۹-۳۹ امام صادق علیه السلام:

كَمَالُ العقلِ في ثلاثٍ: التَّواضُعِ للهِ، وَحُسْنِ الْيَقينِ، وَالصَّمْتِ إلّا مِنْ خَيْرٍ؛[3] کمال عقل در سه چیز است: فروتنی برای خدا، یقین نیکو (به مبدأ و معاد) و خاموش بودن جز از خیرگویی.

شاهد خردمندی

۱۱۶۰-۴۰ امام صادق علیه السلام:

يُسْتَدَلُّ بِكِتَابِ الرَّجُلِ عَلى عَقْلِهِ وَمَوْضِعِ بَصيرَتِهِ، وَبِرَسُولِهِ عَلى فَهْمِهِ وَفِطْنَتِهِ؛[4] نوشـــته و نامه هر کسی، دلیل و نشانه عقل و بصیرت اوســـت و پیک فرستاده او، نشانه فهم و زیرکی اوست.

---

۱. **إرشاد القلوب**، ج۱، ص۴۵.
۲. **غرر الحکم**، ص۵۳.
۳. **الإختصاص**، ص۲۴۴.
۴. **المحاسن**، ج۱، ص۱۹۵.

چهل حدیث عمل

جواد محدثی

ایمان، هم اعتقادی قلبی است، هم اقرار زبانی، هم عمل؛ این سه مرحله، در تعریف ایمان در روایات متعددی بیان شده است.

عمل هرکس، نشـــان دهنده فکر، شخصیت و اعتقاد اوســـت. ارزش اعمال هم به نسبت نیّت و انگیزه افراد و کیفیّت عمل متفاوت است.

درباره «عمل»، رهنمودهای بســـیار ارزشـــمندی در روایات است که در سایه آن‌ها می‌توان به اهمیت، ارزش، کیفیت، آثار، استمرار، اتقان و استحکام، زمان و زمینه‌های عمل پی برد و به نتیجه‌بخشی بیشتر و بهتر «اعمال»، چه در دنیا و چه در آخرت دست یافت و به بهینه‌سازی اعمال پرداخت.

آن‌چه می‌خوانید، قطره‌ای از دریای معارف اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام است که به صورت «چهل حدیث» برگزیده، تقدیم شما می‌شود. باشد که این رهنمودها ما را در پیمودن بهتر «راه زندگی» یاری کند.

شناسنامه عملی انسان

۱۱۶۱-۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

لا يُعْرَفُ الرَّجُلُ إلّا بِعَمَلِهِ، كَما لا يُعْرَفُ الْغَريبُ مِنَ الشَّجَرِ إلّا عِنْدَ حُضُورِ الثَّمَرِ؛[1] هیچ‌کس جز با عملش شناخته نمی‌شود، مثل درخت ناشناخته که جز با رسیدنِ میوه‌اش نمی‌توان آن را شناخت (عمل، میوه درخت وجودی انسان است).

اعمال، نشانه شخصیت انسان

۱۱۶۲-۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

يُسْتَدَلُّ عَلى خَيْرِ كُلِّ امْرِءٍ وَ شَرِّهِ وَ طَهارَةِ اَصْلِهِ وَ خُبْثِهِ بِما يَظْهَرُ مِنْ أفْعالِهِ؛[2] گواه و نشانهٔ خوبی و بدی و پاکی و پلیدی اصل و ریشه هرکس، کارهایی است که از او آشکار می‌شود.

کار امروز به فردا مفکن

۱۱۶۳-۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

وَامْضِ لِكُلِّ يَوْمٍ عَمَلَهُ، فإنَّ لِكُلِّ يَوْمٍ ما فيهِ؛[3] کار هر روز را همان روز انجام بده، چرا که هر روز، کار خاصّ خودش را دارد.

---

۱. **غرر الحکم**، ص ۷۰۰
۲. **شرح غرر الحکم**، ج ۶، ص ۴۲۵.
۳. **نهج البلاغة**، نامه ۵۳.

پرداختن به کار مهم‌تر

۱۱۶۴-۴ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنِ اشْتَغَلَ بِغَيْرِ الْمُهِمِّ ضَيَّعَ الأَهَمَّ؛[۱] هرکس به کار غیرمهم بپردازد، کار مهم‌تر را ضایع و تباه خواهد کرد.

نگاه خدا به دل‌ها و عمل‌ها

۱۱۶۵-۵ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اِنَّ اللّهَ تعالى لا يَنْظُـرُ إلى صُوَرِكُمْ وَلا إلى اَمْوالِكُمْ، وَ لكِنْ يَنْظُرُ إلى قُلُوبِكُمْ وَ اَعْمالِكُـمْ؛[۲] همانا خداوند متعال، به چهره‌ها و اموال شـما نگاه نمی‌کند؛ بلکه به دل‌ها و عمل‌های شما می‌نگرد.

شیعه یعنی پیرو در عمل

۱۱۶۶-۶ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اِنَّ شِـيعَتَنا مَنْ شَيَّعَنا وَ اتَّبَعَ آثارَنا وَ اقْتَدى بِاَعْمالِنا؛[۳] شیعه ما کسی است که از ما پیروی کند و از آثار و سخنان ما تبعیت نماید و به کارهای ما اقتدا کند.

تا فرصت عمل باقی است...

۱۱۶۷-۷ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

عِبادَ اللّهِ! اَلآنَ فَاعْمَلُوا، وَالأَلْسُـنُ مُطْلَقَةٌ وَالاَبْدانُ صَحيحَـةٌ وَ الأعضاءُ لَدْنَةٌ وَالْمُنقَلَبُ فَسيحٌ وَ المَجالُ عريضٌ، قَبْلَ اِرْهاقِ الْفَوتِ وَ حُلُولِ الْمَوْتِ؛[۴] ای بندگان خدا!

---

۱. **شرح غرر الحکم**، ج۵، ص۳۳۰.
۲. **بحارالأنوار**، ج۷۴، ص۸۸.
۳. همان، ج۶۵، ص۱۵۴
۴. **نهج‌البلاغة**، خطبه ۱۹۶.

هم‌اکنون عمل کنید که زبان‌ها باز است و بدن‌ها سالم است و اعضاء و جوارح، نرم و آماده است و فرصت تحول فراهم اســت و مجال گسترده است، پیش از آن‌که فرصت از دست برود و مرگ فرارسد.

اعمال، معیار ارزش

۱۱۶۸-۸ امام هادی علیه‌السلام:

اَلنّــاسُ فِی الدُّنیا بِالأَمــوالِ و فِی الآخِرَةِ بِالأَعْمــالِ؛[۱] ارزش و موقعیّت مردم در دنیا به «اموال» آنان است، ولی در آخرت به «اعمال» آنان است.

اعمال و آثار ماندگار

۱۱۶۹-۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

شَــتّانَ مَا بَیْنَ عَمَلَیْنِ: عَمَلٍ تَذْهَبُ لَذَّتُهُ وَ تَبْقی تَبِعَتُهُ، وَ عَمَلٍ تَذْهَبُ مَؤُونَتُهُ وَ یَبْقی أَجْرُهُ؛[۲] چه قدر فاصله میان دو کار است:

یکی کاری که لذّتش می‌رود، ولی تَبِعات و آثارش می‌ماند، دیگری کاری که رنج و زحمتش می‌رود، امّا اجر و پاداش آن ماندگار است!

ارزش عمل همراه با یقین

۱۱۷۰-۱۰ امام صادق علیه‌السلام:

وَاعْلَمْ اَنَّ الْعَمَلَ الدّائِمَ القَلیلَ عَلَی الیَقینِ اَفْضَلُ عِنْدَاللهِ عزّوجلّ مِنَ الْعَمَلِ الْکَثیرِ عَلی غَیرِ یَقینٍ؛[۳] بدان که عمل پیوسته و اندک امّا بر اساس یقین، نزد خدای متعال برتر از عمل بسیاری است که از روی یقین نباشد.

---

۱. **میزان‌الحکمه**، ج۸، ص۱۴۴

۲. **نهج‌البلاغة**، حکمت ۱۲۱.

۳. **الإختصاص**، ص۲۲۲.

درکارخیر، حاجت هیچ استخاره نیست

۱۱۷۱-۱۱ امام صادق علیه‌السلام:

إذَا هَمَمْتَ بِخَيرٍ فَبادِرْ، فَإنَّكَ لا تَدْرى ما يَحْدُثُ؛[۱] هرگاه تصمیم به کار نیک گرفتی، در انجام آن بشتاب، چراکه نمی‌دانی چه پیش خواهد آمد.

کاربی‌هنگام

۱۱۷۲-۱۲ امام صادق علیه‌السلام:

مَن ابْتَدَءَ بِعَمَلٍ فى غَيْرِ وَقْتِهِ، كانَ بُلُوغُهُ فى غَيرِ حِينِهِ؛[۲] هرکس کاری را پیش از وقتش شروع کند، رسیدن آن در غیر زمان مناسبش خواهد بود (کار بی‌هنگام، بی‌ثمر است).

اوّل اندیشه، و آنگهی کردار

۱۱۷۳-۱۳ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

التَّدبيرُ قَبْــلَ الْعَمَلِ يُؤمِنُكَ مِنَ النَّدَمِ؛[۳] تدبیر و آینده‌نگری قبــل از انجام کار، تو را از پشیمانی ایمن می‌سازد.

فرصت کارنیک درگذرزمان

۱۱۷۴-۱۴ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلْفُرصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحابِ، فَانْتَهِزُوا فُرَصَ الْخَيرِ؛[۴] فرصت، هم‌چون گذشتن ابر می‌گذرد؛ پس فرصت‌های خیر را غنیمت بشمارید.

---

۱. **وسائل‌الشیعة**، ج۱، ص۸۴.
۲. **بحارالأنوار**، ج۶۸، ص۳۳۸.
۳. همان.
۴. **نهج‌البلاغة**، حکمت ۲۱.

ازّزمان چه می‌گیری و چه می‌دهی؟

۱۱۷۵-۱۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اِنَّ اللَّیْلَ وَالنَّهارَ یَعْمَلانِ فیكَ فَاعْمَلْ فیهِما، وَ یَأْخُذانِ مِنْكَ فَخُذْ مِنْهُما؛[1] شب و روز در تو عمل می‌کنند، پس تو هم در شب و روز کار و عمل کن؛ شب و روز از تو (عمر و جوانی را) می‌گیرند، پس تو هم از شب و روز (بهره) بگیر.

دعوت عملی نه زبانی

۱۱۷۶-۱۶ امام صادق علیه‌السلام:

كُونُوا دُعاةَ النّاسِ بِأَعْمالِكُمْ، وَلا تَكُونُوا دُعاةً بِأَلسِنَتِكُمْ؛[2] با عمل‌هایتان دعوت‌کننده مردم باشید، و (تنها) دعوت کنندگانِ به زبان‌هایتان نباشید.

عمل را به تأخیر نیندازید

۱۱۷۷-۱۷ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به ابوذر فرمود:

یا أباذَرٍّ! اِیّاكَ وَالتَّسْویفَ بِعَمَلِكَ، فَإِنَّكَ بِیَوْمِكَ وَ لَسْتَ بِما بَعْدَهُ، فإنْ یَكُنْ غَدٌ فَكُنْ فِی الْغدِ كَما كُنتَ فِی الْیَوْمِ؛[3] ای اباذر! بپرهیز از این‌که کار خود را به بعد بیاندازی (و کار امروز را به فردا بیفکنی)، چراکه تو وابسته به امروزی نه برای پس از آن؛ پس اگر فردایی بود، فردا چنان باش که امروز بودی (و کار فردا را فردا کن).

---

۱. **شرح غرر الحکم**، ج۲، ص۶۶۷.
۲. **الکافی**، ج۲، ص۷۸.
۳. **مکارم‌الأخلاق**، ص۴۵۹.

مفسده عمل بدون آگاهی

۱۱۷۸-۱۸ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنْ عَمِلَ عَلَى غَيرِ عِلْمٍ كانَ ما يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمّا يُصْلِحُ؛[۱] هرکس بدون علم و آگاهی عمل کند، فساد و تبهکاری او بیش از اصلاحش خواهد بود.

دوگانگی ادّعا و عمل

۱۱۷۹-۱۹ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

لا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الآخِرَةَ بِغَيْرِ العَمَلِ وَ يُرَجِّي التَّوبَةَ بِطُولِ الأَمَلِ، يَقُولُ فِي الدُّنيا بِقَولِ الزّاهِدينَ وَ يَعْمَلُ فيها بِعَمَلِ الرّاغِبينَ؛[۲] از کسانی مباش که بدون عمل، امید به (سعادتِ) آخرت دارند و با آرزوهای دور و دراز، توبه را به تأخیر می‌اندازند؛ در دنیا مثل زاهدان پارسا حرف می‌زنند، ولی عملشان، عمل دنیاطلبان است.

اتقان در عمل

۱۱۸۰-۲۰ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

لكِنَّ اللهَ يُحِبُّ عَبْداً إذا عَمِلَ عَمَلاً أَحْكَمَهُ؛[۳] [پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قبری را پس از دفن میّت، محکم و مرتّب می‌کرد. علّت را پرسیدند، فرمود: «می‌دانم که این جسد به‌زودی خواهد پوسید،] ولی خداوند دوست دارد بنده‌ای را که وقتی کاری انجام می‌دهد، استوار و محکم انجام می‌دهد.

---

۱. **الکافی**، ج۲، ص۲۰۸.
۲. **نهج‌البلاغة**، حکمت ۱۵۰.
۳. **أمالی**، شیخ صدوق، ص۳۸۴.

عمل اندک، ولی مستمرّ

۱۱۸۱-۲۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

قَليلٌ تَـدُومُ عَلَيْهِ، اَرْجى مِنْ كَثيرٍ مَمْلُولٍ مِنْهُ؛[1] کار اندکی که بر آن مداومت داشته باشی، امیدوارکننده‌تر از کار بسیاری است که از آن ملول و خسته گردی.

عمل، گواه ایمان

۱۱۸۲-۲۲ امام صادق علیه‌السلام:

الإيمـانُ لايَكونُ إلّا بِعَمَلٍ وَالْعَمَلُ مِنْهُ، ولا يَثْبُتُ الإيمانُ إلّا بِعَمَلٍ؛[2] ایمان جز با عمل نخواهد بود و عمل، جزئی از ایمان است و ایمان جز با عمل، ثابت نمی‌شود.

گفتار بدون عمل

۱۱۸۳-۲۳ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به ابوذر فرمود:

يا اَباذرٍّ! مَثَلُ الّذى يَدْعُو بِغَيْرِ عَمَلٍ كَمَثَلِ الّذي يَرْمي بِغَيْرِ وَتَرٍ؛[3] ای اباذر! مَثَل کسی که بدون عمل، دعوت می‌کند هم‌چون کسی است که بدونِ زِه (با کمان) تیراندازی می‌کند (یعنی حرف و دعوتش بُردی ندارد و بی‌تأثیر است).

پُرکارِ کم حرف

۱۱۸۴-۲۴ امام کاظم علیه‌السلام به هشام فرمود:

يا هِشامُ! اَلمؤْمِنُ قَليلُ الكَلامِ كَثيرُ الْعَمَلِ، وَالمُنافِقُ كَثيرُ الكَلامِ قَليلُ الْعَمَلِ؛[4] ای هشام! مؤمن، کم حرف و پرکار است؛ ولی منافق، پرحرف و کم‌کار است.

---

۱. **نهج‌البلاغة**، حکمت ۲۷۸.
۲. **وسائل‌الشیعة**، ج۶، ص۱۲۷.
۳. **مکارم‌الأخلاق**، ص۴۶۵.
۴. **تحف‌العقول**، ص۲۹۳.

آثار عمل به دانسته‌ها

۱۱۸۵-۲۵ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنْ عَمِلَ بِما عَلِمَ، ورَّثَهُ اللهُ عِلْمَ ما لَمْ يَعْلَمْ؛[۱] هرکس به آن‌چه می‌داند عمل کند، خداوند متعال، علم و دانش آن‌چه را هم نمی‌داند، به او می‌دهد.

عمل، همدم همیشگی انسان

۱۱۸۶-۲۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

يَتْبَعُ الْمَيِّتَ ثَلاثَةٌ: اَهْلُهُ و مالُهُ وَ عَمَلُهُ، فَيَرْجِعُ اِثْنانِ وَ يَبْقى واحِدٌ، يَرْجِعُ اَهْلُهُ و مالُهُ وَ يَبْقى عَمَلُهُ؛[۲] همراه مرده سه چیز می‌رود: خانواده‌اش، مالش و عملش؛ اما دو تا برمی‌گردند و یکی می‌ماند؛ خانواده‌اش و مالش برمی‌گردند، اما عملش همراه او می‌ماند.

تجسّم عمل در قیامت

۱۱۸۷-۲۷ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

اَعْمالُ العِبادِ فِى الدُّنيا نَصْبُ اَعْيُنِهِم فِي الآخِرَةِ؛[۳] اعمال بندگان در دنیا، در آخرت در برابر چشمانشان (و نصب‌العین آنان) خواهد بود.

علم و عمل

۱۱۸۸-۲۸ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

قَليلُ الْعِلْمِ مَعَ الْعَمَلِ خَيْرٌ مِنْ كَثيرِهِ بلا عَمَلٍ؛[۴] علم و دانش کم امّا همراه با عمل، بهتر از دانش بسیار امّا بدون عمل است.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج ۴۰، ص ۱۲۸.
۲. **کنز العمال**، ج ۱۵، ص ۶۹۰.
۳. **شرح غرر الحکم**، ج ۲، ص ۷۱.
۴. همان، ج ۴، ص ۵۰۶.

انسان درگرو اعمال

۱۱۸۹-۲۹ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

اِنَّكُمْ بِاَعْمالِكُمْ مُجازُونَ وَ بِها مُرْتَهَنُونَ؛[۱] به یقین، شما نسبت به اعمالتان پاداش داده می‌شوید و در گرو عمل‌هایتان هستید.

اخلاص، سخت‌تر از عمل

۱۱۹۰-۳۰ امام صادق علیه‌السلام:

اَلْإبقاءُ عَلَى العَمَلِ حتّى يَخْلُصَ اَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ؛[۲] باقی گذاشتن عمل (و ادامه آن)، تا آن‌که به مرحله خلوص برسد، از اصل عمل سخت‌تر است.

رابطه گفتار و کردار

۱۱۹۱-۳۱ امام صادق علیه‌السلام:

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ قالَ: «الإيمانُ قَولٌ بِلا عَمَلٍ»؛[۳] ملعون است، ملعون است، کسی که بگوید: «ایمان، گفتار بدونِ عمل است».

محبوب‌ترین عمل نزد خدا

۱۱۹۲-۳۲ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اَحبُّ الأعْمالِ إلَى اللهِ سُرورٌ تُدخِلُهُ عَلَى المُؤمِنِ، تَطْرُدُ عَنْهُ جُوعَتَهُ أَو تَكْشِفُ عَنْهُ كُرْبَتَه؛[۴] محبوب‌ترین کارها نزد خداوند، آن است که مؤمنی را شاد کنی، گرسنگی او را برطرف سازی و رنج و غصّه‌اش را برطرف کنی.

---

۱. همان، ج۷، ص۲۷۹.
۲. **الوافی**، ج۱، ص۷۳.
۳. **بحارالأنوار**، ج۶۹، ص۱۹.
۴. **الکافی**، ج۲، ص۱۹۱.

به چه کاری مشغولی؟

۱۱۹۳-۳۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

كُنْ مَشْغُولاً بِما اَنْتَ عَنْهُ مَسئولٌ؛[۱] به کاری مشغول باش که (فردای قیامت) از تو درباره آن سؤال می‌کنند.

امروز را دریاب

۱۱۹۴-۳۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اِنَّ ماضِيَ يَوْمِكَ مُنْتَقَلٌ وَ باقِيَهُ مُتَّهَمٌ، فَاغْتَنِمْ وَقْتَكَ بِالْعَمَلِ؛[۲] همانا دیروزت رفته است، روز آینده هم معلوم نیست؛ پس امروز را برای عمل، غنیمت بشمار.

عرضه اعمال بر خداوند

۱۱۹۵-۳۵ امام حسین علیه‌السلام:

اِنَّ اَعْمالَ هذِهِ الاُمَّةِ ما مِنْ صَباحٍ اِلّا وَ تُعْرَضُ عَلَى اللهِ تعالى؛[۳] اعمال این امّت هر روز صبح بر خداوند متعال عرضه می‌شود.

پرونده اعمال نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله

۱۱۹۶-۳۶ امام صادق علیه‌السلام:

اِنَّ اَعْمالَ العِبادِ تُعْرَضُ عَلى رَسولِ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله كُلَّ صَباحٍ، اَبْرارِها وَ فُجّارِها، فَاحْذَرُوا فَلْيَسْتَحْيِ اَحَدُكُمْ اَنْ يَعْرِضَ عَلى نَبِيِّهِ الْعَمَلَ الْقَبيحَ؛[۴] اعمال بندگان هر روز صبح بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله عرضه می‌شود، چه کارهای نیک، چه کارهای زشت؛ پس حذر کنید و هر کدامتان شرم کنید که به پیامبرتان عمل زشت عرضه نمایید.

---

۱. **غرر الحکم**، ص۵۲۸.
۲. **الحیاة**، ج۱، ص۲۶۰.
۳. **عیون أخبار الرضا** علیه‌السلام، ج۲، ص۴۸.
۴. **بحارالأنوار**، ج۱۷، ص۱۴۹.

عمل‌های شرم‌آور

۱۱۹۷-۳۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

إِحْذَرْ كُلَّ عَمَلٍ يُعْمَلُ بِهِ فِي السِّرِّ وَ يُسْتَحَى مِنْهُ فِي الْعَلانِيَةِ؛ وَ اْحَذَرْ كُلَّ عَمَلٍ إِذا سُئِلَ عَنْهُ صاحِبُهُ أَنكَرَهُ أَوِ اعْتَذَرَ مِنْهُ؛[1] بپرهیز از هر عملی که در پنهان انجام می‌شود، ولی از انجام آشکار آن شرم می‌کنند و بپرهیز از هر عملی که اگر از صاحب آن سؤال شود، یا آن کار را انکار می‌کند، یا از آن عذرخواهی می‌کند.

عمل مقبول و مردود

۱۱۹۸-۳۸ امام کاظم علیه‌السلام:

قَليلُ الْعَمَلِ مِنَ العاقِلِ مَقْبُولٌ مُضاعَفٌ، وَ كَثيرُ الْعَمَلِ مِنْ أهلِ الْهَوى وَ الْجَهْلِ مَرْدُودٌ؛[2] کار اندک از عاقل قبول می‌شود و پاداش مضاعف دارد؛ امّا کار زیاد از اهل هوس و نادانی قبول نمی‌شود.

اخلاص، سبب قبولی اعمال

۱۱۹۹-۳۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

إِنَّكَ لَنْ يُتَقَبَّلَ مِنْ عَمَلِكَ إِلّا ما أَخْلَصْتَ فيهِ وَ لَمْ تَشُبْهُ بِالهَوى وَ أَسبابِ الدُّنيا؛[3] یقین بدان که از عمل تو، همان قبول می‌شود که در آن اخلاص داشته باشی و آن را به هوای نفس و اسباب دنیا آلوده نکنی.

---

۱. **نهج‌البلاغة**، نامه ۶۹.
۲. **تحف‌العقول**، ص۳۸۷.
۳. **تصنیف غرر الحکم**، ص۱۵۵

چیزی جایگزین عمل نیست

۱۲۰۰-۴۰ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

لا تَدَعُوا الْعَمَلَ الصّالِحَ والإجْتِهادَ فِی الْعِبادَةِ إتّکالاً عَلی حُبِّ آلِ مُحمّدٍ، وَلاتَدَعُوا حُبَّ آلِ مُحَمَّدٍ وَ التَّسلیمَ لِأمْرِهِم اِتّکالاً عَلَی العِبادَةِ، فَإنَّهُ لا یُقْبَلُ اَحَدُهُمَا دُونَ الآخَرِ؛[1]

عمـــل صالح و تلاش در بندگی را، به اتّکای محبّـــت آل محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله ترک نکنید، محبّت خاندان پیامبر و تسلیم بودن در برابر فرمانشان را نیز، به اتّکای عبادت، ترک نکنید، چراکه هیچ‌کدام بدون دیگری پذیرفته نیست!

---

۱. **بحارالأنوار**، ج ۷۰، ص ۱۵.

چهل حدیث کرامت انسان

سید علی‌نقی میرحسینی

انسان را «اشرف مخلوقات» می‌دانیم، این به‌خاطر کرامت‌های وجودی و ارزش‌هایی است که آفریدگار در وجود او به ودیعت نهاده که با شکوفا شدن آن‌ها به مقامی برتر از فرشته‌ها می‌رسد.

کرامت انسان یا ذاتی است که به تکوین و سرشت او برمی‌گردد، یا اکتسابی است که با تلاش و خودسازی و عبادت و عمل صالح و اخلاص به دست می‌آورد. هر دو نوع کرامت، او را به مقام صالحان می‌رساند و بهشت را نصیب او می‌گرداند.

کرامت انسان به چیست؟ چه کسانی باکرامت‌اند؟ انسان‌های کریم چه نشانه‌هایی دارند؟ چه کارها و صفاتی با کرامت انسان ناسازگار است؟ توجه به ارزش وجودی و کرامت نفس انسان، چگونه او را از تباهی‌ها باز می‌دارد؟ از نگاه قرآن و روایات، جایگاه والای انسان چیست؟

این‌ها و سؤالاتی از این قبیل، در سخنان پیشوایان معصوم ما ـ که درود خدا بر آنان باد ـ مطرح شده و پاسخ آن‌ها نیز آمده است. انس با احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام و کاوش در این گنجینه نورانی. ما را به جایگاه ارزشمند انسان آشنا می‌سازد و همین «خودشناسی» است که هم گامی به سوی خداشناسی است، هم راهی برای کمال بخشیدن به وجود خویش.

ریشه کرامت

۱۲۰۱-۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

لا كَرَمَ كَالتَّقوَى؛[۱] کرامتی بسان تقوا و پرواپیشگی نیست.

معیار کرامت

۱۲۰۲-۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

إذَا أَخَذْتَ نَفْسَكَ بِطَاعَةِ اللهِ أَكْرَمْتَهَا وَ إنْ إبْتَذَلْتَهَا فِي مَعَاصِيهِ أَهَنْتَهَا؛[۲] هنگامی که خود را در مسیر اطاعت خدا به کار گرفتی، خود را کریم نموده‌ای، و اگر خود را در مسیر گناه و تخلّف از دستورات الهی قرار دادی، به خود اهانت کرده‌ای.

حقیقت کرامت

۱۲۰۳-۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

أَمْلِكْ عَلَيْكَ هَوَاكَ وَ شُحَّ بِنَفْسِكَ عَمَّا لايَحِلُّ لَكَ، فَإِنَّ الشُّحَّ بِالنَّفْسِ حَقِيقَةُ الْكَرَمِ؛[۳] هوای نفس خود را نگه‌دار، و نسبت به خود، از آن‌چه حرام است، بخل بورز؛ زیرا دریغ ورزیدن بر جان خویش (از بدی‌ها)، حقیقت کرامت و بزرگواری است.

اهانت به مردم

۱۲۰۴-۴ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

أَذَلُّ النَّاسِ مَنْ أَهانَ النّاسَ؛[۴] ذلیل‌ترین مردم کسی است که به مردم اهانت کند.

---

۱. **نهج‌البلاغة**، حکمت ۱۱۳
۲. **غرر الحکم**، ص۱۸۵.
۳. همان، ص۲۴۱.
۴. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۴، ص۳۹۶.

شناخت ارزش خویش

۱۲۰۵-۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلْعَالِمُ مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ وَ كَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلاً اَلَّا يَعْرِفَ قَدْرَهُ؛[1] عالم و دانا کسی است که قدر خود را بشناسد و در نادانی انسان این بس که قدر و ارزش خویش را نداند.

کرامت در سایه عبودیت

۱۲۰۶-۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

إِنَّ اللهَ قَدْ أَكْرَمَكُمْ بِدِينِهِ و خَلَقَكُمْ لِعِبادَتِهِ فَأَنْصِبُوا أَنْفُسَكُمْ فِي أَدَاءِ حَقِّهِ؛[2] خداوند با دینش شما را تکریم کرده (به شما کرامت داده) و شما را برای بندگی و عبادتش آفریده است؛ پس خود را برای ادای حق آن مهیا سازید.

دین‌داری و دین‌مداری

۱۲۰۷-۷ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

كَرَمُ الرَّجُلِ دِينُهُ؛[3] بزرگواری آدمی، به دین اوست.

اسلام، دین کرامت آفرین

۱۲۰۸-۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اِنَّ اللهَ تَعَالَى خَصَّكُمْ بِالإِسْلاَمِ واسْتَخْلَصَكُمْ لَهُ، و ذَلِكَ لِأَنَّهُ اسْمُ سَلاَمَةٍ و جِمَاعُ كَرَامَةٍ؛[4] همانا خدای متعال شما را به اسلام اختصاص داد و برای اسلام برگزید؛ زیرا اسلام نامی از سلامت و فراهم‌کننده کرامت جامعه می‌باشد.

---

۱. **نهج‌البلاغة**، خطبه ۱۰۳.
۲. **وقعة‌الصفین**، ص۱۱۲؛ **شرح نهج‌البلاغة**، ابن ابی‌الحدید، ج۳، ص۱۸۴.
۳. **مسند**، احمد بن حنبل شیبانی، ج۳، ص۲۹۲.
۴. **نهج‌البلاغة**، خطبه ۱۵۲.

دوری از رذائل و هواهای نفس

۱۲۰۹-۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

أَكْرِمْ نَفْسَكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ وَ إِنْ سَاقَتْكَ إِلَى الرَّغَائِبِ فَإِنَّكَ لَنْ تَعْتَاضَ بِمَا تَبْذُلُ مِنْ نَفْسِكَ عِوَضاً وَ لا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللهُ حُرّاً؛[1] نفس خود را از هرگونه پستی بازدار، هرچند تو را به اهدافت رساند؛ زیرا نمی‌توانی به اندازه آبرویی که از دست می‌دهی، بهایی به دست آوری، برده دیگری مباش که خدا تو را آزاد آفرید.

وحدت و هماهنگی جامعه

۱۲۱۰-۱۰ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

أُنْظُرُوا إِلى ما صَارُوا إِلَيْهِ فِي آخِرِ أُمُورِهِمْ، حِينَ وَقَعَتِ الفُرْقَةُ، وَ تَشَتَّتَتِ الأُلْفَةُ، وَاخْتَلَفَتِ الْكَلِمَةُ وَالأَفْئِدَةُ، وَتَشَعَّبُوا مُخْتَلِفِينَ، و تَفَرَّقُوا مُتَحارِبِينَ، وَقَدْ خَلَعَ اللهُ عَنْهُمْ لِباسَ كَرَامَتِهِ؛[2] به پایان کار ملت‌های گذشته بنگرید! در آن هنگام که به تفرقه و پراکندگی روی آوردند و الفت و دوستی آنان از بین رفت و سخن‌ها و دل‌هایشان گوناگون شد، از هم جدا و گروه‌گروه شدند و به جنگ با یک‌دیگر پرداختند؛ خداوند لباس کرامت خود را از تنشان بیرون آورد.

ویژگی‌های انسان کریم

۱۲۱۱-۱۱ امام صادق علیه‌السلام:

ثَلاثَةٌ تَدُلُّ عَلَى كَرَمِ الْمَرْءِ: حُسْنُ الْخُلْقِ وَ كَظْمُ الْغَيْظِ وَ غَضُّ الطَّرْفِ؛[3] سه چیز گواه ارجمندی انسان است: خوش‌خویی، غلبه بر خشم و چشم پوشی از خطاهای دیگران.

---

۱. همان، نامه ۳۱.
۲. **نهج‌البلاغة**، خطبه ۱۹۲.
۳. **بحارالأنوار**، ج۷۵، ص۲۳۲.

گشاده‌رویی

۱۲۱۲-۱۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلْکَرَمُ حُسْنُ السَّجِیَّةِ وَ اجْتِنَابُ الدَّنِیَّةِ؛[۱] رفتار خوش و دوری از کارهای پَست و فرومایه، از نشانه‌های کرامت است.

گذشت کریمانه

۱۲۱۳-۱۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلْمُبَادَرَةُ اِلَی الْعَفْوِ مِنْ أَخْلاَقِ الْکِرَامِ[۲]، اَلْمُبَادَرَةُ اِلَی الإِنْتِقَامِ مِنْ شِیَمِ اللِّئَامِ؛[۳] اقدام به عفو و بخشش از اخلاق کریمان و اقدام به انتقام و کینه‌توزی از اخلاق فرومایگان است.

پرهیز از حَسَد

۱۲۱۴-۱۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلْکَرَمُ بَرِیءٌ مِنَ الْحَسَدِ؛[۴] انسان کریم از حَسَد دور و بیزار است.

ذلت‌ناپذیری

۱۲۱۵-۱۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلْکَرِیمُ یَأْبَی الْعَارَ وَ یُکْرِمُ الْجَارَ؛[۵] کریم ننگ و عار را خوش ندارد و نمی‌پسندد و همسایه‌اش را اکرام و احترام می‌کند.

---

۱. **غرر الحکم**، ص۳۱۷.
۲. همان، ص۲۴۵.
۳. همان، ص۳۴۶.
۴. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۲، ص۲۱؛ **غرر الحکم**، ص۳۸۱.
۵. **غرر الحکم**، ص۴۳۶.

راست‌گویی

۱۲۱۶-۱۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

الصَّادِقُ عَلَى شَفَا مَنْجَاةٍ و كَرامَةٍ، والكَاذِبُ عَلَى شَرَفِ مَهْوَاةٍ وَ مَهَانَةٍ؛[1] انسان راست‌گو در راه نجات و بزرگواری است، و دروغ‌گو بر لب پرتگاه هلاکت و خواری است.

شکیبایی

۱۲۱۷-۱۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام اشعث بن قیس را در مرگ فرزندش این‌گونه تسلیت داد:

اِنْ صَبَرْتَ صَبْرَ الأَكَارِمِ وَ اِلاّ سَلَوتَ سُلُوَّ البَهَائِمِ؛[2] چون مردان بزرگوار صابر و شکیبا باش و یا چون چهارپایان بی‌تفاوت.

وفای به عهد

۱۲۱۸-۱۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مِنَ الكَرَمِ الْوَفَاءُ بِالذِّمَمِ؛[3] از نشانه‌های کرامت انسان، وفای به عهدها است.

نادیده گرفتن خطاهای دیگران

۱۲۱۹-۱۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مِنْ أَشْرَفِ أَعْمَالِ الكَرِيمِ غَفْلَتُهُ عَمَّا يَعْلَمُ؛[4] خود را به غفلت و بی‌خبری نمایاندن از بهترین کارهای بزرگواران است.

---

۱. **نهج‌البلاغة**، خطبه ۸۶.
۲. همان، حکمت ۴۱۴.
۳. **غرر الحکم**، ص۲۵۲.
۴. **نهج‌البلاغة**، حکمت ۲۲۲.

حفظ زبان

۱۲۲۰-۲۰ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلکَرَمُ مَلِكُ اللِّسَانِ وَ بَذْلُ الإِحْسَانِ؛[۱] انسان گرامی کسی است که حافظ و مالک زبان، صاحب بذل، بخشش و احسان باشد.

قناعت

۱۲۲۱-۲۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مِنْ أَكْرَمِ الخُلُقِ التَّحَلِّي بِالقَنَاعَةِ؛[۲] از گرامی‌ترین ویژگی‌های افراد، قناعت‌پیشگی است.

پرهیز از فحّاشی

۱۲۲۲-۲۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَا أَفْحَشَ كَرِيمٌ قَطُّ؛[۳] انسان کریم هرگز کار زشت انجام نمی‌دهد و فحش نمی‌دهد.

صاف و سادگی

۱۲۲۳-۲۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلْكَرِيمُ أَبْلَجُ، اَللَّئِيمُ مُلَهْوَجٌ؛[۴] انسان کریم روشن و آشکار است؛ ولی انسان فرومایه، پیچیده و پنهان‌کار است.

---

۱. **غرر الحکم**، ص۲۱۴.
۲. همان، ص۳۹۱.
۳. **مستدرک الوسائل**، ج۱۲، ص۸۳؛ **غرر الحکم**، ص۲۲۳.
۴. **غرر الحکم**، ص۴۳۴.

آبروداری

۱۲۲۴-۲۴ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلکَـرَمُ اِیثارُ الْعِرْضِ عَلَی الْمَالِ[۱]، اَللُّومُ اِیثارُ الْمَالِ عَلَی الرِّجَالِ؛[۲] کرم عبارت اســت از برگزیدن آبرو بر ثروت؛ فرومایگی عبارت است از برگزیدن ثروت بر مردم.

تحقیر دنیا

۱۲۲۵-۲۵ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنْ کَرُمَتْ نَفْسُــهُ، صَغُرَتِ الدُّنیَا فِی عَیْنِهِ؛[۳] هرکس کرامت نفس داشته باشد، دنیا در دیده‌اش کوچک است.

پاسخ نیک به بدی‌ها

۱۲۲۶-۲۶ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلْکَرِیمُ مَنْ جَازَی الْإِسَــاءَةَ بِالإِحْسَانِ؛[۴] انســان باکرامت، کسی است که بدی(های دیگران) را با نیکی پاسخ می‌دهد.

گناه‌گریزی

۱۲۲۷-۲۷ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلْکَرِیمُ مَنْ تَجَنَّبَ المَحارِمَ و تَنَزَّهَ عَنِ العُیُوبِ؛[۵] کریم کسی است که از حرام‌ها دوری گزیند و از عیب‌ها پاک و منزّه باشد.

---

۱. همان، ص۳۷۸.
۲. همان، ص۲۶۰.
۳. همان، ص۲۳۱.
۴. همان، ص۵۹.
۵. همان، ص۲۶۸.

پرهیز از حرام

۱۲۲۸-۲۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَــن أَحَبَّ المَکارِمَ اجْتَنَبَ المَحَارِمَ؛[۱] هرکس مکارم و بزرگواری‌های اخلاق را دوســت بدارد، از حرام‌ها دوری می‌نماید.

پرهیز از اختلاف و عداوت

۱۲۲۹-۲۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَن کَرُمَت نَفْسُــهُ قَلَّ شِــقَاقُهُ وَ خِلافُهُ؛[۲] هرکس کرامت نفس داشته باشد، عداوت و مخالفت او با مردم اندک می‌شود.

رقابت در کسب کرامت

۱۲۳۰-۳۰ امام حسین علیه‌السلام:

نافِسُوا فِی‌المَکَارِمِ وَ سَارِعُوا فِی‌الْمَغَانِمِ؛[۳] در تحصیل مکارم اخلاق و ارزش‌های متعالی رقابت کنید و در راه به دست آوردن گنجینه‌های پرارزش معنوی شتاب کنید.

تکریم جنین

۱۲۳۱-۳۱ اسحاق بن عمار می‌گوید: به امام کاظم علیه‌السلام عرض کردم:

المَرْأَةُ تَخــافُ الحَبَلَ فَتَشْرَبُ الدَّواءَ فَتُلْقِی ما فِی بَطْنِها؟ قال: «لا»، فَقُلْتُ: إِنَّمَا هِی نُطفَةٌ. فقال: «اِنَّ أَوَّلَ ما یُخْلَقُ نُطْفَةٌ»؛[۴] زنی از بچه‌دارشــدن می‌ترسد، آیا می‌تواند دارویی بیاشامد تا آن‌چه در شــکم دارد، را از بین ببرد؟ آن حضرت فرمود: «نه (یعنی نباید سقط جنین

---

۱. **الإرشاد**، ج۱، ص۲۹۹.
۲. **غرر الحکم**، ص۲۳۱.
۳. **بحارالأنوار**، ج۷۵، ص۱۲۱؛ **کشف‌الغمة**، ج۲، ص۲۹.
۴. **وسائل الشیعة**، ج۲۹، ص۲۵، ح۳۵۰۶۳.

کند)». عرض کردم: هنوز در حال نطفه است (آیا باز هم جایز نیست)؟ امام فرمود: «آغاز خلقت انسان، نطفه است».

نوع دوستی

۱۲۳۲-۳۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَثَلُ المُؤمِنِ فِي تَوَادِّهِمْ وَ تَرَاحُمِهِم كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى بَعْضُهُ تَدَاعَى سَائِرُهُ بِالسَّهَرِ وَالْحُمَّى؛[1] مَثَل مؤمنین در دوستی و رحمت به یک‌دیگر مَثَل یک اندام است که اگر عضوی از آن به درد آید، اعضای دیگر با تب و بی‌خوابی با آن عضو هم‌دردی می‌کنند.

تکریم غیر مسلمان

۱۲۳۳-۳۳ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

إتَّقِ اللّٰهَ وَ لا تُحَقِّر مُسلِماً وَ لا مُعَاهَداً وَ لا تَغْصِبَنَّ مَالاً وَ لاَ وَلَداً وَ لا دَابَّةً؛[2] از خدا بترس! مسلمان و یا غیر مسلمان معاهد را تحقیر نکن و مال، فرزند، مرکب و... او را غصب نکن.

تکریم مسلمان

۱۲۳۴-۳۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَن أكرَمَ أخاهُ المُسلِمَ فَإنَّمَا يُكْرِمُ اللّٰهَ عَزَّوجَلَّ؛[3] هرکس برادر مسلمان خود را تکریم نماید، در حقیقت خداوند ـ عزّوجلّ ـ را اکرام کرده است.

کرامت زنان

۱۲۳۵-۳۵ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

خَيرُكُمْ خَيرُكُم لِاَهْلِهِ و أَنَا خَيرُكُم لِاَهْلِي؛ مَا أَكْرَمَ النِّسَاءَ إلّا كريمٌ، وَ لا

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۵۸، ص۱۵۰.
۲. **الغارات**، ج۲، ص۴۲۸.
۳. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۴، ص۱۵.

أَهَانَهُنَّ إِلّا لَئِيمٌ؛[1] بهترین شـــما، بهترین شما با خانواده است، و من بهترین شما با خانوادهام هســـتم؛ جز کریمان، زنان را تکریم نمی‌کنند و جز انســـان‌های پست و فرومایه، زنان را تحقیر نمی‌نمایند.

تکریم کوچک‌ترها

۱۲۳۶-۳۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

لاتُحَقِّرَنَّ أَحَداً مِنَ الْمُسْلِمينَ فَإِنَّ صَغِيرَهُم عِنْدَاللهِ كَبِيرٌ؛[2] هرگز مسلمانی را تحقیر مکن؛ زیرا که کوچک آنان نزد خدا بزرگ است.

یتیم‌نوازی

۱۲۳۷-۳۷ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

وَ تَحَنَّنُـــوا عَلى أَيتَامِ النّاسِ يُتَحَنَّنْ عَلَىَ أَيتَامِكُمْ... وَ مَنْ أَكْرَمَ فِيهِ يتيماً أَكرَمَهُ اللهُ يومَ يَلْقاهُ؛[3] به یتیمان مردم مهربانی کنید تا پس از شما با یتیمان شما مهربانی کنند... کسی که در آن (یعنی ماه رمضان) یتیمی را گرامی دارد، خداوند در روز قیامت او را گرامی خواهد داشت.

تکریم عالم

۱۲۳۸-۳۸ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

مَـــن وَقَّرَ عَالِماً فَقَدْ وَقَّرَ رَبَّهُ؛[4] هرکس عالمـــی را تکریم و احترام کند، خداوند را تکریم و احترام کرده است.

---

۱. **وسائل الشیعة**، ج ۲۰، ص ۱۷۱.
۲. **مجموعة ورام**، ج ۱، ص ۳۱.
۳. **وسائل الشیعة**، ج ۱۰، ص ۳۱۳.
۴. **غررالحکم**، ص ۴۷.

اهمیت احترام مهمان

۱۲۳۹-۳۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللهِ وَالْيَومِ الآخِرِ فَلْيُكْرِم ضَيفَهُ؛[1] کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، مهمانش را گرامی می‌دارد.

تکریم فقیر

۱۲۴۰-۴۰ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنْ أَهَانَ فَقِيراً مُسْلِماً مِنْ أَجْلِ فَقْرِهِ وَاسْتَخَفَّ بِهِ فَقَدِ اسْتَخَفَّ بِحَقِّ اللهِ... وَ مَنْ أَكْرَمَ فَقِيراً مُسْلِماً لَقِيَ اللهَ يَومَ القِيامَةِ وَ هُوَ يَضْحَكُ اِلَيهِ...؛[2] کسی که فقیر مسلمانی را به خاطر فقرش توهین کند و او را سبک بشمارد، حق خداوند را سبک شمرده است...؛ و کسی که فقیر مسلمانی را اکرام کند، روز قیامت، خدای متعال را در حالی ملاقات می‌کند که به سوی او متبسّم است.

---

۱. **جامع‌الأخبار**، ص۱۳۶؛ **بحارالأنوار**، ج۵۹، ص۲۹۲.
۲. **ثواب‌الأعمال**، ص۲۸۳ـ۲۸۲؛ **بحارالأنوار**، ج۷۳، ص۳۶۲ـ۳۶۱.

چهل حدیث کودک

محمدرضا احمدیان

فرزندان، ثمره زندگی‌اند. تربیت شایسته فرزندان نیز رسالت مهم والدین به شمار می‌رود.

گرچه روان‌شناسان و کارشناسان امور تربیت، برای تربیت کودک، نظرهای مختلف و سودمندی دارند، امّا برای پیروان اهل‌بیت علیهم‌السلام که شاگرد مکتب «قرآن و حدیث» اند، دانستن نظر و رهنمود اولیای دین، بسی لازم و سودمند است.

خاندان وحی، هم در رفتار و سیره نورانی خود با کودکان، درس‌آموز و مربّی شایسته بودند، هم در گفتار و توصیه‌هایی که به پیروان و اصحابشان داشتند، راه و روش تربیت فرزندانی با ایمان، با ادب، شایسته و سالم را ارائه داده‌اند.

والدین و مربّیان، نه‌تنها با گفتار، بلکه با رفتار و نگاهشان هم بر کودکان تأثیر می‌گذارند و برای آنان نقش الگو دارند. و از این رو، مراقبت، هدایت، رفتارعادلانه، مهروزی و ابراز عاطفه، تربیت دینی و عادت دادن به انجام وظایف مذهبی، صبوری و بردباری در امر تعلیم و تربیت آنان و در یک کلمه، شناخت و ادای حقوق کودکان و بر جا نهادن یادگاری ارزشمند از خود، از وظایف مهم ما نسبت به کودکان است.

رفتار با کودک

۱-۱۲۴۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَن كانَ لَهُ صَبِيٌّ فلْيَتَصَابَ لَه؛[۱] هرکس کودکی دارد، باید با او کودکی کند.

مراحل تربیت

۲-۱۲۴۲ امام صادق علیه السلام:

الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ؛[۲] کودک باید در ۷ سال نخست بازی کند و در ۷ سال دوم خواندن و نوشتن را بیاموزد و در ۷ سال بعد حلال و حرام را فراگیرد.

نقش پدر در نسل‌های آینده

۳-۱۲۴۳ امام صادق علیه السلام:

إِنَّ اللهَ لَيُفْلِحُ بِفَلَاحِ الرَّجُلِ الْمُومِنِ وُلْدَهُ وَ وُلْدَ وُلْدِهِ؛[۳] همانا خداوند با رستگاری مرد با ایمان، فرزندان و نوادگان او را رستگار میسازد.

آرزوی فرزند سالم

۴-۱۲۴۴ زمانی که برای امام سجاد علیه السلام فرزندی به دنیا می‌آمد، قبل از آن‌که از پسر یا دختر بودن آن سوال کند، از سلامتی او می‌پرسید و بعد از آن که از سلامتی فرزند باخبر می‌شد، می‌فرمود:

---

۱. **کنز العمال**، ج۱۶، ص۴۵۷.
۲. **الکافی**، ج۶، ص۴۷
۳. **بحارالأنوار**، ج۱۳، ص۳۱۲.

اَلْحَمْدُ للهِ الَّذِي لَمْ يَخْلُقْ مِنِّي شَـيْئاً مُشَوَّهاً؛[1] خدای را شکر که از من، فرزندی زشت و ناسالم نیافرید.

رعایت عدالت و انصاف

۱۲۴۵-۵ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اِعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يَعْدِلُوا بَيْنَكُمْ فِي الْبِرِّ وَ اللُّطْفِ؛[2]

بین فرزندان خود در مهرورزی و نیکی به آنان به عدالت رفتار نمایید، همان‌طوری که دوست دارید فرزندانتان بین شما در نیکی و خوش‌رفتاری، با عدل و داد رفتار نمایند.

عدالت در نوازش

۱۲۴۶-۶ امام صادق علیه السلام:

نَظَرَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله إِلَى رَجُلٍ لَهُ إِبْنَانِ فَقَبَّلَ أَحَدَهُمَا وَ تَرَكَ الآخَرَ، فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: «فَهَلَّا وَاسَيْتَ بَيْنَهُمَا؟»؛[3] پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مردی نگریست که دو پسر داشت. پدر، یکی از آن دو فرزند را بوسید و دیگری را نبوسید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «چرا (در اظهار محبّت به) آن دو به طور مساوی رفتار نکردی؟!»

دوست داشتن فرزندان

۱۲۴۷-۷ امام صادق علیه السلام:

إِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ لَيَرْحَمُ الرَّجُلَ لِشِدَّةِ حُبِّهِ لِوَلَدِهِ؛[4] خداوند متعال، آدمی را به دلیل شدت محبتش به فرزندش، مورد رحمت خود قرار می‌دهد.

---

۱. **مکارم‌الأخلاق**، ص۲۲۸؛ **عدة‌الداعی**، ص۸۸.
۲. **بحارالأنوار**، ج۱۰۱، ص۹۲؛ **مکارم‌الأخلاق**، ص۲۲۰.
۳. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۳، ص۴۸۳.
۴. همان، ۴۸۲.

زیاد بوسیدن فرزندان

۱۲۴۸-۸ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اَکْثِرُوا مِنْ قُبْلَةِ أَوْلادِکُمْ فَاِنَّ لَکُمْ لِکُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةً فِی الجَنَّةِ؛[1] فرزندانتان را بسیار ببوسید؛ زیرا در هر بوسیدن، درجهای در بهشت برای شما خواهد بود.

تفقّد از فرزند

۱۲۴۹-۹ کَانَ رسولُ اللهِ صلی الله علیه و آله إِذَا أَصْبَحَ مَسَحَ عَلَی رُءُوسِ وُلْدِهِ وَ وُلْدِ وُلْدِهِ؛[2] روش رسول خدا صلی الله علیه و آله در خانواده این‌گونه بود که هر روز دست محبّت و نوازش به سر فرزندان و نوادگان خود می‌کشید.

مهرورزی و وفا به عهد

۱۲۵۰-۱۰ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

أَحِبُّوا الصِّبْیَانَ وَ ارْحَمُوهُمْ وَ إِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ شَیْئاً فَفُوا لَهُمْ فَإِنَّهُمْ لَا یَرَوْنَ إِلَّا أَنَّکُمْ تَرْزُقُونَهُمْ؛[3] کودکان را دوست بدارید و با آنان مهربان باشید، وقتی که به آن‌ها وعده‌ای می‌دهید، حتماً وفا کنید؛ زیرا کودکان، شما را رازق خود می‌پندارند.

وفای به عهد نسبت به فرزندان

۱۲۵۱-۱۱ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

لا یَصْلُحُ مِنَ الْکَذِبِ جِدٌّ وَ لَا هَزْلٌ وَ لَا أَنْ یَعِدَ أَحَدُکُمْ صَبِیَّهُ ثُمَّ لَا یَفِیَ لَهُ؛[4] شایسته نیست آدمی به جدّی و شوخی دروغ بگوید و شایسته نیست کسی به فرزند خود وعده بدهد و وفا نکند.

---

۱. **روضة‌الواعظین**، ج ۲، ص ۳۶۹.
۲. **من لایحضره‌الفقیه**، ج ۳، ص ۴۸۳.
۳. **الکافی**، ج ۶، ص ۴۹.
۴. **أمالی**، شیخ صدوق، ص ۴۱۹.

با کودک رفتاری کودکانه باید

۱۲۵۲-۱۲ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ صَبَا؛[۱] کسی که فرزند خردسال دارد، باید با او رفتاری کودکانه داشته باشد.

تربیت صحیح

۱۲۵۳-۱۳ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

رَحِمَ اللهُ عَبْداً أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بِرِّهِ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَ التَّأَلُّفِ لَهُ وَ تَعْلِيمِهِ وَ تَأْدِيبِهِ؛[۲]

رحمت خداوند بر بنده‌ای که با احسان و انس و الفت با فرزند و تعلیم و تربیت (صحیح) او را در جهت نیکی و احسان به پدر یاری نماید.

نقش پدران

۱۲۵۴-۱۴ امام باقر علیه‌السلام:

يُحْفَظُ الْأَطْفَالُ بِصَلَاحِ آبَائِهِمْ؛[۳]

کودکان در پرتو صلاحیت و شایستگی پدران، صلاح و سعادتشان حفظ می‌شود.

سلام بر کودکان

۱۲۵۵-۱۵ انس بن مالک می‌گوید:

إِنَّ رَسُولَ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله؛ مَرَّ إِلَى [عَلَى] صِبْيَانٍ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَ هُوَ مُغِذٌّ؛[۴] حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در رهگذری بر چند کودک برخورد نمود، و در حالی که به سرعت می‌رفت به آن‌ها سلام کرد.

---

۱. **الکافی**، ج۶، ص۴۹.
۲. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۵، ص۱۶۹.
۳. **بحارالأنوار**، ج۶۸، ص۲۳۶.
۴. همان، ج۱۶، ص۲۲۹.

شاد کردن فرزند دختر

۱۲۵۶-۱۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنْ فَرَّحَ ابْنَتَهُ فَكَأَنَّمَا أَعْتَقَ رَقَبَةً مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ عليه السلام وَ مَنْ أَقَرَّ بِعَيْنِ ابْنٍ فَكَأَنَّمَا بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللهِ؛[1] هرکس دختر بچه خود را شادمان کند، مانند کسی است که بنده‌ای از فرزندان اسماعیل علیه السلام را آزاد کرده، و آن‌که پسر بچه‌ای را مسرور کند، مانند کسی است که از خوف خدا گریسته است.

بوسیدن و شاد کردن کودک

۱۲۵۷-۱۷ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنْ قَبَّلَ وَلَدَهُ كَتَبَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ حَسَنَةً وَ مَنْ فَرَّحَهُ فَرَّحَهُ اللهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛[2] هرکس فرزندش را ببوسد، خداوند حسنه‌ای در نامه اعمالش ثبت می‌کند؛ و هرکس فرزندش را شادمان کند، خداوند او را در قیامت شاد خواهد کرد.

نگاه محبّت‌آمیز به کودکان

۱۲۵۸-۱۸ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

إِذَا نَظَرَ الْوَالِدُ إِلَى وَلَدِهِ فَسَرَّهُ كَانَ لِلْوَالِدِ عِتْقُ نَسَمَةٍ؛[3] پدری که با نگاه محبّت‌آمیز فرزند خویش را شاد کند، خداوند به او اجر آزاد کردن یک بنده عنایت می‌فرماید.

---

۱. **وسائل‌الشیعة**، ج۲۱، ص۵۱۴؛ **مکارم‌الأخلاق**، ص۲۲۱.
۲. **الکافی**، ج۶، ص۴۹.
۳. **بحارالأنوار**، ج۷۱، ص۸۰.

واداشتن کودکان به عبادت

۱۲۵۹-۱۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا بَلَغُوا سَبْعاً؛[۱] کودکان خود را در ۷سالگی امر کنید تا نماز بخوانند.

حفظ حریم دختربچه نامحرم

۱۲۶۰-۲۰ امام کاظم علیه السلام:

إِذَا أَتَتْ عَلَى الْجَارِيَةِ سِتُّ سِنِينَ لَمْ يَجُزْ أَنْ يُقَبِّلَهَا رَجُلٌ لَيْسَ هِيَ بِمَحْرَمٍ لَهُ وَ لَا يَضُمَّهَا إِلَيْهِ؛[۲] وقتی دختر بچه ۶ساله شد، فرد نامحرم حق ندارد او را ببوسد و هم‌چنین نمی‌تواند او را در آغوش بگیرد.

جداسازی بسترکودکان

۱۲۶۱-۲۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

الصَّبِيُّ وَ الصَّبِيُّ وَ الصَّبِيُّ وَ الصَّبِيَّةُ وَ الصَّبِيَّةُ وَ الصَّبِيَّةُ يُفَرَّقُ بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ لِعَشْرِ سِنِينَ؛[۳] رختخواب پسربچه‌ها با پسربچه‌ها، و پسربچه‌ها با دختربچه‌ها، و دختربچه‌ها با دختربچه‌ها در سن ۱۰سالگی باید از هم جدا شوند.

دقت در خوراک کودکان

۱۲۶۲-۲۲ امیرمؤمنان علی علیه السلام:

أَطْعِمُوا صِبْيَانَكُمُ الرُّمَّانَ فَإِنَّهُ أَسْرَعُ لِأَلْسِنَتِهِمْ؛[۴] بـه فرزندانتان انار بخورانید، که زبانشان را به سخن زودتر باز می‌کند.

---

۱. **عوالی اللئالی**، ج۱، ص۲۵۲؛ **مستدرک الوسائل**، **ج ۳**، ص۱۹.
۲. **تهذیب الأحکام**، ج۷، ص۴۶۱.
۳. **وسائل الشیعة**، ج۲۰، ص۲۳۱.
۴. **بحارالأنوار**، ج۶۳، ص۱۵۵.

تحمّل گریه کودکان

۱۲۶۳-۲۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

لا تَضْرِبُوا أَطْفَالَكُمْ عَلَى بُكَائِهِمْ فَإِنَّ بُكَاءَهُمْ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ الصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ وَ آلِهِ وَ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ الدُّعَاءُ لِوَالِدَيْهِ؛[1] کودکانتان را به خاطر گریه کردن کتک نزنید، زیرا گریه کودک تا چهارماه اوّل شهادت به یگانگی خداست و چهارماه دوّم درود بر پیامبر و خاندان او، و در چهارماه سوم دعا برای پدر و مادرش است.

تربیت نیکو

۱۲۶۴-۲۴ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

مَا نَحَلَ وَالِدٌ وَلَداً نُحْلاً أَفْضَلَ مِنْ أَدَبٍ حَسَنٍ؛[2] هیچ عنایت و عطایی پدر به فرزندش ننموده که عالی‌تر و شریف‌تر از تربیت خوب باشد.

انتخاب نام محمد برای کودکان

۱۲۶۵-۲۵ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنْ وُلِدَ لَهُ ثَلَاثُ بَنِينَ وَ لَمْ يُسَمِّ أَحَدَهُمْ مُحَمَّداً فَقَدْ جَفَانِي؛[3] هرکس سه پسر برای او متولد شود و نام یکی از آن‌ها را محمد نگذارد، به من جفا کرده است.

انتخاب نام نیکو

۱۲۶۶-۲۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

إِنَّ أَوَّلَ مَا يَنْحَلُ أَحَدُكُمْ وَلَدَهُ الِاسْمُ الْحَسَنُ؛[4] اوّلین عطا و هدیه هریک از شما به فرزند خود، اسم خوبی است که برای او انتخاب می‌کنید.

---

۱. همان، ج۵۷، ص۳۸۱.
۲. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۵، ص۱۶۴.
۳. **وسائل‌الشیعة**، ج۲۱، ص۳۹۴.
۴. **بحارالأنوار**، ج۱۰۱، ص۱۳۰.

اسم پیامبر مایه برکت

۱۲۶۷-۲۷ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

إِذَا كَانَ اسْمُ بَعْضِ أَهْلِ الْبَيْتِ اسْمَ نَبِيٍّ لَمْ تَزَلِ الْبَرَكَةُ فِيهِمْ؛[1] در هر خانواده‌ای که اسم پیامبری باشد، برکت از آن خانه برداشته نخواهد شد.

آموختن شعائر دینی

۱۲۶۸-۲۸ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنْ وُلِدَ لَهُ مَوْلُودٌ فَلْيُؤَذِّنْ فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى بِأَذَانِ الصَّلَاةِ وَ لْيُقِمْ فِي الْيُسْرَى فَإِنَّهَا عِصْمَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛[2] هرکس فرزندی برای او متولد شود، باید در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه بگوید؛ این کار سبب می‌شود کودک از شیطانِ رانده‌شده در امان باشد.

زمان ختنه

۱۲۶۹-۲۹ امام رضا علیه السلام از پدرانش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند:

اِخْتِنُوا أَوْلَادَكُمْ يَوْمَ السَّابِعِ فَإِنَّهُ أَطْهَرُ وَ أَسْرَعُ لِنَبَاتِ اللَّحْمِ؛[3] فرزندانتان را روز هفتم تولد ختنه کنید، که این برای آن‌ها پاک‌کننده‌تر است و رشدشان را سرعت می‌بخشد.

دقت در تربیت

۱۲۷۰-۳۰ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

وَلَدُكَ رَيْحَانَتُكَ سَبْعاً وَ خَادِمُكَ سَبْعاً ثُمَّ هُوَ عَدُوُّكَ أَوْ صَدِيقُكَ؛[4] فرزندت در ۷ سال

---

۱. **دعائم الإسلام**، ج ۲، ص ۱۸۸؛ **مستدرک الوسائل**، ج ۱۵، ص ۱۲۹.
۲. . **تهذیب الأحکام**، ج ۷، ص ۴۳۷.
۳. **بحارالأنوار**، ج ۱۰۱، ص ۱۰۹؛ **وسائل الشیعة**، ج ۲۱، ص ۴۳۹.
۴. **شرح نهج البلاغة**، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۴۳.

اوّل گُل خوش‌بوی [درخت] وجود شماست؛ و در ۷سال دوم خدمت‌گزار و مطیع، و در ۷سال سوم، دشمن بدخواه یا دوست خیرخواه شماست.

شادمانی پیامبر با تولد دختران

۱۲۷۱-۳۱ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

كَانَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله إِذَا بُشِّرَ بِجَارِيَةٍ قَالَ: «رَيْحَانَةٌ وَ رِزْقُهَا عَلَى اللهِ»؛[1] روش حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله این‌گونه بود که وقتی خبر تولد یک دختر را به او می‌دادند، می‌فرمودند: «گلی است و روزی آن با خداوند است».

آموزش توحید

۱۲۷۲-۳۲ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مَنْ رَبّى صَبِيّاً حَتّى يَقُولَ: «لا اِله الاَّ اللهُ» وَجَبَتْ لَهُ الجَنَّةُ؛[2] هرکس کودکی را (به اندازه‌ای) تربیت کند که بتواند بگوید: «لا إله إلّا الله»، بهشت بر او واجب می‌شود.

اهمیت سرپرستی دختران

۱۲۷۳-۳۳ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مَنْ عَالَ ثَلَاثَ بَنَاتٍ يُعْطَى ثَلَاثَ رَوْضَاتٍ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ كُلُّ رَوْضَةٍ أَوْسَعُ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا؛[3] هرکس سه دختر را سرپرستی کند، خداوند به او سه باغستان از باغستان‌های بهشت عطا می‌کند، که هریک از آن‌ها از دنیا و آن‌چه در آن است وسیع‌تر باشد.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۱۰۱، ص۹۷؛ **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۵، ص۱۱۴.
۲. **میزان الإعتدال**، ج۱، ص۲۲.
۳. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۵، ص۱۱۵.

کام کودکان و تربت امام حسین علیه‌السلام

۱۲۷۴-۳۴ امام صادق علیه‌السلام:

حَنِّکُوا أَوْلَادَکُمْ بِتُرْبَةِ الْحُسَیْنِ علیه‌السلام فَإِنَّهَا أَمَانٌ؛[۱] با تربت امام حسین علیه‌السلام کام کودکانتان را بردارید، چون سبب در امان بودن او از آفت‌های روحی و جسمی است.

فرزند مایه دلگرمی

۱۲۷۵-۳۵ امام حسن عسکری علیه‌السلام:

نِعْمَ الْعَضُدُ الْوَلَدُ؛[۲] فرزند تکیه‌گاه خوبی است.

فرزند خوب موجب سعادت

۱۲۷۶-۳۶ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ الْوَلَدُ الصَّالِحُ؛[۳] از سعادت انسان داشتن فرزندی نیکوکار و شایسته است.

استغفار فرزند نیک برای والدین

۱۲۷۷-۳۷ امام صادق علیه‌السلام:

مِیرَاثُ اللهِ مِنْ عَبْدِهِ الْمُؤمِنِ الْوَلَدُ الصَّالِحُ یَسْتَغْفِرُ لَهُ؛[۴] فرزند صالح میراث و بازمانده‌ای الهی برای بنده مؤمن است که بعد از او برای او طلب آمرزش نماید.

---

۱. **تهذیب‌الأحکام**، ج۶، ص۷۴.
۲. **بحارالأنوار**، ج۵۰، ص۲۷۵.
۳. **الکافی**، ج۶، ص۳.
۴. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۳، ص۴۸۱.

تحمل مرگ فرزند

۱۲۷۸-۳۸ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَا أَثْقَلَ فِي المِيزَانِ اَلْوَلَدُ الصَّالِحُ يُتَوَفّى لِمُسْلِمٍ فَيَصْبِرُ و يَحْتَسِبُ؛[1] گران‌بهاترین چیز در نامه عمل، مرگ فرزند شایسته‌ای است که انسان [در فراق او] صبر کند و به حساب خداوند بگذارد.

فرزند نیکو یادگار زیبا

۱۲۷۹-۳۹ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

اَلْوَلَدُ الصَّالِحُ أَجْمَلُ الذِّكْرَيْنِ؛[2]

فرزند صالح و نیکوکار، زیباترین دو یادمان (نیک نامی و دودمان نیکو) است، که بعد از او به یادگار می‌ماند.

آثار فرزندان بدکار

۱۲۸۰-۴۰ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

اَلْوَلَدُ السُّوءُ يَهْدِمُ الشَّرَفَ و يَشِينُ السَّلَفَ؛[3].

فرزند زشت‌کار، آبرو را می‌برد و مایه ننگ اجداد و گذشتگان خواهد بود.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۷۹، ص۱۱۵.
۲. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۵، ص۱۱۴؛ **غرر الحکم**، ص۴۰۷.
۳. **غرر الحکم**، ص۴۰۷.

چهل حدیث گل‌های آفرینش

مهدی احمدی

نگاه زیباشناسانهٔ دین به طبیعت و زندگی انسان‌ها، در عرصه‌های مختلف ظهور و بروز پیدا کرده است؛ یکی از جلوه‌های این نگاه، در باره «گُل» و گیاه و عطر و بوی خوش است.

در احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام، هم درباره گل‌های خاصّی سخن به میان آمده، هم بعضی از اشخاص یا امور به گل تشبیه شده، و هم خواص و آثار برخی گل‌ها بیان شده است. اگر سوره «یس» گل قرآن به شمار آمده، یا دختران «گل‌های زندگی» معرفی شده‌اند، یا از گل‌های بهشتی یا بوییدن گل، یا از گل نرگس و یاسمن و عطر گل و استشمام بوی گل و... یاد شده، ما را به این هدیه زیبای خاک به انسان‌ها که مظهری از قدرت شگفت الهی است، توجّه می‌دهد.

گل محمّدی

۱۲۸۱-۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنْ أَرَادَ أن يَشُـــمَّ رِائِحَتِي فَلْيَشُمَّ الْوَرْدَ الْأَحْمَرَ؛[۱] هرکس می‌خواهد که بوی مرا استشمام کند، گل سرخ را ببوید.

بوی پیامبر صلی الله علیه و آله

۱۲۸۲-۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

الْـوَرْدُ الاَبْيَضُ خُلِقَ مِنْ عَرَقِ لَيْلَةَ الْمِعْرَاجِ وَ الْـوَرْدُ الْأَحْمَرُ خُلِقَ مِنْ جِبْرئيلَ وَ الْوَرْدُ الْأَصْفَرُ مِنْ بُرَاقٍ؛[۲] گل سفید از عرق من در شب معراج خلق شد و گل سرخ از جبرئیل خلق گردید و گل زرد از فرشته براق آفریده شد.

بوی فاطمه علیها السلام

۱۲۸۳-۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

رَائِحَةُ الْأَنْبِيَاءِ رَائِحَةُ السَّفَرْجَلِ وَ رَائِحَةُ الْحُورِ الْعِينِ رَائِحَةُ الْآسِ وَرائِحَةُ الْمَلاَئِكَةِ رَائِحَةُ الْوُرُودِ وَ رَائِحَةُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ رَائِحَةُ السَّـــفَرْجَلِ وَ الْآسِ وَ الْوَرْدِ وَ لاَبَعَثَ اللهُ نَبِيّاً وَلاَ وَصِيّاً إِلاَّ وُجِدَ مِنْهُ رَائِحَةُ السَّـــفَرْجَلِ فَكُلُوهَا وَ أَطْعِمُوا حَبَالاَكُمْ يُحَسِّنْ اَوْلاَدَكُمْ؛[۳] بوی انبیا بوی «به» اســـت و بوی حور العین بوی «مُورد» است و بوی ملائکه بوی

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۷۳، ص۱۴۶.
۲. همان، ص۱۴۷.
۳. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۶، ص۴۰۰.

گل سرخ است و بوی دخترم فاطمه زهراعليها‌السلام، بوی «به» و «مورد» و «گل سرخ» است و خداوند نبی و وصی مبعوث نفرمود، مگر آن‌که از او بوی «به» استشمام می‌شود؛ پس «به» بخورید و به زنان باردار خود بدهید تا فرزندانتان زیبا شوند.

فاطمه‌عليها‌السلام، گل پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله

۱۲۸۴-۴ امیرمؤمنان علی‌عليه‌السلام:

أَنَا بَابُ مَدِينَةِ الْعِلْمِ وَ خَازِنُ عِلْمِ رَسُولِ اللهِصلی‌الله‌علیه‌وآله وَ وَارِثُهُ أَنَا زَوْجُ الْبَتُولِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ فَاطِمَةَ التَّقِيَّةِ الزَّكِيَّةِ الْبَرَّةِ الْمَهْدِيَّةِ حَبِيبَةِ حَبِيبِ اللهِ وَ خَيْرِ بَنَاتِهِ وَ سُلَالَتِهِ وَ رَيْحَانَةِ رَسُولِ اللهِصلی‌الله‌علیه‌وآله سِبْطَاهُ خَيْرُ الْأَسْبَاطِ وَ وَلَدَايَ خَيْرُ الْأَوْلَادِ؛[1] من درِ شهر علمم و مخزن علوم پیامبرم و وارث اویم. من همسر بتول، سیده زنان دو عالم هستم که فاطمه، پارسا، پاکیزه، نیکوکار، رهیافته، و محبوب حبیب خدا بود و بهترین دختران و سلاله‌اش و گل رسول خدا بود؛ دو نوه او بهترین نوه‌ها و دو فرزند من بهترین فرزندانند.

گل‌های پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله

۱۲۸۵-۵ رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله، حسنینعليهما‌السلام را در آغوش خود گرفت و فرمود:

هَذَانِ رَيْحَانَتَايَ مِنَ الدُّنْيَا مَنْ أَحَبَّنِي فَلْيُحِبَّهُمَا؛[2] این‌ها، دو گل من از این دنیایند؛ هرکس مرا دوست دارد، این دو را نیز دوست بدارد.

گل خوش‌بوی نبویصلی‌الله‌علیه‌وآله

۱۲۸۶-۶ خالد بن صعد می‌گوید:

لَمَّا ماتَ إِبْراهِيمُ بْنُ النَّبِيِّصلی‌الله‌علیه‌وآله بَكَى، فَقِيلَ: «أَتَبْكِي يا رَسُولَ اللهِ!؟» فَقَالَ: «ريحانةٌ

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۳۳، ص۲۸۳.
۲. **الکافی**، ج۶، ص۲.

وَهَبَها اللهُ وَ كُنتُ أشُمَّها»؛[1] هنگامی که ابراهیم، فرزند پیامبر اکرمﷺ وفات یافت، حضرت گریه کرد. به حضرت گفتند، «آیا گریه می‌کنید»؟ فرمود: «گلی بود که خداوند به من هدیه داده بود و من او را می‌بوییدم».

همسر، گل خوش‌بو

۱۲۸۷-۷ امام صادقؑ فرمود:

فِي رِسَالَةِ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَؑ إِلَى الْحَسَنِؑ: «لاَ تُمَلِّكِ الْمَرْأَةَ مِنَ الْأَمْرِ مَا يُجَاوِزُ نَفْسَهَا فَإِنَّ ذَلِكَ أَنْعَمُ لِحَالِهَا وَ أَرْخَى لِبَالِهَا وَ أَدْوَمُ لِجَمَالِهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رَيْحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرِمَانَةٍ»؛[2] در نامه امام علیؑ به امام حسنؑ آمده است: «کارهای غیر از امور خودش را به زن مسپار؛ زیرا این کار برای او بهتر است و راحتی بیشتری برایش دارد و جمال و زیبایی‌اش نیز بیشتر حفظ می‌شود. همانا زن گل خوش‌بوست، نه پیش‌کار و خدمت‌کار».

فرزند صالح، گل بهشتی

۱۲۸۸-۸ امام صادقؑ از پیامبر اکرمﷺ نقل می‌فرماید:

إِنَّ الْوَلَدَ الصَّالِحَ رَيْحَانَةٌ مِنْ رَيَاحِينِ الْجَنَّةِ؛[3] فرزند صالح، گلی از گل‌های بهشت است.

دختران، گل‌های خوش‌بو

۱۲۸۹-۹ جارود بن منذر می‌گوید: امام صادقؑ به من فرمود:

بَلَغَنِي أَنَّهُ وُلِدَ لَكَ ابْنَةٌ فَتُسْخِطُهَا وَ مَا عَلَيْكَ مِنْهَا رَيْحَانَةٌ تَشَمُّهَا وَ قَدْ كُفِيتَ رِزْقَهَا وَ قَدْ كَانَ رَسُولُ اللهِﷺ أَبَا بَنَاتٍ؛[4] به من خبر رسیده است که صاحب دختر شده‌ای و از این

---

۱. **مسکن الفؤاد**، ص۱۰۴.
۲. **الکافی**، ج۵، ص۵۱۰
۳. همان، ج۶، ص۳.
۴. همان، ص۶.

بابت ناراحتی! او گلی است که بویش کنی و روزی‌اش نیز بر عهده خداست و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز پدر چند دختر بود.

یس، گل قرآن

۱۲۹۰-۱۰ امام صادق علیه السلام:

عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ «يَس» فَإِنَّهَا رَيْحَانَةُ الْقُرْآنِ؛[1] به فرزندانتان سوره مبارکه «یس» را آموزش دهید، زیرا سوره «یس» گل قرآن است.

گل‌های حاء میم

۱۲۹۱-۱۱ امام صادق علیه السلام:

اَلْحَوَامِيمُ رَيَاحِينُ الْقُرْآنِ فَإِذَا قَرَأْتُمُوهَا فَاحْمَدُوا اللهَ وَ اشْكُرُوهُ كَثِيراً لِحِفْظِهَا وَ تِلَاوَتِهَا إِنَّ الْعَبْدَ لَيَقُومُ وَ يَقْرَأُ الْحَوَامِيمَ فَيَخْرُجُ مِنْ فِيهِ أَطْيَبُ مِنَ الْمِسْكِ الْأَذْفَرِ وَ الْعَنْبَرِ وَ إِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ لَيَرْحَمُ تَالِيَهَا أَوْ قَارِئَهَا وَ يَرْحَمُ جِيرَانَهُ وَ أَصْدِقَاءَهُ وَ مَعَارِفَهُ وَ كُلَّ حَمِيمٍ وَ قَرِيبٍ لَهُ وَ إِنَّهُ فِي الْقِيَامَةِ يَسْتَغْفِرُ لَهُ الْعَرْشُ وَ الْكُرْسِيُّ وَ مَلَائِكَةُ اللهِ الْمُقَرَّبُونَ؛[2] سوره‌هایی که با «حم» آغاز می‌شود (به منزله) گل‌های خوش‌بوی قرآن هستند؛ پس هر زمان که آن‌ها را تلاوت کردید، به‌خاطر توفیقی که در تلاوت آن‌ها داشته‌اید، خدا را بسیار حمد و سپاس بگویید و چون بنده‌ای این سوره‌ها را تلاوت می‌کند، از دهانش رایحه‌ای خوش‌بوتر و پاکیزه‌تر از مشک ناب و عنبر بیرون می‌آید، و به راستی که خداوند تلاوت‌کننده آن سوره‌ها و همسایه و دوستان و آشنایان و تمام خویشان و افراد نزدیک او را مورد رحمت خود قرار می‌دهد، و در روز قیامت عرش و کرسی و فرشتگان مقرّب خداوند، برای او طلب آموزش می‌کنند.

---

۱. **مستدرک‌الوسائل**، ج۴، ص۳۲۵.
۲. **بحارالأنوار**، ج۸۹، ص۳۰۱.

گل‌های هر قبیله

۱۲۹۲-۱۲ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

«يا نُوفُ! خُلِقْنا مِنْ طِيْنَةٍ وَ خُلِقَ شيعَتُنا مِنْ طينَتِنا فَإذا كانَ يَومَ القيامةِ أُلحِقُوا بِنَا». قالَ نَوْفُ قُلتُ: «صِفْ لي شيعتَك، يا أميرَالمؤمنينَ!» فَبَكَى لِذِكرِ شِيعَتِهِ، ثُمَّ قالَ: «يا نوفُ! شيعَتي وَاللهِ الحُلَمَاءُ بِاللهِ وَ بِدِيْنِهِ العامِلونَ بِطاعَتِهِ... مَصابِيحُ كُلِّ ظُلْمَةٍ وَ رَياحينُ كُلِّ قَبِيلَةٍ»؛[1] «ای نوف! ما از گلی آفریده شدیم و شیعیان ما نیز از گِل وجود ما هستند؛ پس در روز قیامت به ما ملحق خواهند شد.» نوف می‌گوید: به امام عرض کردم: شیعیان خودت را توصیف کن. پس گریه کرد و فرمود: «ای نوف! شیعیان من به خدا مردمان شکیبا و دانشمند به خدا و دین خدایند، به طاعت و امر خدا عمل می‌کنند... چراغ‌های تاریکی‌ها و گل‌های خوش‌بوی قبیله و فامیل‌شان می‌باشند».

گل مؤمن

۱۲۹۳-۱۳ امام کاظم علیه‌السلام:

قِيلَ لِلصّادِقِ علیه‌السلام: «صِفْ لَنا الْمَوتَ». قالَ: «لِلْمُؤْمِنِ كَأطْيَبِ رِيحٍ يَشَمُّهُ فَيَنْعَسُ لِطِيبِهِ وَ يَنْقَطِعُ التَّعَبُ وَ الْأَلَمُ كُلُّهُ عَنْهُ وَ لِلْكَافِرِ كَلَسْعِ الْأَفَاعِيِّ وَ لَدْغِ الْعَقَارِبِ أَوْ أَشَدَّ»؛[2] به امام صادق علیه‌السلام گفته شد: «مرگ را برای ما وصف فرما». فرمود: «برای مؤمن مثل خوش‌بوترین گل‌هاست، که آن را می‌بوید و از بوی خوش آن، از حال می‌رود و خستگی و درد از او برطرف می‌شود، و برای کافر مانند نیش افعی و عقرب، بلکه سخت‌تر است».

گل‌های بهشتی

۱۲۹۴-۱۴ امام علی علیه‌السلام در نامه‌ای به محمد بن ابی بکر ویژگی‌های بهشت را چنین بیان می‌کند:

---

۱. **إرشاد القلوب**، ج۱، ص۱۴۴.
۲. **عيون أخبار الرضا** علیه‌السلام، ج ۱، ص۲۷۴.

لَذَّاتُهَا لاتُمَلُّ وَ مُجْتَمَعُهَا لايَتَفَرَّقُ وَ سُكَّانُهَا قَدْ جَاوَرُوا الرَّحْمَنَ وَ قَامَ بَيْنَ اَيْدِيهِمُ الْغِلْمَانُ بِصِحَافٍ مِنَ الذَّهَبِ فِيهَا الْفَاكِهَةُ وَ الرَّيْحَانُ؛[1] لذت‌هایش خسته‌کننده نیست، جمعیت‌هایش پراکندگی ندارد، ساکنانش همسایگان رحمانند، در برابرشان غلامانی با ظروف طلا که در آن میوه و گل است، قرار دارند.

گلاب و رزق

۱۲۹۵-۱۵ رسول خدا:

إِنَّ ماءَ الوَردِ يَزيدُ فِي ماءِ الوَجهِ، و يَنفِي الفَقرَ؛[2] همانا گلاب، بر آبرو می‌افزاید و فقر را می‌زداید.

بوی پیامبر صلی الله علیه و آله

۱۲۹۶-۱۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنْ أَرَادَ أَنْ يَشَمَّ رَائِحَتِي فَلْيَشَمَّ الْوَرْدَ الْأَحْمَر؛[3] هر کس می‌خواهد بوی مرا استشمام کند، گل سرخ را بو کند.

گلزار مادر

۱۲۹۷-۱۷ پیامبر صلی الله علیه و آله در وفات حضرت فاطمه بنت اسد - مادر حضرت علی علیه السلام- به عمار که همراهش بود، فرمود:

يَا عَمَّارُ! إِنَّ الْمَلَائِكَةَ قَدْ مَلَأَتِ الْأُفُقَ وَ فُتِحَ لَهَا بَابٌ مِنَ الْجَنَّةِ وَ مُهِّدَ لَهَا مِهَادٌ مِنْ مِهادِ الْجَنَّةِ وَ بُعِثَ إِلَيْهَا بِرَيْحَانٍ مِنْ رَيَاحِينِ الْجَنَّةِ فَهِيَ فِي رَوْحٍ وَ رَيْحَانٍ وَ جَنَّةٍ وَ

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۷۴، ص۳۹۱.
۲. **مکارم‌الأخلاق**، ج۱، ص ۱۰۶، ح ۲۲۱؛ **بحارالأنوار**، ج۷۶، ص ۱۴۴.
۳. **مکارم‌الأخلاق**، ص۴۴.

نَعِيمٍ وَ قَبْرُهَا رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ؛[1] برای احترام ملائکه افق را گرفته‌اند و برای او (فاطمه بنت اسد) دری از بهشت باز نموده‌اند و بهشت را برایش مهیا ساخته‌اند و برایش گلی از گل‌های بهشت را فرستاده‌اند؛ پس او در روح و ریحان و بهشت و نعمت است و قبرش، باغی از باغ‌های بهشت است.

دعای استنشاق

۱۲۹۸-۱۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام در حال استنشاق می‌فرمود:

اَللهُمَّ لاتَحْرِمْنِي طَيِّبَاتِ الْجِنَانِ وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَشَمُّ رِيحَهَا وَ رَوْحَهَا وَ رَيْحَانَهَا وَ طِيبَهَا؛[2] خدایا! من را از بوی خوش بهشت محروم نکن، و مرا جزء کسانی قرار ده که بوی بهشت و نسیم آن گل و عطر بهشت را درک می‌کنند.

بوی گل و یاد اهل‌بیت علیهم‌السلام

۱۲۹۹-۱۹ مالک جُهَنی می‌گوید: شاخه گلی به امام صادق علیه‌السلام دادم. ایشان، گل را گرفته، بویید و بر چشمان خود گذاشت و فرمود:

مَنْ تَنَاوَلَ رَيْحَانَةً فَشَمَّهَا وَوَضَعَهَا عَلَى عَيْنَيْهِ ثُمَّ قَالَ: «اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»، لَمْ تَقَعْ عَلَى الاَرْضِ حَتَّى يُغْفَرَ لَهُ؛[3] هرکس گل را بگیرد و ببوید و بر چشمانش بگذارد و بگوید: «اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد»، آن گل را بر زمین نمی‌گذارد، مگر این‌که بخشیده می‌شود.

گل را رد نکنید!

۱۳۰۰-۲۰ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

إذا أُتِيَ أحَدَكُم بِرَيحانٍ فَلْيَشُمَّهُ وَ لْيَضَعْهُ عَلَى عَينَيْهِ فَإنَّهُ مِنَ الجَنَّةِ وَ إذَا أُتِيَ

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۳۵، ص۷۱.
۲. همان، ج۷۷، ص۳۱۹.
۳. **وسائل الشیعة**، ج۲، ص۱۷۱.

أَحَدُكُم بِهِ فَلايَرُدَّهُ؛[1] هرگاه به یکی از شما گلی هدیه شد، آن را ببوید و بر چشم بگذارد؛ زیرا از بهشت آمده است و هر گاه به یکی از شما گلی هدیه گردید، رد نکند.

گل آزادی‌بخش

۱۳۰۱-۲۱ انس می‌گوید:

كُنتُ عِندَ الحُسين عليه السلام، فَدَخَلَتْ عَلَيهِ جارِيَةٌ فَحَيَّتْهُ بِطاقَةِ رَيْحانٍ، فَقالَ لَها: «أنتِ حُرَّةٌ لِوَجهِ اللهِ». يَقُولُ اَنَس: فَقُلتُ لَهُ: «تَجيئُكَ بِطاقَةِ رَيْحانٍ لاخَطَرَ لَها فَتُعْتِقُها؟!» قالَ: «كَذا أدَّبَنا اللهُ، قالَ اللهُ: ﴿وَإِذَا حُيِّيتُم بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَآ أَوْ رُدُّوهَآ﴾[2]، وَ كانَ أَحسَنُ مِنْها عِتقُها»؛[3] نزد امام حسین علیه السلام بودم. کنیزی بر او وارد شد و دسته‌گلی را به حضرت هدیه داد؛ پس حضرت به او فرمود: «به‌خاطر خدا تو را آزاد کردم». من گفتم: «با دسته گلی که قیمتی نداشت نزد تو آمد و تو آزادش کردی؟» فرمود: «آری، خداوند ما را این‌گونه تربیت کرده است؛ همان خدایی که فرمود: «هرگاه برای شما هدیه‌ای آوردند، به بهتر از آن هدیه دهید یا همانند آن را برگردانید» و نیکوتر از دسته گل، آزاد کردنش بود».

گل توحید

۱۳۰۲-۲۲ شخصی از اهالی چین خدمت امام صادق علیه السلام رسید. حضرت به او فرمود:

«تَعرِفُونَنا بِالصِّينِ؟» قالَ: نَعَمْ. قالَ عليه السلام: «بِمَ؟» قالَ: عِندَنا وَرودَةٌ نَجِدُ مَكتُوباً عَلى وَرْدِها أَوَّلُ النَّهارِ: «لا إلهَ إلاّ اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ» وَ فى آخِرِهِ: «لا إلهَ إلاّ اللهُ عليٌّ خَليفَةُ رَسُولِ اللهِ»؛[4] فردی از چین خدمت امام صادق علیه السلام رسید. امام از او پرسید: «شما در چین، ما را می‌شناسید؟» عرض کرد: آری. فرمود: «چه‌طور؟» آن مرد گفت: نزد ما گلی است که در ابتدای

---

۱. **الکافی**، ج۶، ص۵۲۴.
۲. نساء/۸۶.
۳. **کشف‌الغمة**، ج۲، ص۲۰۶؛ **بحارالأنوار**، ج۴۳، ص۳۴۳.
۴. **الصراط المستقیم**، ج۱، ص۱۰۸.

روز، روی برگش عبارت: «لا إله إلا الله، محمّد رسول الله» نقش می‌بندد و در آخر روز عبارت: «لا إله إلا الله، عليٌّ خليفة رسول الله» دیده می‌شود.

گل علوی

۱۳۰۳-۲۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

جاءَنی جَبْرَئیلُ مِنْ عِندَ اللهِ بِوَرَقَةِ آسٍ خَضراءِ مَکْتُوبٍ فیها بِبَیاضٍ: «إِنّی افتَرَضْتُ مَحبَّةَ عَلِیٍّ عَلَی خَلقِی؛ فَبَلِّغْهُم ذلكَ عَنّی»[1]؛ جبرئیل از نزد خداوند یک برگ درخت مورد، برای من آورد که بر آن برگ سبز با رنگ روشنی نوشته بود: «من محبت ورزیدن به علی را بر خلق خودم واجب نمودم؛ پس این مطلب را از طرف من به مردم بگو».

بهار، فصل گل‌ها

۱۳۰۴-۲۴ امام صادق علیه السلام:

فِی الرَّبیعِ تَتَحرَّكُ وَ تَظهَرُ المَوادُّ المُتَوَلِّدَةُ فِی الشِّتاءِ فَیطلُعُ النَّباتُ وَ تَنَوَّرُ الأشجارُ؛[2] در بهار موادّی که در زمستان از اشجار و نباتات پدید آمده، به حرکت می‌آیند، و گیاه‌ها و گل‌ها و شکوفه‌ها می‌رویند.

طلب رویش گل

۱۳۰۵-۲۵ امام سجاد علیه السلام:

اَللّهُمَّ اسْقِنَا الْغَیْثَ، وَ انْشُرْ عَلَیْنَا رَحْمَتَكَ بِغَیْثِكَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ الْمُنْسَاقِ لِنَبَاتِ أَرْضِكَ الْمُونِقِ فِی جَمِیعِ الْآفَاقِ، وَ امْنُنْ عَلَی عِبَادِكَ بِإِینَاعِ الثَّمَرَةِ، وَ أَحْیِ بِلَادَكَ بِبُلُوغِ الزَّهَرَةِ؛[3] خدایا! باران بفرست و از ابری که در آفاق است و بارش گسترده آن، باعث رویش

---

۱. **أمالی**، شیخ طوسی، ص۶۱۹.
۲. **توحید مفضل**، ص۱۲۹.
۳. **الصحیفةالسجادیة**، ص۹۰.

گیاهان می‌شود، رحمت خود را بر ما ارزانی دار. خدایا! با به ثمر رسیدن میوه‌ها، بر بندگانت منت گذار و با شکفتن گل‌ها زمین خود را زنده نمای.

گل آس

۱۳۰۶-۲۶ امام صادق علیه‌السلام:

اَلرَّيْحَانُ وَاحِدٌ وَ عِشْرُونَ نَوْعاً سَيِّدُهَا الآسُ؛[۱] برگ‌های خوش‌بو ۲۱ گونه‌اند و سید و آقای آن‌ها «مورد» است.

هدیه گل

۱۳۰۷-۲۷ امام حسن مجتبی علیه‌السلام:

حَبَانِي رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله بِالْوَرْدِ بِكِلْتَا يَدَيْهِ فَلَمَّا أَدْنَيْتُهُ إِلَى أَنْفِي قَالَ أَمَا إِنَّهُ سَيِّدُ رَيْحَانِ الْجَنَّةِ بَعْدَ الآسِ؛[۲] رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، گل سرخی به من داد. هنگامی که آن را نزدیک بینی خود بردم، فرمود: «بدان که این گل، آقا و سید گل‌های بهشت، پس از مُورد است».

گل ابراهیم علیه‌السلام

۱۳۰۸-۲۸ امام رضا علیه‌السلام:

لِلنَّرْجِسِ فَضائِلُ كَثيرة فِي شَمِّهِ وَ دُهنِهِ وَ لَمَّا اضرَمَتِ النّارُ لِإبراهيمَ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِ فَجَعَلَها اللهُ عَزَّوَجَلَّ بَرداً وَ سَلاماً أَنبَتَ اللهُ تَبارَكَ وَ تَعالى فى تِلكَ النّارِ النَّرْجِسَ، فَأَصلُ النَّرْجِسَ مِمّا أَنْبَتَ اللهُ تَعالى فى ذلكَ الزَّمانِ؛[۳] گل نرگس فواید زیادی دارد؛ هم بوییدن آن و هم روغن آن، و هنگامی که آتش را برای ابراهیم علیه‌السلام افروختند و خداوند آن را سرد و مایه سلامت قرار داد، خداوند در آن آتش، گل نرگس رویانید؛ پس اصل گل نرگس از همان زمان است.

---

۱. **الکافی**، ج۶، ص۵۲۵.
۲. **مکارم‌الأخلاق**، ص۴۵.
۳. **بحارالأنوار**، ج۷۳، ص۱۴۷.

گل نرگس

۱۳۰۹-۲۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

شُمُّوا النَّرْجِسَ ولَوْ فِی الْیَوْمِ مَرَّةً وَلَوْ فِی الأُسبُوعِ مَرَّةً وَلَوْ فِی الشَّهْرِ مَرَّةً وَلَوْ فِی الدَّهْرِ مَرَّةً وَلَوْ فِی السَّنَةِ مَرَّةً، فَاِنَّ فِی الْقَلْبِ حَبّةً مِنَ الْجُنُونِ وَالْجُذامِ وَالْبَرَصِ وَشَمُّهُ یَقْلَعُها؛[1]

گل نرگس را ببویید؛ اگر می‌توانید در هر روز یک مرتبه، و اگر نمی‌توانید در هر هفته یک مرتبه و یا در هر ماه یک مرتبه و یا در هر مدتی یک مرتبه و یا در سال یک مرتبه؛ زیرا در قلب، مقداری (زمینه‌ای) از جنون و جذام و برص هست که بوییدن آن این امراض را از بین می‌برد.

گل نرگس درمان سرماخوردگی

۱۳۱۰-۳۰ امام رضا علیه السلام درباره ماه نیسان[2] فرمود:

وَ لاتُؤَخِّرْ شَمَّ النَّرجِسِ فَإنَّهُ یَمنَعُ الزُّکامَ فی مُدَّةِ أیّامِ الشِّتاءِ؛[3] [در این ماه] بوییدن گل نرگس را به تأخیر نینداز؛ چون بوییدن این گل مانع سرماخوردگی در ایام سرد و زمستان خواهد شد.

گل یاسمین

۱۳۱۱-۳۱ علی بن یقطین گوید:

کَتَبْتُ إلَی أبِی الْحَسَنِ الرِّضا علیه السلام أنِّی أجِدُ بَرْداً شَدِیداً فِی رَأْسِی حَتَّی إذَا هَبَّتْ عَلَیَّ الرِّیاحُ کِدْتُ أنْ یُغْشَی عَلَیَّ فَکَتَبَ إلَیَّ عَلَیْکَ بِسُعُوطِ الْعَنْبَرِ وَ الزَّنْبَقِ بَعْدَ الطَّعَامِ تُعَافَی مِنْهُ بِإذْنِ اللهِ تَعَالَی؛[4] به امام رضا علیه السلام نوشتم: «من در سرم سردی شدیدی حس می‌کنم؛

---

۱. همان، ج۵۹، ص۲۹۹.
۲. اواخر فروردین و اوایل اردیبهشت.
۳. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱، ص۴۳۸.
۴. **بحارالأنوار**، ج۵۹، ص۱۴۳.

به طوری که اگر بادی بوزد، نزدیک است غش کنم». در پاسخ من نوشت: «پس از غذا، عنبر و زنبق را استشمام کن؛ ان شاء الله نجات پیدا می‌کنی».

مرزنجوش، دوای چشم

۱۳۱۲-۳۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

نِعْمَ الرَّيْحانُ المَرزَنجُوشُ، يُنبِتُ تحتَ ساقِ العَرْشِ وَ ماءُهُ شِفاءُ الْعَينِ؛[1] بهترین سبزی، مرزنجوش است که تحت ساق عرش روییده است و آبش شفای چشم است.

گل حنا

۱۳۱۳-۳۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

سَيِّدُ إدامِ أهلِ الدُّنيا وَ الآخرةِ اللَّحْمُ، وَ سَيِّدُ رَياحينِ أهْلِ الْجَنَّةِ الفاغِيةُ؛ هِيَ نَورُ الحَنّاءِ؛[2] برترین نان و خورش اهل دنیا و آخرت گوشت است و برترین سبزیای بهشتیان شکوفه درخت حناست.

استفاده از گل‌ها

۱۳۱۴-۳۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

كُلِ الْفَاكِهَةَ فِي إِقْبَالِ دَوْلَتِهَا وَ أَفْضَلُهَا الرُّمَّانُ وَالْأُتْرُجُّ وَ مِنَ الرَّيَاحِينِ الْوَرْدُ وَ الْبَنَفْسَجُ؛[3] میوه‌ها را در آغاز فصلش میل کنید و افضل میوه‌ها انار است و بالنگ و از بوییدنی‌ها، گل سرخ و گل بنفشه.

---

۱. **مکارم‌الأخلاق**، ص۴۷.
۲. **الفائق فی غریب الحدیث**، ج۳، ص۴۲؛ **المعجم الکبیر**، ج۱، ص۲۵۴.
۳. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱، ص۴۳۴.

گل و سنبل

۱۳۱۵-۳۵ امام رضا علیه‌السلام در آداب نوره کشیدن فرمود:

يُدَلِّكُ الْجَسَدَ بَعْدَ الْخُرُوجِ مِنْهَا بِشَيْءٍ يَقْلَعُ رَائِحَتَهَا كَوَرَقِ الْخَوْخِ وَ ثَجِيرِ الْعُصْفُرِ وَ الْحِنَّاءِ وَ الْوَرْدِ وَ السُّنْبُلِ مُفْرَدَةً أَوْ مُجْتَمِعَةً؛[1] برای از بین بردن بوی آن، از برگ هلو و عصاره گیاه قرطم و حنا و گل سرخ و خوشه‌های خوش‌بو استفاده کنید؛ یا از یکی از این‌ها، یا ترکیبی از همه موارد ذکر شده.

گل را ببویید

۱۳۱۶-۳۶ امام رضا علیه‌السلام درباره ماه نیسان سفارشاتی فرمود از جمله:

وَلاَيُشْرَبُ الْمَاءُ عَلَى الرِّيقِ وَ يُشَمُّ الرَّيَاحِينُ وَ الطِّيبُ؛[2] در ماه نیسان نوشیدن آب ناشتا مفید نیست؛ بلکه بوییدن سبزی‌های خوشبو و معطر، سودمند است.

گل دلپذیر

۱۳۱۷-۳۷ امام رضا علیه‌السلام درباره ماه تموز[3] سفارشاتی فرمود از جمله:

يُسْتَعْمَلُ فِيهِ مِنَ النَّوْرِ وَ الرَّيَاحِينِ الْبَارِدَةِ الرَّطْبَةِ الطَّيِّبَةِ الرَّائِحَةِ؛[4] از گل‌ها و شکوفه‌های خنک، مرطوب و خوش‌بو استفاده شود.

مُحرِم و تماس با گل

۱۳۱۸-۳۸ امام صادق علیه‌السلام:

لاَتَمَسَّ رَيْحَاناً وَ أَنْتَ مُحْرِمٌ؛[5] در حالی که مُحرم هستی، هیچ سبزی معطری را لمس نکن.

---

۱. همان، ص ۳۹۰.
۲. **بحارالأنوار**، ج ۵۹، ص ۳۱۲.
۳. **معادل مرداد ماه**، فرهنگ عمید ذیل واژه تموز.
۴. **بحارالأنوار**، ج ۵۹، ص ۳۱۳.
۵. **الکافی**، ج ۴، ص ۳۵۵.

روزه و بوییدن گل

۱۳۱۹-۳۹ امام صادق علیه‌السلام:

أَنَّهُ كُرِهَ لِلصَّائِمِ شَمُّ الطِّيبِ و الرَّيْحَانِ وَ الْإِرْتِمَاسُ فِي الْمَاءِ خَوْفاً مِنْ أَنْ يَصِلَ مِنْ ذَلِكَ فِي حَلْقِهِ شَيْءٌ؛[1] برای روزه‌دار کراهت دارد که از عطر استفاده کند و گیاه خوش‌بو را ببوید و یا در آب فرو رود؛ زیرا احتمال دارد به حلقش چیزی برسد.

ماه و گل

۱۳۲۰-۴۰ احمد بن محمّد بن ابی‌نصر می‌گوید:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا علیه‌السلام فَأَخْرَجَ إِلَيْنَا خَاتَمَ أَبِي‌عَبْدِالله علیه‌السلام وَ خَاتَمَ أَبِي الْحَسَنِ علیه‌السلام وَ كَانَ عَلَى خَاتَمِ أَبِي‌عَبْدِالله علیه‌السلام: «أَنْتَ ثِقَتِي فَاعْصِمْنِي مِنَ النَّاسِ» وَ نَقْشُ خَاتَمِ أَبِي الْحَسَنِ علیه‌السلام: «حَسْبِيَ اللهُ» وَ فِيهِ وَرْدَةٌ وَ هِلَالٌ فِي أَعْلَاهُ؛[2] در خدمت امام رضا علیه‌السلام بودم که انگشتر امام صادق و امام کاظم علیهما‌السلام را برای ما آورد. روی انگشتر امام صادق علیه‌السلام این جمله حک شده بود: «خدایا! تو پشتیبان من هستی؛ پس مرا از مردم (شرور) حفظ کن». و روی انگشتر امام کاظم علیه‌السلام این جمله نقش بسته بود: «خدا مرا بس است»، و روی انگشتر، تصویر یک گل بود که در بالای آن نقش یک هلال نیز دیده می‌شد.

---

۱. **مستدرک‌الوسائل**، ج۷، ص۳۲۳.
۲. **الکافی**، ج۶، ص۴۷۳.

چهل حدیث گناه

علی امامی

گناه، عامل سقوط انسانی از «انسانیّت» است.

آن‌که مدّعی بندگی و مسلمانی است، باید با اطاعت و فرمانبرداری، گواهی بر عبودیت و اسلام خویش آورد و اگر لغزید و معصیت کرد، با نردبان توبه فرا رود و بار دیگر پرواز در آسمان ایمان و عرفان را آغاز کند.

در این راه، شناخت گناه و پیامدهای آن، نخستین گام است؛ یعنی این‌که بدانیم چه چیزهایی بر خلاف فرمان و رضای آفریدگار ما است و از چه کارهایی نهی شده‌ایم، تا با ترک آن‌ها مسیر پاکی و بندگی را طی کنیم.

توجه به آثار و پیامدهای گناه نیز مهمّ است، چه عواقبی که در دنیا گریبان‌گیر خود گناه‌کار و خانواده و نسل او می‌شود، چه آثاری که در آخرت دارد و برای معصیت‌کار، سرنوشت تلخِ دوزخ را رقم می‌زند.

پیوند بحث «توبه» با «گناه» هم روشن است. چه باید کرد که از عوارض سوءِ گناه رها شد؟ بی‌شک «توبه» یکی از مناسب‌ترین راه‌ها است.

در احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام نمونه‌های فراوانی از گناهان ذکر شده و آثار و پیامدهای آن‌ها نیز آمده و راه‌های ترک گناه و آداب توبه نیز مطرح شده است و از «یاد خدا» و «یاد مرگ»، «یاد آخرت» به عنوان مهم‌ترین عوامل بازدارنده از گناه یاد شده است.

اسب چموش گناه

۱۳۲۱-۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

أَلَا وَ إِنَّ الخَطايَا خَيلٌ شُـمُسٌ حُمِلَ عَلَيْها أَهْلُها وَخُلِعَت لُجُمُها فَتَقَحَّمَتْ بِهِم في النَّارِ؛[1] بدانید که گناهان، اسـبان چموشی هستند که اهل گناه بر آن‌ها نشسته و لگام‌هایشان رها شده است؛ پس سوارانشان را در آتش می‌افکنند.

بیماری گناه

۱۳۲۲-۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

الذُّنُوبُ الدّاءُ و الدَّواءُ الاِسْتِغفارُ، وَ الشِّفاءُ أَنْ لاتَعُودَ؛[2] گناهان دردند و دارو [ی آن‌ها] استغفار است و شفایش به این است که به گناه باز نگردی.

قلاّده گناه

۱۳۲۳-۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

بِئسَ القِلادَةُ قِلادَةُ الآثامِ؛[3] قلاّده گناهان، بد قلاّده‌ای است!

---

۱. **الکافی**، ج۸، ص۶۷.
۲. **غرر الحکم**، ص۱۹۴.
۳. همان، ص۱۸۵.

ترک گناه، نوعی جهاد

۱۳۲۴-۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَن صَبَرَ عَن مَعصِيَةِ اللهِ فَهُوَ كَالمُجَاهِدِ فِي سَبيلِ اللهِ؛[۱] هرکس از نافرمانی خداوند خودداری کند، مانند کسی است که در راه خدا جهاد کرده است.

غفلت از خدا

۱۳۲۵-۵ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

يا أَبَاذَرٍّ! لاتَنْظُرْ إلى صِغَرِ الخَطيئَةِ وَ لَكِنِ انْظُرْ إلى مَن عَصَيْتَ؛[۲] ای اباذر! به کوچکی گناه نگاه مکن؛ بلکه به آن کس که او را نافرمانی کرده‌ای نگاه کن.

شکم و شهوت

۱۳۲۶-۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

أَكْثَرُ ما يُدْخَلُ بِهِ النّارُ مِنْ أُمَّتِي الأَجْوَفَانِ... الْفَرْجُ وَالْفَمُ؛[۳] دو چیزِ میان‌تهی، بیش از هر چیز دیگر، امّت مرا به دوزخ می‌کشد... فرج و دهان.

قطره قطره جمع گردد...

۱۳۲۷-۷ امام کاظم علیه السلام:

لاتَستَقِلُّوا قَليلَ الذُّنُوبِ فإنَّ قَليلَ الذُّنوبِ يَجتَمِعُ حَتّى يَكُونَ كَثيراً؛[۴] گناهان اندک را کم مشمارید؛ زیرا همین گناهان اندک، روی هم جمع می‌گردند و زیاد می‌شوند.

---

۱. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۱، ص۲۸۷.
۲. **أمالی**، شیخ طوسی، ص۵۲۸.
۳. **وسائل‌الشیعة**، ج۲۰، ص۳۵۸.
۴. **أمالی**، شیخ مفید، ص۱۵۷.

ازگناه کوچک تا بزرگ

۱۳۲۸-۸ امام رضا علیه‌السلام:

اَلصَّغائِرُ مِنَ الذُّنُوبِ طُرُقٌ إِلَى الكَبائِرِ؛[۱] گناهان کوچک راه‌هایی به سوی گناهان بزرگند.

انگیزه‌های گناه

۱۳۲۹-۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلْحِرْصُ وَ الْكِبرُ وَالحَسَـدُ دَواعٍ إلى التَّقَحُّمِ فِى الذُّنُوبِ؛[۲] آزمندی، تکبّر و حسـادت، انگیزه‌های فرو رفتن در گناهانند.

نحسی گناه

۱۳۳۰-۱۰ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اَلذَّنْبُ شُؤمٌ عَلَى غيرِ فاعِلِهِ، إنْ عَيَّرَهُ ابتُلِيَ، و إنِ اغتابَهُ أثِمَ، وَ إن رَضِيَ بِهِ شارَكَهُ؛[۳] گناه برای غیر گنه‌کار [نیز] شوم است؛ [زیرا] اگر گنه‌کار را سرزنش کند، به همان گرفتار شود، اگر از او غیبت کند گنه‌کار شود و اگر به گناه رضایت دهد، در آن شریک شود.

مصیبت‌بار

۱۳۳۱-۱۱ امام باقر علیه‌السلام:

ما مِنْ نَكبَةٍ تُصيبُ الْعَبدَ إلّا بِذَنبٍ؛[۴] هیچ گرفتاری جز در اثر گناه به انسان نمی‌رسد.

---

۱. **عیون أخبار الرضا** علیه‌السلام، ج۲، ص۱۸۰.
۲. **نهج‌البلاغة**، حکمت، ۳۷۱.
۳. **الفردوس**، ج۲، ص۲۴۹.
۴. **الکافی**، ج۲، ص۲۶۹.

گناهان آتشین

۱۳۳۲-۱۲ امام صادق علیه‌السلام:

اَلْکَبائِرُ الَّتی أوجَبَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَیْها النّارَ؛[۱] گناهان کبیره، آن‌هایی است که خداوند متعال (مرتکب) آن‌ها را مستوجب آتش دانسته است.

بزرگ‌ترین گناهان

۱۳۳۳-۱۳ امام صادق علیه‌السلام:

أَکْبَرُ الکَبائِرِ سَبْعَةٌ: الشِّرکُ بِاللهِ وَ عُقوقُ الوالِدَینِ وَ أکلُ مالِ الیَتیمِ ظُلماً وَ أکلُ الرِّبَا بَعدَ البَیِّنَةِ وَ قَتلُ النَّفْسِ الَّتی حَرَّمَ اللهُ وَ قَذْفُ المُحْصَنَةِ وَ الْفِرارُ مِنَ الزَّحْفِ؛[۲]

بزرگ‌ترین گناهان هفت تاست: شرک به خدا، نافرمانی پدر و مادر، خوردن مال یتیم از روی ستم، خوردن ربا پس از آمدن دلیل و حجّت، کشتن کسی که خداوند خون او را حرام کرده، نسبت زنا دادن به زن پاک‌دامن و فرار کردن از میدان نبرد.

تکرار گناه

۱۳۳۴-۱۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَعْظَمُ الذُّنُوبِ عِندَاللهِ ذَنْبٌ أَصَرَّ عَلَیهِ عامِلُهُ؛[۳] بزرگ‌ترین گناهان نزد خدا گناهی است که کننده‌اش بر آن اصرار ورزد.

تأثیر سریع گناه

۱۳۳۵-۱۵ امام صادق علیه‌السلام:

اِنَّ الْعَمَلَ السَّیِّئَ أَسْرَعُ فِی صَاحِبِهِ مِنَ السِّکِّینِ فِی اللَّحْمِ؛[۴] تأثیر کار زشت در انسان گنه‌کار، سریع‌تر از تأثیر کارد در گوشت است.

---

۱. همان، ص۲۷۶.
۲. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۱، ص۳۵۷.
۳. **غرر الحکم**، ص۱۸۷.
۴. **المحاسن**، ج۱، ص۱۱۵.

برباد دهنده نعمت

۱۳۳۶-۱۶ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

مـا زالَتْ نِعمَةٌ وَ لانَضـارَةُ عَيشٍ إلّا بِذُنُوبٍ اجْتَرَحُـوا؛[۱] هیچ نعمتی و هیچ خرّمی زندگی‌ای زائل نشد، مگر به سبب گناهانی که مرتکب شدند.

خوشبخت‌ترین فرد

۱۳۳۷-۱۷ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

أسعَدُ النّاسِ مَن تَرَكَ لَذَّةً فانيةً لِلَذَّةٍ باقِيَةٍ؛[۲] خوش‌بخت‌ترین مردم کسی است که برای لذّت باقی، دست از لذّت زودگذر بردارد.

گناه نو، بلای نو

۱۳۳۸-۱۸ امام رضا علیه‌السلام:

كُلَّما أحْدَثَ العِبادُ مِنَ الذُّنُوبِ ما لَمْ يَكونوا يَعمَلُونَ، أحْدَثَ اللهُ لَهُمْ مِنَ البَلاءِ ما لَمْ يَكُونوا يَعْرِفُونَ؛[۳] هرگاه بندگان، گناهان جدیدی را بیاورند که قبلاً انجام نمی‌دادند، خداوند هم بلاهای جدیدی را برای آنان می‌آورد که قبلاً از آن آگاه نبودند.

کاهش عمر

۱۳۳۹-۱۹ امام صادق علیه‌السلام:

مَنْ يَمُوتُ بِالذُّنوبِ أكْثَرُ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالآجالِ؛[۴] شمار کسانی که در اثر گناهان می‌میرند، بیش از کسانی است که در اثر اتمام عمر می‌میرند.

---

۱. **الخصال**، ج۲، ص۶۲۴.
۲. **غرر الحکم**، ص۱۶۷.
۳. **الکافی**، ج۲، ص۲۷۵.
۴. **مجموعة ورام**، ج۲، ص۸۷.

هجوم آفت‌ها

۱۳۴۰-۲۰ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنْ تَسَرَّعَ إِلَى الشَّهَواتِ تَسَرَّعَ إِلَيْهِ الْآفاتُ؛[۱] هرکس به سوی شهوت‌ها و تمایلات بشتابد، آفات به سویش می‌شتابد.

گناه و کاهش رزق

۱۳۴۱-۲۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

إِحذَرُوا الذُّنُوبَ فَإِنَّ العَبدَ لَيُذنِبُ فَيَحْبِسُ عَنهُ الرِّزقُ؛[۲] از گناهان پرهیز کنید، که به سبب گناه، جلوی روزی بنده گرفته می‌شود.

گناه و خشکسالی

۱۳۴۲-۲۲ امام باقر علیه‌السلام:

إِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ إذا عَمِلَ قَومٌ بِالمَعاصِي صَرَفَ عَنهُمْ ما كانَ قَدَّرَ لَهُم مِنَ المَطَرِ؛[۳] هرگاه مردمی مرتکب گناهان شوند، خداوند متعال بارانی را که برای آنان مقدّر کرده بود، از ایشان باز دارد.

گناه و سیاهی قلب

۱۳۴۳-۲۳ امام صادق علیه‌السلام:

إذا أذنَبَ الرَّجُلُ خَرَجَ فی قَلْبِهِ نُكْتَةٌ سَوداءُ فَإِنْ تابَ إِنْمَحَتْ وَإِنْ زادَ زادَتْ؛[۴] هرگاه آدمی گناه کند، نقطه‌ای سیاه در دلش نمودار می‌گردد؛ اگر توبه کند، سیاهی محو می‌شود، و اگر بر گناهان بیفزاید، آن سیاهی بیش‌تر می‌شود.

---

۱. **غرر الحکم**، ص۳۰۴.
۲. **الخصال**، ج۲، ص۶۲۰.
۳. **ثواب الأعمال**، ص۲۵۲.
۴. **الکافی**، ج۲، ص۲۷۱.

گناه و کوچ عقل

۱۳۴۴-۲۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَن قارَفَ ذَنباً فارَقَهُ عَقْلٌ لایَرجِعُ اِلَیهِ اَبَداً؛[۱] هرکس گناهی را مرتکب شود، عقلی از او جدا شود که دیگر هرگز باز نگردد.

گناه و تباهی قلب

۱۳۴۵-۲۵ امام صادق علیه السلام:

ما مِن شَیْءٍ اَفسَدَ لِلقَلبِ مِن خَطیئَةٍ؛[۲] هیچ چیز بیشتر از گناه، دل را تباه نمی‌کند.

گناه و سنگدلی

۱۳۴۶-۲۶ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

ما قَسَتِ القُلُوبُ اِلاّ لِکَثْرَةِ الذُّنُوبِ؛[۳] دل‌ها سخت نمی‌شود، مگر به سبب گناهان زیاد.

سلب توفیق!

۱۳۴۷-۲۷ امام صادق علیه السلام:

إِنَّ الرَّجُلَ لَیُذْنِبُ الذَّنْبَ فَیُحْرَمُ صَلاةَ اللَّیلِ؛[۴] آدمی گاهی مرتکب گناه می‌شود و در اثر آن از نماز شب محروم می‌گردد.

خواری معصیت

۱۳۴۸-۲۸ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

مَنْ عَصَی اللهَ ذَلَّ قَدْرُهُ؛[۵] هرکس نافرمانی خدا کند، مقامش پست و خوار گردد.

---

۱. **المحجة البیضاء**، ج۸، ص۱۶۰.
۲. **الکافی**، ج۲، ص۲۶۸.
۳. **علل الشرائع**، ج۱، ص۸۱.
۴. **المحاسن**، ج۱، ص۱۱۵.
۵. **غرر الحکم**، ص۱۸۶.

جهنم، سرای گنه‌کاران

۱۳۴۹-۲۹ در موعظه‌های خداوند به حضرت عیسی علیه‌السلام در مورد برزخ این‌گونه آمده است:

هِیَ دَارُ الْجَبَّارِیـــنَ و العُتَاةِ الظَّالِمِینَ وَ کُلِّ فَظٍّ غَلِیـــظٍ وَ کُلِّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ؛[1] [دوزخ] سرای جبّاران و سرکشان ستمگر است و جایگاه هر تندخوی خشن و هر متکبّر مغروری است.

اندوه، کفّاره گناه

۱۳۵۰-۳۰ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

إذا کَـــثُرَتْ ذُنوبُ المُؤمِنِ وَلَم یَکُنْ لَهُ مِـــنَ العَمَلِ ما یُکَفِّرُها اِبتَلاهُ اللهُ بِالْحُزنِ لِیُکَفِّرَها بِهِ عَنهُ؛[2] هرگاه گناهان مؤمن زیاد شـــود و او را عملی نباشـــد که آن گناهان را پاک گرداند، خداوند او را به اندوه مبتلا سازد، تا بدان سبب گناهانش را بزداید.

بلا و گرفتاری

۱۳۵۱-۳۱ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

إنَّ المُؤمِـــنَ إذَا قَارَفَ الذُّنُوبَ ابتُلِیَ بِهَا بِالفَقرِ فَإن کَانَ فِی ذَلِكَ کَفَّارَةٌ لِذُنُوبِهِ وَ إلَّا اُبتُـــلِیَ بِالمَرَضِ فَإن کَانَ ذَلِكَ کَفَّارَةً لِذُنُوبِهِ وَ إلَّا اُبتُلِیَ بِالخَوفِ مِنَ السُّـــلطَانِ یَطلُبُهُ فَإن کَانَ ذَلِكَ کَفَّارَةً لِذُنُوبِهِ وَ إلَّا ضُیِّقَ عَلَیهِ عِندَ خُرُوجِ نَفسِـــهِ حَتَّی یَلقَی اللهَ حِینَ یَلقَـــاهُ وَمَا لَهُ مِن ذَنبٍ یَدَّعِیهِ عَلَیهِ فَیَأمُرُ بِهِ إلَی الجَنَّةِ؛[3] هرگاه مؤمن گناه کند، به ســـبب گناهان گرفتار فقر می‌شود؛ اگر آن فقر، گناهانش را پاک نکرد، به بیماری مبتلا شود؛ و اگر آن هم گناهانش را نزدود، به ترس از تعقیب قدرت حاکمه گرفتار آید؛ و اگر این نیز گناهان را پاک نکرد،

---

۱. **الکافی**، ج۸، ص۱۳۶.
۲. **الدعوات**، ص۱۲۰.
۳. **بحارالأنوار**، ج۷۸، ص۱۹۹.

هنگام مردن به سختی جان دهد، تا آن که سرانجام خدا را بدون گناهی که به سبب آن بازخواست شود، دیدار کند و دستور رسد که او را به بهشت برند.

غم، پاک‌کننده گناهان

۱۳۵۲-۳۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

إنَّ مِنَ الذُّنوبِ ذُنوباً لا يُكَفِّرُها صَلاةٌ وَلا صَومٌ. قيلَ: «يا رَسولَ اللهِ صلی الله علیه و آله، فَما يُكَفِّرُها؟» قالَ صلی الله علیه و آله: «الهُمُومُ فِي طَلَبِ المَعيشَةِ»؛[1] در میان گناهان گناهی هست که هیچ نماز و روزه‌ای آن‌ها را نمی‌زداید. عرض شد: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! پس چه چیز آن‌ها را می‌زداید؟» فرمود: «اندوه در راه کسب گذران زندگی».

کار نیک، محوکننده گناه

۱۳۵۳-۳۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

إذا عَمِلتَ سَيِّئَةً فَاعْمَلْ حَسَنَةً تَمْحُوهَا؛[2] هرگاه کار بدی کردی، کار خوبی انجام بده که آن، بدی را پاک می‌کند.

صلوات، کفّاره گناهان

۱۳۵۴-۳۴ امام رضا علیه السلام:

مَن لَم يَقْدِرْ عَلى ما يُكَفِّرُ بِهِ ذُنوبَهُ فَلْيُكْثِرْ مِنَ الصَّلاةِ عَلى مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و آلِهِ علیهم السلام، فَإنَّها تَهدِمُ الذُّنوبَ هَدماً؛[3] هرکس نمی‌تواند کاری کند که به سبب آن گناهان زدوده شود، بر محمّد صلی الله علیه و آله و خاندان او علیهم السلام بسیار درود فرستد؛ زیرا صلوات زیاد، گناهان را کاملاً ریشه‌کن می‌کند.

---

۱. **الدعوات**، ص۵۶.
۲. **أمالی**، شیخ طوسی، ص۱۸۶.
۳. **روضة الواعظین**، ص۳۵۳.

یاد خدا، بازدارنده از گناه

۱۳۵۵-۳۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

ذِكْرُ اللهِ دِعامَةُ الإيمانِ وَ عِصمَةٌ مِنَ الشَّيطانِ؛[۱] یاد خدا، ستون ایمان و حفظ‌کننده از شیطان است.

صله رحم، نگهبان از گناه

۱۳۵۶-۳۶ امام صادق علیه‌السلام:

إِنَّ صِلَةَ الرَّحِمِ وَالبِرَّ لَيُهَوِّنَانِ الحِسَابَ وَ يَعصِمَانِ مِنَ الذُّنُوبِ؛[۲] همانا صله رحم و نیکوکاری، حساب‌رسی را آسان می‌کند و از گناهان مصون می‌دارد.

آمرزش الهی و ترک گناه

۱۳۵۷-۳۷ امام صادق علیه‌السلام:

مَنِ اجْتَنَبَ الكَبَائِرَ كَفَّرَ اللهُ عَنهُ جَمِيعَ ذُنُوبِهِ؛[۳] کسی که از گناهان کبیره دوری گزیند، خداوند تمام گناهان او را می‌آمرزد.

مصونیت از آتش دوزخ

۱۳۵۸-۳۸ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مَن عَرَضَتْ لَهُ فَاحِشَةٌ أو شَهوَةٌ فَاجتَنَبَهَا مِن مَخَافَةِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَرَّمَ اللهُ عَلَيهِ النَّارَ؛[۴] هرکس کار زشت یا گناهی که به آن تمایل دارد برای او پیش بیاید و از ترس خدا از آن دوری گزیند، خداوند آتش را بر او حرام می‌گرداند.

---

۱. **غرر الحکم**، ص۱۸۸.
۲. **تحف‌العقول**، ص۳۷۶.
۳. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۳، ص۵۷۵.
۴. **أمالی**، شیخ صدوق، ص۵۱۴.

سایه‌سار رحمت

۱۳۵۹-۳۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

سَبعَةٌ يُظِلُّهُمُ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لاظِلَّ إِلّا ظِلُّهُ... رَجُلٌ دَعَتْهُ امرَأَةٌ ذَاتُ حَسَبٍ وَ جَمَالٍ فَقَالَ: «إِنِّي أَخَافُ اللهَ»؛[1] هفت کس را خداوند ـ روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه او نیست ـ سایه بر سرشان می‌افکند... (یکی هم) مردی که زنی زیبا و دارای حسب، او را به سوی خودش بخواند و مرد بگوید: «من از خداوند می‌ترسم».

آثار ترک گناه

۱۳۶۰-۴۰ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَن تَرَكَ مَعصِيَةَ اللهِ مَخَافَةَ اللهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَرضَاهُ اللهُ يَومَ القِيَامَةِ؛[2] هرکس از ترس خدا دست از نافرمانی خدا بردارد، خداوند او را روز قیامت خشنود می‌سازد.

---

۱. **الخصال**، ج۲، ص۳۴۳.

۲. **مجموعة ورام**، ج۲، ص۱۸۷.

چهل حدیث مادر

مهدی عبدی

مادر از ارزشمندترین نعمت‌های الهی است که حق عظیمی بر فرزند دارد.

گوهر وجود مادر، تا هست چه بسا ناشناخته است و چون از دست می‌رود، قدرش آشکار می‌گردد. خوشا به حال آنان که حق‌شناس‌اند و قدر و قیمت و حرمت مادر را می‌شناسند و کمر همّت برای احسان و نیکی به مادر می‌بندند و از این راه، بهشت را برای خود می‌خرند.

توصیه‌های مؤکّد و مکرّر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام نسبت به مادر و توجّه دادن به زحمات و فداکاری‌های عاشقانه این فرشته خاکی، ما را با تکلیف سنگین خود در مقابل «مادر» آشنا می‌سازد. سیره عملی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل‌بیت علیهم السلام نسبت به مادران خود نیز گواه این حقیقت و سرمشق ماست.

ثواب مادر باردار

۱۳۶۱-۱ امام صادق علیه‌السلام به نقل از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

إِذَا حَمَلَتِ الْمَرأَةُ كانَتْ بِمَنْزِلَةِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْمُجاهِدِ بِنَفسِهِ وَ مَالِهِ فِي سَبيلِ اللهِ، فَإِذا وَضَعَتْ كَانَ لَهَا مِن الأَجْرِ مَا لا تَدْرِي مَا هُوَ لِعِظَمِهِ، فَإِذَا أَرضَعَتْ كَانَ لَهَا بِكُلِّ مَصَّةٍ كَعِدْلِ عِتْقِ مُحَرَّرٍ مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ، فَإِذَا فَرَغَتْ مِنْ رَضاعِهِ ضَرَبَ مَلَكٌ (كَرِيم) عَلَى جَنْبِهَا وَ قَالَ: «استانِفِي الْعَمَلَ فَقَدْ غُفِرَ لَكِ»[1]؛ هنگامی که زن باردار می‌شود، در تمام طول مدت بارداری، پاداش کسی را دارد که روزها روزه گرفته و شب‌ها به عبادت پرداخته، و همانند کسی است که در راه خدا با جان و مال خود جهاد کرده است؛ و هنگامی که فرزندش را به دنیا می‌آورد، خداوند آن‌چنان پاداشی به او می‌دهد که کسی مقدار بزرگی‌اش را نمی‌داند؛ و هنگامی که مادر به بچه شیر می‌دهد، برای هر مرتبه‌ای که بچه پستان مادر را می‌مکد، خداوند ثواب آزاد کردن یک انسان از فرزندان حضرت اسماعیل علیه‌السلام (یعنی انسان‌های مؤمن و موحد) را به مادر پاداش می‌دهد؛ و هنگامی که شیردادن را به پایان رساند، فرشته‌ای بزرگوار دست بر پهلوی مادر می‌گذارد و می‌گوید: «زندگی جدیدی را آغاز کن؛ زیرا خداوند گناهان گذشته‌ات را بخشید».

بوسیدن پیشانی مادر

۱۳۶۲-۲ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مَن قَبَّلَ بَينَ عَينَي أُمِّهِ كَانَ لَهُ سَتراً مِنَ النَّارِ؛[2] هرکس ما بین دو چشم مادرش را ببوسد، حجابی بین او و آتش دوزخ خواهد بود.

---

۱. **أمالی**، شیخ صدوق، ص۴۱۱.
۲. **نهج‌الفصاحة**، ص۷۵۱.

نیکی به مادر قبل از پدر

۱۳۶۳-۳ امام صادق علیه‌السلام:

جَاءَ رَجُلٌ وَ سَأَلَ النَّبِيَّ صلی‌الله‌علیه‌وآله عَنْ بِرِّ الْوَالِدَيْنِ فَقَالَ: «اِبْرَرْ أُمَّكَ، اِبْرَرْ أُمَّكَ، اِبْرَرْ أُمَّكَ؛ اِبْرَرْ أَبَاكَ، اِبْرَرْ أَبَاكَ، اِبْرَرْ أَبَاكَ» وَ بَدَأَ بِالْأُمِّ قَبْلَ الْأَبِ؛[1] مردی خدمت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله رسید و از نیکی به والدین پرسید. ایشان سه مرتبه فرمود: «به مادرت نیکی کن» و سه مرتبه هم فرمود: «به پدرت نیکی کن». ایشان مادر را قبل از پدر یاد کرد.

احترام به مادر

۱۳۶۴-۴ پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به مردی که می‌خواست در جهاد شرکت کند، اما مادرش مانع او می‌شد، فرمود:

عِندَ اُمِّكَ قَرَّ، وإنَّ لَكَ مِن الأجرِ عِندَها مِثلَ ما لَكَ في الجِهادِ؛[2] پیش مادرت بمان، با بودن در نزد او، همان اجری را داری که با شرکت در جهاد به دست می‌آوری.

مادر از عقیقه نخورد

۱۳۶۵-۵ امام صادق علیه‌السلام:

لاتَأْكُلِ الْمَرْأَةُ مِنْ عَقِيقَةِ وَلَدِهَا؛[3] مادر از عقیقه فرزندش نخورد.

اهمیت شیر مادر

۱۳۶۶-۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَا مِنْ لَبَنٍ يُرْضَعُ بِهِ الصَّبِيُّ أَعْظَمَ بَرَكَةً عَلَيْهِ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ؛[4] هیچ شیری برای کودک بهتر و با برکت‌تر از شیر مادر نیست.

---

۱. **الکافی**، ج۲، ص۱۶۲.
۲. **کنز العمال**، ج۵، ص۸۶۲.
۳. **الکافی**، ج۶، ص۳۳.
۴. همان، ص۴۰.

تأثیر شیر بر کودک

۱۳۶۷-۷ امام باقر علیه‌السلام:

عَلَيْكُم بِالْوُضَّاءِ مِنَ الظُّؤْرَةِ فَإِنَّ اللَّبَنَ يُعْدِي؛[1] بر شما باد به دایگان پاکیزه؛ چراکه خصوصیات زن شیرده به بچه سرایت می‌کند.

نتیجه نیکی به مادر

۱۳۶۸-۸ عایشه از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل می‌کند که فرمود:

بَينَا أنَا في الجَنَّةِ إذ سَمِعتُ قارئاً، فقُلتُ: «مَن هذا؟» قالوا: «حارِثَةُ بنُ النُّعمانِ»، فقالَ رسولُ‌اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله: «كذلكَ البِرُّ، كذلكَ البِرُّ، و كانَ أبَرَّ النّاسِ بأُمِّهِ»؛[2] در بهشت بودم که ناگاه صدای قاری‌ای را شنیدم، پرسیدم: «این کیست؟» گفتند: «حارثة بن نعمان». رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «این است نتیجه نیکی، این است نتیجه نیکی؛ او نیکوکارترین مردم نسبت به مادرش بود».

ثواب شیردادن

۱۳۶۹-۹ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مَا يَمَصُّ الْوَلَدُ مَصَّةً مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ إِلَّا كَانَ بَيْنَ يَدَيْهَا نُوراً سَاطِعاً يَوْمَ الْقِيامَةِ يُعْجِبُ مَنْ رَآهَا مِنَ الأَوَّلِينَ وَ الآخِرِينَ؛[3] هر جرعه‌ای که کودک از شیر مادر می‌نوشد، روز قیامت نور پرفروغی خواهد بود که از میان دستان مادر پرتو افکن شود، به گونه‌ای که تمام گذشتگان و آیندگان را متعجب خواهد ساخت.

---

۱. همان، ص۴۴.
۲. **کنز العمال**، ج۱۶، ص۵۸۰.
۳. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۵، ص۱۵۶.

روزه مادر شیرده

۱۳۷۰-۱۰ امام باقر علیه‌السلام:

الْحَامِلُ الْمُقرِبُ وَ الْمُرضِعُ الْقَلیلَةُ اللَّبَنِ لا حَرَجَ عَلَیْهِمَا أنْ یُفْطِرَا فِی شَهْرِ رَمَضانَ لِانَّهُمَا لاتُطِیقَانِ الصَّوْمَ وَ عَلَیْهِمَا أنْ یَتَصَدَّقَ کُلُّ واحِدٍ مِنْهُمَا فِی کُلِّ یَوْمٍ یُفْطِرُ فِیهِ بِمُدٍّ مِنْ طَعَامٍ وَ عَلَیهِمَا قَضَاءُ کُلِّ یَوْمٍ أفْطَرتَا فِیهِ تَقْضِیَانِهِ بَعْدُ؛[1] زن بارداری که تولد فرزند او نزدیک است و مادری که به بچه شیر می‌دهد و شیر او کم است (اگر روزه برای مادر یا کودک ضرر داشته باشد)، می‌تواند در ماه رمضان روزه نگیرد؛ به خاطر این که توانایی روزه گرفتن را ندارد، و بر او لازم است هر روزی که روزه نگرفته، مقدار یک مدّ طعام (که تقریباً ۷۵۰ گرم گندم یا جو و مانند این‌هاست) به فقیر بدهد و بعد از پایان بارداری یا شیردهی، روزهایی را که روزه نگرفته است، قضا کند.

حق سرپرستی

۱۳۷۱-۱۱ امام صادق علیه‌السلام:

إذَا مَاتَ الأَبُ فَالأُمُّ أحَقُّ بِهِ مِنَ الْعَصَبَةِ؛[2] بعد از مرگ پدر، مادر برای نگهداری کودک، از دیگر خویشاوندان سزاوارتر است.

خاله، جانشین مادر

۱۳۷۲-۱۲ امام رضا علیه‌السلام از پدرانش نقل می‌کند:

إنَّ النَّبِیَّ صلی‌الله‌علیه‌وآله قَضَی بِابْنَةِ حَمْزَةَ لِخَالَتِهَا وَ قَالَ صلی‌الله‌علیه‌وآله: «الْخَالَةُ وَالِدَةٌ»؛[3] رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله حکم نمود که دختر حمزه را به خاله‌اش تحویل دهند و فرمود: «خاله مادر است».

---

۱. **الکافی**، ج۴، ص۱۱۷.
۲. همان، ج۶، ص۴۵.
۳. **أمالی**، شیخ طوسی، ص۳۴۲.

جدایی انداختن بین مادر و فرزند

۱۳۷۳-۱۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنْ فَرَّقَ بَيْنَ وَالِدَةٍ وَ وَلَدِهَا فَرَّقَ اللّٰهُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَحِبَّائِهِ فِي الْجَنَّةِ؛[1] آن کسی که میان مادر و فرزند جدایی افکند، خداوند روز رستاخیر میان او و دوستانش جدایی اندازد.

نقش مادر در سرنوشت فرزند

۱۳۷۴-۱۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَ السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ؛[2] شقاوت‌مند کسی است که در شکم مادر شقاوت در او نقش بسته، و سعادت‌مند کسی است که در شکم مادر سعادت در او نقش بسته است.

لوح پیشانی مادر

۱۳۷۵-۱۵ امام باقر علیه السلام:

يُوحِي اللّٰهُ إِلَى الْمَلَكَيْنِ اكْتُبَا عَلَيْهِ قَضَائِي وَ قَدَرِي وَ نَافِذَ أَمْرِي وَ اشْتَرِطَا لِي الْبَدَاءَ فِيمَا تَكْتُبَانِ فَيَقُولَانِ: «يَا رَبِّ! مَا نَكْتُبُ؟» فَيُوحِي اللّٰهُ إِلَيْهِمَا: «أَنْ ارْفَعَا رُؤُوسَكُمَا إِلَى رَأْسِ أُمِّهِ» فَيَرْفَعَانِ رُؤُوسَهُمَا فَإِذَا اللَّوْحُ يَقْرَعُ جَبْهَةَ أُمِّهِ فَيَنْظُرَانِ فِيهِ فَيَجِدَانِ فِي اللَّوحِ صُورَتَهُ وَ زِينَتَهُ وَ أَجَلَهُ وَ مِيثَاقَهُ شَقِيّاً أَوْ سَعِيداً وَ جَمِيعَ شَأْنِهِ قَالَ: فَيُمْلِي أَحَدُهُمَا عَلَى صَاحِبِهِ فَيَكْتُبَانِ جَمِيعَ مَا فِي اللَّوحِ وَيَشْتَرِطَانِ الْبَدَاءَ فِيمَا يَكْتُبَانِ؛[3]

(پس از این که خلقت جنین در رحم مادر تکمیل شد،) خداوند متعال به دو فرشته امر می‌کند اکنون سرنوشت (قضا و قدر) او را بنویسید و برای من شرط بَداء قرار دهید (؛ یعنی صفاتی را که

---

۱. **عوالی اللئالی**، ج۲، ص۲۴۹.
۲. **تفسیر القمی**، ج۱، ص۲۲۷.
۳. **الکافی**، ج ۶، ص۱۳.

می‌نویسید، سرنوشت قطعی نیست؛ بلکه در شرایطی قابل تغییر است.) آن دو فرشته می‌گویند: «پروردگارا! چه بنویســیم؟» به آنان گفته می‌شود: «سربردارید و پیشانی مادرش را بنگرید.» در پیشانی مادر لوحی را مشاهده می‌کنند که صورت و قیافه و مقدار عمر و عهد و پیمان‌های زندگی و سعادت و شقاوت و تمام شئون زندگی کودک را می‌بینند. فرشتگان آن‌چه را که در لوح پیشانی مادر ثبت است، می‌نویسند و قابلیت تغییر را در آن قید می‌کنند.

عفاف مادر

۱۳۷۶-۱۶ امام صادق علیه‌السلام:

طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ أُمُّهُ عَفِيفَةً؛[۱] خوشا به حال کسی که مادرش از پلیدیها پاک است.

مادر سرچشمه محبّت اهل‌بیت علیهم‌السلام

۱۳۷۷-۱۷ امام صادق علیه‌السلام:

مَنْ وَجَدَ بَرْدَ حُبِّنَا عَلَى قَلْبِهِ فَلْيُكْثِرِ الدُّعَاءَ لِأُمِّهِ فَإِنَّهَا لَمْ تَخُنْ أَبَــاهُ؛[۲] هرکس نسیم محبت ما اهل‌بیت را در دل خود بیابد، پس به مادرش بسیار دعا کند که به پدرش خیانت نکرده و پاک دامن بوده است.

بهشت زیر پای مادر

۱۳۷۸-۱۸ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اَلْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الأُمَّهَاتِ؛[۳] بهشت زیر پای مادران است.

---

۱. **علل‌الشرایع**، ج۲، ص۵۶۴.
۲. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۳، ص۴۹۳.
۳. **کنز العمال**، ج۱۶، ص۴۶۱.

امان از آتش

۱۳۷۹-۱۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنْ قَبَّلَ بَيْنَ عَيْنَيْ أُمِّهِ كانَ لَهُ سَتْراً مِنَ النّارِ؛[1] هرکس پیشانی مادر خود را ببوسد، از آتش جهنّم در امان خواهد بود.

بوسه بر پای مادر

۱۳۸۰-۲۰ مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد:

«يَا رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله! إِنِّي حَلَفْتُ أَنْ أُقَبِّلَ عَتَبَةَ بَابِ الْجَنَّةِ و جَبْهَةَ حُورِ العِينِ». فَأَمَرَهُ صلی الله علیه و آله أن يُقَبِّلَ رِجلَ الأُمِّ و جَبْهَةَ الأَبِ. قال: «يا رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله! إن لَم يَكُن أَبَوَايَ حَيَّينِ؟» قال صلی الله علیه و آله: «قَبِّلْ قَبْرَهُما». قال: «فإن لَمْ أعرِفْ قَبْرَهُما؟» قال صلی الله علیه و آله: «خُطَّ خَطّين إنوِ أحَدَهُما قَبرَ الأُمِّ والآخِرَ قَبرَ الأَبِ؛ فَقَبِّلهُما فَلا تَحنَثْ فِي يَمينِكَ»؛[2] «سوگند خورده‌ام که آستانهٔ در بهشت و پیشانی حورالعین را ببوسم». رسول خدا صلی الله علیه و آله به او امر نمود که پای مادر و پیشانی پدرت را ببوس. عرض کرد: «اگر پدر و مادرم زنده نباشند؟» فرمود: «قبر آن‌ها را ببوس». عرض کرد: «اگر قبر آن‌ها را ندانم؟» فرمود: «بر روی زمین به نیت قبر پدر و مادرت دو خط بکش و آن‌ها را ببوس و سوگند خود را مشکن».

مقام مادر نزد پروردگار

۱۳۸۱-۲۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

إِذَا كُنْتَ فِي صَلاةِ التَّطَوُّعِ فَإِنْ دَعَاكَ وَالِدُكَ فَلا تَقْطَعْهَا وَ إِنْ دَعَتْكَ وَالِدَتُكَ فَاقْطَعْهَا؛[3] اگر مشغول خواندن نماز مستحبی هستی و پدرت تو را صدا بزند، حق نداری نمازت را قطع کنی؛ اما اگر مادرت تو را صدا زد، باید نماز مستحبی را رها کرده و او را اجابت کنی.

---

۱. همان، ص۴۶۲.
۲. **کشف الإرتیاب**، ص۳۴۹.
۳. **مستدرک الوسائل**، ج۱۵، ص۱۸۱.

برتر از جهاد

۱۳۸۲-۲۲ مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: من جوانی نیرومند هستم و دوست دارم جهاد کنم، ولی مادرم راضی نیست. رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود:

اِرجِعْ فَكُنْ مَعَ وَالِدَتِكَ فَوَ الَّذی بَعَثَنِی بِالحَقِّ نَبِیّاً لَاُنْسُهَا بِكَ لَیْلَةً خَیْرٌ مِنْ جِهَادِكَ فِی سَبیلِ اللهِ سَنَةً؛[1] برگرد و با مادر خود باش. سوگند به آن کسی که مرا به درستی به نبوت برانگیخته است، اگر یک شب در خدمت مادر خود باشی، بهتر است از یک سال جهاد تو در راه خدا.

دعای مادر

۱۳۸۳-۲۳ از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال شد: چرا دعای مادر زودتر به اجابت می‌رسد؟ فرمود:

هِیَ أَرْحَمُ مِنَ الأَبِ و دَعْوَةُ الرَّحِمِ لا تَسقُطُ؛[2] زیرا رحمت و مهربانی مادر نسبت به فرزند از پدر بیش‌تر است و خداوند دعای انسان رحیم و مهربان را رد نمی‌کند.

مادر قبل از پدر

۱۳۸۴-۲۴ امام صادق علیه السلام:

جَاءَ رَجُلٌ إِلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ: «یَا رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله! مَنْ أَبَرُّ؟» قَالَ صلی الله علیه و آله: «أُمَّكَ». قَالَ: «ثُمَّ مَنْ؟» قَالَ صلی الله علیه و آله: «أُمَّكَ». قَالَ: «ثُمَّ مَنْ؟» قَالَ صلی الله علیه و آله: «أُمَّكَ». قَالَ: «ثُمَّ مَنْ؟» قَالَ صلی الله علیه و آله: «أَبَاكَ»؛[3] مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! به چه کسی نیکی کنم؟» حضرت فرمود: «به مادرت». عرض کرد: «سپس به چه کسی؟» فرمود: «به مادرت». عرض کرد: «بعد از آن به چه کسی؟» فرمود: «به مادرت». عرض کرد: «سپس به چه کسی؟» فرمود: «به پدرت».

---

۱. **الکافی**، ج۲، ص۱۶۳.
۲. **المحجة البیضاء**، ج۳، ص۴۳۵.
۳. **الکافی**، ج۲، ص۱۵۹.

نیکی به مادر دو برابر است

۱۳۸۵-۲۵ امام باقر علیه‌السلام:

إِنَّ لِلْأُمِّ ثُلُثَيِ الْبِرِّ وَ لِلْأَبِ الثُّلُثَ؛[1] اگر نیکوکاری‌ات را سه قسمت کنی، دو قسمت به مادر اختصاص دارد و یک قسمت به پدر.

احسان به مادر سبب آمرزش

۱۳۸۶-۲۶ امام سجاد علیه‌السلام:

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صلی‌الله‌علیه‌وآله فَقَالَ: «يَا رَسُولَ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله! مَا مِنْ عَمَلٍ قَبِيحٍ إِلّا قَدْ عَمِلْتُهُ، فَهَلْ لِي مِنْ تَوبَةٍ؟» فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله: «فَهَلْ مِنْ وَالِدَيْكَ أَحَدٌ حَيٌّ؟» قَالَ: «أَبِي». قَالَ صلی‌الله‌علیه‌وآله: «فَاذْهَبْ، فَبَرِّهِ». فَلَمَّا وَلَّى، قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله: «لَوْ كَانَتْ أُمُّهُ»؛[2] مردی به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله عرض کرد: «هیچ کار زشتی نیست که نکرده باشم، آیا راه توبه و بازگشت برایم وجود دارد؟» پیامبر فرمود: «آیا از پدر و مادرت کسی زنده هست؟» آن مرد گفت: «پدرم». رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «برو به او نیکی کن». وقتی آن مرد رفت، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «ای کاش! مادرش می‌بود».

نتیجهٔ نیکی به مادر

۱۳۸۷-۲۷ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

بَيْنَا أَنَا فِي الجَنَّةِ إِذْ سَمِعْتُ قَارِئاً، فَقُلتُ: «مَن هَذَا؟» قَالُوا: «حَارِثَةُ بنُ النُّعمَانِ»، فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله: «كَذلِكَ البِرُّ كَذلِكَ البِرُّ، و كان أَبَرُّ النَّاسِ بِأُمِّهِ»؛[3] هنگامی که من (در شب معراج) در بهشت بودم صدای قرآن خواندن کسی را شنیدم. پرسیدم: «این صدای چه کسی

---

۱. **أمالی**، شیخ صدوق، ص۵۱۱.
۲. **الزهد**، ص۳۵.
۳. **کنز العمال**، ج۱۶، ص۵۸۰.

است؟» گفتند: «صدای حارثة بن نعمان است.» سپس رسول خدا ﷺ فرمود: «چنین است نتیجه نیکی (به مادر)، چنین است نتیجه نیکی (به مادر)؛ چون او نیکوکارترین مردم به مادرش بود».

حق مادر

۱۳۸۸-۲۸ امام سجاد علیه‌السلام:

حَقُّ أُمِّكَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لا يَحْمِلُ أَحَدٌ أَحَداً وَ أَطْعَمَتْكَ مِنْ ثَمَرَةِ قَلْبِهَا مَا لا يُطْعِمُ أَحَدٌ أَحَداً وَ أَنَّهَا وَقَتْكَ بِسَمْعِهَا وَ بَصَرِهَا وَ يَدِهَا وَ رِجْلِهَا وَ شَعْرِهَا وَ بَشَرِهَا وَ جَمِيعِ جَوَارِحِهَا مُسْتَبْشِرَةً بِذَلِكَ فَرِحَةً مُوْبِلَةً [مُؤمِّلَةً] مُحْتَمِلَةً لِمَا فِيهِ مَكْرُوهُهَا وَ أَلَمُهُ وَ ثِقْلُهُ وَ غَمُّهُ [أَلَمُهَا وَ ثِقْلُهَا وَ غَمُّهَا] حَتَّى دَفَعَتْهَا عَنْكَ يَدُ الْقُدْرَةِ وَ أَخْرَجَتْكَ إِلَى الأَرْضِ فَرَضِيتْ أَنْ تَشْبَعَ وَ تَجُوعَ هِيَ وَ تَكْسُوكَ وَ تَعْرَى وَ تُرْوِيَكَ وَ تَظْمَأَ وَ تُظِلَّكَ وَ تَضْحَى وَ تُنَعِّمَكَ بِبُؤْسِهَا وَ تُلَذِّذَكَ بِالنَّوْمِ بِأَرَقِّهَا وَ كَانَ بَطْنُهَا لَكَ وِعَاءً وَ حِجْرُهَا لَكَ حِوَاءً وَ ثَدْيُهَا لَكَ سِقَاءً وَ نَفْسُهَا لَكَ وِقَاءً تُبَاشِرُ حَرَّ الدُّنْيَا وَ بَرْدَهَا لَكَ وَ دُونَكَ فَتَشْكُرُهَا عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ وَ لا تَقْدِرُ عَلَيْهِ إِلّا بِعَوْنِ اللهِ وَ تَوفِيقِهِ؛[1] حق مادر تو آن است که بدانی او تو را در جایی نگه داشته که کسی نگه نمی‌دارد و از میوه دل و عصاره وجود خود برای تو غذا فراهم نموده که کسی برای کسی چنین نمی‌کند و از تو با همه وجودش با گوش و چشم و دست و پا و موی و پوست، با شادمانی و سرور نگهبانی و نگه‌داری کرده است. ناملایمات، غم و اندوه و نگرانی‌ها را تحمل می‌کند و شادان و خرّم است که تو را سیر نماید، و خود گرسنه بماند. تو را بپوشاند، و خود برهنه باشد. تو را سیراب کند و خود تشنه بماند. خود در آفتاب باشد و بر تو سایه افکند. با تحمل مشقت، آرامش و تنعم تو را فراهم آورد و با پذیرش رنج بی‌خوابی، تو را از لذت خواب بهره‌مند سازد. شکمش ظرف وجود تو و دامنش پناهگاه امن تو و سینه‌اش چشمهٔ جوشان برای رفع تشنگی تو و جانش فدای تو شده و سرد و گرم روزگار را به خاطر تو پذیرا گشته است؛ پس باید به پاس این همه محبّت و زحمت، سپاس‌گزار او باشی، و هرگز نمی‌توانی، مگر خدایت یاری کند و توفیق دهد.

---

۱. **تحف‌العقول**، ص۲۶۳.

برتری مادر

۱۳۸۹-۲۹ مردی از رسول خدا ﷺ پرسید: حق کدام یک از پدر و مادر بزرگ‌تر است؟ فرمود:

الَّتِي حَمَلَتْهُ بَيْنَ الْجَنْبَيْنِ وَ أَرضَعَتْهُ بَيْنَ الثَّدْيَيْنِ وَ حَضَنَتْهُ عَلَى الْفَخِذَيْنِ وَ فَدَتْهُ بِالْوَالِدَيْنِ؛[1] کسی که فرزند را در میان دو پهلویش حمل کرده و از دو پستانش به او شیرداده و او را روی دو زانویش نشانیده و پدر و مادر خود را فدای او می‌کرده است.

ادای حق

۱۳۹۰-۳۰ از رسول خدا ﷺ در مورد حق پدر پرسیده شد، فرمود:

أَنْ تُطِيعَهُ مَا عَاشَ.

تا زمانی که زنده است او را اطاعت کنی.

سؤال شد: حق مادر چیست؟ فرمود:

هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لَوْ أَنَّهُ عَدَدَ رَمْلِ عَالِجٍ وَ قَطْرِ الْمَطَرِ أَيَّامَ الدُّنْيَا، قَامَ بَيْنَ يَدَيْهَا، مَا عَدَلَ ذَلِكَ يَوْمَ حَمَلَتْهُ فِي بَطْنِهَا؛[2] چه دور است، چه دور است، که کسی بتواند حق مادر را ادا کند. اگر به تعداد قطره‌های باران و ریگ‌های عالج[3] و ایام روزگاران، در مقابل مادر بایستی و او را اطاعت کنی، به اندازهٔ یک روز دوران بارداری حق او را ادا نکرده‌ای.

تفاوت محبّت مادر و فرزند

۱۳۹۱-۳۱ مردی به رسول خدا ﷺ عرض کرد: مادر پیری دارم که بر پشتم حملش کرده و از کسب و کار خود، به او روزی می‌دهم و هر آن‌چه موجب اذیت او شود، از او دور می‌کنم؛ آیا حق او را ادا کرده‌ام؟ فرمود:

---

۱. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۵، ص۱۸۲.
۲. **عوالی‌اللئالی**، ج۱، ص۲۶۹.
۳. تپهٔ بزرگی در شهر مکه که از ریگ‌های متراکم به وجود آمده بود.

لا، لاَنَّ بَطْنَهَا كَانَ لَكَ وِعَاءً وَ ثَدْيَهَا كَانَ لَكَ سِـقَاءً وَ قَدَمَهَا لَكَ حِذَاءً وَ يَدَهَا لَكَ وِقَاءً وَ حِجْرَهَا لَكَ حِوَاءً وَ كَانَتْ تَصْنَعُ ذَلِكَ لَكَ وَ هِيَ تَمَنَّى حَيَاتَكَ وَ أَنْتَ تَصْنَعُ هَذَا بِهَـا وَ تُحِبُّ مَمَاتَهَا؛[1] خیر، تو همهٔ این کارها را کرده‌ای، اما توجّه داشـته باش که او علاوه بر این که تو را در شـکم خود نگه‌داری کرده است، از شیرهٔ جانش به تو داده و پاهایش، کفش تو و دسـت‌هایش نگهبان تو و دامنش پناه‌گاه تو بوده است؛ با همه این احوال او این رنج و مشقت را تحمل می‌کرده، در حالی که آرزوی زندگی و بزرگ کردن تو را داشته است، ولی تو ضمن انجام این خدمات، در دل به انتظار مرگ او هستی.

خدمت به مادر کهنسال

۱۳۹۲-۳۲ امام باقر علیه‌السلام:

أَتَى رَسُـولَ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله رَجُلٌ فَقَالَ: «إِنَّ أَبَوَيَّ عُمِّرَا وَ إِنَّ أَبِي مَضَى وَ بَقِيَتْ أُمِّي، فَبَلَغَ بِهَا الْكِبَرُ حَتَّى صِرْتُ أُمْضِغُ لَهَا كَمَا يُمضَغُ الصَّبِيُّ وَ أُوَسِّـدُهَا كَمَا يُوَسَّدُ الصَّبِيُّ وَ عَلَّقْتُهَا فِي مِكْتَلٍ أُحَرِّكُهَا فِيهِ لِتَنَامَ ثُمَّ بَلَغَ مِنْ أَمرِهَا إِلى أَنْ كَانَتْ تُرِيدُ مِنِّي الْحَاجَةَ فَلَا نَدْرِي أَيُّ شَيْءٍ هُوَ، فَلَمَّا رَأَيتُ ذَلِكَ سألتُ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُنْبِتَ عَلَيَّ ثَدْيًا يَجرِي فِيهِ اللَّبَنُ حَتَّى أُرْضِعَهَا»، قَالَ: ثُمَّ كَشَـفَ عَنْ صَدرِهِ فَـإِذَا ثَدْيٌ ثُمَّ عَصَرَهُ فَخَرَجَ مِنْهُ اللَّبَنُ، ثُمَّ قَالَ: «هُوَ ذَا أَرْضَعتُهَا كَمَا كَانَتْ تُرْضِعُنِي». قَالَ: فَبَكَى رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله ثُمَّ قَالَ صلی‌الله‌علیه‌وآله: «أَصِبْتَ خَيْرًا سَـأَلْتَ رَبَّكَ وَ أَنْـتَ تَنْوِي قُربَتَهُ». قَالَ: «فَكَافَأْتُهَا؟» قَـالَ صلی‌الله‌علیه‌وآله: «لا ولا بِزَفْرَةٍ مِنْ زَفَرَاتِهَا»؛[2] مردی خدمت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله رسید و عرض کرد: «پدر و مادرم خیلی کهنسال و افتاده شدند. پدرم از دنیا رفت، ولی مادرم به اندازه‌ای فرتوت و شکسته شده که مانند بچه‌های کوچک غذا نرم کرده و در دهانش می‌گذارم و او را در پارچه‌ای مانند بچه‌های شـیرخوار می‌پیچم و در گهواره گذارده و می‌جنبانم تا به خواب رود. کار او به جایی رسیده که گاهی چیزی می‌خواهد و

۱. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۵، ص۱۸۰.
۲. **مشکاة الأنوار**، ص۱۶۱.

نمی‌فهمم چه می‌خواهد. از این رو از خداوند درخواست کردم که مرا پستانی شیردار بدهد تا او را شیر بدهم، همان‌طور که مرا شیر داده است». در این موقع سینه خود را باز کرد، پستان‌هایش نمایان شـد، کمی فشرد و شـیر از آن خارج گردید. حضرت رسول صلی الله علیه و آله از دیدن جریان، قطرات اشک از دیده فرو ریخت و فرمود: «موفقیت شایانی به دست آورده‌ای؛ زیرا تو از خداوند با قلبی پاک و نیتی خالص درخواست کرده‌ای و خداوند دعای تو را مستجاب نموده است». عرض کرد: «آیا زحمات و حقوق او را جبران کرده‌ام؟» فرمود: «هرگز، حتی جبران یک ناله از ناله‌های او را نکرده‌ای».

اجازه از مادر

۱۳۹۳-۳۳ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

إِنَّ رَجُلاً أَتَى النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ: «يَا رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله! أُمِّي أَستأذِنُ عَلَيهَا؟» فَقَالَ صلی الله علیه و آله: «نَعَمْ». قَالَ: «وَ لِمَ يَا رسُـولَ اللهِ صلی الله علیه و آله!؟» قَالَ صلی الله علیه و آله: «أَيَسُرُّكَ أَنْ تَرَاهَا عُرياَنةً؟» قَالَ: «لاَ»، قَالَ صلی الله علیه و آله: «فَاسَـتأذِنْ عَلَيْهَا»؛[1] مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسـید و عرض کرد: «ای رسول خدا! آیا هنگامی که می‌خواهم وارد (اتاق) مادرم شـوم، باید از او اجازه بگیرم؟» فرمود: «بله». عرض کرد: «به چه دلیل؟» فرمود: «آیا می‌پسـندی که ناگهان مـادرت را عریان ببینی؟» عرض کرد: «خیر». فرمود: «پس از او اجازه بگیر».

تندی با مادر ممنوع

۱۳۹۴-۳۴ ابراهیم بن مهزم می‌گوید:

خَرَجْتُ مِنْ عِنْدِ أَبِي‌عَبْدِاللهِ علیه السلام لَيلَةً مُمْسِـياً فَأَتيْتُ مَنْزِلِي بِالمَدِينَةِ وَ كَانَتْ أُمِّي مَـعِي فَوَقَعَ بَيْنِي وَ بَيْنَهَـا كَلامٌ فَأَغْلَظتُ لَهَا فَلَمَّا أَنْ كَانَ مِن الْغَـدِ صَلَّيْتُ الْغَدَاةَ وَ أَتَيْتُ أَبَاعبْدِاللهِ علیه السلام فَلَمَّا دَخَلْتُ عَلَيْهِ فَقَالَ علیه السلام لِي مُبْتَدِئاً: «يَا أَبَا مِهْزَمٍ! مَالَكَ وَالْوالِدَةَ

---

۱. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۴، ص۲۸۳.

أَغْلَظتَ فِي كلامِهَا البَارِحَةَ؟! أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ بَطنَهَا مَنْزِلٌ قَدْ سَكَنْتَهُ وَ أَنَّ حِجْرَهَا مَهْدٌ قَدْ غَمَزْتَهُ وَ ثَدْيَهَا وِعَاءٌ قَدْ شَرِبْتَهُ؟» قَالَ: قُلْتُ: «بَلَى»، قَالَ عليه السلام: «فلا تُغْلِظْ لَهَا»؛[1] شب هنگام از نزد امام صادق عليه السلام خارج شدم و مادرم نیز همراهم بود. در میان راه میان من و مادرم گفت‌وگویی واقع شد و من شدت به خرج دادم. وقتی صبح شد، نماز صبح را خواندم و به حضور امام صادق عليه السلام شرفیاب شدم. قبل از این که سخنی بگویم، حضرت بدون هیچ مقدمه‌ای فرمود: «ای ابا مهزم! چرا شب نسبت به مادرت خشونت به خرج دادی؟ آیا توجّه نداری که شکم مادر منزل‌گاه تو بود و تو در آن جا ساکن بودی و آرامش داشتی؟ آیا فراموش کرده‌ای و نمی‌دانی دامن مادر گهوارهٔ امن تو بود؟ آیا غفلت داری که سینهٔ مادر ظرفی بود که تو از آن می‌نوشیدی؟» عرض کردم: «آری، این چنین بوده است.» فرمود: «پس به مادرت تندی مکن».

کتک زدن مادر

۱۳۹۵-۳۵ امام صادق عليه السلام:

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ ضَرَبَ وَالِدَهُ أَوْ وَالِدَتَهُ؛[2]

از رحمت پروردگار به دور است، از رحمت پروردگار به دور است، هرکس که پدر و یا مادرش را کتک بزند.

دشنام به مادر

۱۳۹۶-۳۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَلعُونٌ مَلعُونٌ مَن سَبَّ أُمَّهُ؛[3] از رحمت پروردگار به دور است، از رحمت پروردگار به دور است، هر آن کسی که به مادر خویش دشنام دهد.

---

۱. **بصائر الدرجات**، ص۲۴۴.
۲. **کنز الفوائد**، ج۱، ص۱۵۰.
۳. **کنز العمال**، ج۱۶، ص۸۸.

نفرین مادر

۱۳۹۷-۳۷ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

إِيَّاكُمْ وَ دَعْوَةَ الْوَالِدَةِ فَإِنَّهَا أَحَدُّ مِنَ السَّيْفِ؛[۱] بترس از این که مادرت تو را نفرین کند؛ چراکه نفرین او از شمشیر تیز برنده‌تر است.

تکریم مادر

۱۳۹۸-۳۸ اسماء بنت عمیس از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کرد:

قَدِمْتُ عَلَى أُمِّي رَاغِبَةً فِي دِينِهَا تَعْنِي مَا كَانَتْ عَلَيْهِ مِنَ الشِّرْكِ فَأَصِلُهَا؟ قَالَ صلی الله علیه و آله: «نَعَمْ، صِلِي أُمَّكِ»؛[۲] من به سراغ مادرم آمدهام، در حالی که رغبتی به دین نداشته و مشرک است؛ آیا به عیادت او رفته و صله رحم کنم؟ حضرت فرمود: «آری، به دیدار مادرت برو».

احترام به نامادری

۱۳۹۹-۳۹ از امام سجاد علیه السلام سؤال شد:

أَنْتَ أَبَرُّ النَّاسِ بِأُمِّكَ وَ لا نَرَاكَ تَأْكُلُ مَعَهَا؟ قَالَ علیه السلام: «أَخَافُ أَنْ تَسْبِقَ يَدِي إِلَى مَا سَبَقَتْ عَيْنُهَا إِلَيْهِ فَأَكُونَ قَدْ عَقَقْتُهَا»؛[۳] «شما با این که از نیکوکارترین مردم نسبت به مادرتان هستید؛ چگونه است که هرگز ندیده‌ایم با مادرتان بر سر یک سفره بنشینید؟» فرمود: «می‌ترسم بر سر سفره دستم را به چیزی دراز کنم که قبلاً چشم مادرم بر آن افتاده باشد (و بخواهد از آن تناول کند) و با این عمل موجبات نافرمانی او را فراهم کرده باشم».

---

۱. **مجموعة ورام**، ج۱، ص۱۲.
۲. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۵، ص۱۷۹.
۳. **مکارم‌الأخلاق**، ص۲۲۱.

مرگ مادر

۱۴۰۰-۴۰ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

النُّفَسَاءُ إِذَا ماتَتْ مِنْ نِفَاسِهَا قَامَتْ يَومَ القِيامَةِ بِغَيْرِ حِسابٍ لِأَنَّهَا تَمُوتُ بِغَمِّهَا؛[1]

اگر مادری بعد از تولد نوزادش از دنیا برود، روز قیامت بدون حساب خواهد بود؛ زیرا با شدت درد از دنیا میرود.

۱. **دعائم الإسلام**، ج۲، ص۱۹۱.

چهل حدیث محبّت

محمدعلی ولی‌زاده

آن‌چه انسان‌ها را به هم پیوند می‌دهد و زندگی‌ها را صفا می‌بخشد، محبّت و دوستی است. محبّت، هم‌چون رشته‌ای عامل الفت می‌گردد و دوستان و محبّان را با هم «همراه» می‌سازد؛ از این رو «مودّت اهل بیت علیهم‌السلام» در قرآن، اجر رسالت پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به شمار آمده و به دوستی با خاندان عصمت و طهارت توصیه شده است، چون این مهرورزی ما را پاک و با اهل‌بیت علیهم‌السلام، هم‌سو و هم‌راه می‌سازد.

در تأثیر محبّت و دوستی شکّی نیست؛ انسان از دوستان خود رنگ و تأثیر می‌پذیرد. مودّت با برادران ایمانی و ابزار محبّت به همسر و فرزند و بستگان، عامل تحکیم روابط دوستان و فامیلی است.

در روایات دینی توجّهی جدّی به این مسئله دیده می‌شود و محبّت هم‌چون گنجینه‌ای پربها به شمار آمده که آثار و برکات آن بر زندگی انسان‌ها سایه می‌افکند؛ به‌خصوص وقتی نسبت به افراد صالح و خوبان و پاکان باشد.

از دریای گهربار روایات معصومین علیهم‌السلام چهل حدیث نورانی درباره این موضوع انتخاب شده و تقدیم شما می‌گردد. باشد که در جهت‌دهی دوستی‌ها و مهروزی‌ها در مسیر رضای الهی مفید گردد.

مؤمنین برادرند

۱۴۰۱-۱ امام صادق علیه‌السلام:

عَلَيْكَ بِإِخْوانِ الصِّدْقِ فَإِنَّهُمْ عُدَّةٌ عِنْدَ الرَّخاءِ وَ جُنَّةٌ عِنْدَ الْبَلاءِ؛[1] بر تو باد به برادران راستین (که آن‌ها را از دست ندهی) که در راحتی و گشایش، ذخیره و در سختی و بلا، سپرند.

محبّت، بهترین گنج

۱۴۰۲-۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

أَنْفَعُ الْكُنُوزِ مَحَبَّةُ الْقُلُوبِ؛[2] سودمندترین گنج‌ها، دوستی قلب‌هاست.

سخن گفتن و محبّت

۱۴۰۳-۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

حُسْنُ الصُّحْبَةِ يَزِيدُ فِي مَحَبَّةِ الْقُلُوبِ؛[3] مصاحبت نیکو، مهر و محبّت شما را در دل دیگران زیاد می‌کند.

ابراز دوستی و محبّت

۱۴۰۴-۴ امام صادق علیه‌السلام:

إِذا أَحْبَبْتَ أَحَداً مِنْ إِخْوانِكَ فَأَعْلِمْهُ ذَلِكَ؛[4] هرگاه یکی از برادرانت را دوست داشتی، آن را به او اعلام کن.

---

۱. **تحف‌العقول**، ص۳۶۸.
۲. **تصنیف غرر الحکم**، ص۴۱۳.
۳. همان، ص۴۳۵.
۴. **الکافی**، ج۲، ص۶۴۴.

خوش خلقی

۱۴۰۵-۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

حُسْنُ الْخُلْقِ يُورِثُ المَحَبَّةَ وَ يُؤَكِّدُ الْمَوَدَّةَ؛[۱] خوش رفتاری، محبّت می‌آورد و دوستی را پایدار می‌نماید.

اعتدال در محبّت

۱۴۰۶-۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

أَحْبِبْ حَبِيبَكَ هَوْناًمَّا عَسى أَن يُكونَ بَغِضَيَكَ يَوماًمَّا؛ وَ أَبْغِضْ بِغِيضَكَ هَوْناًمَّا عَسى أَنْ يَكُونَ حَبِيبَكَ يَوماً مَّا؛[۲] با دوست خود در صمیمیّت زیاده‌روی نکن، که شاید روزی دشمنت گردد، و با دشمنت در دشمنی میانه‌روی کن، که شاید روزی از دوستانت شود.

مجادله، آفت دوستی

۱۴۰۷-۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

لامَحَبَّةَ مَعَ كَثْرَةِ مِراءٍ؛[۳] همراه مجادله و جرّ و بحث بسیار، دوستی باقی نمی‌ماند.

رفق و مدارا

۱۴۰۸-۸ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مَا اصْطَحَبَ اثْنَانِ إِلَّا كانَ أَعْظَمُهُمَا أجْراً و أحَبُّهُما إِلَى اللهِ عَزَّوجلَّ أَرْفَقَهُما بِصاحِبِهِ؛[۴] دو نفر با هم دوستی و همراهی نمی‌کنند، مگر این‌که آن فردی که با دوستش بیشتر مدارا و رفاقت کند، نزد خداوند مأجورتر و محبوب‌تر است.

---

۱. **شرح غرر الحکم**، ج۳، ص۳۹۴.
۲. **تحف‌العقول**، ص۲۰۱.
۳. **تصنیف غرر الحکم**، ص۳۱۱.
۴. **الکافی**، ج۲، ص۱۲۰.

حسد، مانع مهرورزی

۱۴۰۹-۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنْ تَرَكَ الْحَسَدَ كانَتْ لَهُ الْمَحَبَّةُ عِنْدَ النّاسِ؛[۱] هرکس حسادت را ترک کند، نزد مردم محبوب می‌گردد.

دوستی و سودآوری

۱۴۱۰-۱۰ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلْمَوَدَّةُ قَرابَةٌ مُسْتَفادَةٌ؛[۲] دوستی، خویشاوندی جدید است [که به دست آورده‌ای].

آزمودن محبّت

۱۴۱۱-۱۱ امام باقر علیه‌السلام:

اِعْرِفِ الْمَوَدَّةَ فی قَلْبِ أَخیكَ بِما لَهُ فی قَلْبِكَ؛[۳] می‌خواهی بدانی برادر دینی‌ات چه‌قدر تو را دوست دارد؛ ببین در دلت چه‌قدر دوستش داری.

دوست واقعی

۱۴۱۲-۱۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

لایَحُولُ الصَّدیقُ الصَّدُوقُ عَنِ المَوَدَّةِ وَ إِن جُفِیَ؛[۴] دوست واقعی، اگرچه در حقّش جفا و بدی شود، باز دست از دوستی بر نمی‌دارد.

---

۱. **تحف‌العقول**، ص۸۹.
۲. **الکافی**، ج۸، ص۲۳.
۳. **تحف‌العقول**، ص۲۹۵.
۴. **تصنیف غرر الحکم**، ص۴۲۴.

محبّت به کودکان

۱۳-۱۴۱۳ حضرت موسی علیه‌السلام به خداوند متعال عرض کرد:

«يا رَبِّ! أيُّ الأعْمالِ أفْضلُ عِنْدَكَ؟» قالَ: «حُبُّ الأطفالِ»؛[۱] «پروردگارا بهترین عمل در نزد تو کدام است؟» خداوند فرمود: «دوست داشتن بچّه‌ها».

سرشت محبّت

۱۴-۱۴۱۴ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

جُبِلَتِ الْقُلُوبُ عَلَى حُبِّ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْها وَ بُغْضِ مَنْ أَساءَ إِلَيْها؛[۲] طبیعت دل‌ها بر دوست داشتن نیکی‌کننده و نفرت از بدی‌کننده، استوار گشته است.

دوستی برادران دینی

۱۵-۱۴۱۵ امام صادق علیه‌السلام:

مِنْ حُبِّ الرَّجُلِ دينَهُ حُبُّهُ لإِخْوانِهِ؛[۳] مهر ورزیدن نسبت به برادران دینی، از نشانه‌های دوست داشتنِ دین است.

دوستیِ صمیمی با مؤمن

۱۶-۱۴۱۶ امام صادق علیه‌السلام:

إِنَّ مِنْ حَقِّ الْمُؤمِنِ عَلَى الْمُؤمِنِ الْمَوَدَّةُ لَهُ فى صَدْرِهِ؛[۴] همانا از حقّ مؤمن نسبت به مؤمن دیگر آن است که او را از صمیم قلب دوست داشته باشد.

---

۱. **المحاسن**، ج۱، ص۲۹۳.
۲. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۴، ص۳۸۱.
۳. **مصادقة الإخوان**، ص۷۴.
۴. **الکافی**، ج۲، ص۱۷۱.

ستم به برادر مؤمن، هرگز!

۱۷-۱۴۱۷ امام صادق علیه‌السلام:

اِنَّ الْمُؤمِنَ اَخُو المُؤمِنِ، عَيْنُهُ وَ دَليلُهُ، لايَخُونُهُ وَ لايَظْلِمُهُ وَ لايَغُشُّهُ وَ لايَعِدُهُ عِدَةً فَيُخْلِفَهُ؛[1] مؤمن برادر مؤمن، چشم او و راهنمای اوست، به او خیانت نمی‌کند، نسبت به او ظلم و ستم روا نمی‌دارد، او را گول نمی‌زند و در وعده‌هایش، به او خلف وعده نمی‌کند.

محبّت با زیردستان

۱۸-۱۴۱۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام خطاب به مالک اشتر:

أَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعيَّةِ وَ المَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللُّطْفَ بِهِمْ؛[2] دلت را نسبت به زیردستان سرشار از رحمت کن و به آن‌ها ترحّم نما و (همیشه) نسبت به آن‌ها مهربان و نرم‌خو باش.

عقل و دوستی

۱۹-۱۴۱۹ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

التَّوَدُّدُ إِلَى النّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ؛[3] مهرورزی با مردم، نیمی از خردورزی است.

دوستی و دشمنی مکتبی

۲۰-۱۴۲۰ امام صادق علیه‌السلام:

كُلُّ مَن لَمْ يُحِبَّ عَلَى الدِّينِ وَ لَمْ يُبْغِضْ عَلَى الدِّينِ فَلَا دِينَ لَهُ؛[4] هرکس که دوستی و بغض و کینه‌اش براساس دین الهی نباشد، دین ندارد.

---

۱. همان، ص۱۶۷.
۲. **نهج‌البلاغة**، نامه ۵۳.
۳. **الکافی**، ج۲، ص۶۴۳.
۴. همان، ص۱۲۷.

انصاف با دیگران

۱۴۲۱-۲۱ امام باقر علیه‌السلام:

أَحْبِبْ أَخاكَ الْمُسْلِمَ وَ أَحْبِبْ لَهُ ما تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ أَكْرَهْ لَهُ ما تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ؛[۱] برادر مسلمانت را دوست بدار، و آن‌گونه که خودت را دوست داری، او را دوست داشته باش، و برایش بدی نخواه، آن‌گونه که برای خود نمی‌خواهی.

بیش‌تر دوست بدار!

۱۴۲۲-۲۲ امام صادق علیه‌السلام:

مَا الْتَقَى مُؤمِنانِ قَطُّ إِلاَّ كانَ أَفْضَلُهُما أَشَدَّهُما حُبّاً لِأَخِيهِ؛[۲] وقتی دو مؤمن به هم می‌رسند، کسی فضیلتش بیشتر است که برادر دینی‌اش را بیش‌تر دوست داشته باشد.

نگاه محبت‌آمیز

۱۴۲۳-۲۳ امام سجاد علیه‌السلام:

نَظَرُ المُؤمِنِ فِي وَجْهِ أخيهِ المُؤمِنِ لِلْمَوَدَّةِ و المَحَبَّةِ لَهُ عبادَةٌ؛[۳] نگاه کردن مؤمن به چهره برادر مؤمنش، از روی محبّت و صمیمیّت، عبادت است.

---

۱. **أمالی**، شیخ صدوق، ص۳۲۳.
۲. **الکافی**، ج۲، ص۱۲۷.
۳. **تحف‌العقول**، ص۲۸۲.

مواظبت حریم

۱۴۲۴-۲۴ امام صادق علیه‌السلام:

لاتُذْهِبِ الْحِشْمَةَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ أَخيكَ وَ أَبْقِ مِنْهَا فَإِنَّ ذَهابَ الْحِشْمَةِ ذَهابُ الْحَياءِ وَ بَقاءَ الْحِشْمَةِ بَقاءُ الْمَوَدَّةِ؛[1] احترام و بزرگی خود را، پیش دوستت فرو نگذار؛ بلکه اندازه نگهدار؛ زیرا با رفتن احترام، حیا هم می‌رود؛ همانا با بودن احترام دوستی پایدار خواهد بود.

تأثیرات محبّت

۱۴۲۵-۲۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَوَدَّةُ الْآباءِ قَرابَةٌ بَيْنَ الْأَبْناءِ، وَ الْقَرابَةُ إِلَى الْمَوَدَّةِ اَحْوَجُ مِنَ الْمَوَدَّةِ إِلَى الْقَرابَةِ؛[2] دوستی پدران، خویشاوندی بین فرزندان است، و خویشاوندی، به دوستی محتاج‌تر است تا دوستی به خویشاوندی.

صفای دوستی

۱۴۲۶-۲۶ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

ثَلاثٌ يُصْفِينَ وُدَّ المَرءِ لِأَخيهِ الْمُسْلِمِ: يَلقاهُ بِالْبُشْرِ إِذا لَقِيَهُ وَ يُوَسِّعُ لَهُ فِي الْمَجْلِسِ إِذا جَلَسَ إِلَيْهِ وَ يَدْعُوهُ بِأَحَبِّ الْأَسْماءِ إِلَيْهِ؛[3] سه چیز است که دوستی انسان با برادر مسلمانش را با صفا و زلال می‌کند:

۱. در ملاقات‌ها با او خوش‌رو باشد؛

۲. هرگاه خواست در مجلسی کنارش بنشیند، برای او جا باز کند؛

۳. به بهترین نام‌هایی که دوست دارد، صدایش بزند.

---

۱. همان، ص ۳۷۰.

۲. **نهج‌البلاغة**، حکمت ۳۰۸.

۳. **الکافی**، ج ۲، ص ۶۴۳.

دوستی افسرده

۱۴۲۷-۲۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

لا مَوَدَّةَ لِمَلُولٍ؛[۱] برای شخص افسرده، دوستی و محبت نیست.

نگاه به پدر و مادر

۱۴۲۸-۲۸ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

نَظَـرُ الْوَلَدِ إلى والِدَيْهِ حُبّاً لَهُمَا عِبادَةٌ؛[۲] نگاه کردن فرزند به پدر و مادرش از روی مهر و محبّت، عبادت است.

ثمره دوستی

۱۴۲۹-۲۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلنُّصْحُ ثَمَرَةُ الْمَحَبَّةِ؛[۳] نتیجه و ثمره دوستی، خیرخواهی است.

دوستی در بی‌توقعی

۱۴۳۰-۳۰ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

إذا أَرَدْتَ أَنْ يُحِبَّكَ الْمَخْلُوقُونَ فَاَحْسِنْ اِلَيْهِمْ، وَارْفُضْ ما في أَيْديهِمْ؛[۴] هرگاه خواستی مردم تو را دوست داشته باشند، به آنان نیکی کن و چشم‌داشتی به آن‌چه دارند نداشته باش.

---

۱. **الإرشاد**، ج۱، ص۳۰۳.
۲. **تحف‌العقول**، ص۴۶.
۳. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۲، ص۴۲۹.
۴. **سفینة‌البحار**، ج۱، ص۵۹۹.

محبّت به برادران

۱۴۳۱-۳۱ امام صادق علیه‌السلام:

مِنْ فَضْلِ الرَّجُلِ عِنْدَ اللهِ مَحَبَّتُهُ لِإِخوَانِهِ وَ مَنْ عَرَّفَهُ اللهُ مَحَبَّةَ إِخْوانِهِ أَحَبَّهُ اللهُ؛[1] از برتری‌های انسان در پیش‌گاه خداوند محبت و دوستی او با برادران دینی است، و هرکس خداوند دلش را با محبت برادران آشنا ساخت، او را دوست خواهد داشت.

مؤمنین، پیکر واحد

۱۴۳۲-۳۲ امام باقر علیه‌السلام:

اَلْمُؤمِنُونَ فی تَبارِّهِمْ وَ تَراحُمِهِمْ وَ تَعاطُفِهِمْ، كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكى تَداعَى لَهُ سائِرُهُ بِالسَّهَرِ وَ الحُمَّى؛[2] مؤمنین در نیکی کردن، مهر ورزیدن و دل‌سوزی نسبت به هم مانند یک پیکرند، که اگر عضوی از آن به درد آید، اعضای دیگر آن بی‌خوابی و تب‌داری را تحمل می‌کنند.

مصافحه و اثر آن

۱۴۳۳-۳۳ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

تَصافَحُوا فَإِنَّ التَّصافُحَ يُذْهِبُ السَّخيمَةَ؛[3] به یکدیگر دست بدهید؛ زیرا مصافحه، کینه و دشمنی را از بین می‌برد.

---

۱. **ثواب‌الأعمال**، ص۱۸۵؛ **وسائل‌الشیعة**، ج۱۶، ص۱۸۰.
۲. **بحارالأنوار**، ج۷۴، ص۲۳۴.
۳. **تحف‌العقول**، ص۵۵.

مصافحه با خدا!

۱۴۳۴-۳۴ امام باقر علیه‌السلام:

إِنَّ الْمُؤمِنَينَ إِذَا الْتَقَيَا وَ تَصافَحَا أَدْخَلَ اللهُ يَدَهُ بَيْنَ أَيْديهِمَا فَصافَحَ أَشَدَّهُما حُبّاً لِصاحِبِهِ؛[1] زمانی که دو مؤمن هم‌دیگر را زیارت کنند و مصافحه نمایند، خدا دستش را در بین دست آن‌ها قرار می‌دهد و با آن فردی که دوستش را بیش‌تر دوست دارد، مصافحه می‌کند.

مهر به فرزند

۱۴۳۵-۳۵ امام صادق علیه‌السلام:

اِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ لَيَرْحَمُ الرَّجُلَ لِشِـــدَّةِ حُبِّهِ لِوَلَدِهِ؛[2] به درستی که خداوند متعال به خاطر علاقه و محبّت زیاد مرد نسبت به فرزندش، او را مورد رحمت قرار می‌دهد.

وطن دوستی

۱۴۳۶-۳۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

عُمِّرَتِ الْبُلْدانُ بِحُبِّ الْأَوطانِ؛[3] عمران و آبادی شهرها، به دوست داشتن وطن است.

جامعه بی‌کینه

۱۴۳۷-۳۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام خطاب به مالک اشتر:

أَطْلِقْ عَنِ النّاسِ عُقْدَةَ كُلِّ حِقْدٍ؛[4] گره هر کینه‌ای که از مردم به دل داری بگشای (تا بتوانی به آن‌ها خدمت کنی).

---

۱. **الکافی**، ج۲، ص۱۷۹.
۲. **مکارم‌الأخلاق**، ص۲۰۱.
۳. **تحف‌العقول**، ص۲۰۷.
۴. **نهج‌البلاغة**، نامه ۵۳.

دشمنی با مردم

۱۴۳۸-۳۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

رَأسُ الْجَهْلِ مُعاداةُ النّاسِ؛[۱] سرچشمه نادانی، دشمنی با مردم است.

بهترین برادران

۱۴۳۹-۳۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

خَيْرُ الإِخْوانِ أَعْوَنُهُمْ عَلَى الْخَيْرِ وأَعْمَلُهُمْ بِالْبِرِّ وَأَرْفَقُهُمْ بِالْمُصاحِبِ؛[۲] بهترینِ برادران کسی است که در عمل خیر یاری‌کننده‌تر و در نیکوکاری فعال‌تر و در رفاقت مداراکننده‌تر باشد.

خادمان بهشتی

۱۴۴۰-۴۰ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

ما فی أُمَّتي عَبْـدٌ أَلْطَفَ أَخاهُ فِي اللهِ بِشَيءٍ مِنْ لُطْـفٍ، إِلّا أَخْدَمَهُ اللهُ مِنْ خَدَمِ الْجَنَّةِ؛[۳] در امت من بنده‌ای نیســت که به برادر (دینی) خود اندکی لطف و مهربانی کند، مگر این‌که خداوند خادمی را در بهشت برای خدمت‌گزاری وی می‌گمارد.

---

۱. **عیون‌الحکم و المواعظ**، لیثی، ص۲۶۴.
۲. **تصنیف غرر الحکم**، ص۴۱۷.
۳. **الکافی**، ج۲، ص۲۰۶.

چهل حدیث موفقیت

مهدی عبدی وندرینی

عوامل مختلف، دست به دست هم می‌دهند، تا شرایط را برای تحقق یک «هدف» یا رسیدن انسان به خواسته‌ها و مقاصدش را فراهم سازند؛ نام این بسترسازی و جور شدن شرایط، «توفیق» است.

خیلی‌ها در پی اهداف خود می‌روند، ولی هرگز نمی‌رسند. بسیاری در زندگی، به «موفقیت»های شایانی دست می‌یابند و از عمر و زندگی خویش، بیش‌ترین بهره‌مندی‌ها را دارند.

موفقیت چیست و در چیست؟ چه خصلت‌ها و اعمالی انسان را موفق می‌سازد؟ برای موفقیت در امور فردی و خانوادگی و اجتماعی چه باید کرد؟ انسان‌های موفق از چه ویژگی‌هایی برخوردارند؟ این سؤال‌ها و سؤالات دیگر، در روایات نورانی اهل‌بیت علیهم‌السلام پاسخ داده شده است.

امید است «رمز و راز موفقیت» که در سایه رهنمودهای اولیای الهی در این احادیث به دست می‌آید، چراغ راه ما گردد و به توفیقات برتر که همان کامیابی و فوز و رستگاری در سایه بندگی خداست، دست یابیم.

موفقیت چیست؟

۱۴۴۱-۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

التَّوفيقُ عِنايَةُ الرَّحْمنِ؛[۱] توفیق (موفقیت)، عنایت خدای مهربان است.

درخواست موفقیت

۱۴۴۲-۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

وَ ارْغَبُوا إِلَيْهِ فِي التَّوفيقِ؛ فَإِنَّهُ أُسٌّ وَثيقٌ؛[۲] و از او (خداوند) توفیق طلب کنید؛ زیرا که توفیق بنیادی استوار است.

شکر بر توفیق

۱۴۴۳-۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

نَحْمَدُهُ عَلى ما وَفَّقَ لَهُ مِنَ الطّاعَةِ، وَ ذَادَ عَنْهُ مِنَ الْمَعْصِيَةِ؛[۳] خداوند را برای موفقیتی که به انجام دستورات و ترک گناهان داده است، می‌ستاییم.

نقش مهر الهی در توفیق

۱۴۴۴-۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

إِذا أَحَبَّ اللهُ عَبْداً أَلْهَمَهُ رُشْدَهُ وَ وَفَّقَهُ لِطاعَتِهِ؛[۴] هنگامی که خدا بنده‌ای را دوست بدارد، رشدش را به او الهام کند و به طاعت خویش او را موفق بدارد.

---

۱. **غرر الحکم**، ص۲۰۳.
۲. **نهج‌السعادة فی مستدرک نهج‌البلاغة**، ج۳، ص۱۹۴.
۳. **شرح نهج‌البلاغة**، ابن ابی‌الحدید، ج۱۰، ص۱۶۳.
۴. **عیون‌الحکم و المواعظ**، لیثی، ص۱۳۷.

نشان موفقیت

۱۴۴۵-۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنْ وُفِّقَ لِرَشادِهِ تَزَوَّدَ لِمَعادِهِ؛[۱] هرکس موفق به یافتن راه راست گردد، برای آخرتش توشه گرد آورد.

نشان بی‌توفیقی

۱۴۴۶-۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

لَيْسَ مِنَ التَّوْفيقِ كُفْرانُ نِعَمِ اللهِ؛[۲] ناسپاسی نسبت به نعمت‌های خداوند، از توفیق نیست.

اندیشه و موفقیت

۱۴۴۷-۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنْ تَفَكَّرَ في آلاءِ اللهِ وُفِّقَ؛[۳] هرکس در نعمت‌های خدا بیندیشد، (به هدایت) موفق گردد.

یاد خدا موجب موفقیت

۱۴۴۸-۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

ذِكْرُ اللهِ تُسْتَنْجَحُ بِهِ الْأُمُورُ وَتَسْتَنيرُ بِهِ السَّرائِرُ؛[۴] یاد خدا موجب موفقیت در کارها و روشنایی درون‌ها می‌شود.

---

۱. **غرر الحکم**، ص۱۴۸.
۲. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۱، ص۳۵۳.
۳. **شرح غرر الحکم**، ج۵، ص۳۰۸.
۴. **غرر الحکم**، ص۱۸۹.

ارکان موفقیت

۱۴۴۹-۹ امام جواد علیه‌السلام به نقل از امیرمؤمنان علی علیه‌السلام فرمود:

أَرْبَعُ خِصالٍ تُعينُ الْمَرْءَ عَلَى الْعَمَلِ: الصِّحَّةُ وَالْغِنَى وَالْعِلْمُ وَالتَّوْفيقُ؛[1] چهار چیز انسان را در کارها کمک می‌کند: صحّت، ثروت، علم و توفیق.

لوازم موفقیت

۱۴۵۰-۱۰ امام جواد علیه‌السلام:

الْمُؤْمِنُ يَحْتاجُ إِلَى تَوْفيقٍ مِنَ اللهِ وَ واعِظٍ مِنْ نَفْسِهِ وَقَبُولٍ مِمَّنْ يَنْصَحُهُ؛[2] مؤمن به توفیقی از جانب خدا، و به پندگویی از جانب خودش، و به پذیرش از کسی که او را نصیحت کند، نیاز دارد.

راهنمای موفقیت

۱۴۵۱-۱۱ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

لا دَليلَ أَنْجَحُ مِنَ الْعِلْمِ؛[3] هیچ راهنمایی برای موفقیت، بهتر از دانش نیست.

کلید موفقیت

۱۴۵۲-۱۲ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

مِفْتاحُ الظَّفَرِ لُزُومُ الصَّبْرِ؛[4] کلید موفقیت، تداوم شکیبایی است.

---

۱. **کشف الغمة**، ج۳، ص۱۳۸.
۲. **تحف‌العقول**، ص۴۵۷.
۳. **غرر الحکم**، ص۴۲.
۴. همان، ص۲۸۳.

چراغ موفقیت

۱۳-۱۴۵۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

الدُّعاءُ مَقاليدُ الْفَلاحِ وَمَصابيحُ النَّجاحِ؛[۱] دعا، کلید رستگاری و چراغ موفقیت است.

از وسایل موفقیت

۱۴-۱۴۵۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

لا وَسيلَةَ أَنْجَحُ مِنَ الإيمانِ؛[۲] هیچ وسیله‌ای موفقیت‌آمیزتر از ایمان نیست.

آفت موفقیت

۱۵-۱۴۵۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

آفَةُ النُّجْحِ الْكَسَلُ؛[۳] آفت موفقیت، تنبلی است.

دو شرط موفقیت

۱۶-۱۴۵۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

الظَّفَرُ بالحَزْمِ والجِزْمِ؛[۴] پیروزی (موفقیت) با دوراندیشی و اراده پایدار به دست می‌آید.

موفقیت در سایه کوشش

۱۷-۱۴۵۷ امام رضا علیه‌السلام:

مَنْ سَأَلَ اللهَ التَّوفيقَ وَلَمْ يَجْتَهِدْ فَقَدِ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ؛[۵] هرکس از خدا درخواست موفقیت کند، امّا تلاش و کوشش نکند، در واقع خود را مسخره کرده است.

---

۱. **مجموعة ورام**، ج۲، ص۱۵۴.
۲. **غرر الحکم**، ص۶۲.
۳. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۲، ص۶۸.
۴. **عوالی‌اللئالی**، ج۱، ص۲۹۲.
۵. **کنز الفوائد**، ج۱، ص۳۳۰

موانع موفقیت

۱۴۵۸-۱۸ امام صادق علیه‌السلام:

ثَـلاثٌ يَحْجُزْنَ الْمَرْءَ عَنْ طَلَبِ الْمَعالي: قَصْرُ الْهِمَّةِ وَقِلَّةُ الْحيلَةِ وَضَعْفُ الرَّأْيِ؛[1]

سـه چیز انسان را از دسـت‌یابی به موفقیت بازمی‌دارد: همّت کوتاه، چاره‌اندیشی کم، رأی و نظر سُست.

دورترین افراد از موفقیت

۱۴۵۹-۱۹ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

أَبْعَدُ النّاسِ مِنَ النَّجاحِ الْمُسْـتَهْتِرُ بِاللَّهْوِ وَالْمِزاحِ؛[2] دورترین مردم از موفقیت، کسی است که شیفته سرگرمی و شوخی است.

بزرگ‌ترین موفقیت

۱۴۶۰-۲۰ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

مِنْ أَكْـبَرِ التَّوْفيقِ الْأَخْذُ بِالنَّصيحَةِ؛[3] یکـی از بزرگ‌ترین موفقیت‌ها، به گوش گرفتن نصیحت است.

نقش امیدواری در موفقیت

۱۴۶۱-۲۱ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

الرَّجاءُ لِرَحْمَةِ اللهِ أَنْجَحُ؛[4] امید به رحمت خدا، پیروزی‌بخش‌تر است.

---

۱. **تحف‌العقول**، ص۳۱۸.
۲. **غرر الحکم**، ص۴۶۰.
۳. **عیون‌الحکم و المواعظ**، ص۴۷۲.
۴. **غرر الحکم**، ص۸۳.

نقش نیّت در موفقیت

۱۴۶۲-۲۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنْ حَسُنَتْ نِيَّتُهُ أَمَدَّهُ التَّوْفيقُ؛[۱] هرکس نیّتش خوب باشد، توفیق یار او شود.

نقش اصلاح امور در موفقیت

۱۴۶۳-۲۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

فازَ مَنْ أَصْلَحَ عَمَلَ يَوْمِهِ وَاسْتَدْرَكَ فَوارِطَ أَمْسِهِ؛[۲] کسی که عمل امروزش را درست کند و کوتاهی‌های دیروزش را جبران نماید، پیروزی و موفقیت می‌یابد.

نقش زهد در موفقیت

۱۴۶۴-۲۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

فِي الْعُزُوفِ عَنِ الدُّنْيا دَرْكُ النَّجاحِ؛[۳] موفقیت، در کنار زدن دنیاست.

نقش رازداری در موفقیت

۱۴۶۵-۲۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

أَنْجَحُ الْأُمُورِ ما أَحاطَ بِهِ الْكِتْمانُ؛[۴] موفقیت‌آمیزترین کارها آن است که پنهان‌داشتن، آن را فراگیرد.

---

۱. همان، ص۹۲.
۲. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۲، ص۱۵۱.
۳. **غرر الحکم**، ص۱۳۹.
۴. همان، ص۳۳۴.

نقش اخلاق در موفقیت

۱۴۶۶-۲۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

يَنْبَغي لَنا أَنْ نَطْلُبَ مَكارِمَ الْأَخْلاقِ فَإِنَّها مِمّا تَدُلُّ عَلَى سَبيلِ النَّجاحِ؛[۱] شایسته است در طلب مکارم اخلاق برآییم؛ زیراکه راه موفقیت و پیروزی، در تحصیل مکارم اخلاق است.

نقش تجربه در موفقیت

۱۴۶۷-۲۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

وَمِنَ التَّوْفيقِ حِفْظُ التَّجْرِبَةِ؛[۲] نگه‌داری تجربه (و به کار بستن آن در جای خود) از موفقیت است.

نقش پایداری در موفقیت

۱۴۶۸-۲۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنْ جاهَدَ عَلى اِقامَةِ الْحَقِّ وُفِّقَ؛[۳] کسی که در راه برپا داشتن حقّ، تلاش و پایداری کند، موفق می‌گردد.

نقش اخلاص در موفقیت

۱۴۶۹-۲۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

في إِخْلاصِ النِّيّاتِ نَجاحُ الْأُمُورِ؛[۴] موفقیت در کارها به خالص‌کردن نیّت‌هاست.

---

۱. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۱، ص۱۹۳.
۲. **نظم درر السمطین**، ص۱۵۹.
۳. **غرر الحکم**، ص۳۳۳.
۴. همان، ص۹۳.

نقش مشورت در موفقیت

۱۴۷۰-۳۰ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنْ أَرادَ أَمراً فَشاوَرَ فيهِ إِمْرَءاً مُسْلِماً وَفَّقَهُ اللهُ لِأَرْشَدِ أُمُورِهِ؛[1] هرکس اراده کاری کند و با مرد مسلمانی مشورت کند، خداوند او را به بهترین (معقول‌ترین) کارها موفق می‌دارد.

خوش‌گفتاری و موفقیت

۱۴۷۱-۳۱ امیرمؤمنان علی علیه السلام:

مَنْ حَسُنَ كَلامُهُ كانَ النُّجْحُ أَمامَهُ؛[2] کسی که سخنش نیک و پسندیده باشد، موفقیت پیش رویش خواهد بود.

نرم‌خویی و موفقیت

۱۴۷۲-۳۲ امیرمؤمنان علی علیه السلام:

مَنْ عامَلَ بِالرِّفْقِ وُفِّقَ؛[3] کسی که با مردم با نرم‌خویی رفتار کند، موفق گردد.

راست‌گویی و موفقیت

۱۴۷۳-۳۳ امیرمؤمنان علی علیه السلام:

الصِّدْقُ نَجاحٌ، الْكِذبُ فَضّاحٌ؛[4] راست‌گویی موفقیت‌آمیز، و دروغ‌گویی مایهٔ رسوایی است.

---

۱. **کنز العمال**، ج۳، ص۴۰۹.
۲. **غرر الحکم**، ص۲۱۰.
۳. همان، ص۲۴۴.
۴. همان، ص۲۱۸.

موفقیت‌های دروغین

۱۴۷۴-۳۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مـا ظَفِرَ مَنْ ظَفِرَ الإثْمُ بِهِ وَ الْغالِبُ بِالشَّرِّ مَغْلُوبٌ؛[۱] آن‌کس که گناه بر او چیرگی یابد، پیروز و موفق نشود و آن کس که با بدی موفق شود، شکست خورده است.

دوستی و موفقیت

۱۴۷۵-۳۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

إسْتِفْسادُ الصَّدیقِ مِنْ عَدَمِ التَّوْفیقِ؛[۲] از دست دادن دوست، از نبود موفقیت است.

موفقیت در همسریابی

۱۴۷۶-۳۶ امام صادق علیه‌السلام:

مَنْ نَکَحَ إمْرَأَةً لِمالِها حُرِمَ مالَها وَجَمالَها وَمَنْ نَکَحَ لِلدّینِ وَفَّقَ اللهُ لَهُ الْخَیْرَ وَالْجَمالَ وَالْمالَ؛[۳] کسی که به خاطر ثروت زنی با او ازدواج کند، از ثروت و زیبایی آن زن بی‌بهره می‌شود، و اگـر به خاطر دین‌داری آن زن با او ازدواج کند، خداوند او را موفق می‌کند که از خیر، زیبایی و کمال آن زن بهره‌مند شود.

دنیاطلبی و بی‌توفیقی

۱۴۷۷-۳۷ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

الْمُنْفِقُ عُمُرَهُ فِي طَلَبِ الدُّنْیَا خاسِرُ الصَّفْقَةِ، عادِمُ التَّوفیقِ؛[۴] کسی که عمر خود را در طلب دنیا صرف کند، در این معامله زیان کرده و موفقیت را از دست داده است.

---

۱. **نهج‌البلاغة**، حکمت ۳۲۷.
۲. **غرر الحکم**، ص۲۰۳.
۳. **المقنعة**، ص۵۱۳.
۴. **مجموعة ورام**، ج۲، ص۱۱۸.

موفقیت و روزی حلال

۱۴۷۸-۳۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مِنْ تَوْفیقِ الْمَرْءِ اکْتِسابُهُ الْمالَ مِنْ حِلِّهِ؛[۱] از موفقیت‌های آدمی، به دست آوردن مال از راه حلال است.

موفقیت و توقف

۱۴۷۹-۳۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

وَ مِنَ التَّوْفیقِ الْوُقُوفُ عِنْدَ الْحَیْرَةِ؛[۲] توقف به هنگام حیرت (سرگردانی) یکی از موفقیت‌هاست.

بخل و توفیق

۱۴۸۰-۴۰ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

لَمْ یُوَفَّقْ مَنْ بَخِلَ عَلی نَفْسِهِ بِخَیْرِهِ وَخَلَّفَ مالَهُ لِغَیْرِهِ؛[۳] کسی که بر خود بخل ورزد و مال خود را برای دیگران به جای نهد، به کار خیر موفق نشود.

---

۱. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۳، ص۶۶.
۲. **دستور معالم‌الحکم**، ص۱۹.
۳. **غرر الحکم**، ص۲۹۲.

چهل حدیث نظم و دین داری

علی امیرخانی

از مهم‌ترین اصول موفقیت در زندگی فردی و اجتماعی، نظم و برنامه‌ریزی و استفاده از سرمایه عمر و امکانات مادی و معنوی، و فردی و اجتماعی است.

شناخت هدف، شناخت راه‌های رسیدن به هدف و به کارگیری صحیح قوا و امکانات و فرصت‌ها برای رسیدن به اهداف متعالی، رمز موفقیّت است و در منابع دینی گاهی با عنوان «تدبیر»، «تقدیر»، «نظم»، «حزم»، «اقتصاد»، «فرصت» و... از آن یاد شده است. در آخرین وصیت حضرت علی(ع) هم در بستر شهادت، توصیه به نظم در امور دیده می‌شود.

به کار بستن توصیه به نظم و تدبیر و برنامه‌ریزی که در متون دینی آمده است، هم سپاس عملی مواهب پروردگار است، هم عامل کامیابی انسان در زندگی است.

نظم و دین‌داری

۱۴۸۱-۱ امام صادق علیه‌السلام:

مِنَ الدِّينِ التَّدْبيرُ فِى المَعيشَةِ؛[۱] تدبیر و برنامه‌ریزی در زندگی، از دین است.

آرزوهای بر باد رفته

۱۴۸۲-۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

فَتَـــدارَكْ ما بَقِيَ مِنْ عُمُرِكَ وَ لا تَقُلْ غَداً اَوْ بَعْـــدَ غَدٍ فَإِنَّما هَلَكَ مَنْ كانَ قَبْلَكَ بِإقامَتِهِم عَلَى الأَمانِيِّ وَ التَّسْـــويفِ حَتّى اَتاهُمْ اَمرُاللهِ بَغْتَةً وَ هُمْ غافِلُونَ؛[۲] آن‌چه را که از عمر تو باقی مانده است، دریاب و مگو فردا و پس فردا؛ زیرا پیشینیان تو به آن سبب هلاک شدند که تکیه بر آروزها کردند و امروز و فردا نمودند، تا آن‌که فرمان خدا [مرگ] ناگهان فرارســید، در حالی که غافل بودند.

نقش برنامه‌ریزی در زندگی

۱۴۸۳-۳ امام صادق علیه‌السلام:

اَلتَّقْدِيرُ نِصْفُ الْعَيْشِ؛[۳] برنامه‌ریزی نیمی از زندگی است.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۶۸، ص۳۴۹.
۲. **الکافی**، ج۲، ص۱۳۶.
۳. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۴، ص۴۱۶.

آخرین سفارش‌ها

۱۴۸۴-۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اُوصِیکُما وَ جَمیعَ وُلدِی وَ اَهْلی وَ مَنْ بَلَغَهُ کِتابی بِتَقْوَی اللهِ وَ نَظْمِ اَمرِکُم؛[1] شما (حسن و حسین) و همه فرزندان و خانواده‌ام و هرکس را که نامه من به او می‌رسد، به تقوای الهی و نظم در کارهایتان سفارش می‌کنم.

سیاست برنامه‌ریزی

۱۴۸۵-۵ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

حُسْنُ التَّدْبیرِ وَ تَجَنُّبُ التَّبْذیرِ مِنْ حُسْنِ السِّیاسَةِ؛[2] برنامه‌ریزی صحیح و دوری از اسراف، از سیاست‌های پسندیده است.

برنامه‌ریزی و قناعت

۱۴۸۶-۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

حُسْنُ التَّدْبیرِ مَعَ الْکَفافِ اَکْفَی لَکَ مِنَ الْکَثیرِ مَعَ الإِسْرافِ؛[3] برنامه‌ریزی پسندیده همراه با قناعت، از ثروت زیادی که با اسراف همراه باشد، بهتر است.

پرهیز از کار بیهوده

۱۴۸۷-۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلعاقِلُ مَنْ لایُضیعُ لَهُ نَفَساً فِیما لایَنْفَعُهُ وَ لایَقْتَنِی ما لایَصْحَبُهُ؛[4] عاقل کسی است که یک نَفَس [یک لحظه] به کار بدون فایده نمی‌پردازد و چیزی را که همراهش باقی نمی‌ماند، گرد نمی‌آورد.

---

۱. **نهج‌البلاغة**، نامه ۴۷.
۲. **غرر الحکم**، ص۳۳۱.
۳. **بحارالأنوار**، ج۷۴، ص۲۱۸.
۴. **غرر الحکم**، ص۵۴.

اقدام نسنجیده، ممنوع!

۱۴۸۸-۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

لاتُقْدِمَنَّ عَلی اَمْرٍ حَتّی تَخْبُرَهُ؛[۱] تا کاری را خوب نسنجیده‌ای، به آن اقدام مکن.

دور اندیشی

۱۴۸۹-۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

رَوِّ تَحْزَمْ فَاِذا اسْتَوضَحْتَ فَاجْزِمْ؛[۲] تأمل کن تا دوراندیش باشی؛ پس هنگامی که جوانب کار روشن شد، قاطعانه آن را انجام بده.

برنامه، مانع لغزش

۱۴۹۰-۱۰ امام رضا علیه‌السلام:

مَنْ طَلَبَ الاَمْرَ مِنْ وَجْهِهِ لَمْ یَزِلَّ فَإِنْ زَلَّ لَمْ تَخْذُلْهُ الحِیْلَةُ؛[۳] هرکس کار را از روی برنامه و راهش بجوید، نمی‌لغزد، و اگر هم لغزید، برنامه‌ریزی به کمکش می‌آید.

کار امروز را به فردا نیفکن

۱۴۹۱-۱۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

اَحْزَمُ النّاسِ رَأیاً مَنْ اَنْجَزَ وَعْـدَهُ وَ لَمْ یُؤَخِّرْ عَمَلَ یَومِهِ لِغَدِهِ؛[۴] دوراندیش‌ترین مردم کسی است که به وعده خود عمل کند و کار امروزش را به فردا نیفکند.

---

۱. همان، ص۴۸۲.
۲. **بحارالأنوار**، ج۶۸، ص۳۴۱.
۳. همان، ص۳۴۰.
۴. **غرر الحکم**، ص۴۷۵.

رمز پیروزی

۱۴۹۲-۱۲ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلظَّفَرُ بِالحَزْمِ وَ اَلْجَزْمِ؛[۱] پیروزی با دوراندیشی (برنامه ریزی) و اراده پایدار به دست می‌آید.

فرجام نگری

۱۴۹۳-۱۳ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنْ نَظَرَ فی الْعَواقِبِ سَلِمَ مِنَ النَّوائِبِ ومَنْ فَكَّرَ فِی العَواقِبِ اَمِنَ الْمَعَاطِبَ؛[۲] هرکس عاقبت‌اندیش باشد، در گرفتاری‌ها سالم می‌ماند، و هرکس در عواقب امور بیندیشد، از مهلکه‌ها در امان می‌ماند.

اوّل اندیشه بعد اقدام

۱۴۹۴-۱۴ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در پاسخ سؤال‌کننده‌ای فرمود:

فَإِنِّی اُوْصِیكَ اِذا اَنْتَ هَمَمْتَ بِأَمرٍ فَتَدَبَّرْ عاقِبَتَهُ فَإِنْ یَكُ رُشْداً فَامْضِهِ وَ اِنْ یَكُ غَیّاً فَانتَهِ عَنْهُ؛[۳] به تو سفارش می‌کنم هرگاه خواستی کاری کنی، در عاقبت آن بیندیشی؛ اگر کار درستی بود، آن را انجام بده، و اگر نادرست و گمراه‌کننده بود، از آن خودداری کن.

فرصت‌شناسی

۱۴۹۵-۱۵ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنْ نَاهَزَ الفُرْصَةَ اَمِنَ الغُصَّةَ؛[۴] هرکس فرصت را غنیمت شمرد، از اندوه در امان است.

---

۱. **عوالی اللئالی**، ج۱، ص۲۹۲.
۲. **غرر الحکم**، ص۴۷۶.
۳. **أعلام الدین**، ص۲۳۵.
۴. **غرر الحکم**، ص۴۷۳.

فرصت موجود

۱۶-۱۴۹۶ امام صادق علیه‌السلام:

مَنِ انْتَظَرَ بِمُعاجُلَةِ الفُرصَةِ مُؤَاجَلَةِ الإِستقصَاءِ سَلَبَتْهُ الاَيّامُ فُرْصَتَهُ لِأَنَّ مِنْ شَأنِ الاَيّامِ السَّلَبَ وَ سَبِيلُ الزَّمَنِ الفَوتُ؛[1] هرکس با در دست داشتن فرصت موجود، در انتظار فرصت کاملی در آینده باشد، روزگار همان فرصت را نیز از او برباید؛ زیرا کار روزگار، غارت است و راه و روش زمان، از دست رفتن است.

مؤمن، برنامه ریز

۱۷-۱۴۹۷ امام صادق علیه‌السلام:

اَلْمُؤمِنُ حَسَنُ المَعُونَةِ خَفيفُ المَئُونَةِ جَيِّدُ التَّدبيرِ لِمَعيشَتِهِ؛[2] مؤمن به خوبی به مردم یاری می‌رساند، کم‌هزینه است و دارای نظم و تدبیر نیک در امور زندگی.

نظم در مصرف

۱۸-۱۴۹۸ امام صادق علیه‌السلام:

شَكا قَومٌ اِلَى النَّبِيِّ صلی‌الله‌علیه‌وآله سُرعَةَ نَفَادِ طَعامِهِمْ، فقال: «تَكيلُونَ أو تَهيلُونَ؟» قالوا: «نَهيلُ، يا رَسُولَ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله! (يَعني: الجِزافَ)». قال: «كِيلُوا وَ لا تَهيلُوا فَاِنَّهُ اَعظَمُ لِلْبَرَكَةِ»؛[3] گروهی از این‌که گندم و خوراکشان به زودی تمام می‌شود، به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله شکایت بردند. پیامبر فرمود: «[به هنگام مصرف] پیمانه می‌کنید یا بی‌پیمانه می‌ریزید؟» گفتند: «ای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله! بدون پیمانه می‌ریزیم [یعنی بدون حساب و کتاب]». فرمود: «پیمانه کنید [اندازه و نظم داشته باشید] که این کار برکت را می‌افزاید».

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۷۵، ص۲۶۸.
۲. **وسائل الشیعة**، ج۱۵، ص۱۹۳.
۳. **الکافی**، ج۵، ص۱۶۷.

اعتدال، عامل رشد

۱۹-۱۴۹۹ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

الاِقْتِصَادُ يُنْمِي القَلِيلَ؛[۱] میانه‌روی و نظم، کم را زیاد می‌کند.

پایداری زندگی

۲۰-۱۵۰۰ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

قِوامُ العَيْشِ حُسْنُ التَّقديرِ وَ مِلاكُهُ حُسْنُ التَّدبيرِ؛[۲] پایداری و قوام زندگی به برنامه‌ریزی نیکوست و وسیله رسیدن به آن، مدیریت صحیح است.

برنامه‌ریزی و ایمنی از پشیمانی

۲۱-۱۵۰۱ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلتَّدبيرُ قَبْلَ الْعَمَلِ يُؤْمِنُكَ مِنَ النَّدَمِ؛[۳] عاقبت‌اندیشی پیش از عمل، تو را از پشیمانی در امان دارد.

فقر، نتیجه بی‌برنامگی

۲۲-۱۵۰۲ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

تَرْكُ التَّقْديرِ فِي الْمَعِيشَةِ يُورِثُ الفَقْرَ؛[۴] نداشتن برنامه صحیح در زندگی، نیازمندی و فقر به بار می‌آورد.

---

۱. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۳، ص۵۳.
۲. **غرر الحکم**، ص۳۵۷.
۳. **عیون أخبار الرضا** علیه‌السلام، ج۲، ص۵۳.
۴. **بحارالأنوار**، ج۶۸، ص۳۴۷.

نظم، دلیل خردمندی است

۱۵۰۳-۲۳ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

أَدَلُّ شَیءٍ عَلَی غَزَارَةِ العَقْلِ حُسنُ التَّدبیرِ؛[۱] بزرگ‌ترین دلیل بر خردمندی، برنامه‌ریزی پسندیده است.

مدارا عامل توسعه رزق

۱۵۰۴-۲۴ امام صادق علیه‌السلام:

اَیُّما اَهْلِ بَیْتٍ اُعطُوا حَظَّهُم مِن الرِّفْقِ فَقَدْ وَسَّعَ اللهُ عَلَیهِم فِی الرِّزْقِ وَ الرِّفْقُ فِی تَقدیرِ المَعْیشَةِ خَیرٌ مِنَ السَّعَةِ فِی اَلْمالِ؛[۲] هر خانواده‌ای که بهره خود را از مدارا گرفتند، خدا روزی‌شان را وسعت داد و مدارا در برنامه‌ریزی اقتصادی، از وسعت و فراوانی مالی بهتر است.

برنامه روزانه

۱۵۰۵-۲۵ امام رضا علیه‌السلام:

اِجتَهِدُوا اَنْ یَکُونَ زَمانُکُم أربَعَ ساعاتٍ: ساعةً للهِ لِمُناجاتِهِ وَ ساعةً لِأَمْرِ المَعَاشِ وَ ساعةً لِمُعاشَرَةِ الإِخْوانِ الثِّقاتِ و الذّین یُعَرِّفُونَکُمْ عُیُوبَکُم وَ یُخْلِصُونَ لَکُم فی الباطِنِ وَ ساعةً تَخْلُونَ فیها لِلَذّاتِکُمْ و بِهذِهِ السَّاعَةِ تَقدِرُونَ عَلَی الثَّلاثِ السَّاعَاتِ؛[۳] بکوشید زمانتان را به چهار بخش تقسیم کنید:

۱. زمانی برای مناجات با خدا؛

۲. زمانی برای تأمین معاش؛

۳. زمانی برای معاشرت با برادران و معتمدانی که عیب‌هایتان را به شما می‌شناسانند و در دل شما را دوست دارند؛

---

۱. **غرر الحکم**، ص۳۵۴.
۲. **الکافی**، ج۲، ص۱۱۹.
۳. **بحارالأنوار**، ج۷۵، ص۳۴۶.

۴. ساعاتی برای لذت‌های حلال؛

و با بخش چهارم، توانایی انجام دادن سه بخش دیگر را به دست می‌آورید.

نقش برنامه‌ریزی در کمال

۱۵۰۶-۲۶ امام باقر علیه‌السلام:

اَلْکَمالُ کُلُّ الکَمالِ التَّفَقُّهُ فِی الدِّینِ وَ الصَّبرُ عَلَی النَّائِبَةِ وَ تقدیرُ المَعِیشَةِ؛[1] همه کمال و رشد در شناخت عمیق دین و شکیبایی در پیشامدهای ناگوار و اندازه نگه‌داشتن در زندگی است.

امروز را دریاب

۱۵۰۷-۲۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَاضِی یَومِكَ فائِتٌ وَ آتیهِ مُتَّهَمٌ وَ وَقْتُكَ مُغْتَنَمٌ فَبادِرْ فیهِ فُرصَةَ الإمکانِ؛[2] دیروز از دست رفت و به فردایت یقین نیست؛ پس امروزت را غنیمت شمار و این فرصت فراهم‌شده را دریاب.

زیان‌کار میدان کیست؟

۱۵۰۸-۲۸ امام باقر علیه‌السلام

اِیّاكَ وَ التَّفْریطَ عِنْدَ اِمکانِ الفُرصَةِ فَإِنَّهُ مَیدانٌ یَجْری لِاَهلِهِ بِالْخُسرَانِ؛[3] مبادا فرصت‌های به دست آمده را از دست بدهی، که در این میدان آن که وقت را ضایع کند، زیان می‌بیند.

---

۱. **تحف‌العقول**، ص۲۹۳.
۲. **غرر الحکم**، ص۴۷۳.
۳. **بحارالأنوار**، ج۷۵، ص۱۶۵.

ره‌توشه آینده

۱۵۰۹-۲۹ امام حسن مجتبی علیه‌السلام:

يَابنَ آدَمَ! ... خُذْ مِمّا فی يَدَيْكَ لِما بَيْنَ يَدَيْكَ فَإنَّ المُؤمِنَ يَتَزَوَّدُ وَ الكافِرَ يَتَمَتَّعُ؛[1] ای پســر آدم! از آن‌چه در دست داری، برای آن‌چه در پیش داری بهره‌گیر؛ زیرا مؤمن توشه برمی‌دارد و کافر خوش‌گذرانی می‌کند.

بهره از فرصت‌ها

۱۵۱۰-۳۰ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مَنْ فُتِـحَ لَهُ بابُ خَيرٍ فَلْيَنْتَهِزْهُ فَإنَّهُ لايَدرِی مَتَی يُغْلَقُ عَنْهُ؛[2] هرکس دری از خیر به رویش گشوده شد، باید آن را غنیمت شمرد؛ زیرا نمی‌داند چه وقت در به رویش بسته می‌شود؟

برنامه‌ریزی درمان مشکلات

۱۵۱۱-۳۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنْ قَعَدَ عَنْ حِيلَتِهِ أقامَتْهُ الشَّــدائِدُ؛[3] هرکس به چاره‌اندیشی و برنامه‌ریزی برنخیزد، سختی‌ها او را به ایستادن وادار کنند.

اوّل اندیشه، وانگهی گفتار

۱۵۱۲-۳۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

قَدِّرْ ثُمَّ اقْطَعْ وَ فَكِّرْ ثُمَّ انطِقْ وَ تَبَيَّنْ ثُمَّ اعْمَلْ؛[4] اندازه‌گیری کن، ســپس بِبُر؛ بیندیش، سپس بازگوی؛ و برنامه‌ریزی کن، سپس به کار اقدام کن.

---

۱. همان، ص۱۱۲.
۲. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۲، ص۱۴۰.
۳. **غرر الحکم**، ص۴۶۳.
۴. همان، ص۶۱.

مهم‌تر را دریاب

۱۵۱۳-۳۳ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنِ اشْتَغَلَ بِغَيْرِ المُهِمِّ ضَيَّعَ الأَهَمَّ؛[۱] آن کس که به امور غیرمهم خود را مشغول سازد، مهم‌تر را از دست می‌دهد.

کمال ایمان

۱۵۱۴-۳۴ امام باقر علیه‌السلام:

لايَسْتَكمِلُ عبدٌ حَقيقَةَ الإيمَانِ حَتّى يَكونَ فيهِ خِصَالٌ ثَلاثٌ: اَلتَّفَقُّهُ فِى الدِّينِ وَ حُسْنُ التَّقْديرِ فِى المَعيشَةِ وَ الصَّبْرُ عَلَى الرَّزَايَا؛[۲] ایمان بنده‌ای به کمال نمی‌رسد، مگر این‌که سه خصلت در او باشد:

۱. دین را درست وکامل بفهمد؛

۲. در زندگی خوب برنامه‌ریزی کند؛

۳. در برابر بلاها بردبار باشد.

تقسیم فرصت روزانه

۱۵۱۵-۳۵ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

يَنْبَغِي لِلْعاقِلِ إذا كانَ عَاقِلاً اَنْ يَكُونَ لَهُ اَربَعُ ساعاتٍ مِنَ النَّهارِ ساعةٌ يُناجِي فِيها رَبَّهُ وَ ساعةٌ يُحاسِبُ فيها نَفسَهُ و ساعةٌ يَأتِي اَهلَ الْعِلْمِ الَّذينَ يَنْصُرُونَهُ فى اَمرِ دِينِهِ وَ يَنْصَحُونَهُ و ساعةٌ يُخَلِّي بَينَ نَفْسِهِ وَ لَذَّتِها مِن اَمرِ الدُّنْيَا فيما يَحِلُّ و يُحمَدُ؛[۳] شایسته است انسان عاقل برای زندگی خویش برنامه‌ریزی کند و روز خود را به چهار بخش تقسیم نماید:

---

۱. همان، ص۴۷۷.

۲. **بحارالأنوار**، ج۶۴، ص۳۰۰.

۳. همان، ج۱، ص۱۳۱.

۱. بخشی را برای عبادت پروردگار خود؛

۲. بخشی دیگر را به حساب‌رسی خود بگذراند؛

۳. بخش سوم را به معاشرت با دانشمندانی که وی را در امر دینش یاری دهند، صرف کند؛

۴. در بخش چهارم به کام‌رانی و لذت‌های مشروع و پسندیده دنیوی بپردازد.

هیزم چین شب مباش

۱۵۱۶-۳۶ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

لاتَكُنْ فيما تُورِدُ كَحاطِبِ لَيْلٍ وَ غُثاءِ سَيْلٍ؛[1] در آن‌چه فراهم می‌آوری، مانند هیزم‌چین شب و گردآورنده کف روی سیل نباش (که از خود اختیاری ندارد و دیگری او را می‌برد).

عاقبت‌اندیش باش

۱۵۱۷-۳۷ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنْ تَوَرَّطَ فِي الأُمُورِ بِغَيرِ نَظَرٍ فِي الْعَواقِبِ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلنَّوائِبِ؛[2] هرکس بدون عاقبت‌اندیشی در کارها دست به کاری زند، خود را گرفتار سختی و مصیبت‌ها کرده است.

برنامه‌ریزی در تهذیب

۱۵۱۸-۳۸ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنْ حاسَبَ نَفْسَهُ وَقَفَ عَلى عُيُوبِهِ وَاَحاطَ بِذُنُوبِهِ وَاسْتَقالَ الذُّنُوبَ وَ اَصْلَحَ الْعُيُوبَ؛[3] هرکس به محاسبه نفس خود بپردازد، به عیب‌هایش آگاه شده، به گناهانش پی برده و آن‌ها را جبران، و عیب‌های خود را برطرف می‌سازد.

---

۱. **غرر الحکم**، ص۴۷۸.

۲. **تحف‌العقول**، ص۸۸.

۳. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۲، ص۱۵۴.

انضباط دل‌ها

۱۵۱۹-۳۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اِستَوُوا و لا تَختَلِفُوا فَتَختَلِفَ قُلُوبُکُمْ؛[۱] (در صفوف نماز جماعت) منظم باشید؛ زیرا بی‌انضباطی صفوف دل‌های شما را هم دچار اختلاف می‌کند.

اوّل شناخت، بعد اقدام

۱۵۲۰-۴۰ امام جواد علیه السلام:

مَنْ لَمْ یَعْرِفِ المَوارِدَ اَعْیَتْهُ المَصادِرُ؛[۲] هرکس راه‌های ورود را نشناسد، هنگام خروج در می‌ماند.

---

۱. همان، ج۶، ص۵۰۷.

۲. **بحارالأنوار**، ج۶۸، ص۳۴۰.

چهل حدیث وظائف مسلمانی

علی‌اصغر قربانی

مهم‌ترین تکلیف برای یک مسلمان خداباور و معتقد به مبدأ و معاد، حرکت بر مدار دین و کسب رضای خداوند است و این موضوع جز با دانستن حلال و حرام الهی و انجام وظیفه شرعی و زندگی در مسیر عبودیّت و بندگی، فراهم نمی‌آید.

رضای خداوند، از طریق «اوامر» و «نواهی» بیان شده است، از این رو کسی که چهارچوب تکالیف دینی را می‌شناسد و در آن محدوده عمل می‌کند، حق طاعت و عبودیّت را به جا آورده است.

ناب‌ترین سخنان در رهنمودها که ما را با خواسته‌های پروردگارمان آشنا می‌سازد، احادیث حضرت رسول ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام است که متّصل به مبدأ وحی و حکمت‌اند.

در چهل حدیث نورانی که پیش رو دارید، هم اهتمام به انجام فرایض و ترک محرّمات مطرح است، هم نمونه‌هایی از واجبات و محرّمات دینی و تکالیف اخلاقی، که رعایت آن‌ها نشانه «مسلمانی» و سستی و سهل‌انگاری در آن‌ها، حکایت از ضعف ایمان دارد.

اطاعت و ولایت

۱۵۲۱-۱ امام باقر علیه‌السلام:

وَ اللهِ! مـا مَعَنا مِـنَ اللهِ بَراءَةٌ وَ لا بَيْنَنا وَ بَيْنَ اللهِ قَرابَـةٌ، وَ لا لَنا عَلَى اللهِ حُجَّةٌ، وَ لا نَتَقَـرَّبُ اِلَى اللهِ اِلاّ بِالطّاعَةِ، فَمَنْ كانَ مِنْكُمْ مُطيعـاً للهِ تَنْفَعُهُ وَلايَتُنا، وَ مَنْ كانَ مِنْكُمْ عاصياً للهِ لَمْ تَنْفَعْهُ وَلايَتُنا، وَيْحَكُمْ لاتَغْتَرُّوا، وَيْحَكُمْ لاتَغْتَرُّوا؛[1] به خدا سوگند! هیچ امان‌نامه‌ای از خدا با خود نداریم. باخدا نیز هیچ رابطه خویشاوندی نداریم. هیچ دسـت‌آویز و برهان محکمی نیز در مقابل خدا نداریم و بـرای نزدیکی به خدا جز در راه فرمان برداری او گام نمی‌نهیم. هرکسـی که مطیع خدا باشـد، ولایت ما به حال او سودمند است؛ و هرکسی که نافرمان باشد، دوستی ما به حالش سودمند نخواهد بود. هشدار که فریب نخورید، هشدار که فریب نخورید.

با خدا باش

۱۵۲۲-۲ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از قول خداوند متعال فرموده است:

اَيُّمـا عَبْدٍ اَطاعَنِي لَمْ أَكِلْهُ اِلى غَيْرِي؛ وَ اَيُّما عَبْدٍ عَصانِي وَكَلْتُهُ اِلى نَفْسِـهِ، ثُمَّ لَمْ اُبـالِ فى اَىِّ وادٍ هَلَكَ؛[2] هر بنده‌ای که از من فرمان‌برداری کند، به دیگران واگذارش نمی‌کنم؛ و هر بنـده‌ای که نافرمانی کند، او را به خودش وا می‌نهم؛ و پروایی هم ندارم که در کدام درّه (و سرزمین) هلاک و نابود شود.

---

۱. **وسائل الشیعة**، ج۱۱، ص۱۸۵.
۲. **وسائل الشیعة**، ج۱۱، ص۱۸۵.

حضور در صحنه تکلیف

۱۵۲۳-۳ امام کاظم علیه‌السلام به یکی از فرزندان خود فرمودند:

یـا بُنَیَّ! اِیّاكَ أَنْ یَراكَ اللّهُ فی مَعْصِیَةٍ نَهاكَ عَنْها؛ وَ إِیّاكَ اَنْ یَفْقِدَكَ اللّهُ عِنْدَ طَاعَةٍ اَمَرَكَ بِها؛[1] پسرم! بر حذر باش که خدا تو را در حال گناهی ببیند که از آن نهی فرموده است! و بر حذر باش که خدا تو را در طاعتی که به انجام آن دستور داده است، نیابد.

شرط سلامت امّت

۱۵۲۴-۴ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

لاتَزالُ اُمَّتی بِخَیْرٍ مَا تَحابُّوا وَ تَهادُوا وَ اَدَّوا الأَمانَةَ وَ اجْتَنَبُوا الْحَرامَ وَ قَرَوْا الضَّیْفَ وَ أَقَامُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّکَاةَ، فَاِذا لَمْ یَفْعَلُوا ذَلِكَ اِبْتَلَوْا بِالْقَحْطِ وَ السِّنینِ؛[2] امت من پیوسته در خوبی و کام‌روایی هستند، تا هم‌دیگر را دوست داشته و به هم هدیه دهند، و امانت‌دار بوده، از حرام پرهیز کرده، از مهمان پذیرایی نمایند، نماز بر پا دارند و زکات بپردازند؛ اگر این‌ها را انجام ندهند، (به کیفر) خشک‌سالی گرفتار خواهند شد.

بهترین راه تقرّب

۱۵۲۵-۵ امام صادق علیه‌السلام از قول خدای تعالی می‌فرماید:

ما تَحَبَّبَ اِلَیَّ عَبْدی بِأَحَبَّ مِمّا اِفْتَرَضْتُ عَلَیه؛[3] هیچ کاری به اندازه انجام واجب، بنده‌ام را پیش من محبوب نمی‌کند.

---

۱. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۲، ص۳۵۵.
۲. **وسائل‌الشیعة**، ج۱۱، ص۲۰۲.
۳. **الکافی**، ج۲، ص۸۲.

مراقبت از نگاه

۱۵۲۶-۶ امام صادق علیه‌السلام:

كُلُّ عَـيْنٍ بَاكِيَةٌ يومَ القِيامةِ اِلَّا ثَلاثَةُ اَعْيُنٍ: عَـيْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحارِمِ اللّهِ، وَ عَيْنٌ سَهَرَتْ فِي طاعَةِ اللّهِ، وَ عَيْنٌ بَكَتْ فِي جَوْفِ اللَّيلِ مِنْ خَشْيَةِ اللّهِ؛[1] روز رستاخیز تمام دیده‌ها گریان است، مگر چشم سه گروه:

۱. کسانی که چشم از حرام فرو بستند؛

۲. کسانی که در راه طاعت شب بیدار ماندند؛

۳. کسانی که در دل شب از بیم خدا اشک فشاندند.

سه وظیفه دشوار

۱۵۲۷-۷ امام صادق علیه‌السلام:

اَشَـدَّ الأَعْمالِ ثَلاثَةٌ: اِنْصافُ النّاسِ مِنْ نَفْسِـكَ حَتّى لاتَرْضى لَها مِنْهُمْ بِشَيءٍ اِلاّ رَضيْتَ لَهُمْ مِنها بِمِثْلِه، وَمُواساتُكَ الأَخَ فِي المالِ، وَ ذِكرُ اللّهِ عَلى كُلِّ حالٍ؛[2] سه کار بسیار سخت است:

۱. برخورد منصفانه با مردم، تا آن‌جا که چیزی برای خود نپسندی، مگر آن‌که مانند آن را برای آن‌ها بپسندی؛

۲. هم‌راهی و هم گامی مالی با برادر (دینی)؛

۳. ذکر خدا در هر حال.

---

۱. **الکافی**، ج۲، ص۸۰.

۲. همان، ص۱۴۴.

مراعات حلال و حرام

۱۵۲۸-۸ امام صادق علیه‌السلام:

مَنْ أَقَامَ فَرائِضَ اللهِ، وَ اِجْتَنَبَ مَحارِمَ اللهِ، وَ اَحْسَنَ الْوِلايَةَ لِأَهْلِ بَيْتِي، وَ تَبَرَّأَ مِنْ اَعْداءِ اللهِ، فَلْيَدْخُلْ مِنْ اَيِّ اَبْوابِ الْجَنَّةِ الثَّمانِيَةِ شاءَ؛[1] هرکس واجبات را بر پا دارد، از حرام‌ها دوری کند، با خاندانم دوستی‌اش نیکو باشد و از دشمنان خدا بیزاری جوید، از هر یک از درهای هشت‌گانه بهشت بخواهد، وارد می‌شود.

عابدترین مردم

۱۵۲۹-۹ امام سجّاد علیه‌السلام:

مَنْ عَمِلَ بِمَا اِفْتَرَضَ اللهُ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ اَعْبَدِ النّاسِ؛[2] کسی که به واجبات الهی عمل کند، عابدترین مردم است.

سخاوت‌مندترین مردم

۱۵۳۰-۱۰ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مَنْ اَدّى ما افْتَرَضَ اللهُ عَلَيهِ فَهُوَ مِنْ اَسْخَى النّاسِ؛[3] کسی که تکلیف واجب خدا را (در مسائل مالی) ادا کند، سخاوت‌مندترین مردم است.

باتقواترین مردم

۱۵۳۱-۱۱ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

إِعْمَلْ بِفَرائِضِ اللهِ تَكُنْ أَتْقَى النّاسِ؛[4] به وظایف الهی عمل کن تا باتقواترین مردم باشی.

---

۱. **وسائل‌الشیعة**، ج۱۱، ص۲۰۴.
۲. **الکافی**، ج۲، ص۸۴.
۳. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۲، ص۳۴.
۴. **الکافی**، ج۲، ص۸۲.

بخیل کیست؟

۱۵۳۲-۱۲ امام کاظم علیه‌السلام:

اَلبَخِیلُ مَنْ بَخِلَ بِما اِفْتَرَضَ اللهُ عَلَیهِ؛[۱] بخیل کسی است که از ادای واجب الهی بخل ورزد.

محبوب‌ترین بندگان

۱۵۳۳-۱۳ امام صادق علیه‌السلام:

اَحَبُّ العِبادِ اِلَی اللهِ تَعَالَی؛ رَجُلٌ صَدُوقٌ فی حَدیثِهِ، مُحافِظٌ عَلی صَلاتِهِ وَ ما افْتَرَضَ اللهُ عَلَیهِ، مَعَ اَداءِ الأَمانَةِ؛[۲] دوست‌داشتنی‌ترین بنده نزد خدا کسی است که:

۱. راستگو باشد؛ ۲. بر انجام نماز و تمام واجبات مواظبت کند؛ ۳. امانت‌دار باشد.

شیعه کیست؟

۱۵۳۴-۱۴ امام باقر علیه‌السلام:

شیعَتُنا مَنْ أَطاعَ اللهَ؛[۳] شیعه ما کسی است که خدا را اطاعت کند.

ضمانت بهشت

۱۵۳۵-۱۵ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

اَلْفَرائِضَ، اَلْفَرائِضَ، أَدُّوها اِلَی اللهِ تُؤَدِّکُمْ اِلَی الْجَنَّةِ؛[۴] واجبات را، واجبات را! آن‌ها را ادا کنید، تا شما را وارد بهشت کنند.

---

۱. همان، ج۴، ص۴۵.
۲. **وسائل‌الشیعة**، ج۱۳، ص۲۱۹.
۳. **بحارالأنوار**، ج۷۵، ص۱۸۶.
۴. **نهج‌البلاغة**، خطبه ۱۶۵.

عاقبت اندیشی

۱۵۳۶-۱۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنْ اَحْسَنَ فِی ما بَقِیَ مِنْ عُمْرِهِ لَمْ یُؤاخَذْ بِما مَضی مِنْ ذَنْبِهِ، وَ مَنْ أَساءَ فِی ما بَقِیَ مِنْ عُمْرِهِ أُخِذَ بِالأَوَّلِ وَ الآخِرِ؛[1] کسی که در باقی‌ماندهٔ عمرش نیکوکار باشد، از گناهان گذشته‌اش مؤاخذه نمی‌شود؛ و کسی که در باقی‌ماندهٔ عمرش بدکار باشد، دربارهٔ گناهان گذشته و آیندهٔ خود بازخواست می‌شود.

عمل! عمل!

۱۵۳۷-۱۷ وصیت امیرمؤمنان علی علیه السلام به فرزندش امام حسین علیه السلام:

یابُنَیَّ! اُوصِیکَ بِتَقْوَی اللهِ فِی الغِنی وَ الْفَقْرِ، وَ کَلِمَةِ الحَقِّ فِی الرِّضَی وَ الْغَضَبِ، وَ الْقَصْدِ فِی الغِنی وَ الْفَقْرِ، وَ بِالْعَدلِ عَلَی الصَّدیقِ وَ الْعَدُوِّ وَ بِالعَمَلِ فِی النَّشاطِ وَ الکَسَلِ، وَ الرِّضَی عَنِ اللهِ فِی الشِّدَّةِ وَ الرَّخاءِ؛[2] پسرم! سفارشت می‌کنم که در حال فقر و غنا، تقوا داشته باشی، در خوشی و ناراحتی، حق گویی، در حال نیازمندی و بی‌نیازی میانه‌رو باشی، با دوست و دشمن عدالت داشته باشی، در حال نشاط و سستی عمل کنی، و از خدا در حال سختی و فراخی خشنود باشی.

آمادگی برای مرگ

۱۵۳۸-۱۸ به امیرمؤمنان علی علیه السلام گفتند: آمادگی برای مرگ چگونه است؟ فرمود:

أَداءُ الفَرائِضِ وَ اجْتِنابُ المَحارِمِ وَ الاِشْتِمالُ عَلَی المَکارِمِ، ثُمَّ لایُبالی أَ وَقَعَ عَلَی الْمَوتِ اَمْ وَقَعَ المَوتُ عَلَیْهِ؛[3] انجام واجبات و ترک محرّمات و داشتن مکارم اخلاق است؛ پس از این، باکی ندارد که او به سراغ مرگ رود، یا مرگ به سراغ او آید.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۷۴، ص۱۱۳.
۲. **تحف‌العقول**، ص۸۸.
۳. **بحارالأنوار**، ج۷۴، ص۳۸۲.

محبت و اطاعت

۱۵۳۹-۱۹ امام باقر علیه‌السلام به جابر بن یزید جعفی فرمود:

یا جابرُ! بَلِّغْ شِیعَتی عَنّی السَّلامَ وَ اَعْلِمْهُمْ اَنَّهُ لاقَرابَةَ بَیْنَنا وَ بَیْنَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ وَلایُتَقَرَّبُ اِلَیْهِ اِلاّ بِالطّاعَةِ لَهُ. یا جابرُ! مَنْ اَطاعَ اللهَ وَ اَحَبَّنا فَهُوَ وَلِیُّنا وَ مَنْ عَصَی اللهَ لَمْ یَنْفَعْهُ حُبُّنا؛[1] جابر! سلام مرا به شیعیانم برسان و از جانب من به آنان بگو: بین ما و خدا رابطه خویشاوندی نیست، و برای نزدیک شدن به او راهی جز فرمان‌برداری نیست. ای جابر! کسی که از خدا اطاعت کند و ما را دوست بدارد، او از دوستان ماست و کسی که خدا را نافرمانی کند، دوستی ما به حالش سودی ندارد.

میزان نماز است

۱۵۴۰-۲۰ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

إعْلَمْ اَنَّ کُلَّ شَیءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبَعٌ لِصَلاتِكَ، فَمَنْ ضَیَّعَ الصَّلاةَ فَاِنَّهُ لِغَیرِها اَضْیَعُ؛[2] بدان! هر یک از کارهای تو تابع نماز توست؛ پس کسی که نماز را ضایع کند، قطعاً دیگر کارها را بیش‌تر ضایع می‌کند.

هر چیزی به جای خویش

۱۵۴۱-۲۱ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

یا کُمَیْلُ! لا رُخْصَةَ فی فَرْضٍ وَ لاشِدَّةَ فی نافِلَةٍ؛[3] ای کمیل! در هیچ واجبی جای اجازه (برای ترک) نیست، و در هیچ نافله و عمل مستحبّی جای سخت‌گیری نیست.

---

۱. همان، ج۷۵، ص۱۸۲.
۲. همان، ج۷۴، ص۳۹۰.
۳. همان، ص۲۷۳.

ارزش اطاعت

۱۵۴۲-۲۲ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

وَ اَحُثُّكُمْ عَلى طاعَةِ اللهِ، فَاِنَّها كَهْفُ العابدينَ، وَ فَوزُ الفائزينَ، وَ اَمانُ المُتَّقِينَ؛[1]

شما را به اطاعت خدا فرا می‌خوانم؛ زیرا آن پناه‌گاه عابدان و مقصود رستگاران و امان‌نامهٔ تقواپیشگان است.

خداترسی

۱۵۴۳-۲۳ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مَنْ تَرَكَ مَعْصِيَةَ اللهِ مَخافَةً لِلّهِ تَبارَكَ وَ تَعالى أَرْضاهُ اللهُ يَومَ القِيامَةِ؛[2] کسی که برای خدا و از بیم او گناهی را ترک کند، خدای تعالی روز رستاخیز او را خشنود خواهد ساخت.

محروم از حوض کوثر

۱۵۴۴-۲۴ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

لَيس مِنّي مَنْ اِسْتَخَفَّ بِصَلاتِه؛ لايَرِدُ عَلَيَّ الْحَوضَ لا وَ اللهِ! لَيس مِنّي مَنْ شَرِبَ مَسْكِراً؛ لايَرِدُ عَلَيَّ الحوضَ لا و اللهِ![3] کسی که نمازش را سبک بشمارد، از من نیست، و به خدا سوگند! مرا در کنار حوض کوثر ملاقات نخواهد کرد. کسی که مست‌کننده‌ای بنوشد، از من نیست، و به خدا سوگند! مرا در کنار حوض کوثر ملاقات نخواهد کرد.

پرهیز از غفلت و سستی

۱۵۴۵-۲۵ امام صادق علیه‌السلام:

إيّاكُمْ وَ الغَفْلَةَ، فَاِنَّهُ مَنْ غَفَلَ فَاِنَّما يَغْفُلُ عَنْ نَفْسِهِ، وَ إيّاكُمْ وَ التَّهاوُنَ بِاَمْرِ

---

۱. همان، ص۳۷۴.
۲. **الکافی**، ج۲، ص۸۱.
۳. **وسائل الشیعة**، ج۳، ص۱۶.

اللهِ عَزَّوَجَلَّ فَاِنَّهُ مَنْ تَهاوَنَ بِاَمْرِاللهِ اَهانَهُ اللهُ يَومَ القِيامَةِ؛[1] هشدار! از خدا غافل نشوید؛ زیرا کسی که از خدا غافل شود، از خویش غافل شده است، و هشدار! دستور خدا را سبک نشمارید؛ زیرا کسی که دستور خدا را سبک شمارد، خدا روز قیامت وی را سبک و خوار کند.

ذکر زبانی یا اطاعت عملی

۱۵۴۶-۲۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنْ اَطاعَ اللهَ فَقَدْ ذَكَرَ اللهَ وَاِنْ قَلَّتْ صَلاتُه وَ صِيامُهُ وَ تِلاوَتُهُ لِلْقُرآنِ، وَ مَنْ عَصَى اللهَ فَقَدْ نَسِيَ اللهَ وَاِنْ كَثُرَتْ صَلاتُهُ و صِيامُهُ وَ تِلاوتُهُ لِلْقُرآنِ؛[2] کسی که از خدا اطاعت کند، بی‌تردید خدا را یاد کرده؛ هر چند نماز و روزه و تلاوت قرآنش اندک باشد، و کسی که نافرمانی خدا کند، خدا را فراموش کرده، هر چند نماز و روزه و تلاوت قرآنش فراوان باشد.

کوچک مشمار!

۱۵۴۷-۲۷ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

اِنَّ اللهَ تبارك وَ تَعالى اَخْفَى اَرْبَعَةً فى اَرْبَعَةٍ:

اَخْفَى رِضاهُ فَى طاعَتِهِ، فَلاتَسْتَصْغِرَنَّ شيئاً مِنْ طاعتِهِ فَرُبَّما وافَقَ رِضاهُ وَ اَنْتَ لاتَعْلَمُ؛

وَ اَخْفَى سَخَطَهُ فى مَعْصِيَتِهِ، فَلاتَسْتَصْغِرَنَّ شيئاً مِنْ مَعْصِيَتِهِ فَرُبَّما وَافَقَ سَخَطَهُ وَ اَنْتَ لاتَعْلَمُ؛

وَ اَخْفَى اِجابَتَه فى دَعْوتِه، فَلاتَسْتَصْغِرَنَّ شيئاً مِنْ دُعائِهِ فَرُبَّما وافَقَ اِجابَتَهُ وَ اَنْتَ لاتَعْلَمُ؛

وَ اَخْفَى وَلِيَّه فى عِبادِه، فَلاتَسْتَصْغِرَنَّ عَبْداً مِنْ عَبيدِاللهِ فَرُبَّما يَكُونُ وَلِيَّهُ وَ اَنْتَ

---

۱. ثواب‌الاعمال، ص۲۰۳.

۲. وسائل‌الشیعة، ج۱۱، ص۲۰۳.

لاتَعْلَمُ؛[1] خدای تعالی چهار چیز را در چهار چیز پنهان کرده است:

۱. خشنودی خود را در فرمان‌برداری‌اش پنهان کرده؛ پس هیچ فرمان خدا را کوچک مشمار؛ زیرا ممکن است طاعت تو با رضای خدا موافق باشد و تو از آن بی‌خبر باشی؛

۲. ناخشنودی خود را در نافرمانی‌اش پنهان کرده؛ پس هیچ معصیتی را ناچیز مشمار؛ زیرا ممکن است آن گناه مصادف با ناخشنودی خدا شده و تو از آن بی‌خبر باشی؛

۳. اجابت را در بین دعاها پنهان کرده؛ پس هیچ دعایی را کوچک مشمار؛ زیرا شاید دعای تو با اجابت وی قرین باشد و تو از آن بی‌خبر باشی؛

۴. ولیّ خود را در میان بندگانش پنهان کرده؛ پس هیچ بنده‌ای را حقیر مشمار؛ چراکه شاید همان ولیّ خدا باشد و تو ندانی.

حقیقت تقوا

۲۸-۱۵۴۸ ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام درباره تفسیر سخن خدا که فرموده: ﴿اَتَّقُوا اللّٰهَ حَقَّ تُقَاتِهِ﴾[2] سؤال کردم. امام علیه‌السلام فرمود:

يُطاعُ فَلا يُعصى، وَ يُذْكَرُ فَلايُنْسى، وَ يُشْكَرُ فَلايُكْفَرُ؛[3] [تفسیر این جمله آن است که] خدای تعالی اطاعت شود نه نافرمانی، و یاد شود، نه فراموش؛ و سپاس‌گزاری شود نه ناسپاسی.

عزّت در سایه اطاعت

۲۹-۱۵۴۹ امام حسن مجتبی علیه‌السلام:

اِذا اَرَدْتَ عِزّا بِلاعَشيرَةٍ، وَ هَيبَةً بِلاسُلطانٍ، فَاخْرُجْ مِنْ ذُلِّ مَعْصِيَةِ اللّٰهِ اِلى عِزِّ

---

۱. **الخصال**، ج۱، ص۹۸.
۲. آل عمران/۱۰۲.
۳. **وسائل الشیعة**، ج۱۱، ص۱۸۶.

طاعــةِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ؛[1] اگر می‌خواهی بدون قبیله و عشــیره عزیز باشــی و بدون حکومت و سلطنت، هیبت و شکوه داشته باشی، از خواری و ذلت گناه و نافرمانی خدا بیرون آی و به عزّت طاعت خدا روی آور.

روشنی چشم، در سایه بندگی

۱۵۵۰-۳۰ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اَلطّاعَةُ قُرَّةُ العَيْنِ؛[2] طاعت خدا باعث روشنی چشم است.

کرامت در سایه اطاعت

۱۵۵۱-۳۱ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

لَيسَ عَلَى وَجْهِ الأَرْضِ اَكْرَمُ عَلَى اللهِ سُبحانَه مِنَ النَّفْسِ الْمُطيعَةِ لِأَمْرِهِ؛[3] پیش خدای سبحان در روی زمین، گرامی‌تر از فرمان‌بردار خداوند نیست.

صبر بر طاعت

۱۵۵۲-۳۲ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

مَعاشِرَ شيعَتي! إِصْبِرُوا عَلَى عَمَلٍ لاغِنى بِكُمْ عَنْ ثَوابِه وَ صَبِّرُوا عَنْ عَمَلٍ لاصَبْرَ لَكُمْ عَلى عِقابِه؛ إِنّا وَجَدْنا الصَّبْرَ عَلى طاعَةِ اللهِ اَهْوَنُ مِنَ الصَّبْرِ عَلى عَذابِ اللهِ؛[4] ای شیعیان من! بر عملی که از پاداش آن بی‌نیاز نیستید (عمل واجب)، شکیبا باشید و از عملی که تاب تحمّل عقاب آن را ندارید (عمل حرام)، خویشتن‌داری کنید؛ چراکه ما دریافتیم که صبر بر طاعت خدا آسان‌تر است از صبر بر عذاب وی.

---

۱. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۱، ص۲۵۸.
۲. **بحارالأنوار**، ج۶۷، ص۱۰۵.
۳. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۱، ص۲۵۹.
۴. **أمالی**، شیخ صدوق، ص۱۷۰.

بهشت فوری یا دوزخ فوری؟

۱۵۵۳-۳۳ امام صادق علیه‌السلام:

ثَلاثَةٌ يُدْخِلُهُمُ اللهُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسابٍ، وَ ثَلاثَةٌ يُدْخِلُهُمُ اللهُ النّارَ بِغَيْرِ حِسابٍ:

فَاَمَّا الَّذينَ يُدْخِلُهُمُ اللهُ الْجَنَّةَ بِغَيرِ حِسـابٍ؛ فَاِمامٌ عادِلٌ، وَ تاجِرٌ صَدُوقٌ وَ شَيْخٌ اَفْنى عُمْرَهُ فِي طاعَةِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ.

وَ اَمَّا الثَلاثَةُ الَّذينَ يُدْخِلُهُمُ اللهُ النّارَ بِغَيْرِ حِسـابٍ؛ فَاِمامٌ جائِرٌ وَ تاجِرٌ كَذُوبٌ وَ شَيخٌ زانٍ؛[1] سه گـروه بدون حساب‌رسـی (و بی‌معطّلی) وارد بهشت، و سه جماعت هم بدون حساب‌رسی و (فوری) وارد دوزخ می‌شوند؛ امّا آن سه گروه بهشتی عبارتند از:

۱. زمامدار عادل؛

۲. بازرگان راستگو؛

۳. کهن‌سالی که عمر را در طاعت حق گذرانده است.

و امّا آن سه جماعتی که بی‌حساب وارد دوزخ می‌شوند عبارتند از:

۱. پیشوای ستم‌گر؛

۲. بازرگان دروغ‌گو؛

۳. پیرمرد زناکار.

اطاعت و خشنودی خدا معیار است

۱۵۵۴-۳۴ امام صادق علیه‌السلام:

فَاعْمَلُوا بِطاعَةِ اللهِ وَ اجْتَنِبُـوا مَعاصِيَهِ وَ اعْلَمُوا اَنَّهُ لَيْسَ يُغْنى عَنْكُمْ مِنَ اللهِ اَحَدٌ مِنْ خَلْقِهِ شَيئا لامَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَ لانَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَ لامَنْ دُونَ ذلِكَ فَمَنْ سَرَّهُ اَنْ تَنْفَعَهُ شَـفاعَةُ الشّافِعينَ عِنْدَاللهِ فَلْيَطْلُبْ اِلَى اللهِ اَنْ يَرْضى عَنْهُ؛[2] فرمان‌بردار خدا باشید و از

---

۱. **الخصال**، ج۱، ص۸۰.

۲. **الکافی**، ج۸، ص۱۱.

گناهان دوری کنید و بدانید هیچ آفریدهٔ خدا و نه فرشـــته مقرّب و نه پیامبر مرسل و نه پایین‌تر از آنان (منهای اطاعت از خدا) بی‌نیازتان نمی‌کنند؛ پس کسی که خواهان شفاعتِ شفاعت‌کنندگان باشد، باید (از رهگذر اطاعت خود) از خدا بخواهد تا از وی خشنود گردد.

تنها پناهگاه

۱۵۵۵-۳۵ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

اِنَّ طاعـــةَ اللهِ نَجاحٌ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ يُبْتَغى، وَ نَجاةٌ مِنْ كُلِّ شَرٍّ يُتَّقى، وَ اِنَّ اللهَ عَزَّ ذِكْرُهُ يَعْصِمُ مَـــنْ اَطاعَهُ وَلايَعْتَصِمُ بِهِ مِنْ عَصاهُ، وَ لايَجِدُ الهارِبُ مِنَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ مَهْرَباً؛[1]

طاعت خدا دست یافتن به تمام خوبی‌های خواستنی؛ و رهایی از هر بدی ناروا و نبایستنی است، و حقیقت آن است که خدا فرمان‌بر خویش را حفظ می‌کند، امّا گنه‌کار، دستاویزی برای نجات و ایمنی ندارد؛ فرارکننده از خدا هیچ مفرّ و پناه‌گاهی نمی‌یابد.

ذخیره برای برکت

۱۵۵۶-۳۶ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

اِنَّ الْعَبْدَ اِذا ماتَ قالَتِ الْمَلائِكَةُ: «ما قَدَّمَ» وَ قالَ النّاسُ: «ما اَخَّرَ»، فَقَدِّمُوا فَضْلاً يَكُنْ لَكُمْ وَلاتُؤَخِّرُوا كُلاًّ يَكُنْ عَلَيْكُمْ؛[2]

وقتی انسان می‌میرد فرشتگان می‌گویند: «چه پیش فرستاده است؟» و مردم می‌گویند: «چه بر جای گذشته است»؛ پس اضافه را پیش فرستید (و خود را سبک کنید) تا به حالتان سودمند باشد و همه را بر جای ننهید تا به زیانتان شود.

دوست‌داشتنی‌های ابوذر

۱۵۵۷-۳۷ یکی از یاران امام صادق علیه السلام می‌گوید: به حضرت عرض کردم:

شَـــيْءٌ يُرْوى عَنْ اَبي‌ذَرٍّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ اَنَّـــهُ كانَ يَقُولُ: «ثَلاثٌ يُبْغِضُها النّاسُ وَ اَنَا

---

۱. همان، ص۸۲.

۲. **بحارالأنوار**، ج۷۴، ص۳۸۲.

أُحِبُّها: أُحِبُّ الْمَوتَ، وَ أُحِبُّ الْفَقْرَ، و أُحِبُّ الْبَلاءَ». فَقالَ: «اِنَّ هَذا لَيسَ عَلى ما يَرْوُوْنَ، اِنَّما عَنى الموتَ فِي طاعَةِ اللهِ اَحَبُ اِلَيَّ مِنَ الْحَياةِ فِي مَعْصِيَةِ اللهِ، وَ البَلاءِ فِي طاعَةِ اللهِ اَحَبُّ اِلَيَّ مِنَ الصِّحَّةِ فِي مَعْصِيَةِ اللهِ، وَ الْفَقْرَ فِي طاعَةِ اللهِ اَحَبُّ اِلَيَّ مِنَ الغِنى فِي مَعْصِيَةِ اللهِ»؛[1] این صحیح است که از ابی‌ذر نقل شده: «سه چیز است که مردم آن‌ها را دشمن می‌دارند، ولی من آن‌ها را دوست دارم؛ مرگ، بی‌نوایی و بیماری؟»

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «چنان نیست که می‌گویند؛ مقصود ابوذر آن است که مرگ، با طاعت خدا برای من دوست‌داشتنی‌تر از زندگی همراه با گناه است، و بیماری در راه فرمان‌برداری، برای من دوست‌داشتنی‌تر از سلامتی همراه با گناه است، و تهی‌دستی با طاعت خدا، برای من دوست‌داشتنی‌تر از بی‌نیازی همراه با گناه است.

فرصت را دریاب!

۱۵۵۸-۳۸ امام صادق علیه‌السلام:

اِصْبِرُوا عَلى طاعَةِ اللهِ وَ تَصَبَّرُوا عَنْ مَعْصِيَةِ اللهِ، فَاِنَّما الدُّنيا ساعَةٌ، فَما مَضى فَلَيسَ تَجِدُ لَهُ سُرُوراً وَ لاحُزْناً وَ مالَم يَأْتِ فَلَيسَ تَعْرِفُهُ فَاصْبِرْ عَلى تِلْكَ السّاعَةِ الَّتى اَنْتَ فِيها، فَكَاَنَّكَ قَدْ اُغْتُبِطْتَ؛[2] بر طاعت خدا شکیبا باشید و از معصیتش خویشتن‌داری کنید؛ همانا دنیا یک لحظه است؛ پس آن‌چه از دنیا گذشته، غم و شادی ندارد، و حوادث آینده نیز نامعلوم است؛ پس بر طاعت همان لحظه‌ای که در آنی، شکیبا باش (و آن را غنیمت دان) گویا مورد رشک و غبطه واقع شده‌ای.

---

۱. **الکافی**، ج۸، ص۲۲۲.
۲. همان، ج۲، ص۴۵۹.

خدایاران

۱۵۵۹-۳۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنْ طَلَبَ مَرْضاةَ النّاسِ بِما يَسْخَطُ اللهَ عَزَّوَجَلَّ كانَ حامِدُهُ مِنَ النّاسِ ذامّاً وَ مَنْ آثَرَ طاعَةَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ بِمَا يَغْضِبُ النّاسَ كَفاهُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ عَداوَةَ كُلِ عَدُوٍّ وَحَسَدَ كُلِّ حَسَدٍ وَ بَغْيِ كُلِّ باغٍ وَكانَ اللهُ لَهُ ناصِراً وَ ظَهِيراً؛[1] کسی که خشنودی مردم را با خشم (و ناخشنودی) خدا به دست آورد، مردم ثناگویش، بدگوی او خواهند شد، و کسی که فرمان‌برداری (و خشنودی) خدا را بر ناخشنودی مردم ترجیح دهد، خدای عزّوجلّ، دشمنی دشمنانش را از او دور می‌کند، و حسد حسودرزان و تجاوز متجاوزان را از او دفع نموده، و یاور و پشتیبان وی خواهد بود.

آزار پیامبر صلی الله علیه و آله

۱۵۶۰-۴۰ سماعه از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ: «ما لَكُمْ تَسُوؤُنَ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله؟» فَقالَ لَهُ رَجُلٌ: «كَيْفَ نَسُوئُهُ؟» فَقالَ: «أَما تَعْلَمُونَ أَنَّ أَعْمالَكُمْ تُعْرَضُ عَلَيْهِ، فَإِذا رَأى فيها مَعْصِيَةً ساءَهُ ذلكَ فَلا تَسُوؤا رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله وَسَرُّوهُ»؛[2] از ایشان شنیدم که می‌فرمود: «چرا پیامبر صلی الله علیه و آله را آزرده می‌کنید؟!» شخصی با تعجّب پرسید: «چه‌طور ممکن است ما پیامبر صلی الله علیه و آله را آزرده کنیم؟!» فرمودند: «نمی‌دانید اعمال شما به اطلاع ایشان می‌رسد؟! اگر گناهی در آن ببینند، آزرده و ناخشنود می‌شوند؛ پس پیامبر صلی الله علیه و آله را آزرده نکنید، بلکه (با کارهای خوب) شادش کنید».

---

۱. **وسائل الشیعة**، ج۱۱، ص۴۲۱.
۲. همان، ص۳۸۷.

چهل حدیث ولایت

علی قائمی‌زاده

یکی از مهم‌ترین ارکان اسلام که مایه قوام دین و عزّت مسلمین و قبولی اعمال و هم‌بستگی امّت است، «ولایت» است.

ولایت در بُعد اعتقادی، پذیرش سرپرستی و پیشوایی امامان معصوم و امامت امام علی علیه‌السلام به عنوان جانشین بر حق پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است و در بعد اجتماعی و سیاسی، مهرورزی نسبت به خاندان پیامبر و قبول رهبری آنان و اطاعت و مودّت نسبت به آن عترت پاک است.

ولایت، ابعاد و حدود و شرایط گوناگونی دارد که پرداختن به آن در این مختصر نمی‌گنجد، ولی اجمالاً باید دانست که جوهره اصلی ایمان و پایه استوار اسلام ناب، همان «ولایت» است و بدون آن در ارکان اعتقاد و عقل مسلمان خلل وارد می‌شود و عاملی برای تداوم خط صحیح رسالت در قالب پیشوایی رهبران معصوم و آسمانی است.

کتاب حاضر، گزیده چهل حدیث از انبوه فراوان روایات است که در گنجینه‌های حدیثی شیعه موجود است.

ولایت، دین پاک

۱۵۶۱-۱ امام باقر علیه‌السلام درباره مراد خدای متعال در آیه ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾[۱] فرمود: هِيَ الْوِلَايَةُ؛[۲] منظور خداوند متعال، ولایت است.

پذیرش ایمان با ولایت

۱۵۶۲-۲ امام باقر علیه‌السلام:

أَنزَلَ اللهُ ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ﴾[۳] فَفَرِحَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله عِنْدَ نُزُولِهَا إِذْ لَمْ يَتَقَبَّلِ اللهُ تَعَالَى إِيمَانَهُمْ إِلَّا بِعَقْدِ وَلَايَتِنَا وَ مَحَبَّتِنَا؛[۴] به هنگام نزول این آیه شریفه: «ای پیامبر! شتافتن به سوی کفر از سوی افرادی که گفتند ایمان آوردیم، ولی قلبشان ایمان نیاورده، تو را غمگین نسازد»، پیامبر خوشحال شد؛ زیرا خداوند ایمان مردم را نمی‌پذیرد، جز با دل دادن به محبت و ولایت ما اهل‌بیت.

ولایت نعمت معنوی

۱۵۶۳-۳ مردی در محضر امام باقر علیه‌السلام از آیه ﴿وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾[۵] سخن

---

۱. روم/۳۰: «پس حق‌گرایانه، روی خود را به سوی این دین کن».
۲. **الکافی**، ج۱، ص۴۱۸.
۳. مائده/۴۱.
۴. **بحارالأنوار**، ج۲۴، ص۵۲.
۵. لقمان/۲۰: «[آیا ندیدید که خداوند] نعمت های آشکار و نهان خود را بر شما وسعت و تمامیت بخشیده؟»

گفت. حضرت فرمود:

أَمَّـا النِّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ فَهُو النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله وَ مَا جَاءَ بِهِ مِنْ مَعْرِفَةِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ وَ تَوحِيدِهِ وَ أَمَّا النِّعْمَةُ البَاطِنَةُ فَوَلاَيَتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ عَقْدُ مَوَدَّتِنَا؛[1] اما نعمت ظاهری، عبارت است از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و توحید و معرفت الهی، و اما نعمت باطنی ولایت ما اهل‌بیت و پیوند محبت با ما می‌باشد.

ولایت و نگهبانی از احکام اسلام

۱۵۶۴-۴ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

وَ أَمَّـا مَا فَرَضَهُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ مِنَ الْفَرَائِضِ فِي كِتَابِهِ فَدَعَائِمُ الإِسْـلاَمِ وَ هِيَ خَمْسُ دَعَائِمَ وَ عَلَى هَذِهِ الْفَرَائِضِ بُنِيَ الاِسْلاَمُ فَجَعَلَ سُبْحَانَهُ لِكُلِّ فَرِيضَةٍ مِنْ هَذِهِ الْفَرَائِضِ أَرْبَعَةَ حُدُودٍ لاَيَسَعُ أَحداً جَهْلُهَا أَوَّلُهَا الصَّلاَةُ ثُمَّ الزَّكَاةُ ثُمَّ الصِّيَام ثُمَّ الْحَجُّ ثُمَّ الْوَلاَيَةُ وَ هِيَ خَاتِمَتُهَـا وَ الْحَافِظَةُ لِجَمِيعِ الْفَرَائِضِ وَ السُّـنَنِ؛[2] اما فرایضی که خداوند در کتابش معین فرموده، اساس اسلام‌اند که پنج ستون هستند و اسلام بر آن‌ها بنا نهاده شده است و خداوند سبحان برای هر کدام از آن‌ها چهار رکن قرار داده که هیچ‌کس نباید نسبت به آن‌ها جاهل باشد: نخستین آن‌ها نماز، سپس زکات و روزه و حج است، سپس ولایت که پایان‌دهنده آن‌ها و نگه‌دارنده همه آن‌هاست.

نشانه بهشتی‌ها و جهنمی‌ها

۱۵۶۵-۵ امیر مؤمنان علی علیه السلام:

إِنَّ رَسُـولَ اللهِ صلی الله علیه و آله تَلاَ هَذِهِ الْآيَـةَ: ﴿لَا يَسْتَوِيٓ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ وَأَصْحَٰبُ ٱلْجَنَّةِ﴾[3] فَقَالَ: «أَصْحَابُ الجَنَّةِ مَنْ أَطَاعَنِي وَ سَلَّمَ لِعَلِي بْنِ أَبِي‌طَالِبٍ بَعْدِي وَ أَقَرَّ بِوَلاَيَتِهِ وَ أَصْحَابُ

۱. **بحارالأنوار**، ج۲۴، ص۵۲.
۲. **وسائل الشیعة**، ج۱، ص۲۷.
۳. حشر/۲۰.

النَّــارِ مَنْ أَنْكَرَ الْوَلايَةَ وَ نَقَضَ الْعَهْدَ مِنْ بَعْدِي»؛[1] پیامبر اکرمﷺ این آیه را تلاوت کرد: «دوزخیان و بهشتیان یکسان نیستند»، سپس فرمود: «بهشتیان کسانی هستند که از این اطاعت کنند و بعد از من تســلیم علی بن ابی طالبؑ باشــند و اقرار به ولایت او نمایند، و جهنمیان کسانی هستند که منکر ولایت باشند و بعد از من پیمان‌شکنی کنند».

آثار مادی ولایت

۱۵۶۶-۶ امام باقرؑ:

لَايَحِــلُّ أَنْ تُدْفَعَ الــزَّكَاةُ إِلَّا إِلَى أَهْلِ الْوَلايَةِ؛[2] زکات را جز به اشــخاصی که دوســت اهل‌بیتؑ بوده و معرفت درباره آنان دارند، نمی‌توان داد.

تأثیر ولایت در توبه

۱۵۶۷-۷ امیرمؤمنان علیؑ:

فَــإِنْ تَابَ وَ عَرَفَ الْوَلايَةَ تَابَ اللهُ عَلَيْــهِ؛ وَ إِنْ عادَ وَ هُوَ تارِكُ الوَلايَةِ أَدْخَلَهُ اللهُ نــارَ جَهَنَّمَ؛[3] اگر از گناهان توبه کرد و ولایت (و اطاعت اولو الامر) را گردن نهاد، خدا توبه‌اش را بپذیرید، و اگر از گناهان دســت نکشــید، طبعاً ولایت را رها ساخته و خداوند او را وارد آتش دوزخ می‌نماید.

ولایت و تکمیل اعمال

۱۵۶۸-۸ امام صادقؑ:

يُسْــأَلُ الْمَيِّتُ فِي قَبْرِهِ عَنْ خَمْسٍ عَنْ صَلاتِهِ وَ زَكَاتِــهِ وَ حَجِّهِ وَ صِيَامِهِ وَ وَلايَتِهِ إِيَّانَا أَهْلَ الْبَيْــتِ فَتَقُولُ الْوَلايَةُ مِن جَانِبِ الْقَبْرِ لِلأَرْبَعِ: «مَا دَخَلَ فِيكُنَّ مِنْ نَقْصٍ

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۲۴، ص۲۶۱.
۲. **الخصال**، ج۲، ص۶۰۴.
۳. **تحف‌العقول**، ص۱۹۰.

فَعَلَيَّ تَمَامُهُ»؛[1] از میت در قبرش درباره پنج چیز پرسش می‌شود: نماز، زکات و حج و روزه‌اش و ولایت ما اهل‌بیت؛ آن‌گاه ولایت به چهار تای دیگر می‌گوید: «هر مقدار که شما کم آورید، من کامل می‌کنم».

ولایت و تلقین مردگان

۱۵۶۹-۹ امام باقر علیه‌السلام:

لَقِّنُوا مَوْتَاكُمْ عِنْدَ الْمَوْتِ شَهَادَةَ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَ الْوَلاَيَةَ؛[2] مردگانتان را هنگام مرگ به گواهی دادن به توحید و ولایت تلقین نمایید.

فطری بودن ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام

۱۵۷۰-۱۰ امام صادق علیه‌السلام:

قَالَ اللهُ لِبَنِي آدَمَ: «أَقِرُّوا لِلّٰهِ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَ لِهَؤُلاَءِ النَّفَرِ بِالطَّاعَةِ وَ الْوِلاَيَةِ». فَقَالُوا: «نَعَمْ، رَبَّنَا أَقْرَرْنَا». فَقَالَ اللهُ جَلَّ جَلاَلُهُ لِلْمَلاَئِكَةِ: «اشْهَدُوا». فَقَالَتِ الْمَلاَئِكَةُ: «شَهِدْنَا عَلَى أَنْ لاَ يَقُولُوا غَداً إِنَّا كُنَّا عَنْ هذا غافِلِينَ»؛[3] خداوند متعال به فرزندان آدم فرمود: «به پروردگاری خداوند و لزوم پیروی و ولایت این چند نفر (رسول خدا و ائمه اطهار) اعتراف نمایید». گفتند: «پروردگارا! اقرار کردیم». سپس خداوند به فرشتگان فرمود: «شاهد باشید». فرشتگان گفتند: «ما بر این اقرار شهادت می‌دهیم تا فردا نگویند که ما نسبت به این مسئله چیزی نمی‌دانستیم».

سختی پذیرش ولایت بر مشرکان

۱۵۷۱-۱۱ امام صادق علیه‌السلام فرمود خداوند در مورد آیه ﴿كَبُرَ عَلَى ٱلْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ﴾[4]

---

۱. **الکافی**، ج۳، ص۲۴۱.
۲. همان، ص۱۲۳.
۳. **علل الشرایع**، ج۱، ص۱۱۸.
۴. شوری/۱۳: «بر مشرکان، آن‌چه به سوی آن دعوتشان می‌کنی، دشوار و گران است».

به پیامبر صلی الله علیه و آله چنین فرمود:

يَعْنِي كَبُرَ عَلَى قَوْمِكَ يَا مُحَمَّدُ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ مِنْ تَوْلِيَةِ عَلِيٍّ علیه السلام؛[1] ای محمد! منظور آن است که، پذیرش دعوت تو به ولایت علی علیه السلام برای قومت سخت است.

ولایت محور وحدت

۱۵۷۲-۱۲ امـام صادق علیه السلام فرمود خداوند در مـورد آیه ﴿أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ﴾[2] به پیامبر صلی الله علیه و آله چنین فرمود:

إِنَّمَا يَعْنِي الْوَلَايَةَ؛[3] منظور از آیه، ولایت است.

ولایت علی علیه السلام، ریسمان استوار الهی

۱۵۷۳-۱۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَيَعْتَصِمَ بِحَبْلِ اللهِ الْمَتِينِ فَلْيُوَالِ أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام بَعْدِي وَلْيُعَادِ عَدُوَّهُ؛[4] هرکس دوسـت دارد به ریسمان الهی متمسک شود، پس ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را بعد از من پذیرفته و با دشمن او دشمن باشد.

خانه ولایت، آشیانه انبیاء

۱۵۷۴-۱۴ امام صادق علیه السلام:

مَنْ دَخَلَ فِي الْوَلَايَةِ دَخَلَ فِي بَيْتِ الْأَنْبِيَاءِ علیهم السلام؛[5] هرکس به خانهٔ ولایت وارد شود، به خانه پیغمبران علیهم السلام وارد شده است.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۲۶، ص۲۸۴.
۲. شوری/۱۳: «این‌که این دین را برپا دارید و در آن متفرق نشوید».
۳. **بحارالأنوار**، ج۲۶، ص۲۸۴.
۴. **إرشاد القلوب**، ج۲، ص۴۲۴.
۵. **الکافی**، ج۱، ص۴۲۳.

تبلیغات بر ضد ولایت

۱۵۷۵-۱۵ محمد بن فضیل گوید: از امام کاظم علیه‌السلام در مورد آیه ﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ﴾[۱] سؤال کردم، فرمود:

يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا وَلَايَةَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ علیه‌السلام بِأَفْوَاهِهِم؛[۲] می‌خواهند ولایت علی بن ابی طالب علیه‌السلام را با تبلیغات خود از بین ببرند.

ادعای بناحق ولایت

۱۵۷۶-۱۶ امام رضا علیه‌السلام:

مَنِ ادَّعَاهَا [الْوَلَايَةَ] بِغَيْرِ حَقٍّ فَقَدْ كَفَرَ؛[۳] هرکس به ناحق ادعای ولایت و امامت کند، کافر است و حقیقت را پوشانده است.

ولایت و امانت الهی

۱۵۷۷-۱۷ از امام رضا علیه‌السلام در مورد آیه ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ﴾[۴] سؤال شد، فرمود:

الْأَمَانَةُ الوَلَايَةُ؛[۵] منظور از امانت، ولایت است.

آثار انکار ولایت

۱۵۷۸-۱۸ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنْ أَقَرَّ بِوَلَايَتِي فَقَدْ فَازَ وَ مَنْ أَنْكَرَ وَلَايَتِي فَقَدْ خَابَ وَ خَسِرَ وَ هَوَى فِي النَّارِ وَ مَنْ

---

۱. صف/۸: «می‌خواهند نور خدا را با دهان‌های خود خاموش کنند».
۲. **الکافی**، ج۱، ص۴۳۲.
۳. **بحارالأنوار**، ج۲۳، ۲۷۹.
۴. احزاب/۷۲: «ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم».
۵. **الکافی**، ج۱، ص۴۱۳.

دَخَـلَ النَّارَ لَبِثَ فِيهَا أَحْقَاباً؛[1] هرکس ولایت مرا بپذیرد، پیروز و کامیاب اســت، و هرکس آن را نپذیرد، ناکام و زیان‌دیده و واردشونده در آتش است، و هرکس به آتش رود، سال‌های سال در آن بماند.

ارزش و اهمیت ولایت

۱۵۷۹-۱۹ امام باقر علیه‌السلام:

بُنِيَ الإِسْلاَمُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلاَةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الوَلايَةُ وَ لَمْ يُنَادَ بِشَيءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلاَيَةِ فَأَخَذَ النَّاسُ بِأَرْبَعٍ وَ تَرَكُوا هَذِهِ؛ يَعْنِي الْوَلاَيَةَ؛[2] ساختمان اسلام بر پنج پایه بنا نهاده شده: نماز، زکات، روزه و حج و ولایت، چنان که برای ولایت (در روز غدیر خم یا در عالم میثاق) فریاد زده شد، برای هیچ چیز دیگری فریاد زده نشد. مردم آن چهارتا را گرفتند و ولایت را رها نمودند.

ولایت و شک در ایمان

۱۵۸۰-۲۰ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

مَنْ شَـكَّ فِي وِلاَيَتِي فَقَدْ شَـكَّ فِي إِيمَانِهِ وَ مَنْ أَقَرَّ بِوِلاَيَتِي فَقَـدْ أَقَرَّ بِوَلاَيَةِ اللهِ عَزَّوَجَلَ؛[3] هرکس در ولایت من شـک کند، در ایمان خویش به شـک و تردید افتاده است، و هرکس ولایت مرا بپذیرد ولایت خدا را پذیرفته است.

علی علیه‌السلام کشتی نجات

۱۵۸۱-۲۱ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَرْكَبَ سَفِينَةَ النَّجَاةِ فَلْيُوَالِ عَلِيّاً بَعْدِي وَلْيُعَادِ عَدُوَّهُ؛[4] کسی که دوست دارد در کشتی نجات سوار شود، باید علی علیه‌السلام را دوست بدارد و با دشمنانش، دشمن باشد.

---

۱. **بحارالأنوار**، ج ۱۰، ص ۸۳.
۲. **الکافی**، ج ۲، ص ۱۸.
۳. **الإحتجاج**، طبرسی، ج ۱، ص ۲۲۸.
۴. **إرشاد القلوب**، ج ۲، ص ۴۲۴.

ولایت، نمونه کار نیک

۱۵۸۲-۲۲ امام باقر علیه‌السلام:

دَخَلَ أَبُوعَبْدِاللهِ الْجَدَلِيُّ عَلَى اَميرِالْمُؤمِنِينَ علیه‌السلام فَقَالَ: «يَا أَبَا عَبْدِاللهِ! أَلاَ أُخْبِرُكَ بِقَوْلِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ: ﴿مَن جَآءَ بِٱلْحَسَنَةِ فَلَهُۥ خَيْرٌ مِّنْهَا وَهُم مِّن فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ ءَامِنُونَ ۝٨٩ وَمَن جَآءَ بِٱلسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِى ٱلنَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾[1]؟» قَالَ: «بَلى، يَا اَميرَالْمُؤمِنِينَ! جُعِلْتُ فِدَاكَ!» فَقَالَ: «الْحَسَنَةُ مَعْرِفَةُ الْوِلاَيَةِ وَ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ السَّيِّئَةُ إِنْكَارُ الْوَلاَيَةِ وَ بُغْضُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ»؛[2] ابوعبدالله جدلی بر علیّ بن ابی‌طالب علیه‌السلام وارد شد، امام به او فرمود: «ای ابوعبدالله! به تو خبر ندهم از کلام خداوند متعال که فرمود: "هرکس حسنه‌ای بیاورد، بهتر از آن برای اوست و از هول و فزع قیامت در امان است، و هرکس سیئه‌ای بیاورد، خداوند او را به صورت در آتش سرنگون می‌کند. آیا جز به اعمال خود جزا داده می‌شوید؟"» گفت: «بفرمایید ای امیرمؤمنان! جانم به فدای شما!» حضرت فرمود: «حسنه، شناخت ولایت و دوستی ما، و سیئه، انکار ولایت و دشمنی با ماست».

نپذیرفتن ولایت و محرومیت از بهشت

۱۵۸۳-۲۳ امام باقر علیه‌السلام:

مَنْ أُفِكَ عَنِ الْوَلاَيَةِ أُفِكَ عَنِ الْجَنَّةِ؛[3] هرکس از ولایت کناره گیرد، از بهشت محروم خواهد شد.

ولایت علی علیه‌السلام ولایت خدا

۱۵۸۴-۲۴ امیرمؤمنان علی علیه‌السلام:

«مَنْ أَقَرَّ بِوَلاَيَتِي فَقَدْ أَقَرَّ بِوَلاَيَةِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ وَ وَلاَيَتِي مُتَّصِلَةٌ بِوَلاَيَةِ اللهِ كَهَاتَيْنِ»

---

۱. نمل/۸۹-۹۰.
۲. **الکافی**، ج۱، ص۱۸۵.
۳. همان، ص۴۲۲.

وَ جَمَعَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ؛[1] «هرکس اقرار به ولایت من نماید، اقرار به ولایت خداوند متعال نموده؛ ولایت من متصل به ولایت خداوند متعال است، مانند این دو انگشت»، و سپس میان دو انگشت وسطی و سبابه جمع نمود.

ولایت بزرگترین خبر در جهان

۱۵۸۵-۲۵ امام صادق علیه‌السلام:

﴿اَلنَّبَأُ الْعَظِيمُ﴾ الْوَلاَيَةُ؛[2] منظور از خبر بزرگ (که در سخن خدای متعال آمده) ولایت است.

نخستین کوه پذیرای ولایت

۱۵۸۶-۲۶ امام صادق علیه‌السلام:

اَلْعَقِيقُ أَوَّلُ جَبَلٍ أَقَرَّ لِلّٰهِ بِالْعُبُودِيَةِ وَالْوَحدانِيَّةِ وَلِمُحَمدٍ صلی‌الله‌علیه‌وآله بِالنُّبُوَّةِ وَ عَلِيٍّ علیه‌السلام بِالْوِلايَةِ وَ قَدَّرَ اللّٰهُ عَلى نَفْسِهِ أَنَّهُ لايَرُدُّ كَفًّا رُفِعَتْ إِلَيْهِ بِالْعَقِيقِ وَلايُعَذِّبُهَا؛[3] «عقیق» نام کوهی است که پیش از همه یگانگی خدا و رسالت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله و ولایت علی علیه‌السلام را پذیرفت، و خداوند متعال بر خویشتن لازم دانسته دستی که انگشتر عقیق به انگشت دارد، حاجتش برآورده شود و او را عذاب ننماید.

از هر دری می‌خواهی وارد بهشت شو

۱۵۸۷-۲۷ امام صادق علیه‌السلام:

مَنْ أَقَامَ فَرَائِضَ اللّٰهِ وَ اجْتَنَبَ مَحَارِمَ اللّٰهِ وَ أَحْسَنَ الْوَلاَيَةَ لِأَهْلِ بَيْتِي وَ تَبَرَّأَ

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۱۰، ص۸۳.
۲. **الکافی**، ج۱، ص۴۱۸.
۳. **إرشاد القلوب**، ج۱، ص۱۵۴.

مِنْ أَعْدَاءِ اللهِ فَلْيَدْخُلْ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةِ شَاءَ؛[1] هرکس واجبات و فرایض الهی را به پا دارد و از محرمات خدا بر کنار باشد، دارای ولایت خاندان پیامبر به بهترین صورت باشد، و از دشمنان خدای عزّوجلّ بیزاری جوید و از هرکدام از هشت در بهشت که می‌خواهد، وارد می‌شود.

ولایت علی علیه‌السلام و منکر حقیقت

۱۵۸۸-۲۸ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

إِنَّ الْوَلاَيَةَ مِنْ بَعْدِي لِعَلِيٍّ وَ الْحُكْمَ حُكْمُهُ وَ الْقَوْلَ قَوْلُهُ لاَيَرُدُّ حُكْمَهُ وَ قَوْلَهُ وَ وَلاَيَتَهُ إِلاَّ كَافِرٌ وَلاَ يَرْضَى بِحُكْمِهِ وَ وَلاَيَتِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ؛[2] ولایت بعد از من برای علی است. فرمان، فرمان اوست. سخن، سخن اوست. حکم و گفتار و ولایت او را جز کافر و پوشانندهٔ حقیقت، منکر نمی‌شود.

عرضه ولایت بر جهان هستی

۱۵۸۹-۲۹ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام به قنبر فرمود:

يَا قَنْبَرُ! إِنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَرَضَ وَلاَيَتَنَا عَلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الاَرْضِ مِنَ الْجِنِّ وَ الإِنْسِ وَ الثَّمَرِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ فَمَا قَبِلَ مِنْهُ وَلاَيَتَنَا طَابَ وَ طَهُرَ وَ عَذُبَ وَ مَا لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ خَبُثَ وَ رَدِئَ وَ نَتُنَ؛[3] ای قنبر! خداوند تبارک و تعالی ولایت ما را به آسمانیان و زمینیان از جن و انس، و میوه‌ها و غیره عرضه داشت؛ آن‌هایی که ولایت ما را پذیرفتند، پاک و پاکیزه و شیرین گشتند، موجوداتی که ولایت ما را نپذیرفتند، خبیث و پست و متعفن شدند.

---

۱. **أمالی**، شیخ صدوق، ص۴۷۴.
۲. همان، ص۳۴۸.
۳. **مستدرک‌الوسائل**، ج۱۶، ص۴۱۲.

پیروزی ولایت در دولت مهدی علیه‌السلام

۱۵۹۰-۳۰ امام کاظم علیه‌السلام:

اَلْوَلاَيَةُ هِيَ دِينُ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الاَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ؛[۱] ولایت دین حقی است که در هنگام قیام مهدی پیروز خواهد شد.

ولایت، آخرین فریضه الهی

۱۵۹۱-۳۱ امام باقر علیه‌السلام:

آخِرُ فَرِيضَةٍ أَنْزَلَهَا اللهُ الْوَلاَيَةَ: ﴿اَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾[۲] فَلَمْ يُنْزَلْ مِنَ الْفَرائِضِ شيءٌ بَعْدَهَا؛[۳] ولایت، آخرین فریضه‌ای است که خداوند متعال نازل فرموده است: «امروز دین را بر شما کامل و نعمتم را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان دین برای شما برگزیدم» و دیگر بعد از آن فریضه‌ای نازل نشد.

پیش به سوی ولایت

۱۵۹۲-۳۲ امام صادق علیه‌السلام:

اَلْوَلاَيَةُ الَّتِي أَمَرَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ بِهَا وَلاَيَةُ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم‌السلام؛[۴] ولایتی که خداوند به آن فرمان داده، ولایت آل‌محمد علیهم‌السلام است.

ولایت بزرگ‌ترین نعمت الهی

۱۵۹۳-۳۳ ابو یوسف بزاز گوید: امام صادق علیه‌السلام بعد از تلاوت آیه ﴿فَاذْكُرُوا آلاَءَ اللهِ﴾[۵]

---

۱. **بحارالأنوار**، ج۳۵، ص۳۹۷.
۲. مائده/۳.
۳. **تفسیر العیاشی**، ج۱، ص۲۹۲.
۴. **الکافی**، ج۲، ص۱۹.
۵. اعراف/۶۹: «پس نعمت‌های خدا را به پا آرید».

به من فرمود:

«أَتَدْرِي مَا آلاءُ اللهِ». قُلْتُ: «لاَ». قَالَ: «هِيَ أَعْظَمُ نِعَمِ اللهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ هِيَ وَلَايَتُنَا»؛[1]

«آیا نعمت‌های الهی را می‌شناسی؟» گفتم: «خیر». فرمود: «ارزشمندترین نعمت‌های خدا بر آفریدگان، ولایت ما اهل‌بیت است».

ولایت و منحرفان از راه راست

۱۵۹۴-۳۴ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام:

إِنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَوْ شَاءَ لَعَرَّفَ الْعِبَادَ نَفْسَهُ وَ لَكِنْ جَعَلَنَا أَبْوَابَهُ وَ صِرَاطَهُ وَ سَبِيلَهُ وَ الْوَجْهَ الَّذِي يُؤْتَى مِنْهُ فَمَنْ عَدَلَ عَنْ وَلَايَتِنَا أَوْ فَضَّلَ عَلَيْنَا غَيْرَنَا فَإِنَّهُمْ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِبُونَ؛[2] خداوند تبارک و تعالی اگر می‌خواست خودش را به بندگانش معرفی می‌نمود، ولکن ما را درهای آستان خودش، و راه خویش و جهتی که از آن می‌توان وارد شد قرار داد؛ پس کسی که از ولایت ما برگردد یا دیگران را بر ما ترجیح دهد، از راه راست منحرف شده است.

ثمره رهایی از ولایت

۱۵۹۵-۳۵ امام صادق علیه‌السلام:

أَمَا وَ اللهِ! مَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ وَ مَا هَلَكَ مَنْ هَلَكَ حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا عجل‌الله‌فرجه إِلاَّ فِي تَرْكِ وَلَايَتِنَا وَ جُحُودِ حَقِّنَا وَ مَا خَرَجَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى أَلْزَمَ رِقَابَ هَذِهِ الْأُمَّةِ حَقَّنَا وَ اللهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛[3] آگاه باشید! به خدا سوگند! نابودی همه کسانی که تا قیام قائم عجل‌الله‌فرجه ما نابود گشته‌اند، نبوده است جز به خاطر رها ساختن ولایت ما و انکار حق ما. رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله از دنیا نرفت، جز این‌که حق ما را بر عهده این امت نهاد، و خدا هرکس را بخواهد، به راه راست ولایت هدایت خواهد نمود.

---

۱. **الکافی**، ج۱، ص۲۱۷.
۲. همان، ص۱۸۴.
۳. همان، ص۴۲۶.

رهکار رسیدن به ولایت

۱۵۹۶-۳۶ امام باقر علیه‌السلام:

وَ اللهِ! مَــا مَعَنَا مِنَ اللهِ بَرَاءَةٌ وَ لَا بَيْنَنَا وَ بَــيْنَ اللهِ قَرَابَةٌ وَ لَا لَنَا عَلَى اللهِ حُجَّةٌ وَ لَانَتَقَــرَّبُ إِلَى اللهِ إِلَّا بِالطَّاعَةِ فَمَنْ كَانَ مَنْكُــمْ مُطِيعاً للهِ تَنْفَعُهُ وَلَايَتُنَا وَ مَنْ كَانَ مِنْكُــمْ عَاصِياً للهِ لَمْ تَنْفَعْهُ وَلَايَتُنَا وَ يَحَكُمْ لَاتَغْــتَرُّوا وَيْحَكُمْ لَاتَغْتَرُّوا مَا تُنَالُ وَ لَايَتُنَا إِلَّا بِالْعَمَلِ وَ الْوَرَعِ؛[1] ســوگند به خدا! ما از خداوند جدا نیستیم و میان ما و خداوند نیز هیچ قوم و خویشی وجود ندارد و در برابر خداوند نیز هیچ عذر و بهانه‌ای نداریم و جز با اطاعت، به خدا نزدیک نمی‌شــویم؛ پس هرکس از شما مطیع خدا باشد، ولایت ما او را سود می‌بخشد، و هرکس نافرمانی او کند، ولایت ما به او بهره‌ای نخواهد رسانید؛ پس مبادا فریب بخورید، مبادا فریب بخورید؛ زیرا ولایت ما جز با عمل صالح و دوری از گناه به دست نیاید.

ولایت و شیرینی و شوری آب‌ها

۱۵۹۷-۳۷ امام صادق علیه‌السلام:

إِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ عَرَضَ وَلَايَتَنَا عَلَى الْمِيَاهِ فَمَا قَبِلَ وَلَايَتَنَا عَذُبَ وَ طَابَ وَ مَا جَحَدَ وَلَايَتَنَا جَعَلَهُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ مُرّاً أَوْ مِلْحاً أُجَاجاً؛[2] خداوند متعال ولایت ما را بر آب‌ها عرضه کرد؛ آب‌هایی که ولایت ما را پذیرفتند، شیرین و گوارا شدند و آب‌هایی که ولایت ما را نپذیرفتند، خداوند متعال آن‌ها را تلخ یا شور گردانید.

سودمند نبودن اعمال، بدون ولایت

۱۵۹۸-۳۸ امام سجاد علیه‌السلام:

لَوْ أَنَّ رَجُلاً عُمِّرَ مَا عُمِّرَ نُوحٌ علیه‌السلام فِي قَوْمِهِ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَاماً يَصُومُ النَّهَارَ وَ

---

۱. همان، ج۲، ص۷۵.
۲. همان، ج۶، ص۳۸۹.

يَقُومُ اللَّيْلَ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ ثُمَّ لَقِيَ اللهَ عَزَّوَجَلَّ بِغَيْرِ وَلاَيَتِنَا لَمْ يَنْفَعْهُ ذَلِكَ شَيْئاً؛[1] اگر کسی عمر حضرت نوح علیه‌السلام کند که در میان قومش ۹۵۰ سال عمر نمود، روزهای آن را روزه باشد و شب‌های آن به عبادت بگذراند، سپس خداوند را بدون ولایت ما دیدار نماید، هیچ سودی به او نخواهد رسید.

ولایت، معیار قبولی اعمال و رضایت خدا

۱۵۹۹-۳۹ امام صادق علیه‌السلام:

وَ اللهِ! لَوْ أَنَّ رَجُلاً صَامَ النَّهَارَ وَ قَامَ اللَّيْلَ ثُمَّ لَقِيَ اللهَ عَزَّوَجَلَّ بِغَيْرِ وَلاَيَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَلَقِيَهُ وَ هُوَ عَنْهُ غَيْرُ رَاضٍ أَوْ سَاخِطٌ عَلَيْهِ... وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللهِ عَزَّوَجَلَّ: ﴿وَمَا مَنَعَهُمْ أَن تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّآ أَنَّهُمْ كَفَرُوا۟ بِٱللَّهِ وَبِرَسُولِهِۦ﴾؛[2] به خدا سوگند! اگر شخصی روزها را روزه بگیرد و شب‌ها را به عبادت و پرستش خدای متعال بگذارند، ولی خدا را بدون ولایت ما اهل‌بیت ملاقات کند، خداوند از او ناراضی بوده و بر او خشمگین خواهد بود... این مضمون سخن خدای متعال است که فرمود: «هیچ چیز مانع قبول انفاق‌هایشان نشده، مگر آن‌که به خدا و پیامبرش ایمان نیاورده‌اند».

شهدای ولایت

۱۶۰۰-۴۰ جابر گوید: از امام باقر علیه‌السلام در مورد آیه ﴿وَلَئِن قُتِلْتُمْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ أَوْ مُتُّمْ﴾[3] سؤال کردم، فرمود:

«أَتَدْرِي مَا سَبِيلُ اللهِ؟» قَالَ: قُلْتُ: «لاَ واللهِ! إِلاَّ أَنْ أَسْمَعَهُ مِنْكَ». قَالَ: «سَبِيلُ اللهِ هُوَ عَلِيٌّ علیه‌السلام وَ سَبِيلُ اللهِ مَنْ قُتِلَ فِي وَلاَيَتِهِ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللهِ وَ مَنْ مَاتَ فِي وَلاَيَتِهِ مَاتَ

---

۱. **من لایحضره‌الفقیه**، ج۲، ص۲۴۵.
۲. **الکافی**، ج۸، ص۱۰۶.
۳. آل عمران/۱۵۷: «و اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید».

فِی سَبِیلِ اللّٰهِ»؛[1] «آیا می‌دانی راه خدا چیست؟» گفتم: «نه به خدا، مگر از شما بشنوم». فرمود: «راه علی علیه‌السلام و فرزندان او اســت؛ هرکس در راه ولایت او کشــته شود، در راه خدا کشته شده و هرکس با ولایت علی بمیرد، در راه خدا مرده است».

۱. **بحارالأنوار**، ج۲۴، ص۱۲.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. **الإحتجاج علی اهل اللجاج**، احمد بن علی طبرسی، تحقیق: محمدباقر خرسان، چاپ اول، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق.

۲. **الإختصاص**، شیخ مفید، تحقیق: علی‌اکبر غفاری و محمود محرمی زرندی، چاپ اول، کنگره هزاره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.

۳. **إرشاد القلوب**، حسن بن محمد دیلمی، چاپ اول، شریف رضی، قم، ۱۴۱۲ق.

۴. **الإرشاد فی معرفة حجج‌الله علی العباد**، شیخ مفید، تحقیق: موسسة آل‌البیت لإحیاء التراث، چاپ اول، کنگره هزاره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.

۵. **الإستبصار فیما اختلف من الأخبار**، شیخ طوسی، تحقیق: حسن موسوی خرسان، چاپ اول، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۹۰ق.

۶. **أعلام‌الدین فی صفات‌المؤمنین**، حسن بن محمد دیلمی، چاپ اول، مؤسسة آل‌البیت لإحیاء التراث، قم، ۱۴۰۸ق.

۷. **إقبال الأعمال**، سید بن طاووس، چاپ دوم، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۹ق.

۸. **الأمالی**، شیخ صدوق، چاپ ششم، کتابچی، تهران، ۱۳۷۶.

۹. **الأمالی**، شیخ طوسی، تحقیق: مؤسسه بعثت، چاپ اول، دارالثقافة، قم، ۱۴۱۴ق.

۱۰. **الأمالی**، شیخ مفید، تحقیق: حسین استادولی و علی‌اکبر غفاری، چاپ اول، کنگره هزاره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.

۱۱. **أنساب الأشراف**، احمد بن یحیی بلاذری، تحقیق: دکتر محمد حمیدالله، دارالمعارف، مصر، ۱۹۵۹م.

۱۲. **بحارالأنوار**، علامه مجلسی، تصحیح: جمعی از محققان، چاپ دوم، دارالتراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.

۱۳. **البرهان فی تفسیر القرآن**، سیدهاشم بحرانی، چاپ اول، مؤسسه بعثت، قم، ۱۳۷۴ق.

۱۴. **بشارة المصطفی ﷺ لشیعة المرتضی** علیه‌السلام، محمد بن ابی‌القاسم طبری آملی، چاپ دوم، المکتبة الحیدریة، نجف، ۱۳۸۳ق.

۱۵. **بصائر الدرجات فی فضائل آل‌محمد** علیهم‌السلام، محمد بن حسن صفار، تحقیق: محسن بن عباس‌علی کوچه‌باغی، چاپ دوم، کتابخانه آیت الله مرعشی رحمه‌الله، قم، ۱۴۰۴ق.

۱۶. **البلـد الأمین و الدرع الحصین**، ابراهیم بن علی کفعمی، چاپ اول، مؤسسـة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۱۷. **پیام پیامبر**، بهاءالدین خرمشاهی و مسعود انصاری، چاپ دوم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۶ش.
۱۸. **تحف‌العقول عن آل‌الرسول**ﷺ، ابن‌شعبه حرانی، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۴ق.
۱۹. **الترغیب و الترهیب من الحدیث الشـریف**، عبدالعظیم المنـذری، تحقیق: مصطفی محمد عماره، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۲۰. **تصنیـف غرر الحکم و درر الکلم**، تمیمی آمدی، تحقیق: مصطفـی درایتی، چاپ اول، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶ش.
۲۱. **تفسیر مجمع‌البیان**، شیخ طبرسی، چاپ اول، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۵ق.
۲۲. **تفسیر الصافی**، ملامحسن فیض کاشـانی، تحقیق: حسـین اعلمی، چـاپ دوم، مکتبةالصدر، تهران، ۱۴۱۵ق.
۲۳. **تفسـیر القرطبی**، محمد بن احمد قرطبی، تحقیق: احمد عبدالعلیم البردونی، دار احیاءالتراث العربی، بیروت، بی‌تا.
۲۴. **تفسیر القمی**، علی بن ابراهیم قمی، تحقیق: سـید طیب موسوی جزایری، چاپ سوم، دار الکتاب، قم، ۱۴۰۴ق.
۲۵. **تفسیر روح‌البیان**، اسماعیل حقی برسوی، چاپ اول، دار الفکر، بیروت، بی‌تا.
۲۶. **تفسـیر عیاشی**، محمد بن مسـعود عیاشی، تحقیق:سید هاشم رسـولی محلاتی، چاپ اول، المطبعة العلمیة، تهران، ۱۳۸۰ق.
۲۷. **تنبیه‌الخواطر و نزهة‌النواظر**، ورّام بن ابی‌فراس، چاپ اول، مکتبة الفقیه، قم، ۱۴۱۰ق.
۲۸. **توحید مفضل**، مفضل بن عمر، تحقیق: کاظم مظفر، چاپ سوم، داوری، قم، بی‌تا.
۲۹. **التوحید**، شـیخ صدوق، تحقیق: هاشم حسینی، چاپ اول، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۹۸ق.
۳۰. **تهذیب‌الأحکام**، شیخ طوسـی، تحقیق: حسن موسوی خرسـان، چاپ چهارم، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.
۳۱. **ثواب‌الأعمال و عقاب‌الأعمال**، شیخ صدوق، چاپ دوم، دار الشریف الرضی، قم، ۱۴۰۶ق.
۳۲. **جامع‌الأخبار**، محمد بن محمد شعیری، چاپ اول، مطبعة الحیدریة، نجف، بی‌تا.
۳۳. **جامع‌السـعادات**، ملامحمد مهدی نراقی، تحقیق: سیدمحمد کلانتر و محمدرضا مظفر، دار النعمان للطباعة و النشر، نجف، بی‌تا.
۳۴. **الحدائق الناضرة**، شیخ یوسف بحرانی، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی‌تا.

۳۵. **حکم النبی الأعظم**ﷺ، محمد محمدی ری‌شهری، دفتر انتشارات اول، موسسهٔ دار الحدیث، قم، ۱۴۲۹ق.

۳۶. **حکمت‌نامه جوان**، محمد محمدی ری‌شهری، مترجم: مهدی مهریزی، چاپ هشتم، موسسهٔ دار الحدیث، قم، ۱۳۸۹ش.

۳۷. **الحیاة**، محمدرضا حکیمی، محمد حکیمی و علی حکیمی، ترجمه: احمد آرام، چاپ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ش.

۳۸. **الخرائج والجرائح**، قطب‌الدین راوندی، چاپ اول، مؤسسهٔ امام مهدیعجل، قم، ۱۴۰۹ق.

۳۹. **الخصال**، شیخ صدوق، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، چاپ اول، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۶۲ش.

۴۰. **الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور**، عبدالرحمن سیوطی، چاپ اول، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ق.

۴۱. **دستور معالم الحکم و مأثور مکارم الشیم**، محمد بن سلامة القضاعی، کتابخانه مفید، قم. بی‌تا.

۴۲. **دعائم الإسلام**، نعمان بن محمد بن حیون، تحقیق: آصف فیضی، چاپ دوم، مؤسسة آل‌البیت لإحیاء التراث، قم، ۱۳۸۵ق.

۴۳. **الدعوات**، قطب‌الدین راوندی، چاپ اول، مؤسسهٔ امام مهدیعجل، قم، ۱۴۰۷ق.

۴۴. **روضة‌الواعظین و بصیرة‌المتعظین**، فتال نیشابوری، چاپ اول، انتشارات رضی، قم، ۱۳۷۵ق.

۴۵. **الزهد**، حسین بن سعید اهوازی، تحقیق: غلامرضا عرفانیان یزدی، چاپ دوم، المطبعة العلمیة، قم، ۱۴۰۲ق.

۴۶. **سفینة‌البحار**، شیخ عباس قمی، چاپ اول، اسوه، قم، ۱۴۱۴ق.

۴۷. **السیرة‌الحلبیة**، حلبی، دار المعرفة، بیروت، ۱۴۰۰ق.

۴۸. **شرح الأخبار فی فضائل الأئمة‌الأطهار**علیهم‌السلام، نعمان بن محمد بن حیون، تحقیق: محمدحسین حسینی جلالی، چاپ اول، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۹ق.

۴۹. **شرح غررالحکم و دررالکلم**، آقاجمال خوانساری، تحقیق: جلال‌الدین حسینی ارموی محدث، چاپ چهارم، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۶ش.

۵۰. **شرح نهج‌البلاغة**، ابن ابی‌الحدید، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ اول، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ق.

۵۱. **صحیح بخاری**، محمد بن اسماعیل بخاری، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، ۱۴۰۱ق.

۵۲. **صحیح مسلم**، مسلم بن حجاج نیشابوری، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، بی‌تا.

۵۳. **الصحیفة السجادیة**، امام سجادعلیه‌السلام، چاپ اول، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶ش.

۵۴. **الصراط المستقیم إلی مستحقی التقدیم**، علی بن محمد عاملی نباطی، میخائیل رمضان، چاپ اول، المکتبة الحیدریة، نجف، ۱۳۸۴ق.

۵۵. **طب الأئمة**علیهم‌السلام، ابنا بسطام؛ عبدالله و حسین، چاپ دوم، دارالشریف الرضی، قم، ۱۴۱۱ق.

۵۶. **الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف**، سید بن طاووس، تحقیق: علی عاشور، چاپ اول، خیام، قم، ۱۴۰۰ق.

۵۷. **عدةالداعی و نجاح الساعی**، ابن‌فهد حلی، تحقیق: احمد موحدی قمی، چاپ اول، دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.

۵۸. **علل الشرائع**، شیخ صدوق، چاپ اول، کتاب‌فروشی داوری، قم، ۱۳۸۵ق.

۵۹. **عوالی اللئالی العزیزیة فی الأحادیث الدینیة**، ابن ابی‌جمهور، تحقیق: مجتبی عراقی، چاپ اول، دار سیدالشهداء علیه‌السلام، قم، ۱۴۰۵ق.

۶۰. **عیون أخبار الرضا**علیه‌السلام، شیخ صدوق، تحقیق: مهدی لاجوردی، چاپ اول، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ق.

۶۱. **عیون‌الحکم و المواعظ**، لیثی واسطی، تحقیق: حسین حسنی بیرجندی، چاپ اول، دار الحدیث، قم، ۱۳۷۶ش.

۶۲. **الغارات**، ابن‌هلال ثقفی، تحقیق: سید عبدالزهراء حسینی خطیب، چاپ اول، دارالکتب الإسلامی، قم، ۱۴۱۰ق.

۶۳. **الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب**، عبدالحسین امینی، چاپ چهارم، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۳۹۷ق.

۶۴. **غرر الحکم و دررالکلم**، تمیمی آمدی، تحقیق: سیدمهدی رجایی، چاپ دوم، دارالکتب الإسلامی، قم، ۱۴۱۰ق.

۶۵. **الغیبة**، نعمانی؛ ابن ابی‌زینب، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، چاپ اول، نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷ق.

۶۶. **الغیبة**، شیخ طوسی، تحقیق: عبادالله تهرانی و علی‌احمد ناصح، چاپ اول، دارالمعارف الإسلامیة، قم، ۱۴۱۱ق.

۶۷. **الفائق فی غریب‌الحدیث**، زمخشری، تحقیق: ابراهیم شمس‌الدین، چاپ اول، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۷ق.

۶۸. **الفردوس الأعلی**، محمدحسین کاشف‌الغطاء، تحقیق: سید محمدعلی قاضی طباطبایی، چاپ سوم، کتابخانه فیروزآبادی، قم، ۱۴۰۲ق.

۶۹. **فضائل الأشهرالثلاثة**، شیخ صدوق، غلامرضا عرفانیان یزدی، چاپ اول، کتاب‌فروشی داوری، قم، ۱۳۹۶ق.

۷۰. **فضل زیارةالحسین**علیه‌السلام، محمد بن علی بن الحسن العلوی الشجری، تحقیق: سیداحمد حسینی، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمه‌الله، قم، ۱۴۰۳ق.

۷۱. **قرب الإسناد**، عبدالله بن جعفر حمیری، چاپ اول، مؤسسة آل‌البیت لإحیاء التراث، قم، ۱۴۱۳ق.

۷۲. **کامل‌الزیارات**، ابن‌قولویه قمی، تحقیق: عبدالحسین امینی، چاپ اول، نجف، دارالمرتضویة، ۱۳۵۶ق.

۷۳. **کشف الإرتیاب**، سیدمحسن امین، تحقیق: حسن امین، مکتبة الحرمین، قم، بی‌تا.

۷۴. **کشف الغمة**، علی بن عیسی اربلی، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، چاپ اول، بنی‌هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ق.

۷۵. **کمال‌الدّین و تمام‌النعمة**، شیخ صدوق، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۹۵ق.

۷۶. **کنز العمّال فی سنن الأقوال و الأفعال**، متقی هندی، تحقیق: بکری حیانی، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۰۹ق.

۷۷. **کنز الفوائد**، محمد بن علی کراجکی، تحقیق: عبدالله نعمة، چاپ اول، دار الذخائر، قم، ۱۴۱۰ق.

۷۸. **الکافی**، شیخ کلینی، تحقیق: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، دارالکتب‌الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق.

۷۹. **مجموعة ورّام**، ورّام بن ابی‌فراس، تحقیق: محمدرضا عطایی، چاپ اول، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی علیه‌السلام، مشهد، ۱۳۶۹ش.

۸۰. **المحاسن**، احمد بن محمد بن خالد برقی، تصحیح: جلال‌الدین محدث، چاپ دوم، دارالکتب الإسلامیة، قم، ۱۳۷۱ق.

۸۱. **المحجّة البیضاء فی تهذیب‌الأحیاء**، ملامحسن فیض کاشانی، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، بی‌تا.

۸۲. **مروج‌الذهب و معادن‌الجوهر**، علی بن حسین مسعودی، چاپ دوم، دارالهجرة، قم، ۱۴۰۴ق.

۸۳. **مستدرک الوسائل**، میرزاحسین نوری، چاپ اول، مؤسسة آل‌البیت لإحیاءالتراث، قم، ۱۴۰۸ق.

۸۴. **مستطرفات السّرائر**، ابن‌ادریس حلّی، تصحیح: حسن بن احمد موسوی و ابوالحسن بن مسیح، چاپ دوم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۰ق.

۸۵. **مسکّن الفؤاد**، شهید ثانی، چاپ اول، بصیرتی، بی‌جا، قم.

۸۶. **مسند أحمد**، احمد بن حنبل شیبانی، تحقیق: عبدالله الدرویش، دار الصادر، بیروت، بی‌تا.

۸۷. **مشارق أنوار الیقین**، حافظ رجب برسی، تحقیق: علی عاشور، چاپ اول، اعلمی، بیروت، ۱۴۲۲ق.

۸۸. **مشکاة الأنوار**، علی طبرسی، تحقیق: مهدی هوشمند، چاپ اول، دارالحدیث، قم، ۱۴۱۸ق.

۸۹. **مصابیح القلوب**، ابوسعید حسن بن حسین شیعی سبزواری، به کوشش: محمد سپهری، چاپ اول، بنیان، تهران، ۱۳۷۵ش.

۹۰. **مصادقة الإخوان**، شیخ صدوق، تحقیق: سیدعلی خراسانی کاظمی، چاپ اول، کتابخانه عمومی صاحب‌الزمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، کاظمین، ۱۴۰۲ق.

۹۱. **مصباح**، ابراهیم بن علی کفعمی، چاپ دوم، دار الرضی، قم، ۱۴۰۵ق.

۹۲. **معانی‌الأخبار**، شیخ صدوق، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، چاپ اول، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۳ق.

۹۳. **معجم الأوسط**، طبرانی، تحقیق: قسم التحقیق بدار الحرمین، دار الحرمین للطباعة و النشر و التوزیع، بی‌جا، ۱۴۱۵ق.
۹۴. **المعجم الکبیر**، طبرانی، تحقیق: حمدی عبدالمجید السلفی، چاپ دوم، دار إحیاءالتراث العربی، بی‌تا.
۹۵. **المقنعة**، شیخ مفید، چاپ اول، کنگره هزاره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.
۹۶. **مکارم الأخلاق**، حسن بن فضل طبرسی، چاپ چهارم، شریف رضی، قم، ۱۳۷۰ق.
۹۷. **من لایحضره‌الفقیه**، شیخ صدوق، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۳ق.
۹۸. **مناقب آل ابی طالب**علیهم‌السلام، ابن شهرآشوب مازندرانی، چاپ اول، علامه، قم، ۱۳۷۹ق.
۹۹. **منتخب‌الأثر فی الإمام الثانی‌عشر**علیه‌السلام، لطف‌الله صافی گلپایگانی، چاپ دوم، کتابخانه آیت الله صافی گلپایگانی دام‌ظله، قم، ۱۴۲۸ق.
۱۰۰. **منیة المرید**، شهید ثانی، تحقیق: رضا مختاری، چاپ اول، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۰۱. **المواعظ العددیّة**، میرزاعلی مشکینی، چاپ ششم، الهادی، قم، ۱۴۱۹ق.
۱۰۲. **میزان الإعتدال**، ذهبی، تحقیق: علی محمد البجاوی، چاپ اول، دارالمعرفة للطباعة و النشر، بیروت، ۱۳۸۲ق.
۱۰۳. **میزان الحکمة**، محمد محمدی ری‌شهری، ترجمه: حمیدرضا شیخی، چاپ یازدهم، مؤسسهٔ دارالحدیث، قم، ۱۳۸۹ش.
۱۰۴. **النجم الثاقب**، میرزاحسین نوری، تحقیق: سید یاسین موسوی، چاپ اول، أنوارالهدی، قم، ۱۴۱۵ق.
۱۰۵. **نظم درر السمطین**، محمد زرندی حنفی، چاپ اول، بی‌جا، ۱۳۷۷ق.
۱۰۶. **النوادر**، احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی، تصحیح: مدرسه امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، چاپ اول، مدرسه امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، قم، ۱۴۰۸ق.
۱۰۷. **نورالثّقلین**، عروسی حویزی، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، چاپ چهارم، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ق.
۱۰۸. **نهج‌البلاغة**، شریف رضی، تصحیح: دکتر صبحی صالح، چاپ اول، هجرت، قم، ۱۴۱۴ق.
۱۰۹. **نهج‌السعادة فی مستدرک نهج‌البلاغه**، محمدباقر محمودی، چاپ اول، سازمان چاپ و نشر وزارت ارشاد، تهران، ۱۳۷۶ش.
۱۱۰. **نهج‌الفصاحة**، ابوالقاسم پاینده، چاپ چهارم، دنیای دانش، تهران، ۱۳۸۲ش.
۱۱۱. **الوافی**، ملامحسن فیض کاشانی، چاپ اول، کتابخانه امیرالمؤمنین علیه‌السلام، اصفهان، ۱۴۰۶ق.
۱۱۲. **وسائل‌الشیعة**، شیخ حر عاملی، چاپ اول، مؤسسة آل‌البیت لإحیاءالتراث، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۱۳. **وقعة الصفین**، نصر بن مزاحم منقری، چاپ دوم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمه‌الله، قم، ۱۴۰۴ق.